

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

طرح پژوهشی

برساخت معنای توسعه در مناطق حاشیه‌نشین مبتنی بر

فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی ICT

مجری:

میلاذ پوررجبی

زمستان ۱۴۰۰

طرح پژوهشی «برساخت معنای توسعه در مناطق حاشیه‌نشین مبتنی بر فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی ICT»، پیرو قرارداد شماره ۱۷۳/ص/۱۴۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۱۲ میان مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور (کارفرما) و دکتر میلاد پوررجبی (مجری) اجرا شده است. گزارش حاضر جلد نهایی از مستندات این طرح است.

مجری طرح: دکتر میلاد پوررجبی

نشانی: تهران، خیابان ملاصدرا، خیابان شیرازی جنوبی، خیابان استاد قانعی راد(سهیل سابق) پلاک ۹ مرکز تحقیقات
سیاست علمی کشور

صندوق پستی: ۱۳۱۴۵-۵۵۴

تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۳۶۱۴۴

دورنگار: ۰۲۱-۸۸۰۶۱۷۴۷

وب گاه: www.nrisp.ac.ir

صحت مندرجات این گزارش برعهده مدیر طرح پژوهشی است.

بهره برداری از محتوای گزارش، با ذکر منبع مجاز است.

مدیر طرح پژوهشی

دکتر میلاد پوررجبی؛ دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ :
شماره :
پیوست :

مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



فرم اختتام طرح پژوهشی

عنوان: بر ساخت معمای توسعه در مناطق حاشیه نشین مبتنی بر فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی ICT		شناسنامه طرح
مجری پروژه: جناب آقای میلاد بوررجسی		
همکاران اصلی:		
شماره قرارداد و تاریخ: ۱۴۰۰/۰۳/۱۲ - ۱۴۰۰/۰۳/۱۲	طرف قرارداد: جناب آقای میلاد بوررجسی	ناظر طرح
تاریخ پایان قرارداد: ۱۴۰۰/۰۹/۱۲ تمدید به مدت ۳ ماه تا تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۲	تاریخ تحویل گزارش نهایی: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲ اصلاحی: ۱۴۰۱/۰۳/۲۴	
گزارش نهایی طرح از لحاظ محتوای علمی مورد تأیید اینجانب <u>مسلم ناطقی</u> می باشد.		کتابخانه
نام و نام خانوادگی: <u>مسلم ناطقی</u> تاریخ و امضاء: <u>[Signature]</u>		گزارش نهایی طرح از لحاظ انطباق با شیوه نامه نگارش مورد تأیید می باشد.
مستول کتابخانه: <u>[Signature]</u> تاریخ و امضاء: <u>۱۴۰۲/۴/۴</u>		گزارش نهایی طرح در جلسه شماره ۱۳۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۳ شورای مرکز بررسی و خاتمه آن مورد تأیید قرار گرفت.
معاون پژوهشی دبیر شورای مرکز: <u>[Signature]</u> تاریخ و امضاء: <u>[Signature]</u>		شورای مرکز

خلاصه برای مدیران

فناوری های جدید و ابزارهای ارتباطی اکنون در دسترس قرار گرفته اند و کارکرد شهرها و مدیریت شهری را دستخوش تغییر کرده اند. فناوری اطلاعات و ارتباطات، تأثیر بسزایی بر شیوه ارتباط شهروندان با مقام های مسئول داشته و همچنین سبب تغییر شیوه سازماندهی و آموزش ساکنان و مقام ها شده است. یافته های پژوهش نشان دادند که چگونه ابزارهای ارتباطی گوناگون می توانند در مدیریت شهری مورد استفاده قرار گیرند. بی شک بهره گیری از کامپیوتر و سیستمهای اطلاعاتی می تواند منجر به بهبود فرایند توسعه شهری شود و همچنین امکان مشارکت بیشتر شهروندان در اداره امور شهر فراهم می شود. فناوری های جدید موجب پیشرفت سریع اقتصاد محلی نیز می شوند. تلاش دانشگاه هایی که به مدیریت توسعه شهری پرداخته اند، از جمله دانشگاه ارازموس، آن بوده است که در قالب یک برنامه آموزش حرفه ای فشرده مدیریت شهری، نظریه و عمل را با هم ترکیب کرده و از آخرین نوآوری های فناوری اطلاعات به منظور حل و فصل مشکلاتی مانند برنامه ریزی، ثبت املاک و یا پایش امور عمومی بهره جویند. در این مراکز آموزشی تدریس مبانی سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و یکپارچه سازی و استفاده از سیستمهای اطلاعات شهری، سابقه ای چندین ساله دارد. به تازگی، تجارب فراوانی با استفاده از فناوری اطلاعات و سیستمهای اطلاعات شهری در پرداختن به مسائلی چون مراقبت های بهداشتی تا کنترل حمل و نقل کسب شده است. در این میان باید به ایجاد پایگاه داده مشترک، به روز نگاه داشتن آن و استفاده از آن در کاربردهای متنوع ویژه شود. چالش اصلی طراحی یک سیستم اطلاعات شهری یکپارچه است که به تصمیم سازان شهری اجازه دهد پیامدهای تصمیم های خود را از قبل پیش بینی کرده، بتواند نتیجه سیاست های اتخاذ شده و سرمایه گذاری های انجام شده را پایش کنند. چنین سیستم اطلاعات شهری یکپارچه ای تنها مبین یک ابزار آموزشی قدرتمند نیست بلکه می تواند دارای ارزش کاربردی فراوان برای مدیران شهری باشد.

اکنون فناوری های جدید و ابزارهای ارتباطی در دسترس مدیران شهری در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه قرار گرفته اند. این مسئله سبب تغییر کارکرد اقتصاد شهری، شهرها و مدیریت شهری می شود. همچنین بر نحوه ارتباط میان شهروندان و مسئولان و روش آموزش و سازماندهی ساکنین و مقامات رسمی اثر خواهد گذارد. در این فصل توضیح داده خواهد شد چه فناوری های جدیدی را در ترکیب با سیستم اطلاعات شهری می توان به عنوان ابزاری برای مدیریت شهری به کار گرفت و چگونه ابزارهای

ارتباطی برای مقاصد مدیریت شهری مورد استفاده قرار می گیرند. به طور قطعی بهره گیری از رایانه ها و سیستمهای اطلاعاتی می تواند به بهبود و ارتقای مدیریت شهری کمک کند. دسترسی به داده های دیجیتال سبب شفافیت بیشتر می شود و امکان تصمیم گیری مشارکتی در امور شهر را به کمک ساکنین و دیگر کنشگران فراهم می سازد. کامپیوترها می توانند به صورت گسترده ای آموزش شهروندان و تأمین اطلاعات مورد نیاز مدیران شهری را تسهیل کنند.

در کشورهای درحال توسعه برای مدتی مدید دست اندرکاران امر توسعه تمایل چندانی به استفاده از سیستمهای رایانه ای نشان نمی دادند و استفاده از این سیستمها تنها محدود به مواردی مشخص بود. از منظر آنان فناوری بسیار سرمایه بر بود و امکان آسیب پذیری بالایی داشت. برنامه ریزی و مدیریت شهری به شکل سنتی آن چندان از رایانه استفاده نمی کرد و فقط در تولید نقشه ها، ممیزی های زیرساختی متکی بر رایانه و یا نوشتن و تایپ متون و رسم نمودار از رایانه استفاده می شد. اکنون امکان کاربرد فناوری اطلاعات در برنامه ریزی و مدیریت شهری توجه فراوانی را به خود جلب کرده و سبب شده تا این مسئله مورد بازبینی قرار گیرد و خود دلیلی موجه برای تغییر نگرش در این عرصه باشد. فناوری ارتباطات و اطلاعات می تواند از یک ایمیل تا ویدئو کنفرانس، اینترنت و اینترنت، آموزش از راه دور و یا پایگاه داده های الکترونیک را شامل شود. البته باید میان سیستمهای مدیریت یکپارچه مبتنی بر رایانه و بهره گیری از رایانه برای بهبود کارکردهای حکومتهای محلی در حوزه های خاص و منفرد تمایز قائل بود. در مورد دوم (یعنی استفاده از رایانه برای حل مشکلات خاص) می توان از ارتقای وضعیت مالیه شهرداریها، ثبت و جمع آوری مالیات و دیگر پایگاه داده هایی که می توانند در حل برخی از مشکلات مدیریت شهری مفید واقع شوند نام برد. برای درک اهمیت و جایگاه کاربردهای جدید فناوری اطلاعات و ارتباطات در برنامه ریزی و مدیریت شهری می توان سه بحث عمده را در نظر گرفت. نخست آنکه رایانه ها را می توان در یکپارچه سازی مجموعه داده ها به کار گرفت که در صورت عدم استفاده از رایانه ها، این یکپارچه سازی در عمل بسیار مشکل خواهد بود. دوم آنکه می توان با استفاده از شبکه ها و سیستم های رایانه ای به آسانی از بروز فساد جلوگیری کرد. در نهایت فناوری اطلاعات و ارتباطات امکان برخی جهشها را در مدیریت شهری فراهم می آورد.

تحلیل پاسخ های افراد پنج مؤلفه پیشرفته شدن، اخلاقی تر شدن، شفافیت همه جانبه، ارتقای کیفیت زندگی و ارتقای روانی اشخاص استخراج شد. در مولفه پیشرفته شدن یا پیشرفت مداری با پنج کد گذاری های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم توسعه مردمی، جدایی گزینی، دسترسی به محله، از بین رفتن محدودیتها و گستردگی امکانات استوار هستند و همچنین در مولفه اخلاقی تر شدن یا اخلاق مداری با پنج کد گذاری های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم توسعه یعنی احترام، شکل گیری روابط اجتماعی، یادگیری مداوم، اهمیت نقش شهروندی و احترام به مردم استوار هستند و همچنین در مولفه شفافیت همه جانبه یا کیفیت مداری با چهار کد گذاری های اولیه (باز) مواجه هستیم

(روبرو هستیم) که بر مفاهیم متأثر شدن نسبت به اخبار، سرعت در خبر رسانی، آگاه و مطلع شدن و افزایش تعاملات اجتماعی استوار هستند و همچنین در مولفه ارتقای کیفیت زندگی یا روان مداری با پنج کد گذاری های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم راحتی خرید، تنوع در انتخاب‌ها، داشتن سبک نوین، احساس راحتی و سهولت در دسترسی استوار هستند و در نهایت با مولفه ارتقای روانی اشخاص یا شفاف مداری با هفت کد گذاری های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم منزلت یعنی پول داشتن، از بین رفتن تضادها، سازگاری با محیط اجتماعی، حس اثربخشی، امید بخش بودن، رضایتمندی شخصی و اعتماد به نفس استوار هستند که در ادامه همین فصل توضیحات هر کدام و در زمینه مفصل بندی آنان با مقوله های میانه و مرکزی روشن خواهد شد. لازم به ذکر است که مقولات از پاسخ های مشارکت کنندگانی که در حاشیه شهر (حاشیه نشینان) مبتنی بر معنا و تقلی که از مفهوم توسعه داشتند استخراج شده است و مبتنی بر اظهارات آنان (کشف ساختمان فکری در زمینه توسعه) یک کنش مندی را برای خود متصور بودند که بر پایه ساختار الگوریتمی کد گذاری محوری (مقولات اصلی) برپایه مفاهیم مستخرج شده یعنی پیشرفت مداری، اخلاق مداری، کیفیت مداری، روان مداری و شفاف مداری بر روی یک سازه مرکزی این پنج مولفه را بهم پیوسته و در یک منظومه فکری (سامان منطقی مفاهیم مرتبط) قرار میدادند که با توجه به رویکرد رساله حاضر یعنی تاکید بر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ict) به جهت توسعه یابی مناطق و فهم افراد در این مناطق (مشارکت کنندگان حاشیه نشین) بر مبنای تاکید آن در مصاحبه شناسایی و نام گذاری شد؛ این سازه مرکزی که با توجه به عملیات کدگذاری اولیه و ثانویه (خرده مقولات و مقولات اصلی) میتوان در قسمت کد گذاری انتخابی (مقوله مرکزی) به آن اشاره کرد با عنوان شکلگیری منش قدرت‌مندان شهری یک بسط تئوریک به جهت ارتباط منطقی با خرده مقولات و مقولات اصلی در فرایند کار میتوان مشاهده نمود.

پاسخ‌های افراد چهار مؤلفه توسعه دولتی، فتور در اعتبار بخشی، تک روی در شرایط اجتماعی، مسئولیت پذیری در حاشیه شهر استخراج شد. در مولفه توسعه دولتی یا دولت محوری با شش کد گذاری های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم نگاه اعتبار بخش، تامین کننده قدرت‌مند، توجه به کمبودهای، پوشش دادن امکانات، قیم مابانه، عامل بنیادی توسعه استوار هستند و همچنین در اعتبار بخشی یا پایدار محوری با شش کد گذاری های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم تحصیلات و آموزش پایین، طرد و نفی حاشیه، نادیده گرفته شدن، شغل های دست دوم (کهنه)، گسیختگی و انفصال محله و ناسازگاری بین مناطق (دوگانه‌سازی) استوار هستند و همچنین در مولفه جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی یا جمع محوری با شش کد گذاری های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم کمبود قوانین جمعی، بی‌اعتمادی به مشارکت‌های دسته جمعی، تعهد کم به افراد محله، کم رنگ شدن ترس از نظارت دیگران، بیتفاوتی به محیط اجتماعی و نداشتن منافع مشترک با دیگران استوار هستند و در نهایت با مولفه مسئولیت پذیری یا تعهد محوری با هفت کد گذاری های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم فرایند و روال اداری، پیچیدگی در قانون گذاری، پالایش نظرات، سلسه

مراتبی بودن، مولد و تولیدگر، روحیه ناسپاسی، حجم انبوه انتظارات استوار هستند که در ادامه همین فصل توضیحات هر کدام و در زمینه مفصل بندی آنان با مقوله های میانه و مرکزی روشن خواهد شد. لازم به ذکر است که مقولات از پاسخ های مشارکت کنندگانی که مسئولیتی در حاشیه شهر برعهده داشتند مبتنی بر معنا و تقلی که آنان از مفهوم توسعه و چرایی توسعه نیافتگی که در ذهن خود داشتند استخراج شده است و مبتنی بر اظهارات آنان (کشف ساختمان فکری در زمینه توسعه) یک کنش مندی را برای خود متصور بودند که بر پایه ساختار الگوریتمی کد گذاری محوری (مقولات اصلی) برپایه مفاهیم مستخرج شده یعنی دولت محوری، ناپایدار محوری، فرد محوری و نامتعد محوری بر روی یک سازه مرکزی این پنج مولفه را بهم پیوسته و در یک منظومه فکری (سامان منطقی مفاهیم مرتبط) قرار میدادند که با توجه به رویکرد رساله حاضر یعنی تاکید بر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ict) به جهت توسعه یابی مناطق و فهم افراد در این مناطق (مشارکت کنندگان حاشیه نشین) بر مبنای تاکید آن در مصاحبه شناسایی و نام گذاری شد؛ این سازه مرکزی که با توجه به عملیات کدگذاری اولیه و ثانویه (خرده مقولات و مقولات اصلی) میتوان در قسمت کد گذاری انتخابی (مقوله مرکزی) به آن اشاره کرد با عنوان فهم تک ساحتی از توسعه یک بسط تئوریک به جهت ارتباط منطقی با خرده مقولات و مقولات اصلی در فرایند کار میتوان مشاهده نمود.

پیشنهادات کاربردی:

- ضرورت توجه به فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی در حاشیه و پیرامون شهرها امکان های الکترونیکی و تجهیز محلات به اینترنت پر سرعت و تلاش برای اقدامات کاهنده ی فقر غیراقتصادی توسط سازمان ها و نهادهای ذیربط با توجه به الگوهای غیر اقتصادی فقر در پژوهش حاضر و ابعادی مانند فقر بهداشتی و سلامتی.
- تاسیس شرکت های دانش بنیان خرد در حاشیه شهر ها جهت روان سازی و بهسازی حاشیه شهری -اعطای اعتبارات خرد محلی، جهت تجهیز ساختن موسسات دانش بنیان به جای سیستم نظام مند و هدف گذاری شده ی اعطای اعتبارات فعلی با توجه به تجربه ی موفق سایر کشورها در این زمینه. در این راستا، استفاده از ظرفیت های محلی و ایجاد نظام درون زاد تأمین مالی و تقویت منابع مالی در شکل محلی و به صورت پایدار توصیه می گردد.
- ایجاد اعتبار بخشی و معتبر سازی حاشیه شهر با ایجاد امکانات اولیه برای زندگی توجه به جنسیت در سیاست های رفاهی با توجه به مسائل خاص زنان فقیر مانند شرایط شغلی و درآمدی نامناسب، کمبود مهارت ها، عدم بهره مندی از حمایت های اجتماعی مناسب، قرار گرفتن در معرض خشونت خانگی، اعتیاد شوهر، به زندان رفتن شوهر، نگهداری از کودکان و بیماران به تنهایی و غیره.

- تصمیم سازی و مدیریت بخش پیرامون شهر به شکل تخصصی با ایجاد مرکز رصد در شهرداری و ساخت کارگروه افزایش کیفیت زندگی با حضور متخصصان حاشیه شهر و کارگروه های تخصصی
- ایجاد پژوهشکده توسعه حاشیه شهری و توسعه ساختار شهر جهت ارائه طرح ها و برنامه های توسعه ی مختص در حاشیه و اسکان غیر رسمی.
- ایجاد ساختار توانبخشی (تاسیس مراکز مدیریت حاشیه شهری) و حمایت محوری (اعتنا وام های بلند مدت و تسهیلات خرید مسکن و تجهیزات) به وسیله عضویت در موسسات دانش بنیان.
- حمایت های روانی و روحی برای مردم حاشیه شهر به شکل جدی توسط سازمان های بهزیستی و کمیته امداد جدی گرفته شود.

چکیده

اشکال خاص توزیع فناوری اطلاعاتی و ارتباطی و پیدایش مکان‌های پیرامونی باعث خواهد شد تعادل و نظم اجتماعی موجود در محیط شهری مورد تحدید واقع شود. این رساله بر مبنای فهم کنش‌مندی افرادی که حاضر در مناطق حاشیه نشین هستند، بر اساس روش پدیدارشناسی تلاش کرده است تا مفاهیم اساسی در جهت توسعه و توسعه یابی این مناطق ارائه دهد تا بر مبنای فهم توسعه‌ی حاشیه شهری از دیدگاه ساکنین سیاست‌های کلان توسعه شهری و توسعه حاشیه‌ی شهری، برنامه‌ریزی و طراحی شود.

بدین منظور با استفاده از روش ترکیبی متوالی اکتشافی در مرحله اول فهم معنای توسعه و در مرحله دوم تایید مولفه‌های استخراج شده از مرحله ابتدایی پژوهش به انجام رسید. بنابراین در مرحله اول با روش پدیدارشناسی در جهت درک تجربه زیسته دو طیف از افرادی که فهم آنان در توسعه از مناطق حاشیه‌ای تاثیرگذار بر روند توسعه یابی منطقه تحت مطالعه بود، بر اساس ساختار پژوهش کیفی و اشباع نظری صورت پذیرفته طیف اول ۴۲ نفر از حاشیه نشینان شهر و طیف دوم ۲۶ نفر از مسئولین شهر که دخیل در امر توسعه‌ی حاشیه شهر رشت هستند، مصاحبه عمیق نیمه ساختارمند به شکل هدفمند صورت پذیرفت. در مرحله دوم با استفاده از روش پیمایش در منطقه مورد مطالعه و پرسشنامه محقق ساخته که از پژوهش کیفی با استفاده از اعتبار صوری انجام شده تنظیم و استخراج شد که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه $385 \cong 381$ نفر از افرادی که ساکن در مناطق حاشیه نشین شهر رشت هستند پخش شد و تحلیل داده‌ها انجام پذیرفت.

نتایج اولیه از پژوهش کیفی مورد تایید قرار گرفت و بازنگری لازم جهت اصلاح نتایج از طریق پیمایش صورت پذیرفت. به صورت خلاصه یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حاشیه نشینان فهم معنای توسعه در حاشیه شهر را به مثابه پیشرفت محوری، اخلاق محوری، شفاف محوری، کیفیت محوری و روان محوری میدانند و مسئولین شهر فهم معنای توسعه در میان مناطق حاشیه نشین را به مثابه دولت محوری، پایدار محوری، جمع محوری و تعهد محوری می‌شناسند با استفاده از روش کمی داده‌ها مورد استخراج شده در مرحله اول مورد تایید قرار گرفتند.

کلیدواژه‌ها: معنای توسعه، فناوری اطلاعات و ارتباطات، پدیدارشناسی، حاشیه‌نشینی، توسعه حاشیه‌ی شهری.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات پژوهش و طرح مسئله	۱
۱-۱- مقدمه	۲
۲-۱- بیان مساله	۵
۳-۱- توسعه و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات	۸
۴-۱- فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در حاشیه‌ی شهر	۲۲
۵-۱- ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق	۲۹
۶-۱- محدوده مورد مطالعه پژوهش	۳۲
۷-۱- نگاهی به مفهوم برساخت توسعه حاشیه‌نشینی	۳۷
۸-۱- پیشینه پژوهش	۳۹
۱-۸-۱- پیشینه پژوهش‌های انجام شده خارجی	۴۰
۲-۸-۱- پیشینه پژوهش‌های انجام شده داخلی	۴۳
۳-۸-۱- تجارب جهانی توسعه شهری	۵۲
۱-۳-۸-۱- تجارب سوئد	۵۲
۲-۳-۸-۱- تجارب فیلادلفیا و نیویورک	۵۳
۳-۳-۸-۱- تجارب ایتالیا	۵۳
۴-۳-۸-۱- تجارب کشورهای آسیایی	۵۴
۴-۸-۱- جمع‌بندی؛ تجزیه و تحلیل پیشینه تجربی	۵۴
فصل دوم: مبانی و چارچوب نظری و مفهومی؛ انتخاب تئوری‌ها و تبیین‌کننده‌ها	۲
۱-۲- مقدمه	۵۹
۲-۲- تعریف مفاهیم	۶۴
۱-۲-۲- تکنولوژی	۶۵
۲-۲-۲- توسعه انسانی اجتماعی	۶۶
۳-۲-۲- فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات	۶۷
۴-۲-۲- توسعه اقتصادی	۶۸
۳-۲- ساخت‌یابی توسعه	۶۸
۱-۳-۲- تغییر در مفاهیم توسعه	۷۲

- ۷۴ ۲-۳-۲- درک معنای توسعه
- ۷۴ ۲-۳-۳- توسعه‌یابی
- ۷۷ ۲-۳-۴- الگوی توسعه‌یابی
- ۷۷ ۲-۳-۴-۱- مرحله نخست: جامعه سنتی
- ۷۷ ۲-۳-۴-۲- مرحله دوم: شرایط قبل از صعود یا جهش
- ۷۸ ۲-۳-۴-۳- مرحله سوم: صعود یا جهش
- ۷۸ ۲-۳-۴-۴- مرحله چهارم: حرکت به سوی بلوغ اقتصادی
- ۷۹ ۲-۳-۴-۵- مرحله پنجم: عصر مصرف کلان یا انبوه
- ۸۰ ۲-۳-۵- رویکردهای توسعه در مناطق شهری
- ۸۱ ۲-۳-۶- توسعه فرهنگی و اجتماعی
- ۸۳ ۲-۳-۷- توسعه کالبدی- فضایی
- ۸۳ ۲-۳-۸- توسعه زیست محیطی
- ۸۴ ۲-۳-۹- توسعه اقتصادی
- ۸۴ ۲-۳-۱۰- مشارکت در توسعه
- ۸۶ ۲-۳-۱۱- سیر تکوینی توسعه در مناطق حاشیه شهری
- ۸۸ ۲-۴-۱- ساخت‌یابی حاشیه‌ی شهر
- ۹۰ ۲-۴-۱- تاریخچه توسعه بافت‌های حاشیه شهری در جهان
- ۹۱ ۲-۴-۲- مساله محوری در توسعه حاشیه‌ی شهر
- ۹۴ ۲-۴-۳- ویژگی‌های مناطق حاشیه نشین از نگاه سیمون چپمن
- ۹۵ ۲-۴-۴- روند توسعه‌یابی در حاشیه‌ی شهر
- ۹۵ ۲-۴-۵- ظرفیت فقر در حاشیه‌ی شهر
- ۹۶ ۲-۴-۶- بیکاری در حاشیه‌ی شهر
- ۹۷ ۲-۴-۷- مالکیت محلی در حاشیه‌ی شهر
- ۹۸ ۲-۴-۸- سیاست‌های توسعه در حاشیه‌ی شهر
- ۹۹ ۲-۴-۹- رویکردهای توسعه در حاشیه‌ی شهر
- ۱۰۰ ۲-۴-۱۰- الگوی زمین در حاشیه‌ی شهر
- ۱۰۰ ۲-۴-۱۱- الگوی تولید سرمایه در حاشیه‌ی شهر
- ۱۰۱ ۲-۴-۱۲- الگوی ساخت مسکن در حاشیه‌ی شهر
- ۱۰۲ ۲-۴-۱۳- ملاحظات زیست محیطی در حاشیه‌ی شهر
- ۱۰۲ ۲-۴-۱۴- تأمین خدمات و زیرساختها در حاشیه‌ی شهر
- ۱۰۳ ۲-۴-۱۵- مداخلات شهری در حاشیه‌ی شهر

- ۱۰۶-۴-۲-۱۶- روش‌های بازسازی و بهسازی در حاشیه‌ی شهر.....
- ۱۰۷-۴-۲-۱۷- طرح‌های توسعه‌ی در حاشیه‌ی شهری.....
- ۱۰۸-۴-۲-۱۸- تحولات در حاشیه‌ی شهر.....
- ۱۰۹-۵-۲-۵- برداشت‌های نظری در حاشیه‌ی شهر (نظریه‌ها و الگوها).....
- ۱۰۹-۵-۲-۱- نظریه مرکز- پیرامون.....
- ۱۱۱-۵-۲-۲- نظریه ساخت یابی آنتونی گیدنز.....
- ۱۱۲-۵-۲-۳- گونارمیردال؛ علیت انباشتی و اثر پی آیندی.....
- ۱۱۲-۵-۲-۴- دیدگاه نوسازی؛ «شهری شدن» معادل با «توسعه یافتگی».....
- ۱۱۳-۵-۲-۵- نظریه اعیان سازی.....
- ۱۱۵-۵-۲-۶- نظریه محرومیت زدایی و راهبرد برنامه‌ریزی اجتماعی.....
- ۱۱۵-۵-۲-۷- الگوی جایگزینی.....
- ۱۱۵-۵-۲-۸- الگوی پالایش شهری.....
- ۱۱۶-۵-۲-۹- الگوی خودکفایی و خودتنظیمی.....
- ۱۱۶-۵-۲-۱۰- الگوی طرح تجمیع.....
- ۱۱۶-۵-۲-۱۱- الگوی سرمایه اجتماعی.....
- ۱۱۷-۶-۲-۶- کاربرد و نقش فناوری اطلاعاتی و ارتباطی ICT در ساخت‌یابی توسعه حاشیه‌ی شهر.....
- ۱۲۱-۶-۲-۱- روندهای رشد و تکامل توسعه به کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات.....
- ۱۲۳-۶-۲-۲- مشارکت محلی و فناوری اطلاعات و ارتباطات.....
- ۱۲۴-۶-۲-۳- شکاف دیجیتال و فناوری اطلاعات و ارتباطات.....
- ۱۲۶-۶-۲-۴- دولت و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات.....
- ۱۲۸-۶-۲-۵- شهروندان و فناوری اطلاعات و ارتباطات.....
- ۱۳۰-۶-۲-۶- توسعه شهری و فناوری اطلاعات و ارتباطات.....
- ۱۳۶-۶-۲-۷- حاشیه‌نشینی و فناوری اطلاعات و ارتباطات.....
- ۱۳۹-۶-۲-۸- مدیریت حاشیه‌ی شهر و فناوری اطلاعات و ارتباطات.....
- ۱۴۱-۷-۲-۷- چهارچوب مفهومی پژوهش.....
- ۱۴۷- فصل سوم: روش‌شناسی پژوهش؛ عملیات شناسایی مناطق و فازبندی.....
- ۱۴۸-۱-۳-۱- مقدمه.....
- ۱۵۱-۲-۳-۲- معرفت‌شناسی پژوهش.....
- ۱۵۶-۳-۳-۳- روش تحقیق ترکیبی.....
- ۱۵۹-۴-۳-۴- بخش کیفی.....
- ۱۵۹-۱-۴-۳-۱- روش تحقیق.....
- ۱۶۲-۲-۴-۳-۲- گام‌های نظری در پژوهش.....

۱۶۳ ۳-۴-۳- گام‌های تجربی در پژوهش کیفی
۱۶۳ ۳-۴-۳-۱- مرحله اول: تعلیق (اپوخه)
۱۶۵ ۳-۴-۳-۲- مرحله دوم: توجه به مفهوم آگاهی یا وجدان
۱۶۶ ۳-۴-۳-۳- مرحله سوم: توجه به مفهوم در جهان زندگی
۱۶۶ ۳-۴-۳-۴- مرحله چهارم: توجه به میان ذهنیت افراد
۱۶۷ ۳-۴-۴- نمونه‌گیری
۱۷۱ ۳-۴-۵- مصاحبه در پژوهش
۱۷۲ ۳-۴-۵-۱- مصاحبه اول
۱۷۳ ۳-۴-۵-۲- مصاحبه دوم
۱۷۴ ۳-۴-۵-۳- مصاحبه سوم
۱۷۵ ۳-۴-۵-۴- فاصله‌گذاری میان مصاحبه‌ها
۱۷۵ ۳-۴-۶- اعتبار و پایایی
۱۷۷ ۳-۴-۷- استخراج داده‌های کیفی
۱۷۸ ۳-۴-۸- کدگذاری داده‌ها
۱۸۰ ۳-۵-۵- بخش کمی
۱۸۰ ۳-۵-۱- روش تحقیق
۱۸۲ ۳-۵-۲- تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق
۱۸۳ ۳-۵-۲-۱- جامعه آماری
۱۸۳ ۳-۵-۲-۲- ابزار و روش جمع‌آوری اطلاعات
۱۸۴ ۳-۵-۲-۳- واحد تحلیل
۱۸۴ ۳-۵-۲-۴- سطح تحلیل
۱۸۴ ۳-۵-۲-۵- تهیه پرسشنامه
۱۸۴ ۳-۵-۳- نمونه آماری و شیوه نمونه‌گیری
۱۸۵ ۳-۵-۳-۱- تعیین حجم نمونه
۱۸۵ ۳-۵-۳-۲- نمونه‌گیری
۱۸۷ ۳-۵-۳-۳- آزمون پرسشنامه (سنجش اعتبار و پایایی پرسشنامه)
۱۸۹ ۳-۵-۴- استخراج داده‌ها
فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح	
۱۹۰ مناطق
۱۹۱ ۴-۱- نتایج بخش کیفی
۱۹۱ ۴-۱-۱- قسمت اول - حاشیه نشینان و ساکنین در مناطق حاشیه‌ی شهر رشت

- ۱۹۳ ۱-۱-۱-۴ یافته‌ها
- ۲۰۰ ۲-۱-۱-۴ توسعه به معنای پیشرفته شدن (پیشرفت محوری)
- ۲۰۱ ۳-۱-۱-۴ توسعه مردمی
- ۲۰۳ ۴-۱-۱-۴ جدایی‌گزینی
- ۲۰۴ ۵-۱-۱-۴ دسترسی به محله
- ۲۰۵ ۶-۱-۱-۴ از بین رفتن محدودیت‌ها
- ۲۰۶ ۷-۱-۱-۴ گسترده‌گی امکانات
- ۲۰۷ ۸-۱-۱-۴ توسعه به معنای اخلاقی‌تر شدن (اخلاق محوری)
- ۲۱۴ ۹-۱-۱-۴ توسعه به معنای شفافیت همه‌جانبه (شفاف محوری)
- ۲۱۸ ۱۰-۱-۱-۴ توسعه به معنای ارتقای کیفیت زندگی (کیفیت محوری)
- ۲۲۶ ۱۱-۱-۱-۴ توسعه به معنای ارتقای روانی اشخاص (روان‌مداری)
- ۲۳۴ ۱۲-۱-۱-۴ شکل‌گیری منش قدرت‌مندانه شهری (از حاشیه درآمدگی پنهان)
- ۲۴۲ ۲-۱-۲-۴ قسمت دوم- مسئولین شهری و مدیران در مناطق حاشیه‌ی شهر رشت
- ۲۴۳ ۱-۲-۱-۴ یافته‌ها
- ۲۸۵ ۲-۲-۱-۴ فهم تک‌ساحتی از توسعه (حاشیه‌سازی مناطق شهری)
- ۲۹۱ ۳-۲-۱-۴ جمع‌بندی
- ۲۹۵ ۴-۲-۱-۴ جمع‌بندی دو مطالعه کیفی
- ۳۱۱ ۲-۲-۱-۴ نتایج بخش کمی
- ۳۱۱ ۱-۲-۱-۴ بخش توصیفی
- ۳۱۱ ۱-۱-۲-۴ جنسیت
- ۳۱۲ ۲-۱-۲-۴ سن
- ۳۱۲ ۳-۱-۲-۴ وضعیت تأهل
- ۳۱۳ ۴-۱-۲-۴ قومیت
- ۳۱۳ ۵-۱-۲-۴ مذهب
- ۳۱۴ ۶-۱-۲-۴ منطقه زندگی
- ۳۱۴ ۷-۱-۲-۴ تحصیلات
- ۳۱۵ ۸-۱-۲-۴ وضعیت شغلی
- ۳۱۵ ۹-۱-۲-۴ درآمد
- ۳۱۶ ۱۰-۱-۲-۴ هزینه
- ۳۱۶ ۱۱-۱-۲-۴ منزل مسکونی
- ۳۱۷ ۱۲-۱-۲-۴ ارزش منزل مسکونی

۳۱۷ ۴-۲-۱-۱۳- علت سکونت در محل
۳۱۸ ۴-۲-۱-۱۴- تمایل به مشارکت در بهبود محله
۳۱۸ ۴-۲-۱-۱۵- پایگاه اجتماعی-اقتصادی عینی
۳۱۹ ۴-۲-۱-۱۶- پایگاه اجتماعی-اقتصادی ذهنی
۳۱۹ ۴-۲-۲- بررسی توصیفی مولفه‌های پژوهش
۳۱۹ ۴-۲-۲-۱- ارزیابی وضعیت محله
۳۲۱ ۴-۲-۲-۲- آشنایی فناوری اطلاعات و ارتباطات
۳۲۲ ۴-۲-۲-۳- اخلاقی‌تر شدن
۳۲۲ ۴-۲-۲-۴- پیشرفته‌تر شدن
۳۲۳ ۴-۲-۲-۵- ارتقای روانی اشخاص:
۳۲۳ ۴-۲-۲-۶- شفافیت همه جانبه
۳۲۳ ۴-۲-۲-۷- ارتقای کیفیت زندگی
۳۲۴ ۴-۲-۲-۸- اعتباربخشی (پایدارمحوری)
۳۲۴ ۴-۲-۲-۹- جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی (جمع‌محوری):
۳۲۵ ۴-۲-۲-۱۰- مسئولیت‌پذیری (تعهدمحوری)
۳۲۵ ۴-۲-۲-۱۱- دولتی شدن
۳۲۶ ۴-۳- بخش تحلیلی
۳۲۷ ۴-۳-۱- مؤلفه اخلاقی‌تر شدن
۳۲۸ ۴-۳-۲- مؤلفه پیشرفته شدن
۳۲۹ ۴-۳-۳- مؤلفه ارتقای روانی اشخاص
۳۳۰ ۴-۳-۴- مؤلفه شفافیت همه جانبه
۳۳۲ ۴-۳-۵- مؤلفه ارتقای کیفیت زندگی
۳۳۳ ۴-۳-۶- مؤلفه اعتباربخشی (پایدارمحوری)
۳۳۴ ۴-۳-۷- مؤلفه جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی (جمع‌محوری)
۳۳۶ ۴-۳-۸- مؤلفه مسئولیت‌پذیری (تعهدمحوری)
۳۳۷ ۴-۳-۹- مؤلفه دولتی شدن
۳۳۸ ۴-۳-۱۰- فناوری اطلاعات و ارتباطات
۳۴۰ فصل پنجم: خلاصه و نتیجه‌گیری؛ تحلیل و جمع‌بندی
۳۴۱ ۵-۱- مقدمه
۳۴۸ ۵-۲- جمع‌بندی
۳۵۲ ۵-۳- پیشنهادات کاربردی

۳۵۳	۴-۵- پیشنهادات موضوعی
۳۵۳	۵-۵- محدودیت‌های تحقیق
۳۸۷	فهرست منابع

فهرست جدول‌ها

عنوان	صفحه
جدول ۱-۱- امتیازها و رتبه بندی‌های اقتصاد دیجیتال در سال ۲۰۲۰ رتبه ۲۰۲۱	۱۵
جدول ۱-۲- روند افزایش جمعیت شهری ایران از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ سرشماری نفوس و مسکن	۲۵
جدول ۱-۳- مناطق حاشیه نشین رشت	۳۶
جدول ۱-۴- تعاریف مفاهیم نهادی در شکل‌گیری توسعه	۳۸
جدول ۲-۱- سیر تکاملی رویکرد توسعه شهری	۸۷
جدول ۳-۱- موضع فلسفی در پدیدارشن	۱۵۲
جدول ۳-۲- شیوه تحلیل داده‌های پدیدارشناختی	۱۶۱
جدول ۳-۳- جمعیت امار حاشیه شهر رشت	۱۸۶
جدول ۳-۴- ضریب آلفای کرونباخ و اعتبار سازه‌های مولفه‌ها	۱۸۸
جدول ۴-۱- نام مناطق و محلات تحت مصاحبه در پژوهش	۱۹۲
جدول ۴-۲- مشخصات مشارکت‌کنندگان در مناطق حاشیه‌ی شهر رشت	۱۹۳
جدول ۴-۳- فرایند کدگذاری و مقوله‌های استخراجی مصاحبه‌ها	۱۹۶
جدول ۴-۴- مشخصات شکسته شده پاسخگویان	۱۹۷
جدول ۴-۵- نام سازمان‌ها و ادارات تحت مصاحبه در پژوهش	۲۴۲
جدول ۴-۶- مشخصات مدیران مشارکت‌کننده در مناطق حاشیه‌ی شهر	۲۴۴
جدول ۴-۷- کد گذاری مصاحبه‌های مسئولین شهری و مدیران در مناطق حاشیه‌ی شهر	۲۴۵
جدول ۴-۸- مشخصات پاسخگویان	۲۴۷
جدول ۴-۹- جدول فراوانی وضعیت جنسیتی پاسخگویان	۳۱۱
جدول ۴-۱۰- فراوانی وضعیت سنی پاسخگویان	۳۱۲
جدول ۴-۱۱- فراوانی وضعیت تأهل پاسخگویان	۳۱۲
جدول ۴-۱۲- فراوانی وضعیت قومی پاسخگویان	۳۱۳
جدول ۴-۱۳- فراوانی وضعیت مذهبی پاسخگویان	۳۱۳
جدول ۴-۱۴- فراوانی دیدگاه پاسخگویان نسبت به منطقه زندگی	۳۱۴
جدول ۴-۱۵- جدول فراوانی وضعیت تحصیلات پاسخگویان	۳۱۴
جدول ۴-۱۶- فراوانی وضعیت شغلی پاسخگویان	۳۱۵
جدول ۴-۱۷- فراوانی میزان درآمد پاسخگویان	۳۱۵
جدول ۴-۱۸- فراوانی میزان هزینه پاسخگویان	۳۱۶
جدول ۴-۱۹- فراوانی وضعیت منزل مسکونی پاسخگویان	۳۱۶
جدول ۴-۲۰- فراوانی ارزش منزل مسکونی پاسخگویان	۳۱۷

- جدول ۴-۲۱- فراوانی علت سکونت در محل از منظر پاسخگویان ۳۱۷
- جدول ۴-۲۲- فراوانی تمایل به مشارکت در بهبود محله ۳۱۸
- جدول ۴-۲۳- فراوانی طبقه عینی پاسخگویان ۳۱۸
- جدول ۴-۲۴- فراوانی طبقه ذهنی پاسخگویان ۳۱۹
- جدول ۴-۲۵- فراوانی ارزیابی وضعیت محله از دیدگاه پاسخگویان ۳۱۹
- جدول ۴-۲۶- توزیع فراوانی و درصدی پاسخ به وضعیت محله از دیدگاه پاسخگویان ۳۲۰
- جدول ۴-۲۷- فراوانی آشنایی پاسخگویان با فناوری اطلاعات و ارتباطات ۳۲۱
- جدول ۴-۲۸- فراوانی توسعه به معنای اخلاقی تر شدن از دیدگاه پاسخگویان ۳۲۲
- جدول ۴-۲۹- فراوانی توسعه به معنای پیشرفته تر شدن از دیدگاه پاسخگویان ۳۲۲
- جدول ۴-۳۰- فراوانی توسعه به معنای ارتقای روانی اشخاص از دیدگاه پاسخگویان ۳۲۳
- جدول ۴-۳۱- فراوانی توسعه به معنای شفافیت همه جانبه از دیدگاه پاسخگویان ۳۲۳
- جدول ۴-۳۲- فراوانی توسعه به معنای ارتقای کیفیت زندگی از دیدگاه پاسخگویان ۳۲۳
- جدول ۴-۳۳- فراوانی توسعه به معنای اعتباربخشی (پایدارمحوری) از دیدگاه پاسخگویان ۳۲۴
- جدول ۴-۳۴- فراوانی توسعه به معنای جمع گرایی در شرایط اجتماعی (جمع محوری) از دیدگاه پاسخگویان ۳۲۴
- جدول ۴-۳۵- فراوانی توسعه به معنای مسئولیت پذیری (تعهدمحوری) از دیدگاه پاسخگویان ۳۲۵
- جدول ۴-۳۶- فراوانی توسعه به معنای دولتی شدن از دیدگاه پاسخگویان ۳۲۵
- جدول ۴-۳۷- آزمون های تناسب داده ها و شاخص های آماری اولیه برای تحلیل عاملی مؤلفه اخلاقی تر شدن ۳۲۷
- جدول ۴-۳۸- ماتریس گویه های مؤلفه اخلاقی تر شدن ۳۲۷
- جدول ۴-۳۹- آزمون های تناسب داده ها و شاخص های آماری اولیه برای تحلیل عاملی مؤلفه پیشرفته شدن ۳۲۸
- جدول ۴-۴۰- ماتریس مؤلفه مؤلفه پیشرفته شدن ۳۲۹
- جدول ۴-۴۱- آزمون های تناسب داده ها و شاخص های آماری اولیه برای تحلیل عاملی مؤلفه ارتقای روانی اشخاص ۳۲۹
- جدول ۴-۴۲- ماتریس مؤلفه مؤلفه ارتقای روانی اشخاص ۳۳۰
- جدول ۴-۴۳- آزمون های تناسب داده ها و شاخص های آماری اولیه برای تحلیل عاملی مؤلفه شفافیت همه جانبه ۳۳۱
- جدول ۴-۴۴- ماتریس مؤلفه مؤلفه شفافیت همه جانبه ۳۳۱
- جدول ۴-۴۵- آزمون های تناسب داده ها و شاخص های آماری اولیه برای تحلیل عاملی مؤلفه ارتقای کیفیت زندگی ۳۳۲
- جدول ۴-۴۶- ماتریس مؤلفه مؤلفه ارتقای کیفیت زندگی ۳۳۲
- جدول ۴-۴۷- آزمون های تناسب داده ها و شاخص های آماری اولیه برای تحلیل عاملی مؤلفه اعتباربخشی (پایدارمحوری) ۳۳۳
- جدول ۴-۴۸- ماتریس مؤلفه اعتباربخشی (پایدارمحوری) ۳۳۴
- جدول ۴-۴۹- آزمون های تناسب داده ها و شاخص های آماری اولیه برای تحلیل عاملی مؤلفه جمع گرایی در شرایط اجتماعی (جمع محوری) ۳۳۴
- جدول ۴-۵۰- ماتریس مؤلفه مؤلفه جمع گرایی در شرایط اجتماعی (جمع محوری) ۳۳۵

جدول ۴-۵۱- آزمون‌های تناسب داده‌ها و شاخص‌های آماری اولیه برای تحلیل عاملی مؤلفه مسئولیت‌پذیری (تعهدمحوری)	۳۳۶
جدول ۴-۵۲- ماتریس مولفه مؤلفه مسئولیت‌پذیری (تعهدمحوری)	۳۳۶
جدول ۴-۵۳- آزمون‌های تناسب داده‌ها و شاخص‌های آماری اولیه برای تحلیل عاملی مؤلفه دولتی شدن	۳۳۷
جدول ۴-۵۴- ماتریس مولفه مؤلفه دولتی شدن	۳۳۸
جدول ۴-۵۵- آزمون‌های تناسب داده‌ها برای تحلیل عاملی مؤلفه فناوری اطلاعات و ارتباطات	۳۳۸
جدول ۴-۵۶- شاخص‌های آماری اولیه مؤلفه فناوری اطلاعات و ارتباطات	۳۳۸
جدول ۴-۵۷- ماتریس مولفه مؤلفه فناوری اطلاعات و ارتباطات	۳۳۹

فهرست نمودارها

عنوان	صفحه
نمودار ۱-۱- طرح شماتیک ابتدایی از مسئله پژوهش	۴
نمودار ۲-۱- خانوارهای دارای دسترسی به اینترنت در سراسر جهان طی سالهای ۲۰۰۵-۲۰۱۵، مقایسه مقدار هدف با مقدار پیش بینی شده در سال ۲۰۲۰	۹
نمودار ۳-۱- درصد افراد استفاده کننده از اینترنت، براساس جنسیت، منطقه و سطح توسعه کشورها، سال ۲۰۱۵	۱۰
نمودار ۴-۱- خانوارهای دارای دسترسی به اینترنت، بر اساس منطقه و سطح توسعه کشورها، سال ۲۰۱۵	۱۱
نمودار ۵-۱- اهداف ۲۰۲۰ اتصال	۱۲
نمودار ۶-۱- تعداد خطوط تلفن ثابت، مشترکین تلفن همراه و کاربران اینترنت از هر ۱۰۰ نفر در جهان، ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۹	۱۴
نمودار ۷-۱- تأثیر فناوریهای اطلاعات و ارتباطات در رشد اقتصادی	۱۹
نمودار ۸-۱- توزیع جهانی برونسپاری فرامرزی فناوری اطلاعات و خدمات مبتنی بر فناوری اطلاعات	۲۰
نمودار ۹-۱- تغییرات جهانی در فناوریهای اصلی اطلاعات و ارتباطات در سالهای ۲۰۰۰-۲۰۱۵	۲۳
نمودار ۱۰-۱- افزایش و رشد شهرنشینی	۲۶
نمودار ۱۱-۱- جمع بندی پیشینه مطالعاتی	۵۶
نمودار ۱۲-۱- مراحل الگوی توسعه یابی	۷۹
نمودار ۱-۲- ارکان مداخلات توسعه‌ی و اثرات متقابل آنها	۱۰۴
نمودار ۲-۲- تغییرات جهانی در شاخص‌های کلیدی ICT	۱۱۹
نمودار ۳-۲- دسترسی به ICT بر اساس سطح توسعه کشورها، سال ۲۰۱۵	۱۲۰
نمودار ۴-۲- کاربران اینترنت در هر ۱۰۰ نفر، بر اساس گروه‌بندی کشور ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹	۱۲۵
نمودار ۵-۲- ذی نفعان در توسعه به کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات	۱۲۹
نمودار ۶-۲- تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات در زندگی روزمره	۱۳۳
نمودار ۷-۲- چارچوب و مدل مفهومی نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات	۱۳۴
نمودار ۸-۲- مدل تبیین کننده‌ها در توسعه حاشیه‌ی شهر	۱۴۳
نمودار ۹-۲- طرح شماتیک تئوری توسعه حاشیه‌ی شهر	۱۴۵
نمودار ۱-۳- جانمایی پدیدار شناسی بر الگوی استراتژی‌های تحقیق	۱۵۳
نمودار ۲-۳- مدل شماتیک و مفهومی استراتژی در معرفت شناسی پژوهش	۱۵۵
نمودار ۳-۳- نمودار فرایند تحقیق ترکیبی متوالی اکتشافی	۱۵۸

- نمودار ۳-۴- چند بعدی کردن مفاهیم ۱۷۰
- نمودار ۳-۵- اشباع نظری صورت گرفته در هر کدام از مصاحبه‌ها ۱۷۰
- نمودار ۳-۶- فرایند استخراج مفهوم نظری از طریق کد گذاری ۱۷۸
- نمودار ۳-۷- مسیر کد گذاری باز مبتنی بر داده‌ها ۱۷۹
- نمودار ۳-۸- فرایند تفسیر داده از طریق انواع کدگذاری ۱۷۹
- نمودار ۴-۱- مولفه محوری پیشرفته شدن (پیشرفت محوری) و مفاهیم ذیل آن ۲۰۱
- نمودار ۴-۲- مولفه محوری اخلاقی‌تر شدن (اخلاق محوری) و مفاهیم ذیل آن ۲۰۸
- نمودار ۴-۳- مولفه محوری شفافیت همه جانبه (شفاف محوری) و مفاهیم ذیل آن ۲۱۵
- نمودار ۴-۴- مولفه محوری ارتقای کیفیت زندگی (کیفیت محوری) و مفاهیم ذیل آن ۲۱۹
- نمودار ۴-۵- مدل تلفیقی کیفیت زندگی ۲۲۱
- نمودار ۴-۶- مولفه محوری ارتقای روانی اشخاص (روان محوری) و مفاهیم ذیل آن ۲۲۷
- نمودار ۴-۷- سلسله مراتب هرم توسعه ۲۳۲
- نمودار ۴-۸- رابطه مصرف و بهره‌وری ۲۳۳
- نمودار ۴-۹- مدل توسعه پایدار بر محور مشارکت و زیر سیستم‌های اصلی آن ۲۳۹
- نمودار ۴-۱۰- مصاحبه‌های حاشیه نشینان و ساکنین در مناطق حاشیه ی شهر ۲۴۱
- نمودار ۴-۱۱- مولفه محوری توسعه‌ی دولتی (دولت محوری) و مفاهیم ذیل آن ۲۵۱
- نمودار ۴-۱۲- مولفه محوری اعتبار بخشی (پایدار محوری) و مفاهیم ذیل آن ۲۵۷
- نمودار ۴-۱۳- سلسله مراتب مکانهای مرکزی کریستالر ۲۵۹
- نمودار ۴-۱۴- چرخه تعارض ۲۶۵
- نمودار ۴-۱۵- مولفه محوری جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی (جمع محوری) و مفاهیم ذیل آن ۲۶۷
- نمودار ۴-۱۶- مولفه محوری مسئولیت پذیری (تعهد محوری) و مفاهیم ذیل آن ۲۷۵
- نمودار ۴-۱۷- ارتباط نهادها با سیاست‌های کیفیت زندگی ۲۷۶
- نمودار ۴-۱۸- مدل شماتیک مصاحبه‌های مسئولین شهری و مدیران در مناطق حاشیه ی شهر ۲۹۰
- نمودار ۴-۱۹- مدل شماتیک برهم‌کنشی مردم و مسئولین در پژوهش حاضر ۲۹۲
- نمودار ۴-۲۰- تاثیرگذاری فناوری اطلاعات و ارتباطات مبتنی بر فهم توسعه در مناطق حاشیه نشین ۲۹۳
- نمودار ۴-۲۱- فرایند تبدیل داده‌ها به دستورالعمل‌های سیاستی در حاشیه شهر ۲۹۶
- نمودار ۴-۲۲- فرایند مشارکت ۲۹۸
- نمودار ۴-۲۳- فرایند برنامه فراگیر جهت توسعه حاشیه شهر ۲۹۹
- نمودار ۴-۲۴- جریان توسعه و پخش اطلاعات ۳۰۰
- نمودار ۴-۲۵- تصمیم‌گیری‌های توسعه ۳۰۳
- نمودار ۴-۲۶- فرایند برنامه‌ریزی توسعه حاشیه شهری ۳۰۵
- نمودار ۴-۲۷- فرایند سرمایه گذاری و اجماع محلی ۳۰۷
- نمودار ۴-۲۸- فرایند سرمایه گذاری دولت در جوامع محلی ۳۰۸
- نمودار ۴-۲۹- سهم دولت و اجتماع محلی از نتایج و دستاورد ۳۰۹
- نمودار ۴-۳۰- فرایند بازخورد برنامه‌های توسعه حاشیه شهری ۳۱۱

- نمودار ۱-۵- الگوی راهبردی توسعه با رویکرد نهادگرایی ۳۴۵
- نمودار ۲-۵- مدل مفهومی فناوری بر توسعه در حاشیه شهر ۳۴۹
- نمودار ۳-۵- الگوی نهایی دستاورد پژوهش ۳۵۱

فهرست نقشه‌ها

عنوان	صفحه
نقشه ۱-۱- مراحل توسعه شهر رشت	۳۳
نقشه ۲-۱- واحدهای مسکونی، تجاری، صنعتی، خدماتی و ... اضافه شده به شهر رشت	۳۴
نقشه ۳-۱- محلات حاشیه‌نشین رشت در شهریور ۱۳۹۹	۳۵
نقشه ۴-۱- مناطق حاشیه‌نشین رشت	۳۶

فصل اول:

کلیات پژوهش و طرح مسئله

۱-۱- مقدمه

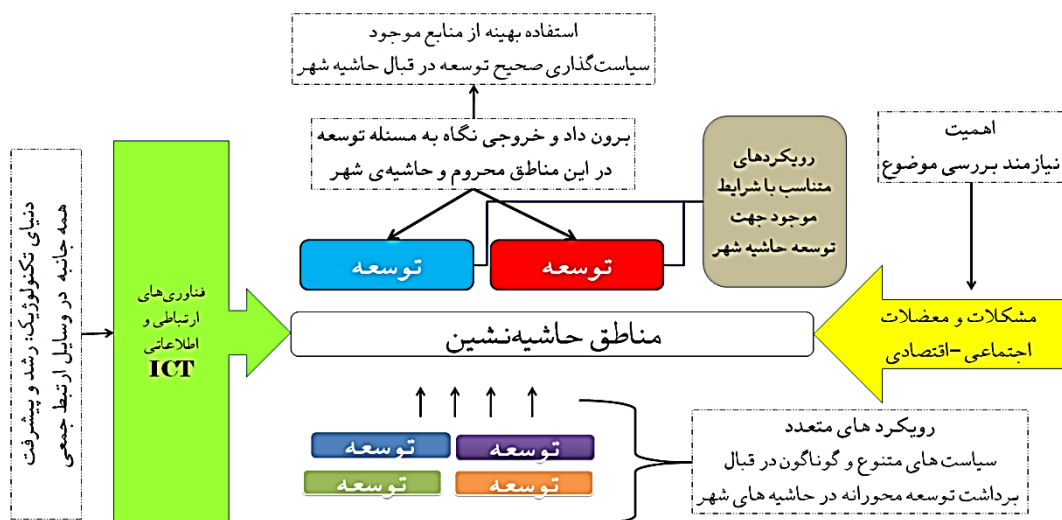
حاشیه نشینی^۱ پدیده‌ای جهانی است، به لحاظ تاریخی در قرن نوزدهم با شروع انقلاب صنعتی فقیران روستایی همواره تحت فشار اقتصادی روانه شهرها شدند در شهر نمیتوانستند مسکن مناسب اختیار کنند به ناچار در مسکنی سکنی می‌گزیدند در اطراف شهرها یا همان کمربندی‌های شهری بود در واقع شکل‌گیری این کمربندی‌ها، کارگران شهری را در فرایند از دست دادن زیرساختهای سنتی خودشان و ساختار اقتصاد تولید محور جامعه قرار میداد (Adolfsson, Lindblad, & Peacock, 2021). این امر در کشورهای جهان سوم به صورت فزاینده‌ای همراه با آسیب‌های اجتماعی مطرح شد که با یک فرایند استثماری نیز همراه بود که از سوی مرکز نشینان حمایت می‌شد به این ترتیب حاشیه نشینی را یکی از پیامدهای نامطلوب رشد پر شتاب شهرنشینی می‌شمارند (Bittencourt & Giannotti, 2021; Kuffer, Persello, Pfeffer, Sliuzas, & Rao, 2019; Logie et al., 2022; Mens, van Bueren, Vrijhoef, & Heurkens, 2021; Menshawy, Shafik, & khedr, 2016; Spencer & Bevan, 2018; Stiphany, Ward, & Perez, 2021; Vásquez & Alicea-Planas, 2018; Y. Wang et al., 2021; P. Zhao & Zhang, 2018; J. Zhu & Guo, 2022). وجود مناطق حاشیه نشین در کشورهای جهان سوم جزئی از یک ناپایداری و تزلزل شهری محسوب می‌شود (Dekel et al., 2019)؛ بر حسب پژوهش‌های صورت گرفته حاشیه نشینان را نمی‌توان بیرون از قلمرو اصلی فعالیت تولید و بازتولید اجتماعی به شمار آورد (Abass & Kucukmehmetoglu, 2021)، چرا که حاشیه نشینان به وسیله یکسری ناتوانی‌های اقتصادی اجتماعی دسترسی‌های محدودی به منابع اجتماعی دارند و نمی‌تواند نیازهای اولیه خود را برطرف نماید و در عین حال در یک وضعیت دوگانه قرار دارد این وضعیت دوگانه از منظر اجتماعی فرهنگی

^۱ محققان برای توصیف شیوه‌ی زندگی حاشیه‌نشینی از اصطلاحاتی متعددی استفاده می‌کنند که از جمله این اصطلاحات عبارتند از: اسکان نیافته (An, Butz, & Mitchell, 2022)، اسکان غیررسمی (Bittencourt & Giannotti, 2021)، حاشیه رانده شده (Cicione & Walls, 2021)، نظم اجتماعی زاغه (Cicione et al., 2021)، جامعه‌ی کنار خیابان (Daramola, 2018)، زاغه‌های امید (Dekel, Meir, & Alfasi, 2019)، بیخانمانی (Dotsey & Lumley, 2021)، آلونک‌های امید (Sapanski, 2021)، آلونک‌های یاس (Zazyki, da Silva, de Moura, & Shi et al., 2021)، چشمهای خیابانی (Kaczam, & da Veiga, 2022). در این مطالعه، ما به دلیل توجه شرایط اجتماعی و نشان دادن روابط اجتماعی از معنای رایج آن، یعنی حاشیه‌نشینی استفاده میکنیم و از مفهوم اسکان غیررسمی که بیشتر یک مفهوم جغرافیایی و معماری هست و نمی‌تواند میان روابط اصیل اجتماعی باشد استفاده نخواهد شد.

فشارهای همه جانبه‌ای را به روابط اجتماعی فرد وارد می‌کند و تا حدی ارزشهای فرهنگی ملی فرد تحت تاثیر قرار می‌گیرد محققین یافته‌های خود را تحت این عنوان بیان می‌کنند که وجود شرایط حاد و تجربه قرارگیری افراد در این جایگاه موجب شکل‌گیری یک هویت متمایز فردی اجتماعی می‌شود این هویت فردی اجتماعی به شکلی چندگانه (لایه لایه) عمل کرده از منظر اجتماعی ساختار روابط افراد در منطقه مورد مطالعه را دچار تغییر می‌کند (Conway et al., 2019; Daniels, 2021; Daramola, 2018; Dekel et al., 2019; Hachmann, Jokar Arsanjani, & Vaz, 2018). از منظر مطالعه حاضر حاشیه نشینی از دیدگاه اجتماعی مورد تعریف قرار می‌گیرند و به این اعتبار، حاشیه نشینان افرادی هستند که به دلایلی غیر ارادی خارج از فرایند اجتماعی و مشارکت رسمی فعالیت اقتصادی خود را ادامه می‌دهند و از محدودیت رابطه‌ای رنج می‌برند امکانات اجتماعی محدودی دارند و از ظرفیت نهادی پایینی را برخوردارند، از این رو باید اشاره کرد که روابط آنان با ساخت اجتماعی دچار آسیب است به گونه‌ی که با مرکزیت نوعی طردشدگی غیر مستقیم را تجربه می‌کنند (Dotsey & Lumley-Sapanski, 2021; Falco, Zambrano-Verratti, & Kleinhans, 2019; Mudau & Mhangara, 2021; Muhula et al., 2021) امروزه که افزایش روند استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی مانند دهه‌های گذشته باقی نمانده است شاهد آن هستیم که مناطق مختلف شهری به خصوص حاشیه نشینان شهری با درک جدیدی از زندگی روزمره آشنا هستند آنان (ساکنان این مناطق) از حقوق انتظارات و تصورات مختلفی از مسئولین امر توسعه تلقی می‌کنند (Andreev & Makarova, 2022; Blaya, 2019; Sakurai & Murayama, 2019; Saroj & Pal, 2020) وجود روابطی که به لحاظ ساختاری با یک چرخش مواجه شده نوعی توانمندی شهری یا مشارکت شهری همه جانبه را در افراد به لحاظ جایگیری در قدرت طلب می‌کند که راحتی در دسترسی افراد به منابع مختلف و به آسانی امکان پذیر می‌سازد (Mora, Kummitha, & Esposito, 2021) باید توجه داشت که رویکرد چرخش فرهنگی باعث ارائه نمایش قدرت در سازمان اجتماعی و کنش فردی افراد خواهد شد (Bevan & Wilson, 2013); از طرفی با مفهوم توسعه مواجه هستیم که کانون نظام معنایی شهروندان را به لحاظ تاریخی در جوامع مختلف معنادار می‌کند که در قالب‌های مختلف گفتمانی با توجه به سال‌های مختلف تغییر داده و با ادبیات مختلف مفهوم توسعه را معنی کرده است (Adinarayana & Mir, 2020; Pourrajabi & Bijani, 2020). در چنین شرایطی نباید انتظار یک مفهوم تغییرناپذیر و ثابت از توسعه را داشته باشیم در واقع نوعی ابهام در فهم واقع بینانه از معنای توسعه همواره وجود داشته است که مفهوم توسعه را همچنان در یک قالب معماگونه و مبهم قرار می‌دهد که نتوانسته است ارتباط معناداری با امر واقع در میدان عمل و در میدان نظر برقرار سازد در واقع این امر مهم یک مسئله اساسی برای توسعه یابی مناطق (علی الخصوص مناطق شهری) محسوب می‌شود که تناسب معنایی کمی که بین تلقی و تصور مردم از توسعه با تلقی و تصویری که صاحبان قدرت از توسعه دارند ایجاد کرده است (Beshir, Mohamed, Welch, & Rush, 2021; Daniels, 2021). تفاوت فاحش که بیشتر از هر چیزی توسعه را با معنای دم دستی و ظاهری در اعداد و ارقام خلاصه می‌کنند در حالی که توسعه را باید با ملاحظات محلی در نظر گرفت (Conway et al., 2019). در واقع مقتضیات زمانی- مکانی یک منطقه و ساختار نظام اجتماعی و روابط قدرت در آن منطقه باعث روشن تر شدن مسئله موضوعی ما در اینجا خواهد بود

تحلیل معنای توسعه مستلزم یک رفت و برگشت همه جانبه با ساختار کلان و خرد است. در سطح کلان معنای توسعه در یک تقویت گفتمانی روابط قدرت جدید معنا پیدا می کند اما در سطح خرد که مبنای پژوهش حاضر است نظام تعاملات اجتماعی میان ذهنیت افراد از معنای توسعه و این مداخلات اجتماعی محلی و مقتضیات اجتماعی زمان و مکان به شکل توامان می تواند در شکل دادن و شاکله بندی توسعه عمل کند در واقع چیزی که تا امروز بدان عمل می شد توسعه ابلاغی یا توسعه از بالا به پایین با شکست بزرگی همراه بوده اما توسعه و نگاه به مسئله مناطق اجتماعی توسط سطوح خرد یعنی کنشگران حاشیه نشین که تجربه و درک مستقیم و واحدی از مداخلات توسعه ی دارند می تواند مناسب و مثمر ثمر باشد. برداشت ها و بر ساخت های معنایی از توسعه در سطوح مختلف انجام می شود در زمینه نظری بحثی باقی نمی گذارد اما در زمینه پروژه عملی و ایجاد زیرساخت های اجتماعی گاه با پذیرش و گاه با مخالفت روبه رو ایم که به نوعی برداشت خطا در مداخلات توسعه ای رخ میدهد که به واقع هزینه های هنگفتی که برای بهبود مناطق شهری به لحاظ توسعه یابیسورت میبذیرد با اشتباه و ضرر پایان میبذیرد که نه تنها اتفاق مثبت را شاهد نیستیم بلکه به شکلی چند وجهی با خطا سیاست گذاری مواجه ایم در شرایط کنونی که روابط ساختاری و مناسبات مختلف اجتماعی در حاشیه شهر مانند استفاده روزافزون فناوری های نوین در عملکرد و مهارت های افراد و هم در ذهنیت آنان تاثیر گذارند نمی توان بدون در نظر گرفتن شرایط جدید که افراد در آن قرار دارند برنامه ریزی ها صورت بپذیرد.

در این پژوهش سعی خواهد شد توسعه از منظر حاشیه نشینان مورد بررسی قرار گیرد و فهم معنای توصیه در زمینه فقرزدایی، ساخت مناطق شهری مورد توجه باشد با توجه به اثرات معانی و تغییرات فرهنگی که در جامعه وجود دارد این معانی با تغییرات گسترده همراه است استفاده از شیوه مناسب جهت پیشبرد مفهوم توسعه یا به عبارتی مفهوم بومی شده آن پیشرفت را هم زمان در نظر داشته باشیم.



نمودار ۱-۱ - طرح شماتیک ابتدایی از مسئله پژوهش

توجه بیش از اندازه به مرکز شهری و عدم توجه به ساماندهی وضعیت حاشیه ی در کلان شهرها باعث ایجاد و تشدید حاشیه نشینی و برخورد با حاشیه نشینان اجتماعی و گاه ایجاد مناطق گتوی در شهرها شده است که خود

نشان دهنده سیاست گذاری قائل به مرکزیت است (Karimimoshaver & Winkemann, 2018; Kuffer et al., 2019; W. Liu, Henneberry, Ni, Radmehr, & Wei, 2019). جهت ساماندهی این کار در قدم اول باید شناسایی مولفه‌های موجود و توجه به مولفه‌های اساسی و تاثیرگذار در وضعیت شهری و روستایی مشخص شود (Nhamo et al., 2021).

رشد فردگرایی در دوره‌ای موجب شد تا برخی از افراد در درون سنت فرهنگی اجتماعی خود قبیله سازی کنند و خود را از دیگری جدا و منافع و منابع شهری را از آن خود کنند (Nikuze, Sliuzas, Flacke, & van Maarseveen, 2019). این در حالیست که همه افراد از زمان تولد، خود را بخشی از نقش‌های اجتماعی و شبکه‌ای از تعهدات (مقررات) و قراردادهای اجتماعی می‌یابند که روابط اجتماعی در بهم پیوستن این نقش ساخت کلیدی دارد (Jin, Bolt, & Hooimeijer, 2021). این ارتباطات میان همدیگر وضعیتی به مثابه همبستگی و شبکه‌های همپوشان را منجر می‌شود که به شکل کامل در وضعیت یکدیگر ادغام نشده اند در واقع افرادی وجود دارند که حالت حاشیه دارند این بدان معنی است که در منطقه پیرامونی چنین جامعه ایستاده‌اند و برخی نیز طرد شده اند و از هیچ نظام‌های حمایتی دریافتی ندارند (Karimimoshaver & Winkemann, 2018). در تقویت جریان ثروت اندوزی و قدرت مداری را محسوب می‌کند (Yu Wang et al., 2022) در این وضعیت به دلیل برتری برخی از کانون‌های بزرگ شهری در برخورداری از جریان تولید درآمد و ثروت در نتیجه انباشت همین سرمایه در برخی از نواحی می‌شود و بر همین اساس طیف گسترده‌ای از جمعیت توان رقابت با آن را نداشته و به حاشیه رانده شده و در نواحی نامساعد مناطق سکونت خود را انتخاب می‌کنند (Zareba et al., 2021) در واقع آنان وارد جذب بازار غیر رسمی اشتغال شهری می‌شوند (Zhan, 2021) و در عین حال فشاری مضاعف را تحمل می‌کنند هم بر خود و هم بر منابع شهری که در آن مستقر هستند به ناچار برخی مبهم اشتغال کاذب روی آورده و تامین مایحتاج خود را از آن طریق می‌گذرانند و آن را به عنوان یک رانت که حکایت از فقدان نظارت قانونی بر منابع شهری است (Stiphany et al., 2021) گسیختگی سازمان فضایی شهری و باعث ایجاد یا تشدید اسکان غیررسمی شهری می‌شوند (Zazyki et al., 2022).

۲-۱- بیان مساله

استفاده از فناوری همواره یکی از بحث برانگیزترین و پرچالش‌ترین ابزارها برای نمایش وضعیت توسعه در یک کشور بوده اند (Carter, Yoon, & Liu, 2022; Kabir et al., 2022; Zhang, 2022; Toms, Verity, & Orrell, 2019; Turken & Geda, 2020). در دهه‌های اخیر در ایران نیز به عنوان ابزاری برای نمایش کارآمدی یا ناکارآمدی دولت‌ها و حتی کل حکومت استفاده شده است (Pourrajabi & Bijani, 2020) که برخی درست و واقع بینانه و برخی دیگر نادرست و غرض ورزانه بوده اند.

توسعه در ایران هم پیش از انقلاب و هم بعد از انقلاب مفهومی مظلوم بود است (Bhatti, Kazmi, 2021; Tariq, & Ali, 2021). پیش از انقلاب با برداشت مکانیکی از توسعه، آن را به سطح رشد اقتصادی فرو کاسته بودند و بعد از انقلاب با نگاهی ایدئولوژیک به توسعه، آن را مفهومی غربی و تا حدودی نامتناسب با فرهنگ اسلامی قلمداد کردند، تا جایی که کوشیدند عنوان برنامه‌های توسعه را به برنامه‌های تعالی تغییر دهند (Ali-Toudert, Ji, Fährmann, & Czempik, 2020; pourrajabi, 2020; Mirzaie, & Yadollahi Zadeh, 2019; Raza et al., 2020).

توسعه یک فرآیند تکاملی طبیعی جهانی و بشریست (Carnemolla, Robinson, & Lay, 2021; Cheliz et al., 2021). همانگونه که کودک باید آرام آرام مراحل تکاملی خود را تا بلوغ طی کند، ملت‌ها نیز باید چنین کنند و جامعه جهانی به عنوان یک سیستم یکپارچه نیز مجبور است مسیر تکاملی خود را طی کند، نام این مسیر تکاملی توسعه است (Carraro, Visconti, & Inzunza, 2021). توسعه چیزی بیرون از مسیر تکاملی و خودانگیخته بشری نیست (Junlong Huang, 2020; Tang, Liu, & He, 2020). این فرآیند در چهار دهه گذشته در بخشی از دنیای غرب به صورت طبیعی رخ داده است و اکنون در قرن بیست و یکم، کشورهایی که این فرآیند در آنها دیرتر شروع شده است، تلاش می‌کنند تا با برنامه‌ریزی و زمینه سازی روند آن را تسریع ببخشند (Khoo, 2020). طبیعیست همانگونه که در فرآیند تکامل فردی ممکن است جلوه‌های متفاوتی از بلوغ یک فرد را شاهد باشیم، در بستر اجتماعی نیز ممکن است نمودهای توسعه از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت باشد (Johansen & Bauer, 2015; Joshi, 2021; Lan, Gong, Da, & Wen, 2020). اما مأموریت توسعه که افزایش مستمر قابلیت‌ها و فرصت‌ها برای خودشکوفایی تمام شهروندان یک جامعه است، در هم هجا یکسان است (Joshi, 2021). این افزایش مستمر لازم است با کاهش کمی هزینه‌ها و یا افزایش کیفی دستاوردها همراه باشد، و در نهایت در یک افق بین نسلی به سطوح بالاتری از آزادی و عدالت بیانجامد (Kowalik, 2021).

ارتباطات پشتیبان توسعه، اساسا بر استفاده سازماندهی شده و نظام مند از ارتباطات برای پشتیبانی از فرآیند توسعه در سطح ملی یا منطقه‌ای و پروژه‌های خاص دلالت دارند (Andreev & Makarova, 2022; Hasegawa, 2018; He, Meng, Wu, Chan, & Pang, 2020). به ویژه، ارتباطات پشتیبان توسعه، یکپارچگی ارتباطات (و به اصطلاح امروزی) استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به عنوان بخشی از برنامه ریزی، طراحی، توسعه، ارائه و ارزشیابی پروژه‌های توسعه به شمار می‌رود (Hasegawa, 2018). این یکپارچه سازی به معنای تحقق تجربه‌ای در مقیاس بزرگ است؛ مانند تله سه کونداریا^۱ در مکزیک و تله کورسو^۲ در برزیل. هم چنین می‌تواند به معنای تجربه و استفاده در مقیاس کوچک باشد؛ مانند طرح‌های بین المللی انجمن رادیویی با استفاده از مراکز چندمنظوره از راه دور

¹ Telesecundaria

² Telecurso

در روستاهای دورافتاده. پذیرش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و استفاده از آنها در توسعه، موضوع جدیدی نیست؛ بلکه، چندین دهه است که ادامه دارد؛ با کاربرد رادیو در اواسط قرن بیستم آغاز شد و به سوی استفاده از تلویزیون حرکت کرد (Al-Emran, Mezhuyev, Kamaludin, & Shaalan, 2018). در دهه‌های پیش از این، استفاده از فناوری‌های قدیمی مانند رادیو و تلویزیون برای پشتیبانی از توسعه بسیار گسترده بود. دسترسی و دستیابی بالقوه، محرک‌های اصلی استفاده از رادیو و تلویزیون بودند. پشتیبانی موازی از سوی سازمان‌های امداد تخصصی و خیریه برای بهره برداری از این فناوری‌ها وجود داشت (Vaithilingam, Nair, Macharia, & Venkatesh, 2022). علاوه بر نمونه‌های فراوان، یکی از قدیمی‌ترین کاربردهای موفق این فناوری‌ها در منطقه آسیا و اقیانوسیه، استفاده از رادیو و تلویزیون ماهواره‌ای برای آموزش در دانشگاه جنوب اقیانوسیه است. سایر نمونه‌های معروف دیگر عبارتند از: دانشگاه رادیو و تلویزیون چین و تجربه تلویزیون ماهواره‌ای در هند^۱ در سال‌های ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ و تلاش‌های پس از تجربه تلویزیون ماهواره‌ای تمایل به بهره‌مندی از کاربرد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای توسعه، در اواخر دهه ۱۹۹۰ و دهه اول قرن بیست و یکم به واسطه دو عامل افزایش یافت (Panayiotou & Stavrou, 2021).

ورود اینترنت به صحنه جهانی و همگرایی فناوری و ترکیب این دو با دستور کار توسعه جهانی (همانگونه که در اهداف توسعه هزاره ترسیم شده است موجب افزایش علاقه به استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای توسعه شده اند) (Nyns & Schmitz, 2022; Schwambach, López, 2022; Sott, Carvalho Tedesco, & Molz, 2022; Sepasgozar, 2022). نوآوری‌های کلیدی زیر به افزایش سرمایه گذاری در زیرساخت و پروژه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات کمک کردند.

– گزارش توسعه جهانی بانک جهانی ۱۹۹۸ نشان داد که دانش بین فقر و ثروت تفاوت ایجاد کرده است.

– ایجاد کارگروه فرصت‌های دیجیتالی^۲ به وسیله کشورهای گروه هشت^۳، برای توسعه دستور کار فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمت توسعه^۴

– اجلاس جهانی جامعه اطلاعات ژنو در سال ۲۰۰۳ و تونس در سال ۲۰۰۵ پروژه‌هایی با کاربردها و مداخله‌های عملی‌تر در حوزه‌های مختلف، توسط اهداف توسعه هزاره از جمله کاهش فقر، آموزش، بهداشت، محیط زیست و توسعه پایدار در جوامع فقیر) شناسایی شده اند (Mora et al., 2021; Oktari, Munadi, Idroes, & Sofyan, 2020; Panayiotou & Stavrou, 2021). به علت هزینه‌های بالای تأمین تجهیزات و برنامه‌های کاربردی فناوری اطلاعات و ارتباطات در دهه گذشته و جلوگیری از مالکیت شخصی وسایل فناوری اطلاعات و ارتباطات، برنامه‌ها

¹ Satellite Instructional Television Experiment (India) (SITE)

² Digital Opportunities Task Force

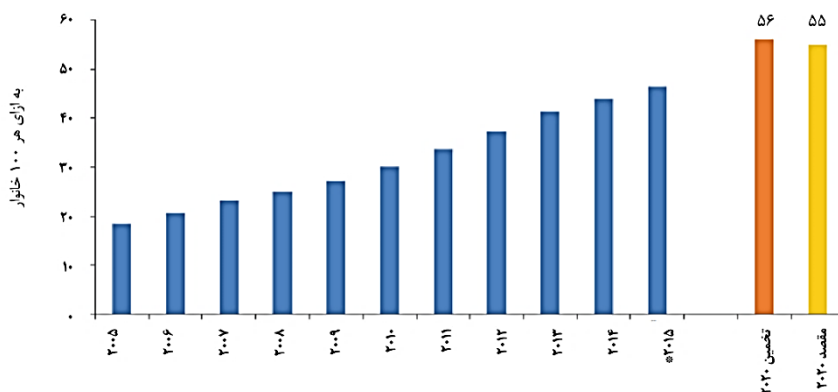
³ Group of Eight (G8)

⁴ Information and Communication Technology for Development (ICTD)

و پروژه‌ها به سرمایه‌گذاری‌های دولتی و میزان کمک خیران محدود شدند و بر ارائه خدمات از راه دور در اجتماع تمرکز کردند (Rodríguez-Rodríguez & Heras-González, 2020; Saroj & Pal, 2020; Webb, Clough, O'Reilly, Wilmott, & Witham, 2017; Zhang, 2022). طی این دوره، بدنه دانش فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمت توسعه، مبتنی بر مطالعات گسترده پروژه‌ها در کشورهای در حال توسعه ظهور کرد (Odhiambo, 2022)، به طوری که اکنون درک بهتری از بایدها و نبایدها و موضوعات اساسی مربوط به ثبات مالی و اجتماعی پروژه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمت توسعه وجود دارد (Mora et al., 2021).

۳-۱- توسعه و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات

ضرورت استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در اسناد مختلف، به خوبی مشهود است. شواهد فراوانی درباره تغییر شکل جامعه ناشی از این فناوری‌ها، نیروی بالقوه برای برآوردن نیازهای توسعه منابع انسانی جوامع و نقش تسریعی آنها در تغییرات، وجود دارد (Toms et al., 2019; Turken & Geda, 2020). پیش از این درباره مفهوم توسعه بحث کرده ایم. پیش از هر اقدامی، درک مفهوم ارتباطات یک ضرورت است. ارتباط، فرآیندی به قدمت خود جامعه انسانی است؛ آنچنان که ما پس از بیدار شدن تا پیش از خواب، هنگام سخن گفتن، خواندن یا نوشتن، دیدن، شنیدن، استفاده از رادیو یا تلویزیون و تعامل از طریق رایانامه یا اینترنت درگیر آن هستیم. ما همواره در حال دریافت یا ارسال پیام‌های غیر کلامی (یعنی بدون صدا) و یا کلامی از طریق سیگنالهای صدا هستیم. در سطح درک بسیار ابتدایی، ارتباطات فرآیندی است که با آن، فرد پیام را از کانالی به طرف مقابل ارسال و پاسخ یا بازخورد دریافت می‌کند. ممکن است این فرآیند، تداخل فیزیکی، روانشناختی یا محیطی داشته باشد که نوفه نامیده می‌شود (Modaresnezhad, Iyer, Palvia, & Taras, 2020). با این همه، ارتباط در بستر فرهنگی و اجتماعی رخ میدهد که معنای مشترکی به پیام‌های تشکیل دهنده این فرآیند می‌دهد به همین دلیل، نمی‌توان ارتباطات را تنها یک فرآیند ساده انتقال اطلاعات در نظر گرفت (Djoumessi & Eyike, 2022). ارتباطات از نهادهای ارتباطی، فرهنگی و توسعه‌ای متمایز است (Al-Emran et al., 2018).

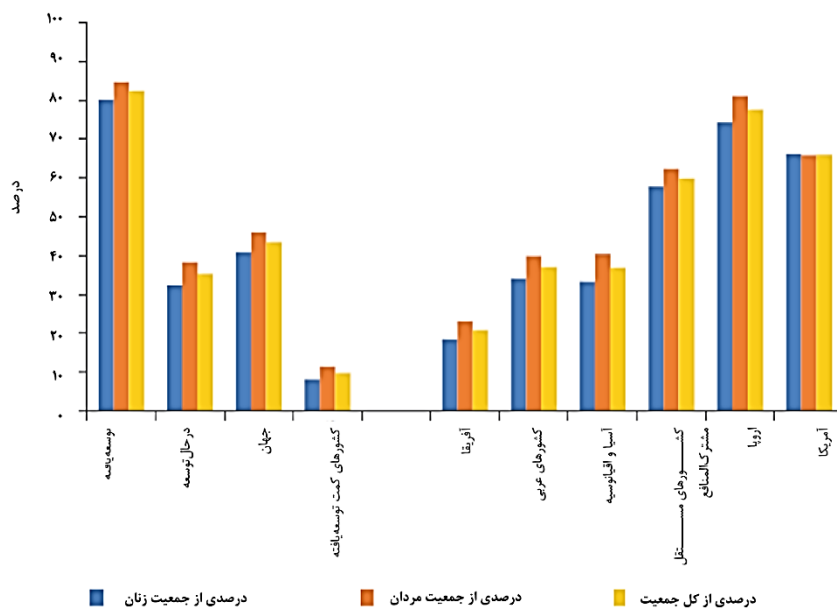


نمودار ۱-۲- خانوارهای دارای دسترسی به اینترنت در سراسر جهان طی سالهای ۲۰۰۵-

۲۰۱۵، مقایسه مقدار هدف با مقدار پیش بینی شده در سال ۲۰۲۰

ارتباط می‌تواند میان فردی و رودررو باشد، یعنی فرد به طور مستقیم مقابل فرد یا گروه دیگر قرار می‌گیرد؛ در این حالت پاسخ یا بازخورد مستقیم وجود دارد. در چنین وضعیتی، فرآیند متوازن و تعاملی است. وقتی از کانال یا حامل غیرانسانی استفاده می‌شود، مثلاً رسانه ارتباطات جمعی، ابتکار و توانایی برقراری ارتباط به شدت در کنترل فرستنده و ارتباط غیر شخصی و جریان پیامها یکسویه است. این مسئله درباره تمام رسانه‌های جمعی مانند روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون و فیلم سازی صادق است که در آن، رسانه‌ها پیامها را ایجاد می‌کنند و پایان می‌دهند (Mora et al., 2021). مدل‌های اولیه اینترنت و توسعه وبگاه، برخی ویژگی‌های ارتباطات رسانه‌های جمعی را دارند. بازخورد یا پاسخ به چنین جریان یک طرفه‌ای از ارتباطات، بسیار ضعیف است یا اصلاً وجود ندارد. با این حال، با توجه به حجم گسترده، دسترسی از نظر تعداد و گستره جغرافیایی) و سرعت ارائه در سراسر جهان، طبیعی است که نظریه پردازان اولیه و پیشگامان ارتباطات فرض می‌کردند، رسانه‌های جمعی قدرت قابل توجهی در اطلاع رسانی و به تبع آن بر رفتار تأثیر داشته باشند (Oktari et al., 2020; Papanastasiou, Drigas, Skianis, 2018; Lytras, & Papanastasiou, 2018). نقش ادراکی رسانه‌های ارتباطات جمعی اطلاع رسانی، آموزش و سرگرمی است و در این فرآیند ویژگی‌های مؤثر بر نگرشها و تغییر رفتار افراد و جوامع اتفاق می‌افتد (Omamo, Rodrigues, & Muliario, 2019; Y. J. Park & Shin, 2020).

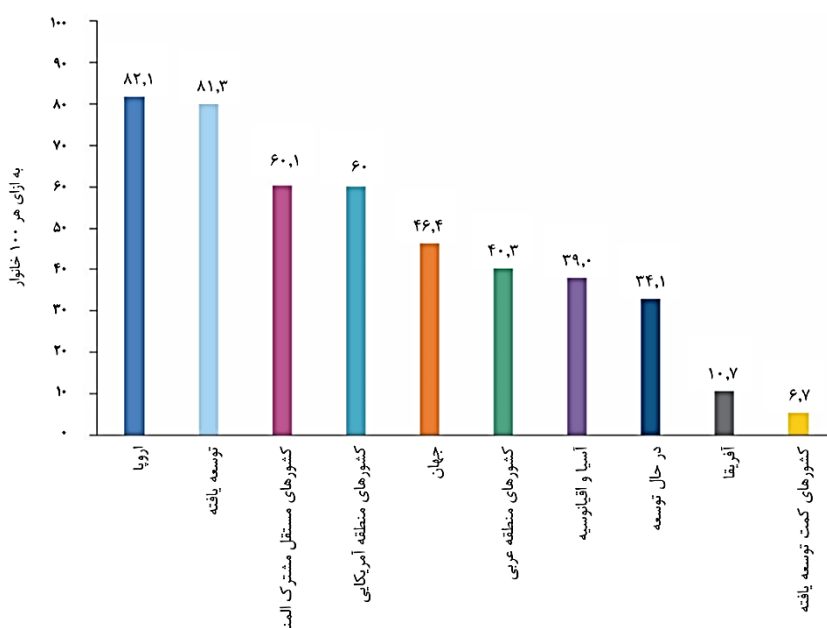
فرآیند ارتباط باید از فناوری‌های ارتباطی جدا شود. ارتباط فرآیند است، در حالی که فناوریها ابزارها یا رسانه‌های به کار گرفته شده در این فرآیند هستند (Laddha, Tiwari, Kasperowicz, Bilan, & Streimikiene, 2022). شواهد تجربی در در گذر زمان تقریباً شش دهه کاربرد رسانه ارتباطی با اهداف مختلف در جامعه)، پیچیدگی این فرآیند را نشان داده اند (Heiskanen, Hurmekoski, 2022; Toppinen, & Näyhä, 2022). آن چه از این چند دهه کاربرد و تحقیق به دست آمده است، عبارت است از: اثرات متفاوتی از یک رسانه یا محتوا وجود دارند که به عواملی چون سن، جنسیت، زمینه‌ها، ادراکات، محیط اجتماعی و تجربیات گذشته بستگی دارند (Laddha et al., 2022).



نمودار ۱-۳- درصد افراد استفاده کننده از اینترنت، بر اساس جنسیت، منطقه و سطح توسعه کشورها، سال ۲۰۱۵

هیچ ارتباط مستقیمی بین رسانه، محتوای آن و کاربران وجود ندارد. ابزارهای ارتباطی از قبیل رسانه جمعی تنها یکی از متغیرهایی است که در نگرشها و تغییر رفتار مؤثر است (C. Lee, Kogler, & Lee, 2019). روابط میان فردی، دسترسی و در معرض قرار گرفتن، ویژگی‌های کانال، محتوا، زمینه‌های اجتماعی و روانشناختی متغیرهای مداخله گر به شمار می‌روند (Modaresnezhad et al., 2020). استفاده از ارتباط میان فردی الزامی برای ایجاد تغییر در نگرش و رفتار محسوب می‌شود. کاربران ابزارهای ارتباطی منفعل نیستند که موارد تحمیلی را بپذیرند (Gibbs et al., 2022). آنها در فرآیند ارتباطی مشارکت فعال دارند و استفاده آنها از ابزارهای ارتباطی و محتوا، به ترجیحات، آشنایی و وجود ابزارهای همانند، راهکارهای جذاب‌تر یا ساده‌تر و لذت یا رضایت ناشی از استفاده از چنین ابزارهایی بستگی دارد. تمایل کاربران به ابزار ارتباطی با محتوای خاص به طیف وسیع عوامل و پتانسیل ابزارها در رفع نیاز اطلاعاتی، اجتماعی، روان شناختی یا اقتصادی آنها بستگی دارد (Kowalski, Limber, & McCord, 2019) در حال حاضر درک بهتری از رابطه بین فرآیندهای ارتباطی، ابزارها، محتوا و مخاطبان وجود دارد (Ismagilova, Hughes, Dwivedi, & Raman, 2019). همچنین نیاز به توجه به تفاوت زمینه‌ها و شرایط فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی، ویژگیهای متنوع مخاطبان و جمعیت‌شناسی و تغییر مشخصه‌های اجتماعی- روانی گروه‌های مختلف مردم به ویژه افراد حاشیه نشین بهتر درک می‌شود (Daniels, 2021). اکنون بهتر می‌دانیم که چگونه پیام‌ها ایجاد و بسته می‌شوند؛ چه زمان و چگونه باید ارائه شوند؛ چه رسانه ارتباطی از نظر قدرت و محدودیت نسبی استفاده شود؛ و چرا

مشارکت مردم در فرآیند ارتباطی اهمیت دارد و نباید آنها را کنار گذاشت (Sakurai & Murayama, 2019). پیشرفت‌ها در فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات هم چنین نقاط قوت و ضعف آنها را و نحوه ترکیب و تطابق محتوا، فناوریها و جوامع را برای نتایج بهتر نشان داده است. امروزه درک بهتری از قدرت رسانه‌های ارتباطی وجود دارد (Sakurai & Murayama, 2019)؛ برای مثال، در تنظیم دستور کار مناظره‌ها، در تأثیرگذاری بر عقاید عمومی، در تغییر نگرشها و تأثیرگذاری بر رفتار و در برآوردن انواع نیازها و خشنودی افراد و گروههای جامعه.



نمودار ۱-۴- نمودار ۱-۴- خانوارهای دارای دسترسی به اینترنت، بر اساس منطقه و سطح توسعه

کشورها، سال ۲۰۱۵

محققان و فعالان «توسعه ارتباطات»، رابطه بین ارتباطات و توسعه را از دو منظر مختلف بررسی می‌کنند؛ منظر اول رابطهای کلی‌تر و گسترده‌تر بین ارتباطات و توسعه و بعد دوم استفاده سازمان یافته از ارتباطات برای دستیابی به اهداف توسعه یا پشتیبانی از آن است (Mora et al., 2021; Porru, Misso, Pani, & Repetto, 2020; Rodríguez-Rodríguez & Heras-González, 2020; Xueqin Wang, Wong, Li, & Yuen, 2021; Xuequn Wang & Xu, 2021; Webb et al., 2017). مبنای نظری برای استفاده بالقوه از ارتباطات و حل چالش‌های توسعه با مطالعات پیشگام، در دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ آغاز شد. مطالعه پیشگام لرنر^۱ پیوند بین ارتباطات و مدرن سازی افراد را در ترکیه نشان داد (Oktari et al., 2020). پس از آن در اوایل دهه ۱۹۶۰ مطالعات و پروژه‌های بسیاری که در آنها نقش ارتباطات در زمینه توسعه آزمایش شده بود. در دهه ۱۹۵۰، مجامع رادیوی روستایی^۲ و

¹ Lerner

² Radio Rural Forums

مطالعه کلاسیک راجرز^۱ و شوماخر^۲ مرحله شمول ارتباطات را به عنوان عنصر اساسی برنامه‌ریزی توسعه فراهم کردند (Abdulai, Roosalu, & Wagoner, 2021; Adkins & Moulaison Sandy, 2020; Gruenhagen, Cox, & Parker, 2022; Modaresnezhad et al., 2020). در عین حال، نوآوری‌های سازمان فرهنگی، علمی و آموزشی سازمان ملل متحد^۳ و اسکرام^۴ در بخش‌های مختلف جهان، زمانی ظهور یافتند که کشورهایی چون برزیل، چین، هند و مکزیک سرمایه‌گذاری سنگینی در استفاده از رسانه برای اهداف آموزشی و توسعه‌ای کرده بودند (Hasegawa, 2018; C. Lee et al., 2019).



نمودار ۱-۵- اهداف ۲۰۲۰ اتصال

بخش عمده آزمایش‌ها در دو دهه نخست توسعه (۱۹۵۰ و ۱۹۶۰) بر درک رابطه بین این دو جنبه تمرکز داشت. با این همه، نتایج اغلب متناقض بودند- غالب آنها با انتظار برنامه ریزان در تضاد بودند و در نتیجه به بحث درباره استفاده مؤثر افزوده شدند. نتایج ضدونقیض، پیوند کلی بین ارتباطات و توسعه را به چالش نکشیدند؛ با این حال به افزایش منظرهای عمل‌گرا و استراتژیک درباره ارتباطات پشتیبان توسعه منجر شدند (Hadlington, Binder, & Stanulewicz, 2021; Kabir et al., 2022). دستور کار توسعه جهانی بر دو موضوع میانبر تمرکز کرده است. موضوع اول و که جامعه جهانی نیز آن را می‌پذیرد، اهمیت اصلی اهداف توسعه هزاره و دستاوردهای آن تا سال ۲۰۱۵ است. موضوع دوم به اهمیت کاربرد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در سرعت بخشیدن به فرآیند توسعه مربوط می‌شود (Kowalski et al., 2019). و همان‌طور که در آرمان هشتم توسعه هزاره به منظور گسترش مشارکت جهانی برای توسعه تأکید شده است، استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات باید برای دستیابی به اهداف توسعه طیف گسترده‌ای از نقش‌آفرینان از جمله سازمان‌های دولتی، بخش خصوصی، جامعه مدنی و آژانس‌های رسانه‌ای را شامل شود (Gibbs et al., 2022). دولت مشوق اصلی

¹ Rogers

² Shoemaker

³ United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

⁴ Schramm

سیاست‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات برای ایجاد زیرساخت‌ها و سخت افزارهای ارتباطی است که اساساً شالوده استفاده مؤثر از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی است (Andreev & Makarova, 2022). به این معنا که بدون زیرساخت و سخت افزار، دسترسی، دستیابی و در دسترس بودن فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی غیرممکن است. صنایع خصوصی به عنوان ابزار سرمایه گذاری، نقش عمده‌ای در ایجاد زیرساخت در قالب شاه راه‌های اطلاعاتی و دسترسی به اینترنت و خدمات سیار دارند. دولت، صنعت، جامعه مدنی و رسانه تأمین کنندگان اصلی خدمات هستند که در شاه راه‌های اطلاعاتی فعالیت می‌کنند (Porru et al., 2020). شهروندان، کاربران و ذینفعان نهایی به کارگیری فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به شمار می‌روند (Rodríguez-Rodríguez & Heras-González, 2020).

هدف ۱۸ اهداف توسعه هزاره در این مجموعه مقدماتی اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌گوید:

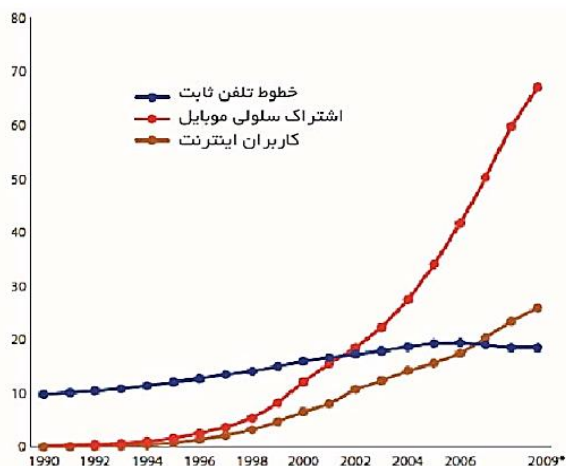
«با کمک بخش خصوصی، دسترسی به مزایای فناوری‌های جدید، به ویژه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی امکان پذیر می‌شود.» (Papagiannidis & Marikyan, 2022) در این جا نقش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به عنوان ابزارهای دولت در برنامه‌های کاهش فقر برای سرعت بخشیدن به رشد اهمیت می‌یابد (Sakurai & Murayama, 2019). در واقع، طی ده سال اخیر، توانایی استفاده مؤثر از کامپیوتر و اینترنت، محرک اصلی توسعه سریع در چندین کشور آسیایی شده است (Kowalski et al., 2019). از فناوریهای اطلاعات و ارتباطات در موارد زیر استفاده می‌شود:

– ارائه خدمات عادلانه و بهتر

– تسهیل فرآیندهای پیچیده برنامه‌ریزی و هماهنگی در تمام بخش‌ها

– افزایش تسهیم اطلاعات، دسترسی و پایش اقدامات اساسی

آسیب‌ها و نقایص پیاده سازی، تلاش بخش‌های مهم اجتماعی در کشورهای در حال توسعه را با مشکل مواجه کرده اند (Saroj & Pal, 2020). اما وقتی فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای تسهیل رویکردهای یکپارچه و به کارگیری راه حل‌های مقیاس پذیر مقرون به صرفه استفاده می‌شوند، هزینه کل پیاده سازی و اجرا کاهش می‌یابد (Szymkowiak, Melović, Dabić, Jeganathan, & Kundi, 2021).



نمودار ۱-۶- تعداد خطوط تلفن ثابت، مشترکین تلفن همراه و کاربران اینترنت از هر

۱۰۰ نفر در جهان، ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۹

دولت هایی که از فناوریهای اطلاعات و ارتباطات به عنوان بخشی از نقش اداره و مدیریت استفاده می کنند توانایی این فناوریها در کمک به موارد زیر را در می یابند (Papanastasiou et al., 2018):

- تسهیل فرآیندهای پیچیده برنامه ریزی
- هماهنگی بهتر در تمام بخشها
- افزایش تسهیم اطلاعات
- ارتقای دسترسی و پایش خدمات
- مقیاس بندی دسترسی به آموزش
- پیوند جوامع به بازارها
- ایجاد سیستم های هشداردهی و تصمیم یار

تجربه دو دهه اول تحول فناوری اطلاعات و ارتباطات، درک بهتری را از فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمت توسعه - زمینه ها و شرایط کاربرد و موفقیت آنها ارائه داده است (X. Wang et al., 2021). پر واضح است که تأثیر خود فناوریها زیاد نیست، بلکه تأثیر روزافزون آنها بر پیشرفت اجتماعی و اقتصادی قابل توجه است که موجب گذار از اقتصاد کشاورزی و صنعتی به سوی سیستم های دانش محور به عنوان جزء لاینفک رشد و پیشرفت می شود (X. Wang et al., 2021). امروزه فناوری های اطلاعات و ارتباطی از دسترسی به دانش گرفته تا تسهیم و مشارکت در خلق و استفاده از دانش برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، بین کشورهای توسعه یافته و کمتر توسعه یافته تفاوت ایجاد می کند (Vaithilingam et al., 2022).

در نتیجه، تغییراتی در روش گزارش دهی فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمت توسعه ایجاد شده است. پس از سال ۲۰۰۳ مطالعه شاخص های آمادگی الکترونیکی و دولت الکترونیکی (زیرساخت)،

سرمایه انسانی و ارتباطات الکترونیکی را الگوبرداری و آمادگی الکترونیکی در تمام کشورها را بر اساس شش محور آمادگی الکترونیکی رتبه‌بندی کرده است (Xuequn Wang & Xu, 2021; Webb et al., 2017):

- ۱- زیرساخت ارتباط و فناوری
- ۲- محیط کسب و کار
- ۳- محیط اجتماعی و فرهنگی
- ۴- محیط قانونی
- ۵- چشم انداز و سیاست دولت
- ۶- پذیرش مصرف کننده و بنگاه

با این همه، آخرین بررسی سازمان ملل متحد درباره دولت الکترونیکی در سال ۲۰۱۰ نشان می‌دهد که دولت‌ها آمادگی پذیرش دولت الکترونیکی را دارند و شاخص آمادگی الکترونیکی را با شاخص توسعه دولت الکترونیکی جایگزین کرده اند (Kowalski et al., 2019). بر اساس بررسیهای یاد شده، در مقایسه با گذشته کشورهای بیشتری در حال پذیرش استراتژی‌های ملی دولت الکترونیکی و تدوین طرح‌های اقدام چندساله هستند (Laddha et al., 2022). واکنش کشورهای کمتر توسعه یافته تا بیشتر توسعه یافته نسبت به انتظاراتی که از دولتها دارند مشاهده می‌شود؛ انتظارات آنها از دولت حول مشارکت و توانمندسازی جامعه اطلاعاتی با برقراری ارتباط و تعامل مؤثرتر با شهروندان آشنا به فناوری است. دولت‌ها آماده اند و سطح توسعه آنها در این زمینه باید ارزیابی شود (C. Lee et al., 2019).

به طور مشابه، واحد اطلاعات اکونومیست^۱ بازوی اطلاعات کسب و کار گروه اکونومیست^۲ که ارزیابی سالانه اقتصادهای جهان را از نظر استفاده آنها از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات منتشر می‌کند از سال ۲۰۲۰ رتبه بندی‌های آمادگی الکترونیکی را با رتبه بندی‌های اقتصاد دیجیتال جایگزین کرده است، زیرا بر اساس این رتبه‌بندی‌ها، کیفیت زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات کشورها و توانایی مصرف کنندگان، بنگاه‌ها و دولت‌ها در استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به نفع خودشان ارزیابی می‌شود (Y. Lin, 2022).

جدول ۱-۱- امتیازها و رتبه بندی‌های اقتصاد دیجیتالی در سال ۲۰۲۰ رتبه ۲۰۲۱

رتبه	رتبه		کشور	امتیاز	
	۲۰۲۱	۲۰۲۰		۲۰۲۱	۲۰۲۰
۱	۸,۶۷	۸,۴۹	سوئد	۲	۱

^۱ Economist Intelligence Unit

^۲ The Economist Group

امتیاز		کشور	رتبه		ردیف
۲۰۲۱	۲۰۲۰		۲۰۲۱	۲۰۲۰	
۱	۲	دانمارک	۸,۸۷	۸,۴۱	۲
۵	۳	ایالت متحده امریکا	۸,۶۰	۸,۴۱	۳
۱۰	۴	فلاند	۸,۳۰	۸,۳۶	۴
۳	۵	هلند	۸,۶۴	۸,۳۶	۵
۴	۶	نروژ	۸,۶۲	۸,۲۴	۶
۸	۷	هنگ کنگ	۸,۳۳	۸,۲۲	۷
۷	۸	سنگاپور	۸,۳۵	۸,۲۲	۸
۹	۹	استرالیا	۸,۴۵	۸,۲۱	۹
۱۱	۱۰	زلاندنو	۸,۲۱	۸,۰۷	۱۰
۹	۱۱	کانادا	۸,۳۳	۸,۰۵	۱۱
۱۶	۱۲	تایوان	۷,۸۶	۷,۹۹	۱۲
۱۹	۱۳	کره جنوبی	۷,۸۱	۷,۹۴	۱۳
۱۳	۱۴	بریتانیا	۸,۱۴	۷,۸۹	۱۴
۱۴	۱۵	اتریش	۸,۰۲	۷,۸۸	۱۵
۲۲	۱۶	ژاپن	۷,۶۹	۷,۸۵	۱۶
۱۸	۱۷	ایرلند	۷,۸۴	۷,۸۲	۱۷
۱۷	۱۸	آلمان	۷,۸۵	۷,۸۰	۱۸
۱۲	۱۹	سوئیس	۸,۱۵	۷,۷۲	۱۹
۱۵	۲۰	فرانسه	۷,۸۹	۷,۶۷	۲۰
۲۰	۲۱	بلژیک	۷,۷۱	۷,۵۲	۲۱
۲۱	۲۲	برمودا	۷,۷۱	۷,۴۷	۲۲
۲۳	۲۳	مالت	۷,۴۶	۷,۳۲	۲۳
۲۵	۲۴	اسپانیا	۷,۲۴	۷,۳۱	۲۴
۲۴	۲۵	استونی	۷,۲۸	۷,۰۶	۲۵
۲۷	۲۶	رژیم اشغالگر قدس	۷,۰۹	۶,۹۶	۲۶
۲۶	۲۷	ایتالیا	۷,۰۹	۶,۹۲	۲۷
۲۸	۲۸	پرتقال	۶,۸۶	۶,۹۰	۲۸

امتیاز		کشور	رتبه		ردیف
۲۰۲۱	۲۰۲۰		۲۰۲۱	۲۰۲۰	
۲۹	۲۹	اسلوونی	۶,۶۳	۶,۸۱	۲۹
۳۰	۳۰	شیلی	۶,۴۹	۶,۳۹	۳۰
۳۱	۳۱	جمهوری چک	۶,۴۶	۶,۲۹	۳۱
۳۴	۳۲	امارات متحد عربی	۶,۱۲	۶,۲۵	۳۲
۳۳	۳۳	یونان	۶,۳۳	۶,۲۰	۳۳
۳۲	۳۴	لیتوانی	۶,۳۴	۶,۱۴	۳۴
۳۵	۳۵	مجارستان	۶,۰۴	۶,۰۶	۳۵
۳۸	۳۶	مالزی	۵,۸۷	۵,۹۳	۳۶
۳۷	۳۷	لتونی	۵,۹۷	۵,۷۹	۳۷
۳۶	۳۸	اسلواکی	۶,۰۲	۵,۷۸	۳۸
۳۹	۳۹	لهستان	۵,۸۰	۵,۷۰	۳۹
۴۱	۴۰	آفریقای جنوبی	۵,۶۸	۵,۶۱	۴۰
۴۰	۴۱	مکزیک	۵,۷۳	۵,۵۳	۴۱
۴۲	۴۲	برزیل	۵,۴۲	۵,۲۷	۴۲
۴۳	۴۳	ترکیه	۵,۳۴	۵,۲۴	۴۳
۴۴	۴۴	جامائیکا	۵,۳۳	۵,۲۱	۴۴
۴۷	۴۵	بلغارستان	۵,۱۱	۵,۰۵	۴۵
۴۵	۴۶	آژانتین	۵,۲۵	۵,۰۴	۴۶
۴۸	۴۷	رومانی	۵,۰۷	۵,۰۴	۴۷
۴۶	۴۸	ترینیداد و توباگو	۵,۱۴	۴,۹۸	۴۸
۴۹	۴۹	تایلند	۵,۰۰	۴,۸۶	۴۹
۵۲	۵۰	کلمبیا	۴,۸۴	۴,۸۱	۵۰
۵۰	۵۱	اردن	۴,۹۲	۴,۷۶	۵۱
۵۱	۵۲	عربستان سعودی	۴,۸۸	۴,۷۵	۵۲
۵۳	۵۳	پرو	۴,۷۵	۴,۶۶	۵۳
۵۴	۵۴	فیلیپین	۴,۵۸	۴,۴۷	۵۴
۵۵	۵۵	ونزوئلا	۴,۴۰	۴,۳۴	۵۵
۵۶	۵۶	چین	۴,۳۳	۴,۲۸	۵۶

امتیاز		کشور	رتبه		ردیف
۲۰۲۱	۲۰۲۰		۲۰۲۱	۲۰۲۰	
۵۷	۵۷	مصر	۴,۳۳	۴,۲۱	۵۷
۵۸	۵۸	هند	۴,۱۷	۴,۱۱	۵۸
۵۹	۵۹	روسیه	۳,۹۸	۳,۹۷	۵۹
۶۰	۶۰	اکوادور	۳,۹۷	۳,۹۰	۶۰
۶۱	۶۱	نیجریه	۳,۸۹	۳,۸۸	۶۱
۶۴	۶۲	ویتنام	۳,۸۰	۳,۸۷	۶۲
۶۳	۶۳	سريلانكا	۳,۸۵	۳,۸۱	۶۳
۶۲	۶۴	اوکراین	۳,۸۵	۳,۶۶	۶۴
۶۵	۶۵	اندونزی	۳,۵۱	۳,۶۰	۶۵
۶۶	۶۶	پاکستان	۳,۵۰	۳,۵۵	۶۶
۶۹	۶۷	قزاقستان	۳,۳۱	۳,۴۴	۶۷
۶۷	۶۸	الجزایر	۳,۴۶	۳,۳۱	۶۸
۶۸	۶۹	ایران	۳,۴۳	۳,۲۴	۶۹
۷۰	۷۰	آذربایجان	۲,۹۷	۳,۰۰	۷۰

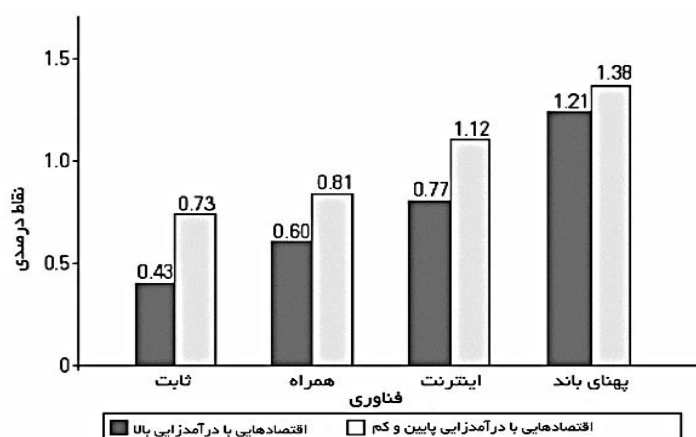
اساس، در دیدگاه‌های قبلی تغییری دیده می‌شود مبنی بر این که در آن دولتها و بخش خصوصی به طور مستقیم درگیر ارائه خدمات به شهروندان از طریق فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی هستند (Modaresnezhad et al., 2020). در حال حاضر، تأکید بر شیوه گنجاندن زیرساخت و ظرفیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی است، به طوری که بتوانند به شکل مؤثری به کار گرفته شوند و جامعه کشاورزی و صنعتی را به جامعه‌ای مبتنی بر توسعه دانش و محصولات دانش محور تبدیل کنند (Mora et al., 2021). نتایج حاصل از داده‌ها نشان می‌دهد که کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه که به شدت در فراهم آوردن زیرساخت اینترنت نسل بعدی سرمایه گذاری کرده اند (چین، هند، ژاپن، جمهوری کره، سنگاپور و تایوان) بیش از بسیاری کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی در اقتصاد دانش بنیان پیشگام و از مزایای آن بهره مند شده اند (Navío-Marco, Ruiz-Gómez, & Sevilla-Sevilla, 2018). به طور خاص، تأثیر تحول فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات میان شرکت‌های کوچک و متوسط و بسیار کوچک مشهودتر بوده است آنها بنگاه‌های خود را به روش‌های زیر گسترش داده اند (Odhiambo, 2022):

- به بهبود کارایی عملیات داخلی مثلا با کاهش هزینه‌های مرتبط با ارتباطات و منابع انسانی
- بهبود ارتباط درونی (با بخش‌های داخلی مختلف)
- حفظ و نگهداری بهتر موجودی‌ها برای کاهش فضای انبار و تحویل به موقع محصولات و خدمات

- و در عین حال کاهش ضایعات و در نتیجه افزایش سود
- بهبود فرآیندهای مالی و حسابداری
- بهبود روابط بیرونی با مشتریان، برای بررسی بازارهای جدید، ایجاد پایگاه مشتری جهانی و افزایش حجم تقاضا.

استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به عنوان ابزاری برای بهبود اقتصاد، بر ایجاد ظرفیت‌ها و توانایی‌های جدید افراد و سیستم تأثیر گذار و فراتر از استفاده فوری از خود ابزارها است (Oktari et al., 2020). اساس استفاده از فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی در اقتصاد دانش بنیان، درباره محصولات دانش بنیان، به گسترش قابلیت افراد و مؤسسات منجر شده است (Omamo et al., 2019; Panayiotou & Stavrou, 2021). توسعه نه تنها اقتصادی است، مهم‌تر آن که سرمایه فکری و اجتماعی است (Papanastasiou et al., 2018). چنین ایده‌ها یا سرمایه‌های فکری که بخشی از جوامع دانش بنیان را تشکیل می‌دهند، کلید جدید رفاه و ثروت کشورها به شمار می‌رود (Papagiannidis & Marikyan, 2022).

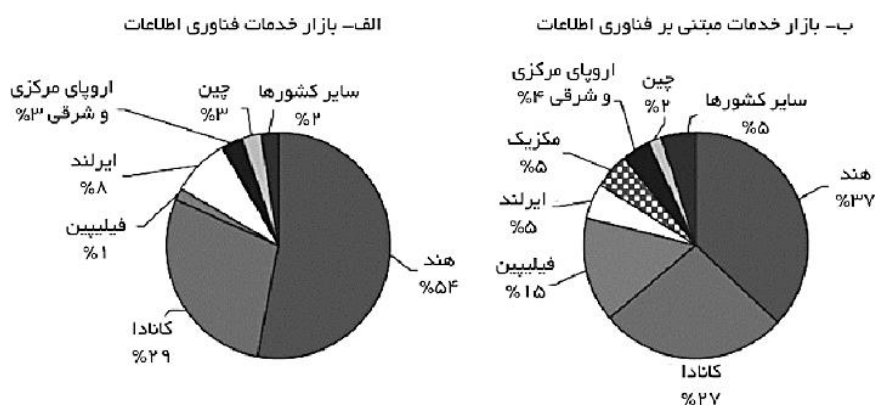
شواهد جهانی کافی وجود دارند مبنی بر این که رابطه بین فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و رشد اقتصادی را نشان می‌دهند. کشورهایی که از سطوح بالای توسعه اقتصادی برخوردارند، نرخ بالایی از نفوذ فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز دارند (Y. J. Park & Shin, 2020). شواهدی وجود دارد مبنی بر این که بیشترین ثمره از انقلاب اطلاعاتی از آن شیوه‌های کسب و کار و صنایع بخش خصوصی شده است. هم چنین شواهد حاکی از آن است که رشد زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات و منابع انسانی، کشورهایی چون هند را یکبار به نرخ بالای رشد رسانیده است و آنها را به اقتصادهای قدرتمند در جامعه اطلاعات تبدیل کرده است (Porru et al., 2020).



نمودار ۱-۷- تأثیر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در رشد اقتصادی^۱

^۱ محور و افزایش رشد اقتصادی به ازای هر ۱۰ درصد افزایش در نفوذ مخابرات را نشان می‌دهد. تمام نتایج در سطح ۱ درصد اهمیت دارند، به جز پهنای باند در کشورهای در حال توسعه که در ۱۰ درصد اهمیت می‌یابد.

بر اساس گزارش ۲۰۱۹ بانک جهانی درباره توسعه ارتباطات و اطلاعات به ازای هر ۱۰ درصد افزایش در نفوذ خدمات پهنای باند، رشد اقتصادی ۲/۳ درصدی وجود دارد (Rodríguez-Rodríguez & Heras-González, 2020). نتایج مشابهی در سایر بررسیها که نشان میدهند که افزایش ۱۰ درصدی در نفوذ اینترنت به افزایش ۱ تا ۲ درصدی تولید ناخالص ملی منجر می‌شود (Rodríguez-Rodríguez & Heras-González, 2020). تأثیر رشد پهنای باند در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته شدیدتر و قابل توجه‌تر و در مقایسه با تلفن و اینترنت بیشتر است. این تأثیر حتی با دسترسی بیشتر مردم افزایش می‌یابد (Rodríguez-Rodríguez & Heras-González, 2020; Sakurai & Murayama, 2019). روش دیگر تأثیرگذاری فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات^۱ بر رشد اقتصادی، در بخش‌های فناوری اطلاعات و خدمات مبتنی بر فناوری اطلاعات^۲ تحقق می‌یابد. خدمات مبتنی بر فناوری اطلاعات در واقع خدماتی چون (مراکز تماس و ادارات پشتیبان) هستند که با استفاده از مخابرات ارائه می‌شوند. بازار این خدمات، عظیم و در حال رشد است؛ چندین کشور در حال توسعه به رهبری هند نقش آفرینان موفق در این بخش بوده‌اند (Rodríguez-Rodríguez & Heras-González, 2020; Schwambach et al., 2022).



نمودار ۸-۱- توزیع جهانی برونسپاری فرامرزی فناوری اطلاعات و خدمات مبتنی بر فناوری اطلاعات

فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT) به طور کلی، و پهن باند به طور ویژه، در ادبیات اقتصادی به طور گسترده به عنوان منبعی برای افزایش توسعه و رشد اقتصاد مورد مطالعه قرار گرفته است. با این حال در این ادبیات همچنان شکافهایی خالی باقی مانده‌اند که برای تحقیقات امروزی ایجاد انگیزه می‌کنند (Sepasgozar, 2022). اگرچه، بخش بیشتر ادبیات، هم بر تراکم کشور و هم بر مطالعات سطح شرکتی متمرکز بوده است، تحلیل‌های محلی منطقه‌ای شکاف دیجیتال و اثر پهن باند بر بهره‌وری بومی

^۱ Information Technology (IT)

^۲ Information Technology Enabled Service (ITES)

هنوز ناکافی است. مباحثاتی در این مورد در حال انجام است که آیا پهن باند ممکن است فرصت‌های بهتری را برای کسب و کارها و افراد در مناطق دور افتاده و توسعه نیافته که معمولاً از شکاف دیجیتال منطقه‌ای تاثیر می‌گیرد، امکان پذیر سازد یا خیر. در صورتی که اثر اقتصادی پهن باند در مناطق در حاشیه بیشتر یافت می‌شود (در مقابل اثر آنها در مرکز کشور)، راهبرد کاهش شکاف دیجیتال منطقه‌ای ممکن بود به ترغیب انسجام اقتصادی در سرزمین‌های یک کشور کمک کند (Sufri, Dwirahmadi, Phung, & Rutherford, 2020; Zhang, 2022). در مقابل، در صورتی که رشد بهره‌وری حاصل از پهن باند در مرکز بیشتر باشد، ممکن است سبب بیشتر شدن تمایز منطقه‌ای شود. در نتیجه، درک تفاوت‌های منطقه‌ای در اثر اقتصادی پهن باند برای تحلیل تاثیرات ترویج فراگیری دیجیتالی منطقه‌ای به معنی پیشرفت اتصال به سرزمین‌های دور افتاده و توسعه نیافته در یک کشور کلیدی به نظر می‌رسد (Szymkowiak et al., 2021; Webb et al., 2017). کشورهای BRIC، با وجود رشد اقتصادی اخیر آنها، بالاتر از میانگین سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه (OECD) از نظر نابرابری باقی مانده‌اند. سرانه درآمد نابرابری منطقه‌ای در هند و چین در سال‌های اخیر افزایش یافته است (Talón-Ballester, 2018). در مقابل، در روسیه و به ویژه در برزیل تاحدی نابرابری‌های شهری-روستایی اخیراً کاهش یافته است، اما همچنان بالا است. سیاست‌گذاری‌های متقاطع و تکمیلی در کشورهای BRIC حیاتی باقی می‌ماند تا نابرابریهای داخلی را کاهش دهند. تحقیق کنونی تلاشی برای حل و فصل اثر پهن باند بر بهره‌وری منطقه‌ای و تحلیل متناسب بودن سیاست‌های ICT در کمک به غلبه بر ضعف‌های مناطق عقب مانده است. تحلیل تجربی بر برزیل متمرکز خواهد بود، کشوری که در آن بر خلاف رشد اخیر، سطوح بالای نابرابری پا بر جا است و سرانه درآمد منطقه پیشرو بیش از سه برابر میانگین ملی است (Turken & Geda, 2020). نتایج ارائه شده در این بخش شواهدی را ارائه می‌کند که پهن باند بالاترین سود بهره‌وری را برای مناطق کمتر توسعه یافته در برزیل در بر دارد. این شواهد، اهمیت پهن باند را در توسعه منطقه‌ای برجسته می‌کند که از طریق آن برخی موارد سیاسی می‌تواند به دست آید (Chelongar & Ajami, 2021). در توسعه ICT در مناطق عقب مانده باید سیاست‌های منسجم با هدف جانبداری از جذابیت آنها به عنوان محلی برای کسب و کار ارتقا یابد و در مقابل، باید توسعه تعادل سرزمینی را ارتقا دهد، به عبارت دیگر این سیاست‌ها باید کمک کند تا زمین بازی در میان مناطق هم سطح شود (Toms et al., 2019). جدا از طرح‌های ملی، دولت‌های منطقه‌ای باید سیاست‌های محلی را ارتقا دهند، این موضوع به ویژه برای توجه به ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی و جغرافیایی خاص خود برای حداکثر کردن گسترش پهن باند و اثر اقتصادی آن طراحی می‌شود (Molinillo, Anaya-Sánchez, Morrison, & Coca-Stefaniak, 2019). گسترش پهن باند می‌تواند با ترویج رقابت در چارچوبی مناسب، با جلوگیری از هم پوشانی تنظیم مقررات در سطوح دولتی متفاوت و جلوگیری از طرح‌های دولتی که می

توانند تاثیر تراکمی بر سرمایه گذاری‌های خصوصی بگذارد، تسهیل شود (Abass & Kucukmehmetoglu, 2021). در مناطق دور افتاده یا غیر قابل دسترسی، همکاری دولتی - خصوصی برای توسعه این بخش مهم است و سیاست‌های فراگیر ممکن است حیاتی شود. قابلیت انعطاف تنظیم مقررات برای ارتقای طرحهای تجاری پهن باند مقرون به صرفه برای پایه هرم اقتصادی اجتماعی مهم است. دستور کار فراگیری دیجیتال همچنین باید مهارت‌های ICT و استفاده ICT را توسط سازمانها در مقیاس کوچک و متوسط ترویج کند. این تقسیمات سیاسی به ویژه در کشورهای BRIC مهم است به این دلیل که آنها ممکن است برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای خود مشارکت کنند (Acharjee & Sarkar, 2021).

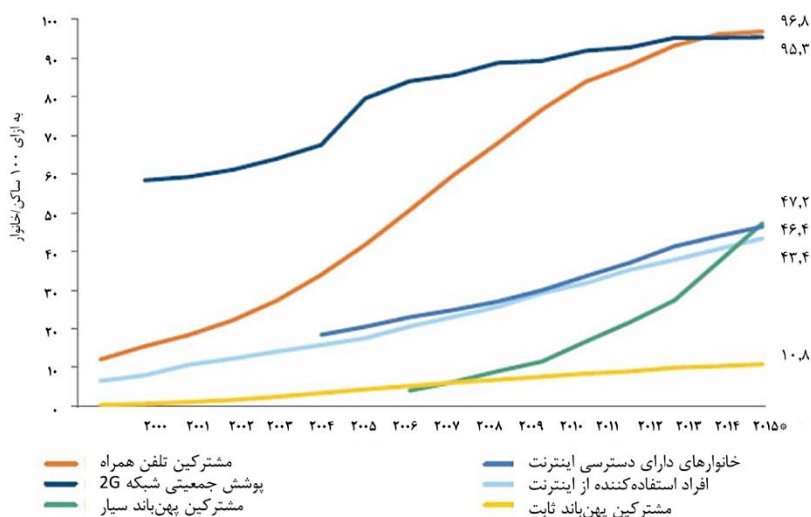
۱-۴- فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در حاشیه‌ی شهر

در چند سال گذشته، اغلب سهام حاصل از ICT در بهره وری از توسعه اتصال‌های اینترنت پهن باند به دست آمده است (Mens et al., 2021). بر اساس جردن و دنولندا^۱ (۲۰۲۲) و مک و فاگین^۲ (۲۰۲۱)، پهن باند اکنون شامل بخش مهمی از زیرساخت لازم برای توسعه است، اغلب در همان مسیری که پیشرفت‌های قبلی مانند راه آهن، جاده سازی و برق به نیازمندی‌های بنیادی برای توسعه تبدیل شدند. تحلیل تجربی اخیر بر تحلیل اثر پهن باند بر رشد اقتصادی در سطح کشوری متمرکز شده است (Tang, Xu, & Qiu, 2022; Yu Wang et al., 2022). در سطح منطقه ای، تحقیقات اغلب نایاب بودند و اغلب به ایالات متحده اشاره داشتند. بحث جاری در ادبیات به اثر اقتصادی پهن باند در فرایند بستن شکاف دیجیتال مناطق است (Andreev & Makarova, 2022)؛ تعیین این اثر، نیازمند تحلیل پیوند بین فناوری‌های جدید و مناطق توسعه نیافته است. برخی تحقیقات باور دارند که ICT ممکن است فرصت‌هایی را ایجاد کند که به مناطق دور افتاده اجازه بدهد بر ضعف‌های سنتی مرتبط با دور افتادگی خود غلبه کنند. در نتیجه، فناوری‌های جدید و پراکندگی اینترنت می‌تواند نقش ایفا شده توسط تراکم‌ها را کاهش دهد. برخی نویسندگان حتی در مورد «مرگ فاصله» در نتیجه ی استقرار گسترده احتمالی ICT حرف می‌زنند (Djoumessi & Eyike Mbongo, 2022; Kabir et al., 2022). بر اساس این دیدگاه، فاصله ممکن است کم اهمیت‌تر باشد و مناطق حاشیه‌ای ممکن است از فرصت‌هایی بهره‌برند که پیش از آن موجود نبوده‌اند (Bahmani, Hemmati, Moltaft, & Izadijairan, 2020). وجود پهن باند به خودی خود ممکن است توسعه مناطق فقیر را با افزایش برخی درجات همترازی سرزمینی تسهیل کند (Beshir et al., 2021). مناطق دور افتاده ممکن است مزایایی همچون دستمزدهای و هزینه‌های دارایی کمتر داشته باشند که می‌تواند در صورت وجود زیرساخت پهن باند خوب، به طور کامل

¹ Jordán and De León

² Mack and Faggian

بهره برداری شود. سایر نویسندگان استدلال می‌کنند که وجود شبکه‌های برون مرزی نشان می‌دهد که مناطق یا کشورهایی با سطوح نفوذ بالاتر نسبت به مناطق با نفوذ پایین‌تر به مشارکت وسیع پهن باند در رشد اقتصادی گرایش دارند (Cicione & Walls, 2021).



نمودار ۹-۱- تغییرات جهانی در فناوری‌های اصلی اطلاعات و ارتباطات در سال‌های

۲۰۱۵-۲۰۰۰

در ایران اما هیچ نهادی متولی رصد تحولات ابعاد مختلف توسعه نیست و هیچ دولتی گزارشی درباره نقش خود در تغییر شاخص‌های توسعه ارائه نمی‌کند (Mousavi, Takian, & Tara, 2021). توسعه در ایران هم در میان نخبگان و سیاست‌مداران و هم در میان عامه مردم مفهومی مظلوم و مغفول باقی مانده است (Baghbanian, Safdari, Erfannia, & Zokae, 2021; Torkayesh & Torkayesh, 2021). علاوه بر تحولاتی که مفهوم توسعه و مفاهیم و شاخص‌های مرتبط با آن در چند دهه اخیر به خود دیده است، چند شاخص دیگر نیاز برای سنجش آن مطالعه و مطرح شده اند مانند شاخص توسعه انسانی، شاخص توسعه جنسیتی و فراتر از آن شاخص توانمندسازی جنسیتی که ضعف در آنها، ریشه در ناهماهنگی‌ها و نگرش انتزاعی میان تفکرات، تصمیم‌سازی‌ها و فرایندهای توسعه (پایدار) و جهانی شدن دارد (Jauhiainen, Eyvazlu, Junnila, & Virnes, 2021).

با توجه به اینکه ما با مسئله فقر روبرو هستیم و حاشیه‌نشینی معنی فقر را می‌گسترده (Zazyki et al., 2022) و حتی فقیر شدن خود به خود شما را به سمت حاشیه‌نشینی سوق می‌دهد (Yeboah, Asibey, & Abdulai, 2021)، البته این گونه نیست که در سیاه‌ی رها شده باشیم. امکان‌هایی هم هست، اگر راهی وجود داشته باشد این راه جز از خلال تحقق نص صریح اصولی از قانون اساسی دیده نمی‌شود؛ اصول مشخص قانون اساسی وجود دارد و این اصول مشخص کرده که حاکمیت باید مقابل تبعیض و فشار بایستد و اگر این اتفاق بیفتد، با تبعیض‌های سیستماتیک مواجه نمی‌شویم، هولناک‌ترین لحظه برای امنیت اجتماعی جامعه وقتی است که تبعیض اقتصادی هم

ارز با قومیت یا مذهب یک گروه خاص شود یعنی فقر اقتصادی با هویت فرهنگی یک جماعتی تلاقی کند (Adinarayana & Mir, 2020). سطح دوم خارج کردن کالاهای موهوم از این وضعیت کالایی است که با تحقق اصول و قانون اساسی گره می‌خورد؛ مضامینی مانند سلامت و مسکن و بهداشت و ... را باید به هر ترتیبی شده از این حالت خارج و به مسئولیت دولت متصل کنیم (Zazyki et al., 2022). اما ترتیب عملکرد هر کدام از دستگاه‌های اجرایی دولت باید مبتنی بر دستورالعملی خاص و محدود در آن منطقه به جهت بومی فرض شدن توسعه قرار گیرد بنابراین شناخت مردم و کنشگران محلی حائز اهمیت است .

در واقع ما با پدیده و معضل سیستماتیکي مواجه ایم که محصول توسعه خاصی است (بینشی تحکم‌محورانه) که در ایران تئوریزه شده و با هجم انبوهی از زندگی ما مانند کالا برخورد می‌کند. سلامت و دانش ما کالا است، آب کالا است، هوا کالا است این برخورد کالایی حاشیه‌نشینی را به وجود می‌آورد (Baghbanian et al., 2021; Fotros, Sobhani, Haji, & Torkamani, 2022). چرخه‌ای که در آن بزهکاری و فحشا تولید می‌شود و خود این در سطح دیگری پخش می‌شود و پیامدهای فرهنگی و سیاسی به دنبال دارد از این طرف پیامدهای توسعه‌ای داشتیم و به همان میزان مردمانی را تولید می‌کنیم که در سبک و سیاق حاشیه‌نشینی محکوم به زندگی می‌شوند. در این پژوهش قصد ما این است تا بیان شود سبک و سیاق حاشیه‌ای صرفاً یک مساله سیاسی نیست بلکه مساله سیاسی و اجتماعی و فرهنگی است (Baghbanian et al., 2021; Ebrahimi & Gangi Khezerlak, 2015; Fotros et al., 2022; Hosseini et al., 2017).

آمارهای اسکان سازمان ملل متحد، حدود یک میلیارد نفر از ساکنان شهری در حاشیه و زاغه زندگی می‌کنند و پیش‌بینی می‌شود که تا ۳۰ سال آینده این تعداد به ۲ میلیارد نفر برسد (Moran, Rodríguez, Cortinez, O'Ryan, & Jaime Miranda, 2022). در آغاز قرن بیست و یکم، بیش از نیمی از جمعیت در نواحی شهری زندگی می‌کنند (Büchel & Ehrlich, 2020). تخمین زده می‌شود حدود یک میلیارد نفر از جمعیت شهری کل کره‌ی زمین در سکونتگاه‌های غیررسمی ساکن باشند (H. Park, Fan, John, Ouyang, & Chen, 2019). در چنین شرایطی شهرها، به‌ویژه شهرهای میلیونی کشورهای در حال توسعه به شکل غم‌انگیزی مکان تمرکز فقر شده و به مرور تعداد زیادی از فقرا به حاشیه شهرها رانده می‌شوند و در آنجا نیز با مشکلات خاص ناشی از شرایط محلی روبرو می‌گردند (Sanyal, 2017). باید اشاره شود که شدت تغییرات در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم به حدی است که دیگر، رویکردهای رایج برنامه‌ریزی پاسخگوی این تحولات نیست (Soyinka & Siu, 2018). پیچیدگی و عدم قطعیت عوامل مؤثر در توسعه ی آتی شهرها و گستردگی دامنه ی متغیرهای تأثیرگذار از سطح محلی تا سطح جهانی، نیاز به اتخاذ رویکرد و تفکری نوین در برنامه‌ریزی و توسعه شهری را آشکار می‌کند (Spencer & Bevan, 2018). توسعه از مفاهیم سهل و ممتنع است که مناقشات فراوان در معنابخشی و روشهای پیاده سازی آن وجود دارد (Chelongar & Ajami, 2021). توسعه معمولاً از طریق برنامه ریزی، سیاست‌های برنامه ای، برنامه‌های توسعه و یا طرح‌های توسعه تحقق می‌یابد. مهمترین مناقشات در زمینه ی توسعه، بحث بر مقیاس آن است؛ این در

حالی است که میزان شهرنشینی کشور در یک قرن گذشته از سیر صعودی بالایی برخوردار بوده است (Sekhani, Mohan, Mistry, Singh, & Mittal, 2022; Shi et al., 2021; Smit, Musango, & Brent, 2019)؛ به طوری که در این برهه زمانی جمعیت شهری ایران نیز از ۵۹۵۳۵۶۳ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۵۳۶۴۶۶۶۱ نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده که افزایشی نه برابری در یک دوره ۵۵ ساله داشته است؛ در حالی که جمعیت روستایی در این برهه زمانی از ۱۳۰۰۱۱۴۱ نفر به ۲۱۴۴۶۷۸۳ نفر رسیده است (جدول ۱). تعداد شهرهای کشور نیز از ۹۹ شهر در سال ۱۲۷۹ به ۱۹۹ شهر در سال ۱۳۳۵ رسید (Abdulai et al., 2021). این تعداد شهر در سال ۱۳۹۰ به ۱۱۳۹ شهر رسیده است که افزایشی شش برابری در این مقطع زمانی ۵۵ ساله داشته است. تعداد شهرهای ایران بین سالهای ۱۳۴۸ تا ۱۳۶۰ به میزان خیلی کمی افزایش داشته؛ به طوری که در این برهه زمانی فقط بیست شهر جدید را داشته ایم؛ اما بعد از انقلاب اسلامی از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۰ تعداد شهرهای کشور از ۴۵۷ شهر به ۱۱۳۹ شهر رسیده است (Hosseini et al., 2017). در این دوره سی ساله ۶۸۲ شهر جدید شکل گرفته اند که به طور متوسط سالانه نزدیک به ۲۳ شهر در کشور بر روی نقشه سیاسی ایران ظاهر گشته اند.

جدول ۱-۲- روند افزایش جمعیت شهری ایران از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ سرشماری نفوس و

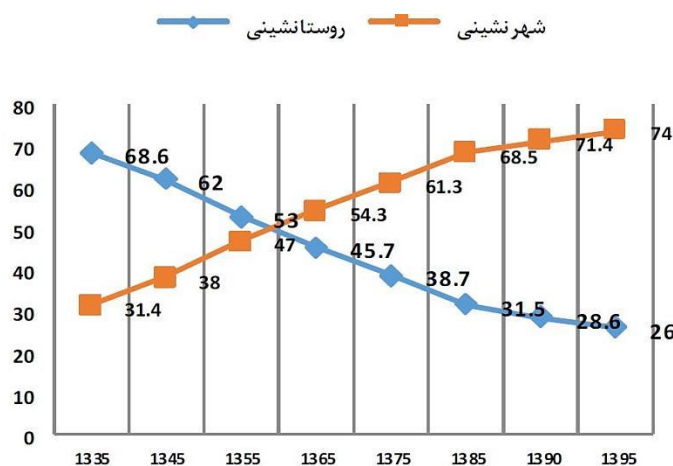
مسکن

سال	جمعیت کشور	نرخ رشد به درصد	جمعیت شهری	نرخ رشد شهرنشینی	درصد شهرنشینی	تعداد شهرها
۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	-	۵۹۵۳۵۶۳	-	۳۱,۴۱	۱۹۹
۱۳۵۴	۲۵۷۸۸۷۲۲	۳,۱	۹۷۹۴۲۴۶	۵,۱	۳۸	۲۷۱
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۲,۷	۱۵۸۵۴۶۸۰	۴,۹	۴۷	۲۷۳
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۰۱۰	۳,۹	۲۶۸۴۴۵۶۱	۵,۴	۵۴,۳	۴۹۸
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۲,۱	۳۶۸۱۷۷۸۹	۳,۲	۶۱,۳	۶۱۲
۱۳۸۵	۷۰۴۹۵۷۷۸۲	۱,۶	۴۸۲۵۹۹۶۴	۲,۷	۶۸,۵	۱۰۱۶
۱۳۹۰	۷۵۱۴۹۶۶۶۹	۱,۳	۵۳۶۴۶۶۶۱	۲,۱	۷۱,۴	۱۳۳۱
۱۳۹۵	۷۹۹۲۶۲۷۰	۱,۳	۵۹۱۴۶۸۴۷	۲,۲	۷۴	۱۵۱۸

بر اساس درگاه ملی آمار ایران و طبق فهرست وزارت کشور، تعداد شهرهای ایران برابر ۱۳۱۹ شهر است که نسبت به سال ۱۳۳۵ رشد آنها بیش از ۵۶۰ درصد است (Ebrahimi & Gangi Khezerlak, 2022).

(2015; Fotros et al., 2022). اما اگر تعداد شهرها با مناطق دارای شهرداری را، که برابر با ۱۵۱۸ شهر بوده است، در نظر بگیریم، رشد تعداد شهرها در ایران از سال ۱۳۳۵ تا کنون بسیار بیشتر خواهد بود. در این میان بیشترین افزایش مربوط به دهه‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۰ و ۱۳۸۰-۱۳۹۰ است که به ترتیب در این دهه‌ها ۳۶۹ (۷۱ درصد) و ۲۵۰ (۲۸ درصد) شهر جدید شکل گرفته اند (Mahdavi, 2022). این آمارها نشان دهنده شدت اهمیت حوزه مطالعاتی توسعه شهری برای پژوهشگران را نشان می‌دهد که در سالیان اخیر تمرکز مطالعاتی پژوهشگران بر حوزه مورد نظر تا چه میزان می‌تواند بر معیارها و شاخص‌بندی‌ها اجتماعی برای برنامه‌ریزان اجتماعی و سیاستگذاران را نشان می‌دهد.

استقرار در مراکز شهری، منجر به ایجاد فشارها و تنگناهای (از نظر تأمین اجتماعی و کیفیت زندگی) در بین آحاد جامعه‌ی کشورهای جهان سوم شده است (Yeboah et al., 2021) که امروزه به صورت جدی با پدیده‌ی حاشیه‌نشینی روبرو هستند «این رشد فزاینده نسبت شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه در حالی رخ می‌دهد که نمی‌توان همزمان، به افزایش رضایت از زندگی در مناطق شهری چندان امیدوار بود. امروزه اغلب مردم این احساس عمومی را دارند که مناطق شهری، برای زندگی و فعالیت نامطلوب است» (Brown & McGranahan, 2016; Dovey, Shafique, van Oostrum, & Chatterjee, 2021). فقر، نابرابری، آلودگی هوا، مسائل مربوط به حمل و نقل و ترافیک شهری، چالش‌های تأمین و توزیع آب آشامیدنی و رشد قارچ‌گونه‌ی سکونتگاه‌های غیر قانونی و حاشیه‌نشینی بیشتر شهرهای پرجمعیت را درگیر کرده است (Brown & McGranahan, 2016; Cicione & Walls, 2021; Dovey et al., 2021).



نمودار ۱-۱۰ - افزایش و رشد شهرنشینی

یکی از عوامل توسعه، نشانه‌های توسعه و پیامدهای توسعه جریان شهرنشینی است، یعنی جریانی که طی آن نسبت‌های بیشتری از جمعیت از نقاط روستایی جدا شده و به نقاط شهری روی می‌آورد. اگرچه این جریان در کشورهای صنعتی کم و بیش متوقف شده است، اما در کشورهای جهان سوم با شدت

زیادی ادامه دارد (An et al., 2022; Cicione et al., 2022). روند توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در یک نگاه (وضعیت کشورهای جهان تا سال ۲۰۱۵) نشان دهنده این وضعیت میباشد.

جامعه شناسان از دیرباز به بررسی پدیده شهر سالم پرداخته اند (Bittencourt & Giannotti, 2021). در تعریف شهر سالم این طور آمده که: شهر سالم مکانی است که دارای خدمات بهداشتی منظم و کافی باشد (Essounga & Njiei, 2021). همچنین چنین شهر یا مرکزی، امکان تامین معیشت و اشتغال را برای تمامی ساکنان خود ایجاد می کند. در عین حال از آنجا که هر شهر دارای ویژگی ها، زندگی، روح و شخصیت خاص خود می باشد، ارائه تعریفی جامع از شهر سالم امکان پذیر نیست (W. Liu et al., 2019). یک شهر سالم به عنوان منطقه ای تعریف شده است که همواره در حال گسترش و ایجاد فرصت هایی برای افراد خود می باشد، به گونه ای که آنها بتوانند ضمن حمایت یکدیگر، از زندگی سطح بالایی برخوردار باشند (Hawken, Avazpour, Harris, Marzban, & Munro, 2021).

بر اساس تعاریف موجود می توان گفت شهر سالم شهریست توسعه یافته و متوازن (Essounga & Njiei, 2021). اما امروزه افزایش جمعیت شهرها و تغییرات ساختاری آنها، سلامت شهرها را به خطر می اندازد (Falco et al., 2019). در کشورهای در حال توسعه عامل رشد جمعیت رشد شهرنشینی را تسریع کرده و این جوامع را با پیامدهای پیش بینی نشده ای همچون بحران های محیطی، مسکن، اشتغال و ... مواجه کرده است (Hachmann et al., 2018). بنابراین اگر چه در گذشته بسیاری از صاحب نظران توسعه اقتصادی و اجتماعی را در گرو شهرنشینی می دانستند (Sheets, Duff, Thornton, & Charles Adams, 2021)، اما امروزه رشد بیش از حد شهرنشینی خود به عنوان مانع توسعه عمل می کند (Hawken et al., 2021). از جمله بحران های ناشی از رشد بی رویه شهرها، پدیده ای به نام حاشیه نشینی است (Jasiński, 2021; Jin et al., 2021; Soyinka & Siu, 2018; Tang et al., 2022)، پدیده ای در حال گسترش که اگر چه از توان ها و امکانات استفاده از آن آگاهی کافی وجود ندارد، اما از تهدیدات و خطرات آن سخن بسیار رانده می شود. در مطالعه و بررسی هر منطقه ی حاشیه نشین جهت کمک به رشد و توسعه ی آن و زدودن فقر و محرومیت از چهره ی آن، نخستین گام بررسی و شناخت علل شکل گیری منطقه می باشد، شناختی که منجر به بازبینی امکانات منطقه شده و چه بسا در ارائه ی راهکارهای توسعه نقشی موثر داشته باشد (Bahmani et al., 2020; Dalu et al., 2018; Dekel et al., 2019; Stiphany et al., 2021; Sutherland et al., 2021).

ویژگی های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منطقه و بررسی عواملی که به محرومیت آن دامن می زند، امری ضروری است (Dekel et al., 2019; Stiphany et al., 2021; Sutherland et al., 2021). اما در کشور ما به نظر می رسد مهمترین گام، بررسی راهکارهای مدیریتی اتخاذ شده در طول زمان می باشد. راهکارهایی که گاه در سطح کلان خود باعث ظهور حاشیه نشینی می شود (Stiphany et al., 2021; Sutherland et al., 2021). ساز و کارهای تبعیض آمیز و فقرزا بر پایه ی توزیع غیر عادلانه می منابع

قدرت، ثروت و درآمد در جریان توسعه ابعاد گوناگونی داشته و همه جنبه‌های زندگی انسان را شامل می‌شود (Nikuze et al., 2019; Junxi Qian, 2022). مفهوم توسعه از نیازهای اولیه انسان آغاز شده و به نیازهای معنوی وی نیز می‌پردازد. بر طبق نظر بلورز نباید توسعه را با رشد اشتباه گرفت. (Saharan, Pfeffer, Baud, & Scott, 2019) رشد ماهیتی است کمی که در ارتباط با مسائل کالبدی، مادی و اقتصادی در جامعه مطرح می‌شود ولی توسعه ماهیتی هم کمی و هم کیفی است که با جنبه‌های کیفی فضا، پیشرفت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مرتبط است (Saharan et al., 2019; Saunders et al., 2016). در حقیقت رشد و پیشرفت همه جانبه که به تمام ابعاد کالبدی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... می‌پردازد را می‌توان توسعه نامید (Nhamo et al., 2021; Saharan et al., 2019). گونامیردال^۱ معتقد است که توسعه یعنی رهایی از چنگال فقر و در مواردی هم توسعه به عنوان نوعی حرکت تاریخی و گذرا از یک مرحله تاریخی به مرحله‌ای دیگر تعریف می‌شود (Carrese, Nigro, & Pallante, 2020). یعنی همان مرگ تدریجی نظام کهن و تولد و رشد تدریجی نظام تازه‌ای از زندگی (Peirson & Ziervogel, 2021; Yeboah et al., 2021). بنابراین توسعه در میان کارشناسان و نظریه پردازان دارای تعبیر و مفاهیم گوناگونی است. ادبیات توسعه در جهان بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد و از آن پس تکامل یافت. پیش از دهه ۸۰ میلادی برنامه ریزان توسعه، بیشتر بر بعد اقتصادی توسعه تکیه و تاکید داشتند (Saharan et al., 2019; Winter, Aguilar, Obara, & Johnson, 2021; Yeboah et al., 2021). این امر باعث عواقب ناخوشایندی نظیر توسعه نیافتگی، ناپایداری توسعه و تخریب محیط زیست به ویژه در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه می‌شد. از آن زمان با تکیه بر تجربیات به دست آمده، توسعه پایدار و به بیانی توسعه سبز و یا توسعه حافظ محیط مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت (Stiphany et al., 2021; Sutherland et al., 2021). امروزه تمام کارشناسان مسائل توسعه بر این باورند که رشد نامتعادل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجب نابرابری‌ها و عدم توازن جغرافیایی (فاصله شهر و روستا) می‌شود و در پی آن، گروه‌های متعدد روستاییان به شهرها مهاجرت می‌کنند و در شهرها نه جذب فعالیت‌های اقتصادی مولد شهری می‌شوند و نه به جامعه و فرهنگ شهری می‌پیوندند (Shahab, Bagheri, & Potts, 2021; Zaręba et al., 2021; P. Zhao & Zhang, 2018). از این رو در حاشیه زندگی شهری، در محدوده‌ی استحقاقی شهرها و در پیرامون بافت‌های فقیرنشین شهری ساکن شده و سکونت گاه‌های نابهنجار را پدید می‌آورند و در پایین‌تر از سطح زندگی حداقل روزگار می‌گذرانند و از خدمات زیربنایی، اجتماعی و فرهنگی شهری کاملاً بی‌بهره اند (Tauran, 2021; Vásquez & Alicea-Planas, 2018). بنابراین حاشیه نشین به خانوارها و افرادی گفته می‌شود که در محدوده شهرها به سر برده و از نظر سکونت، بهداشت، خدمات عمومی و اجتماعی و تسهیلات زیربنایی شهری در شرایطی نامطلوب زندگی می‌کنند (Vásquez &

¹ Gunnar Myrdal

(Alicea-Planas, 2018). حاشیه نشینی شهری پدیده‌ای است که در تمامی کشورهای در حال توسعه از دوران استقلال و اجرای برنامه‌های نوسازی و توسعه اقتصادی رخ نموده است، و به طور کلی در گسترش سریع شهرنشینی ناموزون و آهنگ شتابان شهرگرایی ریشه دارد (Silva de Noronha, Silva, & Barki, 2022; J. Zhu & Guo, 2022). مفهوم حاشیه نشینی در معنای عام شامل تمام افرادی است که در محدوده‌ی اقتصادی شهر ساکن اند، اما جذب اقتصاد شهری نشده اند (Spencer & Bevan, 2018). بعد جامعه شناختی حاشیه نشینی نیز افرادی را در بر می‌گیرد که در محدوده‌ی زندگی اجتماعی شهر جذب و با آن ادغام نشده اند (Nikuze et al., 2019; Junxi Qian, 2022; Shi et al., 2021). با توجه به وضعیت کنونی جامعه شهری ایران، پدیده حاشیه نشینی یا اسکان غیررسمی از مهم ترین مسائل شهری محسوب می‌شود. در تبیین کلی این پدیده اجتماعی، علل ساختاری مانند نابرابری در فرصت‌ها و توزیع منابع ثروت و درآمد که در فرایند رشد و توسعه به شکل‌های عدم تعادل منطقه‌ای شهری و روستایی ظهور کرده است باید مد نظر قرار گیرد دلایل شکل‌گیری این پدیده متنوع و متعدد است که ممکن است از مکانی به مکان دیگر متفاوت باشد. اما مهاجرت از نقاط مختلف به این محلات فقیر نشین مهم ترین دلیل آن محسوب می‌شود.

۱-۵- ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق

توسعه فیزیکی شتابان و نامتعادل شهرها، پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و کالبدی داشته است. یکی از آثار و پیامدهای توسعه فیزیکی ناموزون و نامتعادل شهری، اسکان غیررسمی است که به عنوان چالشی فراروی توسعه پایدار شهری مطرح می‌شود امروزه همه شهرهای جهان به‌نوعی با پدیده اسکان غیررسمی مواجه هستند (Brown & McGranahan, 2016). امروزه اسکان غیررسمی در شهرها به عنوان معضلی اساسی به شمار می‌رود، به همین سبب مسئله مدنظر که به آن پرداخته خواهد شد رشد سکونت گاههای غیررسمی و نامنظم و شکل‌گیری جزیره‌های فقر در حاشیه و درون شهرها به دلیل حذف اقشار کم درآمد از نظام برنامه‌ریزی و یا لحاظ نکردن آن به صورت فعال و به عنوان گروههای هدف در سیاستگذاری‌ها می‌باشد. از آنجایی که یکی از مهمترین اهداف استراتژی توسعه شهری کاهش فقر شهری است؛ بنابراین ارائه سازوکارهای فقرزدایی، اعمال پارادایم توسعه پایدار، همسویی با رهیافت توانمندسازی، ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، کاهش بی‌عدالتی در فضای شهری به ویژه کاهش فقر مسکن شهری، مدیریت منابع مالی و در رأس آن مدیریت بهینه شهری اهمیت و ضرورت تام دارد. از طرفی سکونتگاه‌های غیررسمی ناهنجاری‌هایی را در چشم انداز شهری به خصوص در بخش مسکن شهری ایجاد می‌کنند (Mitlin & Satterthwaite, 2012). به نظر می‌رسد که باید تعادل و هماهنگی ارتباط بین ساکنان، فضا و در رأس آن مدیران و مسئولان و مشاوران باشد چرا که در غیر این صورت

هزینه‌های احتمالی ناشی از سوء هماهنگی‌ها و عدم برنامه‌ریزی برای سکونتگاه‌های غیررسمی اثراتی زیانبار و جبران ناپذیری به بار می‌آورد (Jie Huang, Levinson, Wang, & Jin, 2019) یکی از مهم‌ترین مشکلات در این زمینه پیدایش سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد. رشد و توسعه بی‌تناسب شهرها و تراکم‌های خارج از اندازه، منجر به پدیده‌هایی مانند سکونتگاه‌های غیررسمی شده است. سکونتگاه‌های غیررسمی یا سکونتگاه‌های خودرو از مشکلات پیش روی شهرهای کنونی به خصوص در سطوح محلی می‌باشد. سکونتگاه‌های غیررسمی غالباً چون هاله‌ای گرداگرد شهر را در بر می‌گیرند (Kim, 2020). که این نقاط پیراشهری بیشترین نقش را در از دست رفتن محصولات کشاورزی و بیکاری روستایی دارند که این دو مساله عمده خود به وجود آورنده مشکلات دیگری است این مشکلات به صورت مولفه‌هایی چون: "فقر، کمبود فرصت‌های اقتصادی، محرومیت اجتماعی، کاستی در امکانات عمومی، فقدان آزادی‌های سیاسی و... " نمود می‌یابند (Stanford, Garrard, Kirk, & Hurley, 2022).

لازم به ذکر است که این ادغام و در هم‌تنیدگی در شهر رشت بحرانی‌تر از بسیاری مناطق دیگر است چرا که گستره‌ی شهر در محیطی جلگه‌ای پتانسیل ویژه‌ای را جهت این توسعه یافتگی فراهم کرده است و نقش موانع طبیعی را به حداقل ممکن رسانده است (Carrese et al., 2020). در واقع اثرات گسترش فیزیکی مادر شهر رشت را می‌توان در طیف‌های وسیعی از شکل‌ها و روابط انسان با محیط مشاهده کرد، با گسترش کالبدی - فضایی شهر رشت، نه تنها نواحی حاشیه‌ی شهر، بلکه مناطق پیرامونی در سطح ناحیه تحت تأثیر این گسترش قرار گرفته اند؛ از جمله: به هم خوردن نظام سلسله مراتب شهری با افزایش تعداد جمعیت و اندازه شهر، ادغام روستاهای متعدد به داخل بافت شهر در دهه‌های گذشته با توسعه فیزیکی شهر رشت، تغییر کاربری اراضی از کشاورزی به کاربری‌های خدماتی با توسعه فیزیکی شهر اراضی کشاورزی به کاربری‌های تجاری، مسکونی و خدماتی تغییر یافته و حتی اراضی وسیعی از فعالیت کشاورزی خارج شده و به انتظار گذاشته می‌شود، تغییر در چشم اندازهای طبیعی گسترش روزافزون شهر سبب پیدایش مشاغل متعدد خدماتی، به ویژه در مدخل‌های ورودی و خروجی شهر شده و منظر شهری را به شکل نامناسب جلوه می‌کند (Kester, Sovacool, Noel, & Zarazua de Rubens, 2020)؛ تغییر اشتغال با توسعه کالبدی شهر، تبدیل شهر گرایی به شهرنشینی؛ تمرکز خدمات؛ تمرکز فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی به دنبال خود تمرکز جمعیت را نیز سبب می‌شود؛ تغییرات جمعیتی؛ با افزایش روزافزون جمعیت و تمرکز فعالیت‌های انسانی حوزه‌ی نفوذ و دامنه‌ی کشش کلانشهر رشت در سطح منطقه دائماً رو به افزایش است.

استقرار در مراکز شهری، منجر به ایجاد فشارها و تنگناهای (از نظر تأمین اجتماعی و کیفیت زندگی) در بین آحاد جامعه‌ی کشورهای جهان سوم شده است که امروزه به صورت جدی با پدیده‌ی حاشیه نشینی روبرو هستند. این رشد فزاینده نسبت شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه در حالی رخ میدهد

که نمیتوان همزمان، به افزایش رضایت از زندگی در مناطق شهری چندان امیدوار بود. امروزه اغلب مردم این احساس عمومی را دارند که مناطق شهری، برای زندگی و فعالیت نامطلوب میباشد. (Bhuyan, Lane, Moogoor, Močnik, & Yuen, 2020; Xia, Yabuki, & Fukuda, 2021; C. Xu et al., 2022)

این رساله می‌تواند به سیاستگذاران و دولت‌های توسعه‌خواه کمک کند چنانچه قصد یاری در فرآیند توسعه ایران را دارند باید از کجا شروع کرده و در چه حوزه‌هایی سیاست‌گذاری و سرمایه‌گذاری کنند و از کدام اهداف به نفع کدام اولویت‌ها چشم‌پوشند. ما بر این باوریم سیاست‌گذاری برای توسعه دارای سلسله‌مراتب است و از یک پارادایم نهادی پیروی می‌کند. عدول از قواعد این هرم پارادایمی میتواند کشور را متحمل هزینه‌های فراوان کند (Karalis Noel & Finocchio, 2022). توسعه‌ی یک تغییر برنامه‌ریزی شده و جهت‌مند در یک سیستم اجتماعی بر اساس اصولی دموکراتیک است که میخواهد شرایطی را در جامعه به وجود آورد که برای توسعه‌ی بهینه‌ی مردمان آن جامعه سودمند هستند، این امر مردم را قادر می‌سازد تا نقش‌های اجتماعی و شخصی خود را در تطابق با منزلت مورد انتظار خود به جا آورند و در عین حال به بهروزی، رضایت و آرامش بیشتری در زندگی دست یابند (Stryhul et al., 2021). از اینرو نهادینه شدن آن دارای پیامدهای مثبتی برای برونرفت از مسائل پیشرو و عدالت اجتماعی، به ویژه در بین حاشیه‌نشینان میباشد. در واقع، از آنجایی توسعه‌ی حاشیه‌شهر بر معانی سازگاری و تعادل بین جامعه‌ی هدف و سیاست‌های توسعه‌محور و نیز مشارکت اجتماعی تأکید دارد (Ioannou, Katsianis, & Varoutas, 2020). دستیابی به آرمان معنادار بودن زندگی فردی و اجتماعی را تسهیل می‌کند و از این رهگذر قابلیت‌های انسانی و احساس آسایش را برای آحاد جامعه به ارمغان می‌آورد (Chahardowli & Sajadzadeh, 2022; D. Chen et al., 2021). بنابراین، فهم فرایندهایی که به موجب آنها کنشگران به تنهایی و یا در تعامل با کنشگران به ارتباط و توسعه حاشیه‌ی حیات اجتماعی بین فردی و جمعی خویش می‌پردازند، سهم مهمی در شناخت فرهنگ مدنی و ظرفیت‌های توسعه‌ی اجتماعی و فرهنگی هر جامعه دارد (Sekhani et al., 2022). در این مسیر، تحلیل‌های معطوف به کنشگران اجتماعی و نیز فرایند ساخت اجتماعی واقعیت در رهیافتی عمیق در سطح خرد و داده‌بنیاد بسیار راهگشا است. (Ibraeva, Correia, Silva, & Antunes, 2020)

کمرنگ شدن قدرت نهادهای اجتماعی، مانند خانواده، رشد آسیب‌های اجتماعی و ناکامی افراد در دستیابی به اهداف خود از پیامدهای این وضعیت هستند (Bae & Lee, 2020). در ساخت نامنسجم و آسیب‌زای حاشیه‌نشینی، این نهادها که حلقه‌های ارتباطی جامعه‌پذیری و نقش‌پذیری افراد محسوب میشوند، در تثبیت موقعیت اجتماعی افراد ناکام مانده و در نتیجه، شرایط برای جذب، ادغام اجتماعی و ارتقای کیفیت و تقویت توسعه‌ی اجتماعی آنها رو به زوال رفته است. در این وضعیت بی‌انسجام، آنچه قابل تحلیل است این که با تضادی عمیق از حیث ساختیابی ساختار اجتماعی شهر رشت روبرو هستیم. در این پژوهش با توجه به اینکه ساختار اجتماعی و توسعه‌ی حاشیه‌نشینی مورد توجه قرار گرفته است برای سازمان

هایی مانند شهرداری می‌تواند مناسب باشد به جهت اینکه این سازمان‌ها می‌توانند درک و فهم عمیق از مسائل توسعه شهری در حاشیه پیدا کنند و با توجه به آن مسائل و معضلات مشخص در زمینه عدم توسعه یا عدم برخورداری امکانات لازم در مناطق به جهت جبران کاستی هاقدم بردارد. همچنین از مباحث فناوری ارتباطی و اطلاعاتی استفاده شده است تا معنای توسعه و توسعه یافتگی را به شکلی دقیق ارزیابی کند که میتوان برای سازمان فناوری ارتباطی و اطلاعاتی در سطح استان و همچنین در سطح کشور برای وزارت ارتباطات و اطلاعات مناسب تلقی گردد تا بتواند راهبردهای خود را جهت رشد و پیشرفت هر چه بیشتر در این مناطق ارائه دهد.

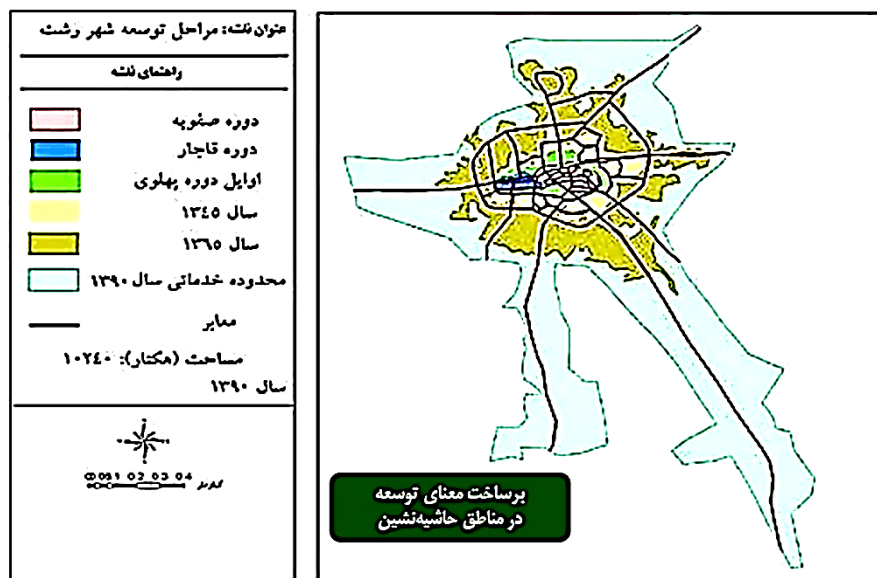
تحقیق حاضر به بررسی یکی از مهمترین موضوعات اجتماعی یعنی توسعه در مناطق حاشیه‌نشین می‌پردازد و از این رو شناخت چگونگی و روند ساخت‌یابی آن به عنوان یکی از پارامترهای نرم‌افزاری توسعه‌یابی می‌باشد در این راستا باید خاطر نشان ساخت که اگر منابع مادی فراوان در جامعه وجود باشد ولی مردم آن جامعه توسعه یافتگی را مشاهده نکنند، نوعی بی‌اعتمادی در مردم به وجود می‌آید که این امر به نوبه خود ضد توسعه قلمداد می‌شود، بنابراین تحقیق حاضر می‌تواند مورد استفاده مسئولین فرهنگی استان مثل دفتر امور اجتماعی استانداری، سازمان ارتباطات و فناوری اطلاعات، شهرداری و قرار گیرد تا بتواند بر اساس یافته‌های این تحقیق در جهت برنامه‌ریزی برای داشتن جامعه‌ای رضایتمند و در نهایت توسعه یافت گام بردارند.

- به مسئله حاشیه نشینی و فقر یک نگاه اجتماعی انجام شده است تا رویکرد مردم نسبت به توسعه را شناسایی و در جهت حل مسائل و معضلات حومه شهر گام بردارد.
- توجه به ساکنین و افرادی که فرایند توسعه یابی نادیده انگاشته شده بودند.
- توجه به فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی که ساخت و ساحت جدید اجتماعی را در عرصه مسائل و معضلات شهری را رقم زده است.

۱-۶- محدوده مورد مطالعه پژوهش

وضعیت حاشیه نشینی در ایران باید مورد توجه مسئولین و سیاستگذاران اجتماعی قرار گیرد بر حسب شاخص‌ها و آمارهای جهانی و همچنین پیمایش‌های ملی انجام گرفته، وضعیت حاشیه‌ها و حومه‌های شهری در ایران از آشفتگی بالای حکایت دارد؛ برای مثال: کشور ایران در وضعیت توسعه اجتماعی بر حسب شاخص‌ها و داده‌های موسسه لیتوم در میان ۱۲۲ کشور جایگاه ۱۰۱ جهان را بدست آورده است که این در حالیست که در شهر رشت مرکز استان گیلان به واسطه حاشیه‌نشینی به ۴۵ درصد می‌رسد که بالغ بر ۹۰۰ هزار نفر جمعیت این شهر است از عوامل تاریخی ساختاری که درباره علل شکل‌گیری و گسترش حاشیه نشینی در مناطق مختلف ایران شدند درباره استان گیلان شهرستان رشت صدق می‌کند زیرا گیلان به طور خاص درگیر تجارت خارجی با روسیه در دوره قاجار و اصلاحات ارضی دوره پهلوی دوم و شرکت‌های کشف صنعتی که مبتنی بر همین رشد اقتصادی بوده شکل گرفته و ساز و کار اقتصادی اجتماعی گیلان به شکل است که محدوده شهری آن به شکل کوچکی نیازی از ساکنین شهری آن را

برطرف نمی‌کند افراد حاشیه نشین به ناچار در ساز و کار اقتصاد غیر رسمی مجبور می‌شوند به مرکز هجوم برده و امکانات آن استفاده نمایند عدم توسعه یابی و بحث حاشیه شهر تا آنجا پیش رفته که امکانات محدود و دسترسی‌های محدودی به افراد در حاشیه؛ ساز و کار برنامه‌ریزی شهری به هیچ گونه و به هیچ عنوان در نظر گرفته نشده است توجه ویژه به مرکز باعث گردیده در شهر رشت حتی در مرکزیت با این وضعیت رو به رو باشد عدم پژوهش و تحقیقات مستقل در حوزه حاشیه نشینی شهری در شهر رشت با استناد از ایده محوری به‌گونه‌ای قلب و ساز کار بررسی اجتماعی آن مختل گردد این در حالی است که اصلی ترین موضوع در شهر رشت ساختار معجوج اجتماعی و ناموزونی و ناهماهنگی شهری در آن به وضوح قابل مشاهده است.

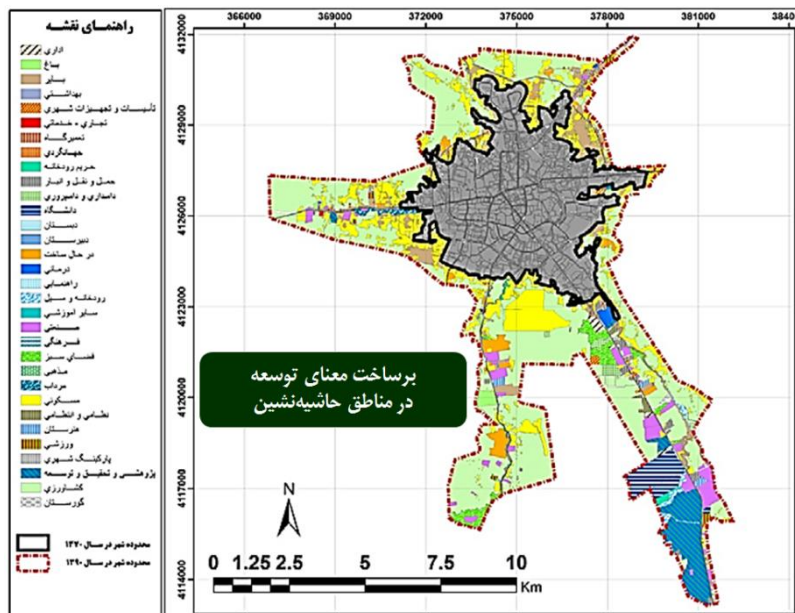


نقشه ۱-۱- مراحل توسعه شهر رشت

این در حالی است که توسعه نامتوازن شهری و غیر پایدار بودن سکونتگاه‌های شهری در رشت باعث شده که با گتوهای شهری مواجه باشیم یعنی در داخل مرکزیت شهر وضعیت نابسامان اجتماعی فرهنگی شاهد باشیم که ساز و کار فرهنگی اجتماعی مختص به خود را در منطقه از بین میبرد. توسعه نامتوازن در حاشیه شهر در محلات مخروبه و سکونتگاه‌های غیررسمی که خارج از برنامه توسعه شهری به شکل ناخودآگاه و خود رو شکل گرفتند و به سبب توانایی مکانیابی و هویت یابی و هویت بخشی به افراد شکل گرفته که در یک سطح زیست پذیری نامناسب و عدم دخالت با دستاوردهای شهری سیستمی غیر منصفانه و غیر عادلانه را در شهر به وجود آورده است در سالیان اخیر رشد فناوری ارتباطی و اطلاعاتی باعث شده است قسمت اعظمی از شهروندان شهر با نابسامانی اجتماعی در برنامه‌ریزی صحیح برای ارتباط موجه و تنظیم اصولی مقررات اجتماعی که پایبند آنیم بتوانیم محوریت انباشتگی جمعیتی در یک حوزه منطقه‌ای خاص جلوگیری کنیم و زیرساخت‌های شهری را که توانایی انتقال آن به افراد برای توسعه بخشی به مناطق خودشان است بدهیم در واقع جمعیت شهری و از فشردگی خارج کرده و راهگشایی برای وضعیت حاشیه نشینی در امروز بیاییم به همت در هم تیندگی در شهر رشت بحرانی تر از منطقی می‌گردد کشور

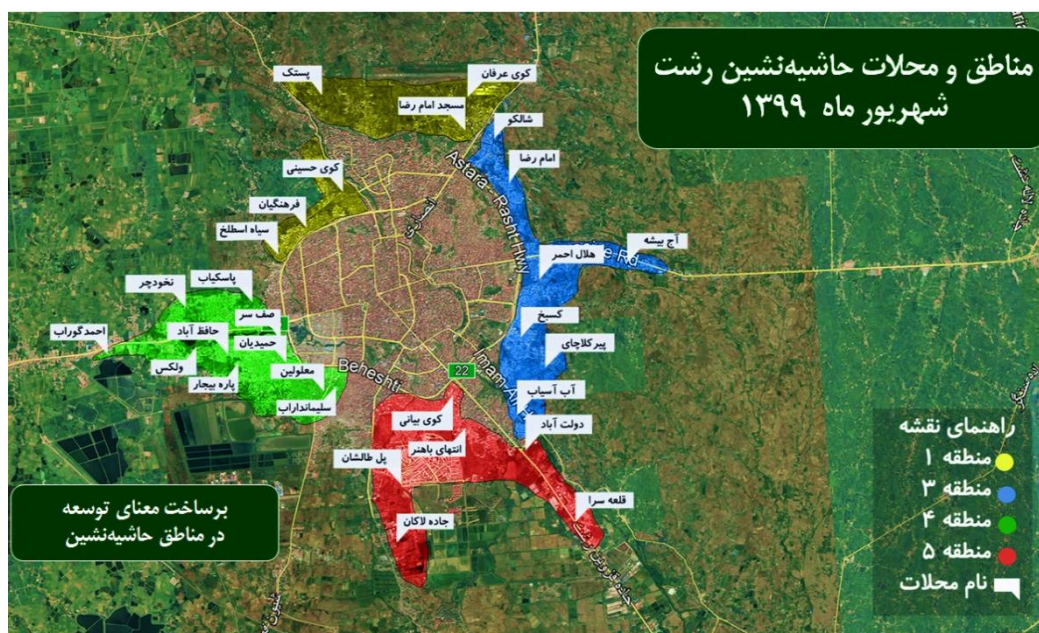
است در واقع محیطی جلوگیری که پتانسیل توسعه یافتگی را همزمان با نقشی که مواد طبیعی به عهده دارد می تواند یک وضعیت سامانمند به لحاظ فیزیکی برای کلانشهر رشت می یابیم.

ساز و کار شهری در حاشیه شهر رشت کانونی ساخت یابی شهری قرار دارد در این پژوهش که ساماندهی وضعیت شهری در اولویت اجتماعی اقتصادی یک شهر می تواند وضعیت نابسامان اجتماعی را از یک وضعیت بسامان با وجود تعهدات اجتماعی به شکل مختلف رحم نماید، بسترسازی مناسبی برای ایجاد فضای مناسب شهری برای اشتغال شهری فراهم آورد فقدان نظارت قانونی می تواند این امر به یک وضعیت با ثبات اجتماعی تبدیل کند همچنان که فناوری های ارتباطی اطلاعاتی این امر را با سابقه ای درخشان در اختیار عوامل ترتیب دهنده این موضوع قرار می دهند سازگاری اجتماعی مناسبی در جهت بهره مندی هفتم بیشتر افراد برقرار می سازند. متفکرین اجتماعی ویژگی های فناورانه را که شکل گیری دنیای اجتماعی نوینی را باعث می شود فصل جدید و مفهومی متفاوت از مفاهیمی گذشته افراد انتقال می دهد که این انتقال می تواند سبب و سازنده ساخت توسعه از منطقه خاص باشد توجه به مسئله توسعه یابی به عبارتی بهبود وضعیت زندگی افرادی که ساکن این مناطق هستند می تواند یک وضعیت با ثبات در جهت توسعه یابی برای سیاست گذاران اجتماعی کلان نگرایی هایی که افراد در این زمینه دارند قرار گیرد. یک مسئله موضوعی تا بتواند یک راهبرد بلند مدت برای ساختار اجتماعی پیدا کند و سیستم اجتماعی را در جهت عدالت محوری در حاشیه شهری و توسعه یابی شهر قرار دهد. سازمان اجتماعی گسترش شهری را همواره در صدد تحول نوین در مباحث عدالتی می شمارد باید توجه به ساخت و پرداختن به موضوعات اجتماعی را به عنوان یک کل مسئله به حاشیه شهر داشته باشد.



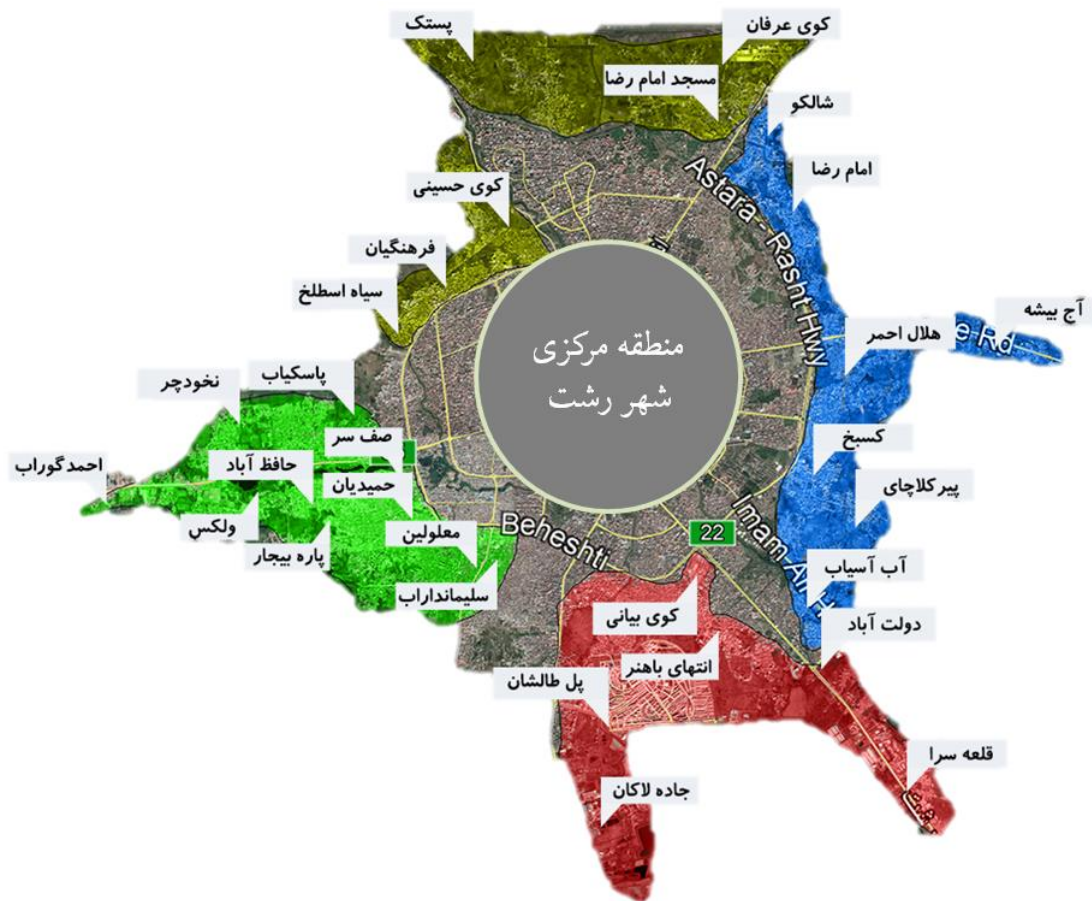
نقشه ۱-۲- واحدهای مسکونی، تجاری، صنعتی، خدماتی و ... اضافه شده به شهر رشت

با توجه به عوامل مطرح شده، برای سالیان متوالی رشد شهرنشینی در ایران، ناموزون و غیر پایدار ادامه یافت و بیرون از متن اصلی شهرها، گتوهای سکونت‌گاهی با سرعت گسترش یافته‌اند؛ وضعیت پاره پاره شهری که با وضعیت متفاوت و عقب مانده‌ی رو به رو خواهد بود و وجه به مرکزیت را به عنوان یک هسته پیش فرض قابل قبول سبب گسترش مکان مندی افراد در وضعیت منطقه‌ای خواهد شد و در حاشیه شهرهای بزرگ و متوسط، پیامد این توسعه نامتوازن در حاشیه شهر (در محلات مخروبه و سکونتگاه‌های غیررسمی که خارج از برنامه‌ی توسعه‌ی شهری به شکل خودرو پاگرفتن) به روشنی قابل مشاهده است. و بخشی از جمعیت ساکن در این مناطق واقع در حریم شهرها به جهت امرار معاض به شغل‌های دست دوم و یا جذب در بخش اقتصاد پنهان شهری میشوند.



نقشه ۱-۳- مناطق و محلات حاشیه‌نشین رشت در شهریور ۱۳۹۹

رشت از جمله‌ی مناطق کشور است که از نظر بافت جمعیتی و سکونتگاهی پرتراکم شناخته می‌شود. افزایش جمعیت رشت باعث شده که شهر از نظر کالبدی نیز گسترش افقی داشته باشد. به دلیل اینکه این گسترش یکسان نبوده لذا تفاوت در امکانات شهری باعث عقب ماندگی و محدودیت در برخی از محلات شهر شده است.



نقشه ۱-۴- مناطق حاشیه نشین رشت

افزایش بی سابقه‌ی تورم و اوضاع اقتصادی نابسامان و فشارهای اقتصادی که به روی اقشار مختلف مردم حاکم است یکی از مهمترین و اساسی ترین عامل گسترش حاشیه نشینی در رشت بوده است. قیمت بالای بهای مسکن و اجاره، افراد را ناگزیر ساخته به جهت تامین معیشت به سمت نقاط حاشیه‌ی شهر نقل مکان کرده و بدون در نظر گرفتن اصول شهر سازی و استحکام بنا نسبت به احداث بنا اقدام کنند. این کار موجب تفکیک غیرقانونی اراضی و خرد شدن آن شده است. به لحاظ ساختاری با گسترش فضای پیرامون شهری با مناطق متعدد مواجه هستیم که به لحاظ ماهیت، سبک واحدی از زندگی را تجربه می‌کنند که به تفکیک به آن اشاره خواهد شد:

جدول ۱-۳- مناطق حاشیه نشین رشت

محللات	مناطق شهری	ردیف
کوی عرفان، مسجد امام رضا، پستک، کوی حسینی، شهرک فرهنگیان، سیاه اسطخ	منطقه یک	۱
حاشیه ندارد	منطقه دو	۲

هلال احمر، کوی امام رضا، شالکوه، پیر کلاچای، کسبخ، آب آسیاب، آج پیشه	منطقه سه	۳
پاره بیجار، صف سر، احمد گوراب، عینک، سلیمانداراب، معلولین، ولکس، پاسکیاب، نخود چر، حافظ آباد	منطقه چهار	۴
جاده لاکان، پل طالشان، پیام نور، کوی بیانی، انتهای باهنر، قلعه سرا و دولت آباد	منطقه پنج	۵

با توجه به وضعیت حاشیه نشینی در مناطق شهری ساماندهی وضعیت شهری در اولویت ساز و کار اجتماعی خواهد بود فضای شهری با توجه به اینکه ساختار اجتماعی مختص به خود را دارد یک سیستم اجتماعی فرهنگی در حوزه شهر و روستا به مثابه یک بازار اقتصادی تعیین کننده وضعیت معیشتی افراد را مشخص می‌کند. مولفه بندی آنان را در قالب گروه‌ها و دسته‌های اجتماعی نابرخودار شهری شناسایی می‌کنند و در جهت توانمندسازی آنان گام بر میدارند تا بهرمنند از امکانات شهری و فضای شهری در جهت توسعه منابع انسانی و شهروند مداری باشد

۱-۷- نگاهی به مفهوم بر ساخت توسعه حاشیه‌نشینی

توسعه، فرایند دگرگونی و استحاله چندجانبه و دامنه داری است که وجوه گوناگون زندگی انسانی اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست محیطی و رشد و گسترش منابع مادی، اخلاقی و فکری جامعه را دربر می‌گیرد (Arnberger, 2021; Ali-Toudert et al., 2020; Adolffson et al., 2021; Budruk, Schneider, & Wilhelm Stanis, 2022; Bhatti et al., 2021; Büchel & Ehrlich, 2020; Vermeiren et al., 2022; M. Wang & Debbage, 2021; Yongcheng Wang, Yamaguchi, & Wong, 2020; Washbourne, 2022). هر چند این فرآیند، در کشورهای جهان اعم از پیشرفته و در حال پیشرفت، هیچگاه جریانی بیطرف نبوده و همواره و از ابعاد مختلف، برخی گروه‌های انسانی از جمله زنان و کودکان را مورد غفلت قرار داده و به آنها آسیب وارد ساخته است (Arnberger et al., 2022; Bhatti et al., 2021; Büchel & Ehrlich, 2020; Kozina, Bole, & Tiran, 2021; Kristensen & Dubois, 2021; Washbourne, 2022). همچنین گفته شده است: توسعه، تغییر بنیادی در متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه محسوب می‌شود و تحقق آن، مستلزم ایجاد هماهنگی بین ابعاد گوناگون آن است. (Bae & Lee, 2020)

مسئله ماهیت فرآیند توسعه، نیازمند نظمی اخلاقی است تا اطمینان دهد که نسبت به نیازها و حقوق انسانی، جانب مسئولیت و عدالت را نگه میدارد و در همه حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی، از علم و فناوری به گونه‌ای بهره می‌گیرد تا امنیت زیست بشری را تامین کند (Carraro et al., 2021). این دیدگاه

در مورد توسعه، از موضعی انسان دوستانه‌تر نیز برخوردار است و حامی مردم ضعیف و خواستار مشارکت اجتماعی و توسعه پایدار است (Carnemolla et al., 2021; Chahardowli & Sajadzadeh, 2022). بنابراین چنین توسعه‌ای، نه تنها بر رشد اقتصادی، بلکه بر برابری اجتماعی و اهمیت‌های حیاتی محیط زیست و همچنین، بر اهداف کلانی چون رشد، عدالت، مردم‌سالاری و ثبات سیاسی اصرار دارد. (Carrese et al., 2020)

دو رویکرد عمده در چگونگی تحقق توسعه وجود دارد: از یک سو، توسعه می‌تواند برآمد تحول در نهادهای فرهنگی و اجتماعی جامعه باشد که سرآمد این نهادها خانواده و آموزش هستند. از سوی دیگر، توسعه می‌تواند در نتیجه سیاست‌های دولتی ایجاد شود (Benites & Simões, 2021). برخلاف رویکرد اول یعنی «توسعه از پایین» که نیازمند تحول خودجوش فرهنگی و نهادینه شدن هنجارهای توسعه‌خواهانه در الگوهای ذهنی و رفتاری جامعه بوده و فرآیندی است که نسلاً به‌ترازاً م‌یانجامد؛ «توسعه از بالا» نوعی توسعه دستوری بوده و فرآیندی است که می‌تواند قابل اندازه‌گیری، قابل برنامه‌ریزی و قابل پی‌شبینی باشد (Bae & Lee, 2020). پیامدهای سیاست‌هایی که دولت‌ها در جهت «رشد» و «توسعه» کشورها اجرا می‌کنند تا حدود زیادی قابل رصد و اندازه‌گیری است (Bae & Lee, 2020). ارزیابی میزان ناکامی یا کامیابی سیاست‌های توسعه‌ای پیشین، و پیشبینی سناریوهای آینده برای توسعه کشور در صورت ادامه روند یا تغییر روند، می‌تواند بسته‌های حمایتی اثرگذاری جهت تدوین سیاست‌های هدفمندتر توسعه‌ای در اختیار سیاست‌گذاران قرار دهد. (Benites & Simões, 2021; Bhatti et al., 2021)

در ایران، برنامه‌های توسعه از قبل از انقلاب اسلامی اجرا شده‌اند و پس از انقلاب دوره جدیدی از این برنامه‌ها از سال ۱۳۶۸ به صورت پنج‌ساله بار طراحی و اجرا می‌شوند. استمرار برنامه‌های توسعه نشانگر این است که توسعه امری نیست که توسط یک دولت و تحت تأثیر سیاست‌های یک دولت یا یک جناح و حزب خاص ایجاد شود (Fotros et al., 2022; Mahdavi, 2022). توسعه انباشت و توزیع است، انباشت سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه محور و انباشت سرمایه، رفاه، و فراوانی در بین گروه‌های مختلف جغرافیایی و هویتی. نهاد پویای فکری توسعه، توسعه‌رایی نگونه تعریف می‌کند: (Buzási, 2021; Pálvölgyi, & Csete, 2021)

توسعه، فرآیند شکل‌گیری ساختارهای نهادی است که منجر به ایجاد رفاه پایدار و توزیع نسبتاً عادلانه آن در سطح جامعه با هدف توانمندسازی همه افراد جامعه می‌شود (Carrese et al., 2020). به طوریکه هیچ محدودیت درونی (نیاز اولیه رفع نشده) یا هیچ محدودیت بیرونی (آزادی‌های سلب شده) افراد را از انتخاب آزادانه و مختارانه فرصت‌های خودشکوفایی محروم نکند. (Bae & Lee, 2020) در ادامه هریک از بخش‌های این تعریف در جدول شماره ۱-۴ توضیح داده می‌شوند.

جدول ۱-۴- تعاریف مفاهیم نهادی در شکل‌گیری توسعه

منبع	تعریف	مفهوم
Jie Huang et al., 2019; Kim, (2020)	به معنای انباشت ثروت در یک جامعه و فراهم کردن امکانات و دسترسی به غذا، آب و سرپناه و امکانات مختلف آموزشی، پزشکی، خدمات، حمل و نقل و غیره است.	ایجاد رفاه
Bhatti et al., (2021; Büchel & Ehrlich, 2020)	به معنای توزیع امکانات در سطح جامعه برای همه اقشار و گروه‌های جغرافیایی و هویتی است.	توزیع رفاه
Anderson & Gough, 2020; Boulange, Pettit, Gunn, Giles-Corti, & (Badland, 2018)	رفاهی است که محصول برداشت بیش از ظرفیت منابع طبیعی نباشد و نسل‌های آینده را از رفاه محروم نکند.	رفاه پایدار
Büchel & Ehrlich, 2020; Chelleri & Baravikova, (2021)	به معنای ایجاد قابلیت در تک تک افراد جامعه از طریق ارائه خدماتی نظیر آموزش و تامین نیازهای اولیه و بنیادهای رفاه است.	توانمندسازی
Asibey et al., (2021; Carpentieri, Papa, & Guida, 2022; Chelleri & Baravikova, (2021)	بر معناداری زندگی و رضایت فرد از زندگی دلالت دارد؛ اینکه فرد پذیرش اجتماعی را تجربه کند به توانمندی خود پی ببرد، و د رصدد رشد در مسیر توانمندی خود برآید.	خودشکوفایی

ما نگاه سیستمی به توسعه داریم و معتقدیم هرگونه برنامه یا اصلاح یا رفتار و فرآیندی که در هر بعد جامعه اعم از محیط حقوقی و سیاسی، محیط اقتصادی، محیط طبیعی و محیط اجتماعی انجام شود نه تنها در حوزه خود بلکه در بقیه حوزه‌ها هم اثرگذار است (Abass & Kucukmehmetoglu, 2021). نمی‌توان توسعه را در یک بُعد اقتصادی یا فرهنگی محدود کرد و از عواقب و پیامدهای آن برای حوزه‌های دیگر غفلت ورزید. به همین ترتیب اتخاذ هر سیاست غلطی در هر حوزه، عواقب و هزینه‌هایی در دیگر حوزه‌ها به ما تحمیل می‌کند.

۱-۸- پیشینه پژوهش

طی چند دهه گذشته مطالعات و بررسیهای متعددی در زمینه کلان شهرها و سکونتگاههای غیررسمی در جهان و ایران انجام شده است. اکثر این مطالعات پدیده حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی را از ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فرهنگی، علل، اثرات و پیامدهای آن در سطوح متفاوت محلی، منطقه‌ای و ملی در کانون توجه خود قرار داده اند. وجود دیدگاههای مختلف در خصوص این پدیده تعاریف گوناگونی از آن را سبب شده است. از طرف دیگر گستردگی ابعاد و وجود برخی ابهامات نیز به این تنوع تعاریف دامن زده است. در این بخش صرفاً پروژهای معتبر علمی به لحاظ تکمیل کنندگی اشاره خواهد شد.

۱-۸-۱- پیشینه پژوهش‌های انجام شده خارجی

آبت (۲۰۲۱) در تحلیلی بر ارتقای سکونتگاههای غیررسمی و نقد رویکردهای روش شناسانه موجود، به بررسی و مرور رویکردهای مختلف در زمینه ارتقای سکونتگاههای غیررسمی پرداخته است (Alene, 2022). ویناینتی و لانگ در فراهم سازی خدمات شهری در سکونتگاههای غیررسمی نمونه موردی کامپنگ پناس تانگول، جاکارتا، به بررسی تلاش‌های یک اجتماع در سکونتگاههای غیررسمی شناخته شده به نام کامپنگ پناس تانگول پرداخته اند (Dadashpoor & Ahani, 2021). این پژوهش نشان می‌دهد که ادراک مثبت از امنیت تصرف در تشویق اجتماع به سرمایه گذاری در سکونت گاه شان مهم است (Savari & Moradi, 2022). خلیفه (۲۰۱۹) در پژوهش ارزیابی راهبردهای ارتقای سکونتگاههای غیررسمی در مصر: از چشم پوشی تا توسعه مشارکتی، به بررسی دیدگاه‌ها و استراتژی‌های مختلف در کشور مصر در ارتباط با ارتقای سکونتگاههای غیررسمی پرداخته، همچنین به بررسی برخی از بهترین تجارب پروژه‌های ارتقای اسکان غیررسمی جهت یافتن نیروهای محرک مؤثر بر موفقیت این پروژه‌ها پرداخته است (AbouKorin, Han, & Mahran, 2021).

ویکیسا^۱ و همکاران در پژوهشی تحت عنوان بررسی ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی و اقتصادی و مداخله گر در سکونتگاههای غیررسمی (۲۰۲۰) به بررسی میلیون‌ها نفر از ساکنان شهری فقیر در کشورهای در حال توسعه که به منظور ارائه سرپناه منجر به ایجاد سکونتگاههای غیر رسمی شده پرداخته اند و همچنین به بررسی ویژگیهای فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی و عوامل منسوب به تکثیر سکونتگاههای غیر رسمی منجر میگردد پرداخته شده است (Savari, Eskandari Damaneh, & Eskandari, 2022). هدف اصلی پژوهش نیز بهبود هر چه بیشتر این سکونتگاهها و بالا بردن سطح کیفیت زندگی مردم در این مناطق بوده است. به این منظور به این نتیجه رسیده اند که با افزایش فناوری، بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سطح این مناطق میتوان به افراد ساکن در این مناطق کمک نمود تا به ارتقای سطح زندگی خود بپردازند (Savari et al., 2022).

^۱ Wekesa

نیوورث تی^۱ (۲۰۱۹) در نوشتاری تحت عنوان در سایه ی شهرها: یک میلیارد ساکن غیرقانونی در باب وضعیت ساکنان محلات غیر قانونی معتقد است: مدیران و سیاست گذاران شهری ناچار خواهند بود در برنامه ریزی های شهری و در طراحی برنامه های جامع مسکن برای بافت های حاشیه ای و مسکن یر رسمی جایگاهی جدید در نظر گرفته و با استفاده از تجارب جهانی برای برخوردار با این پدیده و با تکیه بر توانمندی سازی به همراه ارتقا و بهسازی که مورد تاکید کمیته ی اسکان سازمان ملل متحد می باشد چاره اندیشی نماید (Moghaddasi Kelishomi & Nisticò, 2022).

میزن^۲ و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان سیستم های پشتیبانی تصمیم فضایی برای مدیریت اسکان غیررسمی سکونتگاه های غیررسمی به بررسی بهبود شرایط زندگی در سکونتگاه های غیر رسمی پرداخت (Reba & Seto, 2020). وی در این مقاله تعدادی از روند امیدوار کننده در قلمرو اطلاعات مکانی و سهم هر یک را جهت برنامه ریزی و مدیریت درست در مناطق غیررسمی بررسی کرده است. نتایج تحقیق نشان دهنده افزایش نقش داده های اطلاعات مکانی و بخصوص جی ال اس^۳ را در بهبود روند مکانیابی از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سایر خصیصه های مربوط به مدیریت و برنامه ریزی بهتر جهت مدیریت شهری برای سکونتگاه های غیر رسمی است. (Carrese et al., 2020)

مانوئل کاستلز در کتاب مسئله شهری، درباره گروه های حاشیه ای در شهرهای در حال توسعه می گوید: شهرنشینی با آهنگ شتابنده ای گسترش می یابد و بهرغم ناکافی بودن امکانات اشتغال برای مهاجران، امکانات و تسهیلات زیر بنایی و اجتماعی شهری نیز متناسب با افزایش جمعیت شهرها تأمین نمی شود و در اثر کمبود تسهیلات زیربنایی، اجتماعی و فیزیکی سکونتگاه های نامتعارف ایجاد شده و آنها از روند متعارف شهرنشینی و استانداردهای زندگی باز میمانند (Ahani & Dadashpoor, 2021; Soltani, 2019; zandi, Zanganeh, & Akbari, 2019; Pojani, Askari, & Masoumi, 2018). سکونتگاه های غیررسمی محصول توزیع ناعادلانه قدرت، ثروت و خدمات در سطوح ملی و منطقه ای است. این امر در کشورهای جهان سوم وضعیت حادتری نسبت به کشورهای پیشرفته به وجود آورده (Ahani & Dadashpoor, 2021; Pourzakarya & Bahramjerdi, 2021) و در نتیجه این سکونتگاه ها در ایجاد مسکن، اشتغال، آموزش و بهداشت وضعیت ناگواری را بر شهر اصلی تحمیل نموده اند (Conway et al., 2019).

مری هاچ رزمایر و همکاران (۲۰۱۹) با بررسی وضعیت مشکلات سکونتگاه های غیررسمی در آفریقای جنوبی معتقدند: به دلیل حمایت ناکافی دولت و مسئولان شهری در تأمین حقوق شهروندی برای ساکنان حاشیه نشین، آنها از وضعیت تخلف آشکار از قوانین به فقدان آن تبدیل گشته اند (Valente de Macedo, Barda Picavet, Puppim de Oliveira, & Shih, 2021). به طوری که بزهکاری،

¹ Neuwirth T

² Mason

³ GIS

فقر، بیکاری، عدم دسترسی به فرصت‌های زندگی گریز از قانون و عدم مشارکت آنها در طرح‌ها و برنامه‌های به سازی و مشارکتی به یک عادت روزانه زندگی در آنها درآمده است (Valente de Macedo et al., 2021).

در این رابطه ارکین (۲۰۲۱) معتقد است که مجریان شهری و قوانین آنها هنوز نتوانسته اند وضعیت نابسامان این سکونتگاه‌ها را در رابطه با متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی به وضعیت و حالت عادی شهری برگردانند (Ghanian, Ghoochani, Noroozi, & Cotton, 2022). به همین سبب سکونتگاه‌های غیررسمی از گرفتن هویت شهری عاجز گشته و در نتیجه آنها در حالتی بین شهر و روستا باقیمانده اند (Carrese et al., 2020).

گریت یو جانانسون (۲۰۱۸) به بررسی وضعیت سلامت و بهداشت در مناطق حاشیه‌نشین کشورهای عضو اتحادیه اروپا و ایالات متحده با استفاده از روش نظریه‌ی داده بنیاد اقدام کرده و به این نتیجه رسید که گروه‌های جمعیتی فقیر، بیکار و کم‌درآمد ساکن مناطق حاشیه‌ای شهرها، نسبت به سایر طبقات جامعه در سطوح سلامتی پایین‌تری قرار دارند و میزان مرگ‌ومیرهای غیرمعمول ایشان از جمله خودکشی در بین این افراد بسیار بیشتر از سایر اقشار جمعیتی است (Venerandi, Iovene, & Fusco, 2021). نقد: وضعیت سلامت و بهداشت در مناطق حاشیه‌ای از جمله دستاوردهای اساسی است که می‌تواند منجر به کاهش یا عدم دست آورده اساسی در پژوهش مورد نظر شود در عین حال گروه‌های جمعیتی نامبرده در این پژوهش با توجه به سابقه معرفتی که دارند این توانایی را پیدا خواهند کرد که سلامت شان را مدیون سیاستگذاری‌های منطقه‌ای در سطح کلان باشند توجه به موضوع سیاستگذاری می‌تواند راهبرد اساسی در زمینه مبارزه با فقر و حاشیه‌نشینی قرار گیرد.

اسلیوزا (۲۰۱۷) در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان مدیریت اسکان غیررسمی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیای مطالعه خود را روی شهر دارالسلام تانزانیا متمرکز کرد (Soltani et al., 2018). یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در تانزانیا نیز همچون بسیاری از کشورهای جنوب صحرای آفریقا شهرنشینی شتابانی رخ داده که با توجه به ضعف زیرساختها و مشکلات اقتصادی کشورهای مذکور سبب رشد حاشیه‌نشینی و کاهش محسوس کیفیت خدمات شهری شده است (Eimermann & Kordel, 2018). به عبارت دیگر شهرنشینی برخلاف دیگر مناطق دنیا که با رشد اقتصادی همراه است در اینجا با فقر همراه شد؛ همچنین باید گفت در این مناطق منابع دولت بسیار محدود است و ظرفیت سیستم برنامه‌ریزی برای ارائه‌ی خدمات مختلف از جمله زمین شهری بسیار عقب مانده است. در نتیجه این شرایط به‌طور مداوم بر جمعیت حاشیه‌نشین فقیر افزوده می‌شود و بیم آن می‌رود که این روند به بحران گسترده و فراگیر منتهی شود (Kareem, 2021). نقد: زیرساخت‌ها و مشکلات اجتماعی همواره به جهت توجه به موضوع رشد اقتصادی قابل تعویض‌ای و برنامه‌ریزی قرار گرفتند به شکلی که فرق در سمت حاشیه شهر به گسترش است گسترده‌ای که اصلی در پایان نامه خود به عنوان مدیریت غیررسمی استفاده کرده قابل توجه است که زیرساخت‌های اقتصادی کشور تا اندازه زیادی همراه با زیرساختهای فرهنگی مورد توجه قرار گیرد (Dyer & Echessa, 2019). همچنین در مورد تاثیرات پیرامونی در مناطق حاشیه‌ی با دو عنوان کار پژوهشی رو به رو

هستیم که ساختار اجتماعی منظم و مستحکم را بنا می‌کند که جین لی (۲۰۱۹) با عنوان سنجش ذهنی کیفیت زندگی در تایپه است (AbouKorin et al., 2021) که نتایج آن را میتوان به رضایت ساکنان در منطقه شهری تاثیر مستقیم بر توسعه شهری دارد همچنین یافته‌های آن نشان میدهد که تأثیر اصلی روی رضایتمندی از وضعیت اجتماعی به وسیله رضایتمندی از واحد همسایگی هدایت شده است. به عبارتی جنبه مهم توسعه یافتگی در نقطه مسکونی مبتنی بر اطرافیان تنظیم و سامان پیدا می‌کند (AbouKorin et al., 2021). زینال (۲۰۲۰) که در آن بررسی رابطه میان کیفیت مسکن و کیفیت زندگی در مناطق شهری فقیر مالزی پرداخته است (Valente de Macedo et al., 2021). بیشتر پاسخ دهندگان در این مطالعه معتقدند که ایمنی شخصی و خدمات عمومی تأثیرات اصلی بر کیفیت زندگی دارد (Javadpoor, Sharifi, & Roosta, 2021). سبک زندگی اطرافیان میتواند به موثرترین شکل ممکن باعث تغییرات و تحولات فردی و اجتماعی در منطقه شود (Dipeolu, Ibem, & Fadamiro, 2021). لیوو همکارانش در سال ۲۰۱۵، در مقاله خود با عنوان درک فضای شهری چین _ به عنوان بزرگترین و سریعترین جامعه ی شهری رو به گذار، با الگوبرداری از شیوه ی همپوشانی داده ها، نتایج حاصل از بررسی میزان تأثیرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی را در بافت فرسوده با هم تلفیق نموده و چگونگی تأثیر هریک از این عوامل را بر یکدیگر مورد بررسی قرار داده است (Shafiei Sabet & Azharianfar, 2017).

۱-۸-۲- پیشینه پژوهش‌های انجام شده داخلی

زنگی آبادی و مبارکی (۱۳۹۱)، در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر تبریز پرداختند. در این مطالعه که به روش پیمایشی و کتابخانه‌ای انجام شد نتایج نشان می‌دهد: از دلایل بسیار مهم حاشیه‌نشینی در شهر تبریز می‌توان به بیکاری، درآمد کم، اجاره‌ی مسکن و مهاجرت گسترده از محیط‌های شهری کوچک و روستاهای استان اشاره کرد که ناشی از عوامل اقتصادی و دافعه‌ی اجتماعی و فرهنگی در محل سکونت قبلی بوده است؛ و پس از مهاجرت تعداد قابل توجهی از روستاییان به تبریز، این امر موجب بروز انواع ناهنجاری‌های شهری مانند اشتغال افراد حاشیه‌نشین در مشاغل کاذب، شکل‌گیری و گسترش ساخت‌وسازهای غیرمجاز، افزایش جرم و جنایت، اثرات نامطلوب فرهنگی و آلودگی محیط‌زیست شهری شده است. نقد: توجه به مسئله حاشیه نه صرفاً به مثابه یک آسیب بلکه می‌توان آن را به جهت بهبود شرایط زندگی اجتماعی قلمداد کرد به این جهت می‌توان فضای بررسی و مورد مطالعه این پژوهش را در ساخت و ساحت اجتماعی فرهنگی دیگری از کشور مورد پژوهش قرار داد تا اختلافات اساسی و مبنایی در زمینه برخورد با جرایم در این حیطه به نحوی بازنویسی تنظیم شود.

احمدی چالسرا (۲۰۱۷)، پژوهشی را با عنوان حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی و شهری آن (مورد مطالعه کلان‌شهر رشت) به انجام رساند. طبق یافته‌های تحقیق در این مناطق بین شرایط اقتصادی خانواده با ارتکاب جرائم اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد و هرچه قدر خانواده از لحاظ فرهنگی در فقر فرورفته و همچنین امکان تحصیل و اشتغال برای اعضای خانواده میسر نباشد دچار رفتارهای پرخطر و هنجارشکنانه می‌شوند. همچنین رابطه مستقیمی

بین دافعه اقتصادی، رفاهی و اجتماعی محل سکونت قبلی با جاذبه اقتصادی و اجتماعی و بهبود شرایط کار در محل سکونت فعلی وجود دارد که منجر به مهاجرت به مناطق شهری شده است. نقد: اغلب به رفتارهای پرخطر و ارتکاب به جرایم اجتماعی امکانات رفاهی اجتماعی محل سکونت در مناطق حاشیه نشین را رو به کاهش قرار خواهد داد در این پژوهش با توجه به عوامل یاد شده رفتارهای پرخطر و هنجارشکنانه شرایط در عین حال عوامل دیگری از جمله اقتضائات حاشیه نشینی مورد توجه قرار نگرفته باید به آن پرداخته شود

نگرشی از درون به پدیده‌ی حاشیه‌نشینی مطالعه موردی: اسلام‌آباد کرج، توسط پارسا پژوه (۱۳۸۱) انجام گرفته است. هدف این مطالعه، شناخت ویژگی‌های مختلف زندگی در این محله از درون و به صورت عمیق بوده است. در این مطالعه سعی شده است تا با نگرشی از درون و بر پایه‌ی روش‌های کیفی، پدیده‌ی حاشیه‌نشینی بررسی شود. برای انجام این کار، محله‌ی آلونک‌نشین اسلام‌آباد کرج به‌عنوان نمونه‌ی بارز چنین پدیده‌های مطالعه موردی شده است. نتایج به‌دست‌آمده از این مطالعه نشان می‌دهد که محله‌ی یادشده با وجود بی‌نظمی شدید ظاهری، محله‌ای است با نظم اجتماعی معنادار و مشخص که ساکنان آن با وجود شرایط نسبتاً دشوار ناشی از فقر، در آرامش نسبی به سر می‌برند و از زندگی خود در این محله راضی هستند. نقد: توجه به زندگی محلی این امکان را فراهم می‌سازد تا با نظم سیستماتیک و روشمندی نواقص را دوبار نموده و آرامش حاصل از زندگی در شهر را به حاشیه انتقال داده و این معناداری در نظم اجتماعی را با ویژگی‌های عمیقی از نگرش افرادی که در حاشیه شهر سکونت دارند بفهمیم این امکان در صورتی که مورد توجه قرار خواهد گرفت که نگرشی از درون به پدیده حاشیه نشینی داشته باشیم در عین حال این پژوهش سعی خواهد کرد با الهام گرفتن از پروژه پژوهشی توجه به اینکه در سال‌های دور از فناوری ارتباطی یا به نوعی رسانه‌های نوین که حاشیه شهر را درگیر خود کرده بخواهیم شناسایی کنیم.

نقدی و صادقی (۱۳۸۵) در مطالعه‌ی خود به بررسی حاشیه‌نشینی و توسعه‌ی پایدار شهری می‌پردازند. هدف این مطالعه شناسایی علل، مکانیسم و پیامدهای حاشیه‌نشینی در شهر همدان بوده است. روش تحقیق به صورت کمی و کیفی و جامعه‌ی مورد مطالعه کلیه‌ی مناطق حاشیه‌نشین شهر همدان بوده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که حاشیه‌نشینان از شهر محله‌ی زندگی خود رضایت بالایی ندارند و از احساس تعلق شهروندی پایینی برخوردار هستند. آنها از مشارکت اجتماعی و تعلق شهروندی پایینی برخوردارند و از خدمات ارائه‌شده در این محلات به‌هیچ‌وجه راضی نیستند. نقد: توجه به موضوع مشارکت شهروندی و احساس تعلق شهروندی در مناطق حاشیه نشین به غایت قابل توجه و باید مورد استناد بیشتری در تحقیقات گوناگون قرار گیرد.

بررسی جامعه‌شناختی حاشیه‌نشینی و تأثیر آن بر سلامت و بهداشت روان حاشیه‌نشینان (مطالعه موردی: ارزنان و دارک زینبیه اصفهان)، توسط ربانی و دیگران (۱۳۹۰) انجام گرفته است. روش تحقیق به صورت پیمایشی، تکنیک جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه و بعضاً مصاحبه بوده است. جامعه‌ی آماری شامل افراد ۱۵ تا ۶۵ ساله در مناطق ارزنان و دارک زینبیه اصفهان است که از بین آنان با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای جنس، سن تأثیری بر روی بهداشت روان حاشیه‌نشینان ندارند و متغیرهای تحصیلات، وضعیت تأهل، وضعیت شغلی و محل تولد تأثیر مثبت و معنی‌داری بر روی بهداشت

روان حاشیه‌نشینان داشته‌اند. نقد: توجه به موضوع بهداشت روان حاشیه‌نشینان می‌تواند عاملی موثر و مهم در پرداختن به موضوع و به جهت جمع‌آوری اطلاعات قرار گیرد اما نقد اساسی به این پژوهش‌ها و از جمله همین پژوهش این است که در این پژوهش علاوه بر آن چیزی که به عنوان بهداشت روان شناخته می‌شود ساخت و ساعت اجتماعی روابط فردی و میان فردی نادیده انگاشته شده و گویی افراد در یک خلاء معرفتی به سر خواهند برد عدم توجه به موضوع ارتباط و کنش رودررو در مناطقی که با اختلالات ارتباطی مواجه هستند می‌تواند تا اندازه‌ای متغیرهای دیگری از جمله میزان انتخابگری آنها تحت تاثیر قرار گیرد

تاجبخش (۱۳۹۲) به بررسی میزان سرمایه‌ی اجتماعی بین حاشیه‌نشینان شهر ایلام پرداخته است. پژوهش از نوع کاربردی و از نظر روش، پیمایش و جامعه‌ی آماری افراد ۱۸ به بالای ساکن در مناطق حاشیه‌نشین شهرستان ایلام (اعم از زن و مرد) است. حجم نمونه با توجه فرمول کوکران ۲۸۵ نفر محاسبه شده است. روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. یافته‌ها نشان می‌دهد که کمک به مشارکت افراد در امور شهری به منظور گسترش اعتماد اجتماعی و رشد و گسترش و تقویت مشارکت رسمی می‌تواند به ارتقای سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین کمک کند. نقد: تحقیق تاجبخش میزان اعتماد اجتماعی و تقویت مشارکت رسمی را شکل قاعدمند می‌سنجد اما توجه به موضوع فضا حاکم بر این روابط که سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهد نادیده انگاشته شده است در واقع در این پژوهش ما با مناطق حاشیه‌نشین که ربط مفهومی در مراحل گسترش و تقویت مشارکت اجتماعی انجام شده نمی‌بینیم در عین حال در پژوهش حاضر این نقص تا اندازه‌ای جبران شده و با توجه به مولفه‌های ساختی در توسعه‌ی یابی مناطق این نقص برطرف شده است.

نظامی (۱۳۹۳) نیز در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر تعلق مکانی ساکنین اسکان رسمی و غیررسمی (نمونه: شهر جدید پرند و نسیم‌شهر) پرداخته است. هدف مطالعه مقایسه‌ی عوامل مؤثر بر تعلق مکانی در میان ساکنین جدید پرند (اسکان رسمی) و نسیم‌شهر (اسکان غیررسمی) است. روش مطالعه به صورت ترکیبی است. بدین ترتیب که محقق ابتدا از ابزار پرسشنامه استفاده کرده است و در ادامه به منظور شناخت بیشتر از زمینه‌ی و جامعه‌ی مورد مطالعه از بحث گروه متمرکز استفاده کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در اسکان غیررسمی حس تعلق مکانی بیشتر از اسکان رسمی است و این مسئله ناشی از وجود سرمایه‌ی اجتماعی بالاتر در اسکان غیررسمی نسیم‌شهر نسبت به شهر پرند است. نقد: با توجه به موضوع شهرهای تازه تاسیس می‌تواند منجر به شناسایی حس تعلق به مکانی تازه تاسیس را انتقال دهد اما وجود مفاهیم مثل اسکان رسمی یا اسکان غیررسمی امکان این بررسی‌ها را در موارد مشابه تا اندازه زیادی با خطای رو شناسیم قرار می‌دهد این خطا می‌تواند تا اندازه زیادی پژوهش مورد نظر را به بیراهه بکشاند به این شکل که افراد مکانی غیر رسمی را برای سکونت خود انتخاب می‌کنند در حالی که هیچگاه هیچ فردی این تقاضای را از خود نشان نخواهد داد که در وضعیت غیررسمی بناب گزیند شرایط و عللی به وجود می‌آید که افراد تصمیم به این ماجرا می‌گیرند توجه به موضوع مثل شهرهای تازه تاسیس و ایجاد یک هویت مکانی می‌تواند کمک کننده در جهت بهبود شرایط باشد اما امکانات شهری اجازه همچنین کاری در حواشی شهر ایران خواهند داد بنابراین استفاده مکرر از واژه اسکان غیررسمی آسیب زننده و تا اندازه‌ی غیر موجه است.

رضایی (۱۳۹۵) به ارزیابی و تحلیل ابعاد اجتماعی حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرها (مطالعه‌ی موردی: محلات حاشیه‌نشین شهر شیراز) پرداخته است. پژوهش حاضر با هدف شناخت مسئله‌ی حاشیه‌نشینی و بررسی و تحلیل اثرات اجتماعی آن در شهر شیراز می‌پردازد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی و تحلیلی بوده که از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و پرسشنامه‌ی اطلاعات جمع‌آوری گردیده و با استفاده از نرم‌افزار SPSS و Arc اطلاعات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین تعادل اجتماعی، امنیت اجتماعی و گسترش حاشیه‌نشینی رابطه‌ی معکوسی وجود دارد و هر چه میزان و تعداد حاشیه‌نشینان بیشتر باشد، وضعیت اجتماعی نامتعادل‌تر خواهد بود. نقد: رضایی با توجه به روش پیمایش مورد تجزیه تحلیل قرار داده و ابعاد حاشیه‌نشینی را با مفاهیمی و گزاره‌هایی مثل امنیت اجتماعی و تعادل اجتماعی سعی کرده برقرار سازد عدم شناخت دقیق از مناطق حاشیه‌نشین باعث خواهد شد دستاوردهای ما از پژوهش‌ها به شکلی گنگ و غیر قابل استفاده در جهت کاربرد وضعیت حاشیه‌نشینی در سطح کشور قرار گیرد و بدین جهت در این پژوهش سعی خواهد شد میزان کاربردی‌پذیری مفاهیم و مولفه‌های اجتماعی تا اندازه زیادی دربرگیرنده شرایط واقع باشد.

مسئله‌ی حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی با تأکید بر توانمندسازی آنها (مطالعه‌ی موردی: حاشیه‌نشینان شهر گرگان) نیز از دیگر مطالعاتی است که توسط محسنی (۱۳۸۹) انجام گرفته است. هدف این تحقیق شناخت پتانسیل‌های زندگی حاشیه‌نشینان به منظور توانمندسازی آنها بوده است. روش تحقیق کمی (و کیفی) است. جامعه‌ی آماری تحقیق را ۴۷۸۶ خانوار ساکن در محلات حاشیه‌نشین شهر گرگان تشکیل داده‌اند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه بوده و از مصاحبه نیز به‌عنوان ابزار تکمیلی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که نوع نگاه به این مناطق باید از منظر اصلاح و بهبود باشد؛ چرا که تا سالهای آتی به‌واسطه‌ی اینکه مبدأ مهاجرت توان جذب رشد جمعیت را ندارد به ناچار مهاجرت را خواهیم داشت. نقد: تحقیق محسنی نیز با توجه به موضوع اسکان غیررسمی نتوانسته است آن میزان یری که به لحاظ توانمندی حاشیه‌نشینان می‌توانند دریافت کنند داشته باشد در عین حال این وضعیت یک وضعیت نابسامان و نابهنجار است که باید به شکلی به بهبود وضعیت ساکنان منجر شود.

امیری (۱۳۸۸)، در تحقیقش، حاشیه‌نشینی چالشی فرا روی توسعه پایدار شهری (با تأکید بر کلان شهر اهواز به بررسی حاشیه‌نشینی به عنوان چالشی فرا روی توسعه پایدار شهری پرداخته و در این ارتباط علل، مکانیسم و پیامدهای حاشیه‌نشینی در شهر اهواز با استفاده از رویکردهای کمی و کیفی مورد کند و کاو و بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق با استفاده از تکنیک‌های مصاحبه و مشاهده و پرسشنامه در مناطق حاشیه شهر اهواز داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری شد و بر اساس یافته‌های این مطالعه بخش عمده اسکان غیررسمی شهر اهواز ناشی از مهاجرت‌های روستا - شهری است. حاشیه‌نشینی از شهر و محله زندگی خود رضایت بالایی ندارند و از احساس تعلق شهروندی پایینی برخوردار هستند.

زنگی آبادی (۱۳۷۹)، در تحقیقی با عنوان تحلیل علل اقتصادی - اجتماعی حاشیه‌نشینی در شهر اصفهان، با روش پیمایشی به یافته‌های زیر دست یافته است: ۱- ۴۴٫۵ درصد از پاسخگویان مناطق حاشیه‌نشین، مهاجر غیر بومی بوده و ۵۷٫۸ درصد آنان قبلاً در محله دیگری از شهر اصفهان زندگی می‌کرده‌اند

که اکثر اینان را می‌توان در زمره رانده شدگان از متن به حاشیه‌ناامید ۲- تهیه و دسترسی آسان‌تر به مسکن در مناطق حاشیه‌نشین (ارزان‌تر بودن قیمت زمین شهری و مسکن)، باعث هجوم مهاجران و گروه‌های کم درآمد شهری به این مناطق شده است ۳- درصد بیکاری در مناطق حاشیه‌نشین بسیار بالاتر از سایر مناطق شهری بوده و یکی از دلایل حاشیه‌نشینی در شهر اصفهان محسوب می‌شود ۴- میانگین درآمد حاشیه‌نشینان در مقایسه با میانگین درآمد سایر گروه‌های شهری بسیار پایین بوده، به عنوان یکی از دلایل اصلی حاشیه‌نشینی محسوب می‌شود ۵- میانگین قیمت اجاره بهای مسکن در مناطق حاشیه‌نشین به طور تقریبی ۱۷,۵ درصد پایین‌تر سایر مناطق شهری بوده و در تصمیم‌گیری افراد برای ساکن شدن در مناطق حاشیه و تامین موثر واقع شده است.

محمدی و همکاران (۱۳۸۵)، به بررسی چالش‌های حاشیه‌نشینی در شهرستان کوه‌دشت، استان لرستان می‌پردازد. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که حاشیه‌نشینان از وضعیت مالی خوبی برخوردار نیستند و بار تکفل زیادی را به دوش می‌کشند. اولویت‌بندی چالش‌های حاشیه‌نشینی نیز نشان می‌دهد که عدم برخورداری از سیستم فاضلاب مناسب و مشکل مالی و درآمد کم از مهم‌ترین چالش‌های حاشیه‌نشینان به شمار می‌روند. در نهایت طبق نتایج تحلیل عاملی، چالش‌های حاشیه‌نشینان به ترتیب اهمیت در قالب پنج دسته چالش‌های اجتماعی - فرهنگی، چالش‌های زیستی، چالش‌های اقتصادی، چالش‌های آموزشی - بهداشتی و چالش‌های رفاهی طبقه‌بندی شده‌اند که چالش‌های اجتماعی - فرهنگی به عنوان مهم‌ترین چالش حاشیه‌نشینان قابل شناسایی است.

ربانی (۱۳۸۶)، در تحقیقی به بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری مساله حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان داد که مهاجرت از محیط‌های کوچک روستایی و شهری اطراف به شهر اهواز، مهمترین عامل ایجاد و گسترش مناطق حاشیه‌نشین می‌باشد که خود تحت تاثیر دافعه‌های اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی محل سکونت قبلی و جاذبه‌های اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی شهر بوده است. همچنین در بحث پیامدهای اجتماعی مشخص شد که بین شدت حاشیه‌نشینی و افزایش میزان محرومیت نسبی حاشیه‌نشینان رابطه وجود دارد که در نهایت باعث حاکم شدن فرهنگ فقر در منطقه حاشیه‌نشین شده است.

صابری‌فر (۱۳۸۸) به بررسی تحلیلی حاشیه‌نشینی در شهر بیرجند: مطالعه موردی منطقه کارگران می‌پردازد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که مهاجرت‌های روستا-شهری، ضعف توان مالی ساکنان ناحیه به همراه ناتوانی مسوولان در ساماندهی این وضعیت، باعث پیدایش شکل‌گیری حاشیه‌مورد بررسی و بروز ناهنجاری‌های متعدد شده است؛ به طوری که بسیاری از این خانواده‌ها از فقر و محرومیت رنج می‌برند. اغلب آنها فاقد امکانات بهداشتی، تفریحی و ... هستند.

معدنی (۱۳۸۷) در تحقیقی به بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر تشکیل حاشیه‌نشینی شهر سنندج - سال ۱۳۸۷ (ه.ش) (مطالعه موردی محدوده عباس آباد)، می‌پردازد. حاشیه‌نشینان فقط مهاجران روستایی

نیستند بلکه گروه‌های دیگری (گروه‌های کم درآمد شهری) نیز شامل می‌شوند. که به دلیل سیاستهای ناکارآمد زمین و مسکن شهری در واقع باید آنان را سرریز اقتصادی - اجتماعی شهری محسوب داشت که به دلیل افزایش قیمت زمین و مسکن به این مناطق رانده شده اند. با توجه به این که هدف بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری محله‌های فرودست شهری سنندج می‌باشد، بنابراین متغیرهای فقر شهری، دسترسی به زمین ارزان، شغل موقت یا کم درآمد، شغل فعلی، مهاجرت و سرریز جمعیت اقتصادی - اجتماعی شهری به عنوان متغیر مستقل و متغیر حاشیه نشینی در رابطه با متغیرهای فوق به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

علیتاجر و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان نقش عوامل کالبدی در اجتماع پذیری سکونتگاه‌های غیررسمی (نمونه موردی: محله‌های حصار امام خمینی و دیزج همدان) به مقایسه دو سکونتگاه غیر رسمی شهر همدان یعنی محله حصار امام خمینی و دیزج پرداخته اند. با توجه به نتایج پژوهش چنین به نظر می‌رسد که روحیه‌ی اجتماع پذیری در بین ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی با عوامل کالبدی شکل دهنده آن محیط رابطه معنی داری دارد؛ که رابطه بین هر یک از مفاهیم و متغیرهای کالبدی موثر بر اجتماع پذیری فضا با یکدیگر مورد بررسی قرار گرفته است که خود بیان گر بستری مطلوب جهت بهبود مولفه‌های کالبدی تسهیل گر اجتماع پذیری است. نتایج نشان می‌دهد که محله حصار از وضعیت کالبدی مطلوب تری نسبت به محله دیزج برخوردار است که به نظر می‌رسد این عامل یکی از دلایل اجتماع پذیرتر بودن این محله نسبت به محله دیزج است و فاکتورهای کالبدی شامل: وجود عناصر مکث و توقف، تابلوهای آگاهی دهنده هنری، معماری و تبلیغاتی در بین سایر عوامل کالبدی بیشترین نقش را در اجتماع پذیری فضا از نظر ادراکات ذهنی مردم دارند.

قنبری و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان ارزیابی و تحلیل سطوح پایداری شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی مهاباد به ارزیابی و تحلیل سطوح پایداری و ناپایداری شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر مهاباد و تلاش برای ارائه راهکارهایی برای ساماندهی آن هاپرداخته اند. در این پژوهش با تعیین متغیرهایی در هر یک از مؤلفه‌های سه گانه اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و زیست محیطی پایداری شهری مانند کیفیت و قدمت ساختمان، نوع مصالح و میزان دوام، سرانه کاربری، شیب، درصد باسواد، بعد خانوار، تعداد خانوار، اوقات‌سرانه کاربری، شیب، درصد باسواد، بعد خانوار، تعداد خانوار، اوقات فراغت، خانوارهای بهره مند از امکانات، بیکاری، نوع شغل، بارتکفل، درآمد سرپرست خانوار به تفکیک محلات غیررسمی مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد؛ میزان پایداری در تمامی متغیرهای انتخاب شده بسیار پایین است؛ اما در حالت کلی محله‌های سنجان آباد، کوی دانشگاه و شهرک کارمندان غربی شرایط مطلوب تر و وضعیت برخوردارتری را به لحاظ پایداری شاخص‌ها به نسبت سایر محلات دارا می‌باشند. در مقابل محلات پشت تپ، باغ شایگان و کانی صوفی طه از وضعیت نامساعدتر و محروم تری برخوردار می‌باشند.

نقدی و صادقی (۲۰۰۶) در مقاله خود تحت عنوان حاشیه نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری شهر همدان پس از بررسی چالش‌ها و مسائل حاشیه نشین‌ها در این شهر، به این نتیجه می‌رسد که بخش عمده اسکان غیررسمی این شهر ناشی از مهاجرت‌های روستایی و شهری است. حاشیه نشینان از شهر و محله زندگی خود احساس رضایت بالایی ندارند و از احساس تعلق شهروندی پایینی برخوردار هستند. بهبود زیرساخت‌های فیزیکی شهر یا محله مهمترین اولویت آنها برای بهبود وضعیت شان محسوب می‌شود.

موسوی کاظمی محمدی (۱۳۷۸) در رساله دکتری خود تحت عنوان ارزیابی مؤلفه‌های توسعه پایدار در توسعه مناطق حاشیه نشین شهر قم علل پراکندگی مکان‌های شهری و تشابهات و تناقضات اجتماعی - اقتصادی آنها را با تأکید بر نظام فضایی (نظام داخلی شهرها و ماهیت حوزه‌های اجتماعی آنها) و موقع شهر، مورد مطالعه قرار داده است. وی به این نتیجه می‌رسد که این شهر بدو تشکیل خود در مراحل مشخص، در بستر جغرافیایی خود توسعه یافته است و بین حوزه‌های آن نابرابری شدیدی وجود دارد. سکونتگاه‌های غیررسمی، نمونه موردی محله سهرابیه کرج، به آسیب شناسی شهری و علل شکل‌گیری منطقه حاشیه نشین سهرابیه کرج پرداخته است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که ریشه شکل‌گیری این سکونتگاه غیررسمی به سال ۱۳۴۳ بازمی‌گردد. اولین ساکنان این محله به دنبال انجام اصلاحات ارضی و به علت وجود بسترهای مناسب طبیعی به آنجا آمده‌اند. بعد از انقلاب و به دنبال تشدید روند مهاجرپذیری شهر کرج و همچنین وجود مزیت‌های متعدد محله سهرابیه برای مهاجرین کم درآمد از قبیل ارزان بودن زمین، نزدیکی به شهر کرج و وجود جاده فزلحصار به عنوان محور اتصالی محله سهرابیه به پیکره اصلی شهر کرج و عدم نظارت دقیق شهرداری بر ساختوسازهای غیرمجاز، این محله مقصد زیادی از مهاجرین گردید.

ایراندوست در کتاب سکونتگاه‌های غیررسمی و اسطوره حاشیه نشینی با یک دید جامع به بررسی تمامی ابعاد سکونتگاه‌های غیررسمی پرداخته و بیان می‌نماید که فقر شهری و در پی آن گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی، همواره یکی از مسائل اصلی شهرهای کشورهای درحال توسعه بوده است. آمار و ارقام از بدتر شدن اوضاع سکوتی میلیون‌ها نفر در این کشورها حکایت دارد که به شکل روزافزونی به فقر مطلق و نسبی گرفتار هستند. آنان به دور از شرایط زیستی مناسب و بدون دسترسی به منابع درآمدی کافی و دائمی، مجبور به سکونت در خارج از محدوده و چارچوب قوانین و مقررات رسمی حاکم بر شهر میشوند. در چنین شرایطی سکونتگاه‌های فقیرنشین غیررسمی شکل گرفته و زمینه‌های پایداری کالبدی، محیطی، اجتماعی و اقتصادی شهر را با چالش مواجه می‌کند. (Mohammadi, Ahmadvand, Sharifzadeh, & Shahbazi, 2021).

حجم ادبیاتی که مستقیماً به بحث تجمیع قطعات پرداخته باشد بسیار ناچیز است، بدین معنا که میتوان مطالعات ذی ربطی را درباره برخی موضوعات پیرامونی مانند توسعه مجدد، پدیده اعیان نشین شدن و

ذی نفعان اصلی نوسازی شهری یافت که به طور غیرمستقیم به شرح ذیل بر موضوع تأثیرات نوسازی شهری بر کیفیت زندگی می‌پردازند:

دفترهای نوسازی بافتهای فرسوده مجموعه‌ای مشتمل بر ۸ جلد کتاب با حجم و قواره‌های متفاوت است که هر یک از آنها به موضوع خاصی در خصوص نوسازی بافتهای فرسوده اختصاص یافته‌اند. این مجموعه که با تلاش و نگارش علیرضا عندلیب و جمعی دیگر از کارشناسان و متخصصین به رشته تحریر در آمده و بخشی از نشریات سازمان نوسازی شهر تهران می‌باشد، در حقیقت مجموعه‌های از تحقیقات متخصصان امر نوسازی، به ویژه تجارب سازمان مذکور است. در جلد یک از این مجموعه دفترها، با عنوان «نوسازی بافتهای فرسوده، حرکتی نو در شهر تهران» بیان شده است که در شرایط عادی نوسازی بافت‌های شهری فرایندی است که در برابر تغییرات عملکردها و نیازهای اجتماع، توسط ساکنان انجام می‌پذیرد. در واقع نوسازی فرایندی است خودبه خودی و تدریجی که در سطح شهر صورت می‌گیرد (Faraji Sabokbar & Hosseini, 2021). اما هنگامی که کارایی و کیفیت زندگی در یک محله شهری به دلایل مختلف کاهش یافته یا دچار فرسودگی می‌شود و این مسئله مشمول زمانی طولانی می‌گردد، ساکنان دیگر تمایلی به نوسازی محل سکونت خود ندارند. در نتیجه به تدریج آن محدوده شهری از چرخه توسعه خارج می‌شود. علاوه بر این، محلات فرسوده، افرادی از اقشار کم درآمد و ضعیف را در خود جای داده است که توان مالی نوسازی ابنیه خود را نخواهند داشت (Mohammadi et al., 2021).

همچنین در اثر فرسودگی بافت و کاهش کیفیت زندگی، قیمت اراضی کاهش یافته و امکان تغییر محل زندگی نیز برای ساکنین محله دور از دسترس خواهد بود. در نهایت مسائلی چون تراکم بالای جمعیت، نبود زیرساخت‌های لازم، همانند خدمات محلی و معابر مناسب و ناتوانی اقتصادی مردم ساکن، سبب حاد شدن و گسترش چنین بافت‌هایی در سطح شهر می‌گردد (Abdi & Lamíquiz Daudén, 2021). از مهم‌ترین تجارب نوسازی بافتهای فرسوده در شهرهای ایران می‌توان به پروژه نواب اشاره نمود. هدف اصلی پروژه نواب، احداث یک بخش از شبکه بزرگراهی در طرح جامع تهران بود که می‌بایست جایگزین یک خیابان ۱۲ متری در متراکم‌ترین بافت فرسوده تهران (حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ نفر در هکتار) میشد و به سازی بافت مسکونی، محصول جانبی این پروژه بود. یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف پروژه، برنامه‌ریزی بر مبنای ملاحظات صرف اقتصادی و مالی و توجه نکردن به سایر جنبه‌های طرح از جمله مسائل اجتماعی و زیست محیطی بوده است. از دیگر مسائل عمده در پروژه نواب، در نظر گرفتن تسهیلات ویژه (خصوصاً مالی)، برای جذب ساکنین قدیم به مجتمع‌های نواب است که منجر به متضرر شدن ساکنان و کسبه قدیم نواب شده است. از طرفی، ساکنین فعلی نیز رضایت چندانی از پروژه ندارند. از نشانه‌های رضایت نداشتن ساکنان از پروژه نواب می‌توان به پایین بودن ضریب ماندگاری اشاره کرد. البته در میان ساکنان قبلی و کنونی نواب، عده‌ای هم از وضعیت خود به علل گوناگون راضی‌اند، اما مقایسه کلی میزان رضایت ساکنان قدیم و جدید با یکدیگر نشان می‌دهد که قبل از نوسازی، روابط ساکنان

نزدیک‌تر بوده است، به عبارتی سرمایه اجتماعی بیشتری نسبت به وضعیت کنونی نواب وجود داشت، در حالی که در نواب کنونی، ساکنین نه از وضعیت زندگی خود در کنار بزرگراه رضایت دارند و نه روابط همسایگی و انسانی شان در حدی است که به آنها رضایت خاطر بدهد.

کتاب بسته تولید انبوه مسکن محلی در بافتهای فرسوده و ناکارآمد؛ با صاحب امتیازی موسسه مطالعات و تحقیقات مبین، این طرح، تولید انبوه مسکن را نه در فضایی خارج از فضاهاى سکونتگاهی، بلکه در بافت شهرها هدف قرار داده است. در این طرح بافت فرسوده به دلیل قرار داشتن در درون شهر به مثابه یک سرمایه ی انباشته و املاک فرسوده نیز به مثابه ی مدخلی برای باز توزیع منافع به شمار می‌آیند.

ایده ی اصلی کار چنین است که پس از تمرکز سازمان توسعه گر در منطقه ی مورد نظر، ارتباط و تعامل با مردم و نهادهای محلی و ذی مدخل در دستور کار قرار می‌گیرد و پس از تعریف نقش‌های مشارکتی میان ایشان و سازمان توسعه گر، مرحله ی اجرایی ساخت و ساز بر اساس سیاست‌های تجمیع پلاک‌های فرسوده و استفاده از ظرفیت‌های ناشی از آن آغاز می‌شود. پس از اتمام پروژه‌ها ستاندهی فعالیت بر اساس راهبرد معاوضه به عنوان نهادهی فازهای آتی مورد استفاده قرار می‌گیرد و مبتنی بر آن تعریف پروژه‌ها به صورت تدریجی و تصاعدی به پیرامون هر منطقه گسترش می‌یابد. احمد پوراحمد و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله خود با عنوان سنجش کیفیت زندگی در قلمرو بافت فرسوده شهر منطقه ۹ شهر تهران؛ اثبات می‌کنند که وضعیت رضایت از ویژگیهای کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی معنادار بوده و نشان از کیفیت پایین در این شاخص‌ها دارد. به نحوی که عامل حمل و نقل، مسکن و حکمروایی شهری و دسترسی تفریحی بیشترین تأثیر را در میزان رضایتمندی از بافت فرسوده منطقه ۹ شهر تهران را دارا هستند.

خادمی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله خود با عنوان ارزیابی کیفیت زندگی در بافت فرسوده شهر آمل؛ نشان می‌دهد که بافت فرسوده شهر به لحاظ شاخص کیفیت زندگی در زیر سطح متوسط قرار گرفته است و در این میان شهروندان از وضعیت اقتصادی نسبت به سایر مؤلفه‌ها ابراز نارضایتی بیشتری نموده اند. در میان محلات نیز محله پایین بازار در زمینه سلامت اجتماعی، محله نیکی در زمینه کالبدی و محله چاکسر در زمینه اقتصادی وضعیت نامساعدتری نسبت به سایر محلات این بافت نشان داده اند.

محمدتقی رهنمایی و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله خود با عنوان تحلیل کیفیت زندگی در بافت فرسوده شهر میاندوآب؛ نشان می‌دهد شاخص فضای سبز با امتیاز و اختلاف چشمگیری نسبت به بقیه شاخصهای از اهمیت بالایی برخوردار است. بر اساس نتایج به دست آمده از تکنیک SAW محلات ۲۱، ۱۹ و ۲۰ از نظر شاخصهای مورد مطالعه در بهترین شرایط و محلات ۱۱ و ۱۰ و ۱۲ در بدترین شرایط و پایین ترین رتبه قرار دارند. شکویی و همکاران (۱۳۸۲) در مقاله خود با عنوان تأثیر نوسازی شهری فن گرا بر ایجاد حس لامکانی (مطالعه موردی: شهر نواب) نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی فن گرا در ایجاد حس لامکانی مؤثر بوده است. چنانچه برنامه‌ریزی صورت گرفته غیر فن سالارانه و مشارکتی بود و روابط و

ارتباطات اجتماعی و محلی را تحکیم و مردم ساکن را به اقامتی بیش از پنج سال ترغیب می‌کرد می توانست به جای ایجاد حس لامکانی محیطی مأنوس و مطلوب فراهم آورد و حس تعلق مکانی را تقویت کند.

۱-۸-۳- تجارب جهانی توسعه شهری

تنوع تجارب جهانی در زمینه توسعه شهری بسیار شایان توجه است. کشورهای مختلف با فرهنگ ها، زبانها و اعتقادات متفاوت، تجارب بسیار ارزنده‌ای را در طول تاریخ از خود برجای گذاشته اند که نشان دهنده هویت هر یک از شهرهای تاریخی در جهان می‌باشد (Mossabir, Milligan, & Froggatt, 2021). این تجارب با کارهای هوسمانه در پاریس (Hatamzadeh, Habibian, & Khodaii, 2020) و نوشته‌های راسکین و موریس در انگلستان (Allen et al., 2021) و اقدامات سیت در اتریش (Chahardowli & Sajadzadeh, 2022) آغاز شد. پس از جنگ جهانی دوم خصوصا بعد از دهه ۱۹۶۰ اتفاقات مهمی رخ داد که سبب تغییر جهت روند مرمت شهری در جهان شد (Kareem, 2021) از این رو می‌توان به تجارب کشورهای ذیل اشاره نمود:

۱-۸-۳-۱- تجارب سوئد

استکهلم همیشه دستخوش تغییر و تحولات شهری بوده و ایجاد واحدهای جدید معماری و تأسیسات شهری در آن رایج بوده است. با این حال در اواخر قرن نوزده، به علت فرسودگی بناها و نیاز به تجدیدنظر در وضع شهرسازی هسته قدیم شهر، طرحی که خواستار تخریب و بازسازی تمامی بافت مسکونی، تجاری و خدماتی شهر باشد (J. Liu et al., 2020)، تدوین، اما به دنبال مخالفت شدید کنار گذاشته شد. از سال ۱۹۵۰ م به بعد، طرح دیگری به مورد اجرا گذاشته شد (Ghosh et al., 2017). هزینه‌ای که برای این طرح منظور شده بود، صرف پی ساختمانها شد، به همین دلیل بهای فضای مسکونی تا حدود زیادی بالا رفت، دولت نیمی از مخارج مرمتی را بلاعوض در اختیار مالکان قرار داد (Arbatli & Gomtsyan, 2021). این اقدام موجب بازگشتن تدریجی عده‌ای از سکنه شهر که محله‌ها را ترک کرده بودند، به هسته قدیمی شهر شد (Alene, 2022). طرح احیای شهر استکهلم از نظر انتخاب بین وزنه اجتماعی فرهنگی با بسیاری از طرح‌های دیگر که تنها تابع منافع اقتصادی هستند، تفاوت‌های بارزی دارد و نمونه یک تجربه موفق می‌باشد.

۱-۸-۳-۲- تجارب فیلادلفیا و نیویورک

این دو شهر، از قدیمی ترین شهرهای آمریکا هستند که در شرق آن قرار دارند. در دهه ۱۹۵۰-۱۹۶۰ این شهرها با مشکلاتی مانند فرسودگی ناحیه تاریخی، ناامنی در برخی مناطق شهری و نارسایی خدمات مواجه بودند (Afshoun, Moftakhari, & Talebzadeh, 2012). احداث محدوده‌های تجاری در پیوند با عناصر تاریخی و ایجاد قابلیت‌های جهانگردی باعث تقویت و احیا شده، در قالب فعالیتهای فرهنگی اجتماعی حیات جدیدی یافته و به کمک تغییراتی در استخوان‌بندی شهر و مرمت ناحیه تاریخی آن، جابه‌جایی اقصای اجتماعی نیز پایدار شده است (Habibi, Nielsen, Ponedelnik, & Ruban, 2017). در مرمت ناحیه تاریخی هرگونه ساخت و ساز جدید در ارتباط بصری و فضایی با عناصر مهم و تاریخی قرار داده شده و بر اساس ضوابطی در جهت تحکیم ساختار موجود و تکمیل آن عمل می‌نماید (Selod & Shilpi, 2021).

۱-۸-۳-۳- تجارب ایتالیا

کشور ایتالیا در معماری، جزو پیشگامان دنیا بوده و در مرمت شهری نیز صاحب سبک است. شیوه برخورد و مداخله در موارد مختلف کاملاً متفاوت و متضاد و بیانگر تقابلات فلسفی می‌باشد، دلیل این امر نفوذ احزاب سیاسی بر شیوه مداخلات و اقدامات است (Eimermann & Kordel, 2018). هدف اصلی در اغلب مداخلات انجام گرفته، حفاظت از بافت قدیم به عنوان یک ثروت اجتماعی و فرهنگی منحصر به فرد، با هدف عمده رونق صنعت جهانگردی است (Habibi et al., 2017). پشتوانه اقتصادی انجام این اقدامات سرمایه‌های دولتی، تعاونی و خصوصی است و در صدر اهداف اجتماعی، نگهداری ساکنان در بافت و حفظ ساختار جمعیتی در نظر گرفته شده است (Afshoun et al., 2012). در مداخلات و اصول کالبدی نیز به حفاظت دقیق ابنیه با ارزش، تخریب بناهای بی ارزش و نیز ایجاد مجموعه‌های جدید در تلفیق با فضاهای قدیم پرداخته شده است (Dowlatabadi, Mehri, & Tajabadi, 2014). در مرکز ایتالیا، شهری باستانی است که به عنوان مرکزی مسکونی، یکپارچه و دارای وحدت شهری ساخته شده است.

نقش اصلی شهر کشاورزی است و از راه بازرگانی، محصولات کشاورزی، دامپروری و صنایع دستی قدرت یافته و دارای بافت کالبدی یکدست و همگنی با آثار معماری شهری بسیار زیباست (Y. Wang et al., 2021). بافت شهر اوربینو با تغییر از بنای اقتصادی، از کشاورزی به صنعت از عهده پاسخ به نیازهای اصولی مردم شهر برن می‌آید (Selod & Shilpi, 2021). در چارچوب منطقه ای، مسئولان اوربینو در پی یافتن راه حلی جامع برای از بین بردن نارسایی‌های بافت قدیمی و تغییر شرایط اقتصادی اجتماعی شهر هستند (Dipeolu et al., 2021). در این رابطه شناخت عوامل مخرب بافت و عوامل

بازدارنده تداوم زندگی مرفه، در درجه اول اهمیت قرار گرفته و در پی آن در مورد مرمت سطح خارجی، بهسازی بهداشتی بناها، کف سازی کوچه‌ها و خیابانها و غیره تصمیماتی گرفته شده است (Inostroza, 2017). اهمیت و ویژگی احیا و ساماندهی شهر اورینو در تبادل نظر با مردم و مشارکت آنها در شناخت مشکلات و رفع آنهاست (Y. Wang et al., 2021). در ایتالیا مطالعه در بافت کالبدی شه رها در دو زمینه بناهای منفرد و مجموعه‌های شهری به طور همزمان صورت گرفته است (Cicione et al., 2021). از جمله نکات قابل توجه در اجرای طرحهای مرمت شهری در ایتالیا، توجه به روحیات ساکنان و حفاظت از روابط و مناسبات متقابل شهروندان با محیط زندگی شان است.

۱-۳-۴- تجارب کشورهای آسیایی

عملکردهای گوناگون و ویژگیهای خاص، بافت شهرهای مشرق زمین را از سایر کشورها متمایز می‌کند، این عملکردها و ویژگیها که با توجه به شرایط اجتماعی اقتصادی شکل گرفته (Drakaki, Gören, & Tzionas, 2018)، حاصل رشد فرهنگ و تمدن شهرنشینی در طی قرون متمادی است (Zazyki et al., 2022). الگوبرداری و توسعه خود به خودی ساخت و سازهای موجود در شهرهای مشرق زمین بدون پیوند با گذشته، چیزی جز هرج و مرج به بار نمی‌آورد، این الگوها نهایتاً محیط را که نه تنها می‌تواند اماکن سبک‌های غربی به وجود آورده که اغلب با شرایط و فرهنگ بومی آنها بیگانه است (Trindade, MacLean, & Posen, 2021). از انقلاب صنعتی به بعد، بافت و فضای کهن شهرها گاه به عنوان عامل ارزشی و گاه ضد ارزش و مانع رخ می‌نماید (Dekel et al., 2019). مسئله شهرهای کهن در کشورهای در حال رشد با شدت بیشتری مطرح است (Kovacic et al., 2019). زیرا در این کشورها موج نوسازی نه در قرن ۱۹ بلکه در سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی روی داده است (Y. Wang et al., 2021). امروزه توجه به بافت‌های قدیم شهرهای آسیایی از نظر متخصصان از اهمیت خاصی برخوردار است. این امر دو دلیل عمده دارد: ۱- این کشورها از سابقه تمدن شهری زیادی برخوردارند. ۲- غالباً دیرتر از کشورهای توسعه یافته اروپایی متوجه خطر و بحران تخریب میراث فرهنگی شهرها شده‌اند.

۱-۳-۴- جمع‌بندی؛ تجزیه و تحلیل پیشینه تجربی

جمع‌بندی و نقد مطالعات این حوزه، در سه سطح تحقیق انجام گرفته است. در تحقیقات سطح اول، محققان عمدتاً بر مشخصات رفاهی خدماتی توسعه‌ی اجتماعی و حاشیه‌نشینی توجه کرده‌اند. از این‌رو، عوامل فقدان رفاه مادی و کمبود خدمات انسانی را زمینه‌ساز یا عنصر کلیدی تعمیق حاشیه‌نشینی می‌دانند. این سطح از مطالعات از نوعی

تقلیل‌گرایی رنج می‌برند. لذا، در چنین تحقیقاتی راهکارهای رفع حاشیه‌نشینی و ارتقای توسعه، نیز معمولاً در سطح دولتی باقی می‌ماند و اساس توسعه به اقتصاد و رفاه تقلیلی می‌یابد. غفلت از روابط تشدیدکننده‌ی حاشیه‌نشینی و نظام معنایی زندگی حاشیه‌نشینی در این قبیل مطالعات نادیده گرفته شده است.

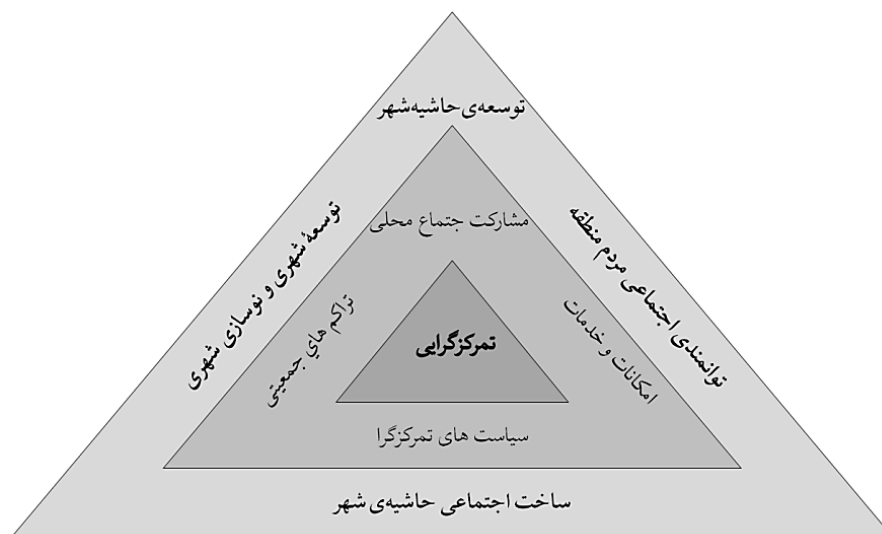
در تحقیقات سطح دوم، عمدتاً نگاه آسیب‌شناختی حاکم است. تمرکز این مطالعات بر این است که حاشیه‌نشینی روابط افراد را مختل و منجر به خشونت و طرد می‌شود. در این مطالعات که تا حدی زیادی متأثر از جامعه‌شناسی شهری هستند، نگاهی بدبینانه و از بالا به پایین به زندگی حاشیه‌نشینان داشته و با ارائه تصویری فضای کالبدی و اسکان غیررسمی در مناطق حاشیه‌نشین، سعی دارند که راهکارهای رفع معضلات حاشیه‌نشینان را در ایجاد مسکن مناسب و دوری از زندگی در مناطق کثیف و پرتراکم شهری بدانند و با راهکارهای نخبه‌گرایانه و فن‌سالارانه به رفع مشکلات این مناطق مبادرت ورزند.

تحقیقات سطح سوم اندک هستند. این مطالعات که مورد نظر ما در پژوهش حاضر می‌باشند، زمینه‌های اجتماعی درونی تعمیق و یا تعدیل حاشیه‌نشینی را مورد کاوش قرار می‌دهند. در این مطالعات، محیط‌های همچون محل کار، محل سکونت، روابط پدرسالارانه، تعاملات اجتماعی، تعهدات و تعلقات محلی، نظام خانوادگی، مشارکت اجتماعی و ... مورد بررسی قرار می‌گیرند. در اینجا، تأکید بر این است که مختصات اجتماعی این محیط‌ها چگونه می‌توانند احتمال تعمیق توسعه‌ی اجتماعی و فرار از حاشیه‌بودگی را افزایش دهند و یا برعکس، منجر به فروکاست توسعه‌ی اجتماعی و تعمیق حاشیه‌بودگی شوند. در چنین مطالعاتی ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه حاشیه‌نشین به‌عنوان عناصر مرتبط با استمرار حاشیه‌نشینی و فهم ناقص از توسعه‌ی اجتماعی مهم تلقی می‌شوند. توسعه‌ی شهری از جنبه‌های بسیار گسترده‌ی مطالعات در امور توسعه است، ارائه‌ی تعریفی مشخص در این رابطه زیاد ساده نیست؛ اما سعی می‌شود معنی توسعه‌ی شهری از طریق مفاهیم، اصول و تاریخچه‌ی مطالعات کاربردی تشریح شود. اندیشه‌ی توسعه‌ی شهری پایدار تنها در ارتباط با تحولات تاریخی مطرح نمی‌شود، بلکه در این رابطه توسعه‌ی خردمندانه‌ی علوم مختلف و دانش اجتماعی نیز مطرح است، توجه به تحولات باعث می‌شود حجم و کیفیت دانش موجود در باره‌ی زیست شهری افزایش یابد.

همچنین یافته‌های مروری بر ادبیات در بخش زیبا سازی فضای شهری در این تحقیق نشان می‌دهد که قاعدتاً جدا از بحث زیباسازی؛ نما و منظر و خط آسمان و ترکیب‌بندی بهتر و مناسب فضایی‌نوسازی بحث‌های اجتماعی و اقتصادی هم بسیار کلیدی و حساس هستند و می‌توانند کیفیت زندگی را به شدت به موضوعی بحرانی تبدیل کنند. رویکردهای قابل توجه در این زمینه قطعاً رویکردهای معطوف به حوزه علوم اجتماعی مثل سرمایه اجتماعی از یکسو و تئوری تضادی و تعارض اجتماعی ثنوریهای معطوف به انسجام و یکپارچگی و مشارکت اجتماعی و امثالهم خواهد بود به عبارت دقیق‌تر باید نه تنها تابع مکانی (بهبود فیزیکی محیط) بلکه دستیابی به آستانه‌های مناسبی از ارزش‌های اجتماعی در فرایند تجمیع و ادغام واحدها هم ایجاد شود تا محیط اجتماعی برای تداوم و پایدارسازی فرایندهای آتی نیز مهیا گردد این

موضوع را می‌توان بحث پایداری اجتماعی هم نامید که می‌توان در تئوری اصلی اجتماعی باشد. از سویی در حوزه اقتصادی هم سهم بازگشت سرمایه و اطمینان از بهره‌وری مناسب در زمینه سرمایه‌گذاری به عبارتی کاهش ریسک مخاطرات ناشی از سرمایه‌گذاری می‌تواند مدنظر قرار گیرد که به پایداری اقتصادی معروف است و تضمین گرایش‌های اقتصادی مناسب؛ بازگشت سرمایه و ایجاد پایداری در نظام اشتغال ساکنین و رونق اقتصادی ناشی از تجمیع که در تمایل به سکونت تمایل به سرمایه‌گذاری و تمایل به ایجاد فعالیتهای جدید خودش را نشان می‌دهد می‌تواند مدنظر باشد.

در زمینه طراحی الگو واحد ساخت اجتماعی حاشیه‌ی شهر، باید توجه داشت که شهرهای ایران بدلیل تمرکزگرایی در امکانات و خدمات، تراکم‌های جمعیتی و مدیریت‌های تمرکزگرا، با پدیده‌هایی چون گتوهای شهری، حاشیه‌نشینی و حومه‌نشینی، فقر شهری، عدم تعادل ساختی روبه‌رو شده‌اند. بسیاری از اندیشمندان شهری از جمله دیوید هاروی، ماریون یونگ، فلوستی، کنت و ... یکی از وظایف اصلی برنامه‌ریزان شهری را توزیع مناسب و منصفانه فضا برای تمامی کنندگان از آنها می‌دانند، ویژگی اصلی در این توزیع پایداری عناصر فضایی برای بهره‌مندی همه‌جانبه نسل‌های متمادی است که با الگوی موریس استرانگ یا همان رویکرد توسعه پایدار شناخته می‌شود؛ این رویکرد از جمله جایگزین‌هایی بود که برای توسعه اقتصادی مطرح شد.



نمودار ۱-۱۱- جمع‌بندی پیشینه مطالعاتی

توسعه مبتنی بر اجتماع محلی یکی از راهبردهایی بود که در حوزه توسعه پایدار شهری از سوی پژوهشگران متاخر مورد عنایت قرار گرفت. پارادایم توسعه مبتنی بر اجتماع به عنوان مواجهه نوینی در شیوه‌های پیشین تلاش برای توسعه و رشد اقتصادی همانند رویکردهای همیاری تکنیکی^۱، توسعه شهری

^۱ Technical Assistance

و نوسازی شهری^۱ شکل گرفت و گسترش یافت. در این زمینه نظریه پردازان و متفکران اجتماعی از جنبه‌های مختلفی به این موضع پرداخته اند که میتوان به لمن و کاکس اشاره داشت که توسعه شهری را فرایندی در جهت اصلاح و بهبود اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میدانند که مبتنی بر فناوری و همراه با عدالت اجتماعی به طریقی که اکوسیستم^۲ (زیست بوم) را آلوده و منابع طبیعی موجود در شهر را تخریب نکند. توسعه شهری به معنی افزایش منابع انسان و توانمندسازی جوامع به سمت افزایش توانمندی‌های اقتصادی، اجتماعی، فناوری و فرهنگی است. لذا توسعه شهری نه تنها شامل اقتصاد و مناسبات اجتماعی می‌شود که مسئله جمعیت، شیوه استفاده از منابع شهری را نیز در برمیگیرد؛ بنابراین مطابق نظریه ی چوگول در توسعه شهری متناسب با جذب ظرفیت‌های محلی، پاسخ گویی به نیازهای شهری را نیز باید مدنظر قرار دهیم که با توجه به این مفهوم باید پذیرفت که توسعه بدون فرهنگ راه به جایی نخواهد برد؛ توجه به ساخت اجتماعی و روایت‌های محلی از توسعه شهری بر این نکته تأکید می‌کنند که رشد اقتصادی به خودی خود نمی‌تواند باعث بهبود کیفیت زندگی و ارتقاء شرایط بهداشتی شود؛ بلکه به نحوه ی توزیع توسعه بستگی دارد و اینکه آیا سیاست گذاری‌های عمومی طوری طراحی شده است که خدمات بهداشتی کافی را افزایش توانمندی اجتماعی مردم منطقه یا به عنوان کلی تر آن یک توسعه شهری برای شهروندان ایجاد نماید.

¹ Urban Renewal

² Ecosystem

فصل دوم:

**مبانی و چارچوب نظری و مفهومی؛ انتخاب تئوری‌ها و تبیین
کننده‌ها**

۲-۱- مقدمه

حاشیه نشینی و تبلور آن در قالب گروه‌های نژادی، مذهبی و جز این‌ها ریشه در تاریخ دارد، اما چنین پدیده‌ای به شکل امروزی آن ناشی از تغییر در روابط و مناسبات سنتی انسان‌ها است. در ریشه یابی حاشیه نشینی در مقیاس وسیع نیز باید به خاستگاه اصلی آن یعنی اروپا برگشت. از آغاز دوران انقلاب صنعتی به بعد اراضی زراعی به صاحبان قدرت درآمد و به تبع آن اقتصاد روستا مختل شد و روستاییان به فکر یافتن راه دیگری برای گذراندن زندگی خود افتادند. آنان ناگزیر راه شهر را در پیش گرفتند. در آن زمان کارگاه‌ها و کارخانه‌هایی که ایجاد شده بودند به نیروی کار ساده متکی بودند (Foa & Nemirovskaya, 2019). با کاهش دستمزدها، زنان و کودکان نیز به کار گرفته شدند و سرانجام وضعی پیش آمد که مردان، زنان و کودکان از سپیده صبح از روستا به شهرها روانه می‌شدند و تا دیرگاه در کارگاه‌ها کار می‌کردند و دوباره با پای پیاده به روستاهای خود برمی‌گشتند.

سکونتگاه‌های شهری، به عنوان بزرگترین هسته‌های تراکم‌های جمعیتی کشور، بیشترین میزان نیروی انسانی، سرمایه گذاری و زیرساختی را به خود جذب کرده است و به علت تمرکز و تراکم بیش از حد، در صورت بروز هرگونه بحران طبیعی و انسانی در معرض بیشترین تهدیدها و آسیب‌های انسانی و طبیعی قرار دارد و از آنجایی که انسان از دیرباز همیشه در پی مصون ماندن از تهدیدات بوده بدین منظور از روش‌های مختلفی بهره برده است (Alfaro d'Alençon et al., 2018; Asibey, Poku-Boansi, & Adutwum, 2021; Bittencourt & Giannotti, 2021; Cicione et al., 2022; Dalu, 2022; Shackleton, & Dalu, 2018; Dekel et al., 2019; Downs et al., 2022). در این میان فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان ابزاری قدرتمند در دست مسئولین شهری نقشی مهم در افزایش تاب‌آوری جوامع شهری و نقش مهمی در کاهش آسیب پذیری در برابر بحران‌ها و حوادث دارد. بحران‌ها، حوادثی هستند که خرابی‌های زیادی بوجود آورده و باعث به خطر افتادن جان افراد می‌شوند. این خرابی‌ها می‌توانند به صورت منطقه ای، مانند سیل، یا به صورت سراسری، مانند زلزله و آتشفشان، نمود پیدا کنند. حتی بحران‌هایی نیز در حد جهانی، مانند مشکل سال ۲۰۰۰ رایانه‌ها، وجود دارند. با توجه به گسترش IT در تمام زمینه‌ها و نیز فواید بیشمار استفاده از آن، خصوصا در مواردی که حجم داده‌ها و پردازش آنها بسیار بالا است، استفاده از آن در مدیریت بحران بسیار حیاتی است. در این راستا کشورهای پیشرفته از مدتها قبل تلاش برای ایجاد سامانه‌ای جامع را آغاز نموده‌اند. این سامانه باعث افزایش دقت تصمیمات

مدیریتی بوسیله شبیه سازی نتایج حاصل از تصمیم‌گیری‌های مختلف، استاندارد بودن اطلاعات و اطلاع رسانی سریع به مسولان و امدادگران شده است. حاصل این تلاش‌ها و امکانات، کاهش میزان تلفات و افزایش سرعت ساماندهی بحران است. در کشور ما، به دلیل عدم وجود سامانه‌ای جامع و بر پایه IT، مدیریت بحران به صورت سیستماتیک اجرا نمی‌شود، داده‌های موجود دارای قالب‌های متفاوت هستند و اطلاع رسانی به سرعت صورت نمی‌گیرد. کشور ایران به لحاظ حوادث طبیعی جزء کشورهای نخست دنیا می‌باشد و وقوع این بحرانهای طبیعی سالانه خسارات زیادی را در این زمینه متحمل کشور می‌کند. امروزه یکی از تئوری‌های جدید شهری مورد توجه سیاستمداران علوم شهری استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در سطح شهرها میباشد. از همین رو افزایش جمعیت، خودروها و رشد سفرهای درون شهری، ساماندهی و مدیریت شهری به یکی از مهمترین ضرورت‌های مدیریت شهری تبدیل شده است. به همین منظور کارشناسان مربوط می‌کوشند تا با برنامه ریزی‌های کارآمد، استفاده از ظرفیت‌های موجود و افزایش بهره‌وری سیستم‌ها؛ سبب کاهش مشکلات پس از وقوع حوادث در شهرها شوند. رشد جمعیت، اشتغال و استقرار فعالیت‌های اقتصادی، خدمات و تسهیلات در نواحی مختلف شهر باعث افزایش تقاضای جا به جایی برای دسترسی به این نواحی و در نتیجه بروز مشکلاتی در شبکه حمل و نقل شهری بخصوص در مرکز شهرها می‌شود. یکی از عام‌ترین و مهمترین مسائل مربوط به شهر نشینی ترافیک می‌باشد. مساله ترافیک در شهرها نیز همچون سایر شهرهای بزرگ به عنوان یک مشکل اساسی مطرح است که موجب هدر رفتن زمان و انرژی زیادی برای مردم بخصوص در هنگام وقوع حوادث می‌شود. تنها راه جلوگیری از بروز چنین حوادثی، مدیریت صحیح بحران با بهره‌گیری از فناوریهای جدید اطلاعات می‌باشد یکی از وظایف مدیران، پیش بینی چنین بحرانهایی از قبل و برنامه‌ریزی جهت کاهش و به حداقل رساندن خسارات مالی و جانی می‌باشد و این میسر نخواهد بود جز از طریق کاربرد صحیح و به موقع فناوری اطلاعات. از طرفی دیگر فناوری اطلاعات جزء لاینفک زندگی بشر شده است و در ابعاد مختلف حیات بشری به ایفای نقش می‌پردازد. مفهوم طراحی سیستم مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر اساس رویکرد تاب‌آوری با در نظر گرفتن شهرها به عنوان سیستم‌های پیچیده، با اجزای به هم وابسته، تعریف می‌شود. ساختارهای معماری، جمعیت، تمرکز، مراکز تجمع و سیستم‌های زیرساختی، اگر چه اجزای تشکیل دهنده ی شهرها هستند اما آسیب پذیری شهرها را در برابر سوانح طبیعی و یا انسان ساز مربوط به حوزه ی حمل و نقل افزایش می‌دهند. در این راستا، تقلیل میزان آسیب پذیری و بالا بردن سطح انعطاف پذیری محیط کالبدی شهرها در برابر تنشهای ناشی از بروز مشکلات مربوط به حوزه‌های مختلف و نیز به حداقل رساندن زمان بازتوانی، همچنین ارتقاء و بهبود بخشی این مشکلات و به طور کلی تاب آور ساختن شهرها در برابر مشکلات مربوط به حوزه ی زیرساخت حمل و نقل، اطلاع رسانی، جمع‌آوری تخریب‌های صورت گرفته و ... از جمله مهمترین عواملی است که می‌بایست در طراحی شهری مورد توجه قرار گیرد و ما در این پژوهش به دنبال آن خواهیم بود. افزایش انطباق پذیری شهرها در برابر

مشکلات مربوط به این حوزه‌ها با انعطاف‌پذیری سه مولفه اصلی شامل، فرم کالبدی (اجزای کالبدی شهر) عملکرد شهر و جریان‌ها (حرکت انسان، حمل و نقل و ...) و زیرساخت‌ها، نقش بسزایی در افزایش تاب‌آوری دارد.

رسانه‌ها با توجه به تأثیرشان بر افکار عمومی و همچنین کارکردهایشان در قلمرو آگاهی‌رسانی، می‌توانند ابزاری بنیادی برای کنترل و یا گسترش بحران باشند (Foa & Nemirovskaya, 2019). بهتر است در کنار راه‌اندازی ستادهای ویژه مدیریت بحران به آموزش و تجهیز گروه‌های رسانه‌ای و خبرنگاری برای پوشش کامل اخبار در زمان بحران و جلوگیری از سخن‌پراکنی‌ها هم توجه جدی شود. این مساله در وهله اول نیازمند فراهم آوردن امکانات زیرساختی ارتباطاتی است. ایجاد یک پایگاه اطلاع‌رسانی الکترونیکی قوی نیازمند یک بانک اطلاعاتی قوی، دقیق و به روز می‌باشد، یکی از این بانکها، سیستم اطلاعات جغرافیایی¹ (GIS) است. در حقیقت GIS، توانمندی‌های زیادی را برای جمع‌آوری، ورود، پردازش، تغییر شکل، به تصویر در آوردن، ترکیب، جستجو، تجزیه و تحلیل، مدل‌سازی و خروجی کلیه داده‌های مکانی بر اساس اهداف مورد نظر فراهم می‌سازد. در نتیجه ضروری است با بهره‌گیری از سیستم اطلاعات جغرافیایی، شبکه‌های اطلاعاتی یکپارچه و گسترده‌ای در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات ایجاد شود که بتواند اطلاعات مورد نیاز ساکنین را در هنگام بحران‌ها فراهم آورد. برای اینکه مدیران و متخصصان مدیریت بحران بتوانند اهداف فوق را محقق نمایند قبل از هر چیز نیازمند یکسری چک لیستها، ابزارها و امکانات متنوع هستند که حیاتی‌ترین آنها دسترسی به اطلاعات و سیستم‌های اطلاعاتی و ارتباطی پایدار، به روز، جامع، دقیق و یکپارچه هستند که بتوانند بلادرنگ و به موقع در تمام مراحل مدیریت بحران از آنها بهره‌مند شوند. از اینرو در تحقیق حاضر قصد داریم به این سوال پاسخ دهیم که فناوری اطلاعات چه کمکی به ارتقاء تاب‌آوری می‌نماید؟

امروزه و در عصر اطلاعات، دسترسی آسان به اطلاعات نحوه زندگی و کار ما را دچار تحول کرده است. «اقتصاد دیجیتال» که به عنوان «اقتصاد دانش»، «اقتصاد شبکه‌ای» و «اقتصاد نوین»، نیز از آن یاد می‌شود، با یک تغییر از تولید کالاها به خلق ایده‌ها، توصیف شده است. در واقع بر رشد نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات (و حتی نقش مرکزی) در اقتصاد و اجتماع تأکید می‌شود. و در نتیجه، دولت‌ها در سطح جهان، به صورت گسترده تمرکز خود را بر فاوا در خدمت توسعه افزایش داده‌اند. برای دولتها، فاوا در خدمت توسعه نه تنها برای توسعه صنعت فناوری اطلاعات و ارتباطات یا بخش اقتصادی اهمیت دارد، بلکه شامل استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای ایجاد رشد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز می‌شود. هرچند، در بین مشکلاتی که دولت‌ها در تنظیم سیاست‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات با آن روبرو هستند، می‌توان به این مسئله اشاره کرد که سیاست‌گذاران اغلب با فناوری‌هایی که برای توسعه ملی به کار می‌گیرند، آشنایی لازم را ندارند. از آنجایی که نمی‌توان آنچه را که درک نمی‌شود

¹ Geographic Information System

تنظیم کرد، بسیاری از سیاست‌گذاران از سیاست‌گذاری در فناوری اطلاعات و ارتباطات کنار گذاشته شده‌اند. البته واگذاری کامل فناوری اطلاعات و ارتباطات به کارشناسان فناوری نیز کار درستی نیست، زیرا این کارشناسان فنی درک مناسبی از پیامدهای سیاسی فناوری‌های مورد توسعه و استفاده ندارند.

در دهه ۸۰ میلادی پارادایم توسعه از هدایت دولتی به هدایت بازار تغییر یافت. استراتژی جدید توسعه (در نهایت اهمیت واشنگتن به عنوان شهری که میزبان بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول^۱ و نیز پایتخت آمریکا دو چندان شد) تأکید بر کوچک‌سازی دولت، مقررات زدایی و آزادسازی و خصوصی‌سازی سریع، داشت. از این رویکرد طرفدار بازار از سوی بسیاری از کسانی که در حوزه فاوا در خدمت توسعه بودند پذیرفته شد.

هر دو نوع مداخله فناوری اطلاعات و ارتباطات، رابط مستقیم بین خدمات و مردم فقیر به شمار می‌روند؛ مداخله‌های غیر مستقیم و حمایتی شامل نقشه‌نگاری از منابع طبیعی و بازسازی سیستم‌های اطلاعات مدیریت برنامه و روش‌های تأمین اهداف کاهش فقر می‌شوند. برای مثال، اگر استفاده از فناوری برای نقشه‌نگاری منابع طبیعی و شرایط آب و هوایی با اطلاعات فراهم شده توسط برنامه‌ریزی توسعه یکپارچه و با مشارکت فعال جامعه در این فرآیند هماهنگ شود، فرصت‌های حداکثرسازی مزایای فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای کاهش فقر به وجود می‌آیند.

هم‌چنین بخشی از تعهد جهانی، تدوین راهبرد و طرح اقدام برای رسیدگی به اهداف و آرمان‌های پیش‌بینی شده در سطوح جهانی و ملی است که با اقدامات محلی حمایت می‌شود. در سطح جهانی، سیستم سازمان ملل متحد قرار دارد که با استفاده از عناصر کلیدی مانند پایش، تحلیل، کمپین و بسیج، به سوی دستیابی به اهداف حرکت می‌کند. در سطح ملی، وجود چارچوب‌های توانمندساز سیاسی، مشارکت، مطالعات و فعالیت‌های کشور، با استفاده از گفت و گوی سیاسی و در نظر داشتن فرآیند تنظیم راهبرد مبتنی بر کشور که از طریق اسناد راهبرد کاهش فقر^۲ یا سایر طرح‌ها و استراتژی‌های ملی مشابه پیش‌بینی شده است، ضرورت دارد. این اسناد که به کمک گروه مؤسسات بانک جهانی ترویج شده‌اند، اسناد سیاسی به شمار می‌روند که اقتصاد کلان، سیاست‌های ساختاری و اجتماعی هر کشور را در دوره‌ای حداقل سه ساله توصیف می‌کنند. این اسناد از سوی کشورهای عضو و در پی به کارگیری فرآیندی مشارکتی بین ذی‌نفعان داخلی و در برخی موارد با کمک شرکای توسعه بین‌المللی تهیه می‌شوند. نمونه خوبی از این کار تنظیم طرح‌های پنج‌ساله هند و اسناد رویکردی به این طرح‌ها (از سال ۱۹۵۲) است (Fuhrmann, 2019).

بازبینی‌های متعدد میان مدت از پیشرفت جهانی و منطقه‌ای برای برآوردن اهداف بخش‌های مختلف جهان در سال ۲۰۰۴ آغاز شد. در سال ۲۰۰۷، در میانه راه ۱۵ ساله تعریف شده، مشخص شد پیشرفت‌های صورت یافته کافی نبوده‌اند. گزارش اهداف توسعه هزاره سال ۲۰۰۷ نشان می‌دهد که پیشرفت جهانی

¹ International Monetary Fund (IMF)

² Poverty Reduction Strategy Paper (PRSP)

نامتوازن بوده است، اما گزارش ۲۰۱۱ نشان می‌دهد که دستاوردهای گسترده و قابل مشاهده‌ای در کاهش فقر در بسیاری از کشورها حاصل شده است و هر منطقه در دسترسی به آب آشامیدنی سالم پیشرفت‌هایی داشته است. هرچند، آسیب پذیرترین مناطق از این پیشرفت‌ها بی‌نصیب بوده‌اند و تفاوت‌های نگران‌کننده‌ای در پیشرفت بین مناطق شهری و روستایی باقی مانده است. به علاوه، گزارش مطالعات بانک جهانی نشان می‌دهد که بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ بر پیشرفت تأمین اهداف توسعه هزاره در بسیاری از بخش‌های جهان داشته است.

بازیابی پس از بحران با سرعت کم انجام شده است و دورنمای دستیابی به بسیاری از اهداف در کشورهای در حال توسعه دلیل اصلی نگرانی بوده است. ممکن است تا سال ۲۰۱۵ بخش‌های عظیمی از جهان اهدافی را که باید به آنها دست یابند، از دست بدهند. در عین حال، می‌توان خوشبین بود که بهبودهای گسترده‌ای در برخی بخش‌های اساسی، از جمله برابری جنسیتی و آموزش و پرورش وجود داشته است.

در نتیجه، حائز اهمیت است که اهداف توسعه هزاره و موعد مقرر سال ۲۰۱۵، بیشتر به عنوان نقاط عطف در نظر گرفته می‌شوند، نه هدف نهایی. ممکن است این اهداف تا سال ۲۰۱۵ برآورده شوند یا نشوند، اما به عنوان نقشه راهی به سوی توسعه باقی خواهند ماند. با گذر از موعد مقرر (۲۰۱۵)، اهمیت این اهداف به عنوان تعهد جامعه جهانی از بین نخواهد رفت.

توسعه درباره تغییر و تغییر برای بهتر شدن است. تمام دولت‌ها، صرف نظر از سطوح توسعه یا ایدئولوژی‌های سیاسی، به تحقق چنین تغییری در سیستم‌های اجتماعی و سیاسی خود علاقه مند هستند. این امر می‌تواند به معنای تغییر سیستم مراقبت‌های بهداشتی برای افراد فقیر و سالخورده یا دسترسی به آموزش ابتدایی برای همگان باشد. به این منظور، کشورها از تمام استراتژی‌ها و ابزارها برای سرعت بخشیدن به فرآیند تغییر استفاده می‌کنند. فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات یکی از ابزارهای قدرتمندی هستند که کشورها استقرار آن را دنبال می‌کنند (Upham, Sovacool, & Monyei, 2022).

گاهی ارتباط بین فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و اهداف توسعه بسیار روشن است، اما گاهی نیز مبهم به نظر می‌رسد. با این همه، سازمان‌های دولتی و غیردولتی و بخش خصوصی در سراسر جهان، هر ساله میلیون‌ها دلار با امید موفقیت در پروژه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات خرج می‌کنند. برخی موفق می‌شوند و برخی شکست می‌خورند. آگاهی از دلایل موفقیت یا شکست نیازمند درک فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و توسعه است.

در کشورهای مختلف، فقیر و غنی چگونه متمایز می‌شوند؟ برخی بر این باورند که فقر فرآیند یا پدیده‌ای درآمدی است، یعنی نداشتن درآمد کافی برای دسترسی به مزایایی که ثروتمندان از آن بهره‌مندند. برخی دیگر ادعا می‌کنند که علت فقر گسترده، سابقه بهره‌کشی اقتصادی است. هنوز هم عده‌ای اذعان دارند که حقیقت تاریخی نابرابری جنسیتی، وضعیت رکود اقتصادی زنان و دختران را تداوم می‌دهد.

بخشد. دانشمندان و سیاست‌گذاران، بسته به رشته‌های دانشگاهی فردی و جمعی خود با ادامه بحث گسترده در حوزه توسعه، سابقه، فرآیند، مشکلات و راه‌حل‌های آن، مسیرهای مختلف کاهش نابرابری عظیم بین فقیر و غنی را ترسیم خواهند کرد. و در این جا توسعه محل بحث نیست، بلکه، هدف این مقدمه جلب توجه به این مفهوم ساده است که امروزه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به واسطه دسترسی به دانش و خدمات، فرصت بی نظیری را برای تجدیدنظر در روش‌ها و ابزارهای ارائه فواید توسعه به جامعه جهانی فراهم می‌کنند که قبلاً به تعداد اندکی از ثروتمندان جامعه محدود بود (Dekel et al., 2019).

یکی از موضوعات تکراری مباحث کنونی در مراکز توسعه، ارتباطات و نقش دانش و اطلاعات در ایجاد تفاوت بین فقیر و غنی است؛ به عبارت دیگر، اگر افراد فقیر سواد اطلاعاتی داشتند. می‌توانستند برای بهبود زندگی خود از اطلاعات استفاده کنند. افراد فقیر برای داشتن سواد اطلاعاتی باید به دانش و اطلاعات و خدماتی که در دسترس ثروتمندان است، دسترسی یکسانی داشته باشند؛ آنها می‌توانند به اندازه ثروتمندان و حتی بیشتر از آنها بهره‌مند باشند. و برای درک نقش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در فرآیندهای اخیر توسعه بررسی مفاهیم موجود توسعه و مطالعه نقش تاریخی فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در این فرآیند و پیوند زدن این فناوری‌ها به اهداف توسعه ضروری است. درک این نکته مهم است که فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات چه هستند، ویژگیها، محدودیت، عناصر و اجزای مختلف آنها کدامند و نحوه تعامل آنها با یکدیگر و محیطهای اجتماعی، سیاسی، فناوری و قانونی به چه صورت است. هم چنین باید روندهای نوظهور تفکر جهانی درباره هدف توسعه را درک کنیم.

۲-۲- تعریف مفاهیم

در این بخش مفاهیم مرتبط، برای راحتی خواننده تعریف شده‌اند. با وجود اهمیت بسیار نهادها، به سختی می‌توان آنها را تعریف کرد. اصطلاح «نهاد»^۱ در مفهوم دقیق‌تر معمولاً به واحد سازمانی مانند کنگره یا وزارت دولتی اطلاق می‌گردد. اما در مفهوم وسیع‌تر می‌تواند به معنای راهبردها، هنجارها و قوانین مشترک سازمانی و یا بین سازمانی به کار رود. نهاد در این متن به (۱) انواع گوناگون سازمان‌های عمومی و شبه عمومی مانند سازمانهای دولتی، سازمانها و واحدهای عمومی غیردولتی و (۲) قوانینی که برای تعیین ساختار الگوهای تعامل در و بین این سازمان‌های عمومی ریشه عمومی استفاده می‌شوند، از قبیل قوانین حقوقی و اصول برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی اشاره دارد. نهادها که معمولاً «سرمایه نهادی»^۲ نامیده می‌شوند، ناشی از تحول تاریخی بلندمدت در جامعه با نتیجه تصمیمی سیاسی با اهداف خاص

¹ Institution

² Institutional Capital

هستند (Yongcheng Wang et al., 2020). «نهادینه سازی^۱» یا «نهادسازی^۲» در اینجا به معنای تلاش‌های آگاهانه سیاست‌گذاران در طراحی سازمانها و قوانینی برای رویارویی با تغییرات اجتماعی است. این امر به کمک سازگاری برنامه‌های سازمانی موجود با محیط‌های جدید یا توسعه نهادهای جدید، به منظور حل مشکلات یا ایجاد فرصت‌های جدید است. تجهیز کردن منابع و حفظ مشروعیت قانونی از نظر سیاست‌گذاران اصلی، ابزاری قدرتمند برای اجرای بینش و اراده سیاسی آنها است.

اصطلاح «به‌کارگیری فناوری اطلاعات^۳» به فعالیت‌های توانمندساز یا تسهیل‌کننده کارآمد در زمینه‌های مختلف جامعه اطلاق می‌شود که با تولید، نشر یا کاربرد اطلاعات سروکار دارند. این مفهوم، بسیار جامع است طوری که در آن ترکیبی از فرآیندها با رایانه‌ای شدن یا استقرار فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات آغاز شده و با هم یکی میشوند (اسنلن، ۲۰۰۵: ۳۹۹). «دولت الکترونیکی^۴» به کاربرد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات مانند اینترنت و دیگر فناوری‌ها اشاره دارد که ابزار دستیابی به دولت بهتر هستند که از طریق پیگیری پیامدهای سیاست بهتر، خدمات کیفی بهتر و مشارکت بیشتر شهروندان قابل دستیابی است (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۵، ۲۰۰۴: ۱۱). «به‌کارگیری فناوری اطلاعات» وسیع‌تر از دولت الکترونیکی است به گونه‌ای که فعالیتهای سیاست‌گذاری مختلفی مانند ایجاد زیرساخت اطلاعات، تحقیق و توسعه^۶ و ارتقای صنعت و تجارت را در برمی‌گیرد. فاوا در خدمت توسعه^۷، به معنی بهره‌برداری کامل از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای رویارویی با تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فناوری محور به منظور ایجاد یک جامعه اطلاعاتی فراگیر و پایدار است (Foa & Nemirovskaya, 2019)

۲-۱-۲- تکنولوژی

تکنولوژی مرکب از دو کلمه یونانی «تخنه^۸» و «لوگوس^۹» است. «تخنه» که در یونانی معادل تکنیک است به دو معنی تعبیر می‌شود: معنی نخست عبارتست از آنچه که امروزه در زبان فارسی «هنر» گفته می‌شود که از نظر ارسطو هنر عبارتست از تخیل یا تقلید زیبایی‌های طبیعت و انسان؛ معنی دوم آن نیز همان است که اکنون به «صنعت» تعبیر می‌گردد. از نظر ارسطو، صنعت، تکمیل کار طبیعت است (Terayama & Odani, 2017). «لوگوس» نیز در زبان یونانی به معنی سخن گفتن از وجود و راز وجود است. بنابراین تکنولوژی عبارتست از سخن گفتن از وجود و راز وجود هنر و یا صنعت باید در نظر گرفت که تکنولوژی

¹ Intitutionalization

² Intitution Building

³ Informatization

⁴ e-Government

⁵ Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)

⁶ Research and Development (R&D)

⁷ Information and Communication Technology for Development (ICTD)

⁸ Techne

⁹ Logos

پدیده‌ای انسانی است و نهادی از جامعه ما محسوب می‌شود. به همین جهت رابطه تنگاتنگی بین تکنولوژی از یک سو و فرهنگ و نظام اداری - سیاسی جامعه برقرار است. این روابط در رشد و توسعه تکنولوژی تأثیر بسزایی دارند. اگرچه «فن شناسی» و «فناوری» معادل‌هایی است که در زبان فارسی برای واژه تکنولوژی به کار گرفته می‌شود، ولی هیچکدام از این واژه‌ها قادر به بیان مفهوم گسترده تکنولوژی نیستند؛ به همین دلیل ترجیح می‌دهیم در این کتاب، از همان واژه تکنولوژی استفاده کنیم. با این مقدمه اجمالی، به ارائه تعاریف مختلف تکنولوژی می‌پردازیم.

دایره‌المعارف آمریکانیکا^۱ تکنولوژی را چنین توصیف می‌کند: تکنولوژی به شیوه‌های ساختن اشیاء و انجام کار اطلاق می‌شود. فرهنگ لاروس، تکنولوژی را مطالعه ابزارها، شیوه‌ها و روش‌های مورد استفاده در حوزه‌های گوناگون صنعت تعریف کرده است. دایره‌المعارف علم و تکنولوژی مک گرو هیل^۲، تکنولوژی را دانش و عمل سیستماتیک، عمدتاً در فراگردهای صنعتی، اما قابل تعمیم به هر فعالیت دیگر میدانند. تکنولوژی عبارتست از آن چیزی که مردم با آنچه که می‌دانند، انجام می‌دهند و تکنولوژی بر پایه شناخت استوار است. تکنولوژی عبارتست از مهارت‌ها، دانش‌ها و شیوه‌های مربوط به تهیه و تولید کالاها و خدمات. تکنولوژی عبارتست از مجموعه‌ای از فراگردهای فیزیکی، روش‌های فنون و ابزار و تجهیزات که بوسیله آنها محصول ساخته می‌شود و یا خدماتی عرضه می‌گردد. تکنولوژی عبارتست از همه فرآیندها، روشها، فنون، معلومات (نرم افزار) و همچنین سخت افزاری که جامعه را در حفظ، بقا و ارتقای زندگی یاری می‌کند. تکنولوژی عبارتست از سیستم منسجمی از اطلاعات و ابزار مورد احتیاج برای تولید مورد نظر. تکنولوژی مجموعه درهم تنیده‌ای از مهارت‌های انسانی، ابزارها و دانش است که قابلیت تولید محصول یا ارائه خدمات را ایجاد می‌کند.

تکنولوژی از نظر کاربردی مفهومی است وسیع، شامل تکنیک‌های ساخت و تولید و روش‌ها و ابزارهایی که جهت تسلط بر محیط طبیعی و انسانی به کار می‌آید. یکی از تعاریف پست مدرنی که برای تکنولوژی از همان دیدگاه کاربردی آورده اند، عبارتست از سیستم منسجمی از اطلاعات و ابزار مورد احتیاج برای تولید مورد نظر از این نظر تکنولوژی، پشتیبانی «اطلاعاتی و ابزاری» کل سیستم تولید است. اطلاعات در تعریف فوق دربرگیرنده مقوله‌هایی چون علم، تجربه، داده، مهارت، نرم افزار و مدیریت اشکال مختلف سازماندهی، نقشه و مدارک فنی است (GHOBADI & Pourrajabi, 2019).

۲-۲-۲- توسعه انسانی اجتماعی

منظور از توسعه چیست؟ این واژه جدید نیست؛ بسیار پیچیده و ضدونقیض و سرشار از مناظره‌ها و مباحثها است. توسعه در زمینه‌های اقتصادی، جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و قومی،

¹ Americanika

² McGraw Hill

نزد افراد مختلف معانی متفاوتی دارد. در نهایت، می‌توان مفهوم توسعه را بر اساس رشته‌های دانشگاهی تعریف و بررسی کرد. از آنجا که این واژه نزد افراد مختلف معانی متفاوتی دارد، تعریف و درک آن دشوار است.

توسعه، زمینه‌ای مطالعاتی است که با رویکردهای گوناگون به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم بررسی شده است. برای ایجاد ارتباط بین رویکردهای فعلی توسعه و استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات^۱، باید بدانیم که مباحث مرتبط با توسعه چگونه با چارچوب توسعه انسانی آمیخته شده است. رویکردهای فعلی توسعه پس از جنگ جهانی دوم به وجود آمدند و واژه «توسعه» به عنوان بخشی از منطق بازسازی پس از جنگ در اروپا و بخش‌های در حال توسعه در جهان استفاده شد. این رویکردها بلافاصله پس از تجربه پس از استعمار کشورها به وجود آمدند؛ هنگامی که اغلب کشورهای تازه استقلال یافته آسیایی و آفریقایی بر اساس معیارهای پیشرفت غربی، کنار گذاشته شدند (Gilad, Alon-Barkat, Faibish, & Goldberg, 2022).

مولانا و ویلسون^۲ ادعا می‌کنند که «توسعه» به عنوان چارچوبی مفهومی برای تحقق برخی تغییرات فردی، نهادی، ملی و بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم ضروری است. این واژه با رشد، مدرن‌سازی، تغییر، دموکراسی و ارزش‌های مشابه غربی مترادف و در ابتدا عموماً بر توسعه اقتصادی تمرکز داشته است. سه رویکرد غالب سیاسی برای مطالعه توسعه اقتصادی وجود دارد که تا حد زیادی به منشأ آنها وابسته است. در اقتصاد نئولیبرال غربی، رویکرد اقتصاد بازار آزاد بدون مداخله یا با مداخله جزئی دولت، حاکم است. در سیستم‌های سیاسی زیر سلطه سوسیالیسم چپ‌گرا، اقتصاد برنامه‌ریزی شده با مداخله گسترده دولت در برنامه‌ریزی و مدیریت فرآیندهای اقتصادی حکم فرما است. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز، مدلی از اقتصاد ترکیبی با بازار بخش خصوصی و مداخله دولت در تنظیم و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی کشور متداول است.

۲-۲-۳- فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات

فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات چه هستند و درک کنونی از قابلیت‌های آنها چه مقدار است؟ تعاریف مختلفی برای فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات وجود دارند که سردرگمی ایجاد می‌کنند. اغلب، از واژه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای توصیف استفاده از کامپیوتر و اینترنت استفاده می‌شود. گاهی، این واژه با فناوری‌های پیچیده و گران‌قیمت مبتنی بر کامپیوتر همراه است و گاهی دیگر، فناوری‌های متعارف مانند رادیو و تلویزیون و تلفن در این مباحث وارد می‌شوند (Wen, Chatalova, Butsic, Hu, &

¹ Information and Communication Technologies (ICTs)

² Mowlana and Wilson

(Zhang, 2020). تعاریف فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بسیار گسترده اند و به زمینه‌ها و شرایط استفاده‌ها از آنها بستگی دارند (Heise, Pallitto, García-Moreno, & Clark, 2019).

۲-۲-۴- توسعه اقتصادی

پس از جنگ جهانی دوم و همزمان با توسعه اقتصاد مفاهیم تغییر اجتماعی برنامه‌ریزی شده ظهور کردند؛ بیشتر مباحث اولیه بر رشد اقتصادی تمرکز داشت. توسعه اقتصادی فعلی، بر مفروضات ماهیت ذاتی انسانها مبتنی است که افراد آزاد در بازارهای آزاد با رقابت فعالیت دارند. هیچ مداخله دولتی (یا مداخله اندک) در کار اقتصادی وجود ندارد. شاخص‌های اقتصادی از قبیل تولید ناخالص ملی^۱، تولید ناخالص سرانه ملی^۲، تولید ناخالص داخلی^۳ تولید ناخالص سرانه داخلی و درآمد سرانه، شاخص‌های توسعه را تشکیل می‌دهند. بنابراین، با رشد تولید ناخالص ملی، تولید ناخالص داخلی و افزایش درآمد سرانه، به تدریج توسعه حاصل می‌شود و به سوی جمعیت بزرگتر و افراد فقیر جریان می‌یابد.

بیشتر سیاست‌ها و حمایت‌های گروه مؤسسات بانک جهانی، از جمله صندوق بین‌المللی پول، از زمان شکل‌گیری آنها پس از جنگ جهانی دوم، بر این نظریه اقتصادی مبتنی بوده است. پارادایم‌های جدیدی مانند توافق واشنگتن، انطباق‌های ساختاری و این نگرش که کاهش فقر اساساً می‌تواند با افزایش رشد بخش خصوصی کاهش یابد، ظهور کردند. بسیاری از کشورها، اصلاحات اقتصادی توافق واشنگتن را با نتایج متغیر پذیرفتند، اما درباره عواقب سیاسی و اجتماعی چنین اصلاحاتی، به ویژه در زمینه رشد جهانی سازی انتقادهای گسترده‌ای مطرح شد (Venanzoni, Carlucci, & Salvati, 2017).

۲-۳- ساخت‌یابی توسعه

شیک‌اگویی‌ها بر زندگی اجتماعی محیط اطراف، گنگ‌ها، یا گروه‌های غیر رسمی تأکید داشتند، جریان عمده در بریتانیا اولویت بخشی به بررسی خانوار و کند و کاو درباره موضوعهای مبتنی بر اقتصاد خانوار بود و به طور خاص، به درجه و گستردگی پیوندها و میثاق‌های اجتماعی وسیع‌تر توجهی نمی‌شد. بریتانیایی‌ها بر این باور بودند که هویت طبقه اجتماعی، حتی در غیر مجموعه‌های متنوع شهری، پیوندهای اجتماعی را فراهم می‌آورد. با وجود این بریتانیایی‌ها به ماهیت زندگی معاصر توجه داشتند و درگیر فعالیت‌های سیاسی بودند. آراء گدس که در برنامه‌ریزی شهری و جنبش‌های گاردن سیتی (باغ شهر) نقش تعیین‌کننده داشت، با نظریات ابنزر هاوارد هم مرتبط بود که مسائل شهری را در پرتو برنامه‌ریزی منطقی‌تر شهرها حل‌شدنی می‌دانست. با کارهای نظری کسانی

¹ Gross National Product (GNP)

² Gross Domestic Product (GDP)

³ International Monetary Fund (IMF)

مانند گدس، شهرسازی به مثابه یک علم، رشته‌ای از جامعه‌شناسی تلقی می‌شود که منشاء، توزیع، توسعه و ساخت شهرها را؛ در عملکرد داخلی و خارجی، مادی و معنوی آنها و تحول خاص یا عمومی شان، مورد مطالعه قرار می‌دهد. از دیدگاه عملی و به عنوان یک علم کاربردی، شهرسازی باید از طریق تجربه‌گرایی بسط داده شود، و به هنری همیشه کارا تبدیل شود که قادر باشد زندگی شهر را بهبود بخشد و در تحول آن سهم داشته باشد (Conway et al., 2019).

انطباق بررسی جامعه‌شناسانه با یک خدمت اجتماعی واقعی که شهرسازی به عنوان یک علم کاربردی عرضه می‌دارد، یک انگاره انتزاعی نیست، بلکه روشی مشخص و واقعا قابل اجراست. بدین ترتیب، به انگاره یک دایره المعارف شهرسازی می‌رسیم که در آن هر شهر، باید بوسیله داشتن اطلاعات ارزشمندی شامل سه پرده گذشته، حال و آینده سهیم شود... می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که توسعه شهرسازی، به یک خیزش آگاهی شهری و به تجدید حیات شهری منجر خواهد شد (Foa & Nemirovskaya, 2019). پاتریک گدس، از نخستین کسانی بود، که اهمیت توأمانی سیاستگذاری و شهرسازی را، مورد توجه و تأکید قرار داد. سیاستگذاری‌های شهری، عرصه تلفیق دغدغه‌های خدمت‌رسانی، با دانش شهرسازی و جامعه‌شناختی هستند. به زعم گدس، امکان احاله چنین تلفیقی، به کسانی که از عمق تحولات شهری، آگاهی ندارند، وجود ندارد؛

در اجتماعی که مسئولین آن کلاً به لزوم چنین بررسی مقدماتی‌ای وقوف نداشته باشند چه می‌گذرد؟ شورای شهر یا شوراهای مسئولین، تهیه طرح شهر را با سادگی به معمار شهر - اگر در شهر وجود داشته باشد - یا به صورت آنچه معمول است، به یک مهندس محلی راه و ساختمان واگذار می‌کند. کارمندان شهرداری بسیار اندکی یافت می‌شوند که "جنبش برنامه‌ریزی شهری" و ادبیات مربوط به آن را بشناسند و بسیار کمتر هستند کسانی که در مورد آنچه در دیگر شهرها انجام شده است (موفقیت یا شکست طرح‌ها) تجربه‌ای مستقیم داشته باشند. در بسیاری از موارد، آنان آموزشی چند وجهی - جغرافیایی، اقتصادی، هنری و... - را دارا نیستند؛ آموزشی که برای حل مسائل معماری با الزامات اجتماعی متعدد ضروری است. بنا به دلایل مالی، در اغلب اوقات، از استخدام یک معمار از خارج آمده سرباز زده می‌شود. امری که به هر حال اهمیت چندانی ندارد، زیرا به جز در موارد بسیار نادر (هر چند که یک معمار در مفهوم بناهای منفرد بسیار با تجربه و لایق باشد) نشان داده شده است که این معمار در زمینه آمایش شهری (برنامه‌ریزی شهری) به همان اندازه مسئولین شهرداری‌ها کم اطلاع است.

در نظر گدس، برنامه‌ریزی‌های شهری، باید سرشار از عناصر خلاقانه‌ای باشند، که از دریچه‌های گوناگون، اخذ شده‌اند. شهر، محل زندگی تمامی این دریچه‌هاست. شهر تاریخی دارد و ساکنانی که با آن تاریخ زندگی می‌کنند و همچون داستانی، ادامه آن را رقم می‌زنند؛

آنچنانکه برگسون می‌آموزد، انگاره‌ها چیزی جز قطعاتی از زندگی نیستند که به گونه‌ای قاطع برداشته شده‌اند؛ حرکت، جوهر زندگی است. حرکت حیاتی شهر، با دگرگون کردن آهنگی که خلاقیت مکان به

دست داده و در ذهنیت زمان دوباره به کار گرفته شده است، دائماً ادامه دارد. بنابراین پژوهش ما وسیله‌ای است برای آنکه دوباره در تاریخ حیاتی اجتماعان، غوطه ور شویم. این زندگی با بعد تاریخی خود، نه گذشته و نه تمام شده است؛ این زندگی با فعالیت‌ها و ویژگی‌های کنونی شهرمان، عجین شده است. همه این موارد و عناصر احتمالی جدید، آینده شهر را تعیین خواهند کرد. پژوهش نباید فقط در خدمت مهیا کردن یک گزارش اقتصادی و شالوده‌ای باشد، این پژوهش باید برای ما وسیله یادآوری شخصیت اجتماعی شهر باشد؛ شخصیتی که با نسل‌ها عوض می‌شود ولی خود را با و در این نسل‌ها بیان می‌کند (Falco et al., 2019).

ممفورد مورخ تمدن بشری و متخصص عصر ماشین و پیرو پاتریک گدس بود. او مانند گدس شهر را مکان حساس عصر ما می‌داند. او برای مسأله شهرسازی، همه ابعاد فرهنگی و تاریخی اش را منظور می‌دارد و از این که مسأله را تنها در چارچوب فنی ببندد، اجتناب می‌ورزد. با دور ماندن از یک نظریه پرداز ناب، لویی ممفورد به گونه‌ای مستمر اثرش را با ارتباطی مستقیم و شناختی عمیق از واقعیت شهر معاصر، تغذیه و تقویت می‌کند.

ممفورد، مورخ و جامعه‌شناس آمریکایی، دیدگاهی تاریخی و تمدنی داشت. او با تکیه بر روند تحول شهرها، از شهرهای قرون وسطایی تا شهرهای مدرن، به ویژه در کتابهایی چون شهر در تاریخ و توسعه شهر از مفهوم شهر در قالب یک مجموعه انسانی دفاع می‌کرد و بر عکس، ماشین‌ساز و پیامدهای آن را در عرصه شهرنشینی، بسیار زیانبار می‌دانست. ممفورد معتقد بود که باید، به سوی تأسیس شهرهای جدیدی رفت که در آنها هماهنگی بیشتری با طبیعت وجود داشته باشد و ابعاد انسانی و سازگاری زیست بومی بیشتری آنها را مشخص کند.

ممفورد، همچون دورکیم، از این نکته آگاه بود، که امکان تداوم بسیاری از برداشت‌های متعلق به دوران پیشین، در وضعیت اجتماعی جدید، وجود ندارد. با این وجود، ممفورد، به این واسطه، قائل به پذیرش بی چون و چرای هر آنچه که ممکن است در جامعه جدید رخ دهد، نبود. او فکر می‌کرد که بخشی از انعطاف‌پذیری وضعیت جدید، این امکان را در اختیار برنامه‌ریزان شهری قرار خواهد داد، که عناصر طبیعی ارزشمند شرایط پیشین را، درون طرح‌های شهری خود، جای دهند؛

بی تردید، برای بازگشت به خویشتن خویش، باید از بازگرداندن سیما و منظر به طبیعت، و از تجدید ساخت آن شروع کنیم. زمان آن رسیده است که راه‌حلی برای جایگزینی کلیشه مرسوم و شاعرانه از گذشته، و کلیشه‌های بسیار عقیم، (مثله‌کننده فضا)، ابداع کنیم؛ کلیشه‌هایی که همه منابع زیبایی‌شناسانه منظر طبیعی را از بین می‌برند، بدین بهانه که امکان تمرکز همزمان ده‌ها هزار نفر در یک نقطه را فراهم می‌آورند. مکانی که سیاحان آخر هفته، چیزی جز تراکم و تفریحات پیش پا افتاده را در آنجا نخواهند یافت؛ تفریحاتی که به علت قیمت‌های گزاف، از دسترس آنها خارج می‌شود. این یک افزایش کمی ساده در پارک‌های عمومی نیست، بلکه تغییری کیفی در تمامی شالوده زندگی ماست. شالوده‌ای که واقعاً ما را

مجاز می‌دارد تا عملکرد اجتماعی فضاهای آزاد را به کار بندیم. قبل از هر چیز، باید به یک فضای گذران اوقات فراغت گسترده در خارج از حوزه نفوذ شهرهای موجود اندیشید. این فضا، نباید در شکلی چون بعضی از پارک‌های پر منظره، یا حفاظت شده حیات وحش، مورد بررسی قرار گیرد، هر چند که این فضاها، اهمیتی خاص داشته باشند، این فضا نمی‌تواند چیزی کمتر از یک منطقه کامل - منطقه‌ای که بخش اعظم آن، به صورت طبیعی، و به شکل کشت‌های مفید عرضه می‌شود - باشد. چنین فضاهایی نیازهای گذران اوقات فراغت به سبکی جدید را برآورده خواهد ساخت و بخش بزرگی از مردمان از آن بهره خواهند برد. نقش عمومی بسیار با اهمیت، این است که در اطراف، یا در ورای هر مرکز شهری در حال گسترش، مناطق آزاد مشخص تعیین شوند که قادر باشند، به کشاورزی، باغداری، گلکاری، تخصیص یافته و با صنایع روستایی، مرتبط شوند. این مناطق باید به گونه‌ای مشخص شوند که از به هم پیوستن و جوش خوردن واحدهای شهری درونشان جلوگیری کنند. در هلند و درون کلان شهر استکهلم، چنین موفقیتی و در حدی غیر قابل چشم پوشی تحقق یافته است. جذابیتی را بنگرید که مزارع لاله، به هنگام گل نشستن بهاری به وجود می‌آورد. هر چند که پیش بینی کمربندهای سبز، بخشی از نیازهای جدید ما را بر آورده می‌کند، اما از هم اکنون باید به فکر یک شبکه سرسبز دائمی باشیم، شبکه‌ای تخصیص یافته به کاربری‌های روستایی، چه در قلمرو مدیریت عمومی قرار گیرد و چه در دست بخش خصوصی باشد. بدین ترتیب، برای گذراندن اوقات فراغت آخر هفته‌ای، این تمامی گستر و منظر منطقه است که نقش یک پارک طبیعی را بازی می‌کند. این سطح سبز، بسیار وسیع‌تر از آن است که تنها برای ایجاد پارک‌ها منظور شده باشد. نگهداری آن، فقط از طریق امکانات دولتی و شهرداری‌ها، به بودجه‌ای هنگفت نیاز دارد. اما یک قانونگذاری قاطع می‌تواند، امکان حفظ این سطح به عنوان کاربری روستایی را فراهم آورد. بدین‌قرار می‌توان این ارزش خلاق را حفظ کرد، مشروط بر آن که نظام جاده‌ها و بزرگراه‌ها، و خدمات حیاطی، با در نظر گرفتن توزیع جمعیت بازدید کننده ادواری، طراحی شده باشد (Falco et al., 2019). بسیاری از مفاهیمی که در بنیان نظری کار مأمورد، مورد استفاده قرار گرفته‌اند، مفاهیم خالص جامعه شناختی هستند. در نظر مأمورد، شهر مجموعه‌ای است از گروه‌های نخستین و اتحادهای هدفمند جمعی؛ مورد اول را می‌توان در اشکالی چون خانواده و محله مشاهده کرد که در تمام جماعت‌ها دیده می‌شود، در حالی که مورد دوم، ویژه و خاص شهر است. این گروه‌های مختلف، از خلال سازمان‌هایی که کمابیش، ساختی بنگاه مانند دارند، و یا لااقل، به شکل عمومی، تنظیم و شخصیت یافته‌اند، خود را تضمین می‌کنند و همه این گروه‌ها در ساختارهایی دائم و درون پهنه‌هایی نسبتاً محدود اسکان می‌یابند. ابزار فیزیکی اساسی، برای وجود شهر، عبارتند از: یک کالبد ثابت، مساکن پایدار، تأسیساتی دائم برای گردآوردن، تبادل و ذخیره سازی؛

ابزار اجتماعی اساسی، عبارتند از: تقسیم اجتماعی کار که نه فقط زندگی اقتصادی، بلکه فرآیندهای فرهنگی را نیز، تضمین می‌کند. بنابراین، شهر در معنای کامل آن عبارت است از یک شبکه جغرافیایی،

یک سازمان اقتصادی و یک فرآیند صنعتی. صحنه‌ای برای کنش اجتماعی، و نمادی زیباشناختی، از وحدت جمعی. شهر هنر را سیراب می‌کند و خود، هنر است. شهر، صحنه نمایش را خلق می‌کند و خود صحنه نمایش است. در شهر، یعنی در شهر به مثابه یک صحنه نمایش است که هدفمندترین فعالیت‌های انسانی تمرکز می‌یابند، و از خلال شخصیت‌ها، حوادث، گروه‌های متعارض و متعارف، به دست آوردهایی پر اهمیت می‌رسند.

استفاده‌ای که مرفورد از استعاره‌های متنی و نمایشی، برای توصیف شهر می‌کند، یادآور تحولاتی است که در دهه‌های بعد، در نظریه‌های جامعه‌شناختی رخ دادند. مرفورد به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه یک طراحی شهری، می‌تواند این وضعیت شبه نمایشی را، به وضعیتی مطلوب برای همه حاضران در صحنه نمایش تبدیل کند (Foa & Nemirovskaya, 2019)؛

عملکرد اساسی شهر، شامل دادن شکل جمعی به شهر است که مارتن بوبر، آن را به درستی رابطه میان من و تو نامیده است. عملکردی که امکان گردهم آبی‌های بسیار، ملاقات‌های متعدد، و رقابت‌های فراوان بین افراد و گروه‌های متفاوت را فراهم آورده و حتی زمینه ساز آنها خواهد بود؛ به گونه‌ای که نمایش زندگی اجتماعی بتواند در آنجا به روی صحنه آید. بازیگران و تماشاگران، به ترتیب نقش خود را عوض می‌کنند، عملکرد اجتماعی فضاهای آزاد در شهر، تجمع افراد را ممکن می‌سازد؛ وقتی که فضاهای عمومی و خصوصی، به گونه‌ای همزمان، و به یک شیوه برنامه‌ریزی و طرح، می‌شوند، این برخوردهای اجتماعی، بسیار مساعد رخ می‌دهند. با تأسف باید گفت که تراکم سنگین شهر سبب شده است تا به جنبه کاملاً کمی فضای آزاد، بیش از حد، بها داده شود. از نظر اجتماعی، بسیاری از فضاهای آزاد، می‌توانند بار بسیار بیشتری از خدمات رسانی را بر عهده داشته باشند. پیش از ابعاد خالص فضای آزاد، باید به کیفیت آن، جذابیت و دسترسی آن پرداخت.

۲-۳-۱- تغییر در مفاهیم توسعه

بعد از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده و کشورهای هم‌پیمانانش، به برنامه جامعی برای گسترش منافع علمی و پیشرفت صنعتی خود، نیازمند بودند. از این رو، دو سوم جهان، به عنوان کشورهای در حال توسعه تعریف و شناخته شدند و کمک‌های خارجی، به عنوان بخش کوچکی در بودجه ملی آنها پذیرفته شد و فعالیت سازمان‌های توسعه، رشد و گسترش پیدا کرد. به تدریج و در دوران جنگ سرد، کمک‌های خارجی، از جمله کمک غذایی و نظامی از سوی ابرقدرت‌های ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی، به عنوان ابزاری سیاسی برای نفوذ در کشورهای مستعمره و کشورهای غیرمتعهد به اصطلاح جهان سومی به کار گرفته شد. با فروپاشی الگوی دولت سوسیالیستی در شوروی و اروپای شرقی در ۱۹۸۹، الگوی امریکایی سرمایه داری نئولیبرال، حاکمیت پیدا کرد و هرچند برخی کشورها نظیر کوبا، چین و کره شمالی، با نظام

حکومتی متمرکز و مبتنی بر برنامه ریزی، همچنان تداوم یافته اند؛ اما دیگر کشورها، یا به اصلاحات بازار محور پرداختند و یا به سبب نبود حمایت مالی از سوی روسیه و قدرت سیاسی و اقتصادی پرتوان ایالات متحده، آسیب زیادی متحمل شدند، به طوری که نتوانستند ساختار توسعه کارآمد و موفق را پدید آورند. برخی، این جریان را به عنوان پایان یا شکست توسعه در کشورشان قلمداد کردند، برخی دیگر، آن را فرصتی برای بازنگری و بسط ایده توسعه شمردند. البته با اندکی اغماض می‌توان ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یا همان «عقب ماندگی» جوامع را در شرایط تاریخی آن‌ها جستجو کرد، به طوری که رفع و یا تخفیف آن بدون توجه به این ریشه‌ها و شناخت دقیق آن‌ها غیرممکن است. فرآیند توسعه، فرآیندی عینی و قابل سنجش از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است و برخلاف مفهوم رشد، ماهیت پیچیده و چندجانبه‌ای دارد و به همین دلیل تاکنون در کشورهای پیشرفته و درحال پیشرفت، بحث‌ها و تعاریف زیادی برای آن مطرح شده است. با تفکیک مفهومی و کاربردی بین توسعه و رشد، به تدریج برای هر یک تعاریف مجزایی ارائه شد که بعضی از آنها عبارتند از:

مایکل تودارو، توسعه را به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و یا انسانیت‌دانه است و از نظر نراقی، رشد دارای مفهوم کمی اقتصادی - تکنولوژیکی است و بر افزایش تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه اطلاق می‌شود و نمیتواند به خود یخود، به توسعه جامعه بیانجامد. شومپتر، رشد را تغییرات آرام، تدریجی و بلندمدت در شرایط اقتصادی، در نتیجه افزایش تدریجی نرخ پ اندازه‌ها و جمعیت میدانند. برخی دیگر مانند آرتور لویی، در آثار خود از واژه‌های رشد، پیشرفت، ترقی و توسعه، به طور مترادف استفاده کرده‌اند. دیگر تعاریف توسعه از دیدگاه محققان و فرهنگ‌های لغات، به اختصار عبارتند از: توسعه روندی متشکل از سیستمها، مکان، موضوع و انسان است که از وضعیتی به وضعیت دیگر تغییر می‌یابد؛ این روند، بر دوره‌ای دلالت دارد که ضمن تغییر، در جهت رشد یا بهبود تداوم پیدا میکند. عمل یا فرآیندی که حاکی از پیشرفت کردن است. حالت و چگونگی فرآیند پیشرفت است؛ گشایش تدریجی یا رشد و تکامل. به عبارت دیگر، توسعه، پیشرفت از راه طی مراحل پیوسته تا مرحله عالی تر، پیچیده‌تر یا حالت کاملاً رشد یافته است. تغییرات مداوم و خودجوش در کشورهای درحال توسعه که بعد از استقلال سیاسی، تعادل اقتصادی را از دست داده اند. توسعه فرآیندی درحال گذار، بالفعل و در عین حال یک وضعیت پتانسیل است. موفقیت فرآیند توسعه، مردم را در جوامع خود، برای ساختن تاریخ و جغرافیای خود، انتخابگر، توانا و قادر ساخته است. فرآیند توسعه از راه بهبود شرایط زیست انسانی مشخص و تعیین می‌شود.

هیرشمن معتقد است توسعه فرآیندی محافظه کار، کلی، هماهنگ با ماهیت درون زاست، هرچند ممکن است با کمک‌های خارجی تداوم پیدا کند. توسعه به محرک نیازمند است و شرایط تکنولوژیک و سازماندهی مناسب را طلب می‌کند: در همین زمینه، پل هنری معتقد است: توسعه بر حسب سرشت درون زاست، لذا

اگر توسعه، برون‌زا یا ناموزون باشد، به‌هی‌چ‌وجه توسعه قلمداد نمی‌شود و البته نمی‌توان تصور کرد که توسعه هر جامع‌های، کاملاً مستقل از خارج باشد.

توسعه به مثابه آزادی است. توسعه را می‌توان به عنوان فرآیند بسط آزادیهای واقعی مردم در نظر گرفت. آزادیها نه تنها از اهداف اولیه توسعه، بلکه از ابزارهای اصلی توسعه هستند. توسعه در حقیقت، پرداختن بسیار جدی به موارد ممکن آزادی است. به عبارت دیگر، توسعه دربرگیرنده دگرگونی ساختاری در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و سپس اقتصادی است.

بنابراین میتوان گفت که توسعه جریانی تک بعدی مانند رشد تولید نیست، بلکه جریانی چند بعدی است که در آن، مجموعه نظام فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هماهنگ و متناسب با نیازهای اساسی انسان ارتقا یافته و از این رو، ظرفیتهای جدیدی در جامعه ایجاد می‌شود، به طوری که کل جامعه را در وضعیت بهتر و مطلوب تری نسبت به گذشته آن قرار میدهد. بنابراین توسعه باید حداقل سه جنبه عمده اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را دربرگیرد.

۲-۳-۲- درک معنای توسعه

توسعه درباره تغییر و تغییر برای بهتر شدن است. توسعه درباره بهتر شدن زندگی مردم است. «زندگی بهتر برای مردم» معنای متفاوتی در کشورها و زمینه‌های مختلف دارد و این مفهوم تنها محدود به کشورهای در حال توسعه نیست. در دنیای سرشار از نابرابری‌ها، زندگی بهتر به معنای رفع نیازهای اولیه نظیر غذا، سرپناه، آموزش، بهداشت و محیط امن است تا مردم بتوانند با شأن و احترام زندگی کنند. زندگی بهتر یا توسعه، صرفاً به پول و ثروت مربوط نیست بلکه به اخلاق و ارزش‌هایی مربوط می‌شود که در تمامی جوامع ارزشمند شمرده می‌شوند (Vakulenko, Kuhtin, Afanasieva, & Galkin, 2019).

۲-۳-۳- توسعه یابی

محبوب الحق^۱ و آمارتیا سن^۲ به موازات تمام فعالیت‌ها در زمینه توسعه و اقدامات صورت گرفته در دهه‌های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، پارادایم جدیدی از توسعه ارائه دادند که فرآیند توسعه را از ورای رویکردی مردم محور و انسانی در نظر داشت. محبوب الحق در کتاب اول خود «بازتاب توسعه شهری»، ادعا کرد که افزایش درآمد ابزاری اساسی است، اما پایان توسعه و قطعاً همه زندگی انسان نیست. او چشم اندازی جدید از امنیت انسان در قرن بیست و یکم ارائه کرد که در آن امنیت واقعی معادل امنیت انسان در خانه، محل کار، اجتماع و محیط زیست است (Golob & Lisec, 2022).

¹ MahbuluHaq

² Amartyasen

آمارتیا سن، پارادایم جدیدی برای توسعه ارائه داد. او در کتاب «توسعه به معنای آزادی» اذعان می‌کند که آزادی فردی در ظرفیت مشارکت سیاسی، توسعه اقتصادی و پیشرفت اجتماعی نهفته است. هدف توسعه، ایجاد زمینه‌ای برای تجربه این آزادی است. انتخاب و در نتیجه توانمندی فرد برای تعیین کیفیت زندگی خودش است. کار «حق» و «سن» در گسترش مباحث توسعه تأثیر زیادی داشت که دربردارنده شاخص‌های جدید متمرکز بر توسعه اجتماعی و آزادی بود و اهمیت بیشتری برای رویکردهای انسانی در توسعه قائل می‌شد. آزادی انتخاب برای فقرا با فقر درآمدی، آموزش و پرورش، مراقبت‌های بهداشتی و برابری در جامعه محدود می‌شود. گاهی، اما نه همیشه، این محدودیت‌ها نتیجه وضعیت اجتماعی و اقتصادی، جنسیت، مذهب و قومیت است (Versey, 2021).

شکست مدل‌های اقتصادی در رسیدگی به معضلات مربوط به توسعه، به جست‌وجوی رویکردی جدید منجر شد که مردم را در مرکز فرآیند توسعه قرار می‌داد. «حق» و «سن» در سال ۱۹۹۰ رویکرد توسعه شهریرا در برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۱ معرفی کردند که پس از آن از سوی سایر سازمانهای بین‌المللی حمایت شد. این رویکرد هم منفعت و هم شایستگی دارد، زیرا بر رفاه بشر به عنوان هدف نهایی هر فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی متمرکز است. این موضوع با لغو این دیدگاه که تنها پیشرفت مادی هدف نهایی است، ممکن می‌شود. در عوض، رویکرد جدید بر رفاه افراد به عنوان هدف نهایی متمرکز دارد.

در حال حاضر، گزارش توسعه انسانی^۲ که توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد تهیه شده است، سند مهمی برای درک مباحث توسعه شهریه شمار می‌رود. گزارش‌های سالانه توسعه شهریرا مباحث توسعه، از طریق تحلیل‌های علمی و سیاسی فراهم می‌شوند و به دنبال آن، توصیه‌های عملی در نظر گرفته خواهند شد. این گزارش، ترکیبی از سخنرانی‌های موضوعی سالانه، تعریف، اندازه‌گیری و تحلیل شاخص‌های آموزش، بهداشت و درآمد کافی برای حصول اطمینان از استانداردهای مناسب زندگی به منظور تعیین شاخص توسعه شهریاست.

گزارش‌های توسعه شهری بر پنج شاخص توسعه مبتنی هستند: شاخص توسعه انسانی؛ شاخص فقر انسانی (برای کشورهای در حال توسعه)؛ شاخص فقر انسانی (برای کشورهای عضو منتخب سازمان توسعه و همکاری اقتصادی)؛ شاخص مربوط به توسعه جنسیت، میزان توانمندسازی جنسیت؟ هر یک از این شاخص‌ها با استفاده از ابعاد و شاخص‌های مختلف توسعه یافته‌اند.

شاخص توسعه انسانی، از اندازه‌گیری میانگین سه شاخص دیگر به دست می‌آید: امید به زندگی، آموزش و پرورش (سوادآموزی) و استاندارد زندگی. این شاخص روشی برای مقایسه سطح توسعه گروه خاصی از مردم (توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته و بر گزینه‌های موجود مبتنی است. این موضوع که هرچه مردم توسعه یافته‌تر باشند گزینه‌های بیشتری در دسترس دارند، منطقی به نظر می‌آید.

^۱ United Nations Development Programme (UNDP)

^۲ Human Development Report (HDR)

را برای مطالعه میزان تغییر و پیشرفت کشورهای مختلف، تنها مشاهده گزارش یک سال کافی نیست. به همین دلیل بررسی روندهای ترکیبی بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰، همان گونه که در گزارش توسعه شهرداری سال ۲۰۱۰ تحلیل شده است، مفید به نظر می‌رسد؛ نکات برجسته روندهای مهم در آن نشان داده شده است. جدول ۱-۱ روندهای ترکیبی در شاخص توسعه شهیرا از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰ نشان می‌دهد

با نگاهی گذرا به درصد تغییرات بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰ در منطقه آسیا و اقیانوسیه در می‌یابیم که در تمام ابعاد توسعه انسانی، اعم از امید به زندگی، سواد آموزی و سطوح درآمدی بهبودهایی وجود داشته اند. با این حال، شکاف بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه هم چنان بالا است. گزارش توسعه شهری ۲۰۱۰ با جمع‌بندی این شاخصها نشان می‌دهد:

طی بیست سال گذشته، در بسیاری از جنبه‌های توسعه شهیرپیشرفت قابل توجهی مشاهده شده است. امروزه بیشتر مردم سالم تر هستند، عمر طولانی تر، تحصیلات بالاتر و دسترسی بیشتری به کالاها و خدمات دارند. حتی در کشورهایی با شرایط اقتصادی زیان آور، سلامت و آموزش مردم پیشرفت بسیاری داشته است. نه تنها در بهبود سلامت و آموزش و افزایش درآمد، بلکه در افزایش قدرت مردم در انتخاب مدیران ارشد دولتی و تأثیر بر تصمیمات عمومی و به اشتراک گذاری دانش.

گزارش توسعه شهری ۲۰۱۰ با افزودن واژه هشدار بیان می‌کند: هنوز تمام جوانب این ماجرا مثبت نیست. در این سالها افزایش نابرابری در کشورها و نیز الگوهای تولید و مصرف که غیر قابل ادامه به نظر می‌رسند، مشاهده شده است. شکل و روند پیشرفت تغییر کرده است و مردم برفی مناطق از جمله آفریقای جنوبی و اتحاد جماهیر شوروی سابق - دوره‌های پسرفت (به ویژه در سلامت) را تجربه کرده اند. آسیب پذیری‌های جدید مستلزم نوآوری در سیاست‌های عمومی هستند تا با ریسک و نابرابری‌ها مقابله شود، در حالی که از نیروهای بازار پویا به نفع همه بهره برداری می‌شود. از دهه ۱۹۹۰، سایر سازمانهای بین المللی و چندجانبه، گزارش‌های سالانه‌ای را در زمینه‌های مختلف توسعه مبتنی بر مناطق کاری و عملیاتی خود ارائه داده اند.

رویکرد توسعه انسانی، شیوه کنونی نگرش جهانی به توسعه را تغییر داده است. این دیدگاه در مباحث بین المللی و نیز تأکید بر تعهد جامعه جهانی نسبت به پیگیری فعال توسعه منعکس می‌شود. در سناریوی فعلی جهانی، یافتن ساختاری ملی که حقوق مساوی شهروندان را بدون در نظر گرفتن قومیت، جنسیت، رنگ، اعتقادات مذهبی، گرایش‌های سیاسی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی تضمین کند، دشوار است. در واقع، اگر تمام دولت‌ها در برآوردن این اهداف ارزشمند موفق بودند، دیگر به بحث درباره توسعه جهانی نیازی نبود (Gravagnuolo, Fusco Girard, Kourtit, & Nijkamp, 2021).

۲-۳-۴- الگوی توسعه‌یابی

شاید موثرترین تئوری در این مورد، نظریه روستو، مورخ اقتصادی باشد که برای توجیه جریان توسعه اقتصادی- اجتماعی جوامع، از دیدگاه تاریخی استفاده کرد. در کتاب مراحل رشد اقتصادی وی علاوه بر آنکه از رهیافت غیرکمونستی بهره گرفت، با الهام از اندیشه روشنگری غربی، دوره گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن را توصیف کرد. او برای توسعه، پنج مرحله در نظر گرفت و معتقد بود که هر یک از کشورهای جهان، در یکی از این مراحل قرار دارند و یا برای دستیابی به توسعه، باید این مراحل را طی کنند. این مراحل پنجگانه عبارتند از: جامعه سنتی، شرایط قبل از صعود یا جهش، صعود، حرکت به سوی بلوغ اقتصادی و دوران مصرف انبوه.

روستو در دهه ۱۹۶۰ ادعا میکرد، کشورهایی که در مرحله بالایی از مصرف گرایی هستند و اطلاعات تکنیکی و علمی خود را ارتقا داده اند، میتوانند اقتصاد ملی خود را تا بالاترین سطح از رشد اقتصادی هدایت کنند. این مراحل به اختصار عبارتند از:

۲-۳-۴-۱- مرحله نخست: جامعه سنتی

در این نوع جامعه، میزان و قابلیت تولید، محدود و ضعیف و اقتصاد آن به شدت به کشاورزی وابسته است و بر رسوم و شیوه‌های قدیمی اتکا زیادی دارد. ابزارهای لازم در استفاده از روشهای جدید علمی، بسیار ضعیف هستند و ساختار اجتماعی و سیاسی جامعه، عمدتاً به شکل هیرارشی یا سلسله مراتبی، فئودالیستی و یا زمینداری است. به طور کلی، غلبه اعتقاد و توجه به عامل جبر و تقدیر، امکان هرگونه تغییر و تحول در ساختارهای این جوامع را محدود و تضعیف میکند.

۲-۳-۴-۲- مرحله دوم: شرایط قبل از صعود یا جهش

در این مرحله که به مرحله گذار از جامعه سنتی به شرایط لازم برای شروع توسعه و رشد معروف است، باوجود پایین بودن قابلیت تولید، دانش و بینش جدید علمی در بخشهای کشاورزی و صنعت تاثیر می‌گذارد. این روند، علاوه بر تغییر در شیوه‌های جدید تولیدی، در نگرشها و ارزشهای این جوامع نیز موثر واقع شده و در نتیجه یک رنسان فکری و علمی هم‌زمان برای توسعه مداوم اقتصادی و اجتماعی آغاز می‌شود (Falco et al., 2019). هما‌نگونه که در اروپای قرن هیجده، اندیشه‌های فلسفی به این روند کمک زیادی کردند، مانند بیکن (علم، قدرت است) و دکارت (من می‌اندیشم، پس هستم) که برتری علم و آگاهی را بر عقاید خرافی پایه‌ریزی کردند. به عقیده روستو، در این مرحله، نیروهای فکری موثر توانستند «عدم قبول هر پدیده بدون چون و چرا» را جایگزین سرنوشت و قدرت کنند. به اعتقاد روستو، شرایط قبل از مرحله توسعه مداوم اقتصادی یا جهش، تنها زمانی فراهم می‌شود که نیروهای خارجی بر روابط اجتماعی تاثیرگذار باشند (Vermeiren et al., 2022; M. Wang & Debbage, 2021).

برای مثال، این مرحله در اروپا (به جز بریتانیا)، به تسلط ناپلئون بناپارت پایان داد و تغییراتی در زیربنای سنتی این جوامع پدید آمد و راه برای اتحاد آلمان و ایتالیا هموار گردید. این ایده که پیشرفت اقتصادی، زمانی امکان پذیر خواهد بود که شرایط دیگری مانند تعلق ملی، سود فردی، رفاه عمومی، زندگی بهتر برای فرزندان و غیره فراهم آمده باشد، اروپا را فراگرفت؛ آموزش گسترده و گروهی فراهم آمد؛ تغییرات زیادی در قدرت ابتکار و ابداع اروپاییان پدیدار شد (Venkadavarahan & Marisamynathan, 2021)؛ نقش دولت به عنوان عامل ایجاد امنیت اجتماعی توسعه یافت؛ سیستم بانکداری گسترش و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های ارتباطات، حمل و نقل، تجارت خارجی و استخراج مواد اولیه در داخل و خارج کشورها افزایش یافت. از آن طرف، در کشورها و سرزمینهای تحت استعمار اروپاییان، قدرت‌های استعماری برای کسب سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی مورد نیاز، همچنان این جوامع را در شرایط سنتی نگه می‌داشتند. در این زمان بود که به تدریج گسترش آموزش‌های جدید، تغییراتی در افکار، دانش و نگرش‌های مردم ایجاد کرد و رفته رفته احساسات ملی‌گرایانه مردم تحت انقیاد دول استعماری، شدت گرفت. در نهایت، با تقلید از کشورهای خارجی، مردم تقاضای خود را برای کالاهای صنعتی جدید افزایش دادند (El-Dorghamy & Mosa, 2016).

۲-۳-۴-۳- مرحله سوم: صعود یا جهش

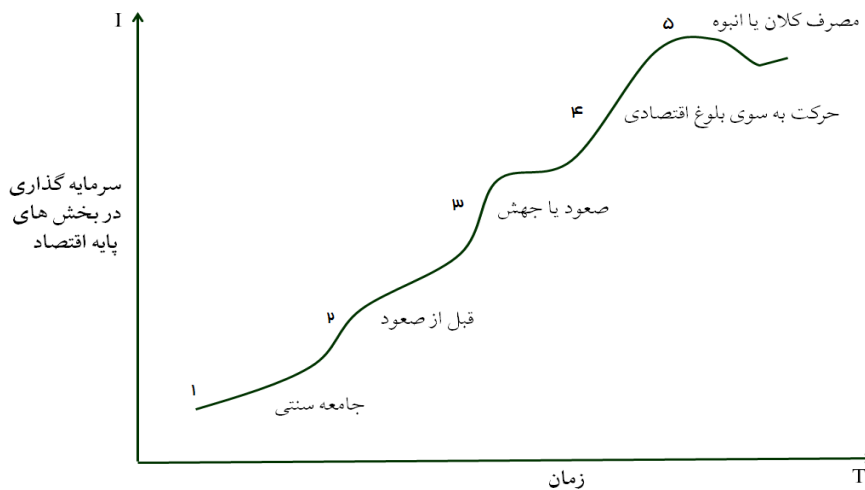
این مرحله، در واقع ابتدای یک حرکت مهم اقتصادی و اجتماعی در جامعه است، تا حدی که جوامع پیشرفته از این مرحله به نام «منبع مهم تغذیه‌کننده» توسعه یاد می‌کنند. مرحله جهش، اولین قدم در افزایش سرمایه و پس‌انداز است که باعث سهولت تکاثر سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی می‌شود. در این مرحله، با تداوم رشد اقتصادی، عوامل و نیروهای مدرنیته جایگزین نیروهای سنتی میشوند و شرایط جامعه سنتی درهم فرو می‌ریزد. روستو معتقد است، صعود یا جهش با انقلاب صنعتی توأم با تغییرات ریشه‌ای در روشهای تولید سنتی، همراه است که نتایج آن در کوتاه مدت ظاهر می‌شود. بخش کشاورزی، از مرحله امرار معاش، به مرحله تجاری، یعنی تولید انبوه با حداکثر سود، منتقل می‌شود و مرحله جدیدی از گسترش و رشد طبقه سرمایه‌گذار، کارآفرین، همکار و شریک اقتصادی پدید می‌آید. در این راستا، وجود خط و مشی‌ها و قواعد لازم‌سیاسی، اجتماعی و سازمانی برای ایجاد شرایط لازم گسترش بخش مدرن اقتصادی ضرورت پیدا میکند.

۲-۳-۴-۴- مرحله چهارم: حرکت به سوی بلوغ اقتصادی

روستو، این مرحله را چنین تعریف میکند: دورانی که جامعه بعد از طی مرحله جهش، آغاز میکند و علوم و فنون جدید را به طور موثرتری در سایر بخشهای اقتصادی به کار می‌گیرد. این دوره میتواند زمان زیادی طول بکشد و گاه به چهار دهه خواهد رسید. زمانی که یک کشور به این مرحله وارد می‌شود، سه تغییر مهم صورت خواهد پذیرفت: (Foa & Nemirovskaya, 2019)

ویژگی نیروی کار تغییر می‌کند و مهارت‌های لازم را کسب خواهد کرد؛ مردم بیشتر تمایل دارند در شهرها سکونت گزینند تا روستاها؛ دستمزد کارگران افزایش می‌یابد و آن‌ها سعی میکنند تا با تشکیل سازمان‌های کارگری، امنیت اجتماعی و شغلی خود را افزایش دهند.

خصایص مالکیت تولید تغییر می‌یابد و کارفرمایان کاردان و فعال به مدیران لایق و نخبه مبدل میشوند. جامعه از فعالیتهای صرف صنعتی کسل می‌شود و خواهان تغییرات بیشتری در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی است و این امر راه را برای ورود به مرحله بعد باز می‌کند.



نمودار ۱-۱۲- مراحل الگوی توسعه یابی

۲-۳-۴-۵- مرحله پنجم: عصر مصرف کلان یا انبوه

آخرین مرحله از مراحل توسعه، با چند خصیصه متمایز می‌شود: تداوم مهاجرت به مناطق شهری بزرگ و حومه نشینی ساکنین شهرهای بزرگ؛ استفاده بیشتر از اتومبیل، کالاهای مصرفی بادوام و وسایل رفاهی؛ تغییر توجه مردم از عرضه به سوی تقاضا و یا از مشکلات تولید به مشکلات مصرف؛ تلاش بیشتر برای تامین رفاه اجتماعی و اقتصادی. در این مرحله، بخشهای اقتصادی سعی در جذب مصرفکنندگان ثابت کالا و خدمات دارند؛ درآمد خالص خانوار به حدی افزایش می‌یابد که به مصرف کنندگان امکان خرید بالاتر از حد نیازهای اولیه در زمینه خوراک و مسکن را میدهد. در این دوره زمانی، هدف اساسی و آرمان جامعه چیزی جز افزایش میزان تولیدات اقتصادی نیست و در این زمان است که کیفیت کالاها و خدمات برای مصرف کنندگان اهمیت خاصی می‌یابد. تحلیل اصلی روستو در مراحل رشد اقتصادی، تئوری پویای او از تولید است که بر ترکیب سرمایه گذاری و رشد بخشهای ویژه اقتصاد تاکید میکند. براساس این تئوری تولید، روستو بخش‌های پیشتاز خاصی را شناسایی میکند که رشد آنها در پیشبرد اقتصاد موثر است.

در دهه ۱۹۶۰، دوره‌های که ترقیات و پیشرفتهای سریع اقتصادی بعد از جنگ جهانی دوم، امید به توسعه و رفاه بیشتر را برای همه کشورها پدید آورد، مدل روستو بسیار پر طرفدار بود. در واقع این طرح، مکتب توسعه گرایی را مطرح کرد که ملتهای جهان میتوانند با پیمودن یک مسیر کند، ولی غیرقابل اجتناب، به رفاه و توسعه یافتگی غربی دست یابند. ولی این طرح مورد انتقادات جدی‌تر دیگری نیز قرار گرفت، از جمله اینکه، روستو با مرکزیت دادن اروپا در مدل خود، چنین وانمود میکند که همه کشورها باید راه مشترک یا مشابهی با اروپا و آمریکا را دنبال کنند. به هر حال، با بروز بحران‌های اقتصادی اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰، این مدل با استقبال کمتری مواجه شد و به ویژه با طرح تئوریهای مرکز-پیرامون، مورد تردید قرار گرفت. در اینجا به برخی از این تئوری‌ها می‌پردازیم.

۲-۳-۵- رویکردهای توسعه در مناطق شهری

رویکرد توسعه شهری تلاشی است یکپارچه برای به زندگی برگرداندن مناطق رو به نابودی (Omland, Ludvigsen, & Rødnes, 2022). عملکرد رویکرد توسعه حاشیه‌ی شهری، توقف پیشرفت در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، محیطی و خارج کردن بافت از چرخه‌ی تنزل است این رویکرد بر اساس دو اصل اهمیت برابر مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی و توانمندسازی گروههای ذینفع، برای شرکت در فرایند تصمیم‌گیری، از طریق توسعه چشم انداز همگانی قرار دارد که دانش و تجربه‌های متخصصان مختلف شهری و نیازها و خواسته‌های اجتماعات محل‌های را در هم می‌آمیزد (Cobbinah et al., 2022).

- **توسعه کالبدی:** توسعه حاشیه‌ی کالبدی در راستای ارزیابی عناصر کالبدی به جست و جوی محدودیت‌ها و توانهای بالقوه‌ی کالبدی می‌پردازد و کالبد شهر را با دگرگونی‌های سریع اقتصادی و اجتماعی هماهنگ می‌کند (Basu et al., 2021).

- **توسعه اقتصادی:** به طور کل توسعه حاشیه‌ی پایدار اقتصادی، سیاستها و اهدافی را همچون، جذب سرمایه‌های داخلی، تشویق به خوداشتغالی، ایجاد شغل‌های موقت و پاره وقت، بهبود آموزش و افزایش مهارت‌های حرفه‌ای، کاهش هزینه‌های زندگی را در بر می‌گیرد (Falco et al., 2019).

- **توسعه اجتماعی و فرهنگی:** به حداقل رساندن جرائم و خشونت، فراهم کردن خدمات بهداشتی و درمانی مناسب، کاهش کج روی‌های فرهنگی، تقویت اجتماعات خرد، تأکید بر توانمندسازی اجتماعات، توجه به نیازهای گروههای مختلف از اهداف این بعد توسعه حاشیه‌ی است (Foa & Nemirovskaya, 2019).

پروژه توسعه شهری می‌تواند نتایج و پیامدهای بالقوه‌ای را حداقل در ده بعد پایداری اجتماعی و زمینه‌های سیاسی به شرح ذیل ایجاد نماید:

– تغییرات جمعیت‌شناختی (سن، مهاجرت و تحرک)؛

- آموزش و مهارت؛
- کار؛
- بهداشت و ایمنی
- مسکن و بهداشت محیط؛
- هویت، حس مکان و فرهنگ؛
- مشارکت، توانمندسازی و دسترسی؛
- سرمایه اجتماعی؛
- اختلاط اجتماعی و انسجام و...؛
- رفاه، شادی و کیفیت زندگی

۲-۳-۶- توسعه فرهنگی و اجتماعی

لازمه توسعه شهری، همکاری گروه‌های محله‌ای و رسیدن به توافق عمومی است. باید اتحاد و ائتلافی یکپارچه تشکیل شود و ظرفیت گروه‌های ذینفع برای مشارکت و رهبری فرایند توسعه شهری رشد یابد. سرمایه‌های اجتماعی محله در افزایش امکانات محله مشارکت داشته باشند. تا توسعه حاشیه‌ی پایدار شهری رخ دهد (Cobbinah et al., 2022). پس بدون در نظر گرفتن فرهنگ و اجتماع، دستیابی به توسعه حاشیه‌ی یکپارچه، امری غیرممکن تلقی می‌شود؛ و عامل فرهنگ و اجتماع به عنوان راهبردهای توسعه‌ای بسیار مهم در مقیاس‌های محلی و جهانی در رویکرد توسعه حاشیه‌ی یکپارچه مطرح است (Osterhoudt, Galvin, Graef, Saxena, & Dove, 2020). استفاده از ارزش‌های تاریخی و فرهنگی به عنوان منابعی برای توسعه و توجه به گذران اوقات فراغت مردم و همچنین توجه به منافع مالی و اقتصادی در پروژه‌های شهری و مشخص کردن مسیر این سرمایه گذاری در راستای ایجاد مراکز فرهنگی و هنری از مهم‌ترین وجوه توسعه حاشیه‌ی فرهنگی است. هدف از توسعه حاشیه‌ی فرهنگی - اجتماعی تحقق «یکپارچگی اجتماعی» می‌باشد (Basu et al., 2021). از این رو، می‌توان راهبردهای اصلی توسعه حاشیه‌ی فرهنگی اجتماعی را به عوامل زیر تقسیم‌بندی نمود: (۱) رویدادها و وقایع فرهنگی به عنوان محرک توسعه (۲) فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی به عنوان محرک توسعه (۳) توجه به گردشگری فرهنگی به عنوان نیرومحرکه توسعه (۴) توجه گذران اوقات فراغت (۵) استفاده از خاطرات شهری جهت ایجاد هویت مکان (۶) ارتقاء امنیت و سلامتی (۷) ارتقاء مشارکت و عدالت اجتماعی (۸) تنوع بخشی به ساختار جمعیتی (۹) ارتقاء سطح آموزش و پرورش. بنابراین در ادامه به شناسایی برخی از شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی و کالبدی- فضایی توسعه حاشیه‌ی پایدار شهری پرداخته می‌شود (Otamendi-Irizar, Grijalba, Arias, Pennese, & Hernández, 2022).

شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی توسعه حاشیه‌ی پایدار شهری ردیف شاخص زیر:

۱ شاخص امنیت، ایمنی و حریم، احساس امنیت در محله، ۲ فعالیت پذیری دسترسی پذیری، تنوع فعالیتی، اختلاط کاربری، وجود تسهیلات و زیرساخت‌ها و وجود بازار و بازارچه‌های محلی، ۳ هویت مندی حفظ هویت، حس تعلق به مکان، تصویر روشن ذهنی و حفظ ویژگی‌های بومی محلی و محله محوری ۴ مردم مداری حق انتخاب برای مردم در فضاهای شهری، وجود شرایط عادلانه برای گروه‌های مختلف اجتماعی و مقیاس انسانی، احساس آسایش در فضاهای محله ای، همبستگی درونی ساکنین محلات، مشارکت و اعتماد اجتماعی ۵ انسجام فضایی- کالبدی شاخصهای پیوستگی کالبدی، سلسله مراتب فضایی و تراکم طبقاتی و پیاده‌مداری (Patier & Routhier, 2020; J. Zhu & Guo, 2022).

در غالب مکاتب فلسفه سیاسی و اجتماعی غرب، گروهی موازی از دانشمندان بیشتر بر مدرن سازی افراد و گروه‌ها برای شناخت نیروهای عامل تغییر و توسعه در سطح فردی و اجتماع بزرگتر تمرکز داشتند. دانشمندان سیاسی، جامعه شناسان و روان شناسان بسیاری از مؤسسات برگزیده غربی، سعی کردند تناقضات بین افراد و جوامع سنتی و مدرن را از نظر سنت‌های اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی نشان دهند ۱۰. از نظر آنها، مدرن سازی و توسعه به معنای حرکت از جوامع سنتی، اجتماع محور و فئودال به جوامعی بود که بر نوآوری، آموزش و پرورش، مشارکت سیاسی و دسترسی به اطلاعات برای تغییر شیوه تفکر مردم، تأکید داشته باشند.

رویکردهایی که در این جا توصیف شدند، نه ناسازگارند و نه جامع؛ هیچ یک از آنها پدیده توسعه را به تفصیل بیان نمی کند؛ هر یک ارزش متفاوتی به این مباحث می افزاید. این رویکردها با رویکردهایی درباره نیازهای اساسی، توسعه پایدار و نقش زنان در توسعه که همگی در اوایل دهه ۱۹۷۰ معرفی شدند، هم پوشانی دارند.

انتقاد از این رویکردهای اولیه به سرعت آغاز شد؛ آمارهای جمع آوری شده در سطح کلان در بسیاری از کشورها، واقعیت‌های زمینهای را پنهان می کردند. رشد اقتصادی بهبودیافته لزوماً به کاهش فقر منجر نمیشد، بلکه گاهی نابرابری‌های بزرگ تری در توزیع درآمد را در پی داشت. شواهد تجربی هم چنان شکست نظریه‌های رشد در کاهش فقر و کاهش گرسنگی را نشان میدادند. نرخ بالای رشد اغلب با مقیاس بزرگ فقر و محرومیت، نابرابری، اختلالات اجتماعی و تخریب زیست محیطی توأم بود. نارضایتی کشورها از نظریه‌های موجود توسعه، ناشی از این بود که این نظریه‌ها بهبود کیفیت زندگی مردم را موجب نمی شد. گروه‌های حقوق بشر و جنبش‌های مردمی، به طور مداوم توجه همگان را به شکست مدل‌های اقتصادی در بررسی معضلات اصلی مورد توجه مردم جهان و به ویژه کشورهای فقیر در حال توسعه جلب می کردند.

۲-۳-۷- توسعه کالبدی - فضایی

از دیدگاه توسعه حاشیه‌ی کالبدی یک مکان یا محله فرسوده توسعه حاشیه‌ی شده موفق، به خوبی حفاظت و نگهداری می‌شود و به طور مستمر مرمت و تعمیر، بهسازی و نوسازی می‌شود. بناهای موجود در آن و سایر بخش‌های آن به طور منظم نوسازی می‌شوند. خیابان‌ها بهسازی می‌شوند (Nkonki-Mandleni, Omotayo, Ighodaro, & Agbola, 2021)، با این کار سیمای محله به طور کلی ارتقاء می‌یابد. این تصویر مثبت، محله را برای سرمایه‌گذاران، ساکنان و بازدیدکنندگان جذاب می‌سازد (Cobbinah et al., 2022). توسعه حاشیه‌ی کالبدی- فضایی می‌تواند از طریق انواع مختلف نوسازی تحقق یابد، نوسازی می‌تواند از طریق باز زنده سازی، انطباق پذیری و استفاده دوباره از مکان، تخریب و توسعه مجدد صورت پذیرد. از این رو، مهم‌ترین راهبردهای «توسعه حاشیه‌ی کالبدی- فضایی» در بافتهای فرسوده و تاریخی معرفی می‌گردند که عبارت است از: (۱) ساماندهی و استفاده بهینه از پتانسیل‌های کالبدی و فیزیکی بافتهای فرسوده و تاریخی (۲) ارتقاء زیست محیطی (۳) استفاده از تکنولوژی و فناوری معاصر (۴) «بازسازی کارکردی» یا «تنوع بخشی کارکردی» فدایی نژاد، ۱۳۹۱ (۵) توجه به کیفیت و خلاقیت در طراحی (۶) تجهیز زیرساخت‌ها و توسعه خدمات (۷) بالا بردن سطح کیفی و کمی تأسیسات (Manivasakan et al., 2021).

۲-۳-۸- توسعه زیست محیطی

شاخص‌های زیست محیطی به جهت آنکه برای تدوین استراتژی‌های مختلف به کار می‌آیند، در سطح ملی قابل تقسیم‌بندی و ارائه می‌باشند. به عنوان مثال در سطح ملی، شاخصهای محیطی مانند مناطق تحت حفاظت، میزان مصرف منابع کلیدی مثل آب و انرژی، ظرفیت زیرساخت‌ها، برنامه‌های زیست محیطی و فرآیندهای پایش اثرات زیست محیطی را می‌توان نام برد (An et al., 2022). عمده‌ترین شاخصهای زیست محیطی مورد استفاده در توسعه حاشیه‌ی پایدار شهری: منابع طبیعی، تغییرات در حیات وحش و گیاهان، میزان حیات وحش بومی و توزیع آن، وضعیت خاک، کیفیت آب، وضعیت آب و هوای نگهداری از ارزشهای طبیعی، پایش مسائل زیست محیطی، جاذبه‌های زمین شناسی، شرایط مسیرهای دسترسی و پیاده روی و وجود و قدرت قوانین و مقررات موردنیاز در حفظ محیط زیست می‌باشد. (Alexander et al., 2021; Arnberger et al., 2022; Cheliz et al., 2021)

از دیگر شاخصهای مرتبط با بعد زیست محیطی، حفاظت از گونه‌های ارزشمند، وجود مدیریت آب، مدیریت فاضلاب، مدیریت پسماند (زباله‌ی جامد)، اثرات بصری خدمات و زیرساخت‌ها، حفاظت از منظر طبیعی، تغییرات اقلیمی منطبق با بوم، حفظ و افزایش فضای سبز، ارتقاء شبکه‌های زیرساخت و فاضلاب، توزیع متعادل منابع و هزینه و ارتقاء منابع اقتصادی به منظور افزایش کیفیت محیطی و حمایت از نسل‌های آینده می‌توان برشمرد (Padma et al., 2020). همچنین می‌بایست به تعارضات بین انسان

و حیات وحش، بیماری‌های حاصل از حیات وحش، جذابیت پارک‌ها، میراث طبیعی، بهره‌برداری از گیاهان برای انرژی، استفاده هر چه بیشتر از سرزمینهای پارک برای ایجاد سکونتگاه‌های انسانی را از دیگر مجموعه شاخص‌های مورد توجه محیطی توسعه حاشیه‌ی پایدار شهری دانست (Berezki & Kárpáti, 2021)

۲-۳-۹- توسعه اقتصادی

هدف اصلی از توسعه حاشیه‌ی محیطهای تاریخی و فرسوده، ایجاد امکان بهره‌برداری اقتصادی از مکان، به گونه‌ای می‌باشد که ارزش کافی به منظور پوشش هزینه‌های توسعه حاشیه‌ی و نوسازی را ایجاد کند؛ بازگشت سرمایه را برای مالکان یا توسعه‌گران فراهم آورد و در آمد لازم به منظور هزینه‌های بلندمدت نگهداری و حفاظت از بناهای تاریخی را تأمین نماید (Falco et al., 2019). منافع حاصل از حفاظت و نگهداری بناهای تاریخی تنها مربوط به ساختمان‌های فردی نمی‌باشد، بلکه منافع حاصل از آن بافت پیرامونی و جامعه مرتبط با آن را نیز بهره‌مند می‌سازد (Ecker & Strüver, 2022). از این رو، استفاده دوباره و انطباق‌پذیری ثروتهای فرهنگی تاریخی با نیازهای معاصر، در مرکز توجه رویکرد توسعه حاشیه‌ی یکپارچه قرار گرفته است و می‌تواند نقش برجسته‌ای در تقویت اقتصاد بافتهای فرسوده و تاریخی و کل شهر، جذب سرمایه، تقویت تمایزات و مشخصه‌های محلی و بومی و ارتقاء ارزشها و برجستگی محیط ناکارآمد و تاریخی داشته باشد (Hatuka & Zur, 2020). می‌توان مهمترین راهبردهای توسعه حاشیه‌ی اقتصادی را به صورت زیر بیان کرد:

(۱) استفاده بهینه از زمین‌های شهری (۲) استفاده مجدد از ابنیه و بافتهای ناکارآمد شهری و آثار تاریخی (۳) اشتغال‌زایی (۴) استفاده از منابع خرد محلی (۵) ترغیب بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری و پرهیز از دخالت مستقیم دولت در امر توسعه (۶) اختلاط و تنوع بخشی کارکردی (Hansson & Sok, 2021; Washbourne, 2022). از این رو می‌توان عمده‌ترین شاخص‌های اقتصادی در توسعه حاشیه‌ی پایدار شهری را میزان هزینه‌ها و درآمدهای میزان سرمایه‌گذاری بخش دولتی و خصوصی، افزایش اشتغال، کاهش فقر و اختلافات طبقاتی، بهبود عرضه و تقاضا، جذب سرمایه‌گذار، جذب سرمایه‌های داخلی - خارجی و افزایش مهارت‌های حرفه‌ای نیروی کار و درآمد سرانه و غیره به شمار آورد (S. Xu & Ehlers, 2022).

۲-۳-۱۰- مشارکت در توسعه

مشارکت عمومی از مهمترین اصول و مقدمات موفقیت در توسعه حاشیه‌ی شهری است (Narayanan et al., 2021). برقراری مشارکت عمومی در توسعه حاشیه‌ی شهری نیازمند حمایت قانونی است و باید برای آن چارچوبی حقوقی در نظر گرفته شود که ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و کالبدی را

در بر بگيرد (Matamanda & Chinozvina, 2020; Pasquinelli et al., 2022). مشارکت، برنامه‌ریزی راهبردی و پایداری سه ضلع مثلث رهیافت توسعه حاشیه‌ی شهری را تشکیل داده و پایه‌ای برای اقدام در توسعه حاشیه‌ی شهری فراهم می‌کنند (Falco et al., 2019). به عبارت دیگر، مشارکت (شامل مشارکت مردمی، مشارکت بین‌سازمانی، مشارکت بین‌سازمانها و مردم و سایر ذینفعان)، برنامه‌ریزی راهبردی (شامل مقابله با فرسودگی و افت شهری، مشکل گشایی و درگیر ساختن تمام ذینفعان و توجه به اهداف پایداری (شامل پایداری اقتصادی، اجتماعی و محیطی و پایداری عمل برنامه‌ریزی عناصر اصلی رهیافت توسعه حاشیه‌ی شهری را تشکیل می‌دهند) (Pan, 2021).

توسعه حاشیه‌ی شهری طیف وسیعی از فعالیت‌ها را در برمی‌گیرد که هدف آنها احیای بافت‌های شهری، تجدید حیات اجتماعی و اقتصادی بافت‌ها، احیای ساختمان‌ها، زیرساخت‌ها و تأسیسات شهری و در حالت کلی تزریق زندگی به بافت‌هاست (Nakano & Washizu, 2021). برنامه توسعه حاشیه‌ی بافت‌های فرسوده شهری به دلیل امکان استفاده از ظرفیت‌های قابل توجه و بی‌بدیل احداث مسکن و توسعه دسترسی به خدمات شهری در آن به عنوان یکی از برنامه‌های سیاست توسعه درون‌زای شهری محسوب می‌شود (Makarenko, Lukina, & Pletneva, 2022). نقش توسعه حاشیه‌ی شهری، کشف نیروها و عواملی است که افت شهری را به وجود آورده‌اند و اتخاذ واکنش مثبت و پایداری است که به بهبود مستمر و کیفی حیات شهری منجر می‌گردد (Zabel & Kwon, 2021). هدف آن بازگشت به شهر می‌باشد. توسعه حاشیه‌ی در بطن خود اهداف اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی را دنبال می‌کند. ارتقاء شرایط کیفی زندگی در سکونتگاه‌ها از طریق ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی ساختمان‌ها، توسعه و بهبود زیرساخت‌ها و فضاهای عمومی شهرها به ویژه تجهیز مراکز تاریخی، تأمین خدمات شهری موردنیاز، آموزش ساکنان، ایجاد فرصت‌های شغلی، تقویت نهادهای مدیریت محلی و دفاتر خدمات محله‌ای مردم نهاد، الگوسازی و ترویج قواعد و دستورالعمل‌های کیفی ساخت و ساز و تعریف پروژه‌های محرک توسعه توسط بخش خصوصی و عمومی، بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمندسازی و روان‌بخشی شهری و تنوع‌بخشی عملکردی از سیاست اصلی آن را تشکیل می‌دهد (Kalantari et al., 2019). مشارکت، برنامه‌ریزی راهبردی و پایداری سه ضلع مثلث رهیافت توسعه حاشیه‌ی شهری را تشکیل داده و پایه‌ای برای اقدام در توسعه حاشیه‌ی شهری فراهم می‌کنند (Nyseth & Ventura López, 2021). مشارکت عمومی از مهمترین اصول و مقدمات موفقیت در توسعه حاشیه‌ی شهری است (Boulangue et al., 2018)؛ بنابراین امروزه ضرورت تغییر نگرش نسبت به توسعه حاشیه‌ی بافت‌های آسیب‌دیده شهری بر اساس رویکردهای نوین توسعه حاشیه‌ی و توجه به ارتقاء شاخصه‌های کیفیت زندگی و استفاده از راهکارهای مشارکتی در تدوین چشم‌اندازی مشترک که در آن کلیه گروه‌های ذینفع، ذی‌نفوذ و اجتماع محلی شرکت داشته باشند، بیش از پیش ضروری است (Pasquinelli et al., 2022).

۲-۳-۱۱- سیر تکوینی توسعه در مناطق حاشیه شهری

ابتدا واژه توسعه حاشیه‌ی تا حدودی به عنوان معادلی جدید برای نوسازی به کار میرفت و خود واجد معنای تازه‌ای نبود. ولی به تدریج، این واژه در مقابل تبعات منفی «نوسازی شهری» بار معنایی مثبتی پیدا کرد (Majewska, Denis, Krzysztofik, & Monika Maria, 2022). واژه‌ی *Regeneration* از ریشه فعل *Regenerate* به معنای احیا کردن، جان دوباره بخشیدن، احیا شدن، از نو رشد کردن، گرفته شده است. در مطالعات شهری به معنای احیا، تجدید حیات، معاصر سازی و توسعه حاشیه‌ی به کار می‌رود. واژه (*Regeneration*) در لغت به معنای «بازتولید یا ترمیم طبیعی بخشی از یک تمامیت زنده که در معرض نابودی قرار گرفته است، می‌باشد» (Patier & Routhier, 2020). در زمینه توسعه پایدار فضایی و توسعه حاشیه‌ی شهری در سال ۲۰۰۰ میلادی برای اولین بار تعریف اولیه‌ای از «توسعه حاشیه‌ی شهری» به این صورت ارائه می‌دهد: توسعه حاشیه‌ی شهری عبارت است از: نگرش و فعالیتی جامع و یکپارچه که منجر به حل مشکلات شهری شده و به دنبال به دست آوردن بهبود پایدار در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی نواحی که در معرض تغییرند، می‌باشد (Abass & Kucukmehmetoglu, 2021; Dotsey & Lumley-Sapanski, 2021). در تعریفی دیگر، «توسعه حاشیه‌ی شهری» در سال ۲۰۰۳ این گونه تعریف شد: روند کلی رفع زوال اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی در نواحی که میزان آن به سطحی رسیده که نیروهای بازاری به تنهایی کافی نیست (Foa & Nemirovskaya, 2019).

همچنین در گزارش نوامبر سال ۲۰۱۱ گروه کار توسعه حاشیه‌ی شهری با عنوان «راهنمای حرفه مندان برای توسعه حاشیه‌ی محله» آمده است: «توسعه حاشیه‌ی شهری برآیند مباحث مشترک اقتصادی، اجتماعی، کالبدی بوده و قلب برنامه‌ریزی شهری قلمداد می‌گردد (محله، شهر، مناطق کلان شهری) و بر بسیاری از وجوه حیات شهری از قبیل کالبدی، اجتماعی و محیطی پوشش دهد» (Mai & Wang, 2022). روش برخورد در توسعه حاشیه‌ی به تاریخ شهر بستگی دارد (Pera, 2020) و در نتیجه سیاستهای آن می‌باید یکپارچه و گستره-محور باشد (Carrese et al., 2020). توروک (Turok) سه ویژگی توسعه حاشیه‌ی شهری عصر حاضر را به قرار زیر شناسایی کرده است (Omulo et al., 2021): تغییر ماهیت مکان مورد نظر با مشارکت تمام اجتماع و سایر سهامدار آن همراه با سهام آتی، اهداف و فعالیتهای چند جانبه که روی مشکلات و امکانات خاص آن ناحیه تمرکز دارد و می‌تواند با وظایف دولت مرکزی و مشارکت کاری میان سهامداران مختلف در تضاد باشد (Chakraborty, Bunch, & Brownstone, Xu, & Tal, 2022).

با توجه به تعریف بالا، توسعه حاشیه‌ی شهری نسل جدیدی از نوسازی شهری است که به دنبال توازن میان مردم، تجارت و مکان می‌باشد. توسعه حاشیه‌ی شهری امکان مشارکت مردم و در این طرح را فراهم می‌کند و آنها متعاقبا با بالا بردن استعدادها، توانایی‌ها و اشتیاق خود، از کنار آن سود می‌برند. در بعد

فصل دوم: مبانی و چارچوب نظری و مفهومی؛ انتخاب تئوری‌ها و تبیین‌کننده‌ها

تجاری، توسعه حاشیه‌ی شهری با بهبود رقابت اقتصادی و ایجاد مشاغل جدید محلی و بالا بردن رفاه اجتماعی، عملکردهای تجارب را تقویت می‌کند. در بعد مکانی، توسعه حاشیه‌ی شهری جاذبه طبیعی منطقه را بالا برده و افراد بسیاری را برای انجام فعالیت‌های تجاری جذب آن می‌کند. با تعادل میان این سه عنصر، به وضعیت پایدار طولانی مدتی می‌رسیم و به طور خلاصه، توسعه حاشیه‌ی شهری:

- فعالیتی مداخله گرایانه است؛
- فعالیتی که دربردارنده بخش‌های عمومی، خصوصی و اجتماعی است؛
- فعالیتی که شاید با گذشت زمان در پاسخ به شرایط اقتصادی، اجتماعی، محیطی و سیاسی، متحمل
- تغییرات عمده‌ای در ساختار نهادی خود شود؛
- امکان بسیج تلاش‌های گروهی و ایجاد موقعیتی جهت بحث پیرامون راه حل‌های مناسب با امکان تعیین سیاستها و عملکردهای برنامه‌ریزی شده به منظور بهبود وضعیت نواحی شهری و توسعه ساختارهای نهادی برای پشتیبانی آماده سازی طرح‌های پیشنهادی، ضروری می‌باشد.

جدول ۲-۱- سیر تکاملی رویکرد توسعه شهری

بازه زمانی	۱۹۸۰-۱۹۹۰	۱۹۷۰-۱۹۶۰	۱۹۵۰-۱۹۴۰
رویکرد غالب	توسعه شهری	نوسازی	بازسازی
استراتژی اصلی	تلفیق طرح با پروژه‌های شاخص	توسعه پیرامونی با نوسازی شهری محله‌ها	جایگزینی مشکلات فیزیکی با پاک سازی حاشیه نشینی
سطح فضایی	سطح ناحیه	سطح ناحیه‌ای و ملی	سطح محلی و مکانی
احزاب درگیر	مشارکت عمومی خصوصی	دولت محلی، مردم و بخش‌های خصوصی	دولت مرکزی و توسعه دهندگان خصوصی
بعد فیزیکی	حفاظت از میراث فرهنگی با توسعه‌های نوین	رشد پیرامونی و نوسازی نواحی قدیمی	جابه جایی بافت شهری
بعد اقتصادی	تعادل میان سرمایه گذاری عمومی و خصوصی	رشد سرمایه گذاری خصوصی	سرمایه گذاری دولت
بعد اجتماعی	توسعه اجتماعی	افزایش رفاه اجتماعی	بهبود محیط زندگی
بعد محیطی	طرح ایده پایداری محیطی	زیبا سازی و ایجاد فضای سبز	ایجاد فضای سبز

به طور کلی می‌توان توسعه حاشیه‌ی شهری را اتصالی چهاروجهی دانست که شامل ابعاد اجتماعی، اقتصادی، محیطی و دولتی است. برخی از عناصر اصلی توسعه حاشیه‌ی شهری با بهره‌گیری از تاریخچه توسعه حاشیه‌ی شهری انگلیس، تعریف شده است. اما این عناصر تنها به عنوان پایه و اساس توسعه حاشیه‌ی شهری در نظر گرفته شده اند. تعریف توسعه حاشیه‌ی شهری باید مشتمل بر چالشهای آتی شهر یا همان زیست پذیری شهری باشد جدول شماره (۲) سیر تکامل مفهومی توسعه حاشیه‌ی شهری در انگلستان را نشان می‌دهد (Abass & Kucukmehmetoglu, 2021; Drakaki et al., 2018; Karimimoshaver & Winkemann, 2018; Nhamo et al., 2021; Yeboah et al., 2021; Zazyki et al., 2022)

۲-۴- ساخت‌یابی حاشیه‌ی شهر

در خصوص حاشیه نشینان، نظریات متفاوتی ارائه شده است و افراد مختلف با دیدگاه‌های گوناگون به موضوع توجه داشته اند و تعاریف متفاوتی با توجه به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن‌ها بر شمرده اند که برخی از آن‌ها در این بخش مورد توجه قرار خواهد گرفت. این تعاریف در برخی موارد دارای مشترکاتی است و بعضا نیز وجوه تمایز در دیدگاه‌ها قابل مشاهده است

معمولا فقر و حاشیه نشینی مترادف با یکدیگر به کار می‌روند و در توجیحات جدیدی که نسبت به این موضوع در جهان مرسوم شده نیز چنین عنوان می‌شود که اصلح است دیدگاه‌های بررسی کنندگان نسبت به مشکلات گروه‌های درگیر با توجه بیشتر به واقعیت‌های موجود، تعدیل شود و نگرش گروه درگیر نیز مورد توجه قرار گیرد آتال در مقاله‌ای تحت عنوان درگیر ساختن مردم فقیر می‌نویسد: فقر می‌تواند به یک شیوه زندگی و یک فرهنگ مبدل شود و مردمی که با این فرهنگ زندگی می‌کنند شاید تا زمانی که در معرض شرایط دیگری که نسبتا توام با رفاه باشد، قرار نگرفته باشند و شروع به مقایسه نکنند، فشار فقر را احساس نکنند. در واقع در این بین آنچه که این شهر را آسیب پذیرتر می‌کند، عامل فقر است و با توجه به این که فقر دارای ابعاد گوناگونی است اما جنبه اقتصادی آن از نمود بیشتری برخوردار است. چرا که جمعیت روستایی زیادی در شهرهای کوچک و میانی زندگی می‌کنند و این شهرها میزبان فعالیت‌های غیر کشاورزی بسیاری نیز می‌باشند. بنابراین، فرصت‌های اشتغال در دسترس و استاندارد زندگی، ابعاد مهم اقتصاد محلی هستند (Y. Chen, 2022).

به عبارت دیگر شاید بتوان گفت: برداشت گروه‌های بررسی کننده از سکونتگاه‌های غیررسمی و ساکنین آن‌ها به مثابه ی قضاوتی از خارج است، لذا می‌تواند بررسی کنندگان را دچار سوء تفاهماتی نماید. در اینجا به نظریاتی که در خصوص ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی در منابع مختلف ارائه شده است اشاره می‌شود. زاهدانی، مفهوم حاشیه نشینی را به معنای اعم، شامل تمام کسانی می‌داند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهر نشده اند. جاذبه ی شهر و رفاه شهری، این افراد را از زادگاه

خویش‌کننده و به سوی قطب‌های صنعتی و بازارهای کار می‌کشاند و ایشان اکثراً مهاجران روستایی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرها می‌شوند.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این تعریف محدوده کالبدی، مدنظر نبوده بلکه ورود به محدوده اقتصادی و جذب به سوی مناطق اشتغال مدنظر می‌باشد. به عبارت دیگر دلایل اقتصادی و نیز گذراندن زندگی بهتر با استفاده از خدمات رفاهی موجود در شهرها، از دلایل مهاجرت و به تبع آن حاشیه‌نشینی می‌باشد. درکوش، لغت حاشیه‌نشین را به کسی اتلاق می‌کند که در شهر سکونت دارد ولی به دلایل گوناگون نتوانسته است جذب چرخه اقتصادی و اجتماعی شهر شود و از خدمات شهری استفاده کند. وی معتقد است گرچه ریشه‌ی اصلی حاشیه‌نشینی را باید در عواملی که موجب مهاجرت افراد از روستا به شهر می‌شود جست و جو کرد، ولی تمام حاشیه‌نشینان از مهاجرین تشکیل نشده‌اند، بلکه بخشی از آنان افرادی هستند که از ساکنین همیشگی شهر بوده‌اند، ولی به علت فقر اقتصادی در واحدهای مسکونی غیر استاندارد زندگی می‌کنند و جزء حاشیه‌نشینان محسوب می‌شوند. از نقاط اشتراک دو تعریف فوق می‌توان عدم جذب ساکنین سکونتگاه‌های غیر رسمی را به اقتصاد شهری برشمرد که زاهدانی و درکوش، مشترکاً بر آن تأکید دارند. علاوه بر آن درکوش تنها مشخصه‌ی مهاجرین را ریشه‌ی روستایی نمی‌داند و گروهی از آن‌ها را فراقکننده شدگان زندگی شهری بر می‌شمرد. پیران خصوصیات ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی را از ابعاد مختلف چنین توصیف می‌کند: مفهوم اقامت‌گزین در زمین غیر معمول از نظر لغوی، ساکنین مسکن‌های نابهنجار را در بر می‌گیرد و به شخصی اتلاق می‌شود که بدون اجازه بر زمین افراد دیگر یا موسسات و دولت‌ها سرپناهی در مدت کوتاهی (یک شبه) بر پا می‌کند و در آن سکنی‌گزیند (همان منبع). وی مشتریان مشتریان زمین‌ها در حاشیه شهرها را افرادی می‌داند که:

توان مالی ورود به بازار رسمی زمین و مسکن را ندارند.

به سختی طالب سرپناه هستند.

آماده‌ی پذیرش خطرات دریافت زمین به شکل غیر قانونی هستند.

همچنین پیران از نظر اقتصادی، مفهوم انسان حاشیه‌ای را مربوط به تحولات صنعتی و رشد تکنولوژی می‌داند و معتقد است انسان حاشیه‌ای مفهومی است بر گرفته از مفهوم کارگران حاشیه‌ای که در حاشیه اقتصاد سرمایه‌داری به مشاغل پرازیت روی می‌آورند و این مشاغل نه با ثبات شغلی همراه هستند و نه با دستمزد معین و مرتب. از دیدگاه وی، انسان حاشیه‌ای از نظر اقتصادی دارای خصایص زیر است:

— بیکار یا بیکار پنهان

— فاقد درآمد ثابت

— معمولاً دارای پایین‌ترین گروه درآمدی شهری

پیران، از نظر فرهنگی حاشیه‌نشینان را شخصیت‌هایی می‌داند که از حاصل برخورد با پیوند دو نظام فرهنگی متفاوت و احیاناً متخاصم ظهور می‌کنند. وی معتقد است چنین موجود دورگه‌ای به طور همزمان

نسبت به هر دو نظام فرهنگی احساس تعلق و وابستگی دارد و در عین حال خود را نسبت به هیچکدام کاملاً متعلق و متمایل نمی‌داند. در تعاریف پیران نوعی مثبت‌نگری نسبت به حاشیه‌نشینان قابل مشاهده است. وی بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی آن‌ها از لحاظ نوع مشاغل و نیز مسائل مالی مسکن توجه دارد. در تعریفی که پیران از اقامت‌گزین در زمین غیر معمول^۱ ارائه می‌دهد، ایشان را ساکنین مسکن نابهنجار می‌نامد (همان منبع). آن‌ها غالباً در زمینه‌های تخصص و مهارت، دارایی‌های فیزیکی یا مالی مزیت‌چندانی نداشته‌اند، که این امر در ایجاد مشکلات شهری بسیار موثر بوده است (Sun et al., 2020; Tong et al., 2021).

وجود راهبردی برای تقویت دارایی‌های مردم فقیر، به طور همزمان با فقر روستایی مقابله می‌کند و موجب جهت‌گیری جامع و فراگیر در تکامل نهادی می‌شود. و مهاجران را برای تبدیل شدن به شهرنشینان مولد آماده خواهند کرد. در واقع نواحی روستایی که در نقاط پیرامونی شهرها قرار گرفته‌اند، به صورت چشمگیری از فرصت‌های ایجاد شده در اقتصاد شهری بهره خواهند جست چنین آزادسازی نیازمند فرهنگ بازی است، که تبعیض آزادسازی نیازمند فرهنگ بازی است، که تبعیض قائل نشود و افراد را به جایگاه ویژه‌ای مجبور نسازد. هم چنین به ما اجازه دهد که خودمان باشیم و به اشکال مختلف به خانواده و هویت انسانی اعتبار بخشیم (Daniels, 2021).

۲-۴-۱- تاریخچه توسعه بافت‌های حاشیه شهری در جهان

جنبش احیای مراکز شهری بیش از ۱۵۰ سال سابقه دارد. این جنبش با فعالیت «بارون. جی هوسمان شهردار وقت پاریس» برای نوسازی مرکز این شهر در دهه ی ۱۸۵۰ شروع شد و با طرح لوکوربوزیه با عنوان شهر درخشان در دهه ۱۹۲۰ که خواهان فدا کردن بخش قدیمی پاریس از طریق جایگزینی بناهای عظیم بود، علی‌رغم اجرا وارد مرحله جدیدی شد.

بعد از جنگ دوم جهانی اصول لوکوربوزیه مورد تایید دولت‌های جهانی قرار گرفت که از آن به عنوان مبلغ حقیقی شهرسازی مدرن انتخاب کردند. ویرانی‌های مراکز شهری ناشی از جنگ جهانی دوم، الگوهای بازسازی بزرگ مقیاس را تقویت کرد، به دنبال آن از دهه ۱۹۶۰ تجدید نظری در الگوهای نوسازی مراکز شهری و گذار از نوسازی به الگوهای بهسازی و حفاظت اهمیت یافت و در واقع برنامه ریزی‌های اجتماعی اقتصادی و تکیه بر مردم به جای تکیه بر کالبد و تقدم میراث و فرهنگ بر اقتصاد مطرح شد و به تدریج از دهه ی ۱۹۷۰ ترجیح یکی از دو الگوی توسعه به بیرون (گسترش افقی) و توسعه از درون (رشد هدمند) ذهن متخصصان برنامه‌ریزی شهری را به خود مشغول داشته است. به طوری که در انگلیس تمرکز توسعه شهری بر داخل نواحی شهری موجود و استفاده مجدد از زمین‌های گسرش یافته سابق و تبدیل ساختمان‌های خالی به کاربری‌های جدید است (Dalu et al., 2018).

¹¹ squatter

در آمریکا زمینه احیای مراکز شهری در قالب نظریه اصالت بخشی، والی و هامل (۲۰۰۱) سه موج اصالت بخشی را، که از دهه ۱۹۵۰ شروع شده، شناسایی کرد. عمده ترین ویژگی موج سوم (موج فعلی این است که اصالت بخشی در این دوره جزئی از سیاست مسکن عمومی فدرال و محلی شده است. مهمترین ویژگی این موج از نظر والی و هامل آماده کردن سرمایه رهنی خصوص برای توانمندی اقلیت‌های نژادی و قومی و گروه‌های کم درآمد برای مشارکت در فرآیند اصالت بخشی است. به طور کلی نتیجه حاصل از بررسی سابقه احیای مراکز شهری در کشورهای اروپایی و آمریکا به ویژه در زمینه «احیای تجاری مراکز شهری» نمایانگر چند الگو و برنامه به شرح زیر می‌باشد:

در اروپا طرح‌های مدیریت مرکز شهر به منظور حل برخی از مشکلاتی که مراکز شهری با آن روبرو هستند به کار گرفته می‌شود. پیشرفته ترین این طرح‌ها «طرح مدیریت مرکز شهر بریتانیایی» می‌باشد. این طرح‌ها برای کمک و سرمایه گذاری بخش خصوصی عمومی جهت بازسازی مراکز شهری اهمیت ویژه‌ای قابل است. مهمترین نکات آموزنده این طرح‌ها عبارتند از: ۱. تقویت حس مکانی با استفاده از ایجاد فضایی دوستانه تر، سالمتر و تمیزتر، ۲. بهبود وضعیت تجارت، املاک و اجاره ها، ۳. کمک به ظهور فعالیت‌های جدید از قبیل خرده فروشی و رستوران و ۴. رونق بازارهای توریستی و اداری.

بسیاری از این طرح‌ها از چهار عنصر کلیدی در چهارچوب کار خود به منظور ارتقاء شرایط زندگی و روندی پایدار در مرکز شهر استفاده می‌نمایند. چهار عرصه‌ای که برای سلامت مراکز شهری، حیاتی می‌باشند، عبارتند از: ۱. دسترسی ۲. جذابیت ۳. تسهیلات و مقررات ۴. اقدامات عملی. همچنین اجرای طرح‌های احیای خرده فروشی مراکز شهری کشور پرتغال از طریق برنامه پرو کام از دگر برنامه هایی است که در شهرهای اروپایی انجام می‌گیرد (پروکام برنامه‌ای است که محرک هایی را جهت نوسازی کسب و کارهای کوچک و متوسط برای بازسازی بخش سنتی فراهم می‌کند) (El-Dorghamy & Mosa, 2016).

۲-۴-۲- مساله محوری در توسعه حاشیه‌ی شهر

لزوم رویکردی انتقادی به مسأله بافت‌های به اصطلاح حاشیه‌ی شهری ضروری به نظر می‌رسد تا بتوان نیروها و روابط تأثیرگذار بر سیاست گذاری‌های مرتبط با این بافت‌های شهری را افشاء کند و امکانات بدیل واقعا موجود را نه از خلال مباحث نظری بلکه از بسترها و زمینه‌های موجود در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و حقوقی بیرون بکشد و بتواند بسترهای لازم برای تحقق دموکراتیزه شدن فرآیند تولید و مصرف فضای شهری را فراهم نماید. اما عدم مشارکت شهروندان تنها بخشی از معضلات مرتبط با سیاست تراکم تشویقی است. در بافت‌های به اصطلاح حاشیه‌ی سیاست‌های افزایش تراکم اگرچه به ظاهر ساختمان‌ها را نوسازی مینمایند اما باعث افزایش تراکم جمعیتی و کاهش سرانه‌های خدماتی و فضای سبز خواهد شد

در حالی که در طرح ساختاری - راهبردی شهری اغلب کاهش تراکم جمعیت برای این بافت‌های شهری پیشنهاد می‌شود.

اما رویکردی که کمتر مورد توجه قرار گرفته، رویکردی انتقادی چه در مسأله‌شناسی بافتهای به اصطلاح حاشیه‌ی و چه در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای مواجهه با این بافت‌های شهری است. اگرچه اخیراً در میدان‌های غیر آکادمیک و البته آترناتیو صورت‌بندی‌های رادیکال و انتقادی نسبت به مسأله‌نوسازی بافت‌های به اصطلاح حاشیه‌ی شکل گرفته است اما این صورت‌بندیها علی‌رغم ارزش متعالی توصیفی خود از شرایط موجود این بافت‌های شهری پس از اجرایی شدن سیاست‌های نوسازی، می‌بایست در قالبی انتقادی مفهوم‌سازی شوند تا بتوانند روندها و بسترهای موجود شهری شدن را با توجه به روندهای کلان ملی و جهانی تفسیر نمایند. چنانچه بخواهیم نوسازی بافتهای حاشیه‌ی و سیاست‌های مرتبط با آن را در رویکردی انتقادی مسأله‌مند کنیم، در ابتدا می‌بایست روابط و نیروهای مداخله‌گر و مداخله‌جو را در فرآیند آن بازشناسی کنیم و منطق درونی فرآیند نوسازی این بافت‌های شهری که باعث توسعه نابرابر و بی‌عدالتی فضایی^۱ و فضای بی‌عدالتی^۲ می‌شوند را مفهوم‌سازی نماییم. در این گام به این موضوع پرداخته خواهد شد که سیاست‌های نوسازی به عنوان بخشی از فرآیند تولید فضای شهری در ایران است، که خود این فرآیند بخش مهمی از ساختار اقتصادی سیاسی در مقیاس ملی و، بعد از آن، جهانی است. محل مورد مناقشه اینجاست که دقیقاً به این دلیل که این سیاست‌ها به خوبی در ساختارهای کلان سیاسی و اقتصادی کار می‌کنند، فرآیند نوسازی در بافت‌های به اصطلاح حاشیه‌ی نه تنها منجر به بی‌عدالتی فضایی می‌شود بلکه فضاهای بی‌عدالتی را تولید می‌کند که منجر به بازتولید تله‌های فضایی فقر می‌شوند و در مقیاس کلان توسعه ناهمگون و نابرابر را به دنبال دارند (Bae & Lee, 2020). این سیاست‌ها در طول تاریخ شهری شدن در ایران با توجه به تحولات ایدئولوژیک و حکومتی در راستایی تکامل پیدا کرده اند که بتوانند تسلط موجود را مستمر کنند اما تناقضات درونی و ذاتی نظم موجود، که سیاست‌های نوسازی از آن بیرون می‌آید، باعث به وجود آمدن بحران و ناامن کردن استمرار این تسلط است. بنابراین پرسش‌های پیش رو که هر کدام می‌تواند مبحث جداگانه‌ای باشد، به مسایلی می‌پردازد که نوسازی بافتهای حاشیه‌ی بر آنها استوار است: (۱) فرآیند نوسازی بافت‌های به اصطلاح حاشیه‌ی در تولید فضای شهری در ایران چگونه است؟؛ (۲) چگونه و در چه جهتی حاکمیت این فرآیند را ساختارمند می‌کند؟ از طریق چه نهادهای قانونی و غیرقانونی؟؛ (۳) این فرآیند بر چه اصول و ایدئولوژی استوار است؟؛ (۴) این فرآیند منافع، ارزشها و روابط چه گروهی را تأمین و تقویت می‌کند و (۵) در کیفیت زیست ساکنان این بافت‌های شهری چه تأثیری دارد؟

گام دوم پیشنهاد بدیل‌هایی برای مسایل و معضلات موجود ناشی از نوسازی بافتهای حاشیه‌ی است. بدیل‌هایی که از درون ساختار سیاسی، اجتماعی، حقوقی و ایدئولوژیکی موجود مفهوم‌سازی می‌شود.

¹ Spatial Injustice

² Space of Injustice

این بدیل‌ها نه در راستای بهبود بخشیدن روند موجود نوسازی بافت‌های به اصطلاح حاشیه‌ی بلکه به منظور فراهم کردن زمینه‌ای برای تغییر این روند خواهد بود. چراکه همان طور که گفته شد بحران‌ها و معضلات موجود در نوسازی بافت‌های به اصطلاح حاشیه‌ی دقیقاً به این دلیل است که سیاست‌های نوسازی کار می‌کنند و تنها در صورتی این بحران‌ها و توسعه تاب‌آوری شهری معضلات، شاید اندکی، کاهش یابد که رویکردها و سیاست‌های نوسازی تغییر پیدا کند. این تغییرات را می‌توان با پشتوانه قوانین حمایتی از مصرف‌کننده مسکن، تولید مسکن ارزان قیمت و بازگرداندن نقش حمایتی دولت به ساکنان بافت‌های به اصطلاح حاشیه‌ی به جای حمایت از تولیدکننده رانتهی مسکن بسترسازی کرد (Dotsey & Lumley-Sapanski, 2021). بنابراین پرسش‌های پیش رو برای دستیابی به این مهم را می‌توان در قالب بازپیکربندی نظام حقوقی، سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیکی مفهوم سازی کرد: (۱) نقش نهادهای ملی و محلی در نوسازی بافتهای حاشیه‌ی در دهه‌های اخیر چگونه متحول شده است؟ (۲) تناقضات درونی ساختارهای حقوقی و قانونی موجود مرتبط با نوسازی این بافت‌های شهری چیست؟ (۳) مالکیت خصوصی چگونه مفهوم سازی می‌شود و چه بدیل‌هایی برای آن وجود دارد؟

گام سوم و نهایی در تفکر انتقادی را می‌توان در قالب سیاست ورز کردن شرایط مفهوم پردازی کرد. در این مرحله به ابزارها، نیروها و راهبردهایی می‌توان پرداخت که به تغییرات اساسی در روند نوسازی و عملی کردن پیشنهادات منجر می‌شود. شناسایی و تلاش برای ایجاد شبکه‌ای منسجم در قالب شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی که بتواند ساختار نوسازی موجود را به جهتی تغییر دهد که منجر به دموکراتیزه شدن این فرآیند شود، از مهم‌ترین نتایج گام سوم محسوب می‌شود. بنابراین پرسش‌های پیش رو در این گام در قالب پیکربندی نیروها و روابط جدید در فرآیند نوسازی بافت‌های به اصطلاح حاشیه‌ی است: (۱) نهادهای اجتماعی در بافت‌های به اصطلاح حاشیه‌ی چیست و چه سازوکار و روابطی را در این محلات شکل می‌دهند؟ (۲) چه گروه‌هایی با چه مکانیزمی در برابر سیاست‌های نوسازی موجود مقاومت می‌کنند؟ (۳) نمونه‌های بدیل غیررسمی موجود برای نوسازی محلات به اصطلاح حاشیه‌ی کدامند؟ چگونه سازمان می‌یابند؟

بنابراین تفکر انتقادی در مواجهه با نوسازی بافتهای حاشیه‌ی به دنبال یافتن ریشه‌های مشکلات موجود از یک طرف و دادن پیشنهادات برای تغییرات آنی در فرآیند نوسازی از طرف دیگر است، در عین حال که در بلندمدت به دنبال تغییر این روند است. این رویکرد است که می‌تواند احتمال تغییر مسیر را به سمتی میسر کند که تولید فضای شهری دموکراتیکتر و انسانی‌تر را فراهم نماید. به قول امانوئل والراشتاین: مساله این نیست که چه جادویی معضل فوری نظام جهانی ما را حل می‌کند بلکه ساختارهایی است که ما می‌بایست برای بدیل نظام جهانی ایجاد نماییم. به این نکته اشاره کنم که به طور جدی، ما اول از همه باید با شفافیت توسعه تاریخی نظام کنونی خود و معضلات ساختاری آن را تا به امروز درک نماییم و ذهن‌هایمان را به بدیل‌های رادیکال برای آینده باز نماییم. ما می‌بایست تمام این کارها را نه صرفاً آکادمیک

بلکه به صورت عملی، از طریق زندگی در حال و درگیر شدن با نیازهای کوتاه مدت مردم به اندازه تحولات بلندمدت آنها، انجام دهیم. بنابراین ما می‌بایست هم تدافعی و هم تهاجمی مبارزه کنیم و اگر ما این را به خوبی انجام دهیم، ممکن است، فقط ممکن است، به زندگی بسیاری از جوانان که مخاطبانمان هستند سود و منفعت اعطا نماییم.

۲-۴-۳- ویژگی‌های مناطق حاشیه نشین از نگاه سیمون چپمن

۱- عموماً غیر قانونی هستند. ۲- غالباً خلق الساعه هستند و از مواد و مصالح مختلف ساخته شده اند. ۳- به وسیله خود ساکنان احداث شده اند. ۴- فاقد خدمات شهری اند. ۵- توسعه آنها بدون برنامه‌ریزی و اتفاقی صورت می‌گیرد. ۶- مکان‌گزینی آنها در لبه‌های شهری - حواشی راه آهن و بزرگراه‌ها صورت می‌گیرد. ۷- در مناطق نامناسب شهری تشکیل می‌شوند. ۸- جمعیت متراکم دارند که از خانواده‌های پر جمعیت تشکیل شده است. ۹- تسلط فرهنگ فقر در این مناطق. ۱۰- جداگزینه توده‌ای از مردم روستایی در جامعه شهری. ۱۱- گوشه‌گیری مردم منطقه از زندگی شهر (Dotsey & Lumley-Sapanski, 2021)

ویژگی‌های مناطق حاشیه نشین را می‌توان در چند دسته کلی زیر طبقه‌بندی کرد:

ویژگی‌های کالبدی؛ در مناطق حاشیه نشین سطح خدمات عمومی و تأسیسات شهری از حداقل استانداردهای لازمه بسیار پایین‌تر است. این مناطق دارای معابر تنگ و باریک و ناهموار و خانه‌های متراکم و فشرده با متراژ پایین و فاقد ایمنی‌های لازم، با شبکه‌های غیر اصولی فاضلاب و در بعضی جاها فاقد شبکه آب و فاضلاب هستند. از دیگر ویژگی‌های کالبدی این مناطق عدم وجود فضاهای تفریحی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی و یا عدم دسترسی آسان به این فضاها، و مهم‌تر اینکه بعضی از این خانه‌های این مناطق در مسیرهای نامناسب و شیب دار و لغزشی با مصالح نامرغوب و ارزان ساخته شده اند.

ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی؛ اغلب ساکنان این سکونتگاه‌ها جزء طبقات پایین جامعه هستند از درآمد اندکی برخوردارند و دارای مشاغل کاذب و غیر تولیدی یا در بخش‌های غیر رسمی کار می‌کنند (اقتصاد غیر رسمی) اغلب خانوارهای این مناطق دارای بعد خانوار بالا داشتن ارتباط خویشاوندی با همدیگر و دارای اشتراکات زبانی و مذهبی و فرهنگی هستند که اکثراً همه آنها از یک منطقه یا یک روستا مهاجرت کرده اند و بعضی از آنها نیز از نسل دوم و یا سوم ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی هستند (D. Chen et al., 2021).

ویژگی‌های حقوقی؛ مهم‌ترین ویژگی سکونتگاه‌های غیر رسمی است. این است که ساکنان این سکونتگاه‌ها فاقد مالکیت رسمی زمین هستند. یا اینکه زمین را به قیمت بسیار نازل و یا اجاره‌ای خریداری می‌کنند به هر حال چون این ساکنان بدون توجه به معیارها و ضوابط شهری (رشد و توسعه و حفاظت شهر) خریداری می‌کنند اعتبار قانونی ندارد. بر اساس تعاریف بانک جهانی سکونتگاه‌های غیر رسمی در

مسائل و مشکلات زیر با هم اشتراک دارند: ۱- فقدان تأسیسات شهری مناسب و کافی. ۲- فقدان خدمات شهری مناسب و کافی. ۳- افزایش تنش‌ها به علت شکاف عمیق اجتماعی بین ساکنان این سکونتگاه‌ها و مناطق رسمی کشور - پیچیدگی و دشواری تأمین خدمات به علت توسعه ناموزون و برنامه‌ریزی نشده.

۲-۴-۴- روند توسعه‌یابی در حاشیه‌ی شهر

آنتونی گیدنز، با لحاظ همین تمایز تاریخی، شهر سنتی را از شهر امروزی جدا می‌کند. همه جوامع صنعتی امروزی به میزان بسیار زیادی شهرنشین هستند. پرجمعیت‌ترین شهرها در کشورهای صنعتی تا حدود بیست میلیون نفر سکنه دارند، و منظومه‌های شهری - مجموعه شهرهایی که نواحی ساخته شده بزرگ و بهم پیوسته‌ای را تشکیل می‌دهند - ممکن است جمعیت بسیار زیادتری داشته باشند. افراطی‌ترین شکل زندگی شهری امروز در آنچه بعضی‌ها آن را کلان شهر یا شهر شهرها نامیده‌اند، نمایان است. این اصطلاح در اصل در یونان باستان برای اشاره به یک دولت - شهر ابداع شد که بنا بود مایه رشک همه تمدن‌ها شود، اما در کاربرد امروزی هیچ گونه رابطه‌ای با آن رویا ندارد.

۲-۴-۵- ظرفیت فقر در حاشیه‌ی شهر

از جمله تلاش‌هایی که برای تعریف مجدد فقر صورت گرفته، می‌توان از «سنجه ظرفیت فقر» توسط برنامه عمران سازمان ملل یاد کرد که به ارزیابی توانایی خانوارها برای مقابله با بحران‌های در ۱۹۸۲، در مورد استحقاق‌ها، به تحلیل (sen) احتمالی می‌پردازد. همچنین مطابق با پژوهش سن دارایی خانوار توجه شده است که این دارایی‌ها شامل سرمایه انسانی (مهارت و آموزش)، امکانات خانوادگی و سرمایه اجتماعی است (Chahardowli & Sajadzadeh, 2022). سرمایه اجتماعی به روابط و میزان اعتمادی اشاره می‌کند که افراد در داخل و خارج از اجتماع خود از آن برخوردار هستند. موزر خاطر نشان می‌کند که سرمایه اجتماعی عبارت است از اعتماد، توافق متقابل و شبکه‌های اجتماعی، که بین مردم هر اجتماعی پیوند برقرار می‌کند. در دوره رکود اقتصادی، یک شخص با سرمایه اجتماعی بیشتر، باید بتواند کمک و مساعدت بیشتری را جلب کند تا در مواجهه با فقر توانا باشد. سرمایه و شبکه‌های اجتماعی در بازار کار غیر رسمی بسیار مهم هستند (Carraro et al., 2021)، زیرا به نظر می‌رسد نیروی کار مردم فقیر بزرگ‌ترین سرمایه آنهاست. بنابراین، توجه اصلی باید بر آسیب‌پذیری خانواده معطوف شود؛ این آسیب‌پذیری نمایانگر سطح ناامنی و فقدان رفاه یک خانواده و نیز میزان توانایی خانواده برای کنار آمدن با تغییرات است و به خودی خود، به میزان فقر نمی‌پردازد. مفهوم میزان آسیب‌پذیری به عنوان ابزار مهمی برای تحلیل موقعیت افراد فقیر شهری، به سرعت پذیرفته شده است، زیرا این مفهوم ناظر بر دارایی‌های غیر مالی خانواده است. به این ترتیب، تأمین نیازهای اولیه، در ساده‌ترین شکل خود، به عنوان بهترین وسیله کاهش فقر در سطح خانواده شناخته می‌شود. بر خلاف بسیاری از تصورات نادرست، کیفیت آموزش

و مراقبت‌های بهداشتی در شهرهای جهان سوم، بسیار بالا و در بسیاری موارد شبیه به خدمات موجود در کشورهای صنعتی شده است، اما دسترسی به این امکانات اغلب به ثروتمندان محدود شده است.

۲-۴-۶- بیکاری در حاشیه‌ی شهر

آهنگ شتابان رشد جمعیت شهری مشکلات خاصی را در ایجاد اشتغال در برابر شهرهای کشورهای در حال توسعه در سراسر جهان نهاده است؛ به طوری که در این شهرها، ۳۰۰ میلیون نفر از ساکنان در فقر مطلق به سر می‌برند. افزون بر این، تحولات جهانی در تولید، کسب و کار و امور مالی، بر سازوکارهای سنتی در مقیاس بین‌المللی، منطقه‌ای و خانواده فشار می‌آورد. پیش‌بینی می‌شود که طی بیست و پنج سال آینده رشد نیروی کار ادامه یابد، که بالاترین افزایش در آفریقا و خاور میانه رخ خواهد داد.

جز چند اقتصاد آسیایی موفق، در بیشتر کشورهای در حال توسعه ایجاد اشتغال رسمی نتوانسته رشد شتابان نیروی کار را پاسخگو باشد. این امر باعث شده که پس از دهه ۱۹۷۰ رشد بیکاری به یک معضل جهانی تبدیل شود. به بیانی دقیق، نیروی کار شهری، فراتر از ظرفیت اشتغال رشد می‌کند. اگر برآورد رشد ۲,۳ درصدی سالانه نیروی کار در کشورهای در حال توسعه را بپذیریم، مشخص می‌شود که حتی در مناطقی با سطح بالای صنعتی شدن، ایجاد اشتغال نمی‌تواند همگام با تقاضا رشد کند. علاوه بر این، در حالی که دستمزدهای واقعی کاهش می‌یابد، هزینه نیازهای اساسی افزایش یافته است. در نتیجه افت فرصت‌ها در بخش رسمی، به تدریج اقتصاد غیر رسمی به شاخص شهرهای در حال توسعه تبدیل می‌شود. حتی با وجود فرصت‌های جدیدی که از راه صنایع صادراتی ایجاد شده اند، میزان رشد اشتغال صنعتی در همگامی با رشد جمعیت شهری ناکام و ناکافی بوده است. بخش غیر رسمی نیز نشان دهنده رشد رکود و فقر است، چنانکه قراردادهای صنایع خانگی و چند شغلی، به ابزاری برای بقاء تبدیل شده است (D. Cheng et al., 2022).

بازار کار شهری در کشورهای در حال توسعه به نحو فاحشی پاره پاره شده است، و با وجود ساختارهای خاصی، جملگی از برخی ویژگی‌های کلی برخوردارند که آن را از شهرهای توسعه یافته متمایز می‌کند. اولاً، در حالی که شمار تعداد افرادی که در پی کار می‌گردند، به ابعاد و ساختار نسبی و جنسی جمعیت بستگی دارد، نیروی کار شهری، در کشورهای در حال توسعه با آهنگ بی سابقه ۲ درصد در سال رشد کرده است، که ناشی از رشد جمعیت و مهاجرت روستا - شهر است. به استثنای چین، جمعیت کشورهای در حال توسعه در مقایسه با رشد ۰,۳ درصدی کشورهای توسعه یافته، سالانه ۲,۳ درصد رشد می‌کند که نتیجه آن جوانی جمعیت است.

بخش غیر رسمی عبارت است از فعالیت‌هایی به حساب نیامده و ثبت نشده که در اکثر کشورهای جهان یافت می‌شوند. علیرغم دشواری‌های ارزیابی دقیق بخش غیر رسمی، برآورد می‌شود که ۵۰ درصد نیروی کار کشورهای در حال توسعه، و سه درصد نیروی کار کشورهای توسعه یافته، در این عرصه

فعالیت دارد. بخش غیر رسمی هم از نظر فعالیت‌ها و هم از حیث نیروی کار، نامتجانس است. بسیاری از کالاها و خدمات اقتصاد رسمی، مشابه غیر رسمی نیز دارند که هم در خدمات اجتماعات کم درآمد و هم در خدمت اقتصاد بین الملل است. بخش غیر رسمی مجموعه‌ای از تولید کنندگان کوچک مقیاس، خرده فروشان و تأمین کنندگان خدمات را در بر می‌گیرد که بیشتر آنان خارج از حیطه دسترسی دولت فعالیت می‌کنند. اینها فعالیت‌های متنوعی از جمع‌آوری زباله.... تا فعالیت باراندازهای غیر رسمی را در بر می‌گیرد. درجه غیر رسمی بودن بر طبق تعداد مشخصه‌های تعیین کننده، بسیار متفاوت است. این مشخصه‌ها، نوع کالاهای تولید شده، شیوه‌های تولید، نوع مالکیت، راهبرد بازار، تعداد افراد شاغل و موقعیت جغرافیایی را شامل می‌شوند.

رشد سریع جمعیت، توسعه شهرنشینی و توسعه صنایع جدید با سرمایه گذاری‌های کلان موجب کنار گذاشتن و بی بهره ماندن بخشی از جمعیت از مواهب رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. این امر عمدتاً در قالب تقسیم فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال به دو بخش "مدرن" و سنتی یا متشکل و غیر متشکل ظاهر می‌شود. بخش متشکل اصولاً برون‌زا بوده و ناشی از رشد سرمایه داری و صنعت در سطح جهانی است. این بخش، ابتدا در مناطق محدودی از کشورهای توسعه نیافته رشد می‌کند و در یک دوره انتقالی، از لحاظ اقتصادی، جامعه‌ای دوگانه یا چندگانه به وجود می‌آورد. به تدریج فعالیت‌های شبانی (کوچ نشینی)، کشاورزی سنتی و خودکفا، صنایع دستی، صنایع کوچک و محلی و تجارت سنتی در کنار کشاورزی و صنعت انبوه و مدرن، متکی بر تکنولوژی نوین قرار می‌گیرد و با آن همزیستی می‌یابد. این همزیستی ظاهراً به لحاظ نظری، باید در درازمدت به از بین رفتن تولیدات بخش غیر متشکل و محلی منجر شود یا اینگونه تولیدات را به کلی دگرگون کند و اقتصاد متشکل و مدرن را جانشین آن سازد. اما در دوره طولانی مرحله انتقالی، کنار گذاشتن در شکل فقر و بیسوادی و بیکاری پنهان و آشکار با شدت بیشتری بروز می‌کند و دامنه وسیع تری می‌یابد و تا زمانی که کشور به توسعه واقعی دست نیابد، این وضع همچنان ادامه دارد.

۲-۴-۷- مالکیت محلی در حاشیه‌ی شهر

برای این که پروژه‌ها پایدار بمانند، باید مالک محلی داشته باشند و با توسعه ظرفیت سازمانی و انسانی همراه شوند. دسترسی فیزیکی تنها یکی از عناصر دسترسی و استفاده کارآمد از فناوری اطلاعات و ارتباطات است. مالکیت محلی و توسعه ظرفیت تضمین خواهند کرد، افراد، جوامع و سازمان‌ها می‌توانند از سیستم‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات نگهداری و استفاده کنند و از مزایای آن بهره مند شوند. سیوچرو و جرالده^۱ در فناوری‌های نوآور و شبکه‌های مبتنی بر جامعه، مالکیت را به عنوان فرآیند بین المللی سازی مسئولیت فرآیند توسعه و پیامدهای آن و بنابراین اشتیاق برای سرمایه گذاری در منابع و

^۱ Siochru and Girard

فعالیت‌های قابل ملاحظه تعریف می‌کنند. به طور کلی، مالکیت پیش نیاز پایداری اقدام توسعه در نظر گرفته می‌شود (Vermeiren et al., 2022; M. Wang & Debbage, 2021).

۲-۴-۸- سیاست‌های توسعه در حاشیه‌ی شهر

سیاست‌های توسعه شهری در کشورهای توسعه یافته به ویژه در اروپای غربی و آمریکای شمالی، در طی دو دهه گذشته، عمدتاً بر برنامه‌های بهسازی، توسعه حاشیه‌ی و توانمندسازی شهری متمرکز بوده است (Navarro-Yáñez & Rodríguez-García, 2020). هدف از اجرای سیاست‌های توسعه حاشیه‌ی شهری و برنامه‌های تجدید حیات شهری، ارتقاء شرایط کیفی زندگی در سکونتگاهها از طریق ایمن سازی و مقاوم سازی ساختمانها، توسعه و بهبود زیرساخت‌های شهری، تأمین خدمات شهری موردنیاز، آموزش ساکنان، ایجاد فرصت‌های شغلی، تقویت نهادهای مدیریتی محلی و دفاتر خدمات محللای مردم نهاد، الگوسازی و ترویج قواعد و دستورالعملهای کیفی ساخت و ساز است (Cicione & Walls, 2021).

سند برنامه‌ریزی منتشره در سال ۲۰۰۰ میلادی توسط دولت فرانسه، برنامه شهرهای اجتماعی در آلمان، سند به سوی یک نوزایی شهری، در انگلستان و برنامه شهرهای بزرگ در هلند از سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط در این زمینه اند (Navarro-Yáñez & Rodríguez-García, 2020). کشورهای اروپای غربی هر یک با توجه به ساختار سیاسی و نظام برنامه‌ریزی شهری خود بدین امر مبادرت ورزیده اند (Murakami & Kato, 2020)، ولی علی‌رغم تفاوتها در قوانین، برنامه‌ها و مدل‌های مواجهه بین کشورها، اسناد و قوانین فوق‌نشان از توجه ویژه آنها به موضوع ارتقاء محیطی، توسعه اقتصادی و شمول اجتماعی است که پایه‌های اساسی سیاست توسعه حاشیه‌ی شهری را تشکیل میدهند (Nikuze et al., 2019). توسعه حاشیه شهری مبتنی بر اصولی است که اجرای موفق طرحهای توسعه شهری در گروهی در نظر گرفتن این اصول می‌باشد:

- توجه به حفظ ارزش‌های فرهنگی، ثروتهای بومی و تاریخی و حفاظت بافت تاریخی؛
- شرکت دادن گروه‌های اجتماعی در فرآیند توسعه شهری؛
- انتقاد از ساخت و سازهای دارای یک نوع کاربری به جای کاربری متعدد؛
- انتقاد از درگیری بیش از اندازه و مستقیم دولت در امر توسعه؛
- توجه به اقدامات کیفی به موازات اقدامات کمی؛
- تأکید بر اشتغال، کاهش فقر و افتراق اجتماعی، تأمین امکانات اجتماعی و آموزش به جای نوسازی صرفاً فیزیکی؛
- توجه به مدیریت در امر حفاظت شهری؛
- توجه به بستر اجتماعی از طریق تحقق ظرفیتهای آموزشی افراد؛
- تأکید بر متغیرهای گوناگون جهت تحقق توسعه پایدار؛

- مشارکت چندبخشی با تأکید بر نقش جوامع محلی؛
- قبول منحصر به فرد بودن مکان، چارچوب‌های سازمانی و فضایی برای توسعه حاشیه‌ی، هم به لحاظ مکانی و هم در طی زمان؛
- قبول این موضوع که برنامه‌های اجرایی باید همسو با شرایط اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و مدیریتی جرح و تعدیل یابند؛
- معرفی یک چشم انداز راهبردی دراز مدت (Badia & Jenelius, 2021).

۲-۴-۹- رویکردهای توسعه در حاشیه‌ی شهر

رویکرد محافظه کارانه، پیروان این نظریه بر این باورند که تا حد امکان از هر گونه دخالت در وضع موجود باید پرهیز کرد. جان راسکین^۱ در این باره می‌گوید: شناخت یک بنای باستانی به منزله یک سند تاریخی است و برای حذف بخشهای ناهماهنگ با اضافه کردن بخش‌های تازه و استحکام بخشیدن به قسمتهای ناپایدار و خطرناک، نباید اقدامی انجام شود.

رویکرد رادیکال، پیروان این نگرش برای مداخله در بافت‌های قدیمی شهرها، دگرگون کردن بافتهای کهن را با حفظ آثار فرهنگی ارزشمند تجویز می‌کنند و تخریب و نوسازی، به عنوان تنها راه حل پیشنهادی مطرح می‌شود.

رویکرد عقلایی، مبانی نظری این گروه مرمت، باز زنده سازی و نوسازی مشروط در بافت‌های قدیمی است. لئوناردو بنه ولوه^۲، استاد دانشگاه ونیز با اتکا به چنین نظریه ای، ضمن اینکه مراحل مختلف شکل‌گیری شهرها در طول تاریخ (از انقلاب کشاورزی تا انقلاب صنعتی) را شرح می‌دهد (Yeboah et al., 2021) و نحوه ی نابودی آنها را بیان می‌کند، در نهایت چنین نتیجه‌گیری می‌کند که چنانچه بخواهیم شهر کهن را حفظ و حراست کنیم، باید نظم نوینی از اداره شهرها به دست آوریم. بنه ولو مطرح می‌کند یک شهر کهن را باید هنگامی مورد حفاظت و مرمت قرار داد که طرح جامع با هدف بهتر کردن شرایط زندگی مردم تدوین شده باشد.

ابنزر هاوارد و جنبش باغشهر تجربه‌ای در ایجاد جامعه‌ای که ترکیبی از مزیت‌های زندگی پرتکاپوتر و زنده شهری و زیبایی‌ها و لذت موجود در روستاها باشد را ارائه دادند (Jasiński, 2021; Kuffer et al., 2019). اگرچه تنها شمار محدودی از باغشهرها (لچورث و ولوین) دقیقاً مطالب یا نظریات اصلی هاوارد ساخته شدند، اما تأثیر جنبش باغشهر بسیار قابل توجه بوده است (Foa & Nemirovskaya, 2019). در ادامه پس از جنگ جهانی دوم در حالی که فقط نوسازی شهری (نوسازی کالبدی) نمی‌توانست برای بسیاری از مشکلاتی که یک شهر ویکتوریایی را در بر گرفته بود راه حلی قطعی ارائه کند، اجرای برنامه‌های افزایش سلامت عمومی شهری مانند برنامه‌های کاهش جمعیت و ریشه کنی بیماری‌ها،

¹ John Roskin

² Leonardo Benevolo

فصل دوم: مبانی و چارچوب نظری و مفهومی؛ انتخاب تئوری‌ها و تبیین‌کننده‌ها

به آرمی سبب بهبود شرایط زندگی شهری شد. با هدف فراتر از حرکت کردن از این اهداف محدود و جستجو برای ایجاد یک محیط نمونه که در آن بتوان به رفاه اجتماعی و بهبود شرایط کالبدی دست پیدا کرد عنصر سوم یعنی «توسعه حاشیه‌ی شهری»، ارائه شد (Peirson & Ziervogel, 2021). به طور کلی وجود مشکلات و فرصت‌های تاریخی مسائل شهری زیر، بنیان حرکت به سمت توسعه حاشیه‌ی شهری را فراهم کرد:

- ارتباط بین وضعیت کالبدی شهرها و واکنش‌های اجتماعی
- نیاز مستمری که بسیاری از عناصر بافت شهری برای جایگزین کالبدی بهتری داشتند؛
- اهمیتی که رشد اقتصادی به عنوان زیربنای شکوفایی شهری و افزایش کیفیت زندگی شهرنشینان داشت؛
- نیازی که به بهترین استفاده ممکن از اراضی شهری و اجتناب از جابه‌جایی جمعیتی غیرضروری را ایجاب می‌کرد؛

۲-۴-۱۰- الگوی زمین در حاشیه‌ی شهر

الگوی تولید زمین یا تملک مهمترین گام اجرایی در روند نوسازی بافت‌های حاشیه‌ی می‌باشد. اغلب طرح‌ها در همان مراحل آغازین و به دلیل فراهم نشدن زمینه‌های تملک به بن بست می‌رسند (Sun et al., 2021; Tong et al., 2020). در این خصوص، الگوهای قابل تعمقی در جهان تجربه شده که هر کدام از آنها می‌تواند در مواردی راه‌گشا باشد (Denis et al., 2021). غیر از مکانیزم‌های برنامه‌ای نحوه جلب مشارکت مردم در خصوص موضوع یاد شده و به فرض مهیا شدن زمین‌های واگذاری املاک جهت نوسازی بافت، بایستی در فرایند اجرایی تملک دامنه و اولویت‌های آن را نیز مشخص نمود (Namdeo et al., 2019; O'Connor & Fredericks, 2018). این اولویت‌ها عبارتند از:

- تملک مسیر شبکه پیشنهادی طرح تفصیلی ویژه نوسازی (Carpentieri et al., 2022)
- تملک محدوده واحدهای مسکونی جایگزین (پروژه‌های نوسازان) (Arnberger et al., 2022)
- تملک محدوده پروژه‌های مختلط (Y. Chen, 2022)
- تملک محدوده نقاط تحریک توسعه بر مبنای منظر شهری (Carpentieri et al., 2022)

۲-۴-۱۱- الگوی تولید سرمایه در حاشیه‌ی شهر

منابع نهفته‌ای در شهر وجود دارد که از آنها استفاده درستی به عمل نمی‌آید و اتکای سیاستمداران شهری اصولاً به منابع و پول نقد است، می‌توان به طرق گوناگون منابع یادشده و پراکنده شهری را احیاء کرد (Majewska, Denis, Jarecka-Bidzińska, Jaroszewicz, & Krupowicz, 2022). در

این خصوص طرح‌های جامع شهری می‌توانند با پیشنهاد کاربری‌های ارزش آفرین نظیر بورسها و مراکز مختلف تجاری اداری در مناطق فقیر و حاشیه‌ی شهری، زمینه‌های لازم جهت نوسازی بافتهای حاشیه‌ی را فراهم سازند (Pineda-Pinto et al., 2021). چنین نگاه‌های کل نگر با جذب سرمایه گذاران، صرفه‌های اقتصادی فرایند نوسازی و توسعه پایدار شهری را تضمین می‌کند (Lisa, Christian, 2021). (Karen, & Blake, 2021).

۲-۴-۱۲- الگوی ساخت مسکن در حاشیه‌ی شهر

برآورد می‌شود که حدود ۲۰ درصد از کل جمعیت جهان فاقد مسکن مناسب است. با توجه به ساکنان جهان در حال توسعه، بنابر برآوردها، دست کم یک پنجم و احتمالاً بیش از نیمی از جمعیت آن در مسکن‌های زیر استاندارد زندگی می‌کنند، در حالی که دولت‌های این کشورها تمایلی به تأمین مسکن با استاندارد بالا ندارند و یا از عهده آن بر نمی‌آیند. در اکثر شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه، بیش از یک میلیون نفر در سکونتگاه‌هایی زندگی می‌گذرانند که به طور غیر قانونی و غیر رسمی شکل گرفته اند و از آب لوله کشی و خدمات بهداشتی کم‌تر برخوردارند، یا اصلاً برخوردار نیستند. این ساکنان غالباً قادر به تأمین حتی کوچک‌ترین یا ارزان‌ترین خانه‌ای نیستند که از مجراهای قانونی و با امکانات حرفه‌ای ساخته شده و دارای تسهیلات اولیه باشد. اکثر مسکن‌های موجود خودساخته یا خوداحداث هستند و ساکنان آن خود سازماندهی و ساخت مسکن خود را بر عهده داشته اند.

از مسائلی که به نظر می‌رسد در بسیاری از شهرهای جهان در حال توسعه وجود دارد، پدیده " مسکن کم درآمدها" است. افراد کم درآمد، از راه‌های گوناگون و اغلب غیر قانونی از جمله تصرف جمعی زمین، می‌کوشند امتیازاتی را برای بدست آوردن مسکن کسب کنند. این سکونتگاه‌ها، حاصل عدم دخالت حساب شده دولت در برنامه‌ریزی قانونی و محور واقع شدن اعمال سلايق فردی در حوزه مسکن در جهان در حال توسعه است؛ مشخصه این سکونتگاه‌ها، فقدان برنامه ریزی، نامنظم بودن و ماهیت غیر رسمی شان، یا منشاء تصرف جمعی زمین است (Daniels, 2021). این توسعه آشفته یا شتابان، به صورت خلاصه در قالب "خودانگیخته" توصیف می‌شود. به این ترتیب، اگرچه برنامه‌ریزی بیشتر سکونتگاه‌های کم درآمد در چارچوب معماری و برنامه‌ریزی حرفه‌ای انجام نشده است، بسیاری نتیجه آینده نگری حسابگرانه ساکنانشان به ویژه آنان که علیرغم توصیه دولتمردان مخالف تصرف زمین‌ها را سازمان می‌دهند، به شمار می‌روند..... در نهایت، اصطلاحات "خودیار" و "خودساخته" در دلالت بر این معنا مفید هستند که ساخت این خانه‌ها معمولاً بر عهده افراد متخصص نیست.

ساز و کارهای صنعتی در ساخت: تردیدی نیست که با مکانیزم‌های ساخت و ساز فعلی، امکان نوسازی عرصه‌های گسترده بافتهای حاشیه‌ی شهری نه به لحاظ کمی و نه کیفی ممکن نیست (Foa & Nemirovskaya, 2019). این نوع مداخله به دلیل وضعیت نامناسب بافت، تخریب و ساخت

مکان‌های جدید مانند بناهای مسکونی، پارکها و غیره را شامل می‌شود (Junxi Qian, 2022). مهم‌ترین مراحل و اقدامات بازسازی شامل تخریب، آواربرداری، پاک‌سازی و دوباره‌سازی می‌باشد (Pineda-Pinto et al., 2021). بازسازی محدوده‌هایی از بافت‌های حاشیه‌ی شهر را در برمی‌گیرد که با سه معیار فرسودگی (اولویت اول مداخله) بالاترین میزان تراکم را دارند (Yigitcanlar, Degirmenci, Butler, & Desouza, 2022). در این نوع از مداخله، بافت دگرگون شده و شرایط جدیدی در آن ایجاد می‌شود (pourrajabi & Bijani, 2021). اقدامات بازسازی در بافت‌های حاشیه‌ی ، به صورت تخریب، پاکسازی و دوباره‌سازی است (Pineda-Pinto et al., 2021). طرح‌های بازسازی، با توجه به وسعت و مقیاس مداخله نیازمند طرح موضعی و موضوعی و سرمایه‌گذاری در مقیاس کلان است (López, 2020). پیش‌بینی میزان و نحوه سرمایه‌گذاری، عامل مؤثری در تدقیق این گونه طرح‌ها خواهد بود (وزارت مسکن و شهرسازی، برای ساماندهی و چگونگی مداخله در بافت‌های حاشیه‌ی و تحقق‌پذیری اقدامات لازم، توجه به موارد و جنبه‌های زیر ضروری است:

۲-۴-۱۳- ملاحظات زیست محیطی در حاشیه‌ی شهر

هدف از مداخله در بافت‌های حاشیه‌ی ، ایجاد بافت‌های پایدار است (Mitlin & Satterthwaite, 2012). بی‌توجهی به این امر با توجه به تجارب ملی و جهانی، همواره موجب شکست طرح‌ها شده است (Pourrajabi & Ghobadi, 2020). منظور از پایداری بافت شهری، پایداری همه‌جانبه از جهات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره است. بدین منظور توجه به ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، کارکردی و زیست محیطی در امر بهسازی، نوسازی و بازسازی بافت‌های حاشیه‌ی ضروری است و برنامه‌ریزی صرفاً کالبدی، تحقق‌پذیری طرح‌ها را دشوار می‌سازد (Pera, 2020)

۲-۴-۱۴- تأمین خدمات و زیرساختها در حاشیه‌ی شهر

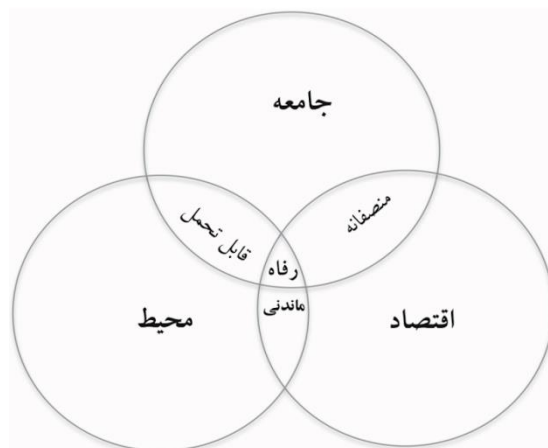
کمبود زیرساختها و تسهیلات شهری، یکی از مشکلات اساسی بافت‌های حاشیه‌ی است (Esposito, Clement, Mora, & Crutzen, 2021). وضعیت خدمات شهری و میزان برخورداری جمعیت ساکن از خدمات ضروری، یکی از الزامات ساماندهی بافت‌های حاشیه‌ی است (Kozina et al., 2021). فعالیت غالب در بافت حاشیه‌ی (مسکونی، خدماتی، تولیدی و غیره) مشخصه اصلی برای کارکرد آن است (Bevan & Wilson, 2013). اکثر محدوده‌های حاشیه‌ی شهر، مسکونی است (Y. Lee & Guhathakurta, 2018). افزایش کاربری‌های ناسازگار، در بافت مسکونی در برخی از محدوده‌ها، سبب افزایش فرسودگی و دگرگونی در کارکرد و نقش محدوده‌های مسکونی شده است (وزارت مسکن و شهرسازی، اما ورای تمامی این ملاحظات که عمدتاً نگاهی کالبدی و فیزیکی به شناسایی بافت‌های قدیمی و حاشیه‌ی داشته و متعاقباً راه‌حل‌های کالبدی نیز برای آنها متصور است (Falco et al., 2019)، این

واقعیت مهم وجود دارد که طی چند دهه اخیر (به ویژه از ۱۹۸۰ به بعد) احیای بافت‌های حاشیه‌ی شهری از فرم ساده بازسازی، نوسازی و توان بخشی به بافت‌ها و زیرساخت‌های حاشیه‌ی شهری به مرمت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دگرگون شده است (Reynolds et al., 2021). یعنی در سیر تحولی و تکاملی خود از رویکردهای اخیر در جست و جوی تعامل: توجه به کالبد به توجه به معنا رسیده است (Dobruszkes et al., 2021). اجتماعی و مشارکت بازیگران محلی، نوسازی فرهنگی و اجتماعی، توجه و تأکید بر شخصیت محلی و ویژگیهای فرهنگی و بومی می‌باشد (Carnemolla et al., 2021). از سوی دیگر مرمت شهری در مفهوم جدید و در وجه اقتصادی آن، فعالیتی منفرد و متنوع از سایر بخشها نیست که توسط یک سرمایه گذار یا یک مشوق صورت گیرد (Amponsah et al., 2022). مرمت شهری یک فعالیت استراتژیک، دراز مدت، بطنی، پیچیده و چندبخشی است که نیازمند سرمایه گذاری کلان، تعهد و التزام دراز مدت و مشارکت همه بازیگران اعم از بخش خصوصی، عمومی و مردم در این عرصه است (Bhuyan et al., 2020)؛ بنابراین علاوه بر توجهات کالبدی-فیزیکی صرف به این گونه بافت‌های حساس بایستی رویکردهای اجتماعی و اقتصادی نیز لحاظ گردد تا حیات اجتماعی و اقتصادی این بخش کهنه و عقب مانده از فرایند رشد و توسعه شهری به عنوان بخشی از پیکره شهر به آن بازگردانده شود (S.-T. Liu, 2020). مروری بر تجربیات کشورهای مختلف دنیا به ویژه در کشورهای پیشرفته نشان میدهد که ورای نگاه‌ها و تعاریف صرفا فیزیکی که تنها یکی از جنبه‌های تعیین و تعریف بافت‌های قدیمی و حاشیه‌ی است، نگاه‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی نیز در این حوزه‌ها وجود دارد (Bhuyan et al., 2020; Xia et al., 2021; C. Xu et al., 2022). این واقعیت در کلان شهری مانند تهران با دارا بودن این وسعت قابل توجه از بافت‌های قدیمی و حاشیه‌ی و در موارد بسیاری با ارزش‌های تاریخی و فرهنگی اهمیت دوچندان می‌یابد (pourrajabi et al., 2019).

۲-۴-۱۵- مداخلات شهری در حاشیه‌ی شهر

از دهه ۹۰ میلادی به این سو، دگرگونی‌هایی در رویکرد توسعه حاشیه‌ی در ابعاد مختلف صورت پذیرفت که در همسویی با بحث‌های توسعه پایدار نیز مورد توجه قرار گرفتند. در سال ۱۹۹۶ (هاپکینز و دیگران) پارادایم نوینی را معرفی می‌نمایند که هرگونه طرح توسعه حاشیه‌ی می‌بایست به تمایلات و سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی واقعی، مرتبط با مسائل گسترده تری توجه داشته باشند (H. Park et al., 2019). بلک من نیز اذعان می‌دارد که: «هرگونه تلاشی برای ادغام توسعه حاشیه‌ی شهری و توسعه می‌بایست به عنوان اصل راهبر و بنیادی سیاست شهری آینده، اهداف پایداری را در بر داشته باشد» (Peris, Meijers, & van Ham, 2021). مفهوم توسعه حاشیه‌ی به واسطه مدنظر قرار دادن توأمان ابعاد محیطی، اجتماعی و اقتصادی بیشترین پیوند را با مفهوم توسعه پایدار دارد (Sun et al., 2020; Tong et al., 2021). نقطه تلاقی این دو با یکدیگر بر عقلایی کردن توسعه و دستیابی به برآیند مثبت اثرات متقابل عوامل

محیطی، اجتماعی و اقتصادی قرار دارد. (عمران و بهسازی شهری ایران، ۱۳۹۴: ۸) رابرتز نیز بیان می‌دارد که: توسعه حاشیه‌ی شهری قصد دارد، نیروها و عوامل مختلفی را که موجب انحطاط شهری میشوند، شناسایی کرده و پاسخ مثبت و پایداری فراهم آورد که به بهسازی دائمی کیفیت زندگی شهری بیانجامد (Tong, Yuan, Wang, & Wu, 2020). همچنین شراکت، راهبرد و پایداری، گروهی از رویکردها را شکل میدهند که نیروی محرکه توسعه حاشیه‌ی موفق هستند (Falco et al., 2019).



نمودار ۲-۱- ارکان مداخلات توسعه‌ی و اثرات متقابل آنها

بافتهای حاشیه‌ی امروزه به دلیل تغییر و تحولاتی بسیار سریعی که در شهرها و روند توسعه آنها اتفاق افتاده است، دچار نارسایی‌های عملکردی، کالبدی، زیست محیطی و اجتماعی - اقتصادی شده اند که نیازمند برنامه‌ریزی جهت مداخله هماهنگ با توجه به ویژگیهای خاص بافت‌ها می‌باشد (Mitlin & Satterthwaite, 2012). بر اساس مطالعات و تحقیقات به عمل آمده قریب نیمی از واحدهای مسکونی شهر تهران به دلیل عدم رعایت ملاحظات فنی، به ویژه سازه نامناسب و استفاده از مصالح بی دوام و کم دوام، در برابر زلزله غیر مقاوم و ناپایدار است.

نوسازی و بهسازی شهری پیشینه بسیار طولانی دارد. با آغاز ساخت نخستین شهرها به دست بشر، بهسازی و نوسازی شهری هم آغاز شد. به نظر بعضی از محققان، نوسازی و بهسازی شهری مربوط به سال‌های پس از انقلاب صنعتی به ویژه قرن نوزدهم به بعد است (Jiale Qian et al., 2021). عناصر و فضاهای بافت شهری عمری محدود دارند و با گذشت زمان دچار تغییر و فرسودگی میشوند. به عبارتی دیگر هیچ فضایی و بنایی بدون بهسازی و نوسازی و مرمت نمی تواند دوام و بقای طولانی داشته باشد (Y. Lee, Circella, Mokhtarian, & Guhathakurta, 2019).

الف) ضرورت اجتماعی بهسازی و بازسازی شهر

بافت‌های قدیمی به دلیل قدمت و فرسودگی و تخریب ناشی از آن و کمبود و حتی نبود تأسیسات و تجهیزات شهری، دچار نارسایی‌هایی در پاسخگویی به نیازهای امروز زندگی شده‌اند. به همین دلیل جمعیت بومی ساکن این بافت‌ها به حاشیه شهرها مهاجرت می‌کنند و مهاجران روستایی و اقشار کم درآمد جایگزین آنها می‌شوند (Nakamura, 2019). تنها انگیزه ساکنین جدید برای زندگی داشتن یک سرپناه است. آنها در این بخش از شهر با توجه به نازل بودن قیمت مسکن اسکان می‌یابند (Kim, 2020). به تبع آن بی‌ثباتی اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی در این محله‌ها پدید می‌آید و افزایش پیدا می‌کند (Chakraborty et al., 2022). در نتیجه روند فرسودگی و تخریب بافت شهری شدت می‌گیرد (Xiaoguang Wang et al., 2019). زندگی در چنین مکان‌هایی با افسردگی، اغتشاش، هرج و مرج و فقدان مشارکت اجتماعی همراه است و در یک کلام زندگی سالم شهری جریان ندارد (Chakraborty et al., 2022; Denis et al., 2021; Ibraeva et al., 2020). بر این اساس یکی از ضرورت‌های مهم شهر و شهرنشینی عصر حاضر بازسازی و بهسازی این بافت‌های شهری است (Foord & McLaughlin, 2019).

از طرف دیگر به لحاظ بعد فرهنگی و اجتماعی باید توجه داشت که حفظ یک فرهنگ یکپارچه و مسنجم یکی دیگر از مسائل بحث برانگیز در فرآیند نوسازی شهری است (Cobbinah et al., 2022). فرهنگ را میتوان تحت عنوان شیوه زندگی مردم، احساس جمعی، تاریخ، سنت‌ها و ارزشهای مشترک تعریف کرد (Foord & McLaughlin, 2019)؛ بنابراین فرهنگ شهری با محیط شهری مصنوع و ساختار اجتماعی آن ارتباط مستقیم دارد و با تغییرات این دو فرهنگ شهری نیز دچار تغییر می‌شود (Raza et al., 2020). تغییرات ایجاد شده از طریق نوسازی شهری در محیط اجتماعی، طبیعی و مصنوع یک شهر می‌تواند آثاری جدی بر فرهنگ شهری برجای گذارد؛ بنابراین حصول اطمینان از اینکه در فرآیند نوسازی شهری فرهنگ ملی از بین نمی‌رود، امری ضروری است.

ب) ضرورت اقتصادی بازسازی و بهسازی شهر

از آنجا که بافت‌های قدیم بیشتر در بخش مرکزی شهرها واقع شده و عمدتاً بازار را در خود جای داده‌اند (Saharan et al., 2019)، مجموعه شهری امتیاز و موقعیت مکانی بسیار خوبی دارند، بر این اساس امتیازهای اقتصادی بسیاری به شرح زیر دارند: ۱) سهولت دسترسی به تمام نقاط شهر و خدمات رسانی تسهیلات شهری از مرکز شهر ۲) وجود زمین‌های رشد و توسعه صنعت توریسم از طریق صنایع دستی و کوچک بومی هر ناحیه جغرافیایی ۳) وجود توان بالقوه مناسب برای توسعه مناطق مسکونی ۴) دارا بودن امکانات و تأسیسات زیربنایی هرچند اندک در مقایسه با زمین‌های بکر حاشیه شهر (Mitlin & Satterthwaite, 2012). وجود چنین امتیازهای اقتصادی ضرورت توجه به امر بهسازی و نوسازی این گونه بافت‌ها را دوچندان می‌کند.

۲-۴-۱۶- روش‌های بازسازی و بهسازی در حاشیه‌ی شهر

برخی از محدوددها علی‌رغم برخورداری از معیارهای فرسودگی به لحاظ ویژگی‌های فضایی خاص و در اکثر مواقع قدمت زیاد، جزء محدوده‌های ارزشمند شهر محسوب می‌شوند (Watanabe et al., 2022). این محدوده‌ها که عمدتاً بافت‌های روستایی و تاریخی شهر را در برمی‌گیرند، مشمول ضوابط مداخله در بافت‌های ارزشمند شهر بوده و نوع مداخله در آنها بر اساس میزان فرسودگی تعیین نمی‌شود (T. Liu, Huang, Tan, & Kong, 2020).

روش تملک اجباری

در این روش دولت پس از ارزیابی زمین‌های داخل منطقه و تصویب قوانین لازم، نسبت به خریداری و تملک زمینها اقدام می‌نماید. در این روش توانایی و قدرت دولت برای اجرای مناسب پروژه‌ها با سرعت بالا رخ می‌دهد (Latham & Natrass, 2019).

روش داوطلبانه

از روش داوطلبانه تملک زمین معمولاً هنگامی استفاده می‌شود که صاحب زمین تمایل دارد که اجازه ساخت و ساز مثلاً برای ساخت یک خانه بگیرد (Haque, Lemanski, & de Groot, 2021). اصل اساسی در این روش این است که محدوده نقطه ثبت شده مجدداً با توجه به نقشه‌های تخصیص مناطق و منطقه‌ای تفکیک شود (Han, Lee, Yu, & Dejno, 2021). بر اساس شرایط و نیازمندیهای منطقه‌ای مناسب بودن قطعه ثبت شده توسط شهرداریها مورد بررسی قرار می‌گیرد (Essounga & Njiei, 2021). اگر قطعه مورد نظر شرایط لازم را نداشته باشد، آنگاه مالک باید دنبال راه حلی دیگر برای ایجاد شرایط لازم باشد (Falco et al., 2019). در این موارد چندین راه حل موجود، اجزای کوچکتر شخصی: اگر قطعه ثبت شده موجود به اندازه کافی بزرگ باشد، بنا بر در طی تقسیم زمین توسط یک بازرس قسمتی از زمین که در منطقه استفاده عمومی قرار می‌گیرد را به بخش خصوصی تخصیص می‌دهیم. برای ثبت واحد جدید نقشه‌های تقسیم زمین و دیگر مدارک مربوطه باید توسط شهرداری و دفتر ثبت املاک و اراضی مربوطه تأیید شوند (Reina-Usuga, Parra-López, & de Haro-Giménez, 2022; Scarwell & Leducq, 2021). این گزینه‌ها به این گونه هستند:

الف- ادغام کردن قطعات اراضی دارد که مالک برای اجازه ساخت و ساز می‌تواند انتخاب کند. ب- تقسیم کردن: هنگامی که قطعات اندازه مناسب برای اجرای اهداف نقشه را نداشته باشد، ساکنین زمین میتوانند قطعات خود را با قطعات مجاور ادغام کنند. ج- تبادلات محدوده‌ای: اگر قطعه زمین موجود شکلی بی‌قاعدگی داشته باشد، محدوده‌های قطعه تجمیع شده می‌تواند مجدداً مرزبندی شود یا بخشی از محدوده زمین می‌تواند بین مالکین زمین‌های مجاور مبادله شود (Sanyal, 2017).

۲-۴-۱۷- طرح‌های توسعه‌ی در حاشیه‌ی شهری

الف - طرح‌های راهبردی ساختاری: این طرح بافت قدیم را با توجه به نقش و جایگاه آن در کل شهر مطالعه می‌کند. طرح راهبردی- ساختاری با بررسی قابلیت‌ها، توان‌های بالقوه، مسائل و مشکل‌ها و نیازهای منطقه، سیاست‌ها و راهبردهایی را به منظور توسعه در مقیاس کلان، ارائه می‌دهد. این طرح از ورود به مسائل جزئی پرهیز دارد (Kimpton et al., 2021).

ب- طرح‌های ویژه موضعی: این طرح ضمن ارائه پیشنهادهای کلی در زمینه کاربری، دسترسی و تراکم، محدوده‌های همگن را شناسایی و حوزه‌های مختلف مداخله را اعم از بهسازی، نوسازی و تعیین ضوابط و مقررات کلی مداخله در هر حوزه را پیشنهاد می‌کند (Haque et al., 2021).

ج- طرح‌های طراحی شهری: این طرح در محدوده‌هایی تهیه می‌شود که قبلاً در طرح‌های بهسازی تعیین شده‌اند. پروژه‌های طراحی شهری، پیشنهادهایی را به منظور ساماندهی سیما، منظر و فضای شهری ارائه می‌کند (Korah, Osborne, & Matthews, 2021).

د- طرح‌های مرمت: طرح‌هایی هستند که به منظور مرمت و احیای ابنیه تاریخی تهیه می‌شوند. این طرح‌ها ضمن ترمیم خرابی‌های گذشته و آسیب‌های وارد بر بنا، موضوع احیاء و عملکرد جدید به این بناها را متناسب با نیازهای زندگی روزمره در نظر دارند (Kwon, 2021).

ه- طرح‌های معماری: طرح‌هایی هستند که می‌توانند در هر دو حوزه بهسازی و نوسازی تهیه و به اجرا در آیند که مهمترین ویژگی این طرح‌ها، استفاده از ارزشهای معماری گذشته است (Krajewska, Szopińska, & Siemińska, 2021).

ارزیابی تجارب دیگر کشورها نشان می‌دهد که انجام این امر خطیر از عهده یک دستگاه دولتی و یا یک نهاد عمومی به تنهایی بر نمی‌آید لذا پیشبرد و تحقق اهداف و برنامه‌های بهسازی و نوسازی بافت‌های حاشیه‌ی شهری، مستلزم رویکردی جامع و هماهنگ و برنامه‌ریزی با مشارکت کلیه دست‌اندرکاران ذیربط است (Badia & Jenelius, 2021; Kimpton et al., 2021; You et al., 2020). لذا به دلیل ضرورت‌ها و مزیت‌های اجرای طرح توسعه حاشیه‌ی بافت‌های حاشیه‌ی، توجه به این موضوع را مورد توجه برنامه‌ریزان، مدیران و متخصصان شهری در حوزه‌های مختلف قرار داده است. در این راستا توجه جدی به این موضوع مورد توجه دولت دهم قرار گرفت (Cobbinah et al., 2022).

ارزیابی و تحلیل بیش از دو دهه اقدام برای بهسازی و نوسازی بافت‌های حاشیه‌ی شهری بیانگر این است که بدون حضور و مشارکت گسترده ساکنان، مالکان و سایر دست‌اندرکاران امر بهسازی و نوسازی شهری، امکان موفقیت و تحقق اهداف این برنامه‌ها غیرممکن است (Falco et al., 2019). از ابتدای شروع برنامه بهسازی و نوسازی بافت‌های حاشیه‌ی در کشور در سال ۱۳۷۲ تا قبل از برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، دولت جمعا ۳۲۰۰ میلیارد ریال در قالب طرح تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (عمرانی) و تضمین تسهیلات بانکی در این بخش سرمایه‌گذاری کرده است. در دوران برنامه

چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) این سرمایه‌گذاری با افزایش بیش از ۲۰۰ درصد به ۹۹۰۰ میلیارد ریال رسیده است (Ebrahimi & Gangi Khezerlak, 2015). با این وجود تاکنون بخش بسیار ناچیزی از مجموع ۶۷ هزار هکتار بافت حاشیه‌ی و ۳۲ هزار هکتار سکونتگاه‌های غیررسمی شناسایی شده، بهسازی و نوسازی شده است (Kimpton et al., 2021).

براین اساس شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران به عنوان نهاد تخصصی دولت در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت فرآیند بهسازی و نوسازی بافتهای حاشیه‌ی شهری، با اتخاذ رویکرد بسترسازی، مجموعه فعالیتهای خود را در دو دسته نرم افزاری (غیر کالبدی و اقدامات سخت افزاری (کالبدی) تقسیم کرده است (Fotros et al., 2022). اقدامات نرم افزاری یا غیر کالبدی به مجموع برنامه‌ها و فعالیت‌هایی در جهت فرهنگ سازی، ظرفیت سازی، نهادسازی و ابزارسازی اطلاق می‌گردد که از طریق آموزش، اطلاع رسانی، مستندسازی، ترویج، برنامه‌ریزی و تهیه طرح، بستر لازم برای تحقق برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری با حضور حداکثری مردم را فراهم می‌سازد (Basu et al., 2021). اقدامات سخت افزاری نیز مجموعه اقدامات کالبدی را در برمی‌گیرد که با هدف ایجاد تحریک توسعه زمینه‌های لازم برای حضور ساکنان و مالکان، انبوه‌سازان و سرمایه‌گذاران و سایرین را در فرآیند بهسازی و نوسازی بافتهای حاشیه‌ی و ناکارآمد فراهم می‌نمایند (Saunders et al., 2016). الگوسازی، ارتقا و توسعه زیرساخت‌های شبکه معابر و تجهیز و گسترش فضاهای عمومی، توسعه و تأمین خدمات شهری محله‌ای از جمله زمین بازی، پارک محله‌ای، کتابخانه، مسجد و خانه محله، طرح‌های ویژه نوسازی و عمران شهری، مرمت و باز زنده سازی ابنیه ارزشمند و بهسازی و نوسازی بلوکهای شهری از طریق شیوه‌های اجرایی همچون سهامدار پروژه، تنظیم مجدد زمین، مشارکت واحدی و محله‌ای از مجموع اقدامات در این گروه به شمار می‌روند (Chakraborty et al., 2022).

۲-۴-۱۸- تحولات در حاشیه‌ی شهر

دو شاخص کامیابی لگاتوم و پیشرفت اجتماعی ابعاد نسبتاً متنوعی از توسعه را دربر گرفته اند که شامل وضعیت محیط اجتماعی، اقتصادی، توانمندی‌های فردی، و محیط زیست می‌شوند. شاخص‌های توسعه شهریو شادی بر توانمند شدن افراد و احساس آنها از زندگی تمرکز دارند. شاخص عملکرد زیست محیطی به طور خاص بر کیفیت محیط زیست در کشورها تأکید دارد. شاخص شدت انرژی نسبت مصرف انرژی به تولید ناخالص داخلی را می‌سنجد. شاخص‌های سهولت کسب و کار، رقابت پذیری، حقوق مالکیت و نوآوری؛ محور اصل یشان بررسی اجزای محیط کسب و کار، سهولت ایجاد و اداره کسب و کار، با زبودن اقتصاد، وضعیت بازار و قانون گذاری در این محیط و بحث حقوق مالکیت مادی و معنوی و همینطور نوآوری و فناوری است.

شاخص‌های حکمرانی جهانی و دولت‌شکننده و صلح بر محیط سیاسی متمرکز هستند. این شاخص‌ها کیفیت مقررات سیاسی، توانمندی‌ها و محدودیت‌های دولت، حقوق سیاسی افراد و گروه‌ها، و بحث ثبات، فساد و خشونت‌های سیاسی را پوشش می‌دهند.

۲-۵- برداشت‌های نظری در حاشیه‌ی شهر (نظریه‌ها و الگوها)

گدس^۱ عقیده داشت که مطالعات محیط طبیعی در برنامه‌ریزی شهری، به ویژه در بازسازی و بهسازی، اهمیت زیادی دارد. همچنین معتقد بود در بازسازی و بهسازی شهر باید بنا یا مجموعه‌های شهری با شرایط مکانی و زمانی انطباق و هماهنگی داشته باشد و بهسازی و نوسازی نباید تکرار دیروز باشد، بلکه باید تحول و تداوم آن باشد، همچنان که در طول تاریخ بوده است، البته باید خاطره‌های تاریخی و میراث فرهنگی حفظ شود. آموزش همگانی در بهسازی و نوسازی شهری به کارشناسان، مردم و مسئولان شهر، ضروری است. به اعتقاد «لینچ» باید در فرایند بهسازی و نوسازی شهری، برنامه‌ریزی با مشارکت مردم و مشاوره با متخصصان و هماهنگی با مسئولان و مردم شهر انجام گیرد. به نمایش گذاشتن ارزش‌های تاریخی فرهنگی از هر دوره تاریخی در فضاها و مجموعه‌های شهری و حمایت از موزه‌های فضای باز باید مورد توجه باشد. در نظریه‌ی احیای شهری، این مهم به معنی تجدید حیات یا باز زنده سازی بخش‌هایی از نواحی شهری است که استانداردهای عمومی رایج زندگی شهری را ندارند (Zaręba et al., 2021). این نواحی در بخش‌های مختلف شهر شکل می‌گیرند؛ اما به طور معمول در بخش مرکزی شهرها قرار دارند و با مسائلی همچون کمبود مسکن مناسب، تضادهای غیر منطقی کاربری اراضی، مشکلات ترافیک، محدودیت فضایی، مشکلات اجتماعی و ... دست به گریبان هستند.

۲-۵-۱- نظریه مرکز - پیرامون

طرح مرکز - پیرامون با نظریه‌هایی از گونار میردال، آلبرت هیرشمن و جان فریدمن، در میان نظریه‌های توسعه مطرح شد. این نظریه پردازان به مسیر و وضعیتی معطوف شدند که در آن کشورهای در حال توسعه به طور فزاینده‌ای به دو ناحیه، یکی مرکز مدرن و پیشرفته مرتبط با اقتصاد جهانی و دیگری بخش پیرامونی راکد و سنتی، تقسیم می‌شوند. دشواری یا نارسایی مباحث آن‌ها در این بود که میبپنداشتند تئوری مدرنیزاسیون توسعه به نحو تدریجی تفاوت‌های جغرافیایی در مراحل توسعه اقتصادی کمک خواهد کرد. برای نمونه میردال که عامل اصلی نابرابریهای منطقه‌ای را اثرات قوی بازدارنده (مهاجرت، نوسانات و تحرک سرمایه و تجارت) و اثرات ضعیف محرک (مانند توسعه ایجاد شده در یک منطقه و تاثیر آن بر مناطق دیگر است) در کشورهای توسعه نیافته میداند، راهکاری اجرایی برای قرارگیری کشورها در مسیر مدرن توسعه اقتصادی ارائه نمی‌کند. آن‌ها نشان میدهند که آثار چندگانه سرمایه گذاری به نواحی محلی

¹ Geddes

محدود می‌شود و به راحتی به سایر مناطق یک کشور سرایت نمی‌کنند. تصور میردال از عوامل دورانی، روندی است که در آن، ثروتمندان سود بیشتری می‌برند و تلاش فقرا در بهبود نسبی شرایط زندگی شان را دچار وقفه می‌سازد (Carnemolla et al., 2021). او چنین بحث می‌کند که بجای عوامل تهییر کننده یا انتشاردهنده آثار توسعه، اثرات بازدارنده‌های وجود دارد که منطقه غنی یا ثروتمند، مهاجرین، سرمایه و سرمایه گذاری را جذب می‌کنند. این اثرات به همراه صادرات مواد اولیه و کالاهای کشاورزی، وضعیت نامساعدی برای کشورهای توسعه نیافته، ایجاد کرده که این به زیان رشد و توسعه صنعتی آنهاست؛ نتیجه نهایی آن هم، گسترش تدریجی نابرابریها بین مناطق است. هیرشمن و فریدمن مباحث مشابهی را مطرح می‌کردند، اما در این مورد خوشبین بودند که راههایی برای غلبه بر عدم تعادل‌های منطقه‌ای در درون کشورهای درحال توسعه به وجود خواهد آمد. به عنوان نمونه، با انجام سرمایه گذاری‌های متمرکز در مناطق پیرامونی و با اتکا به آن، نتایج فزاینده و یکپارچه محلی، رشد و توسعه در تمام مناطق تحریک خواهد شد.

اقتصاددان سوئدی گونار میردال چنین عنوان می‌کرد که تفاوت‌های ناحیه‌ای، از پیامدهای طبیعی توسعه اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌آید. رشد و شکوفایی مستمر و فزاینده یک منطقه، ناگزیر بر رشد و توسعه نواحی دیگر اثر می‌گذارد. توسعه اقتصادی با دسترسی به منابع موجود مانند سوخت و مواد اولیه، آغاز می‌شود و تداوم می‌یابد. سرمایه به شکل نیروی کار و سرمایه‌گذاری، از مناطق پیرامون به مناطق درحال گسترش جذب میشوند. در این مرحله، در اثر اصل تاثیر یکپارچه صنایع رو به رشد، منجر به توسعه دیگر صنایع میشوند و این زنجیره عملکردی، یک چرخه یا سیکل رشد اقتصادی را پدید می‌آورد. میردال حرکت منابع طبیعی از مناطق فقیرتر به مناطق ثروتمندتر را تاثیر عوامل بازدارنده نامید و در نهایت معتقد است که ثروت حاصل در منطقه توسعه یافته به منطقه کمتر توسعه یافته، نفوا میکند و این فرآیند را انتشار یا تحریک توسعه نامیده است.

اقتصاددان امریکایی آلبرت هیرشمن (۱۹۵۸)، تئوری خود را شبیه به بحث میردال مطرح کرد. او معتقد است، رشد ناحیه هسته یا مرکز، اصطلاحاً از چرخه‌های مساعد کننده یا حرکت‌های پیش رونده توسعه ناشی می‌شود، و رکود نواحی پیرامون، به واسطه دوایر بازدارنده یا حرکت‌های حلزونی عقب رونده توسعه نیافتگی ایجاد می‌شود. تفاوت میان میردال و هیرشمن نسبت به تعدیل و یا غلبه بر دوگانگی و تضاد میان هسته و پیرامون خوش بینانه‌تر به نظر میرسد. به عقیده هیرشمن، هیچ کشور درحال توسعه‌ای وجود ندارد که به اندازه کافی سرمایه و منابع داشته باشد و بتواند آن را به طور همزمان، در تمام بخش‌های منتخب اقتصادی به جریان اندازد تا توسعه و صرفه جویی‌های اقتصادی به حداکثر برسند (Carpentieri et al., 2022). سرمایه گذاری در این بخشها با ایجاد حداکثر سود اجتماعی و اقتصادی، میتواند مانند موتور محرک رشد اقتصادی برای آنها عمل کند. اغلب جغرافیدانان اظهار میکنند که تمام نظریه‌های توسعه‌ای که تاکنون ارائه شده، بازتاب موقعیت جغرافیایی و اجتماعی کسانی است که آنها را مطرح کرده اند. در

مورد نظریاتی که تا به اینجا، به عنوان نمونه، مورد بررسی قرار گرفتند، موقعیت و شرایط نظریه پردازان کاملاً مشابه اند. همه آنان از طبقه متوسط جامعه و عضو هیئت علمی دانشگاه بوده و از منظر جهان توسعه یافته به موضوع نگرینسته اند. از آنجای یک تجربه و آزمون فرآیند توسعه در برخی کشورها نسبت به کشورهای که این فرآیند به طور کامل تحقق یافته، متفاوت است. از این رو، در ادامه، به بررسی دیدگاه‌های جهان در حال توسعه در مورد توسعه هم پرداخته می‌شود.

دیدگاهی که در این پژوهش در ارتباط با علل مهاجرت مد نظر ما می‌باشد، دیدگاه اورت، اس. لی می‌باشد که به تئوری عوامل جاذبه و دافعه معروف است. به طوری که بر اساس این دیدگاه، دافعه‌های روستایی و جاذبه‌های شهری نقش موثری در ارتباط با چگونگی مهاجرت به شهرها و میزان آن دارند (Dotsey & Lumley-Sapanski, 2021). اورت اس لی در مقاله‌ای تحت عنوان نظریه مهاجرت چهار عامل عمده را در این امر موثر می‌داند، عوامل موجود در مبداء، عوامل موجود در مقصد، موانع موجود در جریان مهاجرت از مبداء به مقصد و عوامل شخصی در هر مبداء یک سری عوامل مثبت (جاذبه‌ها) و عوامل منفی (دافعه‌ها) وجود دارند که در نگاه داشتن فرد در یک منطقه یا مهاجرت او موثر هستند، مثلاً برخورداری مقصد از وجود امکانات آموزشی، اشتغال و درآمد بیشتر در مقایسه با مبداء، مهاجرت را تشویق می‌کند و بالعکس آلودگی محیط زیست، بالا بودن سطح هزینه‌های زندگی، دوری از خانواده و محیط و فرهنگ بومی از عوامل دافعه مهاجرت هستند و ممانعت‌های فیزیکی و یا قانونی نیز بر جریان مهاجرت تاثیر می‌گذارند هر چقدر این موانع بیشتر باشند، میزان مهاجرت کمتر خواهد بود و بالعکس. عوامل دیگر که در مهاجرت موثرند، عوامل شخصی هستند، نظیر سن مهاجر، جنس مهاجر، میزان مهارت مهاجر، و یا وابستگی سیاسی و تعلقات قومی مهاجر (پاپلی یزدی، ۱۳۸۳: ۲۳۰). (همچنین دیدگاهی که در این پژوهش در ارتباط با پیامدهای حاشیه نشینی مد نظر ما می‌باشد، نظریه فرهنگ فقر و محرومیت نسبی می‌باشد.

۲-۵-۲- نظریه ساخت یابی آنتونی گیدنز

گیدنز معتقد است ساختار اجتماع انسانی از دو ویژگی برخوردار است:

- قواعد و قوانینی که در مناسبات اجتماعی و سلسله مراتب نظام اجتماعی تعریف می‌گردد.
 - منابع نظام که در امکانات و تسهیلات بیشتر با جلوه اقتصادی نمود پیدا می‌کند.
- کنشگران اجتماعی از هر دو ویژگی ابعادی این ساختارها بهره می‌برند و در فرآیند کنش متقابل آنها با شکل‌گیری الگوهای متغیری از نهادها و سازمان‌های انسانی به توزیع منابع ساختاری پرداخته و این روند در گستره زمانی مکانی بازتولید دگرگون و ساخت یابی می‌گردد (Cheliz et al., 2021). ساختار اجتماعی منطقه‌ای در شهر رشت در چارچوب نظام تعریف شده شهرنشینی و شهرسازی (قواعد و قوانین ساختار کلیدی) با حذف تعدیل و کنارگذاری حاشیه‌نشینان مورد مطالعه به دلیل عدم التزام به این ساختار

پذیرفته و در توزیع منابع ساختی و ساخت یابی شده اجتماع مرکز شهر رشت (منابع نظام) به امر بازتولید زمانی مکانی سیستم توزیعی می‌پردازد. در گستره فضای منطقه‌ای آن برخی به حاشیه این فضا را نده یا جذب هسته مرکزی این ساختار نمی‌گردند و در این چرخه فرد حاشیه نشین جامعه مرکز می‌شود (Daniels, 2021).

۲-۵-۳- گوناگردال؛ علیت انباشتی و اثر پی‌آیندی

میردال، خوشبینی هرشمن را نمی‌پذیرد و تأکید دارد آنچه تصور می‌شود در پی قطبش (قطبی شدن) اقتصادی رخ خواهد داد، در واقع به "دور باطل فقر" خواهد انجامید؛ وی استدلال دور باطل فقر را با ارائه نظریه "علیت انباشتی" خود پی‌گرفت. وی مدعی شد که به محض وقوع یک رشد جزئی، از آن پس، فواید و مزایای ناشی از مقیاس داخلی و خارجی، این‌الگو را تداوم خواهد بخشید. این نظر حاصل اثر "پی‌آیندی" است که به واسطه آن، مهاجرت‌های جمعیتی، حرکت‌های بازرگانی و سرمایه‌ای، بر تقاضای کلیدی رشد اقتصادی متمرکز می‌شوند. افزایش تقاضا، تابع آثار افزایشی و وجود تسهیلاتی اجتماعی است که تقویت منطقه هسته‌ای را به همراه دارد. در حالی که بی‌گمان آثار پخش (توزیع امکانات و فرصتها)، از طریق بازار فزاینده محصولات کشاورزی و مواد خام نواحی پیرامونی، تحقق خواهد یافت. میردال نتیجه گرفت که نیروهای مهار نشده مؤثر بر بازار آزاد، به هیچ وجه نظیر آثار افزایشی عمل نخواهند کرد. نظریه میردال، از سیاست‌گذاری‌های دولت قدرتمند با هدف مقابله یا آنچه را که گرایش متداول نظام سرمایه‌داری در ترویج نابرابری‌های فزاینده منطقه‌ای تلقی می‌کند، حمایت می‌کند.

۲-۵-۴- دیدگاه نوسازی؛ «شهری شدن» معادل با «توسعه یافتگی»

در قالب نظریه نوسازی، شهر، مرکزی است برای رشد، تحرک و یکپارچگی جمعیت، و ساکنان شهرها و مناطق حومه آنها سبک و شیوه جدیدی از زندگی را به ارمغان می‌آورند. چون بحث تغییر عقاید و علائق و در نظر گرفتن عقاید و علائق دیگران مطرح است، بر این مبناست که شهر به منزله یک محیط اجتماعی مطرح می‌شود که به ساکنین خود بینش‌های فرهنگی جدیدی را ارائه می‌دهد. دانیل لرنر که از پیش‌کسوتان نظریه نوسازی است، رشد مراکز شهری جدید در جهان سوم را به عنوان عامل ترقی و تقویت‌کننده احساس فردگرایی و تضعیف‌کننده سنت‌گرایی می‌داند. او استدلال می‌کند که شهرنشینی موجب افزایش سطح "مشارکت" در جوامع می‌شود و موجبات پیدایش "وجه نظر"های جدید، روشن‌بینی و سؤال کردن را فراهم می‌کند و در نهایت موجب ارتقاء "تحرک روانی" می‌شود. مهم‌تر اینکه نیازهای زندگی شهری، بخصوص نیازهای حرفه‌ای، مردم شهری را به داشتن ویژگی‌های خاص نوگرایی و تجدد، مثل باسوادی تشویق می‌کند، چون مردم باید باسواد باشند تا نسبت به علائم و سمبل‌ها که خاص جامعه شهری اند، آگاه شوند و بتوانند با آنها ارتباط برقرار کرده و زندگی اجتماعی خود را تنظیم کنند (Chelleri

(Baravikova, 2021 &). فردگرایی که از بسیاری جهات، با تخصصی شدن محیط شهری گسترش می‌یابد، در واقع خصلت ویژه شهر است. زندگی اجتماعی شهری، وقت‌شناسی، حسابگری و دقیق بودن، لازمه زندگی پیچیده بوده و در ارتباط بسیار تنگاتنگ با اقتصاد پولی و هوش‌گرایی قرار دارد. در چارچوب نظریه نوسازی، نه تنها با افزایش میزان شهرنشینی، تغییر و تحولاتی در شیوه زندگی و رفتاری شهرنشینان به وجود می‌آید، بلکه مناطق شهری، بر جمعیت‌های مناطق حاشیه‌ای و اطراف خود نیز تأثیر گذاشته و شیوه زندگی و رفتاری آنان را نیز تغییر می‌دهند. به زعم نظریه پردازان نوسازی "عقاید جدید جامعه شهری" به تدریج به مناطق روستایی اشاعه می‌یابند و کشاورزان روستایی را در تولید مواد غذایی فعال‌تر خواهند ساخت، زیرا کشاورزان نیازهای همیشگی و فزاینده شهرنشینان را به غذا درک می‌کنند. شهر و روستا با یکدیگر رشد می‌کنند زیرا کالاهای مادی و فرهنگی را مبادله می‌کنند. در قالب چنین اندیشه‌ای، پیوند تنگاتنگی بین شهری شدن و توسعه وجود دارد، به گونه‌ای که توسعه یافتگی را مترادف با شهری شدن در نظر می‌گیرند.

۲-۵-۵- نظریه اعیان‌سازی

نظریه اصالت بخشی یا راهبرد اصلاح مسکن به همراه بهبود زندگی اجتماعی در بافت قدیم یا بخش مرکزی شهرها به ویژه برای گروه‌های اجتماعی با درآمد زیاد، جوانان و خانواده‌های کم‌فرزند است. اصالت بخشی فرآیندی است که در نواحی مرکزی شهرها صورت می‌گیرد و از طریق آن خانه‌های قدیمی و نیمه قدیمی خریداری می‌شوند و پس از نوسازی و بهسازی شرایط زندگی برای طبقه متوسط جامعه و حتی طبقات ثروتمند را فراهم می‌آورند. در نظریه اصالت بخشی، استدلال اساسی این است که واحدهای همسایگی مرکز شهرهای غربی پیرامون هسته تجاری شهر مرکزی به دلایلی از جمله شلوغی، فرسودگی، آلودگی محیط زیست شهری، کاهش امنیت شهری، گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی، عدم حمایت مالی و اعتباری از سوی شرکتهای بیمه و بانک‌ها و عدم تمایل بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری و نارسایی‌های دیگر، توسط قشر کارگر و گروههای فقیر به ویژه مهاجران رنگین پوست، اقلیت‌های نژادی و گروههای بومی مسن و کم‌تحرک اشغال می‌گردد. در این زمان اجاره واحدهای مسکونی به کمترین حد خود می‌رسد. بنابراین اختلاف قیمت املاک بین شرایط موجود و مطلوب به بیشترین حد می‌رسد. بر این اساس با توجه به تئوری اصالت بخشی با تشویق توسعه دهندگان خصوصی و سرمایه‌گذاری‌های دولتی، امکان بهسازی و نوسازی شهری و ایجاد محیط سکونت مطلوب برای گروه‌های پردرآمد شهری فراهم می‌شود و گروه‌های کم‌درآمد و کارگران مهاجر روستایی که قادر به پرداخت اجاره‌های سنگین نیستند، به اجبار منطقه را ترک می‌کنند و گروه‌های متوسط و پردرآمد که توانایی پرداخت اجاره بیشتری را دارند، جایگزین آنها می‌شوند. فرض اساسی در این تئوری این است که سرمایه‌هایی که به طرف حومه‌ها هدایت می‌شوند و در نتیجه آن شرایط نامناسب و فرصت کمی برای سرمایه‌گذاری در مرکز شهر ایجاد شده به

نفع توسعه، حفظ و نگهداری ساختمانهای بخش مرکزی افزایش می‌یابد. این فرآیند سبب افزایش شکاف اجاره» در مرکز شهر می‌شود. بنابراین خریداران در بازار زمین و مسکن که در جستجوی موقعیت‌های سرمایه‌گذاری سودمندانه هستند، به بخش مرکزی شهرها برمی‌گردند (Drakaki et al., 2018). این نظریه دارای دو فرض اساسی است:

الف) شکاف اجاره املاک

با سرمایه‌گذاری در حومه شهرها، مراکز شهرها از توسعه باز می‌مانند و هزینه حفظ ساختمان‌ها افزایش می‌یابد و در نتیجه، ساختمانها رها شده و یا به طبقه کم درآمد اجاره داده می‌شوند. این فرآیند سبب افزایش شکاف اجاره املاک» بین مرکز و حومه شهر می‌شود. بنابراین زمانی که اجاره زمین و املاک در شرایط بالفعل کاهش می‌یابد مرحله ترک و رهاسازی املاک و خروج گروههای درآمدی بالا از محله و جایگزینی گروه‌های کم درآمد آغاز می‌شود. به مرور شکاف اجاره املاک در شرایط موجود و آینده به حداکثر می‌رسد یعنی محلات بالقوه از استعداد درآمدزایی برخوردار می‌شوند. در اینجاست که توسعه دهندگان املاک، دلالتان و خریداران وارد بازار خرید و فروش می‌شوند، زیرا سرمایه‌گذاری از نظر اقتصادی مقرون به صرفه است. در واقع مرحله نوسازی محلات آغاز می‌گردد. با انجام اقدامات نوسازی گروههای متوسط و بالای جامعه در بخش مرکزی جایگزین گروه‌های فرودست و مهاجران می‌شوند.

ب) شکاف قیمت

در تئوری اصالت بخشی، استدلال این است که واحدهای همسایگی مرکز شهرها یا پیرامون بخش تجارت مرکزی. به دلیل فرسودگی و عدم بهسازی و نوسازی بخش مرکزی شهر و مهاجرت جمعیت بومی به حاشیه شهر و جایگزین شدن گروههای فقیر جامعه و همچنین انتقال فعالیت‌ها به بخش‌های تازه ساخته شده شهری، سرمایه‌گذاری در این محله‌ها کاهش می‌یابد و سرمایه‌ها به حاشیه و حومه گسترش داده می‌شوند. از این رو به تدریج املاک بخش مرکزی خالی از سکنه و رها می‌شوند و مسائلی از قبیل فرسودگی و بی‌رونقی، مشکلات زیست محیطی پدید می‌آید. در نتیجه، ارزش محله کاهش یافته و به دلیل کم بودن قیمت املاک و اجاره، گروه‌های کم درآمد، از جمله کارگران کم درآمد، مهاجران روستایی، اقلیت‌های نژادی و افراد مسن کم تحرک، محله را اشغال می‌کنند. پس از آنکه جایگزینی کامل شد، شکاف قیمت و اجاره املاک پیرامون مرکز شهر به بیشترین حد خود می‌رسد. در این مرحله است که چرخش از عدم سرمایه‌گذاری به سرمایه‌گذاری مجدد آغاز و زمینه برای ورود سرمایه‌گذاران برای بهسازی، نوسازی به ویژه بازسازی و سرمایه‌گذاری و بهره‌گیری از منافع حاصله فراهم می‌شود. نوسازی محله موجب تعلق ارزش افزوده به مستغلات می‌شود و سرمایه‌گذاری و هزینه‌های مصرف شده به بهبود محیط زیست شهری می‌انجامد. در این صورت فقط طبقاتی با درآمد زیاد و متوسط که از توان پرداخت اجاره و هزینه‌های زیاد زندگی برخوردارند، مجدداً جانشین طبقات کم درآمد می‌شوند.

۲-۵-۶- نظریه محرومیت زدایی و راهبرد برنامه‌ریزی اجتماعی

این راهبرد به جای نوسازی املاک، برنامه‌ریزی اجتماعی و اقتصادی و حل مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی مردم را مورد توجه قرار می‌دهد. بر اساس این نظریه ابتدا از طریق تحلیل علل محرومیت و فرسودگی شهری باید زمینه‌های لازم برای اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های ساماندهی شهری فراهم آید. این الگو عمدتاً توسط محققان جامعه شناس شهری مطرح شد. بر اساس تحقیقاتی که در سال ۱۹۷۷ در رابطه با بخش مرکزی شهرها انجام گرفت، مشخص گردید که عدم تعادل اجتماعی و اقتصادی شهر ناشی از ویژگیهای سیاست گذاری در سطح کلان اقتصاد شهری است.

ساختار جمعیتی بخش مرکزی شهرها با بافت ناکارآمد و حاشیه‌ی شهری عمدتاً شامل بازنشستگان، بیکاران، خانوارهای با تکفل بالا، وابستگان به خدمات تأمین اجتماعی و روی هم رفته گروه‌هایی است که از نظر اجتماعی و فرهنگی ضعیف‌اند. این ساختارهای اجتماعی و اقتصادی عمدتاً معلول عدم تعادل و توازن در توزیع منابع در سطح شهر هستند. بنابراین به جای تکیه بر راه‌های فیزیکی کالبدی از قبیل بهسازی و نوسازی کالبد شهر به منظور احیا و ساماندهی بخش مرکزی شهرها و سایر بخش‌های حاشیه‌ی شهر، توجه به محرومیت زدایی، بهسازی و نوسازی اجتماعی و اقتصادی اهمیت خاصی دارد. در غیر این صورت، به کارگیری سیاست‌های صرفاً کالبدی، موجب انتقال فقر و محرومیت از یک نقطه به نقطه دیگر خواهد شد. در نتیجه می‌توان رکود و فرسودگی در بخش مرکزی شهرها یا بافت‌های قدیمی را ناشی از فقر و محرومیت اقتصادی و فرهنگی دانست که با بهبود آن شرایط حفاظت از بافت‌های قدیمی و فرهنگی و توسعه و تکامل آنها فراهم خواهد شد.

۲-۵-۷- الگوی جایگزینی

ساده‌ترین مفهوم نوسازی و بازسازی شهری جایگزینی است. به این ترتیب که قسمت‌های حاشیه‌ی در داخل شهر از طرفی خریداری شده و با پاکسازی و ساخت و سازهای جدید جایگزینی صورت می‌گیرد. فرض بر این است که قسمت‌های حاشیه‌ی در سیستم شهری کارایی ندارند. هدف اصلی جایگزینی ایجاد هماهنگی در بخش‌های مختلف شهر و تأمین منابع مالی برای نواحی شهری و مشارکت اجتماعات محلی در بهبود محیط فیزیکی شان است. برنامه جایگزینی با کمک بخش خصوصی توسط تشکیلات نهادی صورت می‌گیرد.

۲-۵-۸- الگوی پالایش شهری

این الگو متکی بر کوچ ساکنان و اشتغال، به خارج شهر می‌باشد، بدین ترتیب که جمعیت مناطق حاشیه‌ی و قدیمی مراکز شهری به حومه‌ها و شهرک‌های جدید رانده می‌شود و در این مکان‌های جدید، اشتغال افراد نیز در نظر گرفته می‌شود. از طرف دیگر، مناطق حاشیه‌ی قدیمی پاکسازی شده و با ایجاد نواحی

مسکونی جدید سعی می‌شود، گروه‌های اجتماعی با درآمد متوسط و بالا در این مناطق جایگزین شوند. این الگو بر این پایه استوار است که سیستم پالایش، باعث حرکت ساکنان مناطق حاشیه‌ای به پله‌های بالاتر از طریق به ارث بردن مسکن به جامانده از کسانی که به مسکن جدید می‌روند، می‌شود و در نتیجه پیش شرط تخلیه بیشتر و تقاضای کمتر غالب شده و نهایتاً به جذب مسکن کهنه و حاشیه‌ای منجر می‌شود (عظیمی، ۱۳۹۴: ۷۴).

۲-۵-۹- الگوی خودکفایی و خودتنظیمی

این راهبرد برخلاف تخلیه بافت و تعویض مکان (الگوی جایگزینی) حفظ و بهبود املاک موجود بدون جایگزینی اسکان آن است. بنابر این راهبرد، هر فضایی قابل بهبود است و ارزش اصلاح در محل خود را دارد. بر اساس این الگو با توجه به ویژگیهای فضاهای شهری، اقدامات بهسازی و نوسازی دنبال می‌شود. این الگو از فرضهای اساسی صرفه جویی‌های مقایسه‌ای پاکسازی و بهسازی با مرمت پیروی می‌کند ولی از عواملی چون نرخ بهره، طول عمر آینده املاک بهسازی شده و تفاضل هزینه‌های جاری املاک بهسازی شده و نوسازی شده تبعیت می‌کند.

۲-۵-۱۰- الگوی طرح تجمیع

دیدگاه دیگری که میتواند برای بهسازی و نوسازی بافتهای قدیمی شهرها کارساز باشد، طرح تجمیع است. این طرحها تنها در زمانی توصیه می‌شود که نه بناهای موجود در بافت دارای ارزش باشند و نه مجموعه عناصر شهری ارزشمندی ارائه دهند. همچنین به دلیل فرسودگیها و نابسامانی‌های مختلف دیگر به هیچ روی قابل استفاده نباشند. در نهایت تخریب املاک و تجمیع پلاکهای ثبتی شهر مطرح می‌شود. با توجه به این دیدگاه در بخشهایی که به دلایل گوناگون امکان احیای سلول به سلول یا احیای تک بناها وجود ندارد، آن محدوده از بافت که فاقد ارزش و در عین حال مخروبه است، تملیک می‌گردد و پس از تجمیع املاک به عنوان مجموعه‌ای منسجم مجدداً طراحی و نوسازی می‌شود.

۲-۵-۱۱- الگوی سرمایه اجتماعی

بحث توانمندسازی اجتماعات با استفاده از سرمایه‌های اجتماعی بحث نسبتاً جدیدی در برنامه‌ریزی شهری است که می‌تواند با کامل‌تر شدن مبانی نظری آن در کشور و به عبارتی ایرانیزه کردن مبانی آن به عنوان یکی از راه‌حل‌های پایدار در جهت کاهش فقر و ارتقای اجتماعی اقتصادات محلی مطرح شود. برخی از صاحب نظران مدیریت چنین تعریفی از مشارکت ارائه داده اند: مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را بر می‌انگیزاند تا برای دستیابی به هدف‌های

گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند امر مشارکت همراه با تحولات اجتماعی سازگار می‌شود و با رویکردها و نگرش‌های جامعه، نیازها و نهادهای آن انطباق می‌یابد.

هر چه تحولات جامعه سمت و سوی مردمی‌تر به خود بگیرد، اهمیت مشارکت و همچنین نقش و جایگاه آن در فرآیند تکامل اجتماعی بیشتر آشکار می‌شود. مشارکت فرآیندی از خودآموزی اجتماعی و مدنی است. این تغییر موجب برقراری مناسبات اجتماعی و انسانی جدید می‌شود (محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۸). خودگردانی، تجسم دموکراسی مشارکتی است. در این ارتباطات نقش اعتماد بسیار مهم، حساس و شکننده است چون برای به دست آمدن آن سال‌ها زمان لازم است، در حالی که در یک لحظه می‌تواند نابود شود.

۲-۶- کاربرد و نقش فناوری اطلاعاتی و ارتباطی ICT در ساخت‌یابی توسعه

حاشیه‌ی شهر

کستلز در سه گانه جامعه اطلاعاتی با طرح مفهوم "جامعه شبکه‌ای" تمایل خود را به تغییر موضوع مطالعه به تناسب توسعه فن‌آوری‌های اطلاعاتی، ابراز داشته است (Kowalik, 2021; Kozina et al., 2021). منطق شبکه‌ای در جامعه اطلاعاتی، کستلز را به "حیات شهری" در این شرایط تازه علاقمند کرده است (Abdulai et al., 2021). این وضع اطلاعاتی تازه، بسیاری از معادلات شکل سنتی را بر هم زده و منابع تازه‌ای برای ادراک مناسبات شهری فراهم آورده است (Adkins & Moulaison, 2020)؛

شبکه‌ها تبدیل به کاراترین اشکال سازمانی شدند که این حاصل سه خصوصیت مهم شان بود که از محیط تازه فن‌آوری ناشی می‌شد (Papagiannidis & Marikyan, 2022)؛ انعطاف پذیری، مقیاس پذیری و بقاء پذیری. انعطاف پذیری عبارت از آن است که آنها می‌توانند بر حسب محیط متغیر، "بازیگربندی" شوند، در عین حالیکه اهداف خود را با تغییر اجزاء خود حفظ می‌کنند (Rodríguez-Rodríguez & Heras-González, 2020; Sakurai & Murayama, 2019). آنها از نقاط گره کانال‌های ارتباطی عبور می‌کنند تا ارتباطات تازه بیابند. مقیاس پذیری عبارت است از آنکه آنها می‌توانند بدون آنکه گسیختگی پذیرند، دچار افزایش و یا کاهش در اندازه شوند. بقاء پذیری آنها نیز برآمده از آن است که آنها مرکز ندارند (Papanastasiou et al., 2018)، و می‌توانند در گستره‌ای وسیع از پیکربندی‌های متنوع، به کارشان ادامه دهند. آنها می‌توانند در برابر حمله به گره‌ها و رمزگانشان مقاومت کنند، زیرا رمزگان شبکه در گره‌های گوناگونی قرار دارند. آنها می‌توانند دستورالعمل‌ها را بازتولید کنند و راهکارهای تازه برای تداوم عملکردشان را بیابند. پس، تنها توانایی مادی تخریب نقاط اتصال است که می‌تواند شبکه را نابود کند.

زمانی که آرتور سی کلارک^۱ در سال ۱۹۴۵ از پخش رادیو به واسطه رله‌های خارق العاده نوشت، تعداد کمی درک کردند که قدرت تغییر ارتباطات راه دور، ماهواره‌ها و کامپیوترها بر جهان تأثیر خواهد گذاشت و آن را به دهکده جهانی تبدیل می‌کند؛ مارشال مک لوهان^۲ نیز در سال ۱۹۶۴ از آن گفته بود. طی سه دهه و قبل از ورود به قرن جدید، انقلاب اطلاعات اتفاق افتاد و با سرعت به سمتی غیرقابل پیش بینی حرکت کرد. پیش بینی روندهای فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و رشد تکامل آنها، کاری بسیار دشوار است (Galway, Deck, Carastathis, & Sanderson, 2021). تکامل فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات با ابداع ماهواره‌ها، کامپیوترها، تلفن‌های همراه و اینترنت متوقف نشده است. قانون مور^۳، توسط گوردون مور^۴، یکی از مؤسسان شرکت اینتل^۵ در سال ۱۹۶۵، روند بلندمدت تاریخ سخت افزار کامپیوتر را توصیف کرد؛ وی اظهار داشت: در سال ۱۹۶۵، رشد فناوری به ازای هر دو سال دو برابر می‌شود. امروزه، این قانون با تصریح بر این که تراکم داده‌ها در هر ۱۸ ماه دو برابر می‌شود، بازبینی شده است. مهم‌تر از قانون، این است که پیشرفت فناوری به حدی سریع است که پیش بینی جریان تغییر فناوری بسیار دشوار می‌نماید. اما به راحتی می‌توان گفت، به احتمال زیاد نوآوری در حوزه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در بن‌سازه‌ها و خدمات بهبود یافته از جمله نرم افزارهای رایانش ابری و وب ۲ اتفاق خواهد افتاد.

براساس آخرین گزارش ITU در سال ۲۰۱۶، (مرداد ماه ۱۳۹۵)، علیرغم کاهش قیمت خدمات فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا)، هنوز ۳٫۹ میلیارد نفر از جمعیت جهان از اینترنت استفاده نمی‌کنند. آمار و ارقام فناوری اطلاعات و ارتباطات در سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که کشورهای درحال توسعه با ۲٫۵ میلیارد کاربر، دارای بیشترین کاربران اینترنت هستند، درحالی که کشورهای توسعه یافته دارای یک میلیارد کاربر اینترنت هستند. ضریب نفوذ کاربران اینترنت در کشورهای توسعه یافته ۸۱ درصد، در کشورهای در حال توسعه ۴۰ درصد و در کشورهای کمتر توسعه یافته ۱۵ درصد است.

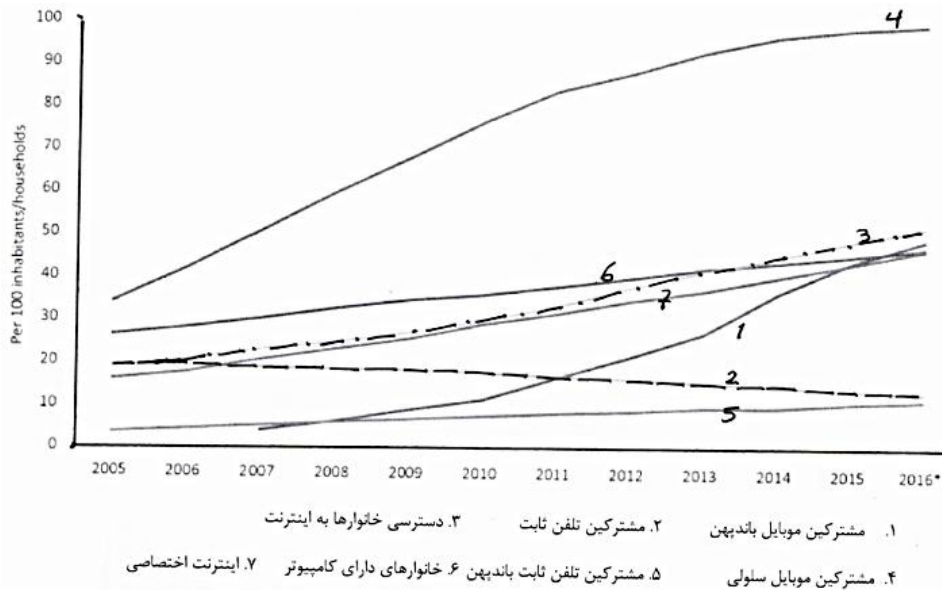
¹ Arthur C.clarke

² Marshall Macluhan

³ Moore

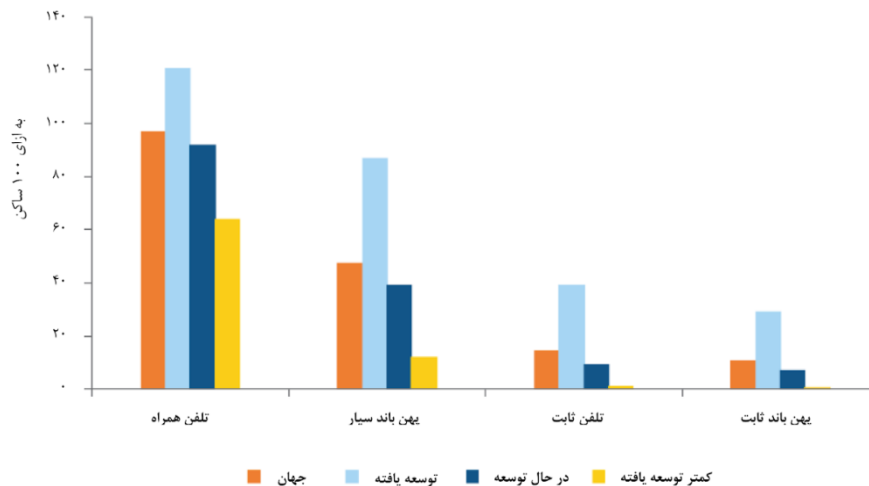
⁴ Gordon moore

⁵ INTEL



نمودار ۲-۲- تغییرات جهانی در شاخص‌های کلیدی ICT

میزان اتصال پذیری در سطح جهان به سرعت در حال گسترش است، اما برای کاهش شکاف دیجیتال و فراهم کردن زمینه حضور بیشتر از نیمی از جمعیت جهان که هم اکنون از اینترنت استفاده نمی‌کنند در اقتصاد دیجیتال باید اقدامات اساسی بیشتری صورت پذیرد. در رابطه با پهن باند سیار، آمار ICT نشان می‌دهد که پوشش تلفن همراه با تخمین پوشش ۹۵ درصد جمعیت جهان یا هفت میلیارد نفر که حداقل تحت پوشش شبکه موبایل سلولی نسل دوم است، هم اکنون نزدیک به وضعیت فراگیر است. اگرچه شبکه‌های پیشرفته پهن باند سیار (LTE) در سه سال گذشته رشد خوبی داشته‌اند و در حدود ۵۳ درصد جمعیت جهان یعنی ۴ میلیارد نفر تحت پوشش این شبکه‌ها هستند. اما با وجود این که تعداد مشترکین پهن باند سیار در کشورهای در حال توسعه با تجربه نرخ رشد دو رقمی به ضریب نفوذ ۴۱ درصد رسیده، اما آهنگ رشد ضریب نفوذ پهن باند سیار در جهان کاهش یافته است. از طرفی، پهن باند ثابت در کشورهای توسعه یافته بیشترین رشد را داشته است، به طوری که در پایان سال ۲۰۱۶، نسبت مشترکین پهن باند ثابت در جهان به حدود ۱۲ مشترک به ازای هر ۱۰۰ نفر رسیده، در حالی که اروپا، آمریکا و کشورهای تازه استقلال یافته بیشترین ضریب نفوذ را دارند. تعرفه‌های ICT، نشان می‌دهند که خدمات پهن باند سیار مقرون به صرفه‌تر از خدمات پهن باند ثابت شده‌اند. قیمت میانگین یک طرح پایه پهن باند ثابت بیشتر از دو برابر قیمت میانگین یک طرح قابل مقایسه پهن باند ثابت است. از اهداف کمیسیون پهن باند این بود که تا سال ۲۰۱۵، خدمات پایه پهن باند در کشورهای در حال توسعه کمتر از ۵ درصد میانگین درآمد ماهیانه باشند. آمار نشان می‌دهد که در انتهای سال ۲۰۱۵، ۸۳ کشور در حال توسعه به این هدف رسیده‌اند (Cui, Shen, Li, & Wu, 2021).



نمودار ۲-۳- دسترسی به ICT بر اساس سطح توسعه کشورها، سال ۲۰۱۵

در ابتدای سال ۲۰۱۶، پهنای باند اینترنت بین الملل از ۳۰۰۰۰ گیگابیت در ثانیه به ۱۸۵۰۰۰ گیگابیت در ثانیه رسیده است. اما، پهنای باند در جهان به شکل نابرابری توزیع شده است و کمبود پهنای باند در جهان در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته یکی از گلوگاه‌های اصلی است. در شکل ۱-۵ روند تغییرات مهمترین شاخص‌های کلیدی ICT در هر ۱۰۰ نفر/ خانوار (بر حسب موضوع) در جهان تا سال ۲۰۱۶ نشان داده شده است. به طوری که دیده می‌شود نرخ رشد موبایل و موبایل باند پهن بسیار زیاد می‌باشد.

مروری بر آمارهای رسمی گویای آن است که تا پایان سال ۲۰۱۵ میلادی ایران در زمینه توسعه ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات، رتبه ۱۵ منطقه و ۸۹ جهان را به خود اختصاص داده است (Debrunner & Hartmann, 2020). اولین کشور دنیا در این زمینه کره جنوبی است و در منطقه بحرین در صدر جدول IDI (توسعه ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات) قرار گرفته است (Rustiadi et al., 2021). هدف اصلی IDI بررسی فرایند تبدیل شدن به جامعه اطلاعاتی در راستای حرکت از یک گام به گام دیگر است که به عنوان یک ابزار نیرومند، توسعه جامعه اطلاعاتی را در کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه مورد ارزیابی قرار می‌دهد. اردن، قزاقستان در شاخص ضریب نفوذ تلفن همراه رشد داشته و ارمنستان، آذربایجان، قزاقستان، عربستان، ترکیه، امارات متحده عربی و عمان در شاخص پهنای باند اینترنت به ازای هر کاربر رشد قابل توجهی داشته‌اند. ازبکستان در شاخص دسترسی خانوارها به کامپیوتر رشد داشته است. ایران رتبه ۱۵ ام منطقه را در شاخص IDI در سال ۲۰۱۵ دارد. رتبه ایران طی سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵ ثابت و امتیاز شاخص IDI حدود ۷ درصد افزایش داشته است. پایین‌ترین رتبه در این شاخص متعلق به کشور افغانستان با ۱,۷۳ است.

تغییرات دو دهه نخست قرن بیست و یکم و روندها نشان می‌دهند که نوآوری، در فناوری و سخت افزار، برنامه‌های کاربردی، محتوا، خدمات، تعامل، مدل‌های کسب درآمد و مانند آن اتفاق خواهد افتاد.

مدل‌های اولیه توسعه و نفوذ فناوری، تا حد زیادی در رایانه‌های شخصی متصل از طریق تلفن ثابت یا حداکثر از طریق اتصال باند پهن به اینترنت دیده می‌شد. راه اندازی این مدل‌ها در کشورهای فقیر پرهزینه و غیر ممکن بود، زیرا مقیاس پذیر و پایدار نبود، تراکم و اتصالات مخابراتی بسیار محدود و پرهزینه و موارد پشتیبانی مثل برق پایدار وجود نداشت. نوآوری در توسعه فناوری به تمرکز بر توسعه دستگاههای ترمینال ضمیمه، کم هزینه و ضعیف منجر شد تا بتوانند در جوامع فقیر زیادی کار کنند. اما این پیشرفت در رایانش کم هزینه تا اندازه‌ای از پدیده رشد در فناوری سیار متأثر بوده است، زیرا تلفن‌های همراه امروزی ویژگیهای مشابه و قابلیتی کمتر از لپ تاپ دارند.

۲-۶-۱- روندهای رشد و تکامل توسعه به کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات

فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان یک فناوری جدید از دهه ۹۰ میلادی وارد بازار شد و به سرعت توسعه یافت. تفاوت این فناوری با سایر فناوری‌ها در این است که تنها در حوزه فعالیت خود تاثیرگذار نیست، بلکه در همه فعالیت‌های اقتصادی و غیراقتصادی جامعه تاثیرگذار بوده و در تسهیل انجام امور و نیز بالا بردن بهره‌وری و کارایی حوزه‌های مختلف موثر است. فناوری اطلاعات و ارتباطات از سه طریق می‌تواند به رشد اقتصادی تاثیر بگذارد:

۱- رشد بهره‌وری کلیه عوامل در بخشهای تولیدکننده فناوری اطلاعات و ارتباطات

۲- تعمیق سرمایه

۳- رشد بهره‌وری کلیه عوامل از طریق سازماندهی مجدد و با استفاده از فناوری اطلاعات و

ارتباطات.

جذب بخشی از سرمایه‌ها به بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز موضوع دیگری است که به رشد اقتصادی کمک می‌کند، زیرا باعث تولید محصولات جدید و کاهش قیمت آنها می‌شود. افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش افزایش، به معنی تعمیق سرمایه در فناوری اطلاعات و ارتباطات است. استفاده از این فناوری موجب کاهش هزینه گردیده و با ایجاد ارزش افزوده و کاهش زمان در نیروی کار و سرمایه و سرعت بخشیدن در استفاده از منابع و کاهش هزینه‌های تولید، بهره‌وری و کارایی اقتصادی در تولید کالا و خدمات را منجر می‌شود. از سوی دیگر، تاثیر فاوا در رشد اقتصادی، تاثیرات بلندمدت آن است که علی‌رغم بلندمدت بودن، تاثیرات عمیقی در پیشرفت و تحول جامعه دارد. پیشرفت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات ظرفیت بسیار بالایی در به هم ریختن و سازماندهی مجدد تولید و توزیع محصولات، خدمات و نحوه فعالیت‌های اجتماعی دارند (Shen, 2022). تأثیر مثبت سرمایه‌گذاری‌های فاوا بر بهبود عملکرد اقتصادی در سطح خرد و کلان اقتصادی در کشورهای صنعتی و برخی کشورهای در حال توسعه مشاهده و گزارش شده است. بر اساس پژوهشهای تجربی انجام یافته، در بیشتر موارد ارتباط مثبت بین فاوا و متغیرهای کلان اقتصادی از جمله بهره‌وری کل، بهره‌وری کار، رشد اقتصادی وجود دارد.

راهبردهای اساسی جهت ایفای نقش ICT برای استفاده از این فناوری به عنوان ابزار توسعه باید سیاست‌های مطلوب و بهینه گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات با توجه به امکانات و ساختار موجود کشور اتخاذ کرد تا موجب افزایش کارایی اقتصادی شود. بنابراین، سرمایه‌گذاری در ایجاد زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات و نیز آماده‌سازی بسترهای کاربری‌های آن، یک امری ضروری محسوب می‌شود. این سرمایه‌گذاری به این خاطر ضروری است که اولاً وجود این فناوری، عملکرد بازارها را بهبود می‌بخشد، زیرا این فناوری به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر همه مقولات بازار از جمله تعیین نوع تولید، چگونگی تولید، میزان و محل فروش کالاها و خدمات را تحت تاثیر قرار می‌دهد. ازین جهت، فناوری اطلاعات و ارتباطات مستقیماً در رشد اقتصادی موثر است.

جهت دیگر این که فناوری اطلاعات و ارتباطات، ایجاد گسترش در آموزش می‌نماید. هرگاه اکثر جمعیت یک جامعه بی‌سواد باشد، منابع زیادی برای آموزش مورد نیاز خواهد بود. با انجام این سرمایه‌گذاری، منابع کمتری جهت برنامه‌های دیگر کشور باقی خواهد ماند. فناوری اطلاعات و ارتباطات این امیدواری را در این جوامع ایجاد می‌کند که با منابع محدود هم‌میتوان سطح وسیعی از جمعیت را تحت پوشش برنامه‌های آموزشی قرار داد و منابع را برای سایر برنامه‌های توسعه‌ای آزاد کرد (Drennan & Dai, 2010).

اما در نهایت و در فضای اقتصاد دانش‌محور امروز توانایی استفاده بهینه و موثرتر از اطلاعات در جهت افزایش سطح بهره‌وری بسیار مهم است. امروزه رقابت اقتصادی بیشتر وابسته به توانایی تبدیل حجم انبوه اطلاعات به دانش قابل استفاده و به کارگیری آن در راستای اهداف بنگاه‌های اقتصادی در کشور است، به همین دلیل است که امروزه، مجموعه اطلاعات و مدیریت دانش از نیازهای اساسی پیشرفت برای بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی به شمار می‌رود، زیرا با تبدیل صحیح و موثر اطلاعات به دانش رشد بنگاه‌ها سرعت گرفته و رقابت اقتصادی میان آنها در بازارها تسهیل می‌شود. این توانمندی در تاثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی به چند طریق ممکن است:

– اول این که تکنولوژی فاوا (یا به عبارت صحیح‌تر ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات) به عنوان یک کالای سرمایه‌ای در کنار مجموع سرمایه‌های فیزیکی بنگاه‌ها از بازدهی بالایی برخوردار است، که علاوه بر افزایش بهره‌وری، به نیروی کار نیز کمک می‌کند.

– دوم استفاده بیشتر از فناوری اطلاعات و ارتباطات در بنگاه باعث افزایش مجموع کارایی آنها می‌شود.

– سوم استفاده روزافزون از فناوری اطلاعات و ارتباطات سبب ایجاد تاثیرات مثبت در جهت توسعه به صورت غیرمستقیم و شبکه‌ای در اقتصاد می‌شود؛ به عنوان مثال کاهش هزینه‌های مبادله و کاهش هزینه‌های هماهنگی و... همه و همه در نهایت موجب کارایی کل در اقتصاد می‌شود.

– چهارم این که فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان موتور محرک توسعه در جوامع پیشرفته برای افزایش دانایی و نوآوری نقش مهمی ایفا می‌کند و باعث تحولاتی بنیادی در ارکان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود. تسهیل و تسریع روند رشد و توسعه صنعت فاوا، علاوه بر تداوم در نوآوری و بهبود رویه‌ها می‌تواند افزایش فرصت‌های اقتصادی، تجاری، سرمایه‌گذاری و در نهایت ارتقا و بهبود سطح رفاه و زندگی شهروندان را به ارمغان آورد.

۲-۶-۲- مشارکت محلی و فناوری اطلاعات و ارتباطات

زمینه همیشگی این مجموعه مقدماتی، اهمیت همکاری ذی‌نفعان و نقش آفرینان مختلف در فضای فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمت توسعه است. این زمینه در مباحث همگرایی، به عنوان اتحاد کلان فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، رشته‌های دانشگاهی و شرکای مختلف دولتی، بخش خصوصی، ارائه‌دهندگان خدمات، سازمانهای جامعه مدنی و سازمانهای غیردولتی و در نهایت کاربران، شهروندان و ذینفعان توسعه به شمار می‌رود (Falco et al., 2019).

رویکرد گذشته خیران و دولت‌ها در «کمک‌رسانی به کشورهای در حال توسعه، با باور قوی به این که توسعه و خروجی‌های آن تنها از طریق اتحاد و مشارکت عظیم ذی‌نفعان مختلف حاصل می‌شود، جایگزین شده است. این رویکرد، هشت آرمان توسعه هزاره را تقویت می‌کند؛ آرمان‌های یادشده به طور خاص جامعه جهانی را مسئول ایجاد مشارکت جهانی برای توسعه با اهدافی چون امداد، تجارت و رهایی از بدهی» می‌داند. هدف ششم از آرمان هشتم توسعه هزاره، به طور صریح از حضور بخش خصوصی در فرآیند توسعه سخن می‌گوید (Trimbach & Biedenweg, 2021; Valente, Pasimeni, & Petrosillo, 2020).

هیچ کجا مهم‌تر از بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمت توسعه نیست؛ زیرا مجموعه‌های متفاوتی از دانش، مهارتها و صلاحیت‌ها در اختیار گروه‌های مختلف ذی‌نفعان و نقش آفرینان هستند. دولت‌ها و سازمان‌های امدادی، برای ارائه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در محل وقوع تخصص ندارند. متخصصان فناوری اطلاعات و ارتباطات که دانش فنی تخصصی دارند، لزوماً رویکرد اجتماعی ندارند و فرآیندهای تغییر موردنیاز توسعه را نمی‌شناسند. دولت و متخصصان فناوری اطلاعات و ارتباطات همانند سازمان غیردولتی و جامعه مدنی به عمق اجتماعات فقیر دسترسی ندارند. هم‌چنین یافتن مهارت‌های مدیریت پروژه در فضای فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمت توسعه حتی دشوارتر از آن است. و مشارکت نه تنها دولت‌ها را شامل می‌شود، بلکه بخش امدادی و نهادهای خصوصی را نیز گرد هم می‌آورد. بهره‌برداران، ذی‌نفعان اصلی هستند و مشارکت با اجتماع باید از طریق فرآیند همکاری شهروندان و مسئولیت‌پذیری جامعه توسعه یابد (Foa & Nemirovskaya, 2019). پروژه‌های توسعه برای مشارکت ذی‌نفعان در هر مرحله از پروژه، اضافه‌بهایی را در نظر گرفته‌اند. مطالعات نشان می‌دهند،

مشارکت ذی نفعان شانس مالکیت محصول و پایداری را افزایش می‌دهد. به علاوه، سازمانهای توسعه بین المللی با توجه به یافته‌های ارزیابی پروژه اذعان دارند، پروژه‌هایی با موفقیت اندک یا ناموفق، آنهایی بودند که در مشارکت ذی نفعان در طراحی و پیاده‌سازی پروژه و برنامه‌ها محدود یا ناموفق بوده‌اند. بنابراین مشارکت و رویکرد تقاضامحور، نرخ موفقیت فعالیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمت توسعه را افزایش می‌دهند.

مشارکت هم وسیله است و هم هدف؛ به عنوان وسیله بر فرآیندی دلالت دارد که به واسطه آن افراد در توسعه و پیاده‌سازی پروژه‌ها همکاری و مشارکت می‌کنند. مشارکت در بلندمدت، به توانمندسازی افراد و اتکای به نفس آنها منجر می‌شود؛ اینها نتایج پایانی موردنظر پروژه‌های توسعه هستند (Drakaki et al., 2018).

۲-۶-۳- شکاف دیجیتال و فناوری اطلاعات و ارتباطات

مدیریت توسعه شهری در کشورهای در حال توسعه، فرآیندی سیاسی و اخلاقی است؛ همچنین به مثابه استفاده از قدرت و حاکمیت درست در برآوردن آرمانهای مطلوب در زمینه‌هایی است که مشخصه آنها تعارض علایق و منافع، ارزشها و دستور کارها و کاهش منابع است (Xiaoguang Wang et al., 2019). مدیریت توسعه شهریشامل سیاست‌گذاری و تدوین اهداف توسعه، شناسایی اولویت‌ها، تدوین و توسعه قوانین و مقررات توانمندساز، همکاری با سازمانهای مختلف دولتی و غیردولتی، تعامل با شهروندان برای ایجاد دسترسی و ارائه خدمات، ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پیش و ارزیابی به منظور حصول اطمینان از پیشرفت است.

به همان میزان که توسعه به رشد اقتصادی مربوط است به ارزش‌هایی نیز ارتباط که بسیاری از آنها مبنایی برای مباحثات کنونی توسعه شهریهستند. برخی از این ارزش‌ها عبارتند از:

- **جامعیت:** الگوی رشدی است که اجازه همکاری و بهره‌مندی از فرآیند توسعه را به تمام مردم می‌دهد.

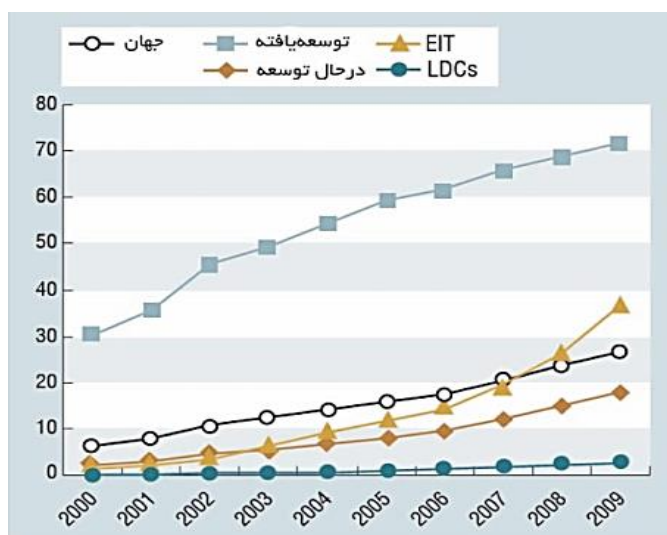
- **برابری:** به وضعیت تساوی به ویژه از نظر موقعیت، حقوق و فرصت‌ها اطلاق می‌شود، اما نابرابریهای ذاتی در هر جامعه‌ای وجود دارند. بنابراین سیاستی لازم است که به طور منظم به گروههای محروم و آسیب‌پذیر امکان می‌دهد از طریق تمایز مثبت در توسعه سهیم و از مزایای آن بهره‌مند شوند.

- **کیفیت:** تعالی کلی استاندارد که فراتر از مجوز دسترسی به خدمات است و کیفیت مناسب این خدمات را نیز تضمین می‌کند.

- **مسئولیت‌پذیری:** به مسئول‌پذیری نسبت به شهروندان، شرکا، ذی‌نفعان و غیره در تلاش برای ترویج و حفظ صداقت، پاسخگویی، انصاف و اعتماد گفته می‌شود. این وضعیت شامل تعامل فعال دولت با شهروندان و سایر ذی‌نفعان است.

این ارزش‌ها ناشی از تفکر سیاسی و فلسفی طی قرن‌ها هستند و مدیران فرآیند توسعه در هر کشوری باید آنها را به یک یا چند روش، در مدیریت خود به کار گیرند. فرآیند توسعه در جهان مرتبط با نوآوری فناوریانه - جهان شبکه‌ای که افراد و منابع مختلف نگرانی‌ها و سطوح توسعه در یک فضای جهانی مشترک را مرتبط می‌کند- پیچیده‌تر شده است (Woulfin & Jones, 2021).

رویدادی در برزیل، می‌تواند واکنشی در آسیا را موجب شود و بحرانی در یک کشور آفریقایی می‌تواند واکنشی را در اقیانوس آرام به وجود آورد. بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ در ایالات متحده آمریکا و اروپا و تأثیر آن بر کشورهای کوچکتر در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بهترین نمونه از پر کردن شکاف دیجیتال زمانی که از فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمت توسعه سخن می‌گوییم، توجه به شکاف دیجیتال اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. یکی از جنبه‌های مشخص فرآیند توسعه، شکاف بین کشورهای غنی و فقیر است. این شکاف تعاریف مختلفی در ادبیات توسعه دارد. پیش از این در حوزه ارتباطات، «شکاف دانش»^۱ و در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات کنونی، شکاف دیجیتال تعریف شده است.



نمودار ۲-۴- کاربران اینترنت در هر ۱۰۰ نفر، بر اساس گروه‌بندی کشور ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹

اصطلاح «شکاف دیجیتال» برای توصیف فاصله بین افراد و جوامعی به کار می‌رود که برای مشارکت در اقتصاد دانش بنیان و صورت‌بندی جامعه دانش بنیان منابعی دارند و افراد و جوامعی که چنین منابعی ندارند. اساساً شکاف دیجیتال نشانه نابرابری‌های عمیق‌تر در جنسیت، درآمد، توسعه و سواد است. بر اساس اعلام مجله «اکنون میست»، در کشورهای فقیر تعداد کمتری از مردم به کامپیوتر و اینترنت دسترسی دارند، زیرا بسیار فقیر و بی‌سواد هستند و بیشتر درباره غذا، مراقبت‌های بهداشتی و امنیت خود دغدغه

^۱ شکاف دیجیتال اصطلاح شکاف دیجیتال در واقع شامل چندین شکاف در یک بخش است. شکاف تکنولوژیک (شکاف‌های بزرگ در زیرساخت) از آن جمله است. شکاف محتوا نیز وجود دارد؛ یعنی مقدار زیادی از اطلاعات تحت وب، غیر مرتبط با نیازهای واقعی مردم هستند و تقریباً ۷۰ درصد وبگاه‌های جهان انگلیسی هستند، در حالی که با انبوهی از صداها و دیدگاه‌های بومی مواجه هستیم. شکاف جنسیتی نیز وجود دارد. زنان و دختران نسبت به مردان و پسران، دسترسی کمتری به فناوری اطلاعات دارند؛ این امر در کشورهای غنی و فقیر صادق است.

خاطر دارند. در عین حال، شکاف دیجیتال بر تداوم نابرابری اجتماعی تأثیر می‌گذارد. بر اساس نظر چن و ولمن، مردم، گروه‌های اجتماعی و ملل در سمت نادرست شکاف دیجیتال از اقتصاد دانش بنیان کنار گذاشته می‌شوند (Su, Zhang, Wang, Weng, & Kang, 2021). اگر نابرابری‌های گذشته، مردم را از کاربرد کامپیوتر و اینترنت منع کند، ممکن است این شکاف‌ها بیشتر شوند زیرا کارایی، جست‌وجوی اطلاعات و مشارکت در فعالیت‌های کارآفرینی و مدنی اینترنتی می‌شوند. بنابراین، شکاف دیجیتال چیزی فراتر از قابلیت دسترسی به فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات است و سعی می‌کند از این فناوریها برای بررسی و کاهش شکاف‌های بخش‌های مختلف و به دنبال آن دسترسی به اهداف و آرمانهای توسعه استفاده کند (Guerra & Debbage, 2021).

شکاف دیجیتال به خودی خود و تنها با تکامل فناوری مرتفع نمی‌شود. وجود سیاست توسعه فراگیر با تمرکز بر استراتژیهای کاهش فقر و سیاست‌های ملی شفاف و توانمندساز فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمت توسعه، به عنوان پیش شرط تنظیم زیرساختها، مؤسسات و ابزارهای کاهش شکاف دیجیتال و ارتقای دسترسی جهانی الزامی است. راهبرد سرمایه‌گذاری صرف بر زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات و نادیده گرفتن سایر اولویت‌های اساسی توسعه با بهره‌وری متناقض است. بسیاری از کشورها برای تحقق توسعه اقتصادی باید با محدودیت‌های اساسی تری رویارو شوند. برای مثال، بهبود زیرساخت‌های اصلی، ایجاد بازارها، شکست انحصارهای مخبراتی، راه‌اندازی سیستم‌های قانونی و تنظیم مقررات مؤثر و ارائه آموزش همگانی از آن جمله‌اند. کشورهایی که در حمایت از کامپیوتری کردن و دسترسی به اینترنت این مشکلات را نادیده می‌گیرند، ممکن است به هدر رفت منابع کمیاب به عنوان ظرفیتی برای بهره‌بردن از فناوری اطلاعات و ارتباطات که توسعه نیافته باقی مانده است، پایان دهند. به عبارت دیگر، تلاش برای پر کردن شکاف دیجیتال باید برای ارتقای دسترسی جهانی و در عین حال ایجاد فرصت‌هایی برای استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در سطح جامعه هدایت شود. با توجه به مباحثه‌های فعلی فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمت توسعه و به دلیل این که مؤسسات بین‌المللی و دولت‌ها در تلاش برای کاهش شکاف دیجیتال از طریق سازوکارهای مالی، سیاست‌ها و پیاده‌سازی برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه هستند، درک مفهوم شکاف دیجیتال اهمیت به‌سزایی دارد.

۲-۶-۴- دولت و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات

فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات می‌توانند با روش‌های خاص دیگری برای از بین بردن شکاف دیجیتال استفاده شوند (J. Wu, Ta, Song, Lin, & Chai, 2018). باید تمام تلاش‌ها به واسطه سیاست‌ها و اقدامات ملی به کار گرفته شوند؛ و در عین حال، باید فرصت‌ها استفاده از تسهیلات دسترسی در سطح اجتماع، برای ارتقای دسترسی جهانی هدایت شوند. برخی از این روش‌ها عبارتند از:

- با توجه به سرعت بالای ابداع فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، دولت‌های همگرا و در حال تغییر در کشورهای فقیر می‌توانند بیشتر بر هدایت منابع سیاسی و مالی کمیاب خود بر توسعه سرمایه انسانی و اجتماعی، ایجاد زیرساخت‌های اساسی و بسترسازی برای فعالیت بخش خصوصی تمرکز کنند. ترغیب بخش خصوصی بار سنگین خزانه دولتی را کاهش و در عین حال سرعت رشد زیرساخت را افزایش می‌دهد، هزینه‌ها را کاهش می‌دهد و به دولت کمک می‌کند تا بر بخش‌های اجتماعی و جغرافیایی نیازمند سرمایه گذاری عمومی تمرکز کند. به عبارت دیگر، نقش دولت در ایجاد پیش نیازهایی برای شکوفایی بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات اهمیت به سزایی دارد.
- کشورهای فقیر در ابتدا با پردازش داده‌ها و دورکاری، به تدریج به سوی امور پیچیده‌تر توسعه نرم افزاری و نوآوری سخت افزاری حرکت می‌کنند. کشورهای در حال توسعه به رغم نگرانی‌های موجود در باره خطرات عقب ماندن در عصر دیجیتال، باید به دقت بین نیازهای متناقض برای پذیرش فناوری مدرن و ایجاد مبنای اساسی برای توسعه اقتصادی تعادل ایجاد کنند.
- سرمایه گذاری در آموزش رسمی و غیررسمی اولویت دیگری است. آموزش خواه برای دستیابی به اهداف توسعه هزاره و خواه صرفاً برای از بین بردن شکاف دیجیتال اهمیت قابل توجهی دارد، زیرا مهارت‌های موردنیاز برای خلق، پذیرش و استفاده از چنین فناوری‌هایی را فراهم می‌سازد.
- در حالی که حتی افراد بی سواد یا کم سواد می‌توانند از برخی مزایای کاربردهای فناوری بهره مند شوند، اهمیت آموزش فراتر از کاربردهای اولیه و فزاینده خواهد بود. در حقیقت، شواهد بین المللی نشان می‌دهند که آموزش، مکمل قدرتمندی برای دستیابی به دیگر مقاصد اهداف توسعه هزاره محسوب می‌شود. دسترسی به آموزش متوسطه و آموزش عالی به ایجاد منابع انسانی و به نوبه خود رشد گسترده و نوآوری منجر خواهد شد.
- برای ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی و مخابرات سرمایه گذاری دولت ضروری است، زیرا ارتباط با فقیرترین افراد لزوماً برای بخش خصوصی که تقاضای بازار در آن مشوق اصلی است و علاقه‌ای به صرف هزینه بالا زیرساخت‌های روستایی ندارد، جذاب نیست (Dekel et al., 2019). حتی با فرض این که بخش خصوصی در به سرمایه گذاری در زیرساخت روستایی راغب است، دولت باید نقش نظارتی را ایفا کند، استانداردها را تعیین کند، بسترسازی کند و حتی از طریق حذف نظارت، رشد بیشتری را موجب شود. سומالی نمونه‌ای است که در آن با فقدان نقش دولت در تنظیم مقررات در بخش مخابرات، تنوع شبکه‌های تلفن همراه به کابوس هر دولتی که پس از آن به فکر نظارت بر آن باشد، تبدیل شده است.
- دولت‌ها می‌توانند در سطح اجتماعی فرصت‌های خلق خدمات و تسهیلات خدماتی مشترک را برای دستیابی گسترده و دسترسی بومی در نظر بگیرند. در مسیر موازی وجود دارد که باید در ایجاد تسهیلات خدمات مشترک دنبال شوند. باید از جانب تأمین‌کننده، پورتال‌هایی به عنوان مخازن پویا تهیه

شوند که ذخیره و به روز رسانی دانش توسعه را در آنها ممکن کنند. ایجاد مراکز یا کیوسک‌هایی از جانب کاربر دسترسی آسان به دانش ذخیره شده در چنین پورتال‌هایی را ممکن می‌کند.

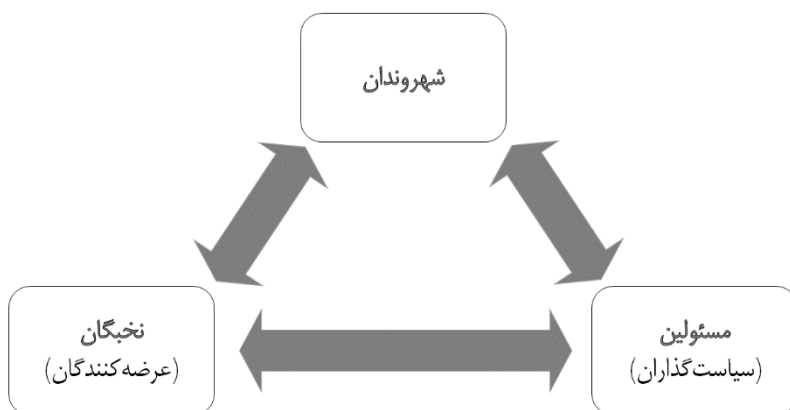
– برای دسترسی و استفاده از محتوا و خدمات، هم پوشانی فناوری‌ها ضرورت دارد. تهیه محتوا برای وب و تلفن‌های همراه به شکلی که کاربران بتوانند به محتوای سایت‌ها در وب و تلفن همراه خود به روشی راحت و مناسب دسترسی داشته باشند نمونه‌ای از این کاربرد است.

۲-۶-۵- شهروندان و فناوری اطلاعات و ارتباطات

نقش آفرینان زیادی (سازمانهای بین‌المللی، دولت‌ها، سازمانهای غیردولتی و بخش خصوصی) در فضای توسعه به کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات وجود دارند. هر گروه از نقش آفرینان با تکیه بر تعهدات و توانایی‌های خود کار می‌کند. برای مثال، سازمانهای بین‌المللی، بودجه و تخصص فنی استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی را به ارمغان می‌آورند. سازمانهای غیردولتی با ارتباط عمومی قوی، به طور مستقل کار می‌کنند و هم چنین واسطه‌هایی بین مردم و سایر سازمان‌ها هستند. بخش خصوصی، به عنوان بخشی از مسئولیت اجتماعی بزرگتر شرکتها، برای یکپارچه سازی دغدغه‌های اجتماعی و محیطی در کسب و کار خود و بازگشت آن به جامعه، در توسعه به کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات نقش دارد. در بسیاری از موارد، گروههای مختلف با یکدیگر کار می‌کنند و هر یک قابلیت‌های خود را در استفاده از فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی برای تأمین اهداف توسعه ارائه می‌دهند (Knobel et al., 2021). دولت، بزرگترین و شاید مهم‌ترین نقش آفرین است که اغلب برای ارائه خدمات عمومی به شهروندان تعهد نهادی دارد. دولتها برای ارائه خدمات از انواع روشها استفاده می‌کنند. از جمله:

- اقدامات لازم خود دولت
 - قرارداد با بخش خصوصی و سازمانهای غیردولتی
 - انتقال قدرت و تمرکززدایی قدرت و مسئولیت به دولت‌های محلی
 - مشارکت اجتماعی و واگذاری مستقیم به خانوارها
- موفقیت تحسین برانگیز دولت در موارد بسیاری وجود داشته است. با این حال، در موارد متعدد ارائه خدمات با کیفیت با شکست روبرو شده است. موفقیت و شکست، هر دو به ارتباط بین ذی‌نفعان مختلف از جمله دولت، ارائه دهنده خدمات و شهروندان اشاره می‌کنند. این ارتباط برای ارائه مؤثر خدمات اهمیت دارد و شکست آن می‌تواند به ناآرامی و اعتراض شهروندان منجر شود. فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، برای تقویت رابطه بین سه گروه از ذی‌نفعان، به منظور تأمین اهداف توسعه شهریبه شیوه عادلانه، مولد، پایدار و مشارکتی استفاده می‌شوند. در گذشته و حال، از روش‌های زیادی برای تأمین اهداف توسعه توسط فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات استفاده شده است.

برای کمک به شناخت ذی نفعان و ابعاد و اجزای مختلف، ابتدا باید مجموعه‌های مختلف نقش آفرینان در این رابطه و سپس، مجموعه‌های مختلف روابط را درک کرد. به این منظور، باید بر خدمات کلیدی دولت در کاهش فقر، بهداشت، آموزش و پرورش، آب، برق و فاضلاب شهروندان مشتریان خدمات) تمرکز داشت (Valenzuela-Levi, Fuentes, Ramirez, Rodriguez, & Señoret, 2022). در گزارش توسعه جهانی (چارچوب روابط بین نقش آفرینان مختلف) مشتریان و ارائه دهندگان خدمات و سیاست گذاران به صورت زیر نشان داده شده است.



نمودار ۲-۵- ذی نفعان در توسعه به کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات

شهروندان، به عنوان بیماران بیمارستان‌ها، دانش آموزان و مصرف کنندگان آب و برق، مشتریانی هستند که از طریق مالیات یا عوارض دولتی هزینه این خدمات را پرداخت می‌کنند (Y. Zhao, Ponzini, & Zhang, 2020). ارائه دهندگان خدمات، سازمانها یا اداراتی (دولتی، غیردولتی یا خصوصی) هستند که رابط مستقیم بین شهروندان و دولت هستند. ادارات آب و فاضلاب، برق، مدارس و سیستم‌های مدرسه و بیمارستانها (دولتی و خصوصی) که شهروندان معمولی برای دریافت خدمات به آنها مراجعه می‌کنند، نمونه‌هایی از این سازمانها هستند. سیاست گذاران شامل مقامات رسمی منتخب و مقامات دولتی هستند، در جایگاه‌های تدوین سیاست و تعیین مسیر اقدامات قرار دارند و نیز افرادی هستند که مسئولیت سرپرستی، پایش و نظم دهی ارائه دهندگان خدمات را بر عهده دارند و بر اساس عملکردشان تشویق یا تنبیه می‌شوند (Kotzebue, 2022).

روابط بین شهروندان و سیاست گذاران با مقامات منتخب را در نظر بگیرید. در اصل، شهروندان از طریق فرآیندهای سیاسی موجود از جمله انتخابات بر سیاست گذاران و سیاستمداران تأثیر می‌گذارند. در عمل، این فرآیند کند است و برای مردم فقیر که ارتباط کمتری با سیاستمداران دارند) همواره کارساز نیست. فاصله بین شهروندان و سیاست گذاران و مقامات منتخب، به دلیل ضعف سیستم انتخابات یا کندی این فرآیند (هر چهار یا پنج سال یکبار) افزایش می‌یابد.

حتی اگر مردم فقیر بتوانند به سیاست‌گذاران دسترسی داشته باشند، خدمات بهبود نخواهند یافت، مگر این که سیاست‌گذاران تضمین کنند که ارائه‌دهندگان به آنها خدمات ارائه می‌کنند. تأثیر بر خروجی خدمات با تقویت ارتباط بین شهروندان و ارائه‌دهندگان خدمات، ساده‌تر صورت می‌گیرد. ارتباط بین هر سه ذی‌نفع اصلی، از طریق فرآیندهای اطلاعاتی، ارتباطی، حمایتی و پایشی برقرار می‌شود که با استفاده از ابزار مشارکت مدنی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ساده‌تر خواهد شد. این ارتباط به همان اندازه که برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دولت مناسب است، برای توسعه به کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز خوب است. انتقال دستورالعمل‌ها و طرح‌های سیاسی برای دستیابی به اهداف توسعه زمانی بهتر دیده می‌شود که این اهداف با توجه به بخش‌های توسعه تقسیم‌بندی شوند. فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به خاطر ماهیت میانبرشان، می‌توانند کاربرد چندبخشی و چندشاخه‌ای داشته باشند؛ مثلاً در تلاش برای کاهش فقر (Essounga & Njiei, 2021). با این حال، این بخش کاربردهای مختلف فناوری اطلاعات و ارتباطات را در تأمین اهداف شناسایی شده و اولویت‌بندی شده دولت، برحسب بخش‌های خاص توسعه توضیح می‌دهد.

تنوع گسترده در روش‌های استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، در بسیاری از بخش‌های توسعه وجود دارد. با این حال، تحلیل کاربردها نشان می‌دهد که دو رویکرد اصلی برای توسعه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات وجود دارد (Essounga & Njiei, 2021). رویکرد اول مستقیم است و ذینفعان نهایی را هدف قرار می‌دهد (Porru et al., 2020). خدمات دولت به شهروندان و سازوکارهای برخط طرح شکایت شهروندان، نمونه‌هایی از آن به شمار می‌روند. رویکرد دوم غیرمستقیم و حمایتی است که هدف آن هماهنگی سیستمها و توسعه سیاستها، زیرساخت‌ها، افراد و محتوا است که به نوبه خود انتظار می‌رود به سود ذی‌نفعان نهایی باشد. هر دو رویکرد برای دستیابی به اهداف توسعه ضروری هستند (Y. J. Park & Shin, 2020)، اما هر یک از آنها در حرکت از سیاست به سطوح پیاده‌سازی، طراحی متفاوتی دارد. به منظور دستیابی به اهداف مختلف در یک برنامه یا پروژه، می‌توان از این دو رویکرد به صورت مستقل یا ترکیبی استفاده کرد. باید تلاش شود تا هر دو بعد مستقیم و غیرمستقیم - به همراه هم، اما در چارچوب بخش‌های مجزا، در نظر گرفته شوند (J. Zhu & Guo, 2022).

۲-۶-۶- توسعه شهری و فناوری اطلاعات و ارتباطات

اوضاع جدید نوع جدیدی از انتظام فضایی را سامان می‌دهد که خود معنای شهر را به نحوی دگرگون کرده که در نهایت، طبق اظهار نظر هنری لفور، زندگی چند فرهنگی را در مقابل تک فرهنگی و تلفیق عملکردی را به جای جداسازی و پیوند دادن قضاها را به جای قطعه‌قطعه کردنشان مطرح می‌کند برنامه ریزان کاربری زمین می‌توانند با تعریف عرصه‌هایی انعطاف‌پذیر و متنوع به سمت نظریه لفور حرکت

کنند و حساسیت خود نسبت به اهمیت تفکیک و تجزیه کاربری‌ها را | تلطیف کنند (Kabir et al., 2022)

از سوی دیگر برای معماران نیز مقوله تداوم عرصه‌های حضور و تغییر معنای رابطه انسان یا مکان لزوم بازنگری جدی در بسیاری از اصول پایه‌ای را مطرح می‌کند. فرآیند استاندارد شده دوران مدرن قرن بیستم، که مبتنی بر بحث جدایی و تفکیک عملکردها با هدف تعدیل ابعاد فضاها برای به عهده گرفتن عملکرد خاص و شفاف بودن بصری عملکردهاست، مشخصا در مقیاس شهر (Ismagilova et al., 2019)، حوزه‌های مسکونی تفکیک شده از مناطق تجاری و صنعتی را موجب شده است. در مقیاس تک پتانیز، این تفکر به طراحی فضاهایی خاص با تجهیزات متمرکز برای پاسخگویی به فعالیت‌های مشخص انجامیده است (Turken & Geda, 2020; Vaithilingam et al., 2022). این درحالی است که این نگاه با ورود ابزارهای الکترونیک بیسیم، که قادرند در موقعیت‌های مختلف به فعالیت خود ادامه دهند، بی معنی شده است (Carter et al., 2022)

امروزه نگرش زمان‌بندی فضاهایی با قابلیت‌های متنوع جایگزین تقسیم‌بندی فضا می‌شود؛ با این توضیح برنامه ریزان کالبد شهر، بایستی چارچوب تصمیم‌گیری را به نحوی تنظیم کنند که دستیابی به اهداف اطلاعاتی در آن گنجانده شود. به عبارت دیگر زیرساخت‌های اطلاعاتی بسیار موثرتر از زیرساخت‌های فیزیکی، در شکل‌گیری چارچوب‌های تصمیم‌سازی شهر آینده مؤثر خواهد بود (Lingyue Li & Xiao, 2022).

از سوی دیگر، فناوری اطلاعات و ارتباطات با امکانات و ابزاری که در اختیار می‌گذارد تجربه معماری و طراحی شهری را دگرگون می‌سازد. پیشینیان ما می‌توانستند ساختارهای عظیم و به یادماندنی‌ای با استفاده از خواص سنگها بسازند، ولی ساختارهایی که به این صورت ساخته می‌شد، استفاده کمی از فضا می‌کرد. انقلاب صنعتی این امکان را فراهم آورد که فضاهای داخلی گشوده شود و تعداد زیادی از مردم در داخل بناهای بلند جای داده شوند. در قرن نوزدهم پیشرفت علوم امکان ساختن ساختمان‌های بلند و آسمان خراش‌ها را ایجاد کرد و سرمایه‌داری و کاپیتالیسم صنعتی را در دستیابی به اهداف کمک کرد (Xuequn Wang & Xu, 2021). در عین حال تراکم زیاد، موجب گسترش حومه‌ها شد، بر این اساس در حالی که قرن بیستم به پایان می‌رسیده خط آسمان مرکز شهرها بالا رفت و به تبع آن حومه‌ها گسترش پیدا کرد. لیکن معضلات طبیعی مانعی برای بلندتر شدن بناها بود، هر چه تعداد طبقات بیشتر میشد، فضای بیشتری صرف تأسیسات و اسکلت بتا میشد. همچنان که این مسابقه برای بلندتر ساختن ادامه داشت، توسعه سریع انقلاب دیجیتال نیاز حضور رو در رو با دیگران را در بناهای گرانیقیمت مرکب شهر کاهش داد. ارتباطات دیجیتالی از اهمیت مرکز شهر کاست و در مقابل با ایجاد امکان دسترسی به منابع، جذابیت مکان‌های ارزاتر حومه را افزایش داد (X. Wang et al., 2021)

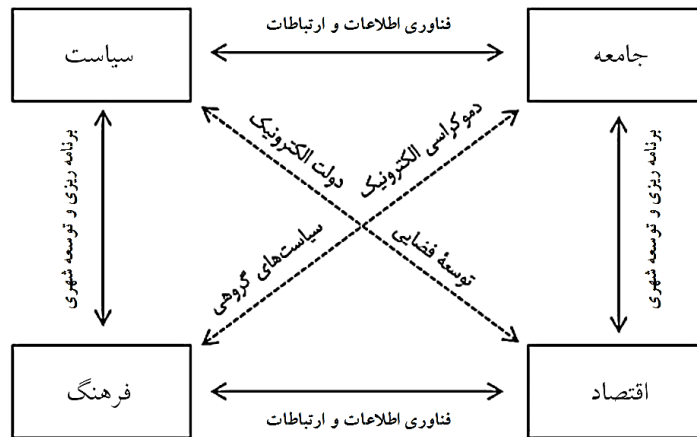
اکنون نشان هر شرکت یا موسسه بیشتر از ساختمان یادمانی و با شکوه آن در مرکز شهر نماینده آن است. محدود شدن اطلاعات کاغذی و ظهور نظام‌های امنیتی نوین، رمزهای ورود و قفل‌های اینترنتی پیشرفته، نیاز به دفاتر خصوصی و محدود را کاهش داده و عرصه‌های چند منظوره‌های پدید آورده که به تبع آن فضاهای کار می‌تواند کوچکتر شود با این حال هنوز افرادی هستند که از راه‌های سنتی (همچون ایستادن بر بلندای شهر) سعی در ارضای نیازهای روانی و اجتماعی خود دارند. بنابراین در قرن بیست و یکم نیز بناها همچنان بلند و بلندتر خواهند شد (Djournessi & Eyike Mbongo, 2022)

به همین نحو ظهور فناوری‌های نوین تجربه جدیدی از فضاهای شهری را با در بر داشتن تابلوهای اطلاعات و تبلیغات دیجیتالی و نورانی، خلق کرده است. فناوری نوین بازخوانی جدیدی از فضاهای شهری را فراهم می‌آورد، عنصری قوی به عوامل تعریف‌کننده فضاهای شهری افزوده شده است صفحات بزرگ نورانی و تلویزیون‌های عظیم، ردیف چراغ‌های رنگی متحرک که تعریف فضا را دگرگون می‌کند (Heiskanen et al., 2022). فناوری جدید امکانات بی‌بدیل و نویی را در راستای خلق محیطی جذابتر و تجربه‌ای غنی‌تر از محیط شهری، در اختیار طراحان قرار داده مصالح و پیشرفت‌های جدید ترکیبی خواهد بود از قدرت الکترونیکی و شبکه دیجیتالی که حساسیت‌های بسیار و حافظه زیاد و قدرت تحلیل و پردازش بی‌نظیر را ایجاد می‌کند. این همه تجربه معماری و طراحی کالبد را دگرگون می‌کند (Ingeborgrud et al., 2020) چنان که نسل جدیدی از فرمهای معماری قابل تغییر و کنترل در طول زمان در حال شکل‌گیری است. امکانات و ابزار در دسترس برای طراحی فرم در خدمت خلق عرصه‌های همگانی و شهرهای جذاب مطلوب، در رقابت با سایر شهرهاست، بدین نحو تجربه عرصه‌های همگانی از فضاهای ایستا و ساکن به عرصه‌هایی پویا و متغیر بدل شده است (Gibbs et al., 2022).

بناهایی با فرم‌های پیچیده و فضاهای شهری سیال همچون طراحی‌های فرانک گری و زاها حدید و ون برکل "نماینده تعبیر فضایی این معماران از جامعه اطلاعاتی تازه است و تلاش آنها برای ترجمه تمایل این عنصر به فضا را نشان می‌دهد طراحی فرم در عصر اطلاعات شاهد تعبیر فرهنگی فرم است که سعی در ثبت روح زمانه دارد (B. Lin & Jia, 2022).

بر این مبناست که می‌توان گفت پیشرفت روزافزون شبکه‌های اطلاعات ارتباطات تفود شگفت‌انگیزی بر کالبد و استخوان‌بندی شهر معاصر داشته است، به نحوی که میتوان آن را انقلاب صنعتی نوین نامید و گفت به همان نحو که انقلاب صنعتی موجب جدایی محل‌های کار و زندگی شد، انقلاب دیجیتالی پیوندی دوباره میان این دو عرصه را در پی خواهد داشت، علاوه بر این، از زمانی که شبکه‌های دیجیتالی در رشدی روزافزون، منار سایر شبکه‌ها را به دست گرفتند (Gruenhagen et al., 2022)، نوع جدیدی از تهدیدات به نام تهدیدات مجازی پا به عرصه ظهور گذاشت که بسیار مخرب‌تر از تهدیدات و برخوردهایی بود که مستقیم عناصر فیزیکی و دارایی‌های واقعی را مورد حمله قرار می‌داد، امروزه شهرها بایستی علاوه بر مراقبت محلی شبکه زیر ساخت‌ها آنها را از تهدیدات مجازی نیز حفظ

کنند (Hasegawa, 2018). باید اطمینان حاصل کرد که شبکه‌های اطلاعاتی مدیریت زیرساخت‌های شهری در مقابل هجوم‌های مجازی قابل تعوذ نیست، پیش از این، امنیت از طریق دیوارها و حصارهای بلند تأمین می‌شد (Lisa et al., 2021)، لیکن امروزه امنیت شهری منوط به الگوی ارتباطات است. به سبب انقلاب اطلاعاتی، امنیت معنای سنتی خود را از دست داده و دیوارهای مجازی جای حصارهای کهن را گرفته استاد از سوی دیگر شهر نظامی بسیار پیچیده و باز است (He et al., 2020)، که نیروهای متفاوت و در هم تنیده با تأثیرات متقابل به صورت همزمان به آن شکل می‌دهند. این نیروها از شهری به شهر دیگر متفاوت است متأثر از عوامل اجتماعی و فرهنگی جوامع. به این سبب میتوان گفت فناوری جدید ارتباطات آثار مشخصی در بر ندارد، بلکه روش استفاده و نوع برخورد با آن در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه ریزیها برای توسعه عرصه‌های شهری است که تعیین کننده است (Webb et al., 2017; Zhang, 2022).

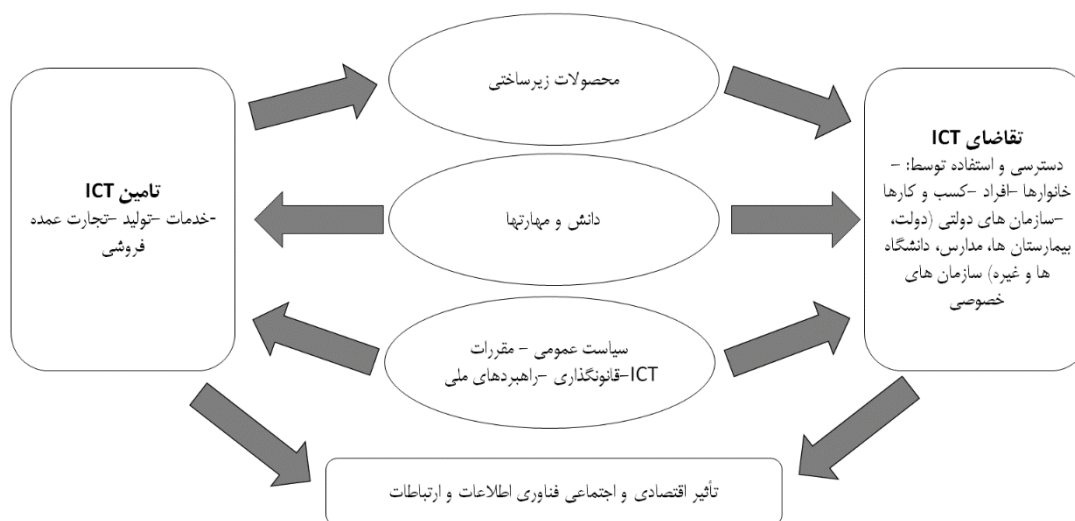


نمودار ۲-۶- تاثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات در زندگی روزمره

برابر تعریفی که در کنفرانس منطقه‌ای آسیا-اقیانوسیه، برای جامعه اطلاعاتی ارائه گردید، این است که شبکه‌های توسعه یافته ی تکنولوژی‌های ارتباطی - اطلاعاتی با فراهم آوردن دسترسی‌های موثر، مناسب به اطلاعات و مضامین مناسب با قابلیت دسترسی بالای مردم در جهت نیل به استعدادهای خود، تسریع توسعه اقتصادی- اجتماعی، بالابردن کیفیت زندگی، از بین بردن فقر و گرسنگی و تسهیل فرایند تصمیم‌گیری‌های مشارکتی کمک کنند.

در اسناد بالادستی کشور نیز جامعه اطلاعاتی چنین تعریف شده است: جامعه اطلاعاتی یک پارچه، تبلوری از کلیه فرآیندهای متعارف و سنتی اجتماعی نظیر کسب و کار، آموزش و ... و حتی فعالیت‌های شخصی نظیر تفریحات در قالبی نوین با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات است.

شاخص‌های جامعه اطلاعاتی بر اساس تصمیم کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۱ OECD، در ژوئن ۱۹۹۷، مورد توجه قرار گرفت و کارگروهی برای تدوین تعاریف و شاخص‌ها تشکیل گردید (Sareen, Remme, Wågsæther, & Haarstad, 2021). حاصل کار این گروه در سال ۲۰۰۵ منتشر گردید. براساس این گزارش، مدل مفهومی شکل ۱-۶ برای اندازه‌گیری جامعه اطلاعاتی ارائه گردیده است. این مدل همه مولفه‌های مورد توافق در عرضه ICT، تقاضای ICT، زیرساخت ICT و محصولات ICT و محتوای الکترونیکی ICT را شامل می‌شود.



نمودار ۲-۷- چارچوب و مدل مفهومی نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات

از نگاه کلان، جوامع اطلاعاتی در پنج حوزه فناوری، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی ارزیابی می‌گردند، که در ادامه مختصراً به آنها پرداخته می‌شود.

فناوری: کاربرد وسیع فناوری‌های پیشرفته از جمله فناوری پیشرفته مدارات مجتمع، ابررایانه‌ها و حافظه، تجهیزات مخابراتی پیشرفته، سامانه‌های خبره، نظام اطلاع‌رسانی مبتنی بر دانش فنی و کتابخانه‌های الکترونیکی از بارزترین مشخصه‌های جامعه اطلاعاتی است. به عبارت دیگر، جامعه اطلاعاتی بر زیرساختی از فناوری‌های تولید، ذخیره‌سازی، پردازش و تبادل اطلاعات بنا نهاده شده است و با سیرتحولات، این فناوری‌ها عمیق‌تر می‌شود. به همین دلیل، یکی از مسیرها برای دستیابی به جامعه نوین اطلاعاتی، به کارگیری فناوری‌های مرتبط است.

اقتصادی: ارزش اقتصادی اطلاعات از مهمترین شاخصه‌های دیگر جامعه اطلاعاتی است. اطلاعات نه تنها باعث بهبود عملکرد بخش‌های مختلف اقتصادی می‌شود، بلکه خود به شکل کالایی با ارزش اقتصادی درآمده و فعالیت‌های مربوط به تولید، ذخیره‌سازی، انتقال و پردازش اطلاعات نیز به ارزش افزوده

¹ Organization for Economic Co-operation and Development

اقتصادی منجر می‌شوند. هر چه نسبت ارزش افزوده اطلاعات به ارزش اقتصادی سایر فعالیت‌ها بیشتر شود، جامعه اطلاعاتی‌تر می‌شود.

اجتماعی: چگونگی شکل‌گیری اقشار قوی و ضعیف، حاکم و محکوم در جامعه اطلاعاتی نیز قابل توجه است. تفاوت جامعه اطلاعاتی با جوامع پیشین این است که ارزش‌های اطلاعاتی بر ارزش‌های مادی، نژادی و... غلبه می‌کند و اقتصاد چنین جامعه‌ای، مبتنی بر سرمایه اطلاعات و دانش فنی آن است که بر منابع مادی برتری می‌یابد. به عبارت دیگر، دسترسی به حجم بیشتری از اطلاعات با ارزش، معیار رتبه‌بندی طبقات و اقشار مختلف اجتماعی است.

سیاسی: تمرکز قدرت، نفوذ سیاسی و تحولات اجتماعی ناشی از برخورداری از اطلاعات است و این امر دلیل آشکاری بر مزایا و منافع ایجاد یک قطب اطلاعاتی است. پیامد این امر، تبدیل جوامع به دو گروه، شامل خیل مخاطبان منفعل و صرفاً مصرف‌کننده، و تعداد کمی از محافل برتر و نیز افراد سرآمد کشورها و تولیدکنندگان فعال اطلاعات الکترونیکی از سوی دیگر خواهد بود (Denis et al., 2021).

فرهنگی: آنچه در نگاه اول در جامعه اطلاعاتی به نظر می‌آید؛ در حوزه فرهنگ در حال وقوع است، نه تنها بروز یک فرهنگ به اصطلاح نوپاست که تحول و تغییر اساسی شیوه زندگی را در سراسر جهان به دنبال دارد، بلکه توسعه دامنه تعامل و تقابل گسترده فرهنگ‌ها است. به دلیل ارزش اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اطلاعات در جامعه، این تعامل بین فرهنگ‌ها، می‌تواند به استیلای فرهنگ‌هایی منجر شود که تأکید بیشتری بر به کارگیری اطلاعات و بی‌پروایی و صراحت در تبادل اطلاعات گوناگون و به ویژه مبادله متمرکز اطلاعات در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارند. به عبارتی، اطلاعات به پشتیبانی از فرهنگ‌هایی برمی‌خیزد که گردش آزاد و سریع‌تر و به تبع، جایگاه برتر آن را بهتر تبلیغ و تضمین کنند.

هیچ‌یک از فناوری‌های جدید به خودی خود خوب یا بد نیست، بلکه روش استفاده و کاربری آنهاست که موثر بر آینده جوامع است. بنابراین می‌توان گفت فناوری اطلاعات و ارتباطات نوعی از زیرساخت‌های شهری است که در تسهیل ارتباطات و جابجایی اطلاعات موثر است در نتیجه مساله اصلی وارد کردن شبکه اطلاعات و ارتباطات به نظام به هم فشرده و پیچیده شهر است: راه‌ها و کف‌سازی‌های بافت شهری و ساختمان‌های هوشمند و مراکز و مجموعه‌های فناوری رسانه‌ای بر این اساس لزوم داشتن نگاهی دقیق‌تر به گروه‌های فعال در شهر اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. همه این گروه‌ها به شیوه‌های مشخص عمل می‌کنند و نیازهای مشخصی دارند و البته با یکدیگر در ارتباط اند که این امر ما را به حیطه فعالیت‌هایی که فناوری اطلاعات به آن وارد خواهد شد، هدایت خواهد کرد. نوع و چگونگی این ارتباطات را نمایش می‌دهد (C. Y. Liu, Hu, & Jeong, 2020). در این دنیای تازه چنین مفاهیم پدید آمده است:

– **دولت الکترونیک:** اینترنت جریان کار را از دفاتر پسته و محدود به دفاتر باز و قابل مشاهده خواهد برد.

- **دموکراسی الکترونیکی:** فناوری اطلاعات و ارتباطات شیوه‌های جدید مشارکت را فراهم می‌آورد.
- **مرزهای دیجیتالی:** اینترنت امکانات آموزشی پیشرفته برای گروه‌های کم درآمد و مناطق و عرصه‌های عمومی برای دسترسی سهل و آسان همه گروه‌ها به اطلاعات را فراهم می‌کند.
- **مدیریت دانش:** استفاده از تغییرات درونی دانش و انتشار سیاسی و اجرایی اطلاعات و در دسترس قرار دادن آن برای عموم مردم ممکن شده است.
- **تجارت الکترونیک:** زیرساخت‌های تکنولوژیکی و تشکیلاتی همچون مراکز خرید مجازی پدید آمده است.

۲-۶-۷- حاشیه‌نشینی و فناوری اطلاعات و ارتباطات

امروزه معنا و مفهوم واژه «فناوری اطلاعات» بسیار وسیع شده است و بسیاری از جنبه‌های محاسباتی و فناوری را دربر می‌گیرد و نسبت به قبل شناخت این اصطلاح آسانتر شده‌است. چتر فناوری اطلاعات تقریباً بزرگ است و بسیاری از زمینه‌ها را پوشش می‌دهد. متخصصین فناوری اطلاعات وظایف متنوعی دارد، از نصب برنامه‌های کاربردی تا طراحی شبکه‌های پیچیده رایانه‌ای و پایگاه داده‌های اطلاعاتی (Dekel et al., 2019).

متأسفانه امروزه در ایران، به فناوری اطلاعات و ارتباطات عمدتاً به عنوان ابزاری تفننی و کمابیش لوکس نگاه می‌شود. به این ترتیب شاهدیم که با وجود تمرکز شدید و روزافزون اغلب اقتصادهای توسعه یافته، نوظهور و نیز در حال توسعه روی ارتقای شاخص‌های مربوط به نفوذ فناوری اطلاعات، در ایران اقدام عملی قابل توجهی در این حوزه انجام نشده است (Panayiotou & Stavrou, 2021). در حال حاضر هر روز تعداد بیشتری از کشورهای جهان، اعم از فقیر و غنی، به اهمیت استراتژیک توسعه فناوری اطلاعات پی برده و در نتیجه گسترش کمی و کیفی دسترسی به فناوری اطلاعات را به عنوان یکی از موتورهای محرک مهم برای بهبود شاخص‌های مختلف اقتصاد کلان خود به کار می‌گیرند (W. Zhu & Chen, 2022).

به این ترتیب هم اکنون تلاش برای ارتقای شاخص‌های سهولت دسترسی به سخت افزار، نرم افزار و اینترنت و نیز بهبود شاخص‌های مربوط به سطح سواد نرم افزاری، سخت افزاری و اینترنتی شهروندان، به منزله یکی از اجزای مهم برنامه‌های شتاب دهنده رشد اقتصادی، برنامه‌های مبارزه با فقر، برنامه‌های کلان ایجاد اشتغال و نیز برنامه‌های مدیریت بهینه تقاضای سوخت محسوب می‌شوند (Rodríguez-Rodríguez & Heras-González, 2020; Sakurai & Murayama, 2019). همچنین گسترش کمی و کیفی حضور شهروندان هر کشور در فضای مجازی، به عنوان نمادی از عرض اندام فرهنگی آن کشور و تلاش برای تاثیرگذاری آن فرهنگ در عرصه بین‌المللی تلقی می‌شود. با این

وجود، متأسفانه در ایران، تا به امروز وجوه مختلف اهمیت توسعه فناوری اطلاعات چندان مورد توجه قرار نگرفته است. این کم‌توجهی، در کنار توجه روزافزون بسیاری از کشورها به توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات موجب شده است که رتبه بین‌المللی ایران در زمینه شاخص‌های مختلف مرتبط با فناوری اطلاعات پایین باشد. در نتیجه رتبه ایران در زمینه ضریب نفوذ اینترنت، کیفیت و سرعت اینترنت، هزینه استفاده از اینترنت و نیز متوسط سواد اینترنتی شهروندان، در مقایسه با دیگر کشورها از درجه بالایی برخوردار نیست (Ahmed, 2018).

مشاغل کنونی وارد چالش جدیدی شده و حرفه‌های جدیدی به وجود آمده است؛ به‌طوریکه فضای پیشینی شده بسیاری از مشاغل از بین رفته است و بسیاری از فرمانها و برنامه‌ریزیها از طریق سیگنال‌های دیجیتالی و فیبر نوری که به وسیله ماهواره و فناوریهای بیسیم پشتیبانی میشوند، مخابره میگردد (Kristensen & Dubois, 2021; Kubalíková et al., 2021).

رشد سریع شهرنشینی عامل ظهور بسیاری از مسائل و مشکلات شهری مانند افزایش میزان بیکاری، حاشیه‌نشینی، استفاده نادرست و ناکارآمد از منابع، گسترش فقر، کمبود خدمات شهری، معضل مسکن، افزایش آلودگیهای زیست محیطی و نظایر اینها در کشورهای رو به رشد بوده است (Omamo et al., 2019). شواهد دیگر گویای آن است که رشد لجام گسیخته شهرها نیز خود موجب شکست بسیاری از تلاشها و کوششهای برنامه‌ریزان برای مشکلات شهرنشینی در این کشورها شده است (Pineda-Pinto et al., 2021). به اعتراف بیشتر صاحب‌نظران، انقلابی که در فناوری اطلاعات روی داده، باعث ایجاد جهشی عظیم در تکامل شهرها و حل معضلات پیچیده آنها شده است؛ افزایش سریع فعالیتهای از راه دور به عنوان نمونه دورکاری، خرید از راه دور و آموزش از راه دور قطعاً در شکل‌گیری فضای فیزیکی شهرها تاثیر خواهد گذاشت (X. Zhu, Gao, Zhang, & Zhang, 2021).

کار از راه دور (دورکاری)، شکل فیزیکی رفت و آمد به محل کار، آموزش از راه دور و درمان از راه دور، محل و ساختار سازمانی مدارس، دانشگاهها و مطب پزشکان و خرید از راه دور نیز شکل بازارها را متحول خواهد کرد. این گونه تحولات و تاثیرات برنامه‌ریزی شهرهای کنونی و آینده را دگرگون خواهد ساخت (Nyns & Schmitz, 2022; Odhiambo, 2022).

در دنیای پیشرفته امروز، می‌توان با کمک فناوریهای روز بیشترین بهره‌وری را در شهر و اجزای آن به دست آورد. از طرفی ساخت و ایجاد شهرهای جدید نیز، سرمایه‌گذارانهای کلان و دراز مدت را طلب میکند و از آنجا که در یک شهر ساختمانها، سرمایه‌های زیادی را به خود اختصاص میدهند (Oktari et al., 2020)، پس باید به موازات رشد و توسعه شهرها، سرمایه‌گذارانهای لازم برای نو شدن ساختمانها صورت گیرد. امروزه بسیاری از ساختمانها با کاربردهای مختلف برای اهداف عملکردی خود کارکرد درستی ندارند تا بتوانند بیشترین بازدهی ممکن را برای استفاده‌کنندگان آن فراهم کنند. این ساختمانها عموماً فاقد امکانات لازم برای مدیریت انرژی هستند و نمیتوانند پاسخگوی تحولات محیطی و

نیازهای جدید باشند، در حالی که می‌توان از فناوریهای نو از جمله سیستمهای کنترلی هوشمند در ساختمان بهره برد (Ahmed, 2018).

فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی به تنهایی نمیتوانند گرسنگی را از میان بردارند، فقر را ریشهکن کنند یا از مرگ و میر کودکان بکاهند؛ اما میتوانند به شکل فزایندهای به عنوان یک کاتالیزور (شتاب دهنده) مهم برای رشد اقتصادی و برابری اجتماعی به کار گرفته شوند.

ICT امکان تولید، تنوع و توزیع ثمربخش تر منابع را فراهم می‌آورد. این فناوریها امکان ارائه خدمات بهداشتی اولیه به کسانی را فراهم می‌آورد که بشدت به این خدمات نیاز دارند یا در منطقیهای زندگی میکنند که در آن مناطق امکان دسترسی به تسهیلات بهداشتی اصلاً وجود ندارد یا کم است. همچنین این فناوریها حوزه دسترسی آموزگاران و مربیان را گسترده تر میکند و به آنها امکان میدهد دانش را به دور افتاده ترین گوشه‌های زمین برسانند.

بدون شک، شهرها به عنوان مرکزی جهت تولید و تبادل اطلاعات باقی خواهند ماند. شهرها همواره محلی برای بروز خلاقیت و مکانی ایده‌آل برای برخورد آرا و نظرات هستند که منشا ایجاد نوآوری است. برای برخی از صنایع، تمرکز زدایی به دلیل پیشرفت سیستمهای مخابراتی ممکن شده و این سیستمها اجازه میدهند که دفتر مرکزی واقع در شهر مستقیماً به شعبات و دفاتر تابعه در شهرهای دیگر متصل شود که در نتیجه دفاتر مرکزی اهمیت بیشتری پیدا میکنند و اطلاعات را دریافت کرده و پردازش میکنند (Saroj & Pal, 2020). این امر موجب رشد نواحی تجاری - اداری جدید در شهرهای مرکزی می‌شود. استفاده از فناوری اطلاعات در مدیریت شهری مقوله مهمی است که از ابعاد گوناگون مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی برخوردار است. گستردگی و پیچیدگی سازمانی مربوط به مدیریت شهری و حجم وسیعی از وظایف متعددی که بر دوش این ساختار نهاده شده است، مستلزم بازنگری و اعمال مهندسی اصلاحات در ساختار سازمانی مدیریت شهری است (Al-Emran et al., 2018).

آنچه در این جا مهم به نظر میرسد عبارت است از: فرهنگسازی برای اجرای ساختار IT، تغییر اعتقاد و باور مدیران ارشد سازمانها به سمت استفاده از این فناوری، بررسی مشکلات و موانع بکارگیری و پیادهسازی IT، بهبود شاخصهای به رهوری و تبدیل اطلاعات به دانش (Knowledge) و خارج کردن فعالیتهای غیرمحموری از محیط سازمان یا همان کوچکسازی از طریق برون سپاری (Nyns & Schmitz, 2022; Odhiambo, 2022).

فناوری اطلاعات میتواند در افزایش میزان کارایی بخشهای گوناگون، از طریق فراهم آوردن زمینهای تاثیرگذار مناسب اندیشیدن، تجزیه و تحلیل کردن، تصمیمسازی و اجرا، موثر واقع شود و همچنین از تحمیل هزینه‌های بیهوده بر دوش اقتصاد کلان ملی جلوگیری کند.

اما یکی از مسائل مغفول در مدیریت شهری، عدم توجه به سرمایه‌گذارهای فرهنگی در جهت رشد و ارتقای سطح دانش شهروندی است. امروزه فرهنگ مدیریت شهری بیشتر از همه باید نسبت به امر آموزشهای مستقیم و غیرمستقیم فرهنگی، از طریق برنامه‌های گوناگون و متنوع، حساسیت نشان دهد و در راه دستیابی به سطح مطلوبی از آن تلاش کند. استفاده از تکنولوژی اطلاعات در مدیریت شهری کشور، علاوه بر کارآمدی و افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) به برقراری عدالت اجتماعی منجر می‌شود که آن هم باعث بکارگیری سرمایه‌های مادی و معنوی در پروژه‌های علمی و برنامه‌ریزی شده می‌شود (Kuipers, Sezneva, & Halauniova, 2022).

۲-۶-۸- مدیریت حاشیه‌ی شهر و فناوری اطلاعات و ارتباطات

در واقع با برنامه‌ریزی شهری مجازی و طراحی اینگونه شهرها، ما قادر خواهیم شد بخشی از مشکلات شهرسازی کشور را حل کنیم (Mora et al., 2021)، به علاوه در مقایسه با کشورهای پیشرفته، ایران نیاز بیشتری به استفاده از نظام شهر و شهرسازی هوشمند دارد. چون با مشکلات فراوانی در رابطه با مساله ترافیک و آلودگی هوا و اقتصاد شهرسازی مواجه است، نظام شهری هوشمند برای حل آن کارایی بیشتری در مقایسه با شیوه‌های دیگر دارد (Navío-Marco et al., 2018). به هر صورت شهرسازی در عصر انقلاب اطلاعات، روشهای مختلفی را برای الگوی شکل، ساخت و بافت شهری عرضه میکند (Modaresnezhad et al., 2020). به هر یک از الگوها و تئوریهایی که تکیه شود، ضرورت تکیه بر شهر و شهرسازی هوشمند در ایران غیرقابل انکار است اما هنوز آگاهی عمومی و فنی از رابطه بین انقلاب اطلاعاتی و طراحی شهری ناچیز است (Alamsyah & Zhu, 2022).

متأسفانه امروزه در ایران، به فناوری اطلاعات و ارتباطات عمدتاً به عنوان ابزاری تفنی و کمابیش لوکس نگاه می‌شود. به این ترتیب شاهدیم که با وجود تمرکز شدید و روزافزون اغلب اقتصادهای توسعه یافته، نوظهور و نیز در حال توسعه روی ارتقای شاخصهای مربوط به نفوذ فناوری اطلاعات، در ایران اقدام عملی قابل توجهی در این حوزه انجام نشده است (Schwambach et al., 2022).

در حال حاضر هر روز تعداد بیشتری از کشورهای جهان، اعم از فقیر و غنی، به اهمیت استراتژیک توسعه فناوری اطلاعات پی برده و در نتیجه گسترش کمی و کیفی دسترسی به فناوری اطلاعات را به عنوان یکی از موتورهای محرک مهم برای بهبود شاخصهای مختلف اقتصاد کلان خود به کار می‌گیرند. به این ترتیب هم‌اکنون تلاش برای ارتقای شاخصهای سهولت دسترسی به سختافزار، نرمافزار و اینترنت و نیز بهبود شاخصهای مربوط به سطح سواد نرمافزاری، سختافزاری و اینترنتی شهروندان، به منزله یکی از اجزای مهم برنامه‌های شتابدهنده رشد اقتصادی، برنامه‌های مبارزه با فقر، برنامه‌های کلان ایجاد اشتغال و نیز برنامه‌های مدیریت بهینه تقاضای سوخت محسوب میشوند (Kuriakose & Philip, 2021; Lan et al., 2020). همچنین گسترش کمی و کیفی حضور شهروندان هر کشور در فضای

مجازی، به عنوان نمادی از عرض اندام فرهنگ آن کشور و تلاش برای تاثیرگذاری آن فرهنگ در عرصه بین‌المللی تلقی می‌شود. با افزایش سواد اینترنتی و بهبود کیفیت و قیمت اینترنت، تدریجاً میزان استفاده شهروندان از خدمات الکترونیکی عرضه شده بالاتر می‌رود (Y. Lin, 2022)؛ از خرید و رزرو اینترنتی بلیت قطار، هواپیما و اتوبوس گرفته تا استفاده از خدمات الکترونیکی شهرداریها، بانکها و نظایر آن. همچنین با دسترسی درصد زیادی از شهروندان به زیرساختهای با کیفیت و ارزان قیمت اینترنتی، ادارات دولتی و سازمانها هم دارای انگیزه روزافزونی برای کاهش هزینه هایشان از طریق ارائه بخش بیشتری از خدمات خود به صورت اینترنتی خواهند بود (Lang, Hui, Chen, & Li, 2020). واضح است که به این ترتیب میتوان شاهد کاهش بخشی از مسافرتهاى درونشهری از طریق کاهش تقاضای سفر بود (Sepasgozar, 2022).

امروزه در اقتصادهای توسعه یافته، گسترش روزافزون شغل‌های مرتبط با اینترنت مانند ارائه خدمات مختلف به سایتهای اینترنتی (مانند تولید محتوای اینترنتی و به روز کردن مطالب، برنامه‌نویسی، امنیت سایت و ...)، تبلیغات اینترنتی (چه در قالب سایتهای و وبلاگها و چه از طریق ایمیل و حضور در چترومها و ...) (Andreev & Makarova, 2022) ارائه خدمات مشاورهای از طریق اینترنت و نظایر آن، باعث شده‌اند تا تعداد زیادی از افرادی که مایل به جمع‌آوری اطلاعات مختلف در مورد کیفیت و قیمت کالاهای مختلف هستند، بتوانند بدون انجام مسافرت‌های درونشهری به این اطلاعات دستیابی پیدا کنند (Sufri et al., 2020). در واقع با بهبود قیمت و کیفیت اینترنت و گسترش مخاطبان آن در یک کشور، تدریجاً شاهد گسترش روزافزون مشاغل دائم و پاره‌وقت اینترنتی در آن کشور خواهیم بود. به عنوان مثال میتوان پیشبینی نمود که اگر تعداد شهروندانی که مرتباً از اینترنت استفاده میکنند (C. Lee et al., 2019)، به حد قابل قبولی برسد، آنگاه مشاغل زیادی در زمینه تبلیغات و بازاریابی اینترنتی ایجاد شود. مثلاً در مورد ایران، میتوان انتظار داشت که بسیاری از سفارشدندگان تراکتها و بروشورهای تبلیغاتی، ترجیح دهند تا به جای توزیع دستی تبلیغات و بروشورهای خود در بین شهروندان (که بسیاری از آنها هم بلافاصله بعد از دریافت به زمین ریخته میشوند)، تبلیغات کالاها و خدمات خود را از طریق به کارگیری تبلیغاتهای اینترنتی انجام دهند و مشتریان بالقوه را از طریق ایمیل‌های مناسب تبلیغاتی، تبلیغ در وبلاگها و سایتهای و ... جذب نمایند (Laddha et al., 2022). در مراحل بعد میتوان انتظار داشت که مثلاً با گسترش سایتهای اینترنتی، به تعدادی نیروی کار برای خدمات طراحی سایت، به روز کردن سایت، تامین امنیت سایت و سایر امور دیگر نیاز باشد که بخش عمده کارهای مربوط به چنین مشاغلی هم نیاز به خروج از خانه و انجام سفرهای درونشهری نخواهد داشت (Szymkowiak et al., 2021; Talón-Ballester et al., 2018). علاوه بر اینها، با گسترش کاربرد و بهبود قیمت و کیفیت اینترنت، به صورت بالقوه امکان

ایجاد مشاغل اینترنتی دیگری مثلاً در زمینه ارائه مشاوره‌های مختلف مربوط به تحصیل یا خرید کالاهایی مانند گوشی موبایل، لپ‌تاپ، قطعات کامپیوتری و نظایر آن پدید می‌آید (Dekel et al., 2019). طبیعتاً هرچه میزان استفاده از اینترنت گسترده‌تر بوده و سواد اینترنتی شهروندان بالاتر رود، قابل انتظار است که همانند تجربه بسیاری از کشورهای دیگر، تعداد مشاغل پاره‌وقت و تمام‌وقت اینترنتی با روندی تصاعدی افزایش یافته و با کاهش تدریجی تعداد سفرهای کاری درون‌شهری، از حجم ترافیک کاسته شود (Lei Li, Ma, Zheng, & Xiao, 2022).

که بخش‌هایی و حتی گاهی بخش اعظمی از جابجایی‌های فیزیکی را غیرضروری می‌کند (Kowalski et al., 2019). این امر امکان طراحی فضاهای آزاد از یکدیگر را فراهم می‌کند که گاه حتی تابع نظم منطقی جدیدی، همدیگر را تکمیل می‌کنند. به بیان دیگر، فضای مجازی می‌تواند فضای حقیقی را با عهده گرفتن وظایف زمان‌بر و هزینه‌بر پشتیبانی کند. شما می‌توانید شهری را فرض کنیم که با استفاده از فناوری اطلاعات، به صورت خودکار، قابلیت پاسخگویی در مقابل تغییر موقعیت را دارا باشد چراغ‌های راهنمایی که به صورت خودکار ترافیک را کنترل و زمان لامپها را تنظیم می‌کنند (Toms et al., 2019)، قطارهایی که در مقابل تغییر مسیر ریل‌ها حساس‌اند و برنامه زمانی خود را تغییر می‌دهند، کتابخانه‌هایی که مخاطبان را در جریان چاپ کتب جدید قرار میدهند و هزاران امکان دیگر از جمله فرصت‌هایی است که به کمک این فناوری جدید ممکن شده است (Blaya, 2019).

ارتباطات آسان در عصر جدید و با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، مردم را به تصمیمات فوری و قرار ملاقات‌های خود به خودی و بدون برنامه‌ریزی قبلی با سایرین قادر می‌کند. امروزه در کشورهای پیشرفته جهان به ویژه آمریکا بیشترین تعداد سفرهای درون شهری به انگیزه تبادلات اجتماعی صورت می‌گیرد (Troisi, Fenza, Grimaldi, & Loia, 2022).

۲-۷- چهارچوب مفهومی پژوهش

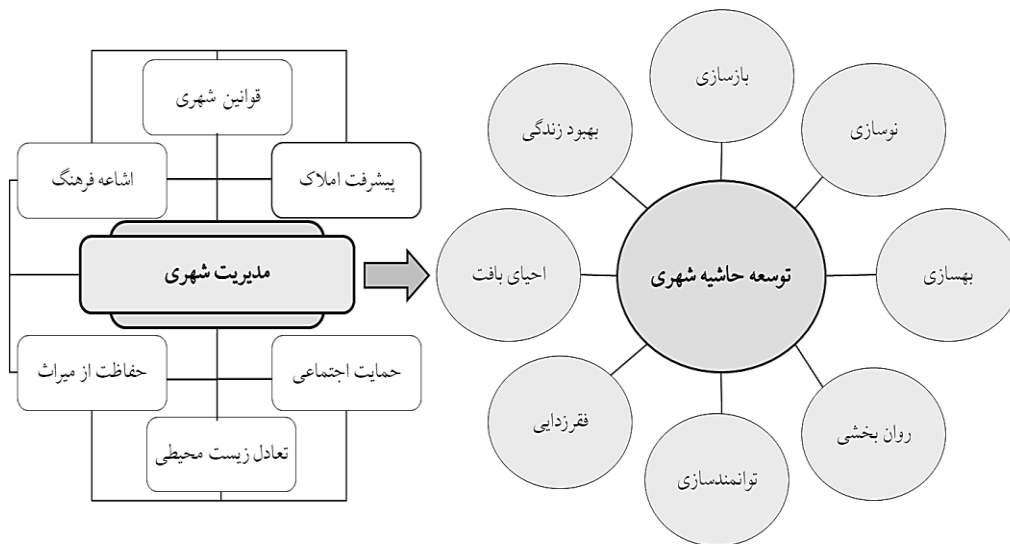
اسکان غیررسمی یکی از چهره‌های بارز فقر شهری است که درون یا مجاور شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) به شکلی خودرو، فاقد مجوز ساختمان و برنامه‌ریزی رسمی شهرسازی، با تجمعی از اقشار کم درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می‌گیرد و با عناوینی همچون حاشیه نشینی، اسکان غیررسمی، سکونتگاه‌های خودرو و نابسامان نامیده می‌شود. با توجه به نارسا بودن اصطلاح حاشیه نشینی و آلوکنشینی برای کلیه اشکال این پدیده، اصطلاح اسکان غیررسمی، با تعبیری گسترده‌تر به جای حاشیه نشینی و آلوکنک نشینی به کار می‌رود. از این رو اصطلاح اسکان غیررسمی شامل حاشیه نشینی و اشکال متعدد آن می‌باشد.

در ایران شهرنشینی شتابان و ناهمگون موجب شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی در داخل و پیرامون شهرهای بزرگشده و به دلیل مهاجرت‌های وسیع و عدم برخورداری از امکانات و خدمات مناسب شهری نتوانسته‌اند در متن اصلی شهر وارد شوند. ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی از لحاظ شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نسبت به در ایران شهرنشینی شتابان و ناهمگون موجب شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی در داخل و پیرامون شهرهای بزرگشده و به دلیل مهاجرت‌های وسیع و عدم برخورداری از امکانات و خدمات مناسب شهری نتوانسته‌اند در متن اصلی شهر وارد شوند. ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی از لحاظ شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نسبت به مادر شهر منطقه در سطوح پایبندی قرار گرفته‌اند (J. Cheng et al., 2022).

چون شکل‌گیری در اراضی غیررسمی (اما نه غیرقانونی)، داشتن امنیت تصرف، مکان‌گزینی در فاصله‌ای مشخص از کلانشهر اما در حوزه نفوذ مستقیم و در طول محورهای اصلی منشعب از آن، استقلال نسبی، کاهش ارتباط خدماتی با مادر شهر به رسمیت شناخته شده است.

توسعه حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی یکی از عواقب رشد شهرنشینی سریع و بدون برنامه است که سبب افزایش تعداد مسکن ناسالم، تراکم زیاد، پایین بودن سطوح زندگی نسبت به مراکز شهری و بالا رفتن برخورد‌های اجتماعی می‌شود. غالباً ساکنین این حاشیه‌نشین‌ها را مهاجرین روستایی تشکیل می‌دهند. تحقیقات متعددی که در تهران، کرج، همدان، اهواز و بوشهر به عمل آمده، نشان می‌دهد که نه تنها این گروه از لحاظ اقتصادی قشر پایین جامعه را تشکیل می‌دهند، بلکه در بین آنان توسعه جرائم بالأخص اعتیاد افزایش زیادی دارد (Dotsey & Lumley-Sapanski, 2021).

مدیریت شهری متناسب با شرایط امروز، به‌جای آنکه خود را متولی توسعه شهر بداند، باید خود را متولی پایدار بودن این توسعه برشمارد. لازمه پایدار بودن این توسعه، پایدار بودن زندگی شهروندان و به تبع آن پایداری نسبی اجزای اقتصادی آن است. مقوله توانمندسازی، اساساً بر دیدگاه «فقرزدایی» و همچنین «توسعه پایدار انسان محور» با تکیه بر مشارکت شهروندان و شهر متکی است. کاربرد شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی سبب بهبود مدیریت آنها شده حتی دگرگونی این شاخصها در شهر سبب تحول ساختار اجتماعی می‌شود.



نمودار ۲-۸- مدل تبیین‌کننده‌ها در توسعه حاشیه‌ی شهر

مسئله سکونت گاه‌های غیر رسمی از دیدگاه‌های متفاوتی نگریسته شده و بر اساس آن نیز با رویکردها و نگرش‌های مدیریتی متفاوتی روبرو بوده است (Smit et al., 2019). بررسی ماهیت این سکونت گاه‌ها و عوامل شکل‌گیری آن‌ها در سراسر جهان نشان می‌دهد این پدیده هم‌چون شهرنشینی از ماهیت و ویژگی‌های متفاوتی برخوردار است. یکی از عوامل محوری در تشکیل آن فقر است که برخی عوامل محلی، ملی و جهانی آن را تشدید می‌کند (Cobbinah et al., 2022). اسکان غیررسمی در ابعاد محلی تا حد زیادی ناشی از ناکارآمدی نظام برنامه‌ریزی و فراگیر نبودن قوانین و مقررات شهری و برون افتادن یک گروه اجتماعی از دایره مسکن رسمی است (H. Park et al., 2019; Yu Wang et al., 2022). از این روست که اف. سی. ترنر می‌گوید «اسکان غیررسمی برنامه‌ریزی تهیدستان در جوامعی است که برنامه ریزان و سیاست گذاران برنامه‌ای برای فقرای شهری ندارند» (Foa & Nemirovskaya, 2019; Trindade et al., 2021) از این رو مشکل سکونت گاه‌های غیر رسمی تنها به ابعاد کالبدی آن ختم نمی‌شود بلکه از نظر اجتماعی نیز تاثیر شدیدی بر زندگی افراد داشته و باعث محرومیت از بسیاری از حقوق مدنی می‌شود (Dotsey & Lumley-Sapanski, 2021). این محرومیت اجتماعی و سیاسی باعث کنار ماندن از جریان اجتماعی و در نتیجه عدم مشارکت این منطقه در جریان رشد و توسعه شهری بوده و به اعتبار همین محرومیت شدید این قشر در برابر هر گونه آسیب اجتماعی نیز بی‌دفاع اند (Downs et al., 2022). حاشیه نشینان، کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند و جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شهری نشده اند (Stiphany et al., 2021; Sutherland et al., 2021).

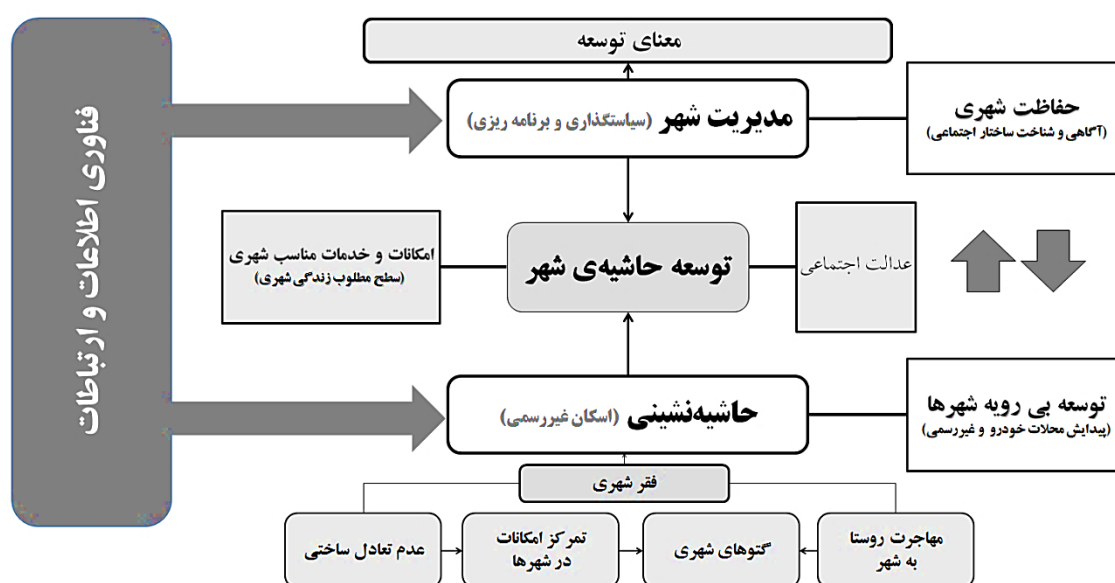
مناطق حاشیه نشین دارای وضعیت نامطلوب و کیفیت پایین محیط زندگی از نظر تأسیسات و تجهیزات بهداشتی و خدماتی هستند (H. Park et al., 2019). مناطق مسکونی آنها که اغلب در کنار مسیل‌ها؛

اطراف راه آهن، در نزدیکی جایگاه‌های تخلیه و انباشت زباله و یا در حاشیه شهرهاست و فاقد کمترین تأسیسات رفاهی است. گاهی نیز این مناطق فاقد آب آشامیدنی و در مواردی دارای یک یا دو شیر آب هستند یا در فاصله نسبتاً زیادی از شیرهای آب قرار دارند. گاهی آب را می‌خرند و گاه با شکستن لوله‌های اصلی شهر به لوله کشی محل مسکونی خویش می‌پردازند. توالت‌های روباز و غیر بهداشتی و محیط آلوده به کثافات و زباله در محل اسکان این قشر، محل مناسبی برای شروع انواع مرض‌هاست. در زمستان، کوچه‌ها پر از گل و لجن بوده و آب خیابان‌ها و کوچه‌ها به این مناطق سرازیر می‌شود. خانه‌ها فاقد سیستم فاضلاب بوده و پایین بودن سطح فرهنگ و سواد، امکان استفاده از روش‌های صحیح بهداشتی را به آنان نمی‌دهد. به همین دلیل با مریضی و مرگ و میر بالای کودکانشان نیز روبرو هستند (Nikuze et al., 2019; Junxi Qian, 2022).

وجود حاشیه‌نشینی پدیده‌ای جهانی است که با ورود صنعت به عرصه زندگی شهری و رشد چشمگیر و قابل ملاحظه شهری کم توجهی شروع می‌شود به این صورت که به دلیل کمبود خدمات و ضعف اقتصاد در مناطق روستایی یا شهرهای کوچک افراد بی‌بضاعت جهت بهبود معیشت خود به شهر مهاجرت می‌کنند (Mai & Wang, 2022; H. Park et al., 2019). غافل از آن که باعث بوجود وضعیت نابسامان برای خود و جامعه می‌شود؛ چون مسئولان زیرساخت‌های زندگی را برای این گونه افراد فراهم و پیش‌بینی نکرده بودند. همچنین ساکنان این مناطق مخالف قوانین شهری هستند. و در اجرای طرح‌های شهری مقاومت نشان می‌دهند به این دلیل که به نفع آنها تحقق نمی‌یابد (Mullenbach, 2022). با این همه حاشیه‌نشینی در کشورهای فقیر و رو به توسعه بیشتر قابل ملاحظه و به گونه‌ای نماد کیفیت فقر معیشتی است در حالی که می‌توان در کشورهای پیشرفته نیز لمس کرد (Abass & Kucukmehmetoglu, 2021). چهار نگرش نسبت به امر حاشیه‌نشینی وجود دارد، عبارتند از: نگرش محافظه‌کار (ریشه کن کردن پدیده)، نگرش لیبرال (رها کردن تا خود به خود حل شود)، نگرش رادیکال (حل ریشه‌ای پدیده)، نگرش اصلاح طلب (اصلاح) پدیده به دلایل شکل‌گیری این پدیده متنوع و متعدد است که ممکن است از مکانی به مکان دیگر متفاوت باشد (Abass & Kucukmehmetoglu, 2021; Agheyisi, 2016). و مهاجرت یکی از دلایل مهم آن محسوب می‌شود. در واقع مهاجرت به رشد بی‌رویه شهرها منجر می‌شود و شهرنشینی را بدنبال دارد به بیان دیگر، مهاجرت و شهرنشینی دو جنبه مرتبط به هم هستند (Alfaro d'Alençon et al., 2018).

توسعه پایدار شهری در تلاش برای ایجاد فرایندی پایدار در حاشیه شهر از یک سو، سعی در استفاده بهینه از امکانات بالقوه درون شهری برای تأمین نیازهای جدید دارد و از سوی دیگر اولویت را برای احیاء بافت قدیم و بازگرداندن حیات اجتماعی و رونق اقتصادی قائل است و به دلیل نقش انعطاف پذیر و همسو با نیازهای مردم و بهره‌گیری گسترده از مشارکت مردمی با صرف کمترین بودجه از بیشترین قابلیت اجرا برخوردار است (Ambole et al., 2019). اگر توسعه حاشیه شهری را دیدگاهی جامع و یکپارچه

بدانیم که به تحلیل مشکلات بافت شهری می‌انجامد و از طریق پیشرفت وضعیت اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و محیط زیستی سبب احیای همه جانبه بافت حاشیه می‌گردد (Ambole et al., 2019; Falco et al., 2019; Hawken et al., 2021; J. Zhu & Guo, 2022; Y. Zhu, Wang, Asibey et al., 2021) و مفاهیمی نظیر بهسازی (Lin, Shen, & Ren, 2021)، نوسازی (An et al., 2022)، بازسازی (Daramola, 2018)، توانمندسازی (Hao, 2021) و روان بخشی شهری (Kovacic et al., 2019) را در برمی‌گیرد؛ بنابراین توسعه حاشیه شهری به عنوان اصلی‌ترین رویکرد حفاظت شهری بر اساس تحلیل دقیق وضع یک منطقه هدف، تطابق همزمان بافت کالبدی، ساختارهای اجتماعی، بنیان اقتصادی و وضع محیط زیست یک منطقه را دنبال می‌کند (Audouin, 2022; Bahmani et al., 2020; Kovacic et al., 2019). توسعه حاشیه شهری طیف وسیعی از فعالیتها را در برمی‌گیرد که هدف آنها احیای بافت‌های شهری، تجدید حیات اجتماعی و اقتصادی بافت‌ها، احیای ساختمان‌ها، زیرساخت‌ها و تأسیسات شهری و در حالت کلی تزریق زندگی به بافت‌هاست (Audouin, 2022; Kovacic, Smit, Musango, Brent, & Giampietro, 2016). به این معنی می‌توان از توسعه با محوریت پیشرفت املاک، اشاعه فرهنگ، حمایت اجتماعی، حفاظت از میراث، تعادل زیست محیطی و مانند آن نام برد (Beshir et al., 2021).



نمودار ۲-۹- طرح شماتیک تئوری توسعه حاشیه شهر

توسعه حاشیه شهری، رویکردی برای توسعه درون زای شهری است (Bittencourt & Giannotti, 2021) و در حقیقت به کارگیری توان‌های بالقوه و بالفعل موجود در برنامه ریزی‌های شهری، تلاش در جهت ایجاد تعادل در نحوه توزیع کیفی و کمی جمعیت، هماهنگی میان بنیان‌های زندگی اجتماعی و گریز از فقر شهری و در نهایت استفاده از مشارکت و پویای اجتماعی مردم است (Essounga &

(Njiei, 2021). در واقع توسعه حاشیه شهری باید سعی در پاسخگویی به شرایط تازه شهرها در وهله اول داشته باشد و سپس برآورده‌کننده خواسته‌ها و نیازهای افراد نسل جدید باشد (Inostroza, 2017). توسعه حاشیه شهری به مفهوم احیاء، تجدید حیات و نوزایی شهری و به عبارتی دوباره زنده شدن شهر است (Mulinge et al., 2021). موضوعی با ابعاد کالبدی و غیر کالبدی که ابعاد اجتماعی و فرهنگی را نیز شامل می‌شود (Menshawy et al., 2016). از این رو یک وجه در توسعه حاشیه شهری و توسعه درون‌زای بافتهای فرسوده، تلاش در جهت ایجاد تعادل و هماهنگی میان بنیان‌های زندگی اجتماعی در این بافت‌ها آن هم با استفاده از پویای اجتماعی مردم و مشارکت آنهاست (Jasiński, 2021).

فصل سوم:

روش شناسی پژوهش؛ عملیات شناسایی مناطق و فازبندی

۳-۱- مقدمه

این فصل پس از بررسی مبانی نظری و جامعه‌شناختی موضوع پژوهش قرار دارد و در تلاش است تا به انتخاب روش متناسب با تحقیق پیش‌رو بپردازد. اصولاً، روش‌شناختی به روش‌هایی اطلاق می‌شود که برای رسیدن به شناخت علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد و روش متناسب از بین روش‌های مرسوم و پذیرفته برای شناخت متغیرهای تحقیق انتخاب می‌شود.

روش‌شناسی، مجموعه‌گفتارهای منطقی است که در ارتباط بین ذهنی اندیشمندان توسط اجتماعات علمی به عنوان هدایتگر علمی پذیرفته شده است (ایمان، ۱۳۷۶) همچنین روش‌شناسی را فرایند چگونگی گردآوری اطلاعات و شواهد و تبدیل آنها به یافته‌ها به منظور دستیابی به دانش است. لذا مفاهیمی که در روش‌شناسی مطرح می‌گردند، باید در فرایند و هدف آن باشد. به همین جهت در روش‌شناسی از مفاهیمی چون جامعه آماری، نمونه آماری، نمونه‌گیری، ابزار پژوهش یا ابزار جمع‌آوری داده‌ها، روایی و پایایی ابزار، روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها و متغیرها صحبت می‌شود (عابدی و شواخی، ۱۳۸۹).

مزیت‌ها و معایب روش‌های کمی و کیفی زمانی که هریک به تنهایی انجام شوند، باعث شد تا پژوهشگران اقبال زیادی به ترکیب روش‌ها داشته باشند. روشهای کیفی یا کمی، بالقوه ضعیف یا قوی نیستند بلکه هر کدام از آنها در موقعیت خاصی کارایی بیشتری دارند و در بعضی موارد نیز باید از دو روش برای تحقیق پیرامون یک موضوع استفاده شود. امروزه محققان کمی دریافته‌اند که داده‌های پژوهشی کیفی می‌تواند نقش مهمی در تحقیق کمی داشته باشد. محققان کیفی نیز به این نکته پی برده‌اند که گزارش کیفی دیدگاه‌های شمار محدودی از افراد، مجوزی برای تعمیم یافته‌ها به جامعه پژوهشی نیست.

مطالعه‌ی حاضر با مدنظر قرار دادن ذینفعان مرتبط با حاشیه‌نشینی (با محوریت کنشگران حاشیه‌نشین و مسئولین امر توسعه) و تمرکز بر تجربه‌ی حاشیه‌نشینان با امر توسعه به‌عنوان واقعیتی که توسط همه‌ی ذینفعان بر ساخت می‌شود به دنبال این بوده است که با استفاده از رویکرد تفسیری و روش‌شناسی کیفی پژوهش (روش پدیدارشناسانه) ضمن واکاوی تجربه‌ی توسعه یا عدم توسعه حاشیه‌نشینی نشان دهد این افراد چه درک و تفسیری از حاشیه‌نشینی دارند و فرایند طی شده در شکل‌گیری این تجربه چگونه بوده و اکنون تفسیرشان از نحوه‌ی توسعه‌یابی محل زندگی حول چه مفاهیمی شکل گرفته است و در قدم بعد با بدست آوردن مفاهیم و مولفه‌های تاثیرگذار در جهت راستی آزمایی نظری برپایه تحقیق کمی دستاورد کار پژوهشی را مورد توجه و بینش نظری قرار خواهد داد.

بازنمایی از ابعاد مختلف مفهوم توسعه و کمترین همپوشانی نسبت به یکدیگر را دارند، شناسایی شده و گزارشی از داده‌های تولید شده آنها ارائه شود. تمامی مطالعات صورت گرفته تا به امروز تنها تمرکز بر یک یا چند شاخص داشته و معنای کامل توسعه و همه ابعاد آن را مدنظر قرار نداده اند. گزارش‌ها و مطالعات انجام شده در این زمینه نتوانسته بازنمایی دقیقی از مفهوم توسعه داشته باشد. بر همین اساس در فاز اول شاخص سازی توسعه ملی تمرکز بر گزارش تجمیعی از شاخص‌های منتخب توسعه در جهان است و بر ترکیب پیچیده این شاخص‌ها و البته نماگرهای آنها تمرکز نخواهد داشت. البته در فازهای دوم و سوم شاخص سازی، بر انتخاب، طراحی و تولید نماگرهای توسعه تمرکز خواهد شد و از تجمیع آنها شاخص توسعه ملی ارائه و تدوین می‌شود. تعاریف و تلقی‌های گوناگونی که درباره این مفهوم و اجزای آن وجود دارد و البته پیچیدگی این مفهوم راه سوءاستفاده از آن و وارونه جلوه دادن واقعیت را هموار می‌کند. ما بیش از هر زمان دیگری به این احتیاج داریم تا با اتخاذ رویکرد هم‌جانبه نسبت به توسعه و پرهیز از نگرش نامتوازن و تک‌علی به توسعه، توانمندی‌ها و محدودیت‌هایمان در مسیر توسعه در حاشیه شهر را شناسایی کنیم، و با تکیه بر توانمندی‌هایمان در جهت رفع محدودیت‌ها بکوشیم.

در دهه‌های اخیر، توسعه سریع فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و گسترش آنها به همه بخش‌های جامعه، فرصت‌های جدیدی را برای پیشرفت اقتصادی- اجتماعی، کاهش فقر و پایداری زیست محیطی به وجود آورده است. با این وجود، در و بین کشورها و در حوزه‌های مختلف، گروه‌ها و جوامع اجتماعی- اقتصادی، تفاوت قابل توجهی در میزان دسترسی به فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و ظرفیت مردم در استفاده از آنها وجود دارد. ارائه فناوری‌ها به مردم فراتر از ارائه زیرساخت سخت افزار است. نیاز شدیدی به طرح‌هایی که مشوق یادگیری زمینه‌های داخلی مختلف و تبادل تجربه و دانش است، احساس می‌شود. نتیجه اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی درباره ظرفیت سازی چنین است: «همه افراد باید فرصت کسب دانش و مهارت‌های لازم برای درک، مشارکت و مزایای جامعه اطلاعاتی و اقتصاد دانشی را داشته باشند». بدین منظور، طرح عملیاتی خواستار همکاری بین المللی و داخلی در حوزه ایجاد ظرفیت با تأکید بر ایجاد مجموعه مهمی از کارشناسان و خبرگان حرفه‌ای فناوری اطلاعات و ارتباطات است.

نوآوری‌های فناورانه در دهه‌های گذشته و همگرایی دیجیتال بین فناوری اطلاعات و ارتباطات، ابزارهای الکترونیکی مصرفی و محتواهای تفریحی، ویژگی منحصر به فرد جامعه امروزی است (J. Liu et al., 2021). با ورود صنایع و خدمات به بخش‌های سنتی مختلف و عبور از مرزهای جغرافیایی، دولت‌های مدرن ملزم به بازبینی برنامه‌های سازمانی هستند. اجرای دستورالعمل راهبرد فاوا در خدمت توسعه جدید با برنامه‌های سازمانی قدیمی در بیشتر موارد، موجب بروز اختلافات شدید و جدال بین مجریان نهادهای مختلف می‌شود.

رویکرد نهادی، توانایی شرح چگونگی کار سازمان‌های عمومی را در فرآیند سیاست گذاری دار است. داگلاس سی. نورث، برنده جایزه نوبل سال ۱۹۹۳ در علوم اقتصادی، بر این امر تأکید دارد که توسعه

اقتصادی و اجتماعی در قیاس با عوامل تکنولوژیک و جمعیتی، بیشتر تحت تأثیر عوامل نهادی است. همچنین بر اساس بسیاری از مطالعات تجربی، برنامه‌های سازمانی با کاهش هزینه‌های مبادله که ناشی از رفتار انسانی و فرصت طلبی در بازار است، عاملی کلیدی در تعیین عملکرد سیاست‌گذاری دولتی محسوب میشوند (ویلیامسون، ۱۹۷۵). علیرغم اهمیت ظرفیت نهادی، کتاب‌های مرجع انگشت‌شماری برای سیاست‌گذاران، کارشناسان و مسئولان رده بالای کشورهای در حال توسعه وجود دارد که بر آن اساس بتوانند به درستی با موضوعات مرتبط با نهادسازی در فاوا در خدمت توسعه برخورد کنند.

در یک نگاه کلی، توسعه می‌تواند نتیجه برنامه‌ریزی از بالا (سیاست‌گذاری) یا تحول فرهنگی در بدنه جامعه (تربیت و آموزش) باشد. مروری بر نظریات توسعه در فصل دوم نشان داد؛ سه مسیر کلی برای توسعه وجود دارد: اصلاح قواعد بازی در نهاد اقتصاد و سیاست، فشار بر حاکمیت (مطالبه‌گری) از سوی جامعه مدنی (به شرط وجود آزادی‌های سیاسی) جهت اصلاح سیاست‌ها و قواعد نهادی، و توانمندسازی فردی و تغییر الگوهای رفتاری و فرهنگی از طریق آموزش و تربیت هدفمند. دو مسیر اول نیازمند سیاست‌گذاری و مسیر سوم که مسیری بلندمدت‌تر است نتیجه فرهنگ‌سازی است. همان‌گونه که در مقدمه فصل دوم مطرح شد اهمیت شاخص‌های جهانی عملکرد و شاخص‌های ملی توسعه در به کارگیری آنها برای هدفمند کردن سیاست‌گذاری است. پذیرش این رویکرد به این معنی است که ما از شاخص‌های توسعه این انتظار را داریم که با شناسایی نقاط ضعف و قوت توسعه ایران و در نظر گرفتن آنها در بستر این جامعه (ایدئولوژی حاکمیت و ارزش‌های اجتماعی) مسیر سیاست‌گذاری برای توسعه را تا حدودی روشن کند.

پژوهش حاضر در ابتدا با اتخاذ رویکرد تفسیرگرایانه و با هدف فهم فرایند شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و برساخت معنایی توسعه با ابزار فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در شهر رشت و احصا پارادایم آن متشکل از شرایط شکل‌دهنده به این تجربه (برساخت معنایی توسعه حاشیه‌نشینی)، کنش تعامل‌های مرتبط با این تجربه و پیامدهای رخ داده را بررسی و پس از انجام مرحله اول، در مرحله بعد توجه به مقولات بدست آمده پژوهش پاسخگویی پرسش‌های از جنس رابطه‌مندی و ایجاد توجه در جهت سامان‌یابی نظریه و راستی‌آزمایی آن خواهد آمد. بنابراین در همین راستا سؤالات اصلی پژوهش به شرح زیر است:

- مردم حاشیه‌نشین (ذینفعان) پدیده‌ی توسعه و عدم توسعه در حاشیه‌شهر را چگونه ارزیابی می‌کنند؟
- فرایند شکل‌گیری توسعه از منظر حاشیه‌نشینان و مسئولین چگونه تفسیر می‌شود و این تفسیر حول چه مفاهیمی شکل می‌گیرد؟
- شرایط مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی چگونه است این شرایط چه تاثیری بر سازو کار توسعه شهری دارد؟
- کنشگران حاشیه‌نشین و سایر ذینفعان در رابطه با استفاده از تکنولوژی‌های نوین از چه نوع تعاملاتی استفاده می‌کنند؟

- مؤلفه‌های سازنده مفهوم توسعه در مناطق حاشیه‌نشین چه چیزهای است؟ این مؤلفه‌های بر روی چه گذاره‌های تاکید دارند؟
- استفاده روزافزون از وسایل ارتباط جمعی در حاشیه‌شهر چه تاثیری بر مفهوم توسعه دارد؟
- الگوی کنش متقابل در زمینه تغییرات شهری علی‌الخصوص مناطق حاشیه‌نشین به چه سبکی گرایش دارد؟ آیا تعامل‌های روزمره حاشیه‌نشینان با گسترش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی دچار تغییر خواهد شد؟

۲-۳- معرفت‌شناسی پژوهش

تحلیل کیفی، ذات ذهنی است، زیرا پژوهشگر، ابزاری در خدمت تحلیل داده‌ها است. پژوهشگر (یا تیم پژوهشی)، تمامی قضاوت‌ها در مورد نحوه کدگذاری، دسته‌بندی، بستر زدایی و بستر سازی مجدد را انجام می‌دهد. هر کدام از رویکردها، تکنیک‌های خاص خود را برای کنترل، مستندسازی و ارزیابی فرآیند تحلیل و نقش پژوهشگر دارد تا اطمینان و دقت پژوهش را تضمین کند. هر گونه تحقیق در حوزه مسائل مربوط به علوم اجتماعی، نیازمند تحلیلی استوار بر پیش فرض‌هایی هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه در خصوص فلسفه علمی است که تحقیق در آن صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، بخش عمده تحقیق باید درون طیف نسبتاً محدودی از احتمالات نظری قرار گیرد که مبین آن فلسفه یگانه است و در نتیجه، محقق باید نسبت به پیش فرض‌هایی که تحقیق بر آن بنا می‌شود، آگاهی کامل داشته باشد. براساس طبقه‌بندی بوریل و مورگان، پدیدارشناسی در قالب پارادایم تفسیری محقق می‌شود. (بوریل و مورگان، ۱۳۸۹)

جهت تبیین ماهیت فلسفی استراتژی تحقیق پدیدارشناسی، از ابزار - تحلیلی متعلق به بوریل و مورگان (۱۳۸۹) استفاده می‌گردد. مطابق با الگوی بوریل و مورگان، پیش فرض‌های مربوط به ماهیت علوم را می‌توان بر حسب بعد ذهنی - عینی و پیش فرض‌های مربوط به ماهیت جامعه را بر حسب تعد نظم دهی - تغییر بنیادی در نظر گرفت. با در نظر گرفتن این دو بعد اصلی، چهار الگوی جامعه‌شناختی متمایز به دست می‌آید و تحقیق پدیدارشناسی در قالب الگوی تفسیری صورت می‌پذیرد. هستی‌شناسی پدیدارشناسی «مفروضات هستی‌شناسی روش تحقیق پدیدارشناسی، تحت پارادایم تفسیری چنین است که جهان اجتماعی چیزی بیش از ساخته ذهنی تک تک انسان‌ها نیست، که از طریق ایجاد و به کارگیری زبان مشترک و تعاملات زندگی روزانه، ممکن است یک جهان اجتماعی را با معنای مشترک میان ذهنی ایجاد کنند و تداوم بخشند. بنابر این، جهان اجتماعی ماهیت اصولاً غیر ملموس دارد و در فرآیند مستمری از تثبیت مجدد یا تغییر قرار دارد.» (بوریل و مورگان، ۱۳۸۹: ۳۰۱). «اما پدیدار شناس نباید الزاماً گرفتار درون بینی و اصالت ذهن شود. اگر پدیدارشناسی در اوایل کار خود ضد متافیزیک بود و با توصیف پدیدارهای نظری و ساختارهای فلسفی به صورت خنثی برخورد می‌کرد، با وجود این اقتضای نوعی نظریه کلی مربوط به هستی، یعنی هستی‌شناسی را در خود حمل می‌کرد؛ زیرا هوسرل هرگز پدیدار را جدا از وجود ندانسته و پدیدار شناسی را هم نوعی پدیدار گرایی ساده، یعنی توصیف ساده ظواهری که

چیزی در مورد معنی بنیادی آنها نمی‌توان گفت، تصور نکرده است. بر عکس، هستی در ضمن پدیدار به دست می‌آید و مطالعه پدیدار قاعدتا باید به مطالعه در هستی تبدیل شود: «پدیدارشناسی استعلایی که سامانمند است و به حد کفایت بسط یافته، به خودی خود نوعی هستی‌شناسی معتبر و همگانی است.» (دار تیگ، ۱۳۷۳: ۱۲۷). به طور خلاصه در جدول زیر مواضع تحقیق پدیدارشناسی تم‌ها است.

جدول ۳-۱- موضع فلسفی در پدیدارشناسی

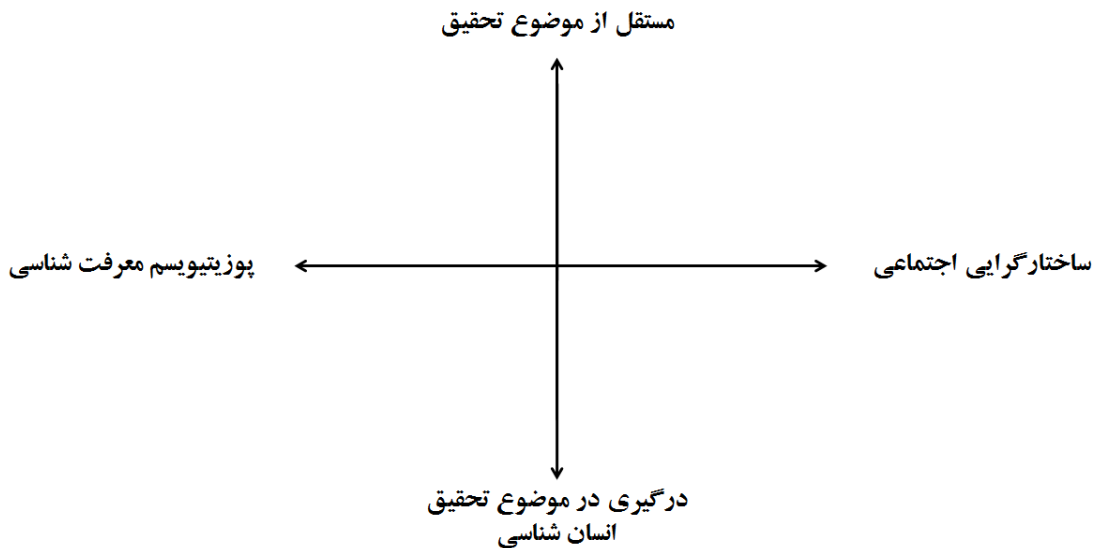
پدیدارشناسی	استراتژی تحقیق
غیر اثباتی	معرفت‌شناسی
ذهن‌گرایی	هستی‌شناسی
اختیارگرایی	انسان‌شناسی
تجزیه تحلیل تم‌ها، تقلیل داده‌ها به توصیفات متنی و ساختاری	فنون تحلیل داده
عموما مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته	فنون گردآوری داده
مشاهده گر همدل	نقش محقق
ارائه تصویری مشروح و بسیار دقیق از پدیده، ارائه داده‌های جدیدی که ممکن است با حقایق و داده‌های پیشین در تناقض باشد، ارائه دسته‌ی از طبقه بندی‌ها و نوع شناسی‌ها، ارائه توالی گام‌ها یا مراحل پژوهش و گزارش پیشینه و یا بستر یک موقعیت	اهداف توصیفی
آشنایی با حقایق و شرایط و مفاهیم بنیادی، ارائه تصویری ذهنی کلی از شرایط پدیده، تدوین سوالات و فرضیه‌هایی برای هدایت پژوهش‌های بعدی	اهداف اکتشافی
معاصر	زمان بررسی
چه چگونه	نوع پرسش

شناخت‌شناسی پدیدارشناسی هوسرل معتقد است عالم بیرون را باید در درون ذهنیت آدمی جست و جو کرد و شکل‌گیری اعیان توسط ذهنیت انسانی صورت گیرد. در واقع عنایت پدیدارشناسی چون هوسرل به تجربه زیست‌مند ما از جهان است و بر آن است که سابقه هر تصویری را که منظور نظر است باید در تجربه آغازین و بدوی بیابیم که به وسیله آن با واقع در تماس هستیم؛ نحوه ارتباط ما با جهان از مجرای شناخت و تفکر صورت می‌گیرد. از نگاه هوسرل، انسان به مدد حیات اجتماعی و فرهنگی خود و به منظور ادراک یکدیگر و تعامل و کنش متقابل نیازمند زیست جهانی مشترک و نقاط آغازین و یکسانی است، این بینش زمینه مشترک را هوسرل "زیست جهان" می‌نامد. زیست جهان بنیاد معناها و تعبیرات انسانی و کنش و تفکری بشری است.» (سورتی، ۲۰۰۳). وی معتقد است که زیست جهان پیش‌بنیاد هر علم ابژکتیوی است. به مدد همین زیست جهان مشترک است که امکان هر فهم و معنایی برای انسان

صورت می‌گیرد. هوسرل با جدیت استدلال می‌کند که برای فهم انسان نمی‌توان این پیش‌زمینه را به شکل ضمنی رها ساخت، بلکه باید آن نیز به شکل یک عین در معرض اندیشه پدیدارشناسی قرار گیرد.» (گیون، ۲۰۰۸: ۹۱۹).

به طور خلاصه، کردارهای انسانی و معناهایی که افراد به جهان خویش و دیگران می‌دهند قابل شناسایی نیست مگر آنکه پیش‌زمینه مفروضی این کردارها و افق فهم‌پذیری جهان توسط کنش‌گران پدیدارشناس کشف و تسخیر گردد. انسان‌شناسی پدیدارشناسی تحقیق پدیدارشناسی به عنوان رویکردی انسان‌مدار، اهمیت زیادی به آزادی انسان، تجربه با معنا و آگاهی او می‌دهد. این دیدگاه ضمن دفاع از اختیار به جای جبر، معتقد است که آگاهی انسان در مقایسه با دیگر عوامل اجتماعی، تأثیر بیشتری بر کنش اجتماعی اش دارد.» (محمدتقی، ۱۳۸۷). بر اساس ماهیت اختیار‌گرایی پدیدارشناسی در بحث انسان‌شناسی آن، محقق می‌آموزد تا دنیای تجربی مشارکت‌کنندگان را همانند خود آنها درک کند.

به طور خلاصه و براساس بعد ذهنی - عینی طرح بوریل و مورگان، استراتژی تحقیق پدیدارشناسی دیدگاه خویش در مورد واقعیت اجتماعی را مبتنی بر هیافت نام‌انگاری، در مورد موضوع معرفت‌شناسی (غیر اثبات‌گرا) به لحاظ طبیعت انسانی (اختیار‌گرا) و در روش‌شناسی، از شیوه‌های "ایده‌نگارانه به منزله بنیادی برای تحلیل اجتماعی، استوار گردانیده است. تحلیل مواضع تحقیق پدیدارشناسی براساس فلسفه علم (معرفت‌شناسی) و فلسفه عالم (انسان‌شناسی و جایگاه آن در نمودار زیر مشخص گردیده است.

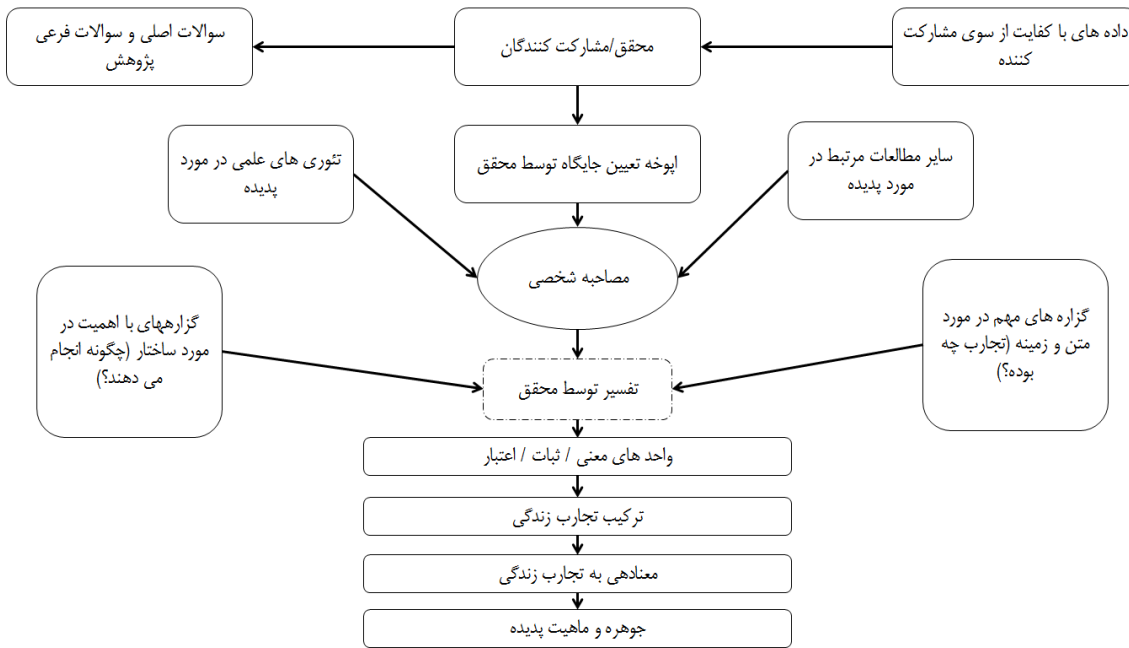


نمودار ۳-۱- جانمایی پدیدارشناسی بر الگوی استراتژی‌های تحقیق

از منظر ارکان و اجزای تحقیق نیز، پدیدارشناسی را می‌توان بر اساس سه عنصر توجه به نوع پرسش، زمان مدنظر تحقیق، امکان کنترل رفتار (ین، ۱۳۸۱: ۷) و همچنین نوع تحقیق از حیث هدف تحقیق، توجه به نقش محقق (بلیکی، ۱۳۸۹)، روش گردآوری داده‌ها و نحوه تحلیل داده‌ها، تحلیل و بررسی نمود.

در مورد نوع پرسش، در تحقیق پدیدارشناسی در واقع از مشارکت کنندگان دو سؤال گسترده و عمومی پرسیده می‌شود. در مورد پدیده مورد نظر چه تجربه‌ای دارید؟ چه زمینه با وضعیتی نوع بر تجربه شما از پدیده مورد نظر تأثیر گذار است؟ که شامل پرسش‌های چه و چگونه می‌شود. در واقع اصلی‌ترین سؤال هر پدیدار شناس عبارت است از: شیوه تجربه یک پدیده چیست؟ به عنوان مثال پرسش‌های "چه" در تحقیق پدیدار شناسی عبارتست از (وندرستوپ، ۲۰۰۹: ۲۰۰۹): جوهره و ماهیت پدیده مورد نظر چیست؟ چه احساسی راجع به آن پدیده دارید؟ تفکر شما در ارتباط با آن چیست؟ چه معنایی در خصوص احساس شما نسبت به پدیده شی گرفته است؟ علاوه بر این، در تحقیق پدیدارشناسی، محقق کنترل - جامعه مورد تحقیق اعمال نمی‌نماید، چون به دنبال آن است تا بدون ایجاد هرگونه حساسیت در جامعه که منجر به مصنوعی شدن رفتار اعضا می‌شود، به ثبت رفتار پردازد.

اما زمان مورد بررسی در تحقیق پدیدارشناسی مطابق نظر موس تاکاس شامل زمان حال می‌گردد. تحقیق پدیدارشناسی از حیث هدف تحقیق، عموماً برای اهداف اکتشاف و توصیف مناسب به نظر می‌رسد. اهداف اکتشافی استراتژی تحقیق پدیدارشناسی می‌تواند شامل این موارد شود: آشنایی با حقایق و شرایط و مفاهیم بنیادی؛ ارائه تصویری ذهنی و کلی از شرایط پدیده؛ تدوین سؤالات و فرضیه‌هایی برای هدایت پژوهش‌های بعدی. اهداف توصیفی آن نیز می‌تواند شامل این موارد شود: ارائه تصویری مشروح و بسیار دقیق از پدیده؛ ارائه داده‌های جدیدی که ممکن است با حقایق و داده‌های پیشین در تناقض باشد؛ ارائه دسته‌ای از طبقه بندی‌ها و نوع شناسی‌ها؛ ارائه توالی گام‌ها یا مراحل پژوهش و گزارش پیشینه و یا بستر یک موقعیت. علاوه بر این، نقش محقق در پدیدارشناسی نیز عبارت است از: **مشاهده گر همدل** که می‌خواهد به نوعی به عینیت دست یابد اما بر این نکته پافشاری می‌کند که برای پژوهشگر ضروری است که بتواند خود را به جای کنش گر اجتماعی بگذارد. فقط با درک معناهای ذهنی مورد استفاده کنش‌گران اجتماعی است که می‌توان معنای کنش‌های آنها را فهمید (بلیکی، ۱۳۸۶: ۷۶). «در واقع نقش و هدف محقق ورود به تجربه مشارکت کنندگان و دیدن آن تجربه به شیوه یکسان با خود آنان است. در این معنا محقق و مشارکت کنندگان در تحقیق همکار هستند.» (وندرستوپ، ۲۰۰۹: ۲۰۷).



نمودار ۳-۲- مدل شماتیک و مفهومی استراتژی در معرفت‌شناسی پژوهش

همانطور که مشخص است پژوهشگران باید پژوهش‌های خود را بر اساس یک پارادایم انتخابی انجام دهند. مورگان (۲۰۰۷) پارادایم را مجموعه‌ای از باورها با اعمال که رشته را هدایت می‌کند تعریف می‌کند. پارادایم برای خلاصه کردن عقاید و باورهای پژوهشگران استفاده شده و جهان بینی است که به وسیله اجزای مشخص شامل معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، ارزش‌شناسی و روش‌شناسی تعریف می‌شود. جهان بینی و پارادایم معمولاً به جای همدیگر استفاده میشوند. پارادایم، بر سؤالاتی که پژوهشگران بیان می‌کنند و بر روشی که برای پاسخگویی به آن سؤالات استفاده می‌کنند تأثیر تعیین‌کننده دارد. علیرغم استقبال گسترده از پژوهش ترکیبی، ابهام و سردرگمی پیچیده مربوط به هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی وجود دارد که باید حل شود. در پژوهش ترکیبی، ترکیب در سطح پارادایم انجام نمی‌شود و عملاً نمی‌توان دو پارادایم پژوهش کمی و کیفی را در هم آمیخت بلکه ترکیب در سطح روش‌ها انجام می‌شود که با ترکیب روش‌ها می‌توان مطالعه را وسعت داده و شناخت بهتری از پدیده به دست آورد. به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران دیدگاه پراگماتیسم دیدگاه مناسبی است که اجازه ترکیب دو روش کمی و کیفی و انجام مطالعات ترکیبی را می‌دهد و امروزه از آن به عنوان زیربنای فلسفی پژوهش‌های ترکیبی یاد می‌کنند.

گرین و همکاران پنج هدف عمده را برای انجام پژوهش‌های ترکیبی عنوان نموده‌اند که عبارتند از: زاویه‌بندی (همگرایی و تأیید نتایج به دست آمده از مطالعات مختلف انجام شده در مورد یک پدیده مشابه)، تکمیل (گسترش، افزایش، تجسم و واضح‌سازی نتایج به دست آمده از یک رویکرد به وسیله رویکرد دیگر)، توسعه استفاده از نتایج یک رویکرد جهت آگاه‌شدن از روش دیگر، آغاز (کشف تناقضات و تضادهایی که منجر به شکل‌گیری مجدد سؤال پژوهشی می‌شود) و گسترش گسترش دادن عمق و دامنه پژوهش با استفاده از روش‌های متفاوت برای عناصر پژوهشی مختلف. برایمن (۲۰۰۶) بر اساس مرور گسترده بر روی ۲۳۲ مطالعه ترکیبی، ۱۶ هدف را برای مطالعات ترکیبی متصور شده که شباهت زیادی به دلایل پنج‌گانه گرین داشته اما با جزئیات بیشتری عنوان شده است. اهم

این دلایل عبارتند از: زاویه بندی، جبران نقاط ضعف و به دست آوردن تفاسیر قوی تر، پاسخ دادن به سؤالات پژوهشی مختلف، توضیح و تبیین یافته‌ها، تجسم داده‌ها، توسعه فرضیه‌ها و آزمون آنها و طراحی ابزارها و آزمون آنها. کولینز و همکاران (۲۰۰۶) نیز چهار دلیل برای انجام پژوهش ترکیبی بیان نموده‌اند که شامل: ۱۰ غنی‌سازی مشارکت کنندگان (ترکیب روشهای کمی و کیفی برای به دست آوردن یک نمونه مطلوب با استفاده از فنون نمونه‌گیری کمی و کیفی)؛ ۲. قابلیت ابزار (بررسی مناسب بودن کاربرد ابزارهای موجود، طراحی ابزارهای جدید، پایش عملکرد ابزارهای انسانی)؛ ۳. یکپارچگی و تداوم درمان (بررسی قابلیت مداخلات) و ۴. افزایش قابلیت معناداری یافته‌ها (تسهیل غنا و حجم داده‌ها، افزایش تفسیر و سودمندی نتایج).

گونه‌شناسی طرح‌های پژوهش‌های ترکیبی صاحب نظران در زمینه پژوهش‌های ترکیبی در رشته‌های مختلف، طبقه‌بندی‌های متعددی برای پژوهش‌های ترکیبی ارائه نموده‌اند که برخی بسیار کامل و پیچیده و برخی ساده و شاید ناقص باشد. چه نیازی به طبقه‌بندی پژوهش‌های ترکیبی وجود دارد؟ تشکری و تدلی (۲۰۰۶) پنج دلیل عمده را برای اهمیت گونه‌شناسی پژوهش‌های ترکیبی ارائه کرده‌اند: ۱. کمک به پژوهشگران برای انتخاب طرح مناسب ترکیبی و نشان دادن راه به آنها برای پیشبرد مطالعه؛ ۲. ایجاد زبان مشترک برای پژوهش‌های ترکیبی (مثلاً سیستم نام‌گذاری مورس و علائم اختصاری او یک زبان مشترک است)؛ ۳. کمک به ایجاد ساختار سازمانی برای پژوهش‌های ترکیبی؛ ۴. کمک به مشروعیت بخشیدن به مطالعات ترکیبی (زیرا طرح‌هایی ارائه می‌شود که کاملاً از طرح‌های کمی یا کیفی متمایز است) و ۵. گونه‌شناسی‌ها؛ یک ابزار آموزشی است که بحث با دانشجویان در زمینه نقاط قوت و ضعف آنها روش آموزشی مؤثری است.

۳-۳- روش تحقیق ترکیبی

از دهه ۱۹۹۰ به بعد برخی از محققان و روش‌شناسان با مطرح کردن روش‌های تحقیق ترکیبی، درصدد ایجاد نوعی همگرایی و ترکیب دو رهیافت کمی و کیفی در تحقیقات علوم اجتماعی برآمدند. این ترکیب که عمدتاً با پشتوانه نظری پراگماتیسم به عنوان یکی از پارادایم‌های مطرح فلسفی-روشی علوم اجتماعی صورت می‌گیرد، که آغازگر مرحله جدیدی از توسعه روشی در علوم اجتماعی بوده با عنوان جنبش سوم روش‌شناسی بوده است. در جنبش ترکیبی که محققان این حوزه اغلب در چارچوب پارادایم‌های پراگماتیسم و گاهی پارادایم‌های تغییربخش و رهایی‌بخش نیز کار می‌کنند، به هر دو نوع تحقیق کمی و کیفی علاقمند هستند (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۹). پراگماتیسم مشخصاً فلسفه آمریکاست؛ رگه‌های این تفکر در فلسفه‌های اروپایی و آسیایی نیز دیده می‌شود. واژه «پراگماتیسم» از لفظ یونانی *pragma* به معنی *Action* یا عمل گرفته شده است. این اصطلاح را اولین بار، چارلز سندرس پیرس در سال ۱۸۷۸ م. وارد فلسفه کرد. در ادامه، ویلیام جیمز هرچه بیشتر به آن عمق و محتوا بخشید و مید آن را با امر اجتماعی پیوند داد (اصغری، ۱۳۸۷). رویکرد پراگماتیسم درصدد احراز زمینه معتدلی بین جزم‌اندیشی فلسفی و شک‌گرایی، و عرضه راه‌حلی برای غلبه بر مشکلات برجسته فلسفه عمومی علم است. این رویکرد گزینه‌های تقابل‌گرای سنتی (یا این، یا آن) نظیر عقل‌گرایی در برابر تجربه‌گرایی، واقع‌گرایی در برابر

ایده‌یسیسم، اراده در برابر جبر، نمود در برابر واقعیت، حقایق در برابر ارزش‌ها، عینیت در برابر ذهنیت و مانند آن را رد کرده و تمایز تاریخی- معرفتی عمومی بین شناسا و شناخته را با تعامل طبیعت‌گرایانه محیط- ارگانسیم فرایند محور جایگزین می‌سازد (محمدپور، ۱۳۸۹ج).

پنج دوره در تاریخ پیدایش روش‌های ترکیبی عباتند از:

- ۱- دوره سنتی: در این دوره علیرغم ایجاد تمایل به ترکیب روش‌ها عمدتاً از نوع ترکیب روش‌های کمی بود.
- ۲- دوره مدرنیستی یا عصر طلایی: نقد ریشه‌های اثباتی و پیدایش طرح‌های به اصطلاح چند روشی از مهمترین شاخص‌های این دوره محسوب می‌شود.

۳ و ۴- که مربوط به دوره ژانرهای مبهم و دوران بحران بازنمایی است. در این دوره روش‌های کیفی گسترش یافته و تحقیق با روش‌های ترکیبی عمدتاً از نوع چند زاویه‌نگر بوده است.

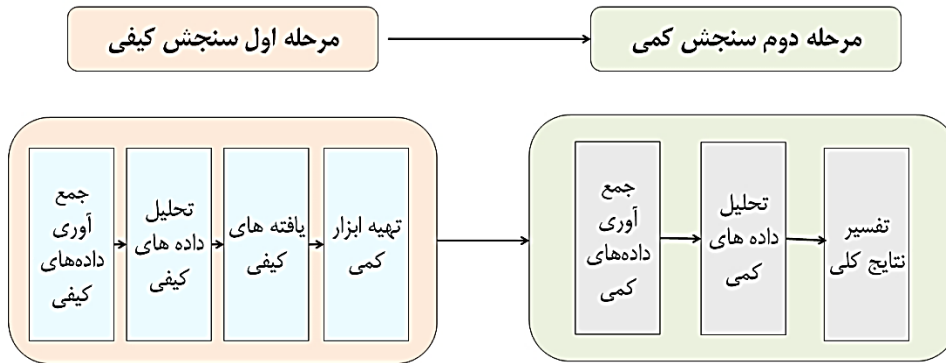
۵- دوره پست‌مدرن (از ۱۹۹۰ تاکنون): این دوره همزمان با پیدایش پراگماتیسم و تز سازگاری است. در این دوره شاهد دو رویداد عمده در رابطه با روش‌های ترکیبی هستیم. موضع پراگماتیسم در مقابل تز ناسازگاری پارادایم و دیگری تثبیت روش‌های ترکیبی تحت عنوان موضع جداگانه روش‌شناختی هستیم. که تز سازگاری طرفدار دو رویکرد کمی و کیفی در یک مطالعه واحد است (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۹).

بریمن (۱۹۹۲) یازده روش را برای پیوند تحقیق کمی و کیفی نشان می‌دهد. منطق چند بُعدی کردن (۱) از نظر او به معنای تلاش برای یافتن نمونه‌های کیفی در برابر نتایج کمی است. (۲) تحقیق کیفی در راستای تایید تحقیق کمی است (۳) یا برعکس؛ (۴) هر دو به منظور به دست آوردن تصویری کلی‌تر از موضوع مورد مطالعه با یکدیگر تلفیق می‌شوند. (۵) ویژگی‌های ساختاری با روش‌های کمی و وجوه فرایندی با رویکردهای کیفی مطالعه می‌شوند. (۶) روش کمی بر دیدگاه محقق متکی است در حالی که تحقیق کیفی بر دیدگاه‌های افراد مورد بررسی تاکید دارد. به اعتقاد بریمن (۷) مشکل تعمیم تحقیق کیفی را می‌توان از طریق یافته‌های کمی حل کرد، در حالیکه یافته‌های کیفی (۸) ممکن است تفسیر روابط میان متغیرها در مجموعه داده‌های کمی را تسهیل کند. می‌توان رابطه سطوح خرد و کلان (۹) را به میزان قابل توجهی از طریق ترکیب تحقیق کیفی و کمی، در مراحل مختلف فرایند تحقیق (۱۰) روشن کرد. و در پایان صورت‌های تلفیقی وجود دارند (۱۱) که از تحقیق کیفی در طرح‌های نیمه‌آزمایشی استفاده می‌کنند (فلیک، ۱۳۸۸).

اصل بنیادین استفاده از روش‌های ترکیبی استفاده از تکنیک‌های کمی و کیفی به صورت همزمان یا متوالی است. به‌گونه‌ای که دارای نقاط قوت مکمل و نقاط ضعف ناهم‌پوشان باشد (محمدپور، ۱۳۸۹ج). این ترکیب می‌تواند به دلایل مختلفی باشد: ۱- کسب دانش درباره موضوعی گسترده که نیازمند استفاده از دو تکنیک است. یا ۲- تعیین اعتبار متقابل یافته‌های هر دو رویکرد (فلیک، ۱۳۸۸).

پژوهش حاضر به روش- ترکیبی متوالی اکتشافی (شکل شماره ۳) انجام خواهد شد. ابتدا در مرحله کیفی چارچوب اولیه بر ساخت معنای توسعه در مناطق حاشیه‌نشین را مبتنی بر فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، به روش

پدیدارشناسانه گردید و در مرحله بعد این چهارچوب از طریق گردآوری داده‌های کمی به روش توصیفی-پیمایشی آزمون خواهد شد و در نهایت نیز تفسیر کلی از نتایج کمی و کیفی به عمل خواهد آمد.



نمودار ۳-۳- نمودار فرایند تحقیق ترکیبی متوالی اکتشافی

بنابراین از آنجا که در پژوهش‌های آمیخته اکتشافی تأکید بر بخش کیفی است در این پژوهش نیز ابتدا در بخش کیفی معنای توسعه در مناطق حاشیه‌نشین و در بخش کمی ارتباط آن با فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی بررسی و اعتباریابی خواهد شد.

در قدم اول تحقیق حاضر، از نظر فلسفه‌ی پژوهش، پژوهشی کیفی با رویکرد استقرائی است. تحقیق کیفی بر یک موقعیت فلسفی خاص مبتنی است و در صدد نیل به عمق معانی، کیفیت‌ها و چگونگی حادث شدن پدیده‌ها در یک وضعیت طبیعی است. در تحقیق کیفی، تلاش این است که فهم و درک کنیم که افراد جهان زندگی خود را چگونه فهم کرده و است.

در گام اول از روش پدیدارشناسانه به‌عنوان یکی از روش‌های مهم در پژوهش کیفی استفاده شده است. پدیدارشناسی، طرح پژوهش کیفی است که محقق بر اساس آن اقدام به تولید یک فرایند، کنش یا تعامل می‌کند که بر اساس دیدگاه شماری از مشارکت‌کنندگان شکل می‌گیرد. در این روش جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، همزمان انجام می‌شود، و گردآوری داده‌ها همراه با تحلیل تا جایی که به مرحله‌ی اشباع برسد، ادامه می‌یابد. تجزیه و تحلیل فرایندی است که با جمع‌آوری اولین قسمت داده‌ها شروع می‌شود و ترسیم بستر جزء اساسی آن به شمار می‌رود. در این فرایند، داده‌ها به کوچک‌ترین اجزاء ممکن (مفاهیم) شکسته می‌شوند. داده‌های جدید همزمان با تمام داده‌ها از نظر تفاوت و شباهت مقایسه می‌گردند و مقوله سازی با مرور مکرر و ادغام کدهای مشابه انجام می‌گیرد. این نکته را نیز باید اضافه کرد که در روش پدیدار شناسی پژوهشگر کار را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی‌کند، بلکه کار را در عرصه‌ی واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد واقعیت از درون داده‌هایی که گرد هم می‌آورد، پدیدار شود.

روش سیستماتیک و ذهنی است که برای توصیف تجارب زندگی و درک معانی آن به اجرا در می‌آید با توجه به عنوان و هدف پژوهش و از آنجا که تحقیق کیفی روشی مناسب جهت توصیف تجارب زندگی و معنا بخشی به آنها

است و از آن‌جا که هدف این پژوهش درک تجارب شرکت‌کنندگان بوده، از روش پدیدارشناسی استفاده شده است. پدیدارشناسی هم یک مقوله فلسفی و هم یک روش تحقیق است که به منظور درک پدیده‌ها از طریق تجارب انسانی گستر یافته است این روش تحقیق به دنبال روشن کردن ساختار و جوهره پدیده‌های تجربه شده و توصیف دقیق آن از طریق تجزیه و تحلیل تجارب زندگی شرکت‌کنندگان می‌باشد. در واقع پدیدارشناسی علم مطالعه، توصیف و تفسیر دقیق پدیده‌های گوناگون زندگی است که بر تمام حوزه‌های تجربی تاکید دارد. در تحقیق پدیدارشناسی، تجربیات، برداشتها و احساسات افراد مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۳-۴- بخش کیفی

۳-۴-۱- روش تحقیق

پژوهش‌های کیفی از دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ ملاک ثابت جامعه‌شناسان برای طرح‌های تحقیقاتی قرار گرفت اما در میان سایر پژوهشگران علوم انسانی مقبولیت چندانی نیافت. در پی انقلاب فراگیر ۱۹۷۰، پژوهش کیفی در طی سه دهه اخیر در قرن بیستم، در کشورهای غربی رونق ویژه‌ای پیدا کرد (خداوردی، ۱۳۸۷). روش‌های پژوهش‌های کیفی حاصل نگرشی نو به تحقیق در فرایند گذار از کمی‌گرایی پوزیتویسم به ذهنیت‌گرایی پدیدارشناسی است. این حرکت معلول فرایند گسترده‌ی تغییرات در حوزه‌های مختلف علوم انسانی بوده است. پژوهش‌های کیفی به محیط‌های طبیعی توجه دارد و با جریان طبیعی زندگی و موقعیت‌هایی سروکار دارند که به طور طبیعی در مسیر وقایع شکل می‌گیرند (عباس‌زاده، ۱۳۹۱).

از منظر معرفت‌شناختی روش کمی و کیفی رویکرد متفاوتی ندارند هر دو روش به دنبال طرح سئوالی اساسی، در جستجوی شناخت جهان هستی و جهان واقعیت بوده و دیدگاه شناخت‌گرایانه و انسان‌گرایانه‌ای دارند. منتهی هر دو، اولاً آغاز یکسانی نسبت به موضوع پژوهش ندارند. ثالثاً، موضوع را به یک شکل نمی‌بینند. ثالثاً آن را مشابه هم بررسی نمی‌کنند و غالباً پژوهش‌های کیفی براساس تجربه و مشاهدات مستقیم پژوهشگر براساس نگاه کنشگران اجتماعی و تعبیر و تفسیرهای آنان آغاز می‌شود. از مزیت‌های مهم دیدگاه کیفی، جمع‌آوری اطلاعات بسیار دقیق و نزدیک به موضوع مورد مطالعه می‌باشد. در بعضی از موضوع‌ها مانند نگرش‌ها، تفکرات، عقاید و نظرات افراد (پیرامون مسائل مختلف اجتماعی) و رفتارهای انجام‌پذیر، با پرسشنامه امکان دستیابی به واقعیت‌های آن خیلی ضعیف است (منادی، ۱۳۸۹). از این رو پژوهش کیفی در مواردی مانند پژوهش پیش‌رو بسیار کمک‌کننده خواهد بود. زیرا بایستی نکات ظریف رفتارها و سخنان افراد را از یکدیگر جدا کرد و تشخیص داد که آیا اصولاً تفاوتی در رفتارهای مصرفی افراد وجود دارد؟ آیا واقعاً عوامل محیطی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان بر رفتار و عملکرد افراد تاثیرگذار است؟ و اگر تاثیرگذار است باعث چند تیپ رفتار در افراد خواهد شد؟ رسیدن به پرسشهایی از این دست پژوهش کیفی را می‌طلبد.

همانگونه که پدیدارشناسی، می‌تواند به عنوان نوعی استراتژی تحقیق یا به عنوان نوعی نگرش (مجموعه نظام خاصی که یک موضوع را در چهارچوب آن بتوان تحقیق کرد) مطرح شود، این پژوهش، توصیفی،

اکتشاف و تجزیه و تحلیل پدیده‌ها است. بنابراین پدیدارشناسی صرفاً در مقام آن نیست که به حقیقت پدیده‌های ذهنی دست یابد، بلکه می‌خواهد بداند این پدیده‌ها چه رابطه‌ای با ارگانیزم حسی و بدنی و عوامل محیطی دارند. در واقع پدیدارشناسی، هم توضیح ذهن است و هم توضیح و تفسیر محتوا و موضوع ذهن، خواه آن موضوع وجود واقعی داشته و موافق با دنیای خارج باشد و خواه وجود واقعی نداشته و موافق با دنیای خارج نباشد. هدف پژوهش پدیدارشناسی، توصیف صریح و شناسایی پدیده‌ها است آنگونه که در موقعیتی خاص توسط افراد ادراک می‌شوند، در واقع پدیدارشناسی به توصیف معانی یک مفهوم یا پدیده از دیدگاه عده‌ای از مردم و بر حسب تجارب زیسته آنان در آن مورد می‌پردازد. بنابر این، در پی فهم تجارب مشترک عده‌ای از مردم می‌باشد. پریست نیز معتقد است کسانی که به طور واقعی در حال به سر بردن زندگی خویش در هم جواری با پدیده مورد مطالعه هستند، تنها منبع مشروع داده‌هایی هستند که محقق می‌تواند با اتکا به آن به حقیقت پدیده دست یابد.

همچنین پدیدارشناسی به کسب فهم عمیق تری از ماهیت و معانی تجارب روزانه کمک می‌کند. پدیدارشناس می‌پرسد: "این تجربه چیست و به چه می‌ماند؟" در فرآیند مطالعه پدیدارشناسی، پس از انتخاب موضوع یا پدیده مورد مطالعه، محقق به گردآوری داده‌ها از اشخاصی می‌پردازد که تجربه آن موضوع را دارند و به بسط و ترکیبی توصیفی از جوهره و ماهیت تجربه می‌پردازد. این توصیف شامل دو سؤال می‌باشد: چه چیزی تجربه شده و چگونه تجربه شده است؟

به طور کلی می‌توان گفت که مفروضات تحت پژوهش پدیدارشناسی، عبارت است از اینکه فرآیند پیچیده‌ای از پدیده‌ها، ویژگی‌های شخصی و رفتارهای افراد مرتبط با پدیده مورد نظر و هر نوع مفاهیم دیگری در خصوص آن را می‌توان از طریق تحلیل تجارب زندگی بهتر فهم نمود؛ و به نوعی بینش از طریق داده‌های گردآوری شده از مشارکت کنندگان در تحقیق دست یافت؛ به نظر می‌رسد که این گونه خاص از تحقیق بتواند دانشی توانمند و بومی در باب چیستی پدیده مورد مطالعه فراهم نماید.

ابزار در پدیدارشناسی عموماً مصاحبه‌های نیمه ساخت مند است که البته می‌توان از سایر انواع فنون گردآوری داده‌ها نقلی بررسی اسناد نیز بهره گرفت. تحلیل داده‌های پایا-ارشناسی، نیز از طریق تقلیل گزاره‌های معنی دار به درون تم‌ها و سپس نگارش توصیفاتی متنی و ساختاری صورت می‌پذیرد. (وندروستوپ، ۲۰۰۹: ۲۰۹). اما به شکل کلی، گردآوری داده‌های پژوهش می‌تواند به شکل شش مرحله باشد که عبارت است از:

۱. مقدمه (بیان مسئله و سؤالات)؛ ۲. فرآیند و رویه تحقیق (مفروضات فلسفی و پدیدارشناختی، گردآوری داده‌ها، تحلیل، نتایج)؛ ۳. احصاء گزاره‌های معنی دار و مهم؛ ۴. معانی گزاره‌ها؛ ۵. تم‌های مستخرج از گزاره‌ها؛ ۶. توصیف کامل پدیده (کرسول، ۲۰۰۷، ۸۰، اقتباس از موستاکاس ۱۹۹۶)
- گردآوری و تحلیل داده‌ها در پژوهش پدیدارشناسی آمادگی برای گردآوری داده‌ها در بر گیرنده ۴ مرحله است: ۱. تنظیم سؤال: تعریف واژه‌های پرسش؛ ۲. انجام مروری بر مبانی نظری و تعیین ماهیت

اصیل پژوهش؛ ۳. توسعه معیارهایی جهت برگزیدن مشارکت کنندگان؛ نظیر کسب آگاهی و حصول اطمینان از قابلیت اعتماد، ایجاد توافق در مورد زمان و مکان مصاحبه و کسب اجازه جهت ضبط و انتشار؛ ۴. توسعه ابزار و پرسش‌ها و موضوعات هدایت کننده مصاحبه پدیدارشناسی گردآوری داده‌ها نیز دارای ۳ مرحله می‌باشد: ۱. تعهد به فرآیند اپو خه تعلیق) به عنوان شیوه‌ای برای خلق یک فضا و توافق برای انجام مصاحبه؛ ۲. داخل پرائتز نهادن پرسش (تعلیق)؛ ۳. اجرای مصاحبه‌های تحقیق کیفی جهت کسب توصیفات از تجربه با در نظر گرفتن دو مورد؛ الف) مصاحبه‌های غیر رسمی؛ ب) سؤالات باز؛ پ). مصاحبه‌های موضوع محور.

همان طور که در بخش پیشین ذکر شد، یافته‌ها طبق موضوعات و مضامین (تم‌ها) تنظیم و طبقه‌بندی می‌شود و موضوعات مهمی را استخراج می‌کند که توسط شرکت کنندگان بحث و بررسی شده است (وندرستوب، ۲۰۰۹: ۲۰۹). نکته مهم این قسمت، این است که برای افزایش اعتبار تحقیق، صداقت نسبت به شرکت کنندگان باید افزایش یابد و (تا جایی که امکان دارد) نسبت به تعصب و پیش داوری‌هایی که گاهی به طور اجتناب ناپذیری در نگارش متون اعمال شده اند باید آگاهی‌های بیشتری داشت. این بخش گزارش، برخی از تعبیرها را در بر می‌گیرد که در تصمیم‌گیری، انتخاب و چگونگی بیان و دستور به انجام آن وجود دارند، اما نقش اصلی آن به جای تبیین، توصیف است. یافته‌ها می‌توانند قاطعانه گزارش شوند و نقل قول‌های مستقیم - نقل قول‌های محاوره‌ای و غ رسمی و نقل قول‌های جامع‌تر - شرکت کنندگان به منظور ارائه نکات در نظر گرفته شود.

برخی از پژوهش‌ها از قطعه‌های وصفی موارد یا شرکت کنندگان خاص بهره مند می‌شوند و به حق حفظ حریم شخصی لطمه نمی‌زنند (موستاکاس، ۱۹۹۶: ۱۸۰). به طور خلاصه، خود مرحله تحلیل داده‌ها شامل مراحل زیر است:

جدول ۳-۲- شیوه تحلیل داده‌های پدیدارشناختی

مدیریت داده‌ها	خلق و سازماندهی فایل برای داده‌ها
خواندن یادداشت‌ها	خواندن متن، نگارش یادداشت‌های حاشیه‌ای، کدهای رسمی، ابتکاری
توصیف کردن	توصیف تجارب فردی از طریق اپو خه، توصیف ماهیت و جوهر پدیده
طبقه بندی	توسعه گزاره‌های مهم، گزاره‌های گروهی در درون واحدهای معنی
تفسیر	توسعه یک توصیف محتوایی (چه چیزی) توسعه یک توصیف ساختاری (چگونگی) توسعه ماهیت و جوهره

ارائه و مجازی سازی	ارائه نوعی توصیف یا داستان از جوهر، تجارب، در جدول و اشکال و..
--------------------	--

سپس محقق به تحلیل داده‌ها و تقلیل اطلاعات به گزاره‌ها و عبارات مهم پرداخته و این گزاره‌ها را با هم ترکیب می‌نماید. متعاقب این اقدام، محقق به بسط توصیفی متنی (محتوایی) از تجارب اشخاص (درگیر در موضوع) می‌پردازد و سپس توصیفی ساختاری از تجارب آنان (چگونگی تجربه آن بر حسب شرایط، موقعیت‌ها و یا محتوا) ارائه می‌دهد و در انتها به ادغام و تلفیق ترکیبی از توصیفات محتوایی و ساختاری جهت دستیابی به جوهرهای کلی از تجربه مورد نظر می‌پردازد (کرسول، ۲۰۰۷: ۱۰).

همچنین تلخیص، نتایج و آثار این بخش، محقق را قادر می‌سازد تا با بیان تفسیرها و ارتباطات بین گفته‌ها و اطلاعات و یافته‌های مربوط به پژوهش‌های پیشین، تجربه قبلی یا حتی عقاید معمول و بیان نظریه‌های آزمایشی، بیشتر وارد تحقیق و پژوهش گردد.

۳-۴-۲- گام‌های نظری در پژوهش

کیفیت خاص پدیدارشناسی هوسرل و ترجمه و تبدیل آن به نوعی استراتژی تحقیق به گونه‌ای سامان دار و گام به گام از سوی موس تاکاس - آن گونه که محققان تازه کار را به خوبی در طول انجام تحقیق هدایت می‌کند. باعث ایجاد فرآیندی دقیق و حساب شده در پژوهش پدیدارشناسی موس تاکاس، می‌شود که همین نیز سبب رجحان و تفوق آن بر پدیدارشناسی تفسیری ون مانن است. به همین منظور در ادامه، پس از آشنایی با مراحل سه گانه پدیدارشناسی هوسرل، استراتژی پدیدارشناسی موس تاکاس تشریح خواهد شد.

مراحل پدیدارشناسی هوسرل **اولین مرحله** و مهم ترین مفهوم روش هوسرلی، مفهوم اپوخه (تعلیق) است (لینکلن و دنزین، ۱۹۹۸: ۱۳۸؛ موثرر و کرسول، ۲۰۰۶: ۷). همان طور که پیش از این گفته شد، خلاصه مرحله تعلیق این است که انسان فقط با آن چیزهایی که بر وی ظهور می‌کند سرو کار دارد و اگر خود را به طور بیهوده مشغول این بحث کند که در پشت چیزی که ظهور کرده، جوهری هست یا نه و در پی اثبات یا رد آن بر آید، عملاً نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت. محقق باید نقطه شروع خود را رها کند، باید قبول کند در این مرحله، شناخت از امر متعالی ناممکن است و تظاهر به دانستن پیش داوری صرف است.» (موثرر و کرسول، ۲۰۰۶: ۷).

مرحله دوم، در روش پدیدار شناسی مرحله ایدیسیون است که مرحله ذات بخشی یا ماهیت بخشی گفته می‌شود. در واقع پدیدارشناسی از مرحله پدیداری محض مجدداً به مرحله ذاتی بر می‌گردد و در صدد آن بر می‌آید تا با ذات بخشی به پدیدارها و خلق مفاهیم کلی، زمینه را برای خلق علوم فراهم نماید (کرسول، ۲۰۰۷). در دید هوسرل، خلق علوم بدون قائل شدن به مفاهیم کلی و تزریق جوهری به آنها تا پایه‌ای برای اشتراک اذهان گردد، غیر ممکن است. در تقلیل ایدتیک، فعلیت اشیاء و تاریخ آنها را در کنار

می‌گذاریم و به آنها فقط به عنوان ایدوس یا ماهیت می‌نگریم و علوم اید تیک علمی هستند که موضوعشان نه اعیان واقعی، بلکه اعیان و حقایق مثالی است.» (میلر و بروئر، ۲۰۰۳: ۳۲۹).

شوتز نیز معتقد است که: «هوسرل در صدد بود پدیدارشناسی، علمی اید تیک باشد و به جوهر پردازد و نه به وجود.» (شوتز، ۱۳۷۱: ۲۷). «این عرضه شدن ماهیت به ابژه، نه به وسیله عملیات انتزاعی، آن گونه که در منطق صوری است، بلکه با انشای آگاهی انجام می‌گیرد. ماهیت بخشی انشای آگاهی است.» (خاتمی، ۱۳۸۲: ۷۰). به بیان دیگر، ذاتی که به پدیدارها منصوب می‌گردد نه نومن یا مثال متافیزیکیال افلاطونی و کانتی بلکه محصول آگاهی سوژه است و جنبه متدولوژیکیال دارد؛ مطابق این معنا همه علوم برای هوسرل جوهری و ذات‌گرا محسوب می‌شود.

در مرحله سوم روش پدیدارشناسی، بعد از آنکه ما پدیدارها را معنی کردیم و مفاهیم کلی ساخته شد، این مسئله مطرح می‌شود که این علوم صوری یا ماهوی چگونه از طریق آگاهی، بنیاد پیدا می‌کنند. در واقع در این مرحله مسئله امر آگاهی و حیث التفاتی مطرح می‌گردد. از طرف دیگر، دست‌یابی به عینیت توصیفات نیز در این مرحله انجام می‌گیرد. عینیت یافتن این آگاهی برای هوسرل تنها در چهارچوب روابط بین الاذهانی یا درون ذهنیت سوژه‌های آگاه و براساس روش همدلی صورت می‌گیرد.

فرهنگ بیگانه برای من و برای کلیه کسانی که با من اشتراک فرهنگی دارند، فقط از طریق نوعی تجربه از "دیگری"، نوعی همدلی با انسانیت فرهنگی بیگانه و فرهنگ آنها دسترس پذیر است و این نوع همدلی نیز باید مورد پژوهش‌های آگاهانه قرار گیرد (هوسرل، ۲۰۰۳: ۱۳۸۶). عالم زندگی با عالم تجربه‌های مشترک، علی‌رغم اختلاف نظرها، از طریق همدلی بر همگان فاحش و هویدا است.

۳-۴-۳- گام‌های تجربی در پژوهش کیفی

میتوان از سه گونه جستارگری برای فهم پدیدارشناسی جهان اجتماعی سخن گفت: نخست، استخراج مفاهیم اصلی و متداخل در پدیدارشناسی نظیر معانی ذهنی، کنش و روابط بین الاذهانی؛ دوم، برقراری تمایز و ایجاد دسته‌بندی جهت فهم مناسب از پویایی و پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی و؛ سوم، به کارگیری این تم‌ها برای بررسی یک پدیده خاص اجتماعی، به عنوان مثال توسعه در حاشیه شهر. اما مهم‌ترین مراحل که در پدیدارشناسی می‌توان ذکر کرد در پایین بیان شده است:

۳-۴-۳-۱- مرحله اول: تعلیق (اپوخه)

اولین مرحله و مهم‌ترین مفهوم روش هوسرلی، مفهوم اپوخه (تعلیق) است.» (موئر و کرسول، ۲۰۰۶: ۷، لینکلن و دنزین، ۱۹۹۸: ۱۳۸). با بحث اپوخه، ساحت ما از نومن به ساحت فنون تبدیل می‌شود؛ و بدان معناست که سوژه در ابتدا در باب چیزی که ظهور یافته قضاوتی نمی‌کند که این ابژه نفس‌الامری دارد یا نه؟ اساساً این مرحله را اپوخه می‌نامند. خلاصه مرحله تعلیق این است که انسان فقط با آن چیزهایی

که مشاهده می‌کند سر و کار دارد و اگر خود را به طور بیهوده مشغول این بحث کند که در پشت چیزی که مشاهده کرده جوهری هست یا نه و در پی اثبات یا رد آن بر آید، عملاً نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت. محقق باید نقطه شروع خود را رها کند، باید قبول کند در این مرحله، شناخت از امر متعالی ناممکن است و تظاهر به دانستن، پیش داوری صرف است.» (برنشتاین، ۱۹۷۹: ۱۳۰). «در حقیقت پدیدارشناسی وقتی متولد می‌شود که مسئله مربوط به هستی را به طور موقت یا دائم - میان پراتنز نهاد و کیفیت ظهور اشیاء را به صورت مسئله‌ای مستقل بررسی کرد.» (برگلاند، ۲۰۰۷: ۷۷)

هوسرل معتقد است که وجود یا فقدان وجود جوهر متعالی در اشیاء از دو صورت ممکن خارج نیست: الف) صورت اول آن است که نفس الامر / ذات فنومن مفروض، خود اشیاء هستند که پدیدار گشته اند و در دسترس ما هستند که در این صورت دیگر دلیلی برای جست و جوی چیزی موهوم و متعالی نیست و از این جا می‌توان پژوهش در باب آگاهی را آغاز نمود.

ب) صورت دوم آن است که فنومن مفروض خود را ظاهر نمی‌سازد و فهم بدان نیز میسر نیست. در این صورت پرسش این است که اثبات یا رد آن به چه کار می‌آید؟ به عنوان مثال از اثبات یا رد نومن کانتی چه نتیجه‌ای حاصل می‌شود؟ در واقع آن چیزهایی موضوع پدیدارشناسی است که متجلی شده باشند.

هوسرل بر آن است که باید به توصیف آن بعد از اشیاء که قابل ادراک است پرداخت و حالتی از شک و تردید را نیز باید حفظ کرد. در مجموع، اپوخه به معنای خودداری کردن از هر گونه حکم در مورد وجود عالمی خارج از آگاهی بشر است. در این مرحله، آن دیدگاه طبیعی که معتقد است عالمی خارج و مستقل از آگاهی ما وجود دارد، رد می‌گردد و لذا آن را تعلیق می‌کند. به بیان دیگر اپوخه به معنای روی بر تافتن از عادت فکری متداول و روی بر تافتن از فطرت اول است و برای آن نیز سه مرحله شناسایی کرده اند.

الف) تعلیق کلیه احکامی که مربوط به موضوعیت نفسانی است و توجه صرفاً به متعلق معطوف باشد؛
ب) کلیه معارف نظری از قبیل فرضیه‌ها و برهان‌هایی که مأخوذ از منابع دیگر است باید کنار گذاشته شود، به نحوی که «تنها آنچه به آگاهی داده شده است لحاظ گردد»؛

ج) تمامی تعلیمات منقول در طریقه‌های مختلف فکری، یعنی آنچه دیگران در مورد شیء (متعلق) مورد مطالعه گفته اند، توقیف و تعلیق گردد.

این تعلیق (اپوخه) سه گانه را می‌توان تعلیق تاریخی نامید که به معنای تعلیق و بازداشت کلیه احکامی است که در خصوص یک شیء متعلق در سنت‌های مختلف فکری در طول تاریخ منقول افتاده است. ذکر این نکته مجدداً ضروری است که هوسرل بر خلاف تجربه گرایان و کسانی که قائل به اصالت پدیدار هستند، از تقلیل‌گرایی یا فرو کاهش مفرط پرهیز می‌کند و همواره در حال و هوای تعلیق پدیدارشناختی

باقی می‌ماند. با مرحله تعلیق، همه چیز به مرحله پدیدار تنزل می‌یابد؛ پدیداری که به ادراک بلاواسطه ما در آید و تنها آنها هستند که قابل درک اند.

۳-۴-۲- مرحله دوم: توجه به مفهوم آگاهی یا وجدان

یکی از اساسی‌ترین مفاهیمی که مورد توجه و عنایت همه پدیدارشناسان قرار گرفته مفهوم آگاهی است. این مفهوم نه فقط ضمیر یا وجدان ما، بلکه ماهیت و سرشت آگاهی ما از خودمان و از جهان زندگی و روابط میان وجدانها را شامل می‌شود.

مفهوم آگاهی در پدیدارشناسی هوسرل آگاهی به چیزی است که شامل فرآیند آگاه بودن و موضوع آگاهی است. این فرآیند به صور گوناگون مانند به خاطر آوردن، درک کردن، فهمیدن و ارزیابی کردن ظاهر می‌شود. از سوی دیگر، پدیدارشناسی آگاهی را پلی میان ذهن و عین می‌داند که آن دو وجه را به صورت واحدی در می‌آورد. این نوع آگاهی سرچشمه و اساس یکپارچگی شناخت است. برای شناخت باید از خود وجدان آغاز کنیم که به تمام معنی از رابطه عملی معنی دار با یک شی تشکیل شده است. آگاهی سرچشمه همه هستی‌ها و موجب ارتباط همه هستی‌ها باهم است. (توسلی، ۱۳۸۸: ۳۵۲).

نیت دار بودن یا جنبه ارادی آگاهی انسان ساده‌ترین تعریف قصدمندی آن است که بگوییم هیچ آگاهی وجود ندارد مگر آنکه به سوی شیئی هدایت شود؛ به عبارت دیگر: آگاهی از چیزی مطرح است، نه آگاهی به طور مطلق (فکر کردن در مورد چیزی، عشق به چیزی، شک کردن در چیزی و غیره) آنچه را که آگاهی ما درک می‌کند، فهمیدن یا قصد داشتن نسبت به آن چیزی است که قرار است بدان آگاهی داشته باشیم، یعنی وجه ذهنی با وجه عینی (پدیده) ملازم و همبسته است.

خودآگاهی اساساً با قصدمندی همراه است و همواره آگاهی نسبت به چیزی است اعم از آنکه آن چیز، واقعی، یا تصویری، یا مبتنی بر تخیل باشد. قصد یا نیت یک طرح اساسی ضمیر آگاه و مقدم بر عمل دقت است. به طور کلی مفهوم قصدمندی به مکانیزم عمل آگاهانه‌ای نظر دارد که نوعی عمل ارادی و معنی بخش است.

نگرش طبیعی در واقع وجه نظر و گرایش ذهن آدمی به تفسیر طبیعی و ساده زندگی روزمره که با آن سر و کار داریم و استفاده از شعور عام و زمینه مشترک اجتماعی، بنیانی پدیدار شناختی دارد. انسان در طی این تفسیر و برداشت‌های خود، به پدیده‌های پیرامونش معنا می‌بخشد و آنها را اموری تردیدناپذیر و قطعی و بدیهی می‌پندارد. به اعتقاد هوسرل انسان به دلیل زندگی در عالم طبیعت و تصرف در آن برای رفع نیازهایش، عادت گرفتار (وضع طبیعی)، فطرت بسیط و همی و یا بساط فطری غیر عقلی است. به این ترتیب پدیدارشناسی اجتماعی دو وظیفه عمده بر عهده دارد: یکی توصیف پدیدار اجتماعی چنان که مردم به طور طبیعی آن را تجربه می‌کنند؛ و دوم روشن ساختن این امر که چگونه این پدیدار در جریان فعالیت میان ذهنی در آگاهی مردم پدید آمده است.

۳-۴-۳-۳- مرحله سوم: توجه به مفهوم در جهان زندگی

جهان زندگی، حیات عادی و روزمره ما در این جهان است که در خلال آن خود را در هر لحظه زندگی خویشتن می‌یابیم. واقعیاتی که در این جهان با آن روبه‌رو هستیم دارای معانی بشری‌اند. در این جهان هر چیز همان‌گونه که هست به چشم می‌آید و تجربیات ادراکی ما در سطح ما قبل به همان‌گونه که جهان خود را به ما نشان می‌دهد، در ذهن ما انعکاس پیدا می‌کند. از نظر هوسرل جهان به صورتی که آگاهی معنابخش، مستقیماً به آن معطوف شود، جهان زندگی خوانده می‌شود. از دیدگاه هوسرل سه خصوصیت یا ویژگی دارد:

الف) جهان تجربیات روزانه به این دلیل که در فضا و زمان استمرار دارد، نوعی قالب ادراکی را برای ما به وجود می‌آورد؛

ب) ما در جهان زندگی با مشابهت‌های دنباله‌دار و نظم و قانونمندیها مواجهیم و رفتارمان را بر اساس این مشابهت‌های تکراری و منظم تنظیم می‌کنیم؛

ج) اشیاء در جهان زندگی همان‌طور که حضور دارند به ذهن منتقل می‌شوند، بدین معنی که گرچه اشیاء مشابه در سیماهای متفاوت و متنوعی برای افراد ظاهر می‌شوند، لیکن در جهان زندگی این تنوع به وحدت می‌گراید و بر حسب نظر شوتز به انطباق و یگانگی می‌رسد؛ یعنی وجوه اختلاف ادراک افراد حذف می‌شود و وجوه اشتراک آنها در جهان زندگی به عنوان درک مشترک و عام آنها باقی می‌ماند.

۳-۴-۳-۴- مرحله چهارم: توجه به میان ذهنیت افراد

ذهن مشترک یا بین‌الذهانی نظام ارتباط دو جانبه ذهن من و دیگری آن‌طور که در جهان زندگی و روزمره وجود دارد، «میان‌ذهنیت» نامیده شده است. آلفرد شوتز با طرح این مفهوم که نزد هوسرل تا حدی مبهم و گنگ باقی مانده، می‌خواهد ارتباط دیدگاه پدیدارشناسی را با جامعه‌شناسی روشن کند؛ به عبارت دیگر، در مبحث «میان‌ذهنیت» و «تقابل مناظر» در نظر شوتز روشن‌کننده بده‌بستان‌های زندگی اجتماعی است و مبتنی بر دو ویژگی زیر است:

اول، چون هر یک از ما در یک بده‌بستان شرکت می‌کنیم، به‌طور طبیعی می‌توانیم دیدگاه‌های خود را تغییر دهیم؛ زیرا به نظر شوتز، تفاوت دیدگاه ناشی از تفاوت جایگاه ناظر است. حال اگر در این معادله، افراد جای خود را عوض می‌کنند، در ادراک‌شان تغییری نسبت به موضوع پدید می‌آید؛ دوم، همبستگی نظام ارتباطی موجب می‌شود که من و دیگری علی‌رغم وضعیت مشترک زندگی واحدمان تصور کنیم که سیستم ارتباطی ما به خاطر مقاصد فوری تفاوت‌هایی با هم دارند. لیکن به‌طور کلی من و او که یک

جمع را به وجود می‌آوریم، واقعیت‌ها و عینیت‌های بالقوه و بالفعل را در نوعی «انطباق تجربی» تفسیر می‌کنیم و ذهنیت مشترکی پیدا می‌کنیم.

به طور خلاصه روابط بین الاذهانی، مبنای عمل اجتماعی است و در واقع وجه اشتراک خود پدیده‌ها در ذهنیت جامعه و در جهان زندگی است.

جهان فرهنگی در دیدگاه هوسرل، فرهنگ، ترکیب ذهنیت‌های متعالی است از تجربیاتی که همه افراد بشر فهمیده اند. در علوم فرهنگی ما با واقعیت پدیده‌های طبیعی سروکار نداریم، زیرا علوم فرهنگی ماهوی هستند و موضوع آنها پدیده‌های درون ذهنی در گرایش‌های روزمره طبیعی است. بنابراین، ذهن من چون «مفاد» یا جوهر فردی، در ارتباط با اذهان دیگر از طریق جهان زندگی، میان ذهنیتی را به وجود می‌آورد که از طریق آن، جهان فرهنگی یعنی جهان ویژه هستی بشری شکل می‌گیرد.

بر حسب آنچه گذشت، روش پدیدارشناسی روش ارجاع یا تحویل وضع طبیعی است که از راه شهود به ماهیت یا ذات پدیده رهنمون می‌شود. در واقع هوسرل معتقد است که ماهیت یا ذات پدیده که هسته مرکزی لازم برای پدیده است، ثابت و پایدار می‌باشد و پدیده‌ها تا زمان شکل‌گیری اساسی این هسته مرکزی یا ماهیت، در حال تغییر و دگرگونی اند. از مجموع بحث چنین بر می‌آید که هوسرل در جست و جوی ایجاد نوعی علم ماهوی است و برای تأسیس چنین علمی از مفاهیم اساسی پدیدارشناسی، نظیر ماهیت، خود، خود دیگری، نگرش طبیعی، جهان زندگی، میان ذهنیت و تعلیق و یا ارجاع پدیدارشناسانه بهره می‌جوید. شوتز نیز معتقد است که هوسرل در صدد بود پدیدارشناسی، علمی «ایدتیک» باشد و به جوهر پردازد و نه به وجود.

۳-۴-۴- نمونه‌گیری

نمونه‌گیری مطالعات پدیدارشناسی همچون دیگر پژوهش‌های کیفی معمولاً به صورت هدفمند و انتسابی صورت می‌گیرد. پژوهشگر باید افرادی را که در زمینه خاص اطلاعات دارند تعیین و انتخاب کند. فرایند گزینش نمونه‌ها ادامه پیدا می‌کند تا هنگامی که در جریان کسب اطلاعات هیچ داده جدیدی پدیدار نشود و به عبارتی داده‌ها به اشباع برسند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش هفت مرحله‌ای کلایزی استفاده خواهد شد. پژوهشگر با گوش دادن مکرر به هر مصاحبه و عمیق شدن در عبارات و اظهارات شرکت‌کننده، بیان او را مکتوب خواهد کرد. موارد مبهم به صورت حضوری برطرف خواهد شد (مرحله یک کلایزی) و سپس مفاهیم هر مصاحبه استخراج و پس از تشکیل مفاهیم، مصاحبه بعدی انجام خواهد شد. برای هر مصاحبه، مراحل فوق تکرار خواهد شد (مرحله دوم کلایزی)؛ سپس پس از اتمام همه مصاحبه‌ها، مفاهیم فرموله شده در درون دسته‌های خاص موضوعی طبقه‌بندی خواهد شد (مرحله سوم) و در نهایت کلیه عقاید استخراج شده ترکیب و یک توصیف کامل و جامع از پدیده مورد بررسی ارائه

خواهد شد (مرحله‌های پنج و شش). در نهایت مفاهیم استخراج شده به شرکت کنندگان برگردانده و بررسی خواهند شد (مرحله هفت).

تحلیل داده‌ها بر اساس سه مرحله کدگذاری باز، محوری «سیستماتیک» و گزینشی انجام گرفت. در کدگذاری باز (شناسایی، نام‌گذاری، طبقه‌بندی و توصیف پدیده)، کدگذاری محوری (فرایند ارتباط کدها به همدیگر) و کدگذاری گزینشی (انتخاب یک طبقه‌ی کانونی و ارتباط سایر طبقات با آن) انجام می‌گیرد. ایجاد مقایسه بین مفاهیم با تکنیک کدگذاری اجازه می‌دهد که مقوله‌ها به دقت در زمان مناسب ایجاد و ساخته شوند. کدها از خرد تحلیل‌ها مشتق می‌شوند که شامل تحلیل کلمه به کلمه داده‌های گردآوری شده هستند.

مورس (۲۰۰۰، ۲۰۰۱) ذکر کرده است که در مطالعات پژوهشی کیفی، اندازه نمونه به پنج عامل بستگی دارد: حوزه مطالعه، ماهیت موضوع، کیفیت داده‌ها، طرح پژوهش و استفاده از اطلاعات سایه (هنگامی که مشارکت کنندگان، در مورد تجربه دیگران و همین‌طور در مورد تجربه خودشان صحبت می‌کنند. برای روش‌هایی که توضیح داده می‌شود داده‌ها اغلب از طریق مصاحبه‌ها یا گروه‌های کانونی به دست می‌آیند هر چند ممکن است متن‌هایی از انواع مختلف مورد استفاده قرار بگیرد هر استراتژی تحقیق، شامل استفاده از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند برای جذب مشارکت کنندگانی است که پدیده مورد مطالعه را تجرد کرده‌اند. مفهوم یا تجربه تحت مطالعه، واحد تجزیه و تحلیل است؛ با این فرض که یک فرد می‌تواند صدها یا هزاران مفهوم را تولید کند، بنابراین، نمونه‌های بزرگ ضرورت برای تولید مجموعه داده‌های غنی، مورد نیاز نیست. همچنین تعداد دقیق افراد مورد نیاز و تعداد مصاحبه‌هایی که باید از هر فرد گرفته شود، بستگی به اهداف و مقصود مطالعه دارد.

پدیدارشناسان، به ویژگی‌های مشترک تجربه زندگی شده علاقه مند هستند. اگر چه ممکن است نمونه‌های گوناگون، بازتاب طیف وسیع تری باشند که جوهر پدیده از آن گرفته شود، داده‌هایی که تنها از تعداد کمی از افراد که آن پدیده را تجربه کرده‌اند - و آنهایی که می‌توانند گزارشی دقیق و با جزئیات را از تجربه شان ارائه دهند. ممکن است برای کشف عناصر اصلی آن کافی باشد. در ارتباط با تعداد نمونه مناسب برای پژوهش پدیدارشناسی، بررسی مبانی نظری نشان می‌دهد که روش‌های متنوع و عقایای مختلفی در مورد اندازه نمونه لازم برای مطالعات کیفی پدیدارشناسانه وجود دارد:

- ۱- تقریباً بین ۵ تا ۶ نفر (گایل، ۱۹۹۷؛ مورس، ۱۹۹۵؛ سویچ، ۱۹۷۳)؛
- ۲- حداکثر تا ۱۹ نفر (ریوز، ۲۰۰۸)؛
- ۳- بین ۱ تا ۴۰ نفر (کرسول، ۲۰۰۵).

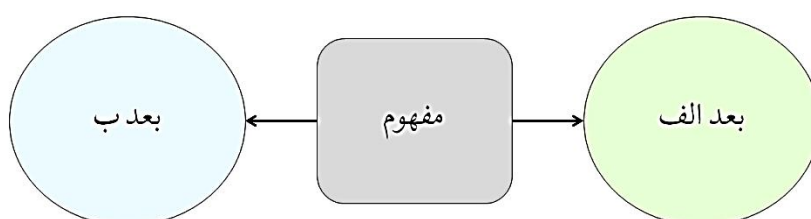
در خلال نمونه‌گیری تجزیه و تحلیل گفتمان، گروه‌های مختلفی که در گفتمانی خاص شرکت می‌کنند، می‌توانند روش‌هایی را که از طریق در پدیدارشناسی، مشاهده نحوه زندگی مشارکت کنندگان در محیط خودشان از طریق زمان و مکان، سر نخهایی را در مورد اینکه آنها ممکن است چگونه معنا را تجسم کنند، ارائه می‌دهد.

جمعیت مورد مطالعه، کلیه‌ی شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن در مناطق حاشیه‌نشین شهر رشت و مسئولین امر در حوزه حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی در ادارات و سازمان‌های شهر رشت در سال ۱۴۰۰ است. به‌منظور انجام

مصاحبه‌های مناسب، با توجه به اینکه بر اساس نظریات روانشناسی رشد و تجربیات حاصل از تحقیقات پیشین، افراد غالباً در این سن (۱۸ سالگی به بالا) به یک نوع ثبات شخصیتی و توانایی اجتماعی روانی برای قضاوت و اظهار نظر معقول و منطقی پیرامون وقایع و تجربیات اجتماعی دست می‌یابند و واجد حقوق و ویژگی‌های مشارکت‌پذیری می‌شوند، این شرط سنی لحاظ گردید. علاوه بر این، مدت زمان استقرار در مکان مورد زندگی، برای این مطالعه و انتخاب افراد به منظور مصاحبه و مشارکت در آن مهم بود، لذا افرادی که مدت کوتاهی در میدان مورد مطالعه زندگی کنند، از روند مصاحبه حذف خواهند شد، زیرا هم مطلع کلیدی محسوب نمی‌شوند و هم از نظر اجتماعی با روند تحولات محل زندگی خود آشنایی کافی ندارند. بنابراین، به فراخور مطالعه افرادی که از نظر عقلی توان مصاحبه داشته و نیز از نظر زمانی تجربه و اسکان بیش از یک دهه دارند، مورد مطالعه قرار خواهند گرفت؛ همانطور که اشاره شد، نمونه‌گیری در پژوهش کیفی بسیار متفاوت از پژوهش‌های کمی است زیرا هدف آن به جای تعمیم یافته‌ها کسب درک عمیق از پدیده‌های مورد بررسی است. از آنجا که پژوهش کیفی راهی برای رسیدن به محتوای ذهنی افراد است و نمی‌توان آن را از طریق روش‌های سخت و دقیق کمی انجام داد، ابزارها و روش‌های آن نیز بسیار متفاوت هستند.

نمونه‌گیری نظری عبارت است از فرایند گردآوری داده‌ها برای نظریه پردازی که از این طریق تحلیلگر به طور همزمان داده هایش را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعد گردآوری و آنها را کجا پیدا کند، تا بدین وسیله نظریه اش را در حین شکل‌گیری تدوین کند. نظریه در حال تدوین فرایند گردآوری داده‌ها را کنترل می‌کند (فلیک ۱۳۷۸، ص ۱۳۸). نمونه‌گیری نظری، نمونه گرفتن از حوادث، رخدادها و امثال آنها است که نشان دهنده مقوله‌ها و خصوصیات و ابعاد آنها است، از این رو می‌توان آنها را به طور مفهومی گسترش و ارتباط داد" (اشتراوس و کوربین، ۱۳۷۸، ص ۱۷۶). همچنین اشتراوس می‌گوید: "توجه داشته باشید که گفتیم از حوادث نمونه می‌گیریم نه الزاماً از افراد علاقه ما به گردآوری اطلاعات درباره افراد به دلیل کارهایی است که آنها در ارتباط با کنش یا کنش متقابل انجام می‌دهند یا انجام نمی‌دهند، و گستره‌ای از شرایط که باعث بروز کنش یا کنش متقابل و تنوع آنها میشوند و اینکه شرایط به گونه‌ای تغییر می‌کند یا به همان حال می‌ماند و چه اثرهایی دارد؛ همچنین پیامدهای کنش یا کنش متقابل آنها که موفق به انجام شان شده اند یا نشده اند یا راهبردهایی که هرگز بدان اقدام نکرده اند (همان، ص ۱۷۷).

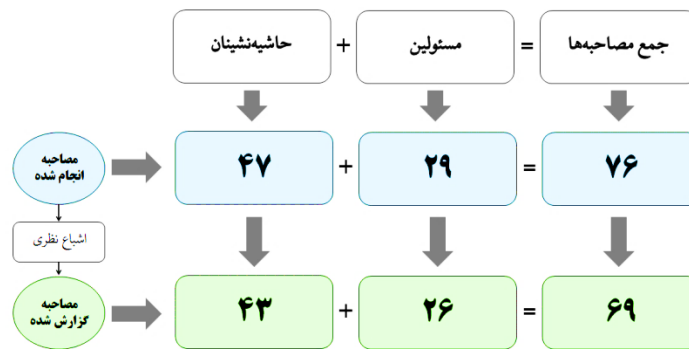
فلیک به گزینش تدریجی در فرایند نمونه‌گیری قائل است وی اصل و اساس نمونه‌گیری نظری را انتخاب موارد یا گروه‌هایی از موارد بر اساس محتوای شان و نه با استفاده از معیارهای انتزاعی روش شناختی می‌داند. نمونه‌گیری بر مبنای مرتبط بودن با پژوهش و نه نمایان بودنشان انجام می‌گیرد. این اصل مشخصه راهکارهای مربوط به گردآوری داده در پژوهش کیفی نیز به شمار می‌آید (فلیک، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱).



نمودار ۳-۴- چند بعدی کردن مفاهیم

دنزین (Denzin, ۱۹۸۹) پیشنهادی مبنی بر چند بعدی کردن مفاهیم را مطرح می‌کند که به کار پژوهش کیفی در برنامه ریزی، که با پدیده‌های چندبعدی و چندانضباطی سروکار دارد، می‌آید. منظور دنزین آن است که "همان پدیده" در زمانها، مکان‌ها و با اشخاص متفاوتی مطالعه شود. وی همچنین استراتژی نمونه‌گیری نظری را به روش خودش و به منزله گزینش و تلفیق هدفمند و سیستماتیک اشخاص و گروه‌هایی از اشخاص و زمینه‌های محلی و موقت و گذرا به کار گرفته است. فلیک سعی کرده است روش گلاوسر و اشتراوس را گسترش دهد و در بسط آن از ادغام هدفمند سازمان‌ها به مثابه زمینه‌های محلی و تخصص‌های مختلف، با استفاده از انواع گوناگون داده‌ها به کار بگیرد (همان، ص ۱۴۲).

یک پژوهشگر در مقاطع گوناگونی از فرایند تحقیق با مسئله نمونه‌گیری روبه‌رو خواهد شد. در مطالعه‌ای که با استفاده از مصاحبه انجام می‌گیرد، نمونه‌گیری با تصمیم‌گیری درباره اینکه با کدام شخص مصاحبه کند (نمونه‌گیری موردی)، و این شخص باید متعلق به کدام گروه باشد (نمونه‌گیری از گروه‌های مورد) گره خورده است. علاوه بر این به هنگام تصمیم‌گیری درباره اینکه کدام یک از مصاحبه‌ها را باید دنبال کرد، یعنی متن را پیاده و تحلیل کرد (نمونه‌گیری از اطلاعات) دوباره این موضوع مطرح می‌شود. در حین تفسیر داده‌ها، هنگامی که تصمیم می‌گیرد کدام بخش از متن را برای تفسیر کلی یا تفسیرهای مبسوط جزئی انتخاب کند (نمونه‌گیری از درون اطلاعات) مجدداً این مسئله پیش کشیده خواهد شد؛ و بالاخره زمانی موضوع نمونه‌گیری مطرح می‌شود که شخص پژوهشگر بخواهد یافته‌ها را ارائه کند: کدام مورد یا کدام بخش از متن بیش از سایر متون به کار اثبات خواهد آمد (فلیک، ۱۳۸۸). یکی از معمول‌ترین روش‌های جمع‌آوری داده در مطالعات کیفی، مصاحبه است.



نمودار ۳-۵- اشباع نظری صورت گرفته در هر کدام از مصاحبه‌ها

در فرایند انتخاب نمونه برای این پژوهش نیز نکته‌ای که باید مد نظر داشت اینست که نمونه انتخاب شده تا چه حد در فرایند پژوهش کمک کننده است، زیرا در تحقیق کیفی هر پاسخگو و پاسخهایش روشن‌کننده مسیر پژوهش است و این فرایند زمانی به اتمام خواهد رسید که اشباع نظری^۱ حاصل شود اینکه هرچه به نمونه‌ها اضافه شود

^۱ - مقوله مبنای داوری درباره زمان توقف نمونه‌گیری از گروه‌های مختلف مربوط به آن مقوله است (فلیک، ۱۳۸۸).

کمکی به مسیر نشود. در حقیقت در تحقیق کیفی نمونه‌گیری در فرایند پژوهش انجام می‌شود. در این پژوهش نیز که از حدود ۷۶ نفر مصاحبه انجام شد اما در نهایت حدود ۶۹ نفر به عنوان نمونه برای تحلیل نهایی باقی ماندند. در تنظیم نمونه‌گیری تلاش شد تا سنین مختلف، طبقات اقتصادی-اجتماعی، تحصیلات مختلف پاسخگویان مد نظر قرار گیرد تا بتوان به جزییات مصرف مختلف افراد واقف شد. همچنین سعی شد تا اظهارات مختلف افراد در باب مصرف بویژه انرژی مدنظر قرار گیرد.

۳-۴-۵- مصاحبه در پژوهش

مصاحبه معمولاً گفت و گویی است بین دو نفر. در این گفت و گو، یک مصاحبه گر برای دستیابی به اهداف خاص، درصدد یافتن پاس طرف دیگر مصاحبه شونده است. این گفت و گو ممکن است مصاحبه شونده باشد یا نباشد. منظور از مصاحبه هر چه باشد و صرف از میزان حساسیت و اهمیت یا شخص محور بودن آن، رابطه مصاح مصاحبه شونده، رابطه‌ای مبتنی بر کنترل است؛ کنترل به معنی مدیریت با مصاحبه ماهرانه امری بنیادی است.

هدف مصاحبه، شکل و سبک آن را تعیین می‌کند. مصاحبه پژوهشی برای به دست آوردن اطلاعات و شناخت موضوع‌های مرتبط با اهداف کلی و پرسش‌های خاص یک طرحی پژوهشی انجام می‌شود. اهداف مصاحبه‌ها متفاوت است، اما وجوه اشتراک بسیار نیز دارند. تفاوت اصلی در میزان ساختارمندی مصاحبه و حدی است که مصاحبه شونده تا آن میزان مجاز به «هدایت» محتوای مصاحبه است. ساختارمندترین شکل‌های مصاحبه (که در بازار پژوهی متداول اند)، مصاحبه‌هایی هستند که در آنها مصاحبه گر می‌داند به چه چیزی می‌خواهد پی ببرد و مصاحبه شونده فقط باید به پرسش‌های مستقیم پاسخ دهد. در این نوع مصاحبه آنچه لازم است به دست می‌آید، ولی نتایج غیر منتظره حاصل نمی‌شوند؛ ساختارمندی مصاحبه تا حد زیادی مانع آن می‌شود.

استفاده از گفت و گویی طبیعی، حد اعلا مصاحبه «فاقد ساخت» است. گاهی مصاحبه بیش از این مقدور نیست، با این همه، این نوع مصاحبه نیز کماکان مصاحبه سازمان یافته به شمار می‌رود. اگر احساس می‌کنید در طرح خود با اشخاصی در گیرید که به اندازه کافی فرهیخته نیستند، یا هنگام مصاحبه‌ای رسمی موضع تدافعی اتخاذ می‌کنند، باز می‌توانید سؤالی‌های نظام مند بپرسید؛ منتها فقط یک یا دو سؤال، آن هم هرگاه فرصتی دست داد. شکل گسترده‌تر این روش، دعوت مردم برای «گپی» در حدود پانزده دقیقه است. مصاحبه، گرچه به طور عام روشی مستقل و گاه مکملی برای گردآوری داده‌های کمی یا کیفی - و اخیراً داده‌های ترکیبی - مورد توجه بوده، اما دارای پی بندهای فلسفی خاصی است که همه ابعاد، شکل‌ها، رویه‌ها و مراحل آن را شکل داده و جهت می‌دهد. از نقطه نظر فلسفی، فن مصاحبه بر رهیافت‌های فلسفی متعددی استوار است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: رهیافت‌های تفسیری - برساختی (دیلتای، وبر)؛ (پیرس، روتی، برنشتاین) و در خلال یک دهه پست مدرن (لیوتار، دریدا، دنزین).

برساخت گرایي اجتماعي و به خصوص رويکردهای بادباد تأويل گرايي با تمرکز بر تجربه زیسته انسان‌ها در جهان زیست جهان، بر ساخت و ساز مداوم، سیال و تعاملی دنا تأکید دارند. براساس روش پدیدار شناسی مرلو پونتی (۱۹۹۲) باید به عنوان مسئله اصلی تلقی شود، تشریح تا حد ممکن دقیق و پدیده‌های اجتماعي زیسته شده است؛ در این رویکرد تشریح بیش تبیین یا تحلیل اهمیت دارد. در فلسفه تأویلی و پدیدارشناختی، عینت به معنای جلوه یا ابرازی از صحت و درستی تشخیص ذات " پدیدا تحت مطالعه است. در این جا هدف، شناخت ذات‌های پدیده‌ها با حرکت از تشریح پدیده‌های جداگانه به سمت جست و جوی ذات مشترک بین آنها است. تقلیل پدیدارشناختی مستلزم شک به قضاوت در مورد محتوای یک تجربه و تقلیل یا "در پراتز گزاردن" پدیده‌ها است. رهیافت پدیدارشناختی در قالب مفهوم جهان زندگی از سوی آلفرد شوتز - و توجه وی به اتخاذ موضع طبیعت گرایانه در تحقیق اجتماعي و نگرش طبیعی سوژه‌ها - وارد تحقیق جامعه شناختی شد سپس توسط برگر و لاکمن در کتاب "برساخت اجتماعي واقعیت (۱۹۹۹) و گارفینکل در کتاب "مطالعاتی در روش شناختی مردمی (۱۹۹۷)، بنیان‌های تحقیق مصاحبه‌ای کیفی را بسط داد.

شاید متمایز ترین ویژگی این مدل مصاحبه پدیدار شناختی عمیق، این باشد که این مدل، شامل مجموعه‌ای از سه مصاحبه جداگانه است. رفتار افراد هنگامی معنادار و قابل درک می‌شود که در زمینه زندگی آنها و زندگی افرادی قرار داده شود که در کنار آنها هستند. بدون زمینه، احتمال کمی برای اکتشاف معنای یک تجربه وجود دارد (پاتن، ۱۹۸۹). مصاحبه کنندگانی که پیشنهاد می‌کنند که موضوع خود را با تنظیم ملاقاتی یک جلسه‌ای با یک مصاحبه شونده» که او را قبلاً ندیده اند اکتشاف کنند، بر لایه نازکی از متن گام بر می‌دارند. دولبیر و شامن، سری سه گانه‌ای برای مصاحبه را طراحی کردند که ویژگی رویکرد پدیدارشناختی در آن مشخص است و این امکان را برای مصاحبه کننده و شرکت کننده فراهم می‌کند که به عمق تجربه وارد شوند و آن را در بستر خود قرار دهند:

- مصاحبه اول، زمینه (بستر) تجربه شرکت کنندگان را ایجاد می‌کند؛
- مصاحبه دومی، به شرکت کنندگان اجازه میدهد تا جزئیات تجربه خود در زمینه وقوع را بازسازی کنند؛
- مصاحبه سومی، شرکت کنندگان را تشویق می‌کند که معنایی را که تجربه شان برای آنها دارد، بازتاب دهند.

۳-۴-۵-۱- مصاحبه اول

تمرکز بر تاریخچه زندگی در مصاحبه اول، وظیفه مصاحبه کننده، قرار دادن تجربه شرکت کننده در زمینه است، که این کار را با سؤال پرسیدن تا حد ممکن، در مورد موضوع، تا زمان حاضر، انجام می‌دهد. در پژوهشی در مورد تجارب زیسته حاشیه نشینی، در بخش اول مصاحبه پژوهشگر تلاش نمود تا با قرار دادن تجربه شرکت کننده، در زمینه، هدف این قسمت از مصاحبه را تحقق بخشد که این کار را با سؤال

پرسیدن تا حد ممکن، در مورد موضوع، تا زمان حاضر انجام داد. بر این اساس، از حاشیه نشینان شرکت کننده در مصاحبه خواسته شد تا در مورد زندگی گذشته خویش - تا زمانی که حاشیه نشین شدند - بگویند و تا حد ممکن به گذشته باز گردند. از آنان خواسته شد که تجربه‌های اولیه خود در خانواده هایشان، در مدرسه، با دوستان، در همسایگی خود و در کار را بازسازی کنند. از آن جایی که موضوع این قسمت از مصاحبه، تجربه مشارکت کنندگان به عنوان حاشیه نشین است، بر تجربه گذشته شرکت کنندگان، در مدرسه و هر موقعیتی از قبیل تجربه مشاغل پیشین، ارتباطات در جامعه، راه اندازی کسب و کار و... که ممکن است قبل از در حاشیه قرار گرفتن باشند تمرکز شد (Vermeiren et al., 2022; M. Wang & Debbage, 2021).

Wang & Debbage, 2021)

در هنگام درخواست از آنها برای قرار دادن نقش کار آفرین در زمینه تاریخچه زندگی خودشان، از پرسیدن این سؤال که: «چرا شما اینجا ساکن شدید؟» اجتناب ورزیده شد. در عوض، پرسیده شد که: «چطور شد که اینجا ساکن شدید؟» با پرسیدن «چطور؟»، پژوهشگر امیدوار بود تا باعث شود آنها طیف وسیعی از رویدادهای تقویمی، در گذشته خانواده، مدرسه و کار خود را بازسازی و بازگویی کنند، که منجر به کشف زمینه زندگی هایشان گردد (بودلایی، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

۳-۴-۵-۲- مصاحبه دوم

تشریح جزئیات تجربه هدف مصاحبه دوم، تمرکز بر جزئیات واقعی تجربه زندگی شد شرکت کنندگان، در حوزه موضوع مورد مطالعه است. از آنها خوا می‌شود تا این جزئیات را بازسازی کنند. به عنوان مثال در همان بووه قبلی، هدف بخش دوم مصاحبه، تمرکز بر جزئیات واقعی تجربه زندگی شده کنونی کارآفرینان شرکت کننده، در حوزه موضوع مورد مطالعه بود بنابراین، از آنها خواسته شد تا این جزئیات را بازسازی کنند. از آنها پرساد شد که در شغل خود واقعا چه کاری انجام می‌دهند. در این جا هدف آخ نظراتشان نبود، بلکه جزئیات تجربه هائی آنها مورد نظر قرار گرفت، که ممکن است نظرات آنان براساس آن به وجود آمده باشد. پس در بخش دوم مصاحبه، وظیفه پژوهشگر تلاش هر چند به طور ناقص، برای بازسازی جزئیات بی شمار تجارب شرکت کنندگان، در حوزه مورد مطالعه بود. به منظور قرار دادن تجربه آنها در درون زمینه محیط اجتماعی، از کارآفرینان خواسته شد تا به عنوان مثال، در مورد روابطشان با همکاران، کارکنان، تأمین کنندگان منابع مالی، مدیران و ... گسترده‌تر صحبت کنند. در بخش دوم مصاحبه، گاهی از آنها خواسته شد که یک روز از نقش خود در قالب کارآفرین را بازسازی کنند؛ یعنی از لحظه‌ای که از خواب بیدار می‌شوند تا زمانی که می‌خوانند. داستانها در مورد تجربه آنها، به عنوان راهی برای استخراج جزئیات، مورد استفاده قرار گرفت (بودلایی، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

در این جا هدف آخذ نظرات آنان نیست، بلکه جزئیات تجربه آنها مورد نظر است، که نظراتشان ممکن است براساس آن به وجود آید. با توجه به نظر دایسون (۲۰۰۵)، یک ریاضیدان معروف به نام لیتل وود که در دانشگاه کمبریج معلم دایسون بود، برآورد کرده است که در خلال زمانی که در زندگی خود بیداریم،

ما چیزها را با میزانی در حدود یک مورد بر ثانیه می‌بینیم و می‌شنویم. بنابراین، در روز ۸ ساعته، ما شاید در گیر ۳۰۰۰۰ (سی هزار) رویداد شویم. سپس در این مصاحبه دوم، وظیفه ما تلاش هر چند به طور ناقص، برای بازسازی جزئیات بی‌شمار تجارب شرکت کنندگان در حوزه مورد مطالعه است.

۳-۴-۵-۳- مصاحبه سوم

بازتاب معنا و بخش سوم مصاحبه، از شرکت کننده گان خواسته می‌شود تا معنای تجربه خود را بازتاب دهند. سؤال پیرامون معنا، به عنوان رضایت یا پاداش نیست، هرچند این قبیل مسائل ممکن است نقشی را در تفکر شرکت‌کنا-گان ایفا کند. در عوض، به ارتباطات فکری و عاطفی بین کار و زندگی شرکت کنندگان پرداخته شده است. به عنوان مثال، در همان پژوهش، متن سؤال به این صورت بود: «با توجه به آنچه که شما در مورد زندگی خود قبل از اینکه اینجا ساکن شوید، گفتید و با توجه به چیزی که در مورد کار کنونی خودتان گفتید، شما پیشرفت و توسعه را در زندگی خود، چگونه در می‌یابید؟ و این موضوع باعث می‌شود که چه احساسی به شما دست بدهد؟» این سؤال ممکن است نوعی جهت‌گیری برای آینده پیدا کند، برای مثال: «با توجه به چیزی که شما در این مصاحبه‌ها گفتید، به نظر خودتان در آینده به کجا خواهید رسید؟» (این پرسش اخیر برای دستیابی به بینش و روح توسعه مناطق محروم نیز مورد استفاده قرار گرفت).

«ایجاد حس یا ایجاد معنا، به این نیاز داشت که شرکت کنندگان، به نحوه تعامل عوامل در زندگی شان برای رساندن آنها به موقعیت کنونی شان، نظری بیافکنند. همچنین نیازمند آن بود تا آنها به تجربه کنونی شان به صورت جزئی و در درون زمینه‌ای که اتفاق رخ می‌دهد، بنگرند.» (سیدمن، ۲۰۰۹: ۱۹). ترکیب اکتشاف گذشته برای روشن ساختن وقایعی که منجر به این شده است که شرکت کنندگان در جایی که اکنون هستند باشند و توصیف جزئیات واقعی تجربه کنونی آنها، شرایط، بازتاب اموری که اکنون در زندگی شان انجام می‌دهند را به وجود می‌آورد. بخش سوم مصاحبه، تنها در صورتی می‌تواند موثر باشد که پایه آن در دو بخش نخست نهاده شده باشد.

اگر چه در بخش سوم مصاحبه است که مصاحبه کننده؛ شرکت کنندگان از تجربه خود، متمرکز می‌شود، اما در هر سی مصاحبه شرکت کنندگان در حال ساختن معنا هستند. فرآیند؛ دادن تجربه در داخل زبان، فرآیندی معنا ساز است (هنگامی که از شرکت کنندگان خواسته شد تا جزئیات تجربه بازسازی کنند، آنها وقایعی را از گذشته خویش انتخاب می‌کردند این کار، معنا را به آنها می‌رساند. هنگامی که از شرکت کنندگان درخواست می‌شد که داستان‌هایی را در مورد تجربه شان بگویند، برخی از آنان جزئیات را با یک آغاز، یک میانه و یک پایان چهارچوب بنادی می‌کردند، به موجب این کار، آن توسعه را معنادار می‌کردند و فرقی نمی‌کرد که در بخش اول دوم یا سوم مصاحبه باشد. اما در بخش سوم مصاحبه، روی آن سؤال، در زمینه دو مصاحبه قبلی تمرکز شده و باعث شد که آن معنا، کانون توجه را ایجاد کند (بودلایی، ۱۳۹۲: ۱۲۳). و تجربه خود را با توجه پایبندی به ساختار سه گانه مصاحبه، بیان می‌کردند. هر مصاحبه،

هم به خودی خود و هم در درون مجموعه، در خدمت یک هدف است. گاهی اوقات در مصاحبه اول، یک شرکت‌کننده ممکن است شروع به گفتن داستانی جالب در مورد موقعیت کاری فعلی خود بکند، اما این، تمرکز مصاحبه دوم است. این موضوع وسوسه‌انگیز است، زیرا اطلاعات ممکن است جالب باشند و به تعقیب صحبت شرکت‌کننده پرداخته شود و پژوهشگر ساختار مصاحبه را رها کند. با این حال، انجام این کار می‌تواند تمرکز هر مصاحبه و حسی را که مصاحبه‌کننده نسبت به پژوهش است را دچار خدشه کند که به این موضوع باید توجه شود که مصاحبه‌کنندگان به هدف هر کدام از مصاحبه‌ها پای بند باشند.

۳-۴-۵-۴- فاصله‌گذاری میان مصاحبه‌ها

تجربه سیدمن (۲۰۰۹) این طور می‌گوید که ساختار سه‌گانه مصاحبه، بهترین نتیجه را هنگامی می‌دهد که پژوهشگر بتواند بین مصاحبه‌ها، از ۳ روز تا یک هفته فاصله بگذارد. این کار، زمانی را برای شرکت‌کننده فراهم می‌کند تا به طور عمیق به مصاحبه قبلی بیاندیشد و آن قدر زیاد نیست که ارتباط بین دو مصاحبه از دست برود. علاوه بر این، فاصله‌گذاری به مصاحبه‌کننده اجازه می‌دهد که در طول یک دوره ۲-۳ هفته‌ای با شرکت‌کننده‌ها کار کند. این گذشت زمان، اثر احتمالی مصاحبه‌های ویژه منظور تأثیر وقایع خاص و ناگهانی اعم از مثبت یا منفی بر مصاحبه‌شونده در زمان مصاحبه است را کاهش می‌دهد؛ به این معنی که داده‌های با اصالت تری از تجارب سکونت گاهی آنان و امکانات تعاملی آنان روشن می‌کند.

۳-۴-۶- اعتبار و پایایی

روایی و پایایی تحقیق پدیدارشناسی کدام معیارها را می‌توان به عنوان معیار کیفیت نوعی مطالعه پدیدارشناسی مورد قضاوت قرار داد؟ دسته‌ای از معیارها را می‌توان در مورد گام‌های اجرای تحقیق (گئورگی، ۱۹۸۵) و یا شکل اصلی پدیدارشناسی متعالی (موستاکاس، ۱۹۹۶، ۵۸) قرار داد. کرسول معتقد است که در خلال بحث پیرامون روش پدیدارشناسی، اغلب پایایی و روایی آن فراموش شده است. اما پل کینگ هورن (۱۹۸۹) به موضوع پایایی و روایی زمانی نزدیک می‌شود که این سؤال را مطرح می‌کند که: آیا یافته‌ها معتبر هستند؟ (پل کینگ هورن، ۱۹۸۹: ۵۷). به زعم وی اعتبار، به دقتی ارتباط دارد که یک ایده به خوبی ایجاد و حمایت شود. او می‌پرسد: آیا توصیف ساختاری عمومی، تصویری صحیح در مورد ویژگی‌های مشترک و ارتباطات ساختاری ارائه می‌دهد؟ وی ادامه می‌دهد که جهت تعیین اعتبار پژوهش پدیدارشناسی پنج پرسش ممکن است از محقق پرسیده شود:

- ۱- آیا مصاحبه‌گر بر محتوای ارائه شده از سوی مشارکت‌کنندگان به نحوی که توصیفات آنان بازتاب واقعی تجربه‌شان نباشد) اثرگذار بوده است؟

۲- آیا رونویسی محتوای مصاحبه، صحیح صورت گرفته است و شامل معنی کل مصاحبه بوده است؟

۳- در انجام تجزیه و تحلیل رونوشت‌ها، آیا نتایج دیگری غیر از آنچه محقق استخراج نموده و پیشنهاد داده، قابل ردیابی و استخراج است؟

۴- آیا این امکان وجود دارد تا از توصیف ساختاری عمومی به رونوشت‌ها رسید و به محتوایی خاص و مثال‌هایی عمومی از تجربه مشارکت‌کنندگان (روش معکوس) دست یافت؟

۵- آیا توصیف ساختاری مربوط به موقعیتی به خصوص است؟ و یا آیا آن مربوط به تجربه‌ای در موقعیتی دیگر است؟

اما استاندارد وضع شده از سوی کرسول (۲۰۰۷) جهت سنجش کیفیت پدیدارشناسی عبارت است از: هدف پژوهش پدیدارشناسی توصیف صریح و شناسایی پدیده‌ها است، آن گونه که در موقعیتی خاص از سوی افراد ادراک می‌شوند (وندراستوپ و اسکات، ۲۰۰۹؛ ون مانن، ۱۹۹۰: ۱۰). در واقع پدیدارشناسی به توصیف معانی یک مفهوم یا پدیده از دیدگاه عده‌ای از مردم و بر حسب تجارب زیسته آنان در آن مورد می‌پردازد، و بنابر این، در پی فهم تجارب مشترک عده‌ای از مردم است (یانوا و چوارتزشی، ۲۰۰۹: ۱۲). پریست نیز معتقد است کسانی که به صورت واقعی در حال به سر بردن زندگی خویش در همجواری با پدیده مورد مطالعه هستند، تنها منبع مشروع، داده‌هایی هستند که پژوهشگر می‌تواند با اتکاء به آن به حقیقت پدیده دست یابد (پریست، ۲۰۰۲: ۵۵). همچنین پدیدارشناسی به کسب فهم عمیق تری از ماهیت و معانی تجارب روزانه کمک می‌کند. پدیدارشناس می‌پرسد: «این تجربه چیست و به چه می‌ماند؟»

در این مطالعه برای اعتبار و اعتمادبخشی به داده‌ها از معیارهای گویا و لینکلن استفاده خواهد شد به طوری که به منظور باورپذیرکردن پژوهش، ضمن درگیر شدن پژوهشگران به صورت طولانی مدت در جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، از بازبینی همکاران پژوهش و همچنین بازبینی توسط شرکت‌کنندگان استفاده خواهد شد برای دستیابی به اطمینان‌پذیری ختشی و عینی بودن داده‌ها از بررسی تحقیق (حساب رسی) استفاده خواهد شد. برای افزایش قابلیت انتقال نیز از معرفی کامل طرح پژوهش بهره گرفته خواهد شد. اعتبار یکی از پایه‌های بنیادی پژوهش اجتماعی است و نشانگر ارتباط ضروری بین مفاهیم انتزاعی و معرف‌های تجربی است. در حقیقت اعتبار به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا ابزاری که برای اندازه‌گیری یک پدیده طراحی شده، واقعا همان پدیده را می‌سنجد یا پدیده دیگر را.

کاربرد معیارهای موجود جهت بررسی اعتبار و پایایی در پژوهش‌های کیفی واضح و روشن نیست و ابهام موجود در مورد چگونگی به کارگیری این شاخص‌ها جهت دستیابی به استانداردها همواره وجود دارد. این تفاوت‌ها به دلیل تفاوت این نوع از پژوهش‌ها از نظر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی است تا روش‌شناسی آن‌ها.

عمده‌ترین و متداولترین روش و معیار در پژوهش‌های کیفی، صرف زمان زیاد در میدان، زاویه‌بندی، روش اعتبار پاسخگو و یا کنترل توسط مشارکت‌کنندگان است (Creswell, 2007). در باب اعتبار پژوهش حاضر نیز باید

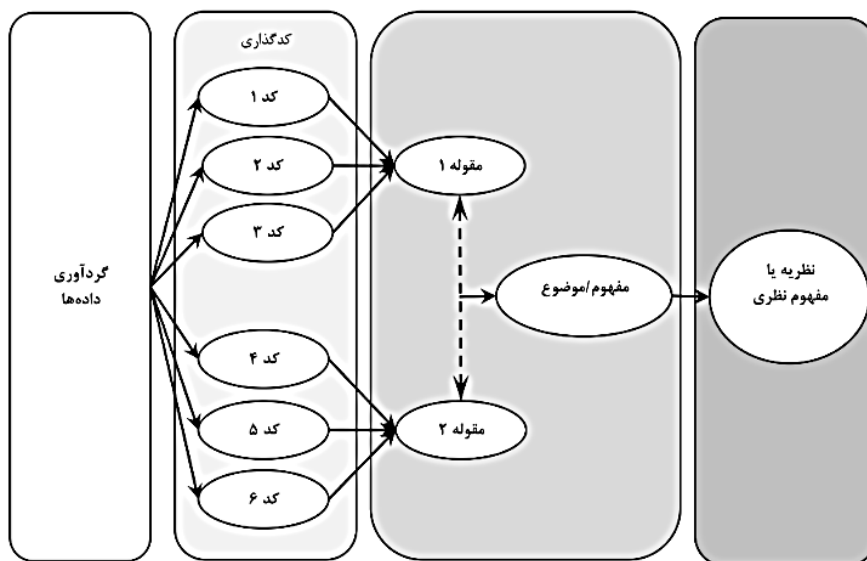
گفت با توجه به اینکه در اعتبار یک پژوهش کیفی به این موضوع پرداخته می‌شود که آیا قادر بوده مسئله را به طور واقعی مورد بررسی و کنکاش قرار دهد. در این راستا، علاوه بر صرف زمان برای تهیه مصاحبه‌ها، گزارش و کلیات گزارش نیز در اختیار مطلعان گذاشته شد تا اعتبار پژوهش حفظ و بررسی شود و همچنین تلاش شد تا علاوه بر رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان هویت ایشان نیز ناشناس بماند.

در تحقیقات کمی پایایی یا تکرارپذیری به معنای آن است که بتوان مطالعه‌ای را چنان تکرار کرد که یافته‌های مطالعه اصلی در مطالعات بعدی نیز به دست آیند. اما تحقیق کیفی مدعی تکرارپذیری به معنای فوق نیست. اما قابلیت تکرار را می‌توان این‌گونه نیز تعبیر کرد:

با در نظر گرفتن نگرش نظری مشابه محقق اول و تعقیب قواعد کلی گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل، به اضافه سایر شرایط مشابه، محقق دیگری قادر باشد درباره‌ی همان پدیده به توضیحات نظری یکسان برسد و اگر در این باره نیز تعارض‌هایی رخ دهد می‌توان آن‌ها را از طریق بازنگری داده‌ها و شناسایی شرایط گوناگونی که ممکن است در هر کدام از موارد عمل کند، حل نمود (استراوس و کوربین، ۱۳۸۷). بدین معنی می‌توان سایر شهروندان و یا استان‌ها و شهرهای مختلف را مورد مطالعه قرار داد و گونه‌های مختلف مصرف آن‌ها را سنجید و تحقیق را تکرار کرد.

۳-۴-۷- استخراج داده‌های کیفی

بر اساس اصل بنیادین روش ترکیبی، تحلیل ترکیبی داده‌ها عبارت است از به کارگیری همزمان یا متوالی تکنیک‌های تحلیل کمی و کیفی در مراحل مختلف تحقیق. بدین ترتیب تحلیل ترکیبی داده‌ها درصدد دستیابی به دو هدف اساسی بازنمایی^۱ و مشروعیت^۲ می‌باشد. مطابق تعریف، بازنمایی توانایی استخراج اطلاعات کافی از داده‌های اصلی است و مشروعیت نیز به اعتبار تفسیر داده‌ها تعبیر می‌شود (محمدپور، ۱۳۸۹ ب).



^۱ - Representative

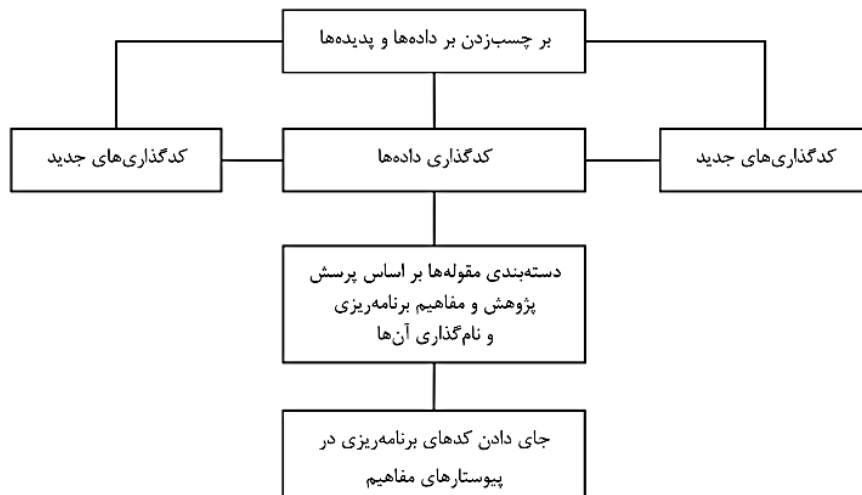
^۲ - Legitimation

نمودار ۳-۶- فرایند استخراج مفهوم نظری از طریق کد گذاری

برای این منظور، تحلیل داده‌های کیفی، پس از انجام هر مصاحبه، به طور دقیق پیاده شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و مفاهیمی به داده‌های تجربی ضمیمه می‌شود. در تحقیق حاضر سعی بر آن بوده است که پس از تجزیه و تفکیک داده‌ها به مفاهیم و مقولات مرتبط با گونه‌های مختلف مصرف انرژی و عوامل موثر بر مصرف در بین افراد را پیدا کرده و مورد بررسی قرار دهیم.

۳-۴-۸- کد گذاری داده‌ها

بر پایه داده‌های حاصل از سؤالات اول و دوم تحقیق، تحلیل گران به بررسی داده‌ها (نظیر رونوشت مصاحبه‌ها می‌پردازند و به برجسته نمودن گزاره‌های مهم، جملات و عبارتهایی می‌پردازد که فراهم کنند چگونگی شکل‌گیری تجربه مشارکت کنندگان در خصوص پدیده هستند. موس تاکاس این گام را افقی سازی (ارزش برابر گزاره‌ها) می‌نامد. سپس پژوهشگر به توسعه دسته‌ها و خوشه‌هایی از معانی از درون گزاره‌های مهم و با معنی به شکل تم می‌پردازد. تعیین حدود افقها به عنوان کیفیت‌های لایتغیر و ثابت و دسته‌های غیر تکراری و غیر هم پوشان سازنده تمها، اهمیت دارد. این گزاره‌های بامعنی و مهم و تمها سپس جهت نگارش توصیفی از تجارب مشارکت کنندگان (توصیف محتوایی) مورد استفاده قرار می‌گیرد. پس از آن، ایجاد انسجام میان توصیفات محتوایی فردی در درون نوعی توصیف محتوایی کلی صورت می‌گیرد. تحلیل گران همچنین به نگارش توصیفی از متن و محتوای مؤثر بر چگونگی شکل‌گیری تجربه مشارکت کنندگان از پدیده می‌پردازند که متغیر تصویری پر انگاشتی یا توصیف ساختاری نامیده می‌شود. لحاظ نمودن آزادانه کیفیت‌های ساختاری و پویایی آن نیز مهم است. خوشه‌بندی کیفیت‌های ساختاری به درون تمها به معنای توسعه تم‌های ساختاری است. موس تاکاس (۱۹۹۶) گامی اضافی را بیان می‌کند: پژوهشگر همچنین باید در مورد تجربه خویش و زمینه و موقعیتی که بر تجربه اش اثر گذاشته است بنویسد.

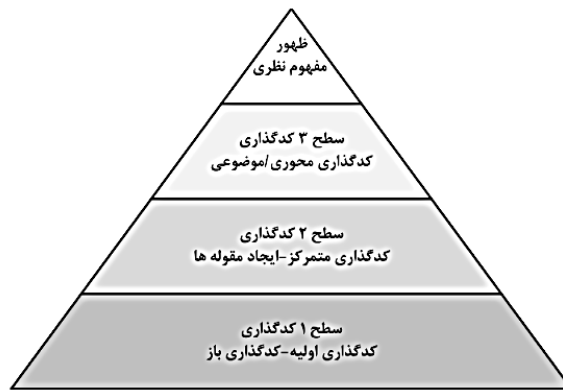


نمودار ۳-۷- مسیر کد گذاری باز مبتنی بر داده‌ها

طریق ادغام و یک پارچه نمودن توصیفات محتوایی و ساختاری، پژوهشگر به نگارش، توصیفی جامع (مرکب از تم‌های محتوایی و ساختاری) می‌پردازد که جوهره پدیده را عیان می‌سازد توصیفی که ساختار الزامی یا لایتغیر یا جوهر نامیده می‌شود. به عبارت دیگر، انسجام شهودی - بازتابی از توصیفات ساختاری مرکب و توصیفات محتوایی مرکب جهت ایجاد امتزاجی از معانی و جوهره‌های یک پدیده یا تجربه صورت می‌گیرد.

در واقع کدگذاری، به عملیاتی اطلاق می‌شود که طی آن داده‌ها تجزیه، مفهوم‌سازی و به شکل جدیدی در کنار یکدیگر قرار گیرند. این همان فرایندی است که در طی آن نظریه بر اساس داده‌ها تدوین می‌شود. فرایند کدگذاری شامل مقایسه دائمی پدیده‌ها، موردها، مفاهیم و حتی فرمول‌بندی پرسشهایی است که در برابر متن قرار داده شده‌اند (فلیک، ۱۳۸۸).

یکی از تفاوت‌های روش‌های تحلیل کیفی با کمی در این امر است که آیا پژوهشگر به توصیف بسنده می‌کند یا هدف او پروراندن نظریه است (بلیکی، ۱۳۸۴: ۳۱۲). هدف همه پژوهشگران در بخش کیفی، تدوین نظریه نیست و به همین دلیل از تکنیک مقوله‌بندی استفاده می‌کنند. مقوله‌بندی در حقیقت به تخریب مفاهیم در قالب مفاهیم عام و آشکار کردن روابط میان مفاهیم اطلاق می‌شود (فلیک، ۱۳۸۸). به این منظور در تحقیق از روش کدگذاری باز و کدگذاری محوری استفاده می‌شود.



نمودار ۳-۸- فرایند تفسیر داده از طریق انواع کدگذاری

- کدگذاری باز^۱: کدگذاری باز از نظر واحد تحلیل می‌تواند به صورت عبارت به عبارت، سطر به سطر یا پارگراف به پارگراف و یا حتی به صورت صفحه‌ی جداگانه انجام شود. بدین ترتیب اگر واحد کدبندی در تحقیق سطر باشد، به هر یک از سطرها یا جمله‌ها، مفهوم یا کدی تعلق می‌گیرد. این کد یا مفهوم باید جامع و مانع باشد به گونه‌ای که بتواند حداکثر فضای مفهومی و معنایی آن را اشباع کند. در این مرحله، تمام اطلاعات کدبندی می‌شود (محمدپور، ۱۳۸۹ الف). در این فرایند تجزیه، بررسی، مقایسه، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی داده‌ها انجام می‌شود (بلیکی، ۱۳۹۲:

^۱- Open Coding

۳۱۰). مرحله‌ی کدبندی باز نیز دارای دو زیر- مرحله‌ی کدبندی اولیه یا سطح اول و کدبندی متمرکز یا سطح دوم است.

- کدبندی اولیه یا سطح اول^۱: در این مرحله، پژوهشگر بر اساس واحد کدبندی، به هر واحد مورد نظر، یک کد (مفهوم، نام، برجسب) می‌دهد. این مفهوم باید قابلیت آن را داشته باشد تا فضای مفهومی آن را تا حد امکان اشباع کند.

- کدبندی متمرکز یا سطح دوم^۲: در این سطح از کدبندی، استفاده از معنادارترین یا فراوان‌ترین کدهای اولیه برای تفکیک و تقلیل میزان زیادی از داده‌ها مورد استفاده واقع می‌شود. در این مرحله کدبندی، محقق علاوه بر مراجعه به شرح واره‌های هر کد و مقایسه کدها با یکدیگر درصدد شناسایی کدهای متداخل و متشابه است. پس از آن با تعیین و مرتب کردن کدها یا مفاهیم، کدهای مشابه و مشترک را در قالب یک مقوله‌ی واحد قرار می‌دهد (محمدپور، ۱۳۸۹الف).

- کدگذاری محوری^۳: در این مرحله پس از پالایش و تفکیک مقوله‌های مختلف به دست آمده از کدگذاری باز (فلیک، ۱۳۸۸). مقوله‌ها به صورت یک شبکه در ارتباط با هم قرار می‌گیرند (محمدپور، ۱۳۸۹الف: ۳۳۵). در تحقیق حاضر سعی بر آن بوده است که پس از تجزیه و تفکیک داده‌ها به مفاهیم و مقولات مرتبط با مفهوم توسعه در بین مناطق حاشیه شهر رشت پردازیم در انتها با استفاده از کامپیوتر و نرم‌افزار MAXQDA 2020 روابط بین مفاهیم و مقولات اکتشافی سنجیده شد.

۳-۵- بخش کمی

۳-۵-۱- روش تحقیق

سطح مفهومی، نظری و مشاهده تجربی تحقیقات علوم اجتماعی ماحصل تعامل بین دو سطح خرد و تجربه است. همچنین یک پژوهش مناسب باید قادر به ارایه تبیین مناسب که متضمن دو فرایند مرتبط به هم است، باشد؛ نظریه‌پردازی و نظریه‌آزمایی. این فرایند رسیدن از سطح نظری به سطح تجربی را پایین آمدن از نردبان انتزاع می‌خوانند. این فرایند، متضمن رسیدن از کلی به جزئی، از مفاهیم انتزاعی به مفاهیم عینی و مشخص است (دواس، ۱۳۸۱).

روش پیمایشی^۴ که به عنوان یکی از تکنیک‌های روش کمی محسوب می‌شود، یک رویکرد قیاسی را دنبال می‌کند. کار با مساله نظری یا تحقیق کاربردی شروع می‌شود و با اندازه‌گیری تجربی و تحلیل داده‌ها، خاتمه می‌یابد. در این روش محقق با پاسخگویان فراوانی سروکار دارد که سوالات مشابهی را پاسخ می‌دهند. متغیرهای زیادی اندازه‌گیری می‌شود، فرضیه‌های متنوعی آزمون می‌شود و از میان آنها تفسیر خاصی در مورد ویژگی‌ها و رفتارها بیرون کشیده

^۱ - Level 1 Coding

^۲ - Focused Coding

^۳ - Axial Coding

^۴ -survey

می‌شود (Neuman, 1999). معمولاً هنگام کار با روش‌های کمی پیش‌فرض‌هایی درباره مفاهیم مناسب و مربوط و چگونگی تعریف آنها وجود دارد. این امر هم شامل پیش‌فرض‌های توصیفی و هم تبیینی می‌شود. در پژوهش‌های تبیینی، بخصوص در استراتژی‌های قیاسی، روش‌های مورد استفاده برای گردآوری داده‌های مربوط به مفاهیم، و روابط مفروض میان آنها، از یک نظریه اخذ خواهند شد. یکی از خصوصیات مهم کاربرد روش‌های کمی ماهیت بسیار ساخت‌یافته آنهاست و گردآوری داده‌ها با استفاده از روش‌های از پیش تعیین‌شده و ابزارهای از پیش آزمایش‌شده، انجام خواهد گرفت (بلیکی، ۱۳۹۲).

از آنجا که پژوهش کمی رویکردی اغلب جزء‌گرا و تحصلی برای توصیف عینی متغیرها و توضیح روابط بین آنهاست. بدین معنا که نگرش و دیدگاه کمی، ریاضی و رقمی بر این گونه پژوهش‌ها حاکم است (عابدی و شواخی، ۱۳۸۹). عموماً، پژوهشگران کمی برای سنجش متغیرها، توجه خود را معطوف به محرز ساختن «اعتبار» و «پایایی» اندازه‌گیری‌های خود می‌کنند، یعنی اینکه ابزارهای آنها همان چیزی را می‌سنجد که داعیه سنجیدن آن را دارند و این سنجش با انسجام و سازگاری همراه است (بلیکی، ۱۳۹۲).

کار پیمایش محدود به توصیف صرف خصیصه‌های جامعه آماری نمی‌شود، بلکه این روش بر کشف روابط میان متغیرهای تحقیق نیز نظر دارد. در فرایند اجرای پیمایش، ممکن است از روش‌های مختلفی جهت گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شود. در نهایت، خصیصه اصلی که محقق، از نتیجه تحقیق بر روی نمونه بدست می‌آورد، به جامعه آماری و جمعیت کل تعمیم می‌دهد (ببی، ۱۳۸۱). در واقع، پیمایش، روشی در تحقیق اجتماعی است که عمدتاً از طریق پرسشنامه به جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازد. (دواس، ۱۳۸۱).

پس از تعیین کل موضوع و انجام مطالعات مقدماتی مراحل مختلف انجام تحقیق در چهارچوب روش پیمایش به شرح زیر می‌باشد.

- ۱- تحدید دقیق موضوع تحقیق
- ۲- تعیین اهداف و فرضیه‌های اصلی تحقیق
- ۳- جمع‌آوری اطلاعات در خصوص موضوع از طریق منابع موجود و مصاحبه با افراد
- ۴- تعیین روش‌ها و ابزار و لوازم برای اندازه‌گیری فرضیه‌ها
- ۵- تدوین پرسشنامه
- ۶- انجام پیش‌آزمون^۱ جهت بخش‌روایی و پایایی پرسشنامه، اصلاح پرسشنامه و کسب اطلاعات مورد نیاز جهت تعیین تنظیم کار تحقیق
- ۷- تعیین جامعه آماری
- ۸- جمع‌آوری اطلاعات
- ۹- استخراج اطلاعات و تجزیه و تحلیل با استفاده از کامپیوتر و نرم افزار SPSS 26
- ۱۰- نتیجه‌گیری و تهیه گزارش نهایی.

^۱ -pretest

۳-۵-۲- تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق

یک مفهوم تصویری است که در قالب کلمات یا به صورت یک نماد بیان می‌شود. دامنه کلیت مفاهیم از بسیار خاص و جزئی تا بسیار انتزاعی در تغییر است همچنین مفاهیم سنگ بنای نظریه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند و نظریه‌ها روابط بین مفاهیم را مشخص می‌کنند (بلیکی، ۱۳۹۲). همچنین مفهوم‌سازی مستلزم مشخص ساختن ابعاد و تعیین شاخص‌های گوناگون برای هر یک از این ابعاد است زیرا مشخص شدن ابعاد هر مفهوم راه را برای شناخت دقیق‌تر موضوع مورد پژوهش هموار خواهد ساخت (ببی، ۱۳۸۵). مفهوم باید با کلماتی دیگر تعریف شود مفاهیمی که شاخص‌های دقیق، قابل مشاهده و سنجش‌پذیر باشد (ساروخانی، ۱۳۸۵).

چهار سنت در علوم اجتماعی با استفاده از مفاهیم به تحلیل پدیده‌های اجتماعی پرداخته‌اند: سنت عملیاتی‌سازی، سنت حساس‌سازی، سنت هرموتیک، سنت هستی‌شناختی. در این میان مطابق تعریف بلیکی (۱۳۹۲) سنت عملیاتی‌سازی بر مبنای تبدیل مفاهیم به متغیرها و تعیین مفاهیم کلیدی به منظور تعریف آن‌ها و طراحی روش اندازه‌گیری قرار دارد. بدین منظور در این سنت دو گونه تعریف وجود دارد:

الف- تعریف صوری یا همان تعریف نظری که براساس وفاق علمی موجود است و یا محقق ساخته می‌باشد البته براساس ادله و منطق علمی.

ب- تعریف عملیاتی همان تبدیل مفاهیم به متغیرهاست و براساس مواردی که در بالا ذکر شد بایستی قابل اندازه‌گیری و سنجش‌پذیر باشد.

در ادامه و براساس سنت عملیاتی‌سازی مفاهیم مورد نیاز برای تحلیل و تبیین موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرند:

اخلاقی‌تر شدن (اخلاق محوری): محوریت اخلاق و احترام بین شهروندان افزایش پیدا کردن.

پیشرفته شدن (پیشرفت محوری): از دیروز بهتر عمل کردن و در قالب نوینی شکل یافتن.

شفافیت همه جانبه (شفاف محوری): وضوح هر چه بیشتر و ایجاد حس شفافیت در عرصه اجتماعی.

ارتقای کیفیت زندگی (کیفیت محوری): ابزار آلات و وسایلی که در اختیار افراد است به بهترین نحوه ممکن سامان دهی پیدا کند.

ارتقای روانی اشخاص (روان محوری): شکل‌گیری آسایش و آرامش شهروندان در قالب بهبود وضعیت فکری و روحی روانی.

توسعه‌ی دولتی (دولت محوری): همه ساختارها منتهی به ایجاد توسعه‌ای است که دولت در پی آن باشد در واقع توسعه بالا به پایین که جهت مندی آن بر مبنای حاکمیت دولتی بر اراضی و سرزمین است.

اعتبار بخشی (پایدار محوری): وج اعتبار و آبرو جهت افزایش کارایی افراد در جای که زندگی می‌کنند و کار می‌کنند.

جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی (جمع محوری): ایجاد حس هم‌گرایی بین افراد و سازمان‌های مختلف در جهت حل مسائل اجتماعی را گویند، در واقع محوریت در برابر مستقل مختلف جمع و گروه‌های انسانی هستند نه افرادی که دخیل در آن موضوع هستند.

مسئولیت‌پذیری (تعهد محوری): پذیرش مسئولیت در قبال انجام وظایف را که یک شکل قانونی به سازکار اجتماعی می‌دهد.

فناوری اطلاعات و ارتباطات: مهمترین ویژگی فناوری اطلاعات و ارتباطات، نحوه ذخیره سازی، پردازش و دستیابی به اطلاعات است. به مجموعه فناوری‌هایی که امکان ذخیره سازی، پردازش، ارائه و انتقال اطلاعات را از طریق محیط‌های انتقال فراهم می‌نماید، اطلاق می‌گردد. در این پژوهش به بخشی که به صورت روزمره از آن استفاده می‌شود فناوری کاربردی و در آن زمینه تخصصی استفاده از سخت افزار و مسایل تخصصی را فناوری ساختاری نام گذاری کردیم.

۳-۵-۲-۱- جامعه آماری

منظور از جامعه آماری همان جامعه اصلی است که از آن نمونه‌ای نمایا یا معرف بدست آمده باشد. جامعه آماری، مجموعه‌ای از افراد یا واحدهایی هستند که حداقل واجد یک صفت مشترک باشند. جامعه آماری پژوهش حاضر، افراد ساکن در مناطق حاشیه شهر رشت هستند. براساس داده‌های اطلاعاتی مرکز آمار ایران در سرشماری سال ۱۳۹۵ و دفتر امور سیاسی، انتخابات و تقسیمات کشوری در معاونت اجتماعی استانداری استان گیلان تعداد افراد ساکن در محله‌های حاشیه نشین شهر رشت به طور تخمینی ۱۷۱۶۵۲ هستند که در ۴ منطقه رشت زندگی می‌کنند.

۳-۵-۲-۲- ابزار و روش جمع‌آوری اطلاعات

در این تحقیق اطلاعات و داده‌های مورد نیاز با استفاده از مصاحبه و پرسشنامه جمع‌آوری شد. سئوالات پرسشنامه بیشتر برپایه مصاحبه‌های صورت گرفته و استفاده از اسناد و مدارک برای استخراج نظریه و مفاهیم مناسب می‌باشد، گردآوری شده است. با توجه به موضوع تحقیق، پرسشنامه از سه بخش تشکیل شده است:

- اطلاعات شخصی مربوط به مصاحبه‌شوندگان.
 - اطلاعات مورد نیاز جهت تایید مولفه‌های شناسایی شده در بخش کیفی پژوهش.
 - اطلاعات در زمینه ارزیابی وضعیت منطقه و محل مسکونت افراد.
- جهت تهیه و تنظیم پرسشنامه ابتدا براساس اهداف و فرضیه‌های پژوهشی، پیش‌نویسی از سئوالات صورت گرفت. مرحله اول: شاخص‌سازی برای متغیرهای شناسایی شده انجام پذیرفت.
- مرحله دوم: سئوالات با مشورت اساتید محترم و تنی چند از متخصصان این امر مورد مشورت و تجدید نظر واقع شد.

مرحله سوم: جهت اعتبار و روایی پرسشنامه، برای آزمایش به ۵۲ نفر ارایه شد.

مرحله چهارم: پس از انجام اصلاحات براساس نتایج حاصل از این پیش‌آزمون پرسشنامه نهایی تنظیم گردید.
مرحله پنجم: توزیع پرسشنامه.

۳-۲-۵-۳- واحد تحلیل

واحد تحلیل، واحدی است که اطلاعات از آن گردآوری شده و خصوصیات آن توصیف می‌شود (دواس، ۱۳۸۱). در مطالعه حاضر و با توجه به اینکه موضوع پژوهش دیدگاه افراد حاشیه نشین در مورد توسعه هستند، می‌توان گفت که واحد تحلیل فرد است.

۳-۲-۵-۴- سطح تحلیل

موضوعی که انتخاب می‌شود ممکن است در سطح خرد یا در سطح کلان یا هر دو سطح و یا در سطح میانه باشد (ساعی، ۱۳۷۷). در این پژوهش سطح تحلیل، خرد می‌باشد که معنای توسعه از دیدگاه حاشیه نشینان را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

۳-۲-۵-۵- تهیه پرسشنامه

سئوالات طراحی شده در مورد متغیرهای تحقیق برای ارائه به پاسخگویان در قالب یک پرسشنامه درآمدند. در واقع پرسشنامه تکنیک بسیار ساختمانندی برای گردآوری داده‌هاست که در آن از هر پاسخگویی مجموعه یکسانی از پرسشها پرسیده می‌شود (دواس، ۱۳۸۱). اغلب پرسشها در قالب طیف لیکرت از پاسخگویان پرسیده شد، مقیاس نوع لیکرت یک مقیاس تجمعی متشکل از یک رشته گویه است.

جمع‌آوری و پردازش پاسخ‌های نوع لیکرت، موثر و کاراست. پاسخ‌دهندگان می‌دانند چگونه پرسش‌های لیکرت را تکمیل کنند، و یا اینکه آموزش شیوه تکمیل مقیاس‌های لیکرت نسبت به سایر مقیاس‌ها آسانتر است. بهره‌گیری از گزینه پاسخ‌های یکسان به پرسش‌های بی‌شمار، به پاسخ‌دهندگان امکان می‌دهد تا در زمان اندک و محدود، حجم عظیمی از اطلاعات را ارائه کنند (ادواردز، ۱۳۷۹).

۳-۵-۳- نمونه آماری و شیوه نمونه‌گیری

یکی از طرق شناخت گروهی از مردم گردآوری اطلاعات از همه اعضای آن گروه است. این شیوه در مورد گروه‌های بزرگ هزینه سنگینی در بر دارد و غیرعملی است. شیوه دیگر گردآوری اطلاعات فقط از بخشی از افراد گروه است به گونه‌ای که پاسخ‌ها و خصوصیات آنها بازتاب گروهی باشد که از میان آنها برگزیده شده‌اند. این کار بسیار ارزان‌تر، سریع‌تر و آسان‌تر از پیمایش همه اعضای گروه است (دواس، ۱۳۸۱). محققانی که از روش تحقیق کمی استفاده می‌نمایند، سعی دارند تا از طریق مطالعه گروهی بسیار کوچک، اطلاعاتی را در مورد یک گروه بزرگ از افراد بدست آورند. در تحقیق کمی، به فرایند انتخاب یک نمونه از جامعه تعریف شده - با این هدف که نمونه دقیقاً

معرف جامعه مورد نظر باشد- نمونه‌گیری گفته می‌شود. نمونه‌گیری باعث صرفه‌جویی در وقت و هزینه تحقیق می‌شود، بدین ترتیب امکان پژوهشهایی را فراهم می‌سازد که در غیر اینصورت امکان‌پذیر نبودند.

۳-۵-۳-۱- تعیین حجم نمونه

نمونه‌گیری از مهمترین مباحث در علوم اجتماعی است، که از طرفی با توجه به وسعت جمعیت یا امور مورد نمونه‌گیری سنجیده می‌شود. برای انتخاب حجم نمونه ابتدا باید حجم نمونه را مشخص کرد. برای تعیین حجم نمونه باید چند عامل اساسی را در نظر داشت: درجه دقت مورد نظر برای نمونه و میزان تغییر در جمعیت بر حسب خصوصیات اصلی مورد مطالعه حجم نمونه بستگی به آن دارد که ما با چه دقتی می‌خواهیم نتایج تحقیق از نمونه را به کل جامعه آماری تعمیم دهیم. هرچه دقت و اطمینان بیشتر باشد، نیاز به حجم نمونه بیشتری خواهد بود و برعکس. اما اگر حجم نمونه را زیاد از حد بزرگ انتخاب کنیم، متضمن کار زیاد و در نتیجه هزینه زیاد خواهد بود و اگر تعداد نمونه را کمتر از حد معین انتخاب کنیم، نتایج حاصل نادرست بوده و اطلاعات درست و دقیق را به ما نمی‌دهد. بنابراین انتخاب حجم نمونه بستگی به دو عامل دارد: اول، هزینه‌ای که برای آمارگیری در نظر گرفته شده است. و دوم، قابلیت اعتماد و اطمینانی که برای دقت نتایج مورد نیاز است.

$$n = \frac{N \cdot t^2 \cdot P \cdot q}{N \cdot d + t^2 \cdot P \cdot q}$$

$$N = \text{حجم جمعیت آماری} = 171652$$

$$t = 1.96 = 3.8416 = \text{درصد خطای معیار ضریب اطمینان قابل قبول}$$

$$P = d = 0.05 = 0.0025 = \text{نسبت جمعیت که دارای صفت معین}$$

$$q = d = 0.05 = 0.0025 = \text{نسبت جمعیت دارای صفت نامعین}$$

$$d = 0.05 = 0.0025 = \text{درجه اطمینان یا دقت احتمالی مطلوب}$$

با توجه به پراکندگی نمونه مطالعه پژوهش حاضر و در اکثر تحقیقات علوم اجتماعی معمولاً P و q را ۰٫۵ در نظر می‌گیرند. و مقدار t را معمولاً ۱٫۹۶ تعیین می‌کنند.

$$n = \frac{171652 \times 1.96^2 \times 0.05 \times 0.05}{171652 \times 0.05^2 + 1.96^2 \times 0.05 \times 0.05} = \frac{1648.545808}{(429.13) + (0.009604)}$$

$$= \frac{1648.545808}{429.139604} = 381.151 \cong 385$$

۳-۵-۳-۲- نمونه‌گیری

نمونه‌گیری خوشه‌ای^۱، عموماً این نمونه‌گیری برای مناطق وسیع به کار گرفته می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۸۹). خوشه حاوی جمعی از عناصر جمعیت است. این نمونه‌گیری عموماً هنگامی مورد استفاده قرار می‌گیرد که فهرست کردن همه

^۱ - Cluster

عناصر جمعیت غیرممکن یا بسیار دشوار باشد (بلیکی، ۱۳۹۲). برای انجام این کار از هر ۳۰ محله در ۴ منطقه شهر رشت نمونه‌گیری بعمل آمد.

در مرحله بعد، پس از مشخص شدن حجم نمونه و برای اینکه تقریباً از تمام نواحی و مناطق در نمونه حضور داشته باشند از هر ناحیه یک محله به صورت اعداد تصادفی انتخاب شد و به صورت سهمیه‌بندی متناسب، نمونه‌گیری در محله منتخب از هر ناحیه انجام شد. همچنین به پرسشگران یادآوری شد که پرسشنامه‌ها را به صورت تصادفی در بین بلوک‌ها توزیع کنند و در هر بلوک تنها یک پرسشنامه پر شود. بلوک‌ها هم به صورت اعداد منظم یعنی هر بلوک ۱۲ پرسشنامه پر شد.

جدول ۳-۳- جمعیت اماری حاشیه شهر رشت

ردیف	محله	جمعیت	ردیف	مناطق شهری	جمعیت
۱	کوی عرفان	۱۰۴۳۷	۱	منطقه یک	۳۹۰۲۷
۲	مسجد امام رضا	۹۱۳۷			
۳	پستک	۴۰۸۱			
۴	کوی حسینی	۱۶۳۲			
۵	شهرک فرهنگیان	۶۴۰۴			
۶	سیاه اسطخ	۷۳۳۶			
۷	هلال احمر	۵۰۳۸	۲	منطقه سه ^۱	۳۶۸۰۴
۸	کوی امام رضا	۸۸۰۵			
۹	شالکوه	۴۹۰۸			
۱۰	پیر کلاچای	۲۴۳۷			
۱۱	کسبج	۳۱۷۰			
۱۲	آب آسیاب	۷۴۰۴			
۱۳	آج بیشه	۵۰۴۲			
۱۴	پاره بیجار	۱۴۴۰	۳	منطقه چهار	۵۲۱۴۶
۱۵	صف سر	۸۰۹۸			
۱۶	احمد گوراب	۶۰۱۴			
۱۷	عینک	۳۲۰۳			
۱۸	سلیمانداراب	۲۰۸۴			
۱۹	معلولین	۹۴۲۷			
۲۰	ولکس	۱۲۰۱			
۲۱	پاسکیاب	۹۳۸۱			

^۱ با توجه به توضیحات فصل اول در بخش محدوده مورد مطالعه پژوهش منطقه دو شهر رشت مناطق حاشیه شهری ندارد.

ردیف	محلّه	جمعیت	ردیف	مناطق شهری	جمعیت
۲۲	نخود چر	۸۲۰۴			
۲۳	حافظ آباد	۳۰۹۴			
۲۴	جاده لاکان	۱۰۰۸۴	۴	منطقه پنج	۴۳۶۷۵
۲۵	پل طالشان	۸۱۴۳			
۲۶	پیام نور	۴۸۱۴			
۲۷	کوی بیانی	۷۰۸۴			
۲۸	انتهای باهنر	۲۶۳۲			
۲۹	قلعه سرا	۳۱۱۴			
۳۰	دولت آباد	۷۸۰۴			
		جمعیت کل ^۱	۱۷۱۶۵۲		

۳-۵-۳-۳- آزمون پرسشنامه (سنجش اعتبار^۲ و پایایی^۳ پرسشنامه)

در سنجش اعتبار ما به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که پرسشنامه تحقیق به چه میزان موضوع مورد بررسی را می‌سنجد. بدون آگاهی از اعتبار اندازه‌گیری نمی‌توان به دقت داده‌های حاصل از آن اطمینان داشت. وقتی می‌توان گفت که ابزار اندازه‌گیری دارای اعتبار است که تفاوت‌های حاصل شده در نمرات افراد که از طریق ابزار اندازه‌گیری بدست آمده بیانگر تفاوت‌های واقعی بین افراد باشد. از روش‌های مختلفی برای سنجش اعتبار پرسشنامه استفاده می‌شود که در این تحقیق روش اعتبار صوری (محتوایی) انتخاب شده است. بدین صورت که پس از تنظیم پرسشنامه و طراحی گویه‌های لازم برای شاخص‌های تحقیق، پرسشنامه توسط اساتید و متخصصان این زمینه از پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. آنان پس از بررسی و مطابقت گویه‌ها با شاخص‌های اندازه‌گیری شده و شرایط محیط پژوهش نظرات خود را بیان کردند. اعمال نظر اساتید در کنار ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی منطقه مورد مطالعه، عوامل اصلی انتخاب نوع گویه برای سنجش شاخص‌ها بود که در نهایت این فرایند منجر به تنظیم پرسشنامه اولیه تحقیق به منظور انجام آزمون مقدماتی شد. اعتبار سازه‌ای^۴ تحقیق نیز با استفاده از تحلیل عامل جهت تطابق معرف‌های بکار گرفته شده با چهارچوب نظری تحقیق صورت گرفته است. در تحلیل عامل دامنه KMO بین صفر تا یک است. چنانچه مقدار این آماره بیش از ۷/۰ باشد همبستگی‌های موجود برای تحلیل عامل بسیار مناسب‌اند. اگر KMO بین ۵/۰ تا ۶۹/۰ باشد باید دقت زیادی به خرج داد و مقادیر کمتر از ۵/۰ بدان معناست که تحلیل عامل برای آن مجموعه از متغیرها مناسب نیست.

^۱ مجلات حاشیه شهری در رشت به دلایلی که در متن اشاره شده (رجوع شود به فصل اول بخش محدوده مورد مطالعه پژوهش) به لحاظ گستردگی طیفی رو به رشد بوده است این آمار با توجه به داده‌های اطلاعاتی مرکز آمار ایران در سرشماری سال ۱۳۹۵ و دفتر امور سیاسی، انتخابات و تقسیمات کشوری در معاونت اجتماعی استانداری استان گیلان به شکل تخمینی برآورد شده است.

^۲ . Validity

^۳ . Reliability

^۴ . Construct validity

برای سنجش روایی پرسشنامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقدار آلفای کرونباخ بین صفر و یک است. هر چه مقدار آن به یک نزدیکتر باشد بیانگر هماهنگی درونی گویه‌ها با شاخص مورد نظر و سنجش دقیق‌تر آن است. پرسشنامه اولیه در جامعه آماری مورد مطالعه با نمونه‌ای ۵۰ نفره مورد آزمون مقدماتی قرار گرفت. سپس بر مبنای اطلاعات جمع‌آوری شده در آزمون مقدماتی جهت انجام آزمون روایی ابتدا متغیرهای تحقیق و مجموع گویه‌ها مورد بررسی قرار گرفتند، سپس آلفای کرونباخ متغیرها و مؤلفه‌های تحقیق محاسبه شد. در مرحله بعد گویه‌هایی که میزان روایی متغیر یا مؤلفه را پایین آورده بودند با مشورت اساتید راهنما حذف و گویه‌های مناسب‌تری جایگزین شدند. بعد از این مرحله پرسشنامه نهایی تدوین و اجرا شد. با توجه به نتایج حاصل از پرسشنامه اصلی مجدداً روایی متغیرها و مؤلفه‌های تحقیق مورد آزمون قرار گرفت. نتایج آزمون ضریب آلفای کرونباخ همراه با اعتبار سازه‌ای مؤلفه‌ها در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۳-۴- ضریب آلفای کرونباخ و اعتبار سازه‌ای مؤلفه‌ها

اعتبار سازه‌ای		KMO	ضریب آلفای کرونباخ	نام متغیر / مؤلفه
آزمون کروییت و بارتلت				
آماره خی دو	سطح معناداری			
۱۱۶/۶۰۰	۰/۰۰۰	۰/۷۰۳	۰/۷۸۹	اخلاقی‌تر شدن
۹۳/۳۹۸	۰/۰۰۰	۰/۷۸۶	۰/۸۰۴	پیشرفته شدن
۱۱۲/۶۸۷	۰/۰۰۰	۰/۷۱۱	۰/۷۰۲	ارتقای روانی اشخاص
۹۵/۴۶۲	۰/۰۰۰	۰/۷۷۲	۰/۷۲۱	شفافیت همه جانبه
۱۱۵/۶۴۴	۰/۰۰۰	۰/۷۶۵	۰/۸۰۹	ارتقای کیفیت زندگی
۸۰/۹۹۵	۰/۰۰۰	۰/۷۷۲	۰/۷۶۶	اعتبار بخشی
۱۱۰/۳۷۵	۰/۰۰۰	۰/۷۲۵	۰/۷۲۴	جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی
۹۰/۸۶۹	۰/۰۰۰	۰/۷۵۷	۰/۷۵۶	مسئولیت‌پذیری
۱۱۲/۶۵۹	۰/۰۰۰	۰/۷۴۰	۰/۷۱۰	توسعه‌ی دولتی
۵۳۰/۳۸۳	۰/۰۰۰	۰/۷۹۵	۰/۸۳۶	فناوری اطلاعات و ارتباطات

نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی نشان می‌دهد که در همه متغیرها، میزان کایزرمایر و بارتلت در حد مطلوب است. به طوری که میزان کایزرمایر در همه موارد بالای ۰/۷ (سطح مطلوب) بوده و سطح معناداری نیز برابر با ۰/۰۰۰ و کمتر از ۰/۰۵ است که حاکی از مناسب بودن گویه‌های طراحی شده برای هر یک از متغیرها دارد.

نتایج حاصل از آزمون آلفای کرونباخ برای بررسی میزان پایایی متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد که در همه متغیرها، میزان آلفای کرونباخ در حد مطلوب است. به طوری که میزان آن در همه موارد بالای ۰/۷ (سطح مطلوب) بوده است که حاکی از تأیید پایایی برای هر یک از متغیرها دارد.

۳-۵-۳-۴- استخراج داده‌ها

پس از تکمیل و گردآوری پرسشنامه‌ها، کنترل آنها و کد گذاری پاسخها انجام شد. در مرحله بعد داده‌ها برای انجام تحلیل‌های مورد نظر آماده گردید، بدین ترتیب شاخص‌های مورد نظر از ترکیب گویه‌ها ساخته شد. با استفاده از آماره‌های توصیفی، نمای کلی متغیرها گزارش شد. تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS 26 انجام گرفت.

فصل چهارم:

**یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛
جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق**

مطالب این فصل در دو بخش ارائه شده است: بخش اول) کیفی که این بخش شامل دو قسمت است قسمت اول) شامل مصاحبه با مردم حاشیه‌نشین و قسمت دوم) شامل مصاحبه با مسئولین شهری و مدیران مناطق حاشیه‌نشین است. و در بخش دوم) کمی که این بخش نیز خود شامل دو زیر بخش الف) تحلیل توصیفی، ب) تحلیل استنباطی است.

در بخش کیفی (قسمت اول و دوم) برای تحلیل داده‌های کیفی از نرم‌افزار MAXQDA 2020 و ATLAS.ti 7.5 استفاده شده است.

در بخش کمی یا بخش دوم، برای نشان دادن فراوانی نسبی، درصد، درصد تجمعی و درصد انباشتی متغیرهای پژوهش و برای تحلیل داده‌های کمی از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

در زیر بخش اول (الف- تحلیل توصیفی) از بخش کمی، نتایج مربوط به کلیه متغیرهای پژوهش که در اهداف تحقیق ذکر شده است، مورد بررسی قرار گرفته است. در زیر بخش دوم (ب- تحلیل استنباطی) از بخش کمی، برای آزمون مولفه‌های شناسایی شده در بخش کیفی تحقیق از نرم‌افزار SPSS 26 استفاده شد. آزمون تحلیل عامل‌ها و شناسایی عوامل تاثیرگذار بر روی مولفه نیز در زیر بخش دوم بخش کمی ارائه شد.

۴-۱- نتایج بخش کیفی

همانطور که در بخش قبل توضیح داده شد، در دو مرحله جمع‌آوری داده‌های کیفی انجام شد در مرحله اول با حاشیه نشینان و ساکنین در مناطق حاشیه‌ی شهر رشت با روش نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به فرایند اشباع نظری با تعداد ۴۳ نفر ادامه پیدا کرد که نتایج آن در ادامه در بخش «قسمت اول - حاشیه نشینان و ساکنین در مناطق حاشیه‌ی شهر رشت» بیان خواهد شد؛ در مرحله بعد (یعنی در مرحله دوم در بخش کیفی) مصاحبه با مسئولین شهری و مدیران در مناطق حاشیه‌ی شهر رشت با تعداد ۲۶ نفر به مرحله اشباع نظری رسید که این فرایند و نتایج آن در بخش «قسمت دوم - مسئولین شهری و مدیران در مناطق حاشیه‌ی شهر رشت» بیان شده است.

۴-۱-۱- قسمت اول - حاشیه نشینان و ساکنین در مناطق حاشیه‌ی شهر رشت

برای دریافت معنای توسعه در بین مناطق حاشیه نشین با ۴۳ نفر مصاحبه نیمه ساختار یافته صورت گرفت. افراد به شیوه تصادفی انتخاب شدند. با توجه به تقسیم‌بندی که مناطق حاشیه نشین انجام شد سعی گردید از همه مناطق به

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

تعداد برابر مشارکت کننده برای مصاحبه انتخاب شود ضمن آنکه به مدت سکونت آنان نیز توجه داشتیم حداقل زمان سکونت در منطقه ۳ سال بود یعنی افرادی که کمتر از این مدت در آن منطقه سکونت داشتند مورد مصاحبه قرار نمیگرفتند. همچنین در این پژوهش سعی شد با مطلع‌ترین افراد محله (عدم اختلال در مشاعر و زوال عقل) در خصوص معنای که توسعه برایشان دارد، مصاحبه شود.

جدول ۴-۱- نام مناطق و محلات تحت مصاحبه در پژوهش

مناطق شهری	ردیف	محلات	مناطق شهری	ردیف
منطقه یک	۴	کوی عرفان، مسجد امام رضا، پستک، کوی حسینی، شهرک فرهنگیان، سیاه اسطوخ	پاره بیجار، صف سر، احمد گوراب، عینک، سلیمانداراب، معلولین، ولکس، پاسکیاب، نخود چر، حافظ آباد	منطقه چهار
مناطق شهری	ردیف	محلات	مناطق شهری	ردیف
منطقه دو	۵	حاشیه ندارد	منطقه پنج	۲
منطقه سه		هلال احمر، کوی امام رضا، شالکوه، پیر کلاچای، کسیخ، آب آسیاب، آج بیشه		
			جاده لاکان، پل طالشان، پیام نور، کوی بیانی، انتهای باهنر، قلعه سرا و دولت آباد	

عمده‌ترین و متداول‌ترین روش و معیار در پژوهش‌های کیفی، صرف زمان زیاد در میدان، زاویه‌بندی، روش اعتبار پاسخگو و یا کنترل توسط مشارکت‌کنندگان است. جهت تأمین اعتبار ابزار پژوهش پس از تهیه مهم‌ترین محورهای مصاحبه براساس تحقیقات مشابه و پژوهش ابتدایی که توسط مصاحبه‌های اولیه صورت پذیرفت، نتایج اولیه در اختیار مطلعان قرار داده شد؛ در واقع مصاحبه‌ها در یک فرایند رفت و برگشتی به شکل کلی (هیئت‌نگر^۱) مورد تأیید مصاحبه‌کنندگان قرار گرفت (مصاحبه‌نامه‌ی در قالب پرسش‌های اولیه تدوین شد) تا جهت‌گیری مصاحبه از روند اصلی خارج نشود (توضیح در فصل قبل)؛ این امر باعث شد تا در مصاحبه‌های دوم و سوم که از مشارکت‌کنندگان دریافت شد مقولات و مفاهیم اکتشافی از اعتبار بالای برخوردار باشند؛ علاوه بر دریافت رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان، به آنان اطمینان داده شد که هویتشان نیز ناشناس (با اسم مستعار) بماند.

^۱ Gestalt

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

در فرایند انتخاب نمونه نکته‌ای که باید مد نظر داشت اینست که نمونه انتخاب شده تا چه حد در فرایند پژوهش کمک‌کننده است، زیرا در تحقیق کیفی هر پاسخگو و پاسخ‌هایش روشن‌کننده مسیر پژوهش است. فرایند انجام مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه خواهد یافت که اشباع نظری حاصل شود به این معنا که با اضافه شدن نمونه‌های بیشتر به اطلاعات به دست آمده افزوده نشود. در تحقیق حاضر برای کسب حداکثر اطلاعات لازم در انتخاب نمونه‌ها تلاش شد تا از طبقات مختلف اجتماعی با سطح تحصیلات گوناگون قرار گیرند.

۴-۱-۱-۱- یافته‌ها

نتایج مصاحبه با افراد نشان می‌دهد: حدود ۶۰ درصد مصاحبه‌شوندگان آقا و ۳۹ درصد خانم بودند. حدود ۵۸ درصد از مصاحبه‌شوندگان جوانان مناطق حاشیه نشین بودند که در رده سنی کمتر از ۴۴ سال قرار داشتند و مابقیه افراد بالاتر از ۴۵ سال (حدود ۴۱ درصد) جمعیت این پژوهشی را تشکیل دادند. بیشترین فراوانی در زمینه تحصیلات با ۵۱,۱۶ درصد از مشارکت‌کنندگان که اظهار کردند تحصیلات‌شان فوق دیپلم و کارشناسی است رو به رو بودیم. همچنین ۶۰,۴۷ درصد افراد مشارکت‌کننده متأهل و ۳۹,۵۳ مجرد هستند. در زمینه اصالت خانوادگی و اشاره به قومیت پدری باید خاطر نشان کرد که اکثریت ساکنان (۲۵ نفر) حاشیه نشین شهر رشت در این پژوهش ۵۸,۱۴ درصد افراد بومی استان گیلان (گیلانی) بودند و مابقی افراد (۱۸ نفر) معادل ۴۱,۸۶ درصد افراد از سایر قومیت‌های ایران بودند که به شکل طولانی مدت ساکن حاشیه شهر رشت شده بودند. بیشترین فراوانی به لحاظ بعد خانوار در این پژوهش چهار نفر و پایین‌تر گزارش شده است که معادل ۶۹,۷۷ درصد از مشارکت‌کنندگان میباشد. همچنین ۳۱ نفر از افراد یعنی ۷۲,۰۹ درصد از جمعیت مشارکت‌کننده در پژوهشی حاضر، فعالین در عرصه کار و کسب درآمد تشکیل میداند و ۱۲ نفر معادل ۲۷,۹۱ درصد افراد بیکار بودند که خانه‌دار، مستمری‌بگیر بهزیستی و کمیته‌امداد و بازنشسته یا از کار افتاده را نیز جزوه این مجموعه به حساب آوردیم زیرا عملاً ارزش افزوده و درگیر فعالیت اقتصادی نبودند.

جدول ۴-۲- مشخصات مشارکت‌کنندگان در مناطق حاشیه‌ی شهر رشت

ردی ف	مولفه	مشخصه	تعداد د	درص د	ک ل
۱	جنس	مرد	۲۶	۶۰,۴ ۷	۴۳
		زن	۱۷	۳۹,۵ ۳	
۲	سن	جوان ۱۵ تا ۳۰	۱۵	۳۴,۸ ۸	

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

ردی ف	مولفه	مشخصه	تعداد د	درص د	ک ل
		۳۱ تا ۴۴	۱۰	۲۳,۲ ۶	
		میان‌سال	۱۸	۴۱,۸ ۶	
۳	تحصیلات	بی سواد	۶	۱۳,۹ ۵	
		دیپلم و پایین‌تر	۱۱	۲۵,۵ ۸	
		فوق دیپلم و کارشناسی	۲۲	۵۱,۱ ۶	
		ارشد و بالاتر	۴	۹,۳	
۴	ازدواج	متاهل	۲۶	۶۰,۴ ۷	
		مجرد	۱۷	۳۹,۵ ۳	
۵	قومیت (اصالت خانواده پدری)	رشت (گیلک)	۱۸	۴۱,۸ ۶	بومی
		تات (تالش)	۷	۱۶,۲ ۸	
		مازندرانی (مازنی)	۴	۹,۳	
		آذری (ترک)	۸	۱۸,۶	
		ترکمن	۲	۴,۶۵	
		اقلیت دینی (مسیحیت)	۱	۲,۳۳	
		سایر اقوام	۳	۶,۹۸	
۶	تعداد اعضای خانواده	۴ و پایین‌تر	۳۰	۶۹,۷ ۷	
		۵	۸	۱۸,۶	
		۶ و بالاتر	۵	۱۱,۶ ۳	
۷	اشتغال	آزاد (مغازه ثابت)	۷	۱۶,۲ ۸	
		آزاد (بدون ثابت)	۳	۶,۹۸	

ردیف	مؤلفه	مشخصه	تعداد	درصد	ک	
		کارمند دولتی	۹	۲۰,۹ ۳	ل	
		کارمند شرکت خصوصی	۴	۹,۳		
		کارگر ساده (بدون تخصص)	۶	۱۳,۹ ۵		
		کارگر ماهر (متخصص)	۲	۴,۶۵		
		بیکار	خانه‌دار	۵		۱۱,۶ ۳
			بازنشسته (از کار افتاده)	۳		۶,۹۸
			مستمری‌بگیر بهزیستی و کمیته‌امداد	۴		۹,۳

در ابتدا براساس تحلیل پاسخ‌های افراد پنج مؤلفه پیشرفته شدن، اخلاقی‌تر شدن، شفافیت همه جانبه، ارتقای کیفیت زندگی و ارتقای روانی اشخاص استخراج شد. در مؤلفه پیشرفته شدن یا پیشرفت مداری با پنج کد گذاری‌های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم توسعه مردمی، جدایی‌گزینی، دسترسی به محله، از بین رفتن محدودیت‌ها و گستردگی امکانات استوار هستند و همچنین در مؤلفه اخلاقی‌تر شدن یا اخلاق مداری با پنج کد گذاری‌های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم توسعه یعنی احترام، شکل‌گیری روابط اجتماعی، یادگیری مداوم، اهمیت نقش شهروندی و احترام به مردم استوار هستند و همچنین در مؤلفه شفافیت همه جانبه یا کیفیت مداری با چهار کد گذاری‌های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم متأثر شدن نسبت به اخبار، سرعت در خبر رسانی، آگاه و مطلع شدن و افزایش تعاملات اجتماعی استوار هستند و همچنین در مؤلفه ارتقای کیفیت زندگی یا روان مداری با پنج کد گذاری‌های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم راحتی خرید، تنوع در انتخاب‌ها، داشتن سبک نوین، احساس راحتی و سهولت در دسترسی استوار هستند و در نهایت با مؤلفه ارتقای روانی اشخاص یا شفاف مداری با هفت کد گذاری‌های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم منزلت یعنی پول داشتن، از بین رفتن تضادها، سازگاری با محیط اجتماعی، حس اثربخشی، امید بخش بودن، رضایتمندی شخصی و اعتماد به نفس استوار هستند که در ادامه همین فصل توضیحات هر کدام و در زمینه مفصل‌بندی آنان با مقوله‌های میانه و مرکزی روشن خواهد شد. لازم به ذکر است که مقولات از پاسخ‌های مشارکت‌کنندگانی که در حاشیه شهر (حاشیه نشینان) مبتنی بر معنا و تقوی که از مفهوم توسعه داشتند استخراج شده است و مبتنی بر اظهارات آنان (کشف ساختمان فکری در زمینه توسعه) یک کنش مندی را برای خود متصور بودند که بر پایه ساختار الگوریتمی کد گذاری محوری (مقولات اصلی) برپایه مفاهیم مستخرج شده یعنی پیشرفت مداری، اخلاق مداری، کیفیت مداری، روان مداری و شفاف مداری بر روی یک سازه مرکزی این پنج مؤلفه را بهم

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

پیوسته و در یک منظومه فکری (سامان منطقی مفاهیم مرتبط) قرار میدادند که با توجه به رویکرد رساله حاضر یعنی تاکید بر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ict) به جهت توسعه یابی مناطق و فهم افراد در این مناطق (مشارکت کنندگان حاشیه نشین) بر مبنای تاکید آن در مصاحبه شناسایی و نام گذاری شد؛ این سازه مرکزی که با توجه به عملیات کدگذاری اولیه و ثانویه (خرده مقولات و مقولات اصلی) میتوان در قسمت کدگذاری انتخابی (مقوله مرکزی) به آن اشاره کرد با عنوان شکلگیری منش قدرت‌مندانه شهری یک بسط تئوریک به جهت ارتباط منطقی با خرده مقولات و مقولات اصلی در فرایند کار میتوان مشاهده نمود که از طریق نرم افزار MAXQDA 2020 این رهگیری بارها مورد رصد قرار گرفت (فرایند رفت و برگشت تئوریک در کار کیفی) حتی در فرایند نهایی سازی برای بحث مفصل‌بندی و سازه نهایی و ایجاد مقوله مرکزی از نرم افزار ATLAS.ti 7.5 کمک گرفته شد تا جهت روایی و شفافیت انعکاس مقوله نهایی بتواند اعتبار بخش به مجموعه پیش رو باشد. موارد فوق به شکل جدول و نمودار در ادامه توضیح داده خواهد شد.

جدول ۴-۳- فرایند کدگذاری و مقوله‌های استخراجی مصاحبه‌ها

فرایند کدگذاری		مشهود	
سازه‌ها (مفصل‌بندی)		مفاهیم	
مقوله مرکزی	مقولات اصلی	خرده مقولات	
کدگذاری گزینشی (انتخابی)	کدگذاری محوری (ثانویه)	کدگذاری باز (اولیه)	عنوان
شکلگیری منش قدرت‌مندانه شهری (از حاشیه درآمدگی پنهان)	پیشرفته شدن (پیشرفت مداری)	توسعه مردمی	مردم حاشیه‌نشین
		جدایی‌گزینی	
		دسترسی به محله	
		از بین رفتن محدودیت‌ها	
		گسترده‌گی امکانات	
	اخلاقی‌تر شدن (اخلاق مداری)	توسعه یعنی احترام	
		شکل‌گیری روابط اجتماعی	
		یادگیری مداوم	
		اهمیت نقش شهروندی	
		احترام به مردم	
	شفافیت همه جانبه (شفاف مداری)	متأثر شدن نسبت به اخبار	
		سرعت در خبر رسانی	
		آگاه و مطلع شدن	
		افزایش تعاملات اجتماعی	

فرایند کدگذاری		مشهود
ارتقای کیفیت زندگی (کیفیت مداری)	راحتی خرید	
	تنوع در انتخاب‌ها	
	داشتن سبک نوین	
	احساس راحتی	
	سهولت در دسترسی	
ارتقای روانی اشخاص (روان مداری)	منزلت یعنی پول داشتن	
	از بین رفتن تضادها	
	سازگاری با محیط اجتماعی	
	حس اثربخشی	
	امید بخش بودن	
	رضایتمندی شخصی	
	اعتماد به نفس	

مولفه‌های مشخص شده با عناوینی از قبیل پیشرفت مداری، اخلاق مداری، کیفیت مداری، روان مداری و شفاف مداری شناخته شد که با سوالات مشخص شده که فصل سوم به آنان اشاره و اینجا مختصراً بیان می‌شود توانست یک ارتباط منطقی ما بین مفهوم توسعه و ارتباط آن با فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برقرار سازد که این ساختار منتهی به درک منطقی محدوده حاشیه‌های شهری کمک جهت بهبود وضعیت شهری و ارتقای سبک مدیریتی با توجه به مولفه از حاشیه درآمدگی پنهان که دال مرکزی این فرایند شناخته شده بتوانند یک منش اجتماعی به شکل قدرتمندانه در جهت ساختارهای اجتماعی رقم بزنند. در نهایت تحلیل مصاحبه‌ها و کدگذاری نشان داد که اجماع و همفکری در جهت توسعه یابی محله حاشیه شهری وجود دارد و آن توجه به رویکرد فناورانه و استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی در آن منطقه است.

در این پژوهش ابتدا نمونه‌هایی با تاکید بر جامعه‌ی هدف انتخاب شدند. این نمونه‌ها، افراد ساکنین در مناطق حاشیه‌ی شهر رشت بودند. سپس مصاحبه‌هایی با ۴۳ نفر از حاشیه نشینان انجام گردید. بعد از پیاده سازی داده‌ها، کد گذاری باز انجام گردید و سپس بر اساس تحلیل مضمون به مفاهیم و مقولاتی پرداخته شده است. در مصاحبه‌های انجام شده، تمرکز پرسشگر بر بساخت معنای توسعه در بین مناطق حاشیه نشین مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات میباشد. در مجموع با ۴۳ نفر از افراد مصاحبه عمیق و نیمه ساختار یافته انجام شد که مشخصات مصاحبه شوندگان به صورت زیر می‌باشد:

جدول ۴-۴- مشخصات شکسته شده پاسخگویان

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

ردیف	نام مستعار	سن	تحصیلات	شغل	درآمد خانوار (میلیون تومان)
۱	اکبر	۲۹	فوق لیسانس	کارمند	حدود ۶-۷ م.
۲	سجاد	۵۳	دیپلم	بازنشسته	۳ م.
۳	حسین	۳۳	سیکل	کارگر	۳ م.
۴	کوروش	۲۸	فوق دیپلم	کارمند	۵ م.
۵	رضا	۲۹	لیسانس	بازنشسته	۵ م.
۶	اصغر	۲۷	فوق لیسانس	آزاد (مغازه‌دار)	حدود ۶ م.
۷	داوود	۳۷	ابتدایی	کارگر	حدود ۱-۲ م.
۸	رحمت	۴۷	سیکل	بازنشسته	۲ م.
۹	جواد	۱۹	فوق دیپلم	کارمند	۳ م.
۱۰	شاهین	۲۷	لیسانس	کارمند	۶ م.
۱۱	سپیده	۳۶	فوق لیسانس	خانه‌دار	بیش از ۸ م.
۱۲	شیرین	۲۸	لیسانس	خانه‌دار	بیش از ۷ م.
۱۳	احمد	۴۵	لیسانس	کارمند	بیش از ۶ م.
۱۴	فاطمه	۲۳	دیپلم	خانه دار	حدود ۱-۲ م.
۱۵	معصومه	۲۷	دیپلم	خانه‌دار	حدود ۵ م.
۱۶	محبوبه	۳۱	لیسانس	خانه دار	متغیر حدود ۴ م.
۱۷	کاظم	۴۴	فوق لیسانس	کارمند	حدود ۲ م.
۱۸	ریحانه	۲۶	لیسانس	دبیر حق‌التدریس	۳ م.
۱۹	تقی	۵۱	دکتر	استاد	حدود ۶ م.
۲۰	میلاذ	۴۱	دیپلم	کارمند	حدود ۲ م.
۲۱	مرضیه	۳۶	لیسانس	فروشنده	حدود ۲ م.
۲۲	احترام	۲۵	فوق دیپلم	خانه‌دار	۳/۵ م
۲۳	ایران دخت	۲۰	دیپلم	خانه دار	۲ م
۲۴	ماه بانو	۴۳	پنجم ابتدایی	راننده آژانس	۲/۷ م
۲۵	مهتا	۲۸	فوق لیسانس	خانه دار	۲ م
۲۶	هستی	۳۵	دکتر	آزمایشگاه	۶
۲۷	نارگل	۲۲	لیسانس	خانه‌دار	۱ م
۲۸	مهیار	۴۰	فوق دیپلم	کارمند	حدود ۶-۷ م.
۲۹	ابراهیم	۶۰	دیپلم	بازنشسته	۳ م.

ردیف	نام مستعار	سن	تحصیلات	شغل	درآمد خانوار (میلیون تومان)
۳۰	حیب	۴۰	سیکل	آزاد (نانوا)	۳ م.
۳۱	نفیسه	۱۹	فوق لیسانس	کارمند	۵ م.
۳۲	تینا	۳۵	لیسانس	بازنشسته	۵ م.
۳۳	کاوه	۲۱	فوق لیسانس	کارمند	حدود ۶ م.
۳۴	خاور	۴۲	ابتدایی	کارگر	حدود ۱-۲ م.
۳۵	شراره	۴۴	سیکل	خانه‌دار	۲ م.
۳۶	زهره	۳۱	فوق لیسانس	کارمند	۳ م.
۳۷	آصف	۲۷	لیسانس	آزاد	۶ م.
۳۸	صابر	۴۲	فوق دیپلم	کارمند	بیش از ۸ م.
۳۹	رضا	۲۸	دیپلم	آزاد	بیش از ۷ م.
۴۰	کمال	۴۵	لیسانس	کارمند	بیش از ۶ م.
۴۱	محمدجو اد	۳۱	دیپلم	کارگر	حدود ۱-۲ م.
۴۲	عباس	۳۷	دیپلم	کارمند	حدود ۵ م.
۴۳	حسن	۲۹	لیسانس	آزاد (مشاور)	متغیر حدود ۴ م.

جهت تحلیل داده‌های مصاحبه‌ها بر مباحثی که پیرامون معنای توسعه در بین مناطق حاشیه نشین مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات بود، تمرکز شد. در ابتدا کدگذاری باز انجام گردید و کدهایی که از نظر محتوایی نزدیک به هم بودند، از طریق نرم افزار نرم‌افزار MAXQDA 2020 در یک گروه قرار داده شد و مفهوم جداگانه‌ای را تشکیل دادند که سپس بر اساس نزدیک بودن بعضی از مفاهیم با هم، یک مقوله تشکیل شد. بر اساس همین فرآیند، پژوهش حاضر دارای پنج مقوله محوری میباشد. به ترتیب توضیحات مقوله اول با عنوان «توسعه به معنای پیشرفته شدن یا به عبارتی پیشرفت محوری» میباشد که پنج مفهوم برای آن تشخیص داده شد. مقوله دوم با عنوان «توسعه به معنای اخلاقی تر شدن یا به عبارتی اخلاق محوری» میباشد که این مقوله نیز دارای پنج مفهوم میباشد. مقوله سوم با عنوان «توسعه به معنای شفافیت همه جانبه یا به عبارتی شفاف مداری» هست که چهار مفهوم در دل آن جای گرفت. عنوان مقوله چهارم «توسعه به معنای ارتقای کیفیت زندگی یا به عبارتی کیفیت مداری» مشخص گردید که این مقوله نیز دارای پنج مفهوم میباشد. در نهایت مقوله پنجم «توسعه به معنای ارتقای روانی اشخاص یا به عبارتی روان مداری» تشخیص داده شد که ذیل این مقوله، هفت مفهوم جاگذاری شده است. در ادامه گزارش مربوط به موضوع پژوهش، با سرفصل‌های ۵ مقوله مورد نظر همراه با نموداربندی مربوطه ارائه شده است.

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

لازم به ذکر است که در نمودار تشریحی ذیل هر مقوله محوری، کدگذاری باز و مفهوم نیز با جزئیات به نمایش گذشته شده است.

۴-۱-۱-۲- توسعه به معنای پیشرفته شدن (پیشرفت محوری)

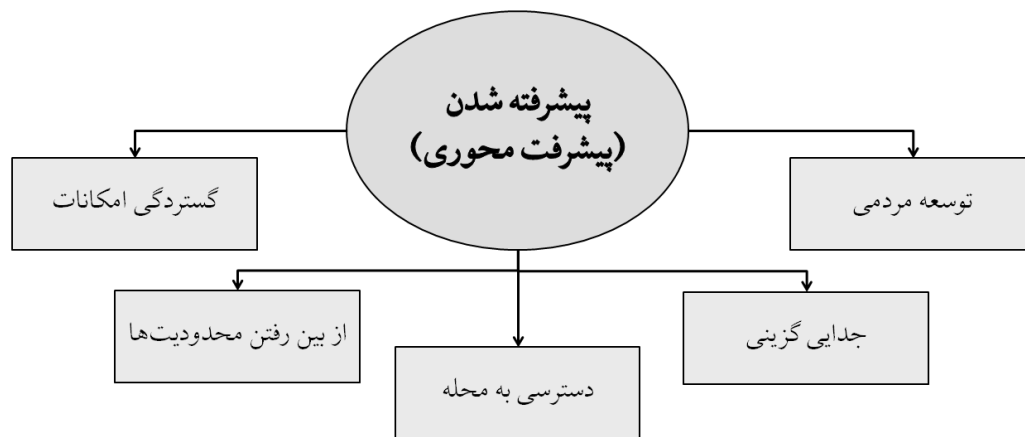
پیشرفت ابعاد وسیعی دارد. پیشرفت موجب از بین بردن اختلاف نوع و درجه می‌شود و آن را اصلاح می‌کند، همچنین دانش را افزایش می‌دهد. بنابراین فرد به دنبال افزایش سطح آموزش، بهبودی سلامت برای تمام سنین، و افزایش نفوذ و تسلط بر منابع می‌رود. زمانی که وضعیت سلامت بهبود یابد، زندگی بهتری فراهم می‌شود و آگاهی افزایش می‌یابد، آموزش مردم متناسب می‌شود؛ و افراد تحصیل کرده می‌توانند خودشان را با شرایط سازگار کنند و به راحتی تغییر نمایند. پیشرفت در زمینه‌ی رشد اقتصادی، فرصت برای زندگی، راحتی بسیار، افزایش آگاهی و سفر و ترکیبات مهم پیشرفت را ایجاد می‌کند. پیشرفت باعث افزایش آزادی افراد و گروه‌ها می‌شود. در افزایش میزان تناسب، به نژاد، مذهب، یا جنس توجهی نمی‌شود، افراد فرصت زندگی را همان‌گونه که آرزو دارند به دست می‌آورند، می‌توانند وارد حرفه‌ی مورد علاقه‌شان شوند و بهترین بهره‌ی توانایی‌شان را به دست آورند، پیشرفت، رفاه را برای نسل بشر به ارمغان می‌آورد و همه چیز را تغییر می‌دهد، خصوصاً برای تمامی مردم در کلیه‌ی سطوح. به گفته‌ی منکن، «تغییر، پیشرفت نیست»، اما برای پیشرفت، تغییر لازم است. زندگی بشر ترقی کرده است؛ پیشرفت در جامعه، ضروری و تقریباً غیرقابل اجتناب است و رشد اقتصادی و پیشرفت، اهداف حیاتی همه‌ی جوامع هستند، مهم این است که برنامه‌ریزی صحیح و ساختاری مناسب برای آن مشخص شود تا در جهت بهبود حرکت رو به جلو داشته باشیم.

به همان سان باید توجه داشت که مسیر پیشرفت همیشه هموار، مثبت یا خوب نخواهد بود. این یک روند رو به رشد در محله است که ساختار اجتماعی محل را ارتقا میبخشد؛ در این مورد یکی از مشارکت‌کنندگان (شیرین) اینگونه می‌گوید که «قرار نیست همیشه یک مسیر رو به روشنائی در محله داشته باشیم همین که از یکسری امکانات ابتدایی برای زندگی کردن تو این محل برخوردار باشیم خودش دلخوشی ماست». ثبات اجتماعی باعث اختلال در کارکردهای فرهنگی و اقتصادی در یک محیط می‌شود آن پویایی که از آن صحبت به میان می‌آید به این منظور است که یک شیوه معین از مسیر را برای محلات روشن می‌کند توجه به بعد فرهنگی اجتماعی در ساختار پویا یا به عبارتی پیشرفت در محله این نگرش را ایجاد می‌کند که روند به شکل تکاملی طی خواهد شد. فریدریش آوگوست فون هایک در بحث ضرورت پیشرفت می‌نویسد: «در پاسخ به این سؤال که اگر مجبور می‌شدیم توقف کنیم، آیا توقف در مرحله‌ی فعلی پیشرفت بهتر از توقف در یکصدسال پیش نبود؟ احتمالاً جوابی نداریم بدهیم».

این روند تکامل با حمایت اجتماعی مردم یک منطقه شکل میگیرد دولت‌ها توانایی مالی جهت پوشش دادن بخش عظیمی از ساختار مردمی به شکل کلی را ندارند این مردم یک روند مردم محورانه است آنچنان که وقتی از پیشرفت به عنوان توصیفی از ترقی و سعادت انسان نام میبریم. گرچه برخی ممکن

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

است تصور کنند این یک بینش بسیار انسان محورانه است اما باید توجه کرد که پیشرفت، مفهومی بیش از یک رشد اقتصادی در میان مردم است. ترکیب ابعاد مختلف پیشرفت، امید به زندگی را افزایش داده و موجب کاهش نارضایتی در محیط و محله می‌شود. مردم ترجیح می‌دهند. زندگی‌شان بدون محدودیت (با امکانات) باشد تا محدود (بدون امکانات). علاوه بر آن امید به زندگی بهتر باعث می‌شود که مردم بگویند از زندگی لذت می‌برند.



نمودار ۴-۱- مولفه محوری پیشرفته شدن (پیشرفت محوری) و مفاهیم ذیل آن

در این مورد دسترس پذیری به محلات، گسترده‌گی امکانات رفاهی در محله، جدایی‌گزینی در درون محلات حاشیه شهری، رشد و ترقی و بهبود زندگی در محله آن هم از جانب مردم و از بین رفتن محدودیت‌های اجتماعی که روابط بین فردی را تنگ‌تر می‌کند هر کدام از عوامل به شکلی هم زمان این وضعیت را ایجاد می‌کند که شکل پیشرفته‌تر شدن را در محله شاهد باشیم در ادامه هر کدام از عوامل بالا را توضیح و ذکر خواهد شد که نکات گفته شده در یک پیوستار واحد درک و فهم می‌شود.

۴-۱-۱-۳- توسعه مردمی

اداره امور اجتماعی و ساخت و ساز فرهنگی یک جامعه از طریق مردم آن جامعه صورت می‌پذیرد این اصل در قامت سیاست ورزی‌های کلان یک استراتژی بلند مدت را در پی دارد تا بتواند امنیت منطقه مسکونی را فراهم سازد. ایجاد زیر ساخت‌های فناورانه و توجه به موجودیت این موضوع با ساختار حمایتی که مراکز دولتی میتواند فراهم سازند نیازمند استقبال و توجه مردم آن جامعه جهت رشد و نمایش آن است، اکثریت مشارکت کنندگان بر این موضوع تاکید دارند به عنوان نمونه کاظم بیان می‌کند که «پیشرفت همه جانبه محله و منطقه ما از جانب مردم و مشارکتی که آنان نسبت به حس وظیفه شناسی خود به محل میدهند باعث می‌شود.» باید اشاره کرد که این مسیر از طریق فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی هموار می‌شود همچنین درباره مشارکت محلی محمدجواد نیز بیان می‌کند «هر کاری که از دست ما بر

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

بیاد برای این که بتوانیم بهتر زندگی کنیم در این محل انجام می‌دهیم.» این موضوع نشان می‌دهد ساختار حمایتی در محل مسکونی تا چه اندازه می‌تواند جهت بهبود اوضاع محل کمک رسان باشد حتی این مشارکت در قالب طرح‌های زیر ساختی نیز خود را نشان می‌دهد زهره: «اوله فاضلاب این محله چند وقت پیش دچار مشکل شده بود سه چهار نفر از کسبه با پولی که گذاشتند توانستند وضعیت فاضلاب رو درست کنند.» این در حالی است که وضعیت ساختارهای دولتی به دلیل فرسودگی دچار پیری و دیری در عملکرد شهری شده است که مرضیه بیان می‌کند «کابل تلفن ما را دزدیدند هرچقدر به مسئولین تماس گرفتیم که آقا وضعیت تلفن ثابت منطقه ما این وای فاهای که هست باید چه بشود اخر هیچ ترتیب اثری داده نشد دخترم که دانشجوی است مجبور کردیم تا هاتسپات گوشی او استفاده کنیم اصلا بدون ارتباط و اینترنت یک روز در این محله دوام نمی‌آوریم» اهمیت مشارکت محلی تا اندازه ی برای مردم حاشیه شهر مهم و با اهمیت است که می‌تواند حس پیشرفته شدن را با ارتقای وضعیت رنجی روانی و همچنین امنیتی که در محل برقرار می‌شود یکسان دانست همچنان که حبیب می‌گوید «کانالی در تلگرام به اسم محله خودمان داریم یکسری اخبار و و یکسری اتفاقاتی که می‌افتد رو انجا تماشا می‌کنیم چند وقت پیش خودروی رو در محل دزدیدند فیلم دزدیده شدن را در ان کانل قرار دادند واقعا با استفاده از این فناوری و دوربین و امکانات محله می‌تونه یک رفاهی داشته باشه خب همین دوربین رو از پول مشارکت‌های مردم برای ساخت و تجهیز مسجد خریدند امروز میبینم مردم که چقدر مورد استفاده همه محل شد واقعا به امنیت محله هم خیلی کمک کرد.» مهم بر شمردن و توجه به محدودیت‌های که برای حاشیه نشینان شهری وجود دارد می‌تواند تاثیرات مثبتی داشته باشد قالب بیان افراد در حیطه نارضایتی از عدم گوش سپاری به وضعیت موجود بوده است که تقی در این باره اشاره می‌کند: «تصمیماتی که گرفته میشه عموما به درد ما نمی‌خوره. معمولا افراد میان و بدون اینکه محیط رو ببینند و بر اساس تجربیات خودشون تصمیماتی می‌گیرند بدون اینکه حتی از ما سوال بکنند. درحالی که خیلی از افرادی که در محله هستند خودشون سال‌ها تجربه دارند؛ چه تجربیاتی که متعلق به موفقیت و شکست خودشون هست و چه تجربیاتی که مشاهده کردند. اما مسئولین در بهترین حالت که به فکر مردم باشند مبتنی بر دانش ناقص خودشون قدم بر می‌دارند و گند میزنند به کار. به نظر شما ما نسبت به پتانسیل‌های محل آگاه‌تر هستیم یا شما؟ ما اسیب‌های واقعی رو بهتر میشناسیم یا شما؟ ما بر اوضاع مسلط تریم یا شما؟ ما داریم زندگی می‌کنیم. خانواده داریم. یعنی هر روز به جزئیات مختلفی مواجه هستیم و از کوچیک تا بزرگمون دانشی داریم که برخواسته شده از اتفاقات و تجربیات زندگی روزمرمون هست. اما خب چه کنیم که طوری رفتار میشه که انگار اصلا ما آدم نیستیم.» توجه به موضوعات از این دست و راهکارهای مردمی در جهت پیشبرد اهداف جامعه می‌تواند پیشرفته شدن را در حیطه عملی و منظم بر ساختار دولتی قالب کند همچنان که نیازهای اساسی مردم حاشیه شهر در قالب حمایت‌های مختلفی از جهت امکانات کفایت می‌کند اما در نظر گرفتن نیازها می‌تواند کمک کند در عرصه برنامه‌ریزی باشد.

۴-۱-۱-۴- جدایی‌گزینی

هرشمن در کتاب خود با نام "راهبرد توسعه اقتصادی" رویکرد خیلی خوش بینانه‌ای در بیان موضع نوکلاسیکی در پیش گرفت. وی بخصوص مدعی است که قطبی شدن باید در حکم یک ویژگی اجتناب ناپذیر مراحل اولیه توسعه اقتصادی، تلقی شود. این استدلال اساساً نمایانگر حمایتی مستقیم از یک راهبرد رشد اقتصادی نامتوازن به شمار می‌آید که از طریق آن سرمایه‌گذاری در معدودی از بخش‌های کلیدی اقتصاد متمرکز می‌شود. در این استدلال تصور بر آن است که رشد این بخش‌ها به ایجاد تقاضا برای بخش‌های دیگر اقتصادی خواهد انجامید، و از این رو، زنجیره‌ای از بی‌تعادلی‌ها، به سوی رشد هدایت خواهد شد. بنابراین نتیجه منطقی رشد بخشی نامتعادل، توسعه ناموزون جغرافیایی است. هرشمن نیروهای تمرکز را روی هم رفته، قطبش (قطبی شدن) نام نهاده است (Drakaki et al., 2018)، اما بحث اساسی از این قرار است که در مرکز، رخنه به پایین، نهایتاً رشد مناطق عقب مانده را به دنبال خواهد داشت. هرشمن این آثار رخنه به پایین را به مثابه یک فرآیند اجتناب ناپذیر و خودجوش نگریندگی می‌داند. به این ترتیب، در آرای هرشمن، الزام آشکار در سیاست‌گذاری بر مبنای الزام عدم دخالت دولت‌ها در کاهش نابرابری‌ها استوار است، زیرا در آینده، در برخی از مقاطع زمانی، جستجو در پی کسب سود، اثر جانبی خودجوش رشد را به وجود می‌آورد و جریان صنایع را به سوی مناطق عقب مانده ترغیب خواهد کرد. فرآیند از طریق روندهای فضایی قطبش، در راهی برای انتشار فضایی به خارج از مرکز به سمت مناطق عقب مانده می‌یابد، و از آن پس، به عنوان تغییر قطبش (قطبی شدن) یا قطبش (قطبی شدن) معکوس، مشخص خواهد شد (Conway et al., 2019).

شکل‌گیری طبقات و منش مختلف اجتماعی از جدایی دو محل یا تعاملات و تماس‌های طبقاتی آنان با همدیگر منجر به ایجاد خرده فرهنگ‌هایی می‌شود که تعاملات اجتماعی یک محل با محله مجاور در اختلال یا در وجه مثبت آن تقویت شده و مورد حمایت با محله‌های دیگر میشوند. مهتا «باید بپذیریم این محله‌ی که اکنون حضور داریم یکسری نقطه ضعف‌های دارد این نقطه ضعف را چه کسی باید برطرف سازد به ترتیب محله با محله متفاوت است» توجه به جداسازی محلات در نظر مردم به وضوح قابل رد یابی است که ابراهیم خاطره‌ی در اینباره می‌گوید که اصول جداسازی محله را در ذهنیت افراد نشان می‌دهد: «پسر من چند روز پیش در محله ساقری سازان دعوا گرفته بود بعد اونا به تلافی آمدن به محله ما زد و خورد به وجود آمد رفتیم کلانتری محل آنان یک جویری داشتند پرونده سازی میکردند پسر من نزدیک بود به دادگستری و شکایت و شکایت بازی برسه من با یکی از دوستان هم محله خودمان رفته بودیم کلانتری آن محل با توجه به انایی دوست من با یکی از مسئولین کلانتری آنجا توانستیم رضایت آنان را بگیریم اصلاً محله به محله فرق میکنه.» عدم افتراق در محله از آن مفاهیم و سازه‌های است که توجه به آن میتواند پیشرفت محل را در پی داشته باشد این پیشرفت‌نمایی از مشارکت در محله را پررنگ و بر مبنای آن تصمیم‌سازی را سهل‌تر می‌کند، توجه به این موضوع ساختار نزدیکی بین دو منطقه و گاه یک

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

شهر به لحاظ نظری را فراهم می‌آورد تا سامان اجتماعی به شکل دقیقی بر موضوع فناوری اطلاعات و ارتباطات قرار بگیرد چنانکه ریحانه توضیح داد که: «یکی از ماجراهایی که مدتی هست باعث بهتر شدن وضعیت شده همین گپ و گفت‌های روزانه‌ای هست که ما داریم تو گروه‌های خانوادگی و کاری و محلی می‌زنیم. الان چند وقت هست که بعضی دوستانمون اومدن یک سری گروه تشکیل دادن و درباره اتفاقات و ماجراهایی که تو محله، سر کار و .. میوفته بحث می‌کنند. خب این باعث شده که افراد بیشتر همدیگه رو درک کنند. البته همیشه دعوا و چالش و عدم تفاهم و اینها دیده میشه ولی به طور کلی آسیب‌های مشترک و یا پتانسیل‌های تکمیل‌کننده بضا تو این گروه‌ها داره روز به روز بیشتر پیدا میشه و باعث تفاهم و نزدیکی بین مردم و محله‌ها و کسب و کارهای مختلف شده. همین دو هفته پیش بود که دو تا از همین بچه محله‌های ما تونستن با یکی از آدم‌های پولدار خیابون بالایی میچ بشن. از دل همین حرف زدن‌ها. این رفیقمون ایدش رو برد و نشون داد و الان دارن کسب و کارشون رو شروع می‌کنن. خب اینها اتفاقیه که این روزها دیگه داره عادی میشه. ولی خب کسی خبر نداره. چون دنبالش نمایان.» توجه به داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نمیگذارد وضعیت افتراق در محله اتفاق افتد. به عنوان نمونه اصغر بیان می‌کند که «از وقتی این شبکات اجتماعی امده تقریباً وضعیت رسیدگی به محله ما هم متفاوت شده قبلاً مثل یک محله بدرد نخور و کثیف نگاه میشد امروز خودمان که اینجا سکونت داریم میدونیم که وضعیت خیلی فرق کرده به محله مجاور برسند به ما رسیده انگار میدونید یک بهم پیوستگی پیدا شده در محلات.» این عامل باعث خواهد شد که جامعه با ساختاری منسجم همراه شود تا بستر پیشرفت را همگانی سازد.

۴-۱-۱-۵- دسترسی به محله

محدودیت‌های ترافیکی، مرزبندی‌های بین مناطق مختلف، بلواربندی و طراحی اتوبان و خیابان پل‌ها زیر گذر و رو گذر امکان دسترسی به ایستگاه اتوبوس و تاکسی و غیره باعث می‌شود دسترسی به مناطق حاشیه شهر با راحتی و سهولت یا دشواری و مشقت همراه باشد، هر کدام از عوامل فوق می‌تواند منجر به فجایع بزرگی در محله شود همچنان که شاهین از خاطره تلخ خود را بیان می‌کند «پل رو گذر زدن ولی کار نیمه این پله‌های برقیش! پیر زنی رو چند روز پیش اینجا ماشین زد درجا مرد... خب کی مسئول هست؟ هیچی به هرکی می‌گیم اصلاً گوشش بده کار این مسائل نیست وقتی می‌خواید از تکنولوژی استفاده کنید خیلی خوبه باید هم استفاده کنید ولی وقتی می‌زاید اینو (پل برقی) باید کار بکنه که مردم از اون استفاده نکنن یا نه.» ایجاد حس نارضایتی زمانی پدیدار میشه که سبک‌های دقیق جهت برنامه‌ریزی و طراحی الگوهای شهری نداشته باشیم این وضعیت ساختاری آشفته را دامن زده و ناسازگاری محلی و مردمی را در پی خواهد داشت. صابر بیا می‌کند: «یکی از بدبختی‌های ما اینجا اینه که تا بخوای به مرکز شهر برسی صبح شب شده و شب صبح شده. راهمون که دور هست. بی انصافا دوتا سیستم حمل و نقل سریع و ارزون هم که ندارن. کلی هم که ترافیک این لابه لا هست. خب شما بگو کسی اصلاً سال تا سال به

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

اینجا سر میز نه تا حالا بخاد سرمایه گذاری هم انجام بشه. اینجا واقعا از دید همه بیرونه. پرته. آدم حسابی‌ها که اینورا پیدا بشون همیشه. سال تا سال شما بگو به نفر از محله باز دید بکنه. حالا وسط همه این بدبختی‌ها این پل جدیدم که دارن احداث میکنن دیگه داره رسما بین ما و شهریه دیوار میکشه که خیال همه هم راجع بهش راحت بشه. یعنی اینا دیگه کارشون تمومه و همون دوزار نفسی که میتونستن تا حالا بکشن هم نمیکشن. والا بیاید ما رو هم تحریم کنید راحت دیگه. اصلا انگار همچین آدم هایی تو این شهر زندگی نمیکنن و انگار همچین محله‌ای وجود نداره؛ اما وجود فناوری‌های نوین ارتباطی در چند سال اخیر با یک رضایتی همراه بوده که ماه بانو که خود راننده آژانس است اشاره کرد: «تمام مسیرهای خروجی ماشین‌ها شده از این ور خب واقعا هم این مسیر یک کمربندی بود برای خودروهای که میومدن داخل شهر ولی امروز قضیه خیلی متفاوت شده خب اینجا دیگه جزی از شهر شده واقعا هم به لحاظ دسترسی خیلی راحت‌تر از گذشته هست از طریق نقشه خوان‌های آنلاین میسرها رو راحت پیدا میکنم» همچنین به عنوان مثال محبوبه بیان می‌کند: «خلدایدر مادر کسی که این اسنپ رو اختراع کرده پیامرزه از وقتی این امد خیلی راحت شدیم واقعا دردسر داشتیم برای وارد و خارج شدن از محله انگار یک کوهی بود برامون الان ظرف چند دقیقه ماشین میاد جلو کوجه». اگر تعاملات با دیگر از اعضای شهری با دشواری همراه باشد یا از بین برود به اصطلاح یک گتو شهری به وجود می‌آید که ارتباط و تعامل با دیگر اعضای اجتماع ندارد، این خود باعث آشفتگی شهری می‌شود؛ همانطور که داده‌های این مطالعه نشان میدهند که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی این مسیر را مسدود و باعث دسترسی راحت‌تر افراد به محلات می‌شود.

۴-۱-۱-۶- از بین رفتن محدودیت‌ها

شکل‌گیری ساختار واحد از امکانات در جهت رفع کمبودها و بهره‌وری بهتر شهری در محیط محله با استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی توانایی شکل‌گیری یکسری از قوت‌ها را در محله فراهم می‌کند. رضا: «همین وجود نرم افزارهای هست که نشون میده فلان جا ترافیک هست وقتی این بیست و چهارساعته داره نشون میده که فلان نقطه شهری ترافیک هست خب قطعا یک مشکلی وجود داره چرا برای رفع این مشکلات چاره اندیشی همیشه این همه وسایل و امکانات تکنولوژیک وجود داره برای راحتی و کار راه بندازی ما ولی مخفی و استفاده نمیشه». استفاده از امکانات اجتماعی در جهت رفع معضلات ساختاری که به وجود آمده میتواند سامان اجتماعی را در یک فرایند منظم قرار دهد. در این باره معصومه می‌گوید: «دوربین گذاشتن سرتاسر محله از درب خونه میایم بیرون داره تصویر ما ور میگره خب این تصاویر رو چیکار میکنن واقعا نمیفهمیم اگر میبیند فلان جا مشکل داره عزیزمن از اون دستگاهی که گذاشتی استفاده کن دلپش رو در بیار به ما بگو خودت تدبیری به خرج بده میدونی دلسوز نیستند». استفاده از امکانات موجود به جهت رفع معضلات اجتماعی یکی از گره‌های سختی بود که ساختار فرهنگی حاشیه شهر به شدت در آن تاکید داشتند به عنوان نمونه کمال می‌گوید: «بعضی اوقات شک میکنم که در قرن بیست و یکم داریم زندگی می‌کنیم واقعا یکی نیست بگه به مسئولین ما که اقا اینجا

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

پشت کوه نیست که یک چراغ راهنمایی رانندگی نمی‌آید نصب کنید نمیدونم چرا هر روز هم دعوا و درگیری میشه بخاطر رفت آمد ماشین بعد دوربین نظارتی داریم در محل من نمیدونم کی اونجا وایمیسته داخل اون دوربین نگاه میکنه ما رو ولی حاضر نیستند برای مشکلات محله قدمی رو بردارند خب برادر من دوربین گذاشتی کاری نداریم بهش یک چراغ راهنمای دیجیتالی که نشون بده تایم رو نمیدونم یکسری امکانات اولیه اصلا قابل بیان نیستند اینا من از گفتن شون خجالت میکشم.»

استفاده از این مجموعه امکانات موجود در کشور یک سیستم محوری در جهت پیشرفته شدن قرار میدهد اهمیت این موضوع از دیدگاه مردم به شکلی بود که توانایی ایجاد محدودیت از طریق به کار نبردن ظرفیت‌های موجود را یک گناه نابخشودنی میدانند کوروش میگوید: «من تعجب می‌کنم اینهمه آدم تحصیل کرده تو این شهر وجود داره یعنی یکیشون نیست به اینها بگه آقا شما که پول ساخت بازار و مدرسه و مغازه و خونه و جاده و ... اینا رو ندارین خب قریونت برم تو نمیتونی یه سامانه ای، دستگاهی چیزی درست کنی حداقل مردم بتونن با این ابزارهای دیجیتالی و موبایل و .. با شما در ارتباط باشن. اصلا ما به درک خودتون ازش استفاده کنید بتونید یه پایگاه داشته باشید تو محل و کل منطقه رو بدون حضور فیزیکی دائمی و هزینه‌های گزاف ساخت و ساز رصد کنید و بتونید مشکلات رو ببینید و برای پتانسیل‌ها یه راه حلی پیدا کنید. درست کردن یه پایگاه مجازی که دیگه تو این روزها از یه لیوان آب خوردن هم راحت‌تر شده. این همه جوون که سرشون درد میکنه واسه اینجور کارها. خب ببینید من عامی میفهم بعد شما می‌تونید بفهمی چه کارهایی میشه کرد تا خدمات با قیمت ارزون‌تر و سرمایه‌گذاری کمتر ارائه داده بشه؟» توجه به پتانسیل‌های محلی در رفع محدودیت‌ها و مشکلاتی که مردم آن را برشمردند میتواند کمک کننده جهت پیشرفت محوری باشد.

۴-۱-۱-۷- گسترده‌گی امکانات

بازنمایی فناوری اطلاعات و ارتباطات باعث خواهد شد با تنوع امکانات قابل دسترس در بین مردم مواجه باشیم در واقع مردم با انتخاب‌های گسترده تری مواجه هستند این نکته در بیان فاطمه قابل رد یابی است: «تمام امکانات ما و تمام خریدهای ما از طریق اینترنت انجام میشه دیجی کالا دخترم خرید میکنه من هم خریدار روزمره‌ای که نیاز دارم برای آشپزی و منزل به اون میسپارم بهش پول میدیم میدیم که برای ما هم خرید کنه و برامون بیاره اینطوری هم راحت تره و هم با سرعت بیشتری انجام میشه.» بنابراین مردم در مواجهه جدید خود با وسایل ارتباطی و اطلاعاتی این احساس را دارند که با گسترده‌گی بیشتری رو به رو هستند نقیسه: «تمام خریدهای منزل را از طریق دیجی کالا سفارش میدم چون هم سرعت ارسالش بالاست و هم اینکه اطمینان خاصی دارند فروشگاه‌هایی هم هستند به صورت زنجیره‌ای که توی به شکل اینترنتی مسافر فروشگاه احمدی که فروش تلفنی خودش را انداخت اما دیجی کالا به لحاظ تنوع و گسترده‌گی انتخاب یکسری انتخابات بیشتری را پیش روی ما میزازه به خاطر همین حس می‌کنم از این طریق خرید کنم راحت‌تر برم» توجه به حجم انواع امکانات در دست رس در حاشیه ان احساس ضعف

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

را تا اندازه‌ی پوشش داده و مبتنی بر آن خریدهای بیشتری را شاهد هستیم که اکبر می‌گوید: «خیلی وقته که از طریق اینستاگرام خرید می‌کنیم صفحات پیج‌هایی که وسایل مرتبط با لباس و پوشاک را دارند خرید آن را از این طریق انجام میدیم به چند دلیل چونکه ارزونتر راحت‌تر به دستمون میرسه و میتونیم بهتر انتخاب کنیم امکان تعویض مداره گاهم ارسال مجدد می‌کنیم یا با تیپاکس برامون میفرستن یا از طریق پست از هر دو طریق برامون راحت تره هزینه پست خیلی ارزان‌تر از هزینه رفت و آمد به منطقه فروشگاه‌های و نمیدونم چیزهایی که میخوایم بخریم» ایجاد رفاه نسبی به جهت رفت و آمد و همچنین توجه به موضوعیت دشواری میتواند این امر را پررنگ سازد که ساختار امکانات فناورانه معنای که افراد از منزلگاه سکونتی خود داشتند دچار تغییر و دگرگونی شده است. سپیده: «مادرم که پیرکلاچای میشینه برای اون از طریق اینترنتی سفارش می‌دهند وسایلی که من خودم میخرم برای منزل خودم برای خونه مادرم هم سفارش میدن اون معمول پستی حتی وسایل رو تقدم در منزل هم میبره تحویل مادر می‌ده چند روز پیش مامانم زنگ زد کلی از من تشکر کرد بابت همین که وسایل گرفته بودم پاش درد می‌کنه نمیتونه بیاد بیرون همین دیگه گفتی که چیزایی که میخرم واقعاً برایش مناسب و خوب هست.» موضع اجتماعی امکانات در دسترس با وضع اقتصادی مردم پیوند خورده این امکان وجود دارد که مردم در ساختار اساسی انتخاب‌ها به لحاظ اقتصادی در تنگنا قرار داشته باشند اما وضعیت حاشیه‌ی شهری به لحاظ دستیابی به امکانات بهبود نسبی را شاهد بوده که به مدد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی تقویت و گسترش یافته است. دستیابی مردم برای خرید مایحتاج زندگی خود در این مولفه صرفاً بر مبنای نگرش آنان به فضای جغرافیایی طرح‌ریزی شده و بر مبنای آن پرسش صورت پذیرفته است؛ چه بسا اگر نکته‌ی اقتصادی و فقر معیشتی مردم در نظر گرفته شود وضعیت اظهارات انجام شده تا اندازه زیادی متفاوت گزارش خواهد شد.

۴-۱-۱-۸- توسعه به معنای اخلاقی‌تر شدن (اخلاق محوری)

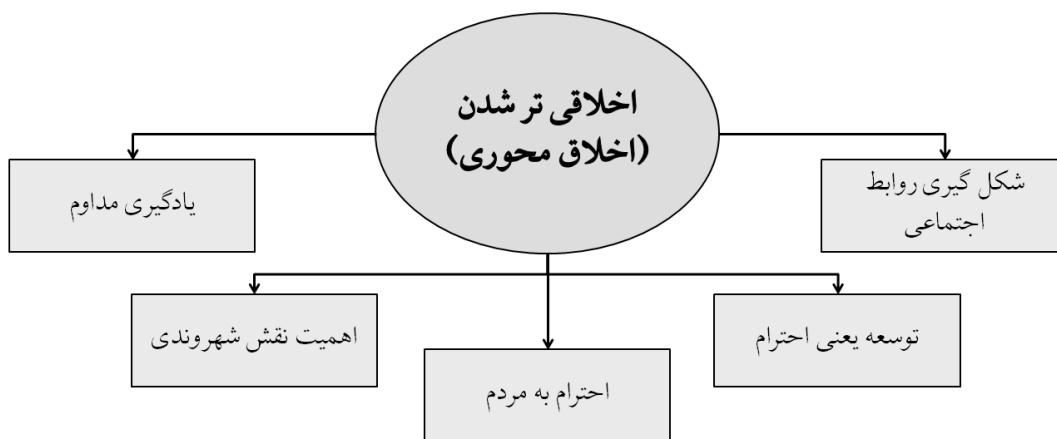
شکل‌گیری منش اخلاق مدارانه مبتنی بر آموزه‌های گذشته و سبک جدیدی که افراد در ارتباط با یکدیگر در قالب احترام تجربه می‌کنند، یک ساخت اجتماعی محترمانه را در جامعه شکل می‌دهد که گاه در حاشیه‌های شهر با موضوعات غیر اخلاقی به شدت برخورد می‌شود، مهتا می‌گوید: «تو محل نمیتونیم بپذیریم کسی به کس دیگه احترام نزاره.» توجه به ویژگی‌های ساختاری جامعه‌ی که در آن زندگی میکنند و اینکه روابط با یکدیگر یک فرایند گردآوری داده و اطلاعات برای یادگیری مداوم است و ایجاد بستر مناسب برای شکل دادن به نقش شهروندی و شهروندمداری که ساختار را به شکل محترمانه برای مردم ایجاد می‌کند توسعه را به معنای احترام بخشی به یکدیگر معنا می‌کنند و در قالب ایجاد روابط صمیمانه یک اخلاق محوری مبتنی بر ایجاد حس نوع دوستی را مقدم میدانند. اخلاق توسعه به مجموعه گرایش‌ها، باورها و ارزشهای پذیرفته شده در مقیاس اجتماعی اطلاق می‌شود که امکان توسعه را فراهم می‌کند. «اخلاق توسعه با مجهز شدن یک ملت به ویژگیهای فرهنگی آغاز می‌شود و با ویژگی‌های سیاسی به پیش

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

می‌رود و در سطح اقتصادی متبلور می‌شود و در نهایت جامعه‌ای را می‌سازد که برای آینده و تک تک اعضایش برنامه‌ای خاص دارد.

اخلاق توسعه، یکی از گرایش‌های اخلاق کاربردی است که مورد توجه دنیای امروز قرار گرفته است. ضرورتی که مدیران و برنامه‌ریزان جامعه جهانی را به این نقطه هدایت کرده تا اصول اخلاقی خاصی را بر برنامه‌های توسعه جهانی حاکم کنند، حرکت در جهت یکسان‌سازی آثار توسعه در تمامی کشورهاست، در عین حال این یکسان‌سازی، تهدیدها و چالش‌های جدی هم فرا روی ملل جهان پدید آورده است. اکنون که تعادل و توازن جهانی بهم خورده است. امنیت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی «دولت، ملت»ها بدلیل تبعیت از مدل‌ها و برنامه‌های توسعه جهانی مورد هجوم قرار گرفته، و برخلاف این ادعا که مدل‌ها و برنامه‌های توسعه سازمان‌های بین‌المللی و وابسته به سازمان ملل به دنبال خدمت به کشورهای عقب افتاده یا در حال توسعه است، اما با اجرای این برنامه‌ها منافع اساسی که صیانت، عدالت و بهره‌وری متناسب با کرامت را به دنبال داشته باشد، عاید این دسته از کشورها نشده و دچار فقر مضاعف و از دست دادن دارائیهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بومی خودشان شده‌اند.

آنچه دنیای امروز شتابان به سمت آن حرکت می‌کند، تحقق وحدت رویه در جهت ایجاد اخلاق مادی است، لذا برای دستیابی به این امر مدیران جهانی به اندیشه افتاده‌اند تا اصول اخلاقی خاصی را تعیین کرده و به ثبت جامعه جهانی برسانند و بر حول آنها وفاق اجتماعی ایجاد کنند و بالاخره آنها را با ضمانت‌هایی اجرایی از طریق برنامه‌های توسعه، عملیاتی نمایند، همانند آنچه که در آغاز پیدایش انقلاب صنعتی، به عنوان منشور ملل و حقوق بشر به ثبت رسید. هم اکنون نیز اینان برای ایجاد وحدت رویه در مسیر جهانی‌سازی توسعه، بدنبال جاری کردن اصول اخلاقی مورد نظر خود، در سر آغاز پیدایش جامعه شبکه‌ای جهانی، هستند.



نمودار ۴-۲- مولفه محوری اخلاقی تر شدن (اخلاق محوری) و مفاهیم ذیل آن

توسعه یعنی احترام

پیشرفت و تعالی یک منطقه وابسته است به طرز نگرانی تلقی افراد نسبت به موضوعی که آنان در جهت شفافیت هرچه بیشتر تلاش می‌کنند تا واضح و روشن‌تر شود این وضوح و شفافیت گاه در حوزه احترام و احترام ورزی شکل می‌گیرد در واقع مردم به این باور هستند که هرچقدر فناوری‌های ارتباطی اطلاعاتی این روزها گسترش پیدا کرده است، احترام و وجه شهروندی آنان بیشتر مورد لحاظ قرار گرفته در واقع امروز با وضعیت شهروند محترم مواجه هستیم. کاوه: «همین شبکه‌های اجتماعی آمده باعث شده ما دیده بشیم تا قبل از این هیشکی نمیدونست پیرکلاچای کجا هست.» نگاه افراد در مرکز نیز تا اندازه زیادی وابسته به این موضوع و مفهوم شکل می‌گیرد که معصومه می‌گوید: «شان و شخصیت هر کسی بستگی به نوع رفتار منشا نفر داره از زمانی که همین شبکه‌های اجتماعی آمدند نحوه تلقی و طرز نگاه افراد نسبت به کسانی که به لحاظ مادی امکانات کمتری در جامعه دارند بهتر شد در واقع قبلاً احساس ضعف و کمبود و بی‌عرضگی این افراد یک نشان دقیق و لیلی بود که روی این افراد زده میشد و زاینجوری نیست احساس می‌کنم توجه افراد به مناطق حاشیه نشین به کسانی که توی حاشیه شهر در آن زندگی می‌کنند خیلی بهتر شده طرز نگاه‌ها بهبود پیدا کرده دیگه به عنوان افراد شرور اونا را نمی‌شناسند بلکه افرادی که بلازه توانایی مالی در مضیقه هستند شناسایی می‌شوند.» این حجم از اعتبار بخشی میتواند در نگاه افراد به آینده آنان نیز گره بخورد که نارگل می‌گوید: «این نگاه که شهروندان مهمه از حمیت برخوردارند که کرامت انسانی دارند باید گسترش پیدا کند نباید تضعیف داده بشه نباید مسخره گرفته بشه این موضوع و برای اینکه بسیار مهم و میتونه سرنوشت افراد جامعه رو تعیین کنه.» ایجاد این نوع برداشت میتواند افراد را در قالب پیشرفته و توسعه یافته تعبیر و تفسیر قرار دهد. که کمال در این باره می‌گوید: «همین که تو محله مون دعوا بگو مگو نباشه کلی ما رو جلو میندازه واقعاً شرایط توسعه برای محله‌های مثل محله‌های ما میتونه همین موضوع باشه فرهنگ‌سازی باشه که در صورت میگیره در واقع شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به موضوع کمک کنند کمک کننده این موضوع هستند همین صدا و سیما میتونه با نشان دادن وضعیت مناسب از حاشیه شهر یا افرادی که آبروی با آبرو زندگی می‌کنند میتونه کمک کننده وضعیت فرهنگی و طرز نگاه افراد نسبت به این مناطق باشه.» ایجاد ارتباط بین مناطق مختل و حس رضایت مندی آنان از نراجعه به ادارات نیز پیوسته و وابسته به این موضوع تفسیر و تبیین پیدا می‌کند که زهرا می‌گوید: «چیزی نمی‌خواهیم به جز اینکه احترام بزارم بهمون اداره‌ای توی سازمانی وارد میشیم کم محلی نشو بهمون برای این که در فلان منطقه و فلان. از شهرداری زندگی می‌کنی مورد ماخذه قرار نگیری نگاه بد بهت نداشته باشند این یعنی توسعه داریم محلمون.» مهم‌ترین عامل ایجاد فناوری‌های است که افراد با استفاده از آن احساس و درک بهتری از محیط خود پیدا می‌کنند و این احساس به دیگران انتقال داده می‌شود شراره می‌گوید: «خوشبختانه این روزها با رونق گرفتن شبکه‌های اجتماعی کمی بیشتر از قبل دیده میشم و دیگه هر کسی هر جور که می‌خواد با ما رفتار نمی‌کنه. هر بدی داشته باشه خوبی موبایل و اینترنت این بود که مردم رو قاضی کرده و هر کار خطایی که باشه سریع افکار عمومی در جریان قرار

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

می‌گیره. همین باعث شده که نوع نگاه و رفتار با ما هم تغییر پیدا کنه. دیگه هرکسی هرچور که دلش میخاد با ما رفتار نمیکنه و همه میدونند که در انتها باید بابت رفتارهاشون پاسخگو باشن. پس ما هم حمایت می‌کنیم. هرچی وضعیت بهتر باشه و امکان استفاده از این فناوری‌ها ترقی کنه ما میتونیم امید بیشتری برای آینده داشته باشیم و زندگی رو تو حال و هوای رو به جلو دنبال کنیم. خدا میدونه که اگه تو این شرایط این امکانات وجود نداشتن وضعیت ما به کجا می‌رسید. به جز این بدبختی‌ها، کلی چالش داشتیم که نمیدونم دیگه با اونها چطور باید رو به رو می‌شدیم. با وجود همه ناراحتی‌ها اما وقتی به توسعه یافتگی ارتباطی و اطلاعاتی فکر می‌کنم به نظرم وضعیت زندگی ما رو بهتر کرده و این روزها دیگه نبودنش برامون قابل تصور نیست. و شاید همین یک مقدر منزلت و احترامم دیگه نداشتیم.» ایجاد حس مطلب با یکدیگر و ایجاد احترام متقابل میتواند نقطه‌ی از توانایی مجموعه شهروندی باشد که ایجاد کننده عامل توسعه است.

شکل‌گیری روابط اجتماعی

روابط اجتماعی یعنی ارتباط و وابستگی متقابل افراد نسبت به یکدیگر این روابط با وجود شبکه‌های اجتماعی از حد و مرز سازنده‌ای برخوردارند، در واقع رابطه دوستی را تقویت و سازنده و بالنده بر جامعه می‌توانند عمل کنند. ابراهیم میگوید: «قبلاً اگر یادتون باشه دو نفر که تصادف می‌کردند پیاده می‌شدند ده دقیقه اول انقدر همدیگرو می‌زدند تا دهنشون خون بیاد و سرشون بشکنه و بعد راجب تصادف کردن با همدیگه حرف می‌زدن و مجادله می‌کردند امروز رابطه‌ای که شکل گرفته شکل‌گیری این رابطه اجتماعی بین همه آدمایی که هستن و انقدر زیاد شده که واقعاً باعث خوشحالی یعنی هر چقدر این فضای مجازی این ارتباط بین همدیگه گسترش پیدا کند تعلق افراد نسبت به هم دیگه بیشتر میشه و این بیشتر شدن میتونه باعث پیشرفت این محله بشه باعث رشد و شکوفایی و محله بشه نه اینکه همش تو سری خور بار بیاد افرادی که تو این جامعه در آن زندگی می‌کنم.» روابط که باهم در محل ایجاد می‌شود از جنس متفاوت و سبک نوینی از آشنایی است که کاظم می‌گوید: «لان دوستی‌ها بیشتر سمت و سوی فضای مجازی رو به خودش گرفته من با افراد خیلی زیادی دوستم میدونم در روز ندارند چه کارهایی می‌کنند چه کاری نمی‌کنند این تاثیر میزازه تو سبک زندگی خودم که توی محل هستن.» ایجاد این فرصت و استفاده از این موقعیت پیش برنده توسعه یابی در مناطق است که شیرین می‌گوید: «زندگی هرکسی بر مبنای توانایی‌ها و استعدادهایی که داره جلو میره پیشرفت میکنه من خودم احساس می‌کنم آدم‌ها زمانی موفق هستن که این ارتباطات شون گسترده‌تر باشه فضای مجازی یا فضای اینترنت این امکان رو به ما داده که خودمون را از این محل مسکونی که توش داریم زندگی می‌کنیم.» ایجاد اعتماد در رابطه و سبک فناورانه‌ی که امروز پیگیری می‌شود افراد را بر حول مفاهیم همدلی محلی میبرد که در این باره میلاد می‌گوید: «اینکه چهار نفر داشته باشی باهاشون صحبت کنیم میتونه خیلی کمک کنده باشه میتونه کمک کنده از این جهت باشه که فردا توی زندگی شخصی یا توی محل اگر اتفاقی افتاد بتونیم با مشورت

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

همدیگه ماجرا را حل و فصل کنید یا اون مشکل را برطرف کنید هماهنگی که دیگر اعضای هم نشین‌ها می‌توانند داشته باشند با هم میتونه مارو کمک کنه برای اینکه یک زندگی با آرامش بهتری رو تجربه کنیم نه اینکه به مجبور به جنگ و جدل با همدیگه سپری کنیم اوضاع رو.» رفع معضلات و آسیب‌های که در ساختار نهادی جامعه وجود داشت با توجه به ایجاد زیر ساخت‌های فناورانه تا اندازه‌ی بهبود حاصل شد که داوود می‌گوید: «خدا رو شکر تو سال‌های اخیر و با رونق گرفتن شبکه‌های اجتماعی خیلی از آسیب‌هایی که در ابتدا استفاده از تلفن‌های همراه تصور می‌شد به خانواده و محله و افراد داره وارد می‌کنه کنترل شده و این روابط اگر چه به شکل دیگه‌ای اما داره ادامه پیدا می‌کنه. همین روابط هستند که تو قالب‌های مختلف تونستند تاثیرگذاری‌های متنوعی داشته باشن و حتی باعث ایجاد بازارهای اقتصادی و کسب و کارهای مجازی شدن. خب شما تصور کن وسط این همه گیر و گرفتاری‌های مالی این روزها امکان فعالیت‌های بسیار کم هزینه تو این اپلیکیشن‌ها و نرم افزارها نبود؟ چه مقدار به این فشارهای ما اضافه می‌شد و چه آسیب‌های بیشتری رو متحمل می‌شدیم؟ خب اینها مواردیه که باید ببینیم و بازگو کنیم تا جلو محدودیت‌های بیشتر رو بگیرند. این مسیر علا رغم مشکلاتش امیدوار کنندست.» ایجاد روابط بر مبنای توسعه یافتگی که سبک‌های جدید را ایجاد می‌کند میتواند مبنای نوینی را منتقل کند تا ساختار روان‌کننده در ایجاد روابط سالم را فراهم سازد.

یادگیری مداوم

ایجاد دایره یادگیری به شکل مستمر و مداوم توسط مردم از طریق فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی گستره تقویت شده؛ مرز و دانش واحد در جهت یادگیری پیشرفته و سازگاری آنان با اخلاق مدارتر شدن و آن رابطه مستقیم دارد در واقع هر چقدر افراد یک مملکت به شکل مداوم در یادگیری غرق باشند اخلاق آنان بهتر و بیشتر رشد می‌کند این فناوری‌ها باعث یادگیری بیشتر مردم حاشیه نشین شده است. در اینباره فاطمه می‌گوید: «یادگیری ما از زمانی شروع شد که به شکل مستمر درگیر خواندن در فضای مجازی شدی یعنی اخبار و اطلاعاتی که به ما میرسه میتونه تکمیل‌کننده وجوه زندگی ما باشه میتونیم از اون تو زندگیم استفاده کنیم.» رضایت از زندگی نیز با توجه به حرف‌های رضا که می‌گوید: «وقتی با همسر آشنا شدم نه آشنیزی بلد بود نه همسرداری و ماجراهای شکلی در همین فضای مجازی شکلی به وجود آمد که بهشون انقدر مطالعه کردند باعث شد که ساختار بهتری زندگیمون داشته باشیم.» باعث تقویت شده حتی آسیب‌های اجتماعی کنترل می‌شود که محبوبه می‌گوید: «همین فضای مجازی شده ما با دور و بری هامون همسایه‌ها فرق کنیم همسایه ما پسرش معتاد شده اما در همین فضای مجازی میتونستن پدر مادرش بیشتر یاد بگیرن بیشتر بدونن راجع به مواد مخدر یا حتی همون پسر یک کمی بیشتر مطالعه می‌کرد از فضای مجازی استفاده می‌کرد گرفتار این مصیبت نمیشد.» فرهنگ افراد در زمینه حاشیه نشینی گسترش پیدا می‌کند که اکبر می‌گوید: «یک کانالی داریم که مختص محله خودمون درون از فرهنگ آپارتمان نشینی ارتباط با همسایه‌ها نحوه پاک کردن حق رایت همسایه کردن اینا رو توضیح میده

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

توش اطلاع رسانی می‌کند ما متوجه میشیم که چه جوری باید زندگی کنیم خیلی مهمه.» ساختارها به شکل کلی در یک وضعیت متعادل نگهداری می‌کند که شاهین می‌گوید: «یکی از فرصت‌هایی که تو سالهای اخیر ایجاد شده همین استفاده آموزشی از اینترنت و موبایل هست. همین روزها بود که با یکی از بچه‌های محل که کسب و کار جدید خودش رو راه انداخته بود حرف می‌زدم. با استفاده از همین دوره‌های آموزشی مجازی تونسته بود اوستایی بشه واسه خودش و کسب و کارش رو واقعا طوری شکل داد که آدم باورش نمیشه. خب بله حتما جریزه شخصی هم هست ولی اگه این امکانات نبود بچه ای تو این محله چقدر باید هزینه می‌کرد بره فلان شهر یه دوره آموزش ببینه و برگرده؟ اصلا چند درصد احتمال داشت تا به این فکر بوفته. می‌خوام بگم مواجهات مردم با فرصت‌های یادگیری افزایش پیدا کرد و این زمینه‌ای شده تا کسانی که واقعا مستعد و علاقه مندان بتونن از این فرصت برای یادگیری و آموزش بیشتر استفاده کنند.» سبک‌های جدید و ارتباط بخش را با همکاری همدیگر پیدا می‌کنند و بر ساختار اساسی توانمندی تکیه می‌کنند.

اهمیت نقش شهروندی

در جهت تقویت نقش شهروندی و ساختار شهروند مداری در شهر ایجاد یک سری از اصول اخلاقی واحدی را نقش میدهد و شکل میبخشد که مردم قاعده‌مندتر زندگی کنند در همین باره جواد می‌گوید: «ما برای معلم هستیم می‌گه خارج از این محله که رفت آمد و به صورت مستمر نداریم قاعدتاً تا وقتی که توی این محله داریم زندگی می‌کنیم یک احساس همدلی بودن نسبت به دیگران داریم رعایت حقوق‌ها را رعایت قوانین که وجود دارد اندازی ممکن برم اونجا است.» این قاعده مبتنی است بر هویت شهریان که یک هویت فائل و مستقل شهروندی است هر کسی با آن هویت خود را تعریف می‌کند که من یک شهروند هستم من یک انسان معتبر و محترم هستم. مهیار بیان می‌کند: «زمانی که اینجا خونه خریدیم واقعا حس شهروند بودن به ما دست دادن هستیم که در حاشیه شهر یک منطقه مسکونی خریدی می‌خواهی زندگی کنیم نه قاعدتاً از اول این خونه رو خریدیم حس ما حس شهروندی بوده تعلق شهری اندازیم به شهری.» حقوق شهروندی تا اندازه ی با توجه به همین عوامل تعیین خواهد شد که ایران دخت می‌گوید: «شهری که از آن داریم صحبت می‌کنیم افرادی که داخلش هستند یک سری حقوق و قوانینی دارند باید این قوانین باید این حق شهروندی بهش می‌گن این رو باید رعایت کنند هم مسئولین هم مردمی که داخل این شهر در آن زندگی می‌کنم.» ایجاد یک منش ساختاری و روابط مستحکم را بنا می‌کند که سجاد می‌گوید: «زندگی‌ها سخت شده اما تا آنجا که میتونیم این حس شهروند این رو باید تقویت کنیم من همیشه به هم محلی‌های خودم میگم باید خودمون هویت خودمون رو باثبات نگه داریم خودمون رو معرفی خوب بکنیم در مقابل محله‌های دیگه در مقابل مسئولین تا یک منش شهری شکل بگیرد.» ایجاد جایگاه ساختاری و توجه به موضوع تا حد ممکن برای سبک مدیریتی که وجود دارد میتواند پیش برنده در ساحت اجتماعی باشد که حسین اشاره می‌کند: «واقعیت اینه که مردم باید خودشون رویه عنوان شهروند

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

ابتدا بپذیرند. بعد از این مرحله هست که ما میتونیم یک زندگی متمدانه و استاندارد رو توقع داشته باشیم. و این اتفاق نمی‌افته مگر اینکه اونها دیده بشن. وقتی افراد به عنوان شهروند دیده بشن، می‌تونن خودشون رو در این قالب معنا کنند و بعد از اون هست که نقش خودشون رو ایفا کنند. وقتی شما مردم رو آدم حساب نمی‌کنید خب چه انتظاری از اونها داری؟ وقتی احترام برای شهروندهای خودتون قائل نمیشین چطور توقع دارین که اونها رفتار محترمانه از خودشون بروز بدن؟ رفتار منضبط زمانی از آحاد جامعه ساطع می‌شه که اونها بتونن همچین نظمی رو شاهد باشن. در نتیجه یکی از شروط اصلی پیشروی جامعه این هست که جامعه خودش رو در قالب دسته‌ای از شهروندان ببینه که هر کدوم تو جای گاه خودشون نسبت به جامعه مسئول هستند.» شهروند مفید و قابل احترام و توجه به این موضوع میتواند در سبک پیش برنده افراد در نگاه آنان به مدیریت درست در منطقه کمک کند.

احترام به مردم

شبکه‌های اجتماعی فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی گستره و جوه زندگی نوین اجتماعی بر پایه ساختار تکنولوژیک این امکان را فراهم می‌سازد اصغر می‌گوید: «احترام وجود داشته باشه احساس خوبی به آدم دست میده آدم میتونه تو زندگیش موفقیت‌آمیز عمل کنه در مورد پیرامون خودش احساس خوبی به دست میده سعی میکنه که بهبودش کمک کنه اما اگه همین احترام همین عزت نباشه میان مردم هیچ اهمیتی نداره شما هر چقدر امکانات داشته باشی هر چقدر تلاش کنی برای بهبود خانواده وقتی احترام نباشه وقتی عزت نباشه هیچ اهمیتی نداره.» زمانی که افراد از احترام بیشتری دریافت کنند احساس تعلق بیشتری به محیط و پیرامون خودشان می‌کنند که کوروش می‌گوید: «زمانی من میتونم تو این محل احساس خوبی داشته باشم که احترام به من گذاشته بشه با من یک شهروند حق من در این شهر داده بشه یک حقوقی هر کسی داره اولین حقوق اولین چیز برای من همین حقوق انسانی من در درجه اول و در درجه بعدی حق شهروندیمه که باید هم از طریق مسئولین و هم از طریق دیگر مردمانی که داریم با هم دیگه زندگی می‌کنیم.» در واقع مردم امروز مهم‌تر از در زمان دیگری شده اند سهم افراد از تصمیمات شهری، نظرات و پیشنهادات مردمی است که داخل یک شهر زندگی می‌کنند. احمد می‌گوید: «خب واقعا باید ما به جان سازندگان این دم و دستگاه‌ها دعا کنیم. از زمانی که مردم میتونن حرفه‌اشون رو تو این شبکه‌های اجتماعی بزنن دیگه همه مراقب و مواظب شدن. مردم بالای سر مینشینن و خلاصه دبدبه و کبکبه‌ای برای خودشون پیدا کردن. قدیم اینجوری نبود که اصلا شما رو آدم حساب نمی‌کردن. البته خب هنوزم خیلی از این چیزها در حد تعارفات باقی مونده و در عمل باز هم اتفاقی رخ نداده اما ب همه این احوالات باز هم جای شکرش باقیه. این رو میتونیم یک گام رو به جلو بدونیم. همین که یه روزنه باز کردن و یک صندلی گذاشتن و یه بفرمای خشک و خالی ولو به شعار هم برامون میزنن جای شکرش باقیه.» ساختار شهری مدیریت شهری بر مبنای علایق و سلايق مردم یک شهر طرح‌ریزی و بنیان میشوند. در اینباره رحمت

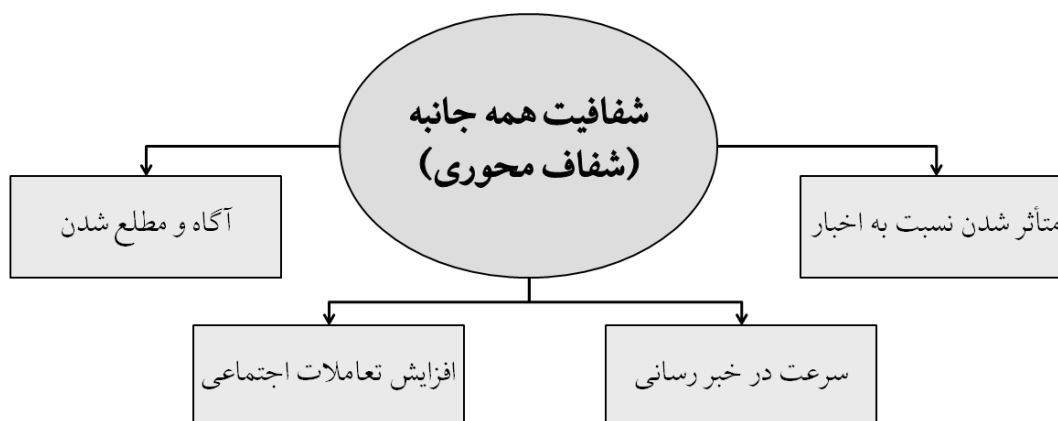
فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

می‌گوید: «ساختار شهری باید به شکلی باشد که همه مردم بتوانند توش از حق برابری برای ابراز احساسات و ابراز تمایلات شخصی خودشان داشته باشند.» این ساختار ایجاد شده توسط نگاه مردم بر مبنای دستور العمل شکل نمی‌گردد بلکه احترام در وجه خاص آن از طریق نگاه مردمی تداوم بخش وضعیت توسعه در محل منطقه سکونت افراد می‌شود.

۴-۱-۱-۹- توسعه به معنای شفافیت همه جانبه (شفاف محوری)

معنای شفافیت در طول سال‌ها (بویژه در دهه گذشته) تغییرات جدی یافته است. این تغییرات عمدتاً ناشی از تحولات مهم در عرصه‌های فناوری و اجتماعی بوده است. ناگفته پیداست که با استمرار این تحولات، معنای شفافیت نیز تکامل می‌یابد. برای نمونه در گذشته «دسترسی به اطلاعات» مترادف شفافیت بود، اما امروزه تنها «استفاده‌پذیری اطلاعات» (با تعریف و دقت‌های حقوقی و فنی زیادی) مصداق آن است. ریحانه می‌گوید: «وقتی از طریق فضای مجازی میتوانیم بدانیم فلان متهم بانکی چقدر اختلاس کرده معنی آن یعنی اینکه ساختاری که وجود دارد شفافیت را داراست.» برخی پژوهشگران از جمله لیندستد و نورین، شفافیت را به منزله قابلیت دسترسی به اطلاعات تعریف می‌کنند و بیان می‌دارند که یک مؤسسه شفاف، مؤسسه‌ای است که افراد درون و بیرون آن بتوانند به منظور شکل‌دادن به نظراتشان در مورد اقدامات و فرآیندهای درون آن مؤسسه، اطلاعات مورد نیازشان را به دست آورند. از منظر این دو پژوهشگر، مظهر شفافیت، شیشه است که امکان نگاه کردن به درون آن وجود دارد و بنابراین یک مؤسسه، یک فرد و یک جامعه وقتی شفاف است که بتوان به درون آن نظر انداخت و از آنچه درمی‌گذرد، مطلع شد تحقق شفافیت از طریق ابزارهای مختلفی حاصل می‌شود که در طول زمان این ابزارها کامل‌تر می‌شوند. برای نمونه اگر یکصد سال پیش «ارائه مذاکرات مجلس شورای اسلامی از طریق رادیو» مصداق شفافیت بود، امروزه تنها «پخش زنده و ارائه آرشیو صوتی و تصویری، و نیز ارائه برخط خلاصه و مشروح مذاکرات از طریق وب، با قابلیت جستجوی موضوعی و فردی» را میتوان بعنوان مصداق شفافیت نام برد.

شفافیت صرف به تنهایی موجب حل مسائل و مشکلات جامعه نظیر فسادها و عدم کارآمدی‌ها نخواهد شد، اما شفافیت با ایجاد زیرساخت و بستری مناسب برای رسیدن اطلاعات درست و به موقع به مخاطبین آن، موجب خواهد شد تا مسائل با کیفیت بالا و کم‌ترین هزینه حل شوند. در واقع با ایجاد شفافیت، هزینه ارتکاب جرم بالا خواهد رفت و ارتکاب جرم به اصطلاح به صرفه نخواهد بود، چرا که هزینه زیادی را برای فرد مجرم خلق خواهد کرد که از جمله آنها آبروریزی در ملا عام و قرار گرفتن در منظر عموم خواهد بود که همه این‌ها از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات پدیدار می‌شود.



نمودار ۴-۳- مولفه محوری شفافیت همه جانبه (شفاف محوری) و مفاهیم ذیل آن

متأثر شدن نسبت به اخبار

امروز بیش از هر زمان دیگری از اخبار اطلاعات به شکل مستمر و مداوم دریافت می‌کنیم در واقع این دریافت اخبار این متأثر شدن کمک کننده است برای این که شفافیت روشنایی و وضوح بیشتری بر روی عملکرد شهری و شهروندان و مسئولین شهری داشته باشند. تقی می‌گوید: «ما نمی‌فهمیم. ما این روزها اخبار و اطلاعات زیادی از رسانه‌ها و اینترنت و موبایل می‌خونیم و میبینیم. آگاه هستیم به شرایط زندگی اقتصاد و کسب و کار و .. اما چه کنیم که کسی گوشش به این حرف‌ها بدهکار نیست.» حتی زمینه‌های مباحث خرد نیز باید توجه به مفهوم صورت بگیرد که مرضیه می‌گوید: «امروز صبح خبر داده بودند که روغن تو محله نداریم من میخواستم برم جلو استانداری روغن بریزم رو سر کله خودم بگم آخه این رسمشه این انصاف ...» پیگیری مداوم و استفاده از ظرفیت‌های که وجود دارد حیب اشاره می‌کند که: «هر روز که بیدار میشم گوشیمو چک می‌کنم نگاه می‌کنم ببینم که شورای شهر شهردار مسئولین چی گفتن چی نگفتم پیگیری مستمر می‌کند یعنی شده زنگ بزنگ به شورای شهر و شهردار و به خودتون که همیشه زنگ میزنه به اون دفترشان زنگ میزنیم این راجع به این حرفی که زدی تو خجالت نمیکشی آبروی شهر مارو بردی.» ابراهیم نیز بر مبنای اطلاع به موقع می‌گوید: «امروز آگه با خبر نشیم از اخبار و اطلاعاتها فردا به روغن ۵۰ هزار تومنی رو باید بخریم ۱۵۰ هزار تومان.» عباس نیز در همین مورد اضافه می‌کند که: «دیروز خانمه تو رادیو میگه ۲۵ درصد از کرایه‌های تاکسی افزایش پیدا کرده من اول باورم نشد ولی با توجه به اون گذشته تاریخی که ما داریم بعد فهمیدم که درست است.» تینا توضیح میدهد در این باره که فهم کلی چقدر میتواند اثرگذار بر این موضوع باشد: «خب میدونید مردم این روزها آگاه شدن. قدیما اینجوری نبود که هرچی میگفتن ما فکر می‌کردیم درسته. الآن ولی هر روز از همه جا اخبارهای مختلفی میاد. مردم چشم و گوششون باز شده. فهمیدن. و تاثیر می‌پذیرن. اخبارهای مختلفی که روزانه از بخش‌های مختلف می‌نویس باعث میشن که دیگه توقعاتمون در همون حد قدیم باقی نمونه و بتونیم به افق‌های بلندتری

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

فکر کنیم و توقعات خودمون رو متناسب با نیازهای روز جامعه افزایش بدیم. به هر حال دیر و زود داره ولی سوخت و سوز نداره. شما فکر می‌کنی اگه ما امروز هم نفهمیم فردا نمی‌فهمیم؟ مسیری که باز شده. اون اول اولاً که بچه هام دنبال این گوشی موشی‌ها میرفتن با خودم فکر می‌کردم اینا اسباب بازیه. اینا رو از درس و مشق میندازه ولی خب مدت‌ها گذشت و فهیدیم که نه بابا داستان چیز دیگه ایه. برای همین که واقعا از شرایط فعلی با وجود همه ناملایمت‌ها بیشتر از گذشته راضی هستیم» ایجاد این مسیر کمک کننده به توسعه محلی شناسایی شده و بر همین مبنا روشهای که مردم در زمینه ایفای این نقش انجام میدهند کمک کننده بر مفهوم توسعه یابی خواهد بود.

سرعت در خبر رسانی

در کوتاه‌ترین زمان ممکن اخبار و اطلاعات به هم دیگه میرسد که به شکل مداوم در بمباران اطلاعاتی اخبارهای مختلف اطلاعیه‌های گوناگون شهروندان شهر افرادی که در حاشیه شهر قرار گرفتند، مطلع می‌شوند تا تعاملات خود را به شکل مثبت شفاف واضح تری با یکدیگر تنظیم کنند. جواد می‌گوید: «واقعا من تشکر می‌کنم از بعضی نهادها بعضی سازمانها اطلاعات خودتون رو به روز به شفاف میارن داخل سایت خودتون نمایش میدن همه مردم میدونن که آقا فلان چیز فلان قیمت فلان روز کلان تاریخ به فروش میره بخریم یا نخیریم بحث و مهمترین مسئله اینجا خریدن نخردن مردم نیست مهمترین بحثی که اینجا وجود داره این شفافیت برای اطلاعات شفافیت عملکرد مسئولین که بیان به شکل شفاف به شکل واضح بیان کنند یا فلان مسئله وجود داره اما برای حل نداریم یا فلان موضوع می‌خواهیم بفروشیم آقا نظر شما چیه یا فلان زمین بود فلان به زمین با فلان مغازه و فلان جا می‌خوام با این قیمت بفروشیم هر که حاضر به بخره مهمترین جایی که ما ضرر کردیم همونجایی بوده که مخفیانه عمل کردیم گفتیم به سری آدم‌های خاص بدونم این باعث رانت میشه این باعث فساد میشه فساد چی هست فساد همینه دیگه.» دسترسی به اخبار و اطلاعیه بر مبنای همین فناوری ایجاد شده در حاشیه شهر کمک فراوان جهت سرعت بخشی در اطلاعات و کمک به بخش خبری در حاشیه شهر می‌کند که به نوبه خود امر توسعه بخشی را تقویت و بر مبنای آن رفتار می‌کند. داوود: «کوچکترین اتفاقی در کوچک ترین نقطه از کشور بیفته منی که تو این خرابه هستم در کوتاه‌ترین زمان ممکن خبر رو میشنوم و میشنوم حتی تحلیلش میشنوم یعنی چی یعنی من با آدمی که تو وسط تهران نشسته تفاوت ندارم.» مرضیه می‌گوید: «سامانه‌های اختراع شده برای نظارت بر عملکرد مسئولین به نظرم این باید تقویت بشه به سری ارتباطات گسترده‌تر شده منگ راضیم به نوبه خودم.» به جهت پیش برد اهداف سلامت محور در حاشیه شهر نیز میتوان روی بحث سرعت بخشی در اخبار و دسترسی به موقع حساب باز نمود که در اینباره کاوه می‌گوید: «هفته پیش بچه هام سرش درد می‌گیرد بردیم بیمارستان داخل بیمارستان دیدن گوشی تلفن همراه زنگ می‌خورد گوشی رو برداشتم دیدم که برادرم به من زنگ زده میگه که حال بچه چطوره؟ بهش گفتم: از کجا میدونی؟ گفت تو فضای مجازی گذاشتند که بچه ام را بردم بیمارستان! من دیگه شاخ در آوردم.» در واقع اطلاع

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

پیدا کردن از کار همدیگر انقدر شدت پیدا کرده که ساختارهای شکل دهنده به کار نادیده انگاشته می‌شود و صرفاً به حوزه مردمی کشیده شده که این امر مورد غفلت در حوزه سیاست گذاری شده است در همین باره و استفاده‌های بسیار شخصی از وسایل ارتباط جمعی در رصد اطلاعات خاور می‌گوید: «مساله دقیقاً همینجاست که فرصت بهت نمیدن تا کارت رو تموم کنی. همین که دستت رو کردی تو دماغت عالم و آدم خبر دارن. شما باید و باید مسیر درست رو تحت نظر مردم بری. قدم کج گذاشتی آبروت رفته. خب البته هنوز خیلی بخش‌ها هست که همچنان در زیر همون لایه‌های دیوارهای بتنی قدیمی پنهان شدن اما مدت زمان زیادی طول نمیکشه و اونها هم تبدیل میشن به دیوارهای شیشه ای. روز به روز سرعت اخبار داره بیشتر میشه و روز به روز هم وضعیت آگاهی مردم نسبت به پیرامون خودتون افزایش پیدا میکنه. به هر حال این مسیری که شروع شده و کسی نمیتونه متوقفش کنه. ما هم که دیگه تو این محله‌های پرت از مرکز شهر هستیم با این امکانات دیگه خیلی به لحاظ آگاهی از مرکز شهر فاصله نداریم و از اغلب اتفاقات مهم شهری باخبریم. اینها بالاخره تاثیرگذاره دیگه. هرچی هم که کنترل و فریب و دروغ باشه بازم کار خودش رو میکنه.» سرعت در خبر رسانی میتواند بر روی عوامل ساختاری و شکل دهنده زندگی روزمره را تقویت کند در عین حال باید تمرکز اساسی و اصلی بر روی ساختارهای شکل دهنده باشد تا پیشرفت و توسعه همه جانبه در کارها رخ دهد.

آگاه و مطلع شدن

میزان دانایی آگاهی نسبت به امور مختلف شهری روز به روز در حال افزایش است؛ کاظم: «فناوری کمک میکنه همین تلویزیون کمک میکنه برای فهم بهتر بیشتر دقیق‌تر راجع به موضوعات راجع به مسائل اینکه افراد درک کنند وضعیت پیرامونمون رو وضعیت خود و آنا خیلی کمک کننده است.» این افزایش متاثر از رشد فناوری‌های ارتباطی اطلاعاتی پیامدش یک شفافیت همه‌جانبه روشنایی بخش به امور اجتماعی و تصمیمات درست را از تصمیمات غلط شناختن باشد. نارگل: «خب هرچی که این اخبار روز به روز بیشتر میشن مردم روشن‌تر میشن. الآن دیگه مثل قدیم نیست که فقط اونهایی که درس خونده باشن بفهمن. مردم هر روز دارن اطلاعات و دانش بسیار زیادی رو از این موبایل‌ها یاد میگیرن و روز به روز هم داره به سرعت و تنوع و کیفیتشون اضافه میشه. شما با نگاه کردن به یه کلیپ یک دقیقه‌ای دنیایی از مسائلی که باید روزها و ساعتها تو کتاب‌ها دنبالش بگردی رو میفهمی. یا یه‌دونه افشاگری باعث میشه ساعتها برنامه‌ریزی و زد و بندهای بسیاری یک شبه لو بره. خب همه اینها در کنار هم هست که مردم رو نسبت به برخی مسائل آگاه میکنه و مصونیتی ایجاد میکنه تا اونها در شرایط سخت هم بتونند راه خودتون رو پیدا کنن.» شناخت نحوه تعاملات آگاهی بخشی در باره نحوه و سبک مدیریت همسایه و خانواده میتواند کوچک‌ترین اثر در این زمینه باشد که آصف می‌گوید: «دیروز رادیو را که باز کردم داشت در مورد رابطه همسایه و همسایه داری و حرف میزد خوب همین کمک کننده از همین جلوبرنده است.»

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

ایجاد سیستم تعاملی در میان این وضعیت میتواند کمک کننده به وضعیت ممکن و توسعه دهنده امکانات در زمینه شهری قرار بگیرد.

افزایش تعاملات اجتماعی

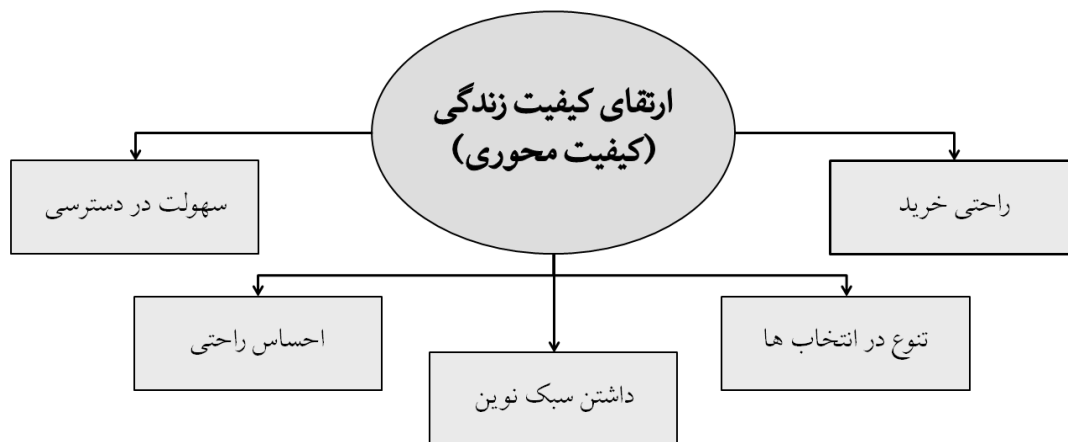
ایجاد فضاهای عمومی و همگانی در سطح مناطق و محلات شهر زمینه را برای افزایش تعاملات اجتماعی فراهم می‌کند و موجب استفاده بیشتر شهروندان از فضاهای شهری می‌شود؛ محمد جواد می‌گوید: «خب بهتر میدونید یکی از معضلات ما توی حاشیه شهر این هست که فضاهای مناسبی برای دور همی نداریم. برعکس خیلی از فضاهای مرکز شهر که انواع پارک‌ها، رستوران‌ها، کافه‌ها و ... وجود داره معمولاً کسی تو این بخش از شهر سرمایه‌گذاری نمیکنه. عموماً همه دنبال فرار کردن از این جا هستند. اما با وجود بسترهای فضای مجازی این امکان پدید اومده که اهالی بیشتر از قبل با هم دیگه تعامل داشته باشن و این باعث بهبود فضای اجتماعی محله میشه. به علاوه وجود چنین شرایطی باعث میشه پیوند بین اعضا با قدرتی که پیشون ایجاد میکنه سر و صداهای بیشتری رو رقم بزنه. سر و صداهایی که میتونی یک ارتباطی بین مردم و مسئولین برقرار کنه. اینها میتونن در نهایت زمینه ایجاد شرایط بهتر برای محیط باشه. خلاصه هرچی که شما بیشتر و بهتر دیده بشی، سهم بیشتر و بهتری هم خواهی داشت.» در حالی که امروزه شاهد هستیم فضاها به خصوص در سطوح بین منطقه‌ای بیشتر به خودروها اختصاص پیدا کرده و کمتر محلی برای حضور و گردهم آمدن در سطح شهرها وجود دارد. وضعیت گسترش فناوری ارتباطی اطلاعاتی این امکان را فراهم می‌کند که بدون نیاز ساختاری کالبدی شهری تعاملات اجتماعی به شکل مثبتی در فضاهای دیگر گسترش پیدا کند گسترش این فضاها منجر به شفافیت و روشنایی بخشی از تصمیمات مدیران به تصمیمات برنامه‌ریزان کالبدی، برنامه‌ریزان اجتماعی و فرهنگی می‌شود.

۴-۱-۱-۱۰- توسعه به معنای ارتقای کیفیت زندگی (کیفیت محوری)

در توسعه حاشیه‌ی شهری، توسعه شهری به مفهوم رشد کمی عناصر کالبدی شهر برای اسکان جمعیت و ارتقای کیفیت زندگی، در قالب طرح‌های توسعه شهری رخ خواهد داد. محلات قدیمی و فرسوده شهر به عنوان کانون اولیه زیست ساکنان شهرها نقش تأثیرگذاری در حیات شهروندان داشته و یادآور خاطرات ارزشمند ساکنان خود می‌باشند که نقش مهم و تأثیرگذاری در هویت شهر و ساکنان خود داشته‌اند. با ورود مدرنیسم محلات قدیمی دچار تغییرات زیادی گشته و محلات قدیمی که به خاطر ساختار سنتی و قدیمی خود توان و فرصت انطباق با شرایط جدید را نداشتند به مرور فرسوده شده و کارایی خود را از دست دادند. وقوع انقلاب صنعتی ساختارهای حیات بشری را تحت تأثیر قرار داده و موجب شد تا ساختار کالبدی- فیزیکی شهرها و بالأخص بافت‌های فرسوده شهری دچار تغییر و تحولات گسترده‌ی گردد، به طوری که امروزه بافت‌های فرسوده شهری که در واقع هسته اصلی چگونگی تولد یک شهر و نحوه انعکاس فرهنگ زندگی مردمان آن شهر در طول دوره زمانی تحول و تکامل شهر بوده‌اند، بعد از

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

رواج شیوه مدرنیسم در اوایل قرن حاضر و بخصوص سنجش کارایی آن بر روی کالبد شهرها، این بافت‌ها، به علت عدم همخوانی با شیوه‌های نو وارد شده از غرب، بافت‌های ناکارآمد و مسئله‌زا تلقی گردیدند. چنانکه امروزه این مناطق در پاسخگویی به نیاز شهروندان در مانده و ناتوان بوده و موجب ناپایداری و تهدید سلامت زیست شهر و شهروندان است؛ و با مشکلاتی مانند تراکم و تمرکز جمعیت و فعالیتها، افول اقتصادی، افول کیفیت کالبدی، کاهش ارزش‌های محله‌ای و مسکونی افول کیفیت‌های اجتماعی، شرایط نامطلوب زیست محیطی، دشواری‌های دسترسی و مشکلات ترافیکی و انحطاط کیفیت‌های فرهنگی و بصری مواجه است که به عنوان یک تهدید جدی برای آینده شهر محسوب می‌شود. در چنین شرایطی ارزش‌پذیری شهروندان ساکن کاهش یافته و علاوه بر اینکه نیازهای اساسی آنها برآورده نشده شهر و شهروند کنونی را با تهدید بسیار جدی «بحران هویتی»، «از خودبیگانگی» و «سرگشتگی» مواجه می‌سازد و مفهوم «شهر» و «زندگی شهری» را تنها در حد مکانی برای تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای مادی انسانی (تغذیه، مسکن و...) در سطحی بسیار پایین تنزل می‌دهد. در این راستاست که از دهه ۱۹۶۰ ایده کیفیت زندگی به عنوان یکی از مسائل مهم شهری در تمامی دنیا مورد توجه قرار گرفته و جای خود را در ادبیات برنامه‌ریزی شهری باز کرده است. با توجه اینکه پهنه‌های ناکارآمد شهری بافت‌های فرسوده شهر بخش قابل توجهی از شهرهای کشور (بیش از ۶۷ هزار هکتار بافت فرسوده و ناکارآمد) را با جمعیت بیش از هشت و نیم میلیون نفر در ۳۸۳ شهر تشکیل می‌دهند.



نمودار ۴-۴- مولفه محوری ارتقای کیفیت زندگی (کیفیت محوری) و مفاهیم ذیل آن

فرهنگ کیفیت محور مفهوم و تعاریف کیفیت کیفیت، واژه رایج و آشنایی است که از مفهوم و نحوه کاربرد آن تفاسیر گوناگونی به عمل آمده است. اما وجه مشترک تمام تعاریف سازگار کالا یا خدمات با انتظارات و نیازهای مشتریان است به عبارت دیگر کیفیت وقتی به دست می‌آید که تولید خدمت، انتظارات مشتری (اعم از داخلی و خارجی) را برآورد سازد. کیفیت از مشتری شروع می‌شود و هر گونه توجه یا خدمت، بدون توجه مشتری الزاماً کیفیت را به دنبال ندارد. بنابراین باید نظر مشتریان را جویا و از

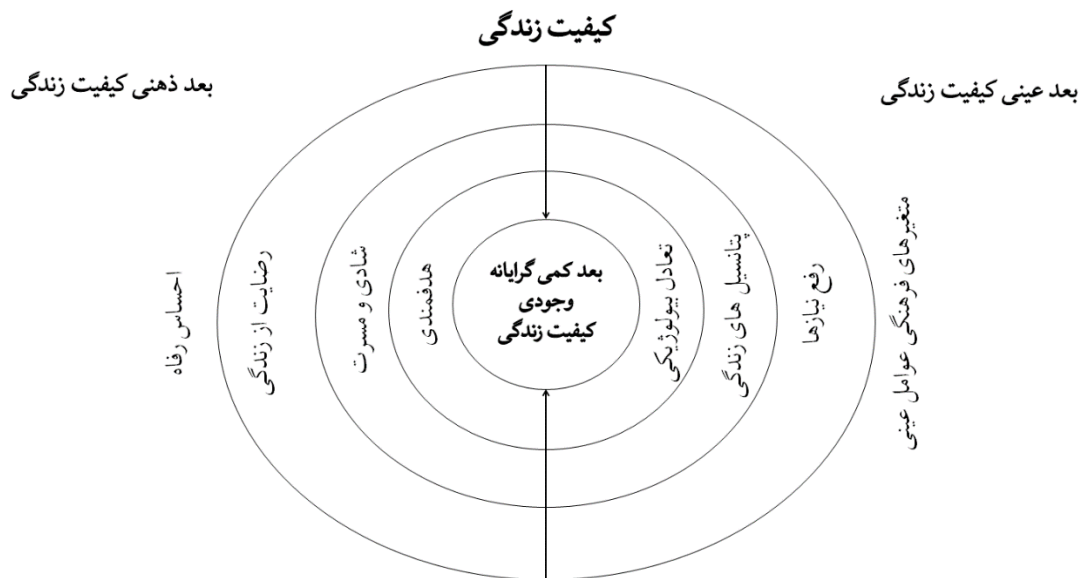
نیازهای آنان به خوبی آگاه شد و تولید یا خدمات را منطبق با آن نیازها ارائه کرد. انسان در زمانی که سعی در تولید کالا یا ارائه خدمات نمود به موضوع کیفیت توجه ویژه‌ای معطوف داشته است شاید یکی از دلایل مهم توسعه تکنولوژی و صنعت بر مبنای این اصل استوار می‌باشد که انسان هیچ گاه از وضع موجود راضی نبوده و همواره سعی در بهبود وضعیت موجود داشته است. صابر: «وقتی بتونیم درست زندگی کنیم یک سری امکانات باشه میتونیم بگیریم که توسعه پیدا کرده.» به طور کلی تعاریف متعدد و گوناگونی در مورد کیفیت ارائه شده است که عبارتند از: کیفیت به عنوان درجه‌ای که یک محصول با انتظارات مشتری و مشخصات ارائه شده تطبیق دارد تعریف شده است. کیفیت توسط مشتری تعیین می‌شود، نه توسط تولید کننده. به عبارت دقیق‌تر، کیفیت مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات یک کالا یا خدمت است که احتیاجات و رضایت مصرف کننده را تأمین می‌کند. جامعه کنترل کیفیت آمریکا واژه کیفیت را به صورت زیر تعریف کرده است: «مجموعه ویژگی‌ها و خصوصیات یک قلم کالا یا یک نوع خدمت که بتواند نیازهای آشکار و پنهان خریدار را تأمین نماید کیفیت هیچ مفهومی جز هر آنچه که مشتری واقعاً می‌خواهد، ندارد.»

سازمان استانداردهای بین‌المللی کیفیت را این گونه تعریف می‌کند: تمامیت ویژگی‌ها و خصوصیات محصول یا خدمات که توانایی برآورده کردن نیازهای مشتری را دارد. سازمان ملی بهره‌وری سنگاپور بیان می‌کند که کیفیت توسط مشتری تعریف می‌گردد نه تولید کننده یا ارائه دهنده خدمت. به عبارت دیگر، کیفیت مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات یک کالا یا خدمت است که خواسته‌ها و رضایت مصرف کننده را تأمین می‌کند (در دهه ۵۰ میلادی دمینگ و فیگن باوم مفهوم جدید کیفیت را اینگونه بیان نمودند، «کیفیت مفهوم وسیعی است که تمام بخشهای مختلف سازمان نسبت به آن متعهد هستند. هدف آن افزایش کارایی کل مجموعه است و هدف نهایی آن مطابقت کامل با مشخصات مورد نیاز مشتری با حداقل هزینه برای سازمان است که منجر به افزایش قابلیت رقابت در سطح سازمانها می‌شود.»

کیفیت زندگی مبحثی چند رشته‌ای بوده و یک مفهوم چندبعدی است. برای فهم ابعاد آن نیاز است ابتدا تعاریفی به اختصار از مفهوم کیفیت مطرح شود. در چارچوب کالبدی، کیفیت عبارت است از: «مجموعه‌ای از خصوصیات یا صفات مشخص که باعث متمایز کردن یک شیء از اشیای دیگر شده و انسان را قادر می‌سازد که در مورد برتری، مشابهت و یا فروری چیزی در مقایسه با چیزی دیگر قضاوت و حکم کرده و از نظر زیباشناختی - در مورد زیبا یا زشت بودن، خوب یا بد بودن؛ و از نظر عملکردی - در مورد بهتر یا بدتر بودن و کارآمد یا ناکارآمد بودن آن قضاوت کند». انسان با عدم ادراک خود و رابطه اش با جهان پیرامون دچار هراس می‌شود؛ پس در پی یافتن آرامش خاطر است. تعلق خاطر در این میان ملجأ و پناهگاهی است تا انسان را از تعلیق‌رهایی بخشد و او را به تکه‌هایی از هستی پیوند زند. انسان تلاش دارد تا از طریق یافتن تشابهات و تمایزات خود با دنیای بیرون به شناختی نسبی از خود برسد. درواقع انسان به عنوان یک موجود اجتماعی نیاز به شناور شدن در دریای جمعیت دارد. هر چه فضا سرزنده‌تر و

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

پر جنب و جوش‌تر باشد، به هم‌رنگی وی با جماعت یاری رسانده و «من» خود را به «ما»ی جمع قرین‌تر خواهد یافت. در حال حاضر بسیاری از متخصصان معتقدند کیفیت زندگی دو بعد عینی و ذهنی دارد که جزئیات آن در نمودار ۴-۱ نشان داده می‌شود.



نمودار ۴-۵- مدل تلفیقی کیفیت زندگی

از سوی دیگر ارتباط تنگاتنگی بین کیفیت زندگی و موضوع بهداشت وجود دارد؛ به طوری که بسیاری از تعاریف ارائه شده حول این محور است. برای نمونه، تعاریف اخیر سازمان بهداشت جهانی از کیفیت زندگی در ۷ محور ارائه شده است و شامل درآمد، اوقات فراغت، بهداشت، آموزش، امنیت، پتانسیل‌های محیطی و تغذیه می‌شود. همچنین در کشورهای مختلف دنیا، شاخص‌های گوناگونی برای ارزیابی کیفیت زندگی تعریف می‌شود و هر ساله طبق آن، کیفیت زندگی محدوده موردنظر ارزیابی می‌شود. به عنوان نمونه نتایج این ارزیابی در اتحادیه اروپا به شرح جدول ۱-۱۰ است.

در زمینه بررسی این موضوع در مقیاس خردتر (محله)، تأکید بیشتر بر کیفیت‌های زندگی و محیط زیست است. همچنین در عمل، دامنه آنچه فرد برای تأمین نیازهای خود دنبال می‌کند، ممکن است با همسایگان نزدیک تفاوت داشته باشد؛ ولی مکان‌هایی وجود دارند که می‌توانند تنوعی از نیازها و امیدها را خیلی ساده‌تر از بقیه تأمین سازند.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت کیفیت زندگی، در واقع ادراکی ذهنی از زندگی از دیدگاه شهروندان و ترکیب کنش بین خصوصیت‌های محیط و خصوصیت‌های افراد است. بنابراین مطالعه و بررسی سطوح کیفیت زندگی در یک شهر یا در سطح مناطق و محله‌های شهری، مستلزم سنجش ویژگی‌های محیط و ساکنان آن محیط است و در این راستا باید به بررسی پاسخهای افراد در ارتباط با سطح رضایت مندی

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

آنها پرداخت. این مطالعات می‌توانند الگوی مناسبی برای تعیین معیارهای قابل سنجش در کیفیت زندگی باشند. در ایران، پژوهشگران حوزه شهر و شهرسازی از این یافته‌ها در تعریف مؤلفه‌ها و معیارهای سنجش کیفیت زندگی استفاده کرده‌اند.

راحتی خرید

ایجاد سبک‌های طراحی برای مکان‌های خرید و فروش و ساختار مشخص برای تعامل بهتر از جمله کارهای است که در این بخش می‌توانند صورت دهند تا امکان رضایت بیشتری داشته باشند؛ زهره می‌گوید: «به شکل راحت و آسوده خاطر می‌توانیم در محل خرید کنیم خریدها به راحتی انجام می‌شود سبک زندگی ما یک سبک زندگی بهتر با احساس ارتقای یک سطح زندگی مواجه هستیم.» کمال می‌گوید: «از وقتی این فروشگاه‌های زنجیری بزرگ شده تو محل آدم راحت‌تر میتونه انتخاب‌های متعدد و متنوعی داشته باشه واقعا برای انتخاب کردن یا خرید کردن در مزیقه و دشواری بودیم الان خیلی بهتر از دیروز.» اصغر می‌گوید: «در سرهای گذشته اینکه یک چیز را بارها بخواهیم از مناطق مختلف بپرسیم اخر سر یک جنس تقلبی به ما بدهند دیگر نداریم الان راحت سرچ می‌کنیم وسیله‌ی که می‌خواهیم هم به شکل فیک اون هم به شکل اورجینال وجود داره سفارش میدیم میخریم کلی استفاده می‌تونیم بکنیم از همین تکنولوژی.»

تنوع در انتخاب‌ها

به شکل گوناگون و متنوعی می‌توانیم خرید کنیم تنوع در خریدها بسیار گسترده شده است و سایلی که به شکل متعدد خرید می‌کنیم زیادتر است تنوع و تکثر انتخاب‌ها گوناگون است. رحمت می‌گوید: «قبلاً تلویزیون به شکلی بود که ساعت ده شب یک سریال پخش میشد ما هم با همه اعضای خانواده می‌نشستیم با هم میدیم امروز همین فیلمو همین چیزی جدیدی که بر روی خط هستند آنلاین اصطلاحاً کمک میکنه که برای هر سلیقه‌ای یک سبک فیلم داشته باشیم و ببینیم.» سجاد بیان می‌کند: «حالا شاید ما سال‌های پیش توی این فیلم‌ها میدیم که خیلی از ابزارهای و وسایلیش رو تلفنی سفارش میدن یا به هر حال توسط همین ابزارهای دیجیتال کاری می‌کردند دربارش اما این روزها خودمون دیگه داریم باهاش به شکل مستقیم مواجه میشیم. در حاشیه بودن اگرچه در وضعیت سنتی کمی سخت کننده باشه اما در وضعیت مجازی خیلی از این محدودیت‌ها نیست و ما هم میتونیم مثل باقی مردم از امکاناتی که تو این زمینه وجود داره استفاده کنیم. راحت‌تر خرید کنیم. با تنوع بیشتری از اونچه در محل زندگیمون به ما میده مواجه هستیم و در نهایت وضعیتمون و سبک زندگیمون رو به ترقی هست. برای مثال الان خیلی از خریدهای وسایل خونمون دیگه داره مستقیم از تهران میاد. از این سایت‌های مختلف مثل دیجی کالا خیلی از وسایل تو طرح‌های مختلف رو سفارش میدیم. همین وسایل رو تو شهر و محله خودمون با چند برابر قیمت باید بخریم. تازه اگه وقت و حوصلش برای گشتن و پیدا کردن باشه. یا اصلاً چیزی وجود داشته باشه. خلاصه می‌خام بگم دستمون بازه. راحت‌تر می‌خرید و متنوع‌تر انتخاب می‌کنیم.»

داشتن سبک نوین

سبک‌های نوین برای انتخاب کردن و خرید کردن یا حتی زندگی کردن در سبک مختلف و متنوع می‌توانیم انتخاب کنیم یک شکل واحدی از زندگی مشترکی که گذشته داشتیم را دیگر نداریم بلکه یک ارتقای کیفیت در محله به وجود آمده و به وجود خواهد آمد با گسترش فناوری ارتباطی اطلاعاتی می‌توانیم این را پر کنیم تا بتوانیم بهترین تصمیم‌گیری را نسبت به پیرامون خودمان داشته باشیم. محبوبه: «من سال‌های زیادی تو این محله زندگی می‌کنم. اون قدیما اینجا حاشیه شهر محسوب نمی‌شد که اینجا برای خودش برو و بیایی داشت. اینجا روستا بود و ما اهالی روستا. اما امروز فرق کرده. شده به جای پرت. با اینکه ما هنوز همونجایی هستیم که سال‌ها قبل بودیم اما حالا انگار عقب مونده‌تر محسوب میشیم. ولی واقعیت اینه که اینطور نیست. وقتی سر و وضع مردم رو میبینی و وقتی لباس پوشیدنا و طرز زندگی کردن‌ها و مطابق مد روز بودن‌ها رو نگاه می‌کنی فرق چندانی با جاهای دیگه حس نمیکنی. نه اینکه مردم وضعشون خوب باشه، نه. ولی به طور نمود میکنه انگار اینها همون مردم وسط شهر هستن. سبک زندگیشون با اون روستایی کهمن ازش حرف میزنم زمین تا آسمون توفیر داره. نمیدونم برای کدومش باید خوشحال باشم و برا یکدومش ناراحت. از اینکه این اندازه دور شدیم از اون گذشته خوشحال باشم. ز اینکه همه شبیه هم شدیم ناراحت باشم؟ امروز به دوربین بردار ایزین خیابون یه فیلم بگیر برو نشون بده بین فرق اینجا و فلان شهر رو کسی میفهمه؟ نه چون دیگه با اومدن این تلفنا و موبایلا دیگه همه از وضع هم با خبرن و روز به روز همه شکل هم میشن. به قول معروف به روز میشن. آپ دیت میشن و ازین حرفا.» در واقع سبک جدیدی از زندگی را تجربه می‌کنیم این سبک جدید برای ما بهتر است ما احساس می‌کنیم این شکلی زندگی کردند برحسب باز نمای تلویزیون و رسانه‌های مختلف این نحوه زندگی ما بهترین نحوه زندگی است که داریم در گذشت زندگی من با عذاب همراه بود اما امروز زندگیمان عذاب آور نیست امروز مدرن زندگی می‌کنیم حتی اگر در حاشیه شهر سکونت داشته باشیم.

احساس راحتی

در شرایط عادی، نوسازی بافتهای شهری فرآیندی است که در برابر تغییرات عملکردها و نیازهای اجتماع توسط ساکنان انجام می‌پذیرد. در واقع نوسازی فرآیندی است خود به خودی و تدریجی که در سطح شهر صورت می‌گیرد، اما هنگامی که کارایی و کیفیت زندگی در یک محله شهری به دلایل مختلف کاهش یافته یا دچار فرسودگی می‌شود و این مساله مشمول زمانی طولانی می‌گردد، ساکنان دیگر تمایلی به نوسازی محل سکونت خود ندارند. در نتیجه به تدریج آن محدوده شهری از چرخه توسعه خارج می‌شود. علاوه بر این محلات حاشیه‌ی افرادی از اقشار کم درآمد و ضعیف را در خود جای داده است که توان مالی نوسازی ابنیه خود را (حتی با وجود انگیزه و تمایل) نخواهند داشت. همچنین در اثر فرسودگی بافت و کاهش کیفیت زندگی، قیمت املاک و اراضی کاهش یافته و امکان تغییر محل زندگی و نقل مکان به محلی مناسب‌تر نیز برای ساکنین محله دور از دسترس خواهد بود. «وقتی در محله خودمان

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

قدم می‌گذاریم پا در بیرون از محل می‌گذاریم وقتی وارد محل می‌شویم با راحتی آسایش فرا بال بهتری قدم می‌گذاریم در واقع محل هایی که در این زندگی می‌کنیم در آن برای ما حس خوب مثبتی به همراه دارد در واقع ای کیفیت زندگی داریم اجرا می‌کنیم و به شکل ملموس مبینی میشنویم همه موارد درباره اون در ذهن خودمون پیداش می‌کنیم.»

«خب حسی که ما اینجا داریم واقعا جای دیگه تا حالا نداشتیم و بعید میدونم تجربش کنیم. راحتیم. میدونی؟ البته نه اینکه مشکلات نباشه ولی اون آرامش درونیه رو برامون داره. اون رضایته. اون حس امنیته. اون نرمال بودن. اینه که میگم اینجا راحت تریم. حالا شاید این نظر من باشه. بقیه رو نمیدونم. ولی خب تصور می‌کنم وقت هایی که راه میریم. قدم می‌زنیم حرف می‌زنیم. میشنیم. و .. جز جزء بخش‌های زندگی رو که تصور می‌کنم به احوالاتی میرسم که میشناسمشون. حالا ممکنه بازم تجربیات و دریافت هایی که از بقیه جاها داریم متفاوت باشه و متمایز باشه و جدید باشه و آموزنده باشه و ... از این حرف‌ها ... ولی در کل به نظرم این وضع بهتریه و حس راحتیش رو دوست دارم.» محالت به خلق فضاهای شهری و نیز مکانهایی مناسب برای احداث ساختمان‌های عمومی مردم نهاد اولویت میدهند. ساختمانهای خصوصی، تجاری، لبه‌ای را شکل میدهند که فضاهای عمومی و فضاهای داخلی بلوکها را تعریف می‌کنند. فضاهای شهری همچنين ميادين، مکان هایی را برای تجمع و تفریح ایجاد می‌کنند و برای استقرار ابنیه عمومی در نظر گرفته میشوند. چنین سایت هایی روح مدنی جامعه محلی را ارتقا، داده و مکانهایی را که در آن مردم قادر به گردهمایی با هدف فعالیت‌های جذب توریستی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی باشند، پدید می‌آورند

سهولت در دسترسی

محلہ دارای اختلاط متعادلی از فعالیتها است: خرید، کار، مدرسه، تفریح و گونه‌های مختلف مسکن. چیدمان فوق به ویژه برای جوانترها، کهنسالان، معلولین و اقشار ضعیفی که برای حرکت به خودرو وابسته نیستند، مفید است. «من یادم میاد قبلا میخواستیم تا یک سوپری بریم کلی راه باید میرفتیم اصلا فراموشمون مید که چی میخواستیم بخریم حتی! امروز خیلی وضعیت خوب شده واقعا هم به لحاظ رفت و آمد هم همه جانبه خوبه.» محدوده بدون ماشین یا بدون ترافیک یا مکانهای بسته بر ترافیک موتوری در پی احیای مجدد نقش انسان در شهرها میباشد. اصطلاح منطقه بیتراфик در مورد طیف وسیعی از فضاهای شهری نظیر پارکها و میدان‌های بکار می‌رود اما اخیرا این اصطلاح برای تعریف یک مفهوم خاصتر به کار رفته است و بیانگر سطوح شهری است که به دلیل تاریخی، معماری خاص یا بازرگانی ورود اتومبیل به آنها منع شده و اولویت به پیاده و حمل و نقل عمومی داده شده است. در واقع در بخشی از شهر که میزان رفت و آمد زیاد و بعد مسافت بطور کلی کوتاه است، اگر امکان حرکت آزاد، راحت و سالم برای عابران پیاده فراهم باشد، بسیاری از افراد ترجیح میدهند که پیاده روی کنند. «نقد گرانی و تورم و شکل‌های اینجوری در جامعه زیاد شده دیگه برای مردم فرقی نمیکنه که من این جا میشنیم یا تو گل‌سار میشنیم.»

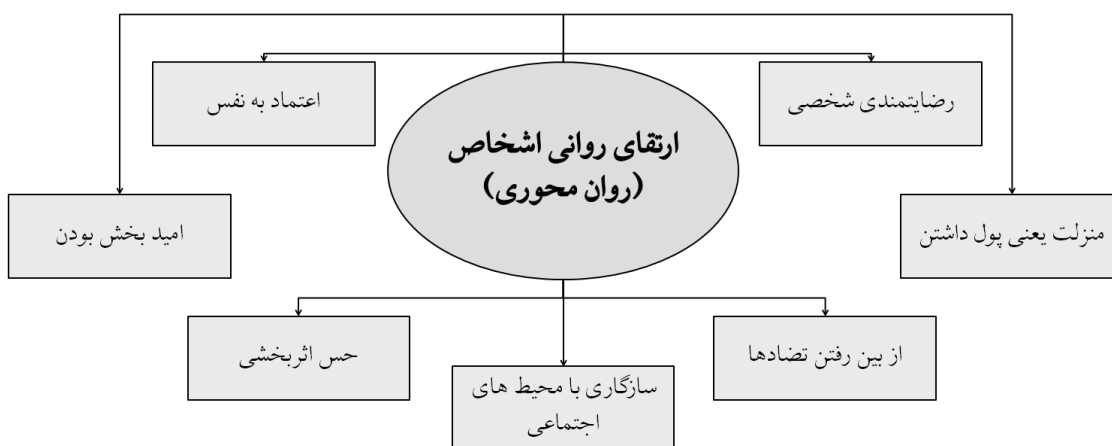
فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

انگاره تبدیل مسیرهای شهری به خیابانهای پیاده (پیاده راه)، برای اولین بار از دهه‌های میانی قرن بیستم میلادی به بعد در محدوده تاریخی و مرکزی شهرهای اروپایی با هدف خارج ساختن محدوده‌های تاریخی شهرها از تسلط اتومبیل و برای حفاظت از بافتهای کهن و احیاء حیات اجتماعی، طرح و در قالب تجربهای محدود و محلی در یکی از خیابانهای خرید مرکز شهر «اسن» آلمان به اجرا درآمد. توجه به این امر، پس از جنگ جهانی دوم و فرا رسیدن زمان بازسازی شهرهای اروپایی شکل مشخصتری پیدا نمود. تا دهه ۸۰ میلادی، غالب بخشهای مرکزی و تاریخی شهرهای عمده اروپا به روی اتومبیل بسته شدند. «امروز فروشگاه‌های متعدد متن‌نویس در سرتاسر محله افتتاح شده است تا دسترسی ما را نسبت به وسایلی که در محله نیاز داریم فراهم سازد این وسایل قبلاً وجود نداشتند امروز حتی به شکل اینترنتی هم هم از طریق پست یا حمل باکس‌هایی که به راحتی کوتاه‌ترین زمان سفارش ثبت می‌کنند و برامون در کوتاه‌ترین زمان ارسال میشه.» یکی از پیش‌داوریهای بسیاری از متخصصان طراحی این است که اتومبیل بد است و باید آن را از جلوی راه برداشت. ولی باید متوجه بود که استفاده از اتومبیل تا حدود زیادی بخشی از زندگی افراد را تشکیل داده و فعالیت‌های بسیاری را تولید می‌کند. البته در اغلب موارد الزم است اتومبیل و عابران پیاده از یکدیگر جدا شوند. «خب امکانات خیلی زیاد این روزها این دور و اطراف داریم میبینیم. دست رسی‌ها به شدت افزایش پیدا کرده. من معتقدم لا به لای همه مشکلات و غر زدن‌ها اون اتفاه داره میوفته. می‌دونی چی می‌خوام بگم؟ اون توقعات، اون انتظارات لا به لای همه نارضایتی‌ها هست که رخ میده. حالا اینها صرفاً منحصر به بخش فیزیکی هم نیست. چیزی که شاید در کنارش باعث تقویتش میشه اینه که ما داریم توی دنیایی زندگی می‌کنیم که انگار فقط همه فروشگاه‌های محلمون مال ما نیستن. هر جای دنیا که چیزی باشه اونم مال محله ما هست. این همه سیستم‌های حمل و نقل سریع، این همه سیستم پست متنوع، خب اینها توی رضایته نقش داره دیگه. اینا هستن که باعث میشه تعلق آدم از یک نقطه کم بشه. همه جا داره مثل هم رشد میکنه. فقط مهم اینه که اون ابزاره باشه. ابزار ارتباط. ما بتونیم واقعا استفاده کنیم. خدا رو شکر فعلاً که از این نظر رو به بهبوده و من از این سهولته راضیم.» روش استاندارد، در نظر گرفتن پیاده رو در خیابان است. تبدیل خیابانها به فضاهای مخصوص عابر پیاده و ایجاد بلوکهای بزرگ، راه دیگری است. در بسیاری از شهرهای سراسر جهان خیابان‌های اصلی به روی ترافیک بسته شده و تبدیل به مسیر پیاده روی شده‌اند. هدف این بوده که زندگی را برای عابران پیاده مطبوع کرده و بنابراین تجربه خرید را برای آنها لذت بخش و در نهایت وضعیت اقتصادی فروشگاهها را بهبود بخشد. هدف در بعضی مواقع فقط تامین راحتی است، ولی در مواقع دیگر ارتقای تجربه متوالی از شهرها به هنگام قدم زدن در خیابانها نیز مدنظر است. در جاهایی که خیابان باریک بوده و مقاصد مشخصی در دو سر آن ورود دارد، این تبدیل عملکردها، بسیار موفقیت آمیز بوده است. در مواردی نیز چنین تغییراتی موفق نبوده و بسیاری به حالت اول برگشت داده شده اند، یعنی دوباره در اختیار ترافیک سواری قرار داده شده است.

۴-۱-۱-۱۱- توسعه به معنای ارتقای روانی اشخاص (روان مداری)

سال هاست که مقوله بافت فرسوده در ایران به عنوان یک واقعیت مطرح است، لیکن به رغم بحثهای مختلفی که در کلیه سطوح تصمیم‌گیری و کارشناسی پیرامون این پدیده ابراز شده، هنوز مسائل و سؤالات بی پاسخ فراوانی فراسوی مسئولین قرار دارد. از سوی دیگر پیشتازی ایران در حوزه آسیب پذیری از حوادثی چون زلزله، نوسازی را به عنوان مؤثرترین راهکار در تحلیل پیامدهای منفی این حادثه طبیعی، ضروری می‌سازد. این اهمیت در سال‌های اخیر، در شهر تهران، جهت احتمال وقوع زلزله و میزان تلفات زیاد ناشی از آن، حساسیتی مضاعف یافته است؛ اما از آنجا که فرآیند نوسازی، تأثیری مستقیم بر زندگی کنونی و آتی ساکنین این بافت‌ها خواهد داشت، لذا پیش از هر چیز نیازمند یک نگرش اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. از سویی تجربیات به دست آمده در پروژه‌های بافت فرسوده شهرهای ایران طی سالیان گذشته نشان داده اند که رویکرد به اصطلاح بولدوزری یا به بیان دیگر (تخریب- نوسازی، تنها مشکلات این بافت‌ها را از جایی به جایی دیگر منتقل خواهد کرد و نتایج ناگوار جدایی مردم از سازندگان و دولت را در پی خواهد داشت. لذا امروزه آنچه بر آن تأکید می‌شود این است که نوسازی بافت‌های فرسوده اصولاً امری است که بدون مشارکت مستقیم ساکنین این مناطق امکان پذیر نیست.

بنابراین انجام هرگونه مطالعه‌ای در زمینه حل معضلات این بافت‌ها موکول به انجام مطالعات در حوزه روان محوری است و این در حالی است که هنوز بسیاری از طرح‌ها و پروژه‌های مرتبط با بافت فرسوده در ایران از ضعف چنین مطالعاتی برخوردارند (Mazumdar, Sen, & Parekh, 2022). با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت، تحولات جدید شهرنشینی و مشکلات ناشی از آن باعث شده است تا مراکز تاریخی شهرها در معرض تأثیرات نامطلوب توسعه شهری قرار گیرند، احیاء و توسعه حاشیه‌ی بافت‌های فرسوده شهری در چارچوب سیاست توسعه درونی بر به کارگیری توانهای بالقوه و بالفعل موجود در بافت‌های شهری با استفاده از مشارکت مردم تأکید داشته و در واقع سودمندی رویکرد مشارکت جویانه و استفاده از مزایای آن در پروژه‌های بافت فرسوده شهری امری انکارناپذیر می‌باشد، به طوری که امروزه ثابت شده است حضور و مشارکت مردم در مداخلات صورت گرفته در بافت فرسوده نقش اصلی را در تحقق پذیری طرح‌ها ایفا می‌کند، اما پیچیده بودن و عدم آگاهی مردم از احیاء و توسعه حاشیه‌ی باعث بی رغبتی بخش غیردولتی برای مشارکت در این گونه پروژه‌ها شده است و به همین دلیل مشارکت مردم و حضور فعال آنان لازم است تا بتوان با ریشه یابی دقیق مشکلات بافت و با همکاری ساکنین راه حل‌های مناسب را با توجه به بستر طرح ارائه کرد. بافت‌های فرسوده‌ی شهرهای بزرگ در صورت رسیدگی به وضعیت آن و با کمترین هزینه، بخش قابل توجهی از فضاهای سکونتی موردنیاز شهرها را می‌تواند تأمین کند. در ساماندهی بافت‌های فرسوده یکی از پیش شرط‌های بنیادین، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها است.



نمودار ۴-۶- مولفه محوری ارتقای روانی اشخاص (روان محوری) و مفاهیم ذیل آن

بهداشت روان یعنی سازش با فشارهای مکرر روانی زندگی روزانه، سازگاری و ایجاد تعادل و هماهنگی رفتارهای فرد با محیط زندگی، به گونه‌ای که ضمن حفظ تعادل روانی، در ارتباط با تغییرات و دگرگونی‌های محیط خویش نیز به تطابقی موثر و سازنده دست یابد آنان می‌گویند، هدف اصلی بهداشت روان پیشگیری از وقوع ناراحتی‌ها و حفظ سلامت روانی به منظور ایجاد محیط‌های فردی و اجتماعی سالم و مناسب و همچنین درمان اختلالات جزئی رفتاری است، به طوری که از وقوع بیماری‌های شدید روانی پیشگیری کند.

باید گفت مسایل اجتماعی می‌تواند زمینه ساز بروز مشکلات روانی در افراد شود، از این رو باید فضایی اجتماعی همراه با امیدواری، نشاط و تنوع پذیری به منظور کاهش میزان بیماری‌های روانی فراهم آید، سلامت انسان یک موضوع کیفی است و اکثریت افراد جامعه علی‌رغم اینکه بیمار محسوب نمی‌شوند، باید از نظر سلامت در رفاه باشند ارتقای سلامت روانی افراد جامعه باید جزو سیاست‌های کلی کشور باشد و برای تربیت نیروی انسانی و خدمات مورد نیاز بیماران، باید بودجه مناسبی اختصاص داده شود. در واقع یکی از مشکلات ما ارتقای بهداشت روانی جامعه، نبود تمایل جدی مسئولان برای ارتقای سلامت روان است و این در حالی است که بهداشت و درمان به طور عام و سلامت روان به طور خاص، در اولویت‌های سلامت کشور برای بودجه‌بندی نیست طی سال‌های اخیر به موضوع بهداشت روان به اندازه کافی پرداخته نشده و کم لطفی خاصی از طرف مسئولان نسبت به آن وجود داشته است، اهمیت ندادن به بهداشت روان، عوارض زیادی دارد که یکی از آنها این است که نه فقط بیماران نمی‌توانند از خدمات درستی برخوردار شوند، بلکه افراد سالم جامعه هم نمی‌توانند از خدماتی که می‌تواند سلامت روان آنان را ارتقا بدهد، استفاده کنند، بهداشت روان بحث بیمار و فرد سالم نیست، بلکه ارتقا دادن یکسری از خدمات سلامت و پیشگیری از ابتلا به بیماری‌های روانی است.

منزلت یعنی پول داشتن

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

این سؤال که داشتن پول زیاد چه تأثیری بر روان ما دارد به هیچ‌وجه پیش‌پاافتاده نیست. پیامدهای اجتماعی و روانشناختی قرارگرفتن در رأس هرم اقتصادی و داشتن موقعیت ممتاز افراد را در یک دایره گسترده قرار می‌دهد که این دایره گسترده می‌تواند منجر به از بین رفتن سبک زندگی و حتی نحوه تاملات آنان با دیگران شود. «این روزها مد شده هر کی از راه میرسه میخواد ما رو نصیحت کنه که خوشبختی این هست و آن نیست. خوشبخت یعنی فلان و بیسار. خب عزیز دل من وقتی شما دستت خالیه و سرت پایین و وجدانت شرممنده اون وقت بیا و برای من از خوشبختی حرف بزن. شکمت که سیر باشه برای دری وری گفتن چیزی کم نمیاری. در واقع مخلص کلام اینه که شما باید اول و آخر کارت جیبت پر از پول باشه و حسابت یه تیک آبی داشته باشه تا بقیه آپشن‌های زندگی برات باز بشه. برای داشتن شخصیت باید پول داشته باشی. برای مهربون بودن باید پول داشته باشی. برای محترم بودن باید پول داشته باشی. برای قوی بودن باید پول داشته باشی. برای زنده موندن باید پول داشته باشی. عزیزدل من شما هر چیزی که از این دنیای کوفتی بنحای باید برای پول داشته باشی. برای رفع بلا هم باید پول داشته باشی تا صدقه بدی و اگر نه صدقه بگیر میشی و بلا خور بچه مردم. از من قبول کنی یا نکنی قصه همینه عزیزدلم» ساختار اجتماعی که در حاشیه شهر وجود دارد امکان را فراهم می‌سازد تا به شکل واحد و ساختار مند منزلت را صرفاً به دیده پول و پول را یکی از عامل‌های خوشبختی تلقی کنند این عامل خوشبختی پیش‌برنده افراد به سمت سوی یک آرامش روانی است.

از بین رفتن تضادها

فناوری‌ها و تکنولوژی‌ها کمک کننده برای بهبود روابط و ایجاد ساختارهای معینی برای تنظیم روابط با دیگری هستند. «یکی از خوبی‌های این ابزارهای جدید اینه که باعث شده همه از یه آب‌شخور آب بخورن. همه هم دیگه رو بیشتر میبینن. با هم دیگه بیشتر حرف میزنن. با هم دعوا میگیرن ولی تهنش اینه که با هم بیشتر مچ میشن. فقیر و غنی هم نداره. مذهبی و غیر مذهبی هم نداره. پایین و بالا هم نداره. سوای همه مجادلات اینه که همه با هم دیگه آشنا میشن و همه بیشتر از همیشه میفهمن همو. همسایه و هم محلی و هم شهری از اینکه تو کله اونیکی چی میگذره بیشتر از قبل آگاه میشن. واسه همینه که یه خورده اون دعوای قدیمی کم میشه و بحث دیگه بر داستان‌های بچگانه قدیمی دووم نیاره. مردم فهمیده‌تر میشن. مردم روشن‌تر میشن. در مجموع اختلافات کم میشه. نمیدونم گرفتی قضیه رو یا نه.» تنظیم‌بندی روابط با استفاده از ایجاد یک ساختار من مشخص از سبک زندگی واحدی می‌شود که این سبک زندگی واحد باعث از بین رفتن تضادها اختلاف‌های بین همدیگر بین همسایه‌ها به شکل ملموسی کاهش یافته است.

سازگاری با محیط اجتماعی

رضایت افراد از شخصیت آنان از سبک زندگی که دارن انجام میدن باعث میشه چه شکلی زندگی با محیط پیرامون خودشون را سامان بدهند. استفاده از فناوری‌های ارتباطی اطلاعاتی این امکان را فراهم می‌کند تا در جهت بهبود شرایط کنونی مردم بتوانند بهترین بازدهی بهترین تعامل و نسبت به همدیگه را

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

داشته باشند. «میدونی یکی از موضوعاتی که مهم هست اینه که این روزها اکثر غریب به اتفاق افراد دارن سمت و سوی زندگی خودشون رو مطابق با استانداردهای جهانی تطبیق میدن. افراد نحوه و شش، نشست و برخاست، خوردن و اشامیدنشون رو با همه محدودیت‌ها دارن به شکلی که مطلوبشون هست تنبیه می‌کنن و وقتی خودشون رو تو این چارچوب مبین حس مطلوب تری دارن. خب شما زمانی که هیچ استانداردی نداری و هیچ الگویی در ذهن نداری دائم داری تصور می‌کنی که مثلا هارچی‌ها چجوری زندگی می‌کنن. وقتی که فرصت این پیدا میشه تا حد بسیار زیادی مکانی که داری توش زندگی می‌کنی رو از عادت‌های قدیمیش خارج کنی و مطلوبیت‌های خودت رو در اون ادغام کنی خواه نا خواه حس بهتری از زندگی تو مکانی که هستی بهت دست میده. همه این‌ها باعث میشه که خیلی از تنش‌ها و چالش‌هایی که ممکنه تو این مسیر برای پدید بیاد دیگه از بین بره.»

حس اثربخشی

مثمر ثمر بودن و ایجاد یک روحیه کارآمد در زندگی احساس اینکه در محل نمیتونم تصمیم‌گیری کنم برای شورا‌هایی که در محل وجود دارند برنامه‌ریزی کنم کارهایی که دارند پیشاپیش انجام میده یک حس قدرت مطلوبی از رضایت زندگی به لحاظ روانی در من ایجاد می‌کند. «مسئله دقیقا همین جاست که باید حس کنی دیده شدن رو. باید حس کنی که حرف هات شنیده میشه. جماعت زیادی دارن این گوشه زندگی می‌کنن و جماعت زیادی دارن برای اینها تصمیم میگیرن. آگاه تو بدونی که تصمیم گیر نهایی محل زندگی خودتی قطعا احساس می‌کنی که باید تو این مسیر تلاش بیشتری انجام بدی یا از اون طرف در مقابل ناکارآمدی‌ها خودت رو مسئول میدونی. وقتی تو این میدان رفت و آمد و زد و خورد جایگاهی برای خودت تصور نکنی واقعا همین وضعیتی پدید نیاد. اتفاقی که تو این جا در جریان هم همینیه. هرچی که این موبایل و اینترنت رونق بیشتری بگیره و مردم بتونن بیشتر نظراتشون رو بیان کنن، یا با هم بیشتر مچ بشن برای انجام کارها و تصمیمات خب قطعا خیلی اتفاقات بهتر و بیشتری میتونه برای محله بیوفته. اتفاقاتی که خود افراد اونها رو بخشی از تصمیمات خودشون می‌دونن و هم حس اثربخشی دارن و هم حس مسئولیت پذیری نسبت به اونها.» ترکیب یک نقطه تمرکز و یک لبه تعریف کننده، به تحقق هویت اجتماعی در یک جامعه محلی کمک می‌کند. مرکز محله بخشی الزم و ضروری و فضایی عمومی و بصورت یک میدان، فضای سبز یا یک تقاطع مهم میدان می‌باشد.

امید بخش بودن

فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی باعث میشن تا امید بخش اعظمی از اجتماعی که در یک منطقه مسکونی کوچک زندگی می‌کنند با ورزش در واقع آنها خودشان را در یک جهان پهناورتر از اون موقعی که کوچک می‌بینند که در آن زندگی می‌کند اونا روزها و شبها به ارتباطات خودشون رو با دنیا در حال گسترش و تعامل بیشتری می‌بینند و خودشون رو در اون دنیا غرق می‌کند با استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی روی یک پل می‌بیند یک فرصت می‌بینند تا بر آن فرصت سوار بشن و به اون امیدها و آرزوهایی که دست

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

پیدا نکردند یک روزی دست پیدا کنند و این فرصت امید بخشی به مناطق محروم حاشیه شهری است. «خیلی از وقت‌ها هست که شما خودت رو محصور تو محیطی میبینی که انگار هیچ راه گیزی از اون وجود نداره. زندگی که فقط راه رفتن و خوردن نیست. همین که بتونی امیدی رو تو ذهنت تصور کنی. همین که بتونی تصویری رو تو ذهنت پرورش بدی کافیه تا پرنده ی خیالت رو پرواز بدی و داستان‌های قشنگی رو برای آینده تعریف کنی. داستان هایی که شاید در واقعیت هیچ وقت اتفاق نیوفته اما حداقل باعث میشه تا دری رو رو به روی خودت باز ببینی. با رونق گرفتن فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی مردم اقزهای بازتری رو توی زندگی شخصی و عمومی خودشون گشوده میبینن. کم شدن هزینه‌های آغاز کسب و کار در ماجرای توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی یکی از همین پنجره‌های امیدی بود که باعث باز شدن افق دید آینده بود.»

رضایتمندی شخصی

«این روزها دیگه حتما لازم نیست تو خیابون تجریش تهران باشی تا اسم محلته همه بدونن. تو سال‌های اخیر خیلی وقت‌ها ما شاهد بودیم یه روستا یا محله با استفاده از یک امکان کوچیکی شروع کردن به مشهور شدن. اینها با وجود همه محدودیت هایی که داشتن اما با استفاده از امکاناتی که برایشون پدید اومده تونستن با هزینه ناچیزی بسیاری از فعالیت هایی که شاید تو شرایط عادی دیده نشه رو تقویت کنن و با رسانه‌های خودشون معروف کنند. افراد این روزها این امکان رو دارن ولو اگر در حاشیه هم باشن با توجه به بستری که برایشون فراهم شده رشد و تقویت هویت شخصی و محله‌ای شون رو رقم بزنن و این باعث بهبود فرایند رضایتمندی شون میشه.»

اعتماد به نفس

الگوی توسعه اجتماعی و اقتصادی مناطق وجود نارساییهای آشکار در دیدگاه توسعه مبتنی بر رشد اقتصادی به تجدید نظر در این دیدگاه و طرح رهیافت نیازهای اساسی¹ و الگوی توسعه اجتماعی و اقتصادی منجر شد که در آن به جنبه‌های توزیع آثار و فرصتهای توسعه و کاهش عدم تعادلهای اجتماعی، اقتصادی و فضایی توجه شده بود. در این واقعیت که بخشهای بزرگی از جمعیت کشورها عملا از منافع حاصل از رشد محروم شده اند و پی بردن به اینکه گزینشهای فناورانه که در جریان رشد به عمل می‌آیند، پدید آورنده چنان ساختار تولیدی هستند که عملا در تضاد با افزایش درآمد تهیدستان قرار می‌گیرد، باعث طرح راهبردهای جدیدی در زمینه توسعه در دهه ۱۹۷۰ شد. رهیافت‌های جدید از نظر برخی از ویژگی‌ها مشترک اند، مانند: گرایش به ایجاد برابری با تأکید بر رویارویی مستقیم با تهیدستی و اقدام برای تأمین حداقل آستانه مصرف با نیازهای اساسی، درک این نکته که تولید بیشتر باید توأم با توزیع بهتر باشد تا بتوان توسعه را تعریف کرد و برتری قائل شدن برای شیوه برنامه‌ریزی خوداتکا و از پایین به بالا روش نیازهای اساسی نشان دهنده انحراف بنیادین از راهبرد مرسوم توسعه است چرخشی از رشد به عنوان

¹ basic needs

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

معیار اصلی به سمت نیازهای اساسی که از طریق اشتغال و توزیع مجدد صورت می‌گیرد. چرخش از اهداف ذهنی به سمت اهداف عینی، از شیفتگی به وسایل به سمت آگاهی مجدد از اهداف و نیز از یک نفعی در نفعی کاهش دادن بیکاری به سمت یک بعد مثبت یا رفع نیازهای اساسی شکست در بهبود بخشیدن به وضع رفاهی مردم حتی در کشورهایی که دارای رشد اقتصادی سریعی بودند، باعث شد که تأکید بر تأمین نیازهای اساسی مردم به عنوان هدف اولیه توسعه مورد توجه قرار گیرد. طرفداران این الگو عقیده داشتند که راهبرد نیازهای اساسی می‌تواند بیش از طرحهای سنتی کمک^۱ در یک رشد کارآمدتر مشارکت داشته باشد. آنان بر این نکته تأکید کردند که مخارج آموزش را می‌توان به عنوان یک سرمایه گذاری تلقی کرد که در رشد اقتصادی سهم است. همچنین اصرار داشتند به هزینه هایی که برای بهبود وضع تغذیه و بهداشت و کاهش میزان رشد جمعیت صرف می‌شود، باید به عنوان سرمایه گذاری پربازده توجه کرد. و نیز مداخله برای بالا بردن اجزاء مادی و غیر مادی مصرف، به منظور بهبود وضعیت رفاهی تهیدستان، پیش از روش تکیه بر روند تدریجی افزایش درآمد مؤثر است. «یکی از بزرگ ترین مشکلات ما اینست که اجازه نمیدیم آدم‌ها استعدادهای وجودی خودشان رو بروز بدن. این بچه من رفته درس خونده، اون بچه من لیسانس گرفته. خب بسم الله خودتون مگه نگفتین نیاز داریم. حالا این اومده از ش نظر پپرس. کار بخواه. به اینها احترام بگذارید. ببینیدشون ببینید چطور از دل و جون مایه میگذارن. متنی نیست برای محله و شهر خودتون کار می‌کنن. این باعث میشه همین افراد اعتماد به نفس پیدا کنن. انگیزه بگیرن. شور و شوق پیدا کنن. همین باعث میشه که از نبوغش از انرژیش از احساسش بیشتر و بیشتر استفاده کنه تا هم برای خودش و خانوادش آدم بهتری باشه و هم برای شهر و مملکتش مفید باشه. اگه قرار هست که جامعه بهتری داشته باشیم باید کمک کنیم تا مردم بهتری داشته باشیم و برای داشتن مردم بهتر اونها باید اعتماد به نفس داشته باشن. باید حس زنده بودن داشته باشن. باید زندگی کنن. و زندگی به جوون اینه که بدونه بین بودن و نبودنش توفیری هست.»

از آنجا که اکثر مردم فقیر که از حداقل نیازهای اساسی زندگی مانند: غذای کافی، پوشاک و مسکن مناسب، خدمات آموزشی و بهداشتی حداقل و سایر امکانات زیربنایی و رفاهی زندگی محروم بودند، در مناطق روستایی زندگی می‌کردند، جهت‌گیری اصلی راهبرد نیازهای اساسی نهایت توسعه روستایی بود. طرح نیازهای اساسی توزیع عادلانه دستاوردهای ناشی از رشد اقتصادی میان مناطق شهری و روستایی و طبقات اجتماعی و اقتصادی مناطق روستایی را مورد تأکید قرار می‌دهد. این طرح بر آن بوده است که به تغییری در این طرح، از بسیج منابع اجتماعی به ارائه نهادهای طرح و خدمات در طرحهای توسعه روستایی منجر شود. این الگو در مورد توسعه روستایی پیشنهاد می‌کرد که تصویر کلی توسعه بر چهار اصل اساسی قرار داده شود:

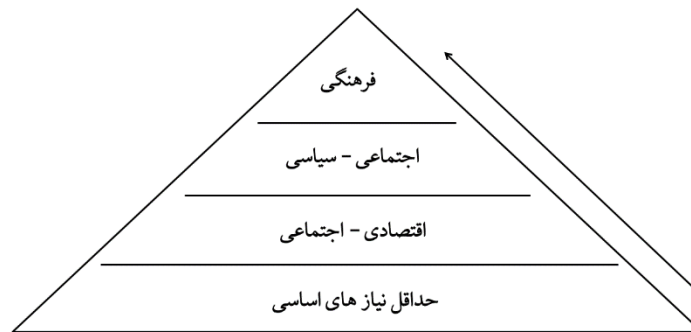
۱- مسئله مهم توسعه تحت عنوان یک مبارزه آگاهانه با بدترین شکل فقر، باید مجدداً تعریف شود.

¹ traditional assistance programs

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

- ۲- برنامه‌ریزی مصرف باید نقش محوری به خود گرفته و برنامه‌ریزی تولید به آن مرتبط گردد.
- ۳- لازم است به تولید بیشتر و توزیع بهتر در کنار یکدیگر توجه بیشتری مبذول شود.
- ۴- لازم است اشتغال به عنوان هدف اولی مطرح شود.

استدلال این رهیافت بر این است که تأمین حداقل نیازهای اساسی جامعه در جوامعی که از این حداقلها نیز محروم هستند، ضمن اینکه خود گام مهمی در جهت توسعه به شمار می‌رود، از طریق بهبود کیفیت زندگی و نیروی انسانی شرایط را برای توسعه در سایر زمینه‌ها فراهم می‌کند. بر این مبنا سلسله مراتب هدفهای توسعه را می‌توان به شکل هرم (شکل شماره) نشان داد که در قاعده هرم «حداقل نیازهای اساسی» قرار می‌گیرد و با بر آوردن آن مجموعه بالاتری از نیازهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و در نهایت هدف کلی شکوفایی شخصیت انسان توسعه همه جانبه و آزاد شدن نیروی خلاقه کلیه افراد، مطرح می‌شود.



نمودار ۴-۷- سلسله مراتب هرم توسعه

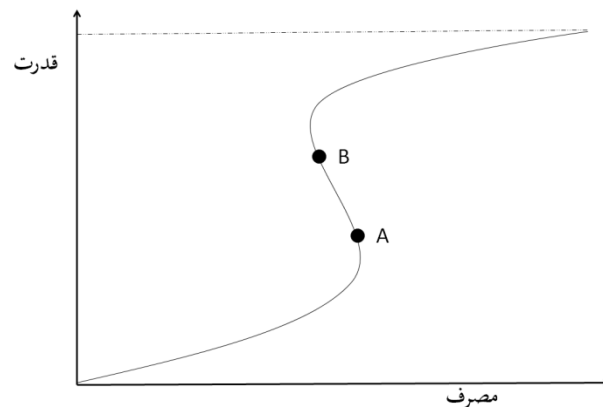
طبق هرم مذکور سلسله مراتب توسعه شامل مراحل و اولویت‌های زیر است:

- ۱- ریشه کن کردن فقر شدید، بیکاری و دستیابی به حداقل در آمد و خدمات اجتماعی از طریق اشتغال همراه با مشارکت مردم.
- ۲- رشد بیشتر و تساوی گسترده تر، افزایش آگاهی مردم.
- ۳- تساوی با عدالت توزیعی، برابری اجتماعی، توزیع مجدد داراییها و دموکراسی.
- ۴- توسعه کامل خلاقیت و استعدادهای انسانی.

بر این اساس تأمین حداقل نیازهای اساسی و توزیع مجدد امکانات و منابع به عنوان مرحله پایه و زیربنایی در حرکت به سوی توسعه تلقی شده است، اما در اینکه تا چه حد تأمین نیازهای اساسی می‌تواند به توسعه منجر شود و چه نقش و تأثیری بر روند توسعه می‌گذارد، نظرهای مختلفی وجود دارد. اگر چه بسیاری استدلال می‌کنند که توزیع بهتر در آمد باعث افزایش مصرف به قیمت کاهش پس انداز و در نتیجه نرخ رشد بالاتر می‌شود، برخی دیگر یادآوری می‌کنند که در کشورهای کمتر توسعه یافته افزایش در مصرف می‌تواند باعث افزایش نرخ رشد از طریق تغذیه بهتر، کارایی و بهره وری نیروی کار

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

شود، بر اساس این استدلال نمودار ذیل رابطه بین بهره وری و مصرف را نشان می‌دهد. «شرایط و موقعیتی را که طرف به خودش اعتماد دارد حس می‌کند نقش حیاتی در پیشرفت و تعالی موفقیت یک فرد ایفا می‌کند حتی اگر آن فرد یا کودک خودش باشد هم سر خودش باشد یا دیگری که در آن محل زندگی می‌کند درباره حس تکامل حس برتر بودن نسبت به وضعیت خودش قدرت تصمیم‌گیری که می‌توان ایجاد کند.» قدرت تولید روی محور عمودی و مصرف روی محور افقی دیده می‌شود. در ابتدا افزایش در مصرف تنها اندکی به رشد کارایی می‌افزاید، ولی با بهبود تدریجی وضعیت سلامتی و کارایی نیروی کار، بهره وری به طور چشمگیری افزایش می‌یابد (شیب خط بین A و B افزایش سریع بهره وری را نشان می‌دهد). بعد از نقطه B، اثر افزایش مصرف بر کارایی نمایانگر بازدهی نزولی است (نمودار شماره ۲). اگر این تحلیل درست باشد در این صورت توجه به تأمین نیازهای اساسی جمعیت روستایی ضروری به نظر می‌رسد.



نمودار ۴-۸- رابطه مصرف و بهره‌وری

برای دستیابی به این نیازها لازم است که وسایل تغذیه، آموزش، بهداشت و تسهیلات مسکن فراهم شود. انتخاب سطح مطلوب در هر زمینه‌ای به وسیله متخصصان آن رشته تعیین می‌شود. چون برای ایجاد شاخص مرکب نیازهای اساسی، به استفاده از سیستم وزنی بسیار پیچیده احتیاج است، تمرکز روی تعداد معدودی شاخص با همبستگی بسیار قوی با توسعه نیازهای اساسی، چنان که در جدول به برخی از آنها اشاره شده منطقی‌تر است. کوششهای بسیاری برای بررسی اثر نیازهای اساسی بر رشد و توسعه اقتصادی شده است. گروهی آن را لازمه دستیابی به توسعه میدانند و استدلال می‌کنند که بهبود نیازهای اساسی باعث بالا رفتن کیفیت و کارایی نیروی انسانی می‌شود. گروهی دیگر نیز آن را دام توسعه نیافتگی می‌دانند و معتقدند که باعث افزایش هزینه‌های مصرفی و کاهش سهم سرمایه گذاری در بخش تولیدی می‌گردد. تجربه چین به عنوان نمونه موفق و تجربه ایران به عنوان نمونه ناموفق در این زمینه مثال‌های خوبی است.

۴-۱-۱-۱۲- شکل‌گیری منش قدرت‌مندان شهری (از حاشیه درآمدگی پنهان)

شکل‌گیری منش قدرتمندان شهری یا همون از حاشیه درآمدی پنهان به این معناای که ما نظم اجتماعی زندگی روزمره را به بهترین شیوه اعمال کنیم و داشته باشیم یعنی اینکه ما بتوانیم شهر را با توجه به اجزا و جزئیات مختلف ببینیم و از پتانسیل‌ها فرصتهای موجود به بهترین نحو برای کارآمدی مدیریت شهری استفاده کنیم، بهینه‌سازی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از طریق فضا به شکلی که برنامه ریزی‌ها به نحوی بازخورد و کارآمدی داشته باشد که بتواند شهر را کنترل کرد. از این نظر است که یکی از مهمترین حوزه‌های مورد غفلت قرار گرفته، مسئله حاشیه‌ی شهر و حاشیه نشینی است. بر خلاف آنچه که در واقع ممکنه به شکل عملکردی در حاشیه‌ی شهر پیاده بشود و مورد غفلت قرار گیرد نادیده گرفته شدن و به عنوان یک تهدید در اذهان جای گرفتن است در حالی که می‌شود با ورود به این مناطق و درک از نزدیک فرصت‌هایی که موجود است.

قرارداد اجتماعی بین دولت‌ها و شهروندان در یک کشور، باید به جای پشتیبانی شهروندان از طریق پرداخت مالیات، دولت را به ایجاد حاکمیتی مسئول و پاسخگو به ویژه در ارائه خدمات عمومی موردنظر اهداف توسعه هزاره موظف کند. تمایل به استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای ارائه این خدمات، موفقیت‌های تحسین برانگیزی در پی داشت؛ از جمله در سوای الکترونیکی^۱ که دولت عملکرد خوبی در این حوزه داشته است.

رویکرد متعارف به منظور ارائه خدمات را می‌توان «عرضه» نامید. طرف دیگر عرضه، «تقاضا» یا به زبان فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمت توسعه، ذی نفعان یا کاربران خدمات مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات است. بدون همکاری هر دو طرف طیف عرضه و تقاضا، چرخه ارائه و کاربرد خدمات ناقص است. همواره از پروژه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمت توسعه به دلیل نرخ بالای شکست انتقاد شده است. دلایل بسیاری برای شکست این پروژه‌ها وجود دارد، اما یکی از مهم ترین آنها این است که بسیاری از پروژه‌های یادشده ساختار بالا به پایینی از خیران، دولت و سازمانها دارند و برای مشارکت شهروندان و ذینفعان در فرآیندهای طراحی و تصمیم‌گیری طراحی نشده‌اند. در نتیجه، پروژه نمی‌تواند مالکیت محلی داشته باشد و در نهایت مشکل پایداری و تداوم دارد. همکاری شهروندان یکی از عوامل مهم موفقیت پروژه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمت توسعه به شمار می‌رود.

در مفهومی بسیار گسترده‌تر، مسئولیت‌پذیری اجتماعی فرآیندی است که به واسطه آن دولت در برابر مردم مسئول است. مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر شناخت رویکرد مشارکتی مبتنی است. در رویکرد مشارکتی شهروندان، سازمانهای جامعه مدنی و سایر ذی نفعان در فرآیندهای تصمیم‌گیری درباره خدمات مؤثر بر زندگی شان مشارکت می‌کنند. ارتباط بین فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، در قدرت فناوری اطلاعات و ارتباطات در ارائه اطلاعات دقیق، به موقع و قابل اعتماد برای

^۱ e-Seva

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

قضاوت درست و انتخاب‌های آگاهانه در فرآیند تصمیم‌گیری، نهفته است. هم چنین، دسترسی آسان جامعه مدنی، شهروندان و سایر ذی‌نفعان به اطلاعات، به ارزیابی فرآیند یا خدمت عمومی مبتنی بر شاخص‌های معین کمک می‌کند، مردم محور است و به نگرانی‌ها و اولویت‌های آنها می‌پردازد (Conway et al., 2019).

فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به عنوان ابزارهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی، شامل نرم افزارهای کاربردپذیری تحت وب، سرویس پیام کوتاه و سایر خدمات تلفن‌های همراه، مراکز تلفن رسیدگی به شکایات، بانه‌های الکترونیکی، پست صوتی و سایر خدمات تعاملی ضبط صدا هستند. همکاری شهروندی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، بخشی از قانون برنامه ملی تضمین اشتغال روستایی گاندی¹ بود. در توصیف قبلی این مورد به استفاده مؤثر دولت از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای مدیریت برنامه کاهش فقر توجه شد. شکل ۳۵ نمای شماتیک ترکیب مسئولیت‌پذیری اجتماعی با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات را در برنامه قانون ملی تضمین اشتغال روستایی گاندی نشان می‌دهد.

کارایی اجرایی و شفافیت برنامه با استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به عنوان ابزار مسئولیت‌پذیری اجتماعی افزایش یافته است؛ در تحقق این امر کمپین‌های آگاهی‌رسانی پایدار، ظرفیت‌سازی برای گروه‌های هدف، معرفی سازوکارهای مسئولیت‌پذیری، بررسی اجتماعی و اظهارنظر عمومی؛ و همکاری پیوسته جامعه مدنی و مقامات دولتی رده بالا، نیز مؤثر بوده اند؛ همچنین سطح فساد کاهش چشمگیری داشته است (Falco et al., 2019). عوامل مختلفی برای بررسی نظام مند همکاری‌های فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در خدمت توسعه برای کاهش فقر شناسایی شدند. نویسندگان نگرانی‌های اصلی را به صورت زیر خلاصه کردند.

– ایجاد مشارکت، به تمرکز روشن، اهداف مشترک، همراستایی با اهداف، ساختار توافق مشارکتی، نقشها و مسئولیت‌های روشن، مسئولیت‌پذیری، شفافیت، ساختار مالکیت و چارچوب اخلاقی نیاز دارد.

– اجرای مشارکت، به در نظر گرفتن معضلات مربوط به انتظارات، ساختارهای سازمانی، جداول زمانی، انعطاف‌پذیری و اشتیاق برای سازگاری با شرایط در حال تغییر، استفاده مؤثر از مهارت‌ها و منابع مکمل، رهبری، تعامل منظم، ارتباط و ایجاد رابطه با شرکا بر اساس اعتماد، صداقت، صراحت، درک و احترام متقابل نیاز دارد.

– مشارکت موفق، به آگاهی و درک محیط مشارکتی نیاز دارد که شامل حساسیت به بافت‌های محلی و ثبات مالی است. درک درست تمام شرکا از محیط‌های سیاسی، اجتماعی و فناوری نیز اساسی است.

آغاز فرایند فهم مفهوم توسعه را در پیوند با اندیشه بنیادی آرمان پیشرفت که اصلی‌ترین محصول مدرنیته تلقی می‌شود باید فهم کرد. رونق اندیشه‌های مکانیکی ابتدایی به افزایش تجارت و سود مالی در نتیجه این میل بود که

¹ Mahatma Gandhi National Rural Employment Guarantee Act (India)

غرب مدرن را از مرزهای خود بیرون کشاند و مسئله سیوریت در عالم که در نهایت به واسطه قدرت نظامی منجر به پیدایش استعمارگری اروپاییان گشت را باید در ذیل همین گفتمان مورد ارزیابی قرار داد. با این حال اما تجربیات از سر گذرانده شده به خوبی نشان دادند که فرایند توسعه یافتگی امری یک سویه نیست و کشورها و ملت‌ها برای پایداری در مسیر اعتلاء اجتماعی علاوه بر نیازمندی به افزایش بهره‌وری مالی و توسعه اقتصادی نیازمند گسترش فهمشان از جهان اجتماعی خود هستند تا در مقابل پدیده‌های مادی و معنوی نوظهور که محصول تغییرات ایجاد شده در بنیان‌های جهان جدید است آگاه و مقاوم باشند. از همین روی بود که به جبر پیامدهای بی‌شمار وارد شده از بستر زندگی اجتماعی به ترتیب توسعه گستره معنایی خود را گسترش داد و ابعاد فرهنگی، سیاسی، آموزشی، اجتماعی و ... را به عنوان ملزومات یک فرایند توسعه پایدار به نمایش گذاشت. با این حال اما این تجربیات به شکل جامع و کاملی که در مراکز ایجاد و گسترش آن قابل مشاهده اند، در سایر ملل ورود نکرد. عدم آموزش صحیح و ناکامی در برقراری نظمی که به موجب آن افراد در یک نظام تخصصی مدرن رشته امور را به دست گیرند سبب شد تا در بسیاری از کشورها از جمله ایران مدیران و مسئولین که تصمیم گیرندگان اصلی بودند نگاهشان به توسعه تنها معطوف به امر اقتصادی باشد و توسعه اقتصادی را به تنهایی برای خوشبختی یک جامعه لازم بدانند. با این وجود اما این توسعه یافتگی اقتصادی که به شکل ناقص فهم شده بود نیز به شکلی نبود که برای همه آحاد جامعه پدید آید و به همین اندازه که بخشی از مردم جامعه بتوانند تجلیات این بهره‌مندی مالی که برخوردار از مسکن و خودروهای لوکس و گران قیمت باشد را به نمایش بگذارند، آن را به عنوان توسعه اقتصادی یک شهر معنا می‌کنند. در ادامه اما همین معنای ناقص در گروه‌هایی که دلسوزانه به بخش‌های حاشیه‌ای و محروم نظر می‌افکنند سبب می‌شود تا محرومیت‌های دیده شده در بعد اقتصادی خود منحصر بمانند و برنامه ریزی‌ها و سیاست گذاری‌ها به مکانیکی ترین حالت ممکن در ساحل امر کنش اقتصادی باقی بماند. به این ترتیب است که مهمترین محصول این نگرش ایجاد امکان رفع نیازهای معیشتی است که عموماً از سوی گروه‌های گوناگون به عنوان بسته‌های ارزاق برای این بخش از مردم تهیه می‌شود. بسته‌هایی که در کسری از ثانیه به پایان می‌رسند و هیچ تاثیری در تغییر وضعیت اقتصادی و جایگاه اجتماعی آنها نخواهند گذاشت. با این حال اما قصد ما نقد این کمک‌ها نیست که بیان نوع نگاهی است که در سال‌های اخیر عموماً به سمت حاشیه‌های شهری وجود داشته است.

این موضوع در حالی رخ می‌دهد که حاشیه‌های شهر و مناطق محروم به سبب فرصت آموزشی رایگانی که در ایران فراهم بوده از پتانسیل‌های آموزشی و انسانی خوبی بر خوردار است که در صورت پدید آمدن فرصتی مناسب می‌تواند خود را در ابعاد متنوع توسعه یافتگی بروز دهد و تجلی کند. به طور ویژه با افزایش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در سال‌های اخیر و بهره‌مندی هرچه بیشتر از تلفن‌های هوشمند زمینه‌ای را فراهم آورده است تا افراد ورای موقعیت اقتصادی یا جغرافیایی خود و مبتنی بر روایت‌های دیجیتالی که در این عرصه می‌توانند از خود و فعالیت‌ها و کسب و کار خود ارائه دهند، با دور زدن بسیاری از دروازه بان‌های سنتی ساختارهای سخت اقتصادی با سرعتی بیشتر و مسیری کوتاه‌تر به مقصد و مقصود خود دست یابند. در همین راستا است که این بستر امکان تعاملات هرچه بیشتر بخش‌های مختلف شهری را فراهم می‌کند به نحوی که افراد ساکن در حاشیه شهر می‌توانند

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

خود را در متن حیات شهری تصور کنند و به جای این تلقی که در گوشه‌ای دور و فراموش شده مانده اند، می‌توانند به صورت فعالانه در حیات اجتماعی مشارکت کنند. از همین روی است که فرصت به دست آمده در زمینه کنش ورزی در عصر دیجیتال را می‌توان فرصتی برای شکل‌گیری منش قدرتمندانه شهری به شمار آورد. منشی که در آن مردم شهر خود را ورای موقعیت جغرافیایی یا اقتصادی و اجتماعی خود توانمند می‌بینند و بر این امر واقف اند که به دور از محدودیت‌های ساختاری خود می‌توانند به عنوان یک شهروند نقش خود را به خوبی ایفاء کنند. و از همه مهمترین امیدی است که برای حرکت کردن در آن‌ها پدید می‌آید. این امید است که به واسطه فرصت‌های نوظهور دیجیتال فضای روانی جامعه را از قرار گرفته شدن در بن بست‌ها خارج می‌کند و به آنها امکان رصد افق‌های بلندی را می‌دهد که می‌تواند برای آنها گشایش‌های بسیاری را چه در عرصه اجتماعی و فرهنگی و چه در عرصه اقتصادی و حتی سیاسی فراهم آورد.

عوامل مختلفی می‌توانند در به روز شدن نگرش ساکنین حاشیه شهر نسبت مسائل اجتماعی خودشان موثر واقع شوند. با بهبود و گسترش روز افزون شبکه‌ی اینترنت در این مناطق؛ شاهد سرعت در انتقال اخبار، آگاه و مطلع تر شدن مردم نسبت به مسائل روز و بطور کلی شفافیت بیشتر در انتقال اخبار در مقایسه با قبل هستیم.

فراگیری دانش و بالا رفتن سطح اطلاعات مردم در موضوعات مختلف موجب افزایش تعاملات و درک بهتر نقش شهروندی شان شده است و همچنین ارتقاء (توسعه/بهبود) احترام بین فردی و روابط اجتماعی بهتر نسبت به قبل را با خود به همراه داشته است. سهولت در دسترسی به فروشگاه‌ها و انتخاب‌های متنوع تری که در مقایسه با قبل دارند شرایطی مشابه به یک خرید در سطح شهر را برایشان فراهم می‌سازد و این سبک‌های نوین موجب ایجاد احساس راحتی بیشتر در ساکنین حاشیه‌ی شهرها شده است. گسترش راه‌های ارتباطی بین شهر و حاشیه شهرها انتقال امکانات بیشتر به این مناطق را به همراه داشته است. و این امر باعث توسعه و به روز شدن این مناطق، از بین رفتن محدودیت‌ها، دسترسی راحت‌تر به محله‌ها و در یک کلام کمرنگ شدن نگرش جدایی‌گزینی این مناطق از شهرها را به دنبال داشته است. مجموع این عوامل موجب احساس رضایت مندی بیشتر ساکنین نسبت به قبل شده است.

در توسعه پایدار بهره مندی اکثریت جامعه از آثار توسعه و عدالت توزیعی به معنی تقسیم عادلانه فرصت‌های توسعه و بهره مندی از آثار و پیامدهای آن با تأکید بر اولویت تأمین نیازهای حداقل برای توده‌های فقیر از ویژگی‌های اصلی آن به شمار می‌رود. به عبارتی می‌توان گفت که بین فقر و پایداری رابطه معکوس کاملی برقرار است و برای رسیدن به پایداری یا افزایش سطح آن به کاهش فقر و افزایش تعادل بین طبقات مختلف اجتماعی و اقتصادی نیاز است.

هنگام بحث درباره محیط زیست پایدار و مدیریت استفاده از منابع طبیعی نگرانی‌های ذهنی عمده‌ای در رابطه با فقر وجود دارد، بعضی از دانشمندان به ویژه در مطالعه جوامع در حال توسعه به خصوص بخش روستایی در این قبیل از جوامع روی فقر به عنوان موضوع اصلی تمرکز می‌یابند و عقیده دارند که رفع

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

فقر یا دست کم دستیابی به حداقل استاندارد سطح زندگی باید یکی از موضوعات اصلی در تحقیقات توسعه و تنظیم خط مشیها و اصول آن باشد.

در جامعه‌ای با عدم تعادل شدید اقتصادی و با اکثریت فقیر، هر برنامه‌ای در زمینه بهبود شرایط بدون توجه به مسئله فقر و نیاز اکثریت فقیر به هدف نخواهد رسید و چنانچه بخشی از اهداف نیز بر آورده شود، پایدار نخواهد بود. فقر بزرگ‌ترین خطری است که ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و سلامت محیطی کره زمین را تهدید می‌کند. از آنجایی که بخش بزرگی از فقر در مناطق حاشیه شهری است، هر گونه راهبردی در زمینه کاهش و رفع آن مستلزم تجدید نظر در دسترسی به منابع و توزیع عادلانه‌تر عوامل تولید از جمله زمین و منابع است. - بهترین روش برای بهره‌مندی فقرا از منافع رشد و درگیر کردن آنها در افزایش محصول، عبارت است از توسعه سریع فرصتها، اشتغال مولد و ایجاد چهار چوبی برای تأمین معاش پایدار برای همه. البته ایجاد فرصتهای کافی برای اشتغال و معیشت پایدار از جمله مهم‌ترین و مشکل‌ترین کارها در فرایند توسعه جامعه است.

در عین حال فقر ظرفیت مردم را برای به کارگیری منابع به شیوه‌ای پایدار کاهش می‌دهد و فشارهای وارد بر محیط زیست را تشدید می‌کند. برای تأمین پایداری توسعه محتوای رشد باید در جهت موادبری و انرژی بری کمتر و عدالت توزیعی بیشتر تغییر یابد. دادلی سیرز^۱ یکی از اقتصاددانان توسعه، معتقد است که برای سنجش توسعه باید معیارهای افقی الگوی توزیع درآمد یا نابرابری اندازه‌گیری شود. اگر یک یا دو مورد از این بدتر شده باشد دیگر نمی‌توان از توسعه پایدار یاد کرد؛ بنابراین جوهره اصلی راهبردهای معطوف به توسعه انسانی پایدار هم تأمین معیشتی پایدار برای همه افراد است. بدین ترتیب راهبردهای توسعه در سطح ملی باید بر سه مضمون اصلی تمرکز یابد: کاهش میزان فقر، ایجاد اشتغال و یکپارچگی اجتماعی، یا در واقع درگیر ساختن و مشارکت دادن مردم فقیر در تمامی مراحل توسعه و قدرت بخشی به آنان. در صورتی که فقرا حتی در طراحی توسعه مشارکتی نداشته باشند، قادر به استفاده از نتایج آن نخواهند بود. هر گونه راهبرد ماندگاری برای کاهش فقر باید غیر متمرکز و مبتنی بر مشارکت اکثریت فقیر باشد. مشارکت مردمی و نقش آن در توسعه پایدار مشارکت مردمی ابزاری است که به وسیله آن اعضای جامعه قادر به شرکت در تدوین سیاستها، طرحها و برنامه‌هایی می‌گردند که بر روی محیط زندگی آنها تأثیر می‌گذارد.

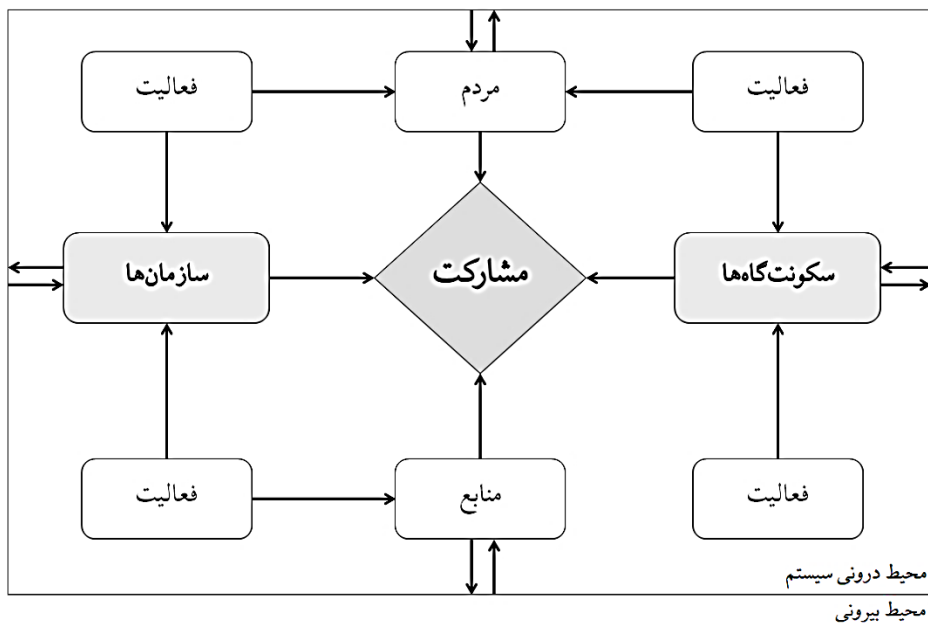
ناپایداری و عدم تعادل در سکونتگاههای شهری که نتیجه عدم تطبیق طرحها و برنامه‌های به اجرا در آمده با خواسته‌ها و نیازهای واقعی مردم است، نقش مشارکت مردم در توسعه پایدار شهری، منطقه‌ای و محلی را نشان می‌دهد. مردم، در چهارچوب جوامع شهری و روستایی، منابع به مفهوم منابع انسانی، طبیعی و سرزمین و مشارکت، ارکان توسعه انسانی پایدار را تشکیل می‌دهند. با این تفاوت که مشارکت در مقایسه با دو رکن دیگر نقش ساختاری داشته و دو عامل مردم و منابع در چهارچوب آن به فعلیت

^۱ Dudley Seers

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

مطلوب در می‌آیند؛ به عبارت دیگر مشارکت به دلیل اینکه هم هدف توسعه و هم وسیله رسیدن به آن است، ضمن آنکه نقش ترکیب‌کننده دو عامل دیگر را دارد و برآیند آن دو نیز به شمار می‌آید، عنصر کلیدی در فرایند توسعه پایدار تلقی شده و از آن به عنوان حلقه گمشده فرایند توسعه یاد می‌شود.

به منظور بهبود امور اقتصادی و اجتماعی و کاهش نابرابری‌های موجود در جامعه، توسعه روحیه همکاری و ایجاد انگیزه مشارکت در بین مردم یکی از راه‌های روشن تشخیص داده شده است. به اعتقاد کارشناسان دموکراسی تعاونی در جهان وسیله مناسب برای مشتعل نگاه داشتن کارایی و اثربخشی عظیم نیروی انسانی مشارکت مردمی است. مشارکت مردمی را به خونی که در بدن گردش دارد تشبیه می‌نمایند و معتقدند که نمی‌توان جامعه را بدون آن تصور کرد. برای اینکه مشارکت در برنامه‌ریزی توسعه به عمل در آید، نیازمند وجود سازمان مناسب و الگوی سازمانی است که در آن هر عنصر یا زیر سیستم در جایگاه مناسب خود قرار گرفته باشد. تنها در این قالب می‌توان سازمان مناسب برای درگیر کردن مردم در تعیین سرنوشت خود را ایجاد و تعامل مناسب بین اجزاء مختلف سیستم را برقرار کرد. مدل زیر فرایند توسعه پایدار مشارکتی را نشان می‌دهد.



نمودار ۴-۹- مدل توسعه پایدار بر محور مشارکت و زیر سیستم‌های اصلی آن

در چنین مدلی، مشارکت محور و ماهیت اصلی فرایند توسعه را تشکیل می‌دهد که از طریق ارتباط متقابل با مردم، منابع، سازمانها و سکونتگاهها به عمل درمی‌آید و فعالیت‌ها یا نقش‌ها روح سیستم و هویت روابط متقابل را شکل می‌دهند. این اجزاء و عناصر نه تنها در ارتباط متقابل با یکدیگر، بلکه در ارتباط و تعامل چند جانبه و پیچیده‌ای با هم قرار دارند که مدار بیرونی کلیت آن را تعیین می‌کند. این کلیت از عوامل بیرونی نیز تأثیر پذیرفته و بر آنها تأثیر می‌گذارد که بریده بریده بودن محور بیرونی نشان

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

دهنده آن است. براساس این مدل می‌توان گفت که تعامل و تعادل در محیط درونی و بیرونی سیستم توسعه که زیرسیستم‌های اصلی آن را مشارکت، مردم، منابع، سازمانها و سکونتگاه‌ها تشکیل می‌دهند فرایند توسعه پایدار را برقرار می‌سازد.

راهبرد توسعه جامعه ای^۱ در اولین دهه توسعه بعد از جنگ جهانی دوم، توسعه جامعه‌ای به کانون اصلی کمکهای توسعه مبدل شد. این برنامه نوید می‌داد که هم پایه‌های نهادهای دموکراتیک را بنا کند و هم بدون تحولات انقلابی در نظم سیاسی و اقتصادی موجود، در تأمین رفاه مادی روستاییان مشارکت کند. راهبرد توسعه جامعه‌ای به دنبال توانمندسازی توده مردم از طریق تقویت نهادهای اجتماع محلی، درگیر ساختن مردم در تعیین سرنوشت خود و تصمیم‌گیری جمعی بود. توسعه جامعه‌ای فرایندی تعریف می‌شد که:

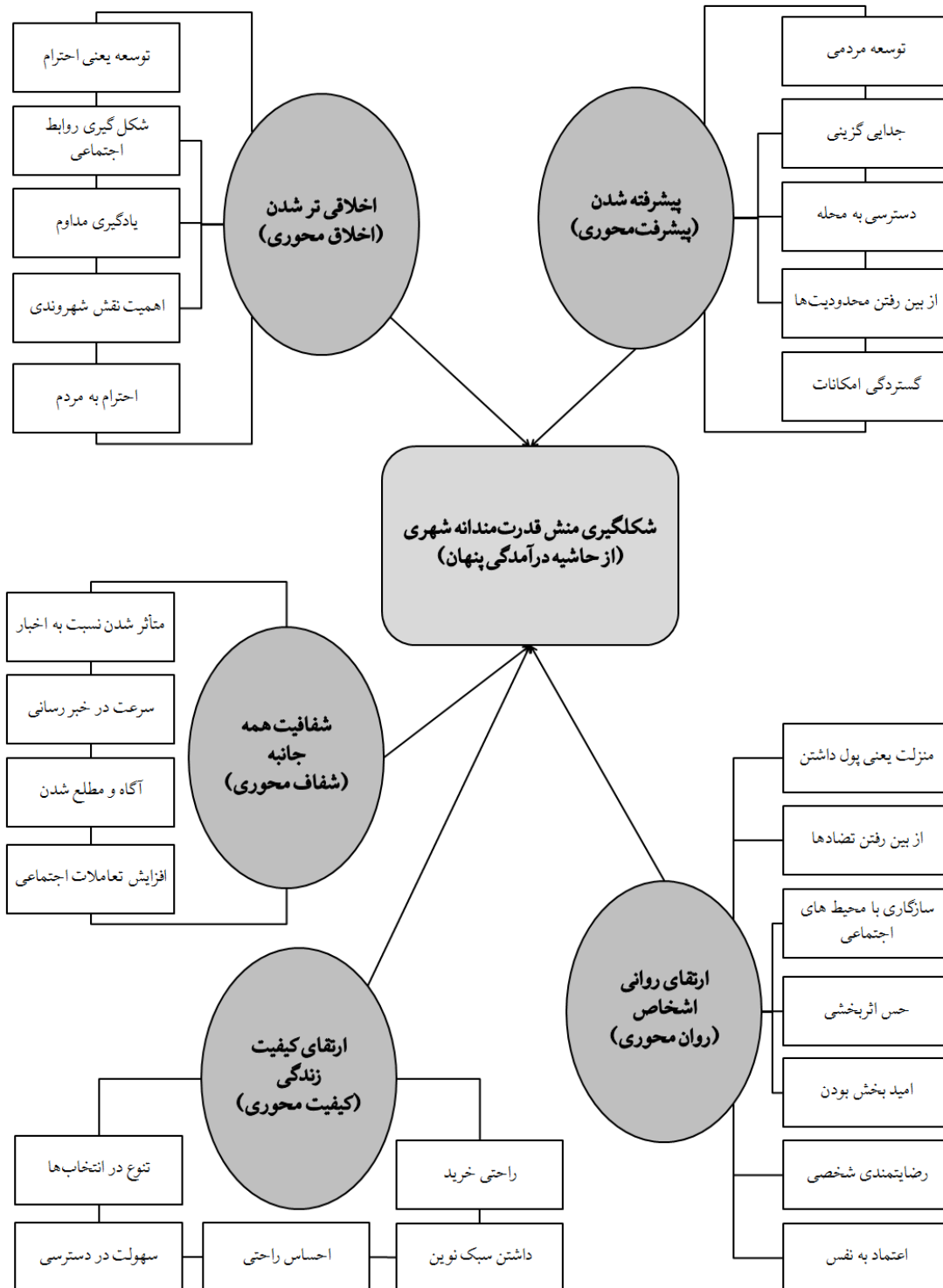
- A. مشارکت مستقیم مردم در حل مشکلات مشترکشان را تضمین می‌کند؛
- B. برای حل مشکلات مشترک اجتماع محلی، فرایندی دموکراتیک را به کار می‌گیرد؛
- C. جریان انتقال فناوری به مردم یک اجتماع محلی جهت حل مؤثرتر مشکلات مشترکشان را، فعال ساخته یا تسهیل می‌کند.

فرایند توسعه اجتماع محلی ریشه در مفهوم ارزش فرد به عنوان یک عضو مسئول و فعال جامعه داشت و هدف اصلی آن تشویق خودیاری برای ارتقای استانداردهای زندگی و ایجاد اجتماعات با ثبات، متکی به خود و با احساس اطمینان از مسئولیت اجتماعی و سیاسی بود. فلسفه توسعه اجتماعی ایجاد رویه دموکراتیک برای شکوفا ساختن بستری از زندگی اجتماعی بر اساس مشارکت و مسئولیت جمعی، با کار فردی و انگیزه گروهی است. راهبرد با پذیرش ساختار موجود در جامعه روستایی، سعی داشت تا از طریق دادن اختیار به اجتماع محلی، بدون آنکه به تحولات انقلابی نیاز باشد به اصلاحات محدود جامعه روستایی و بهبود کیفیت زندگی در سطح این جامعه پردازد.

در تعریف دانشگاه آرکانزاس، چهار جنبه راهبرد توسعه جامعه‌ای به شرح زیر آمده است:

- ۱- هر جامعه‌ای باید رهیافتهای زیر بنایی برای حل مشکلات خود داشته باشد.
- ۲- هر اجتماعی باید رهبری خود را توسعه دهد.
- ۳- هر جامعه‌ای باید احساسی قوی از وظیفه شناسی اجتماعی داشته باشد.
- ۴- هر اجتماعی باید پایه‌های اقتصادی و فعالیتهای اجتماعی اش را بهبود بخشد.

¹ community development



نمودار ۴-۱۰- مصاحبه‌های حاشیه‌نشینان و ساکنین در مناطق حاشیه‌ی شهر

۴-۱-۲- قسمت دوم- مسئولین شهری و مدیران در مناطق حاشیه ی شهر رشت

برای دریافت معنای توسعه در بین مناطق حاشیه نشین با ۲۶ نفر از مسئولین این حوزه مصاحبه نیمه ساختار یافته صورت گرفت. افراد به شیوه تصادفی انتخاب شدند. با توجه به حجم مناطق حاشیه نشین سعی گردید از اداره‌های مرتبط و کارشناسانی که در حوزه حاشیه نشینی تصمیم‌گیری یا برنامه‌ریزی می‌کنند یا حتی در این حوزه به عنوان کارشناس پژوهشی طرح‌های تحقیقاتی برای سازمان‌ها و ادارات مینویسند، استفاده شود؛ از نمایندگان مردم گیلان در مجلس شورای اسلامی، معاونین و مدیر کل ادارات- سازمان‌ها، معاونین استاندار و استاندار و اعضای شورای شهر و ریس شورای شهر، کارمندان شهرداری و شهردار مصاحبه‌های عمیق گرفته شد تا برداشت‌های ذهنی خود در مورد توسعه در مناطق حاشیه نشین بر مبنای فناوری اطلاعات و ارتباطات معلوم شود و ساختار کلان برنامه‌ریزی و سیاست گذاری در سطح استان و شهرستان در این حوزه و زمینه مشخص گردد. تلاش شد تا با اطمینان بخشی از مسئولین عدم افشای اطلاعات آنان مصاحبه‌شان در سکوت خبری برگزار و در هیچ رسانه ی بازنشر صورت نگیرد در این بخش با توجه به نگرانی‌های اعلام شده مصاحبه‌ها از اعتبار اشخاص حقوقی برخوردار نیست و تماما مسئولیت مصاحبه‌ها جنبه شخصیت حقیقی بر مبنای نگرش و تصمیم سازی فکری آنان برعهده پژوهش است. بنا براین از این قسمت رساله گزارش تکمیلی با اسم و عناوین مسئولین به لحاظ قبول مسئولیت اخلاق پژوهشی گزارش نمی‌شود و صرفا به شکل اسامی مستعار با رعایت رازداری مطالب منتشر می‌شود.

جدول ۴- ۵- نام سازمان‌ها و ادارات تحت مصاحبه در پژوهش

ردیف	نام سازمان	ردیف	نام سازمان
۱	اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گیلان	۱۰	اداره کل ثبت اسناد و املاک گیلان- معاونت پژوهشی
۲	مرکز پژوهش‌های شورای شهر رشت	۱۱	کمیته امداد امام خمینی (ره) اداره کل امور اجرایی قرارگاه جهادی
۳	اداره کل بهزیستی استان گیلان-معاونت اجتماعی	۱۲	شهرداری مناطق پنج گانه شهری- حوزه ریاست
۴	مجلس شورای اسلامی - مجمع نمایندگان استان گیلان	۱۳	سازمان امور شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور
۵	شهرداری رشت -معاونت توسعه خدمات شهری	۱۴	اداره کل ارتباطات و فناوری اطلاعات استان گیلان
۶	استاندارای گیلان - معاونت اجتماعی	۱۵	سپا پاسداران انقلاب اسلامی- معاونت پژوهشی
۷	پژوهشکده گیلان شناسی - معاونت پژوهشی	۱۶	بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی- شعبه گیلان

پارک علم و فناوری استان گیلان	۱۷	اداره کل ورزش و جوانان استان - کارشناس مشارکت‌های مردمی	۸
کمیته امداد امام خمینی (ره) - مرکز برنامه‌ریزی و پژوهش	۱۸	سازمان تامین اجتماعی استان - کارگروه توانمندسازی	۹

عمده‌ترین و متداول‌ترین روش و معیار در پژوهش‌های کیفی، صرف زمان زیاد در میدان، زاویه‌بندی، روش اعتبار پاسخگو و یا کنترل توسط مشارکت‌کنندگان است. جهت تامین اعتبار ابزار پژوهش پس از تهیه مهم‌ترین محورهای مصاحبه براساس تحقیقات مشابه و پژوهش ابتدایی که توسط مصاحبه‌های اولیه صورت پذیرفت، نتایج اولیه در اختیار مطلعان قرار داده شد؛ در واقع مصاحبه‌ها در یک فرایند رفت و برگشتی به شکل کلی (هیئت‌نگر)^۱ مورد تایید مصاحبه‌کنندگان قرار گرفت (مصاحبه‌نامه‌ی در قالب پرسش‌های اولیه تدوین شد) تا جهت‌گیری مصاحبه از روند اصلی خارج نشود (توضیح در فصل قبل)؛ این امر باعث شد تا در مصاحبه‌های دوم و سوم که از مشارکت‌کنندگان دریافت شد مقولات و مفاهیم اکتشافی از اعتبار بالای برخوردار باشند؛ علاوه بر دریافت رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان، به آنان اطمینان داده شد که هویتشان نیز ناشناس (با اسم مستعار-بدون نام بردن از سازمانی که در آن مشغول خدمت هستند) بماند.

در فرایند انتخاب نمونه نکته‌ای که باید مد نظر داشت اینست که نمونه انتخاب شده تا چه حد در فرایند پژوهش کمک‌کننده است، زیرا در تحقیق کیفی هر پاسخگو و پاسخهایش روشن‌کننده مسیر پژوهش است. فرایند انجام مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه خواهد یافت که اشباع نظری حاصل شود به این معنا که با اضافه شدن نمونه‌های بیشتر به اطلاعات به دست آمده افزوده نشود. در تحقیق حاضر برای کسب حداکثر اطلاعات لازم در انتخاب نمونه‌ها تلاش شد تا از مسئولین مختلف و مدیران در دستگاه‌های گوناگون با سطح تحصیلات گوناگون قرار گیرند.

۴-۱-۲-۱- یافته‌ها

نتایج مصاحبه با افراد نشان می‌دهد: حدود ۵۳ درصد مصاحبه‌شوندگان آقا و ۴۶ درصد خانم بودند. حدود ۴۶ درصد از مصاحبه‌شوندگان مدرک کارشناسی ارشد داشتند ۳۰ درصد از افراد مشارکت‌کننده دارای مدرک کاردانی و کارشناسی و ۲۳ درصد از افراد دارای مدرک دکتری بودند که در ادارات استخدام شده بودند افرادی که دارای مدرک دکتری بودند معمولاً در بخش ستادی سازمان‌ها و با پست‌های مدیریتی (معاونت) مشغول خدمت بودند در زمینه پست‌های اجرایی که افراد برعهده داشتند کارشناس‌های شهرداری و کارشناس‌های اداره کل که مصاحبه با آنان صورت پذیرفت در دو بخش تقسیم شدند به یک بخش با عنوان کارمندان صف که فعالیت آن‌ها مستقیماً به تامین هدف سازمانی که در آن مشغول بودند، کمک می‌کند و کارمندان ستادی که آن دسته از وظایفی را برعهده دارند که به طور غیر مستقیم به اجرای وظایف اصلی سازمان (کمک به واحدهای صفی) کمک می‌کنند؛ به عبارت دیگر کارمندان ستادی را با عنوان کارمندان دفتری (پشت میز نشین) و کارمندان صف را با عنوان کارمندان اجرایی (دخیل

^۱ Gestalt

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

در میدان عمل) می‌نامند. تعداد ۹ نفر یعنی ۳۴ درصد از افراد شرکت کننده در مصاحبه را کارمندان صف تشکیل میدادند و ۴ نفر (۱۵ درصد) از مشارکت کنندگان در مصاحبه را کارمندان ستادی بودند معاونین شهردار و معاونین اداره کل در سازمان‌ها و ادارات روی هم رفته ۸ نفر یعنی حدوداً ۳۰ درصد از مشارکت کنندگان را تشکیل میدادند همچنین با توجه به تعیین زمان مصاحبه و شلوغی شهرداری‌های مناطق ۵ گانه شهری در شهر رشت و مدیر کل‌های ادارات (مشخص شده در جدول بالا) ۱۱ درصد از جمعیت شرکت کنندگان در مصاحبه این پژوهش را تشکیل دادند همچنین ۲ نفر از نمایندگان مردم گیلان در مجلس شورای اسلامی جهت مصاحبه برای شناسایی و درک معنای توسعه در مناطق حاشیه‌نشین مبتنی بر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی صورت پذیرفت که در جدول پایین مشخصات کلی آنان آمده است.

جدول ۴-۶- مشخصات مدیران مشارکت کننده در مناطق حاشیه‌ی شهر

ردیف	مؤلفه	مشخصه	تعداد	درصد	کل
	جنس	مرد	۱۴	۵۳,۸۵	۲۶
		زن	۱۲	۴۶,۱۵	
	تحصیلات	کاردانی و کارشناسی	۸	۳۰,۷۷	۲۶
		کارشناسی ارشد	۱۲	۴۶,۱۵	
		دکتری	۶	۲۳,۰۸	
	مسئولیت اجرایی	کارشناس شهرداری و کارشناس اداره کل	۹	۳۴,۶۲	۲۶
		کارشناس شهرداری و کارشناس اداره کل	۴	۱۵,۳۸	
		معاونین شهردار و معاونین اداره کل	۸	۳۰,۷۷	
		شهردار مناطق و مدیر کل اداره	۳	۱۱,۵۴	
		نماینده مجلس	۲	۷,۶۹	

در ابتدا براساس تحلیل پاسخ‌های افراد چهار مؤلفه توسعه دولتی، فتور در اعتبار بخشی، تک روی در شرایط اجتماعی، مسئولیت پذیری در حاشیه شهر استخراج شد. در مؤلفه توسعه دولتی یا دولت محوری با شش کد گذاری‌های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم نگاه اعتبار بخش، تامین کننده قدرت‌مند، توجه به کمبودهای، پوشش دادن امکانات، قیم مابانه، عامل بنیادی توسعه استوار هستند و همچنین در اعتبار بخشی یا پایدار محوری با شش کد گذاری‌های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم تحصیلات و آموزش پایین، طرد و نفی حاشیه، نادیده گرفته شدن، شغل‌های دست دوم (کهنه)، گسیختگی و انفصال محله و ناسازگاری بین مناطق (دوگانه‌سازی) استوار هستند و همچنین در مؤلفه جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی یا جمع محوری با شش کد گذاری‌های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم کمبود قوانین جمعی، بی‌اعتمادی به

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

مشارکت‌های دسته جمعی، تعهد کم به افراد محله، کم رنگ شدن ترس از نظارت دیگران، بیتفاوتی به محیط اجتماعی و نداشتن منافع مشترک با دیگران استوار هستند و در نهایت با مولفه مسئولیت پذیری یا تعهد محوری با هفت کد گذاری‌های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم فرایند و روال اداری، پیچیدگی در قانون گذاری، پالایش نظرات، سلسه مراتبی بودن، مولد و تولیدگر، روحیه ناسپاسی، حجم انبوه انتظارات استوار هستند که در ادامه همین فصل توضیحات هر کدام و در زمینه مفصل‌بندی آنان با مقوله‌های میانه و مرکزی روشن خواهد شد. لازم به ذکر است که مقولات از پاسخ‌های مشارکت‌کنندگانی که مسئولیتی در حاشیه شهر برعهده داشتند مبتنی بر معنا و تقلی که آنان از مفهوم توسعه و چرایی توسعه نیافتگی که در ذهن خود داشتند استخراج شده است و مبتنی بر اظهارات آنان (کشف ساختمان فکری در زمینه توسعه) یک کنش مندی را برای خود متصور بودند که بر پایه ساختار الگوریتمی کد گذاری محوری (مقولات اصلی) برپایه مفاهیم مستخرج شده یعنی دولت محوری، ناپایدار محوری، فرد محوری و نامتعد محوری بر روی یک سازه مرکزی این پنج مولفه را بهم پیوسته و در یک منظومه فکری (سامان منطقی مفاهیم مرتبط) قرار میدادند که با توجه به رویکرد رساله حاضر یعنی تاکید بر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ict) به جهت توسعه یابی مناطق و فهم افراد در این مناطق (مشارکت‌کنندگان حاشیه نشین) بر مبنای تاکید آن در مصاحبه شناسایی و نام گذاری شد؛ این سازه مرکزی که با توجه به عملیات کدگذاری اولیه و ثانویه (خرده مقولات و مقولات اصلی) میتوان در قسمت کد گذاری انتخابی (مقوله مرکزی) به آن اشاره کرد با عنوان فهم تک ساحتی از توسعه یک بسط تئوریک به جهت ارتباط منطقی با خرده مقولات و مقولات اصلی در فرایند کار میتوان مشاهده نمود که از طریق نرم افزار MAXQDA 2020 این رهگیری بارها مورد رصد قرار گرفت (فرایند رفت و برگشت تئوریک در کار کیفی) حتی در فرایند نهایی سازی برای بحث مفصل‌بندی و سازه نهایی و ایجاد مقوله مرکزی از نرم افزار ATLAS.ti 7.5 کمک گرفته شد تا جهت روایی و شفافیت انعکاس مقوله نهایی بتواند اعتبار بخش به مجموعه پیش رو باشد. موارد فوق به شکل جدول و نمودار در ادامه توضیح داده خواهد شد.

جدول ۴-۷- کد گذاری مصاحبه‌های مسئولین شهری و مدیران در مناطق حاشیه ی شهر

فرایند کدگذاری		مشهود	
سازه‌ها (مفصل‌بندی)		مفاهیم	
مقوله مرکزی	مقولات اصلی	خرده مقولات	
کدگذاری گزینشی (انتخابی)	کدگذاری محوری (ثانویه)	کدگذاری باز (اولیه)	عنوان
فهم تک ساحتی از توسعه (حاشیه‌سازی مناطق شهری)	توسعه‌ی دولتی (دولت محوری)	نگاه اعتبار بخش	مسئولین شهری
		تامین کننده قدرت مند	
		توجه به کمبودهای	
		پوشش دادن امکانات	

فرایند کدگذاری		مشهود
سازه‌ها (مفصل‌بندی)		مفاهیم
		پدر قیم مابانه
		عامل بنیادی توسعه
	اعتبار بخشی (پایدار محوری)	تحصیلات و آموزش پایین
		طرد و نفی حاشیه
		نادیده گرفته شدن
		شغل‌های دست دوم (کهنه)
		گسیختگی و انفصال محلّه
		ناسازگاری بین مناطق (دوگانه‌سازی)
		جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی (جمع محوری)
	بی‌اعتمادی به مشارکت‌های دسته جمعی	
	تعهد کم به افراد محلّه	
	کم‌رنگ شدن ترس از نظارت دیگران	
	بیتفاوتی به محیط اجتماعی	
	نداشتن منافع مشترک با دیگران	
	مسئولیت‌پذیری (تعهد محوری)	فرایند و روال اداری
پیچیدگی در قانون گذاری		
پالایش نظرات		
سلسله‌مراتبی بودن		
مولد و تولیدگر		
روحیه ناسپاسی		
حجم انبوه انتظارات		

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

مولفه‌های مشخص شده با عناوینی از قبیل دولت محوری، پایدار محوری، جمع محوری و تعهد محوری شناخته شد که با سوالات مشخص شده که فصل سوم به آنان اشاره و اینجا مختصراً بیان می‌شود توانست یک ارتباط منطقی ما بین مفهوم توسعه و ارتباط آن با فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برقرار سازد که این ساختار منتهی به درک منطقی محدوده حاشیه‌های شهری کمک جهت بهبود وضعیت شهری و ارتقای سبک مدیریتی با توجه به مولفه از حاشیه درآمدگی پنهان که دال مرکزی این فرایند شناخته شده بتوانند یک منش اجتماعی به شکل قدرتمندانه در جهت ساختارهای اجتماعی رقم بزنند. در نهایت تحلیل مصاحبه‌ها و کدگذاری نشان داد که اجماع و همفکری در جهت توسعه یابی محله حاشیه شهری وجود دارد و آن توجه به رویکرد فناورانه و استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی در آن منطقه است.

در این پژوهش ابتدا نمونه‌هایی با تاکید بر جامعه‌ی هدف انتخاب شدند. یعنی افرادی که تاثیرگذار در روند توسعه یابی مناطق حاشیه نشین بودند توسط مدیریت سازمان به مصاحبه گر معرفی شد و سپس با توجه به پرسش‌های ابتدای پرسشگر توانایی وی و حوزه مسئولیت او را در زمینه انجام فعالیت در حوزه حاشیه شهر را تایید و مصاحبه باز (بدون سوالات پیش فرض) گرفته شد و سپس بعد از یک هفته مصاحبه نیمه ساختار یافته (با سوالات نیمه معین) را در مرحله سوم مصاحبه با وی پیگیری نمود. این نمونه‌ها، کارشناسان، مدیران و سیاستگذاران مناطق حاشیه‌ی شهر رشت بودند که با عنوان کلی مسئولین شهری از آنان در پژوهش یاد می‌شود. مصاحبه‌ها با ۲۶ نفر از مسئولین شهری انجام گردید. بعد از پیاده سازی داده ها، کد گذاری اولیه انجام گردید و سپس بر اساس تحلیل مضمون به مفاهیم و مقولاتی پرداخته شده است. در مصاحبه‌های انجام شده، تمرکز پرسشگر بر بساخت معنای توسعه در بین مناطق حاشیه نشین مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات بود. در مجموع با ۲۶ نفر از افراد مصاحبه عمیق و نیمه ساختار یافته انجام شد که مشخصات مصاحبه شوندگان به صورت زیر می‌باشد:

جدول ۴-۸- مشخصات پاسخگویان

ردیف	نام مستعار	سن	تحصیلات	شغل	درآمد (میلیون تومان)
۱	حامد	۴۴	فوق لیسانس	کارمند استانداری	حدود ۰.۷م.
۲	احمد	۲۶	لیسانس	استاد حق‌التدریس	۰.۹م.
۳	ترنم	۶۱	دکتر	کارمند استانداری	حدود ۱۰م.
۴	مسعود	۴۸	فوق دیپلم	کارمند استانداری	حدود ۰.۴م.
۵	ابراهیم	۳۶	لیسانس	کارمند استانداری	حدود ۰.۵م.
۶	حبیب	۲۵	فوق لیسانس	پژوهشگر آزاد	۴/۵م
۷	نفیسه	۲۴	لیسانس	کارمند استانداری	۴م
۸	تینا	۴۳	فوق لیسانس	پژوهشگر آزاد	۳/۷م

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

۹	توحید	۲۸	فوق لیسانس	پژوهشگر آزاد	۳م
۱۰	نریمان	۳۵	دکترا	کارمند استانداری	۸
۱۱	زهره	۴۲	فوق لیسانس	کارمند شهرداری	۷م.
۱۲	نازنین	۴۲	فوق لیسانس	کارمند شهرداری	بیش از ۱۵ م.
۱۳	ساغر	۴۰	فوق دیپلم	کارمند استانداری	حدود ۳/۷ م.
۱۴	سیدکاظم	۵۷	دکترا	نماینده مجلس	حدود ۱۵-۱۰ م.
۱۵	سیدعلی	۴۷	دکترا	نماینده مجلس	حدود ۱۵-۱۰ م.
۱۶	الهام	۴۲	دکترا	کارمند شهرداری	بیش از ۸ م.
۱۷	جبار	۵۰	فوق دیپلم	استاد حق‌التدریس	حدود ۱۲ م.
۱۸	سوگند	۴۲	لیسانس	کارمند استانداری	حدود ۱۵-۱۰ م.
۱۹	محمدرضا	۳۲	فوق لیسانس	کارمند استانداری	بیش از ۱۵ م.
۲۰	زهره	۴۲	لیسانس	استاد دانشگاه	حدود ۷ م.
ردیف	نام مستعار	سن	تحصیلات	شغل	درآمد (میلیون تومان)
۲۱	محمد	۲۸	فوق لیسانس	کارمند شهرداری	حدود ۵ م.
۲۲	نسرین	۴۵	فوق لیسانس	پژوهشگر آزاد	بیش از ۸ م.
۲۳	غلامرضا	۴۰	دکترا	کارمند شهرداری	حدود ۱۵-۱۰ م.
۲۴	سیمین	۴۲	لیسانس	استاد حق‌التدریس	بیش از ۱۲ م.
۲۵	سمانه	۴۲	لیسانس	کارمند شهرداری	بیش از ۶ م.
۲۶	محمد علی	۵۷	فوق لیسانس	کارمند استانداری	حدود ۹ م.

جهت تحلیل داده‌های مصاحبه‌ها بر مباحثی که پیرامون معنای توسعه در بین مناطق حاشیه نشین مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات بود، تمرکز شد. در ابتدا کدگذاری باز انجام گردید و کدهایی که از نظر محتوایی نزدیک به هم بودند، از طریق نرم افزار نرم‌افزار MAXQDA 2020 در یک گروه قرار داده شد و مفهوم جداگانه‌ای را تشکیل دادند که سپس بر اساس نزدیک بودن بعضی از مفاهیم با هم، یک مقوله تشکیل شد. بر اساس همین فرآیند، پژوهش حاضر دارای چهار مقوله محوری می‌باشد. به ترتیب توضیحات مقوله اول با عنوان «توسعه به معنای توسعه‌ی دولتی یا به عبارتی دولت محوری» می‌باشد که شش مفهوم برای آن تشخیص داده شد. مقوله دوم با عنوان «توسعه به معنای فتور در اعتبار بخشی یا به عبارتی ناپایدار محوری» می‌باشد که این مقوله نیز دارای شش مفهوم می‌باشد. مقوله سوم با عنوان «توسعه به معنای تک روی در شرایط اجتماعی یا به عبارتی فرد محوری» هست که شش مفهوم در دل آن جای گرفت و در نهایت مقوله پنجم «توسعه به معنای مسئولیت پذیری یا به عبارتی نامتعهد محوری» تشخیص داده شد که ذیل این مقوله، هفت مفهوم جاگذاری شده است. در ادامه گزارش مربوط به موضوع پژوهش،

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

با سرفصل‌های ۴مقوله مورد نظر همراه با نموداربندی مربوطه ارائه شده است. لازم به ذکر است که در نمودار تشریحی ذیل هر مقوله محوری، کدگذاری باز و مفهوم نیز با جزئیات به نمایش گذشته شده است.

۴-۱-۲-۱-۱- توسعه به معنای توسعه‌ی دولتی (دولت محوری)

از آنجا که نظریه وابستگی زنجیره‌ای از روابط وابستگی را تشریح می‌کند، مظهر یک دیدگاه کل گرا است که رشد آن از زمان تثبیت سرمایه داری به عنوان نظام غالب جهانی صورت گرفته است، از این رو گسترش آن با توجه به مرزهای مشترک آن با استعمارگری و توسعه نیافتگی، در نظر گرفته شده است. زنجیره روابط بهره کشی، نمایانگر استخراج و انتقال ارزش افزوده از طریق گسترش یک فرآیند مبادله نابرابر، از طریق "شهر بازار" ها، مراکز منطقه‌ای و پایتخت ملی، از روستا به متروپل بین المللی است. با تمرکز تدریجی ارزش افزوده اجتماعی، همواره مناسبات تجاری، به سود سطح بالاتر بعدی، در زنجیره به کار گرفته می‌شوند. نظریه پردازان وابستگی استدلال می‌کنند که با چنین شیوه ای، قدرت‌های مسلط سرمایه داری، تغییر ساختارهای سیاسی و اقتصادی را همواره در جهت تأمین منافع خود ترغیب کرده اند. بنابر این دیدگاه، قلمروهای استعماری در جهت تأمین محصولات اولیه با پایین ترین هزینه سازمان داده می‌شوند، و در عین حال، بازار رو به گسترشی را برای تولیدات صنعتی به وجود می‌آورند. محصول مازاد اجتماعی به طور اجتناب ناپذیری از مناطق فقیر به مناطق ثروتمند، از جهان توسعه نیافته به جهان توسعه یافته جاری می‌شود. این فرآیند از گسترش بین المللی برخوردار است و توسعه بسیاری از "نخست شهر" ها را موجب شده است.

گوندل فرانک به عنوان متفکر محوری نظرگاه وابستگی، در استدلالات خود، به نقش بورژوازی تعهد، به عنوان حلقه تکمیلی روند وابستگی نگاه می‌کند؛ فرانک، طبقات را عمدتاً توده‌ای تمایز نیافته می‌داند. وی معتقد است ساخت طبقات داخلی، بازتابی از ساختار اقتصادی گسترده تر است. بورژوازی آمریکای لاتین - یا به قول فران بورژوازی لمپن - نخبگان سستی، بازرگانان، وکلاء و صنعتگران را در برمی گیرد - مجموعه‌ای ساختار نیافته و یا تمایز نیافته اند که گاهی میان آنها تضاد رخ می‌دهد؛ بویژه هنگامی که پیوند آنها با متروپل ضعیف می‌شود. ساخت جدید اقتصادی و طبقاتی، منافع اقتصادی و طبقاتی بورژوازی ای را ایجاد می‌کند که با متروپل به عنوان شرکای آن پیوند خورده اند. این روابط و ساخت استعماری و نیز روابط و ساخت طبقاتی است که بورژوازی وابسته‌ای را به وجود می‌آورد که منافع آن در پیروی از سیاست‌های کشورهای استعماری قرار دارد. لذا این ساخت، نه تنها توسعه ایجاد نمی‌کند، بلکه توسعه نیافتگی اجتماعی و فرهنگی پدید می‌آورد.

روش بالا به پایین، به عنوان روش تغییر یا توسعه، بر این اصل استوار است که بالاترین سطح مراتب سکونتگاهها بهترین مکان برای دستیابی به نرخ بالاتری از رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی است. این نرخ بالاتر رشد از طریق استفاده از مزایای انباشت و تمرکز که در مراکز بزرگتر وجود دارد، به دست می‌آید. رشاد سریع حاصل از انباشتهای متراکم شده، سپس می‌تواند از طریق مکانیزم پخش و نفوذ به

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

پایین، سطوح پایین‌تر سکونتگاهها را نیز در بر گیرد. این روش ریشه در مدلها اقتصادی نئوکلاسیک دارد. نگرش بالا به پایین همچنین در ارتباط با روند توسعه دیدگاههای سیاسی، اقتصادی خاصی را شامل می‌شود. مدلها و تئوریهای کلیدی در قالب این رهیافت شامل میردال (۱۹۵۷)، هیرشمن (۱۹۵۸) مدلهای علیت انباشتی مکتب وابستگی امریکای لاتین (دهه ۱۹۷۰)، تئوریهای منطقه غالب و مکان مرکزی والتز کریستالر (۱۹۳۱) و تئوریهای قطب یا مرکز رشد، لوش و پرو (۱۹۵۵) و بودویل (۱۹۶۶) است.

مدلها و تئوریهای مبتنی بر راهبرد بالا به پایین از این نظریه الهام می‌گیرند که توسعه نمی‌تواند به طور اتفاقی در سطح منطقه شکل گیرد. توسعه گرایش به استقرار در نقاطی دارد که حد مناسبی از تمرکز دارند که این نقاط مراکز یا نقاط رشد نامیده می‌شوند. پس از رخ دادن توسعه در این مراکز به آرامی و به تدریج در نواحی پیرامون گسترش می‌یابد و در اطراف مرکز پخش می‌شود. بر اساس این نظریه در برنامه‌ریزی منطقه‌ای این اصل پذیرفته می‌شود که توسعه گرایش به استقرار در واحدهای اقتصادی بزرگ‌تر و تراکم‌تر نسبت به واحدهای پراکنده و نواحی کم تراکم دارد. در این رابطه بر تمرکز سرمایه در سکونتگاههای بزرگ و در برخی از سطوح پایین‌تر سلسله مراتب سکونتگاهها که پتانسیل لازم برای تبدیل به مراکز بزرگ‌تر را دارند، تأکید می‌شود. در مدلهای فضایی مبتنی بر راهبرد بالا به پایین هر چه مقیاس سکونتگاه بزرگ‌تر باشد بیشتر در کانون پیش بینی و اجرای برنامه‌های توسعه، به عنوان هسته قرار دارند. در این راهبرد فرض بر این است که در مراحل بعدی، از طریق پخش توسعه و نوآوریها از مراکز رشد شهری، نواحی پیرامونی که نواحی روستایی را در بر می‌گیرد، در جریان توسعه قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر در توسعه بر اساس این مدلها نواحی روستایی، وضعیت اجتماعی، جمعیتی و علایق آنها هیچ جایی در تفکرات و برنامه‌های توسعه ندارند. توسعه منطقه‌ای و برخورداری نواحی تنها از طریق پخش آثار توسعه از مراکز شهری به نواحی پیرامونی حاشیه شهر روی می‌دهد. در این مدلها به وضعیتهای محلی، تفاوتها و ویژگیهای خاص مناطق توجهی نمی‌شود و بر روندی کاملاً یک طرفه از بالا به پایین که لازمه آن تمرکز شدید است تأکید می‌شود.

در سوی دیگر روشهای توسعه، استراتژی تغییر از پایین به بالا عکس روش توسعه بالا به پایین و در مقابل آن قرار می‌گیرد. این رهیافت در توسعه فضایی و سرزمینی به دنبال اصلاح وضعیت اجتماعی و اقتصادی سکونتگاهها، جمعیت و فعالیت با تمرکز در سطوح پایین سلسله مراتب سکونتگاهی و پس از آن انتقال به سطوح بالاتر است. این رهیافت در عین حال بر این نکته تأکید می‌کند که روش پایین به بالا و بالا به پایین ضرورتاً با هم در تناقض نیستند. بلکه بحث بر سر این است که مراکز شهری و نواحی روستایی در فرایند توسعه و تغییرات اجتماعی و اقتصادی باید بر نهادهای خود به نسبت جایگاهی که دارند، کنترل داشته باشند. در این روش بر مراکز شهری و مراکز توسعه روستایی بر مبنای توسعه شهرهای کوچک و دیگر مراکز در سطوح پایین سلسله مراتب سکونتگاهی تأکید می‌شود؛ بنابراین این مراکز سطوح پایین سلسله مراتب یعنی شهرهای کوچک، روستاها و مراکز روستایی به نحو چشمگیری توسعه می‌

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

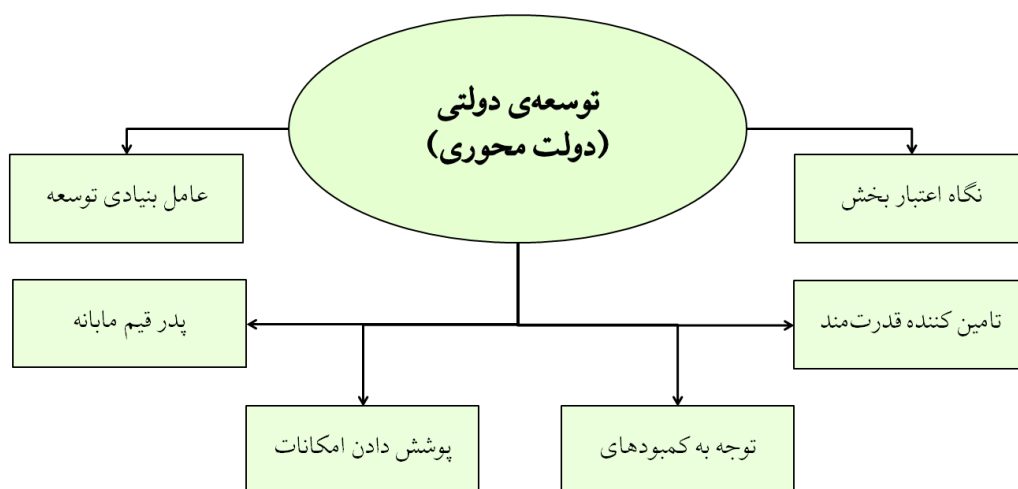
یابند. این روش در الگوهای توسعه جایگزین، و روش نیازهای اساسی جایگزین روش بالا به پایین می‌شود. بر اساس رهیافتهای بالا به پایین یا پایین به بالا سطحی از تمرکز، از تمرکز کامل تا عدم تمرکز کامل در دو سوی این طیف مورد توجه قرار دارند. در دیدگاه توسعه فضایی و منطقه‌ای این روند تمرکز و عدم تمرکز شکل سلسله مراتبی به خود می‌گیرد.

«اسم دولت کافی است در پروژه‌ی باشد دیگر روال کار به خودی خود انجام می‌شود.»

«دادها و حجم اعتباری که دولت اختصاص میدهد بالاتر از شرکت‌های خصوصی برای پیمانکاران

است.»

«دولت محوریت این بحث توسعه‌ی در منطقه را برعهده دارد.»



نمودار ۴-۱۱- مولفه محوری توسعه‌ی دولتی (دولت محوری) و مفاهیم ذیل آن

نگاه اعتبار بخش

دولت حمایت کننده مستحکمی در یک پروژه در یک منطقه باشد اعتبار به این پروژه اعتبار به عنوان منطقه اعتبار به حاله قدس ایجاد می‌شود که حالی دیگری نمی‌تواند آنها آن مسئله را پوشش دهد در واقع دولت مستحکم کننده روابط قدرت در حوزه پروژه سازی پروژه محوری در یک محله است اگر دولت باشد چه خواهد شد

«پروژه‌هایی که دولت سرمایه‌گذاران است احترام و ارزش و غربت بیشتری دارد حتی اگر دولت نداشته باشد تا پروژه را به اتمام برساند اما اگر اسم شرکت‌های دولتی در میان باشد روند پیشرفت پروژه بهتر بیشتر و دقیق‌تر پیش خواهد رفت.»

«دولت اگر پشت یک ماجرای باشد حتما اون ماجرا اتمام میرسه اگر به اتمام نرسیده هم صدا و سیما در مورد برنامه‌های مختلف اجرا میکنه و به نوعی به سرانجام میرسه.»

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

«تا وقتی دولت نخواست مطمئناً به انجام نخواهد رسید.»

«تمام امکانات صرف امور دولتی می‌شود در واقع دولت هم باید خرج و مسئولیت‌های که باید رو به عهده بگیرد همیشه انتظار داشت پیمانکارهای دیگر شرکت‌ها وضعیتشون بهتر باشه تو بحث حاشیه نشینی هم همینطوره تا زمانی حاشیه وجود داره که دولت تصمیم قاطع و دقیقی در موردش نگیره واقعیت این هست که دولت اعتبار بخش به مناطق هست.»

«ببینید اگه واقعا شما بخواید به منطقه رو ارتقا بدید باید و باید از زاویه دولتی به مسئله مرور کنید چون تنها وقتی یک پروژه و یک حرکت می‌تونه به منطقه اصالت بده که مردم و سایر سرمایه‌گذارها اطمینان داشته باشند که دولت برای اون منطقه برنامه داره. چون که دولت هست که از برنامه‌های آینده با خبره. این وضعیت که باشه منطقه قشنگ روی دور میوفته و رقابت عجیبی برای سهم خواهی در اون بخش پیدا میشه. همه اینها به خاطر چیه؟ به خاطر اعتباری هست که کنش دولتی در اختیار داره و به محض ورودش در منطقه اون رو منطقه و برنامه‌های شهری انتقال میده. و از قبل همین اتفاق هست که مردم به نون و نوایی میرسن.»

تامین کننده قدرت‌مند

به شکل روز تونی با وجود ساختارهای موازی همچنان شاهد این مسئله هستیم دولت تاثیر و نفوذ بیشتری دارد در واقع هر چقدر دولت در سامانه اجتماعی و حتی تامین کننده بودن مردم جهت پشتیبانی و حمایت دولتی می‌تواند بیشتر باشد

«بودجه‌های که در سازمان‌های مختلف وجود داره انقدر زیاده که اگر بخشی از این بودجه‌ها رو بشه دقیق خرج کرد کل شهر ثروتمند میشه نه فقط حاشیه ی از شهر.»

«قدرت اصلی و اعتبار نهایی که وجود داره دست دولته.»

«پیش برنده اصلی که قدرت خیلی زیاد و نفوذ زیادی در بعد توسعه داره دولت هست این مجموعه‌های دولتی که خودشون شرکت‌های عظیم محاسباتی دارند و حتی بانک دارند واقعا وضع شون فوق العاده است.»

«تاثیری که این مجموعه‌های دولتی در روند اقتصاد میگذارند هیچ مجموعه دیگه ی قابل رقابت باهاش توی بحث قدرت اجتماعی نیست.»

«پس میبینیم که چیزی که در حقیقت هنوز که هنوزه تو این مملکت اصل و محور هست دولت هست. حالا شما بیا هزارمدل برای ما نظریه پردازی کن و حرف بیا. باید حرف و سخن و علم از واقعیت‌ها بیرون بیاد و واقعیت فعلاً همین هست که داریم میبینیم. شما نگاه کن بالاترین درآمدهای کشور الان تو چیه؟ دلالی. دلالی چجوری به دست میاد؟ با رانت؟ رانت از چی؟ اطلاعات. اطلاعات از کجاست؟ دولت. چرا؟ چون قدرت دست اونه و اون هست که تصمیم میگیره کی بخوره، چی بخوره و کجا بخوره. پس

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

برای شهر و محترم آگه دنبال قدرت میگردی. آگه دنبال توسعه می‌گردی باید توی دولت دنبالش باشی
قربونت برم. بی خودی خودتون رو معطل نکنید.»

توجه به کمبودهای

کمبودها ناتوانی‌ها همه اینها مسائلی هستند که دولت باید پادر میان بگذارد دولت باید پا در جایی
بگذارد که این کمبودهای احساس می‌شود باید پوشش دهنده این کمبودها باشد. مردم نمیتوانند کمبودها
را برطرف کنند

«نگاه حل مسئله باید وجود داشته باشه واقعا مجموعه‌های دولتی تو این بحث خیلی میتونن کمک کننده
باشند.»

«نگاه به بخش‌های کمتر توسعه یافته شاهد این موضوع است که کمبودها به درستی بازنمایی نشده
است اگر کمبودها درست بازنمایی و رسانای مناسبی در فضای مجازی داشته باشند به دقت و سرعت
دولت در جهت رفع آن‌ها عمل می‌کند.»

«یکجا از شهر اصلا خبر از هیچ امکانی نیست حتی برای پیدا کردن یک دستشویی باید ساعت‌ها در
شهر بچرخنی خب این عامل و عامل‌های رفاهی هستش که زندگی را راحت میکنه برای مردم نه یکسری
بحث‌های بی فایده در تلویزیون.»

«با همکارا رفته بودیم بازدید یک مجموعه دولتی دیگه که زیر بخش ما هستند اگر بدونید چه امکاناتی
اونجا وجود داشت ما دیگه کف بالا آوردیم چرا یک جا این امکانات رو داریم اما در مجموعه خود ما
نیست این نشون میده که میرهای اون بخش توجه دارند به کمبودها.»

«حالا همه اینها رو گفتیم. توضیح دادیم. شما بگو ببینم چرا اینجوریه؟ چون تنها کسی که همه امکانات
و استعدادها رو در اختیار و کنترل خودش داره دولته. طرف اومده کل زیر تا بم دار و ندار کشور رو تو
دستش داره بعد شما به من میگی مردم باید توسعه رو ایجاد کنند؟ کدوم مردم؟ مردمی که به نون شبشون
محتاجن؟ نه همه این کارها بر عهده دولته چون اختیار داره. قدرت داره. پول داره. امکانات داره. به تبع
همه اینها آگه هم قراره تحرکی ایجاد بشه از همین سرچشمه آغاز میشه. آگه قراره پیشرفتی حاصل بشه
از همین آبشخور انجام میشه.»

پوشش دادن امکانات

امکانات متعدد رس مردم خارج است که فراهم کنند فراهم کردن امکانات متعدد و متنوع باید زیر نظر
مجموعه‌های دولتی با برنامه‌ریزی‌های ساختارمند تعالی منطقه در دست دولتی امکان را دارد تا با پوشش
دادن همه جانبه امکانات متعدد متنوع را جهت توسعه یابی منطقه فراهم نماید «توانایی دولتی برای پوشش
دادن امکاناتی که مردم میخواهد به نظر من کافی هست ما انقدر تو این اداره خودمون اصراف می‌کنیم چند
وقت پیش ارباب رجوعی داشتیم که پول نداشت چای بخره بیره خونه من از جیب خودم دادم با این که
اصل اساسی داستان ما تو اداره مون این هست که به همچین کسانی کمک کنیم ولی چون اون بنده خدا

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

تحت پوشش نبود نمیتوانستیم بهش امکانات بدیم.» و همچنین «دولت میتونه یکسری افراد رو تحت حمایت خودش بگیره به شکل کامل اگر نمیکنه حتما نميخواد که مسائل حل بشه دوست داره به همین منوال اداره پیدا کنه.» و همچنین «وظیفه دولت رساندن امکانات به مناطق است باید این موضوع به روشنی تبیین شود.»

پدر قیم مابانه

دولت مانند یک پدر است برای یک ملت در واقع زمان یک بچه بزرگ شدن دولت باید توانایی این را داشته باشد و ساختار ایجاد کند تا بتواند مردم تکیه گاهی داشته باشند در واقع خود مردم یا همان بچه از روز اول نمیتواند راه برود .

«وظیفه و اصل اساسی که برای دولت وجود داره همین برداشتن محدودیت‌های هست که برای مردم به وجود آمده ما که کارمند این اداره هستیم داریم برای خرید بریم چند قلم جنس بخریم من نمیدونم کسای که ندارند چطوری دارند زندگی میکنن.»

«دیروز موقع برگشت به منزل یک خانمی با وضعیت نامناسبی در حال جمع کردن وسایل سطل آشغال بود خب اگر داشت که هرگز اینکارو نمیکرد مسئولش دولته دیگه.»

«من که از چشم دولت میبینم تعیین بودجه‌های که تصویب‌های که داریم همه اش زیر ساختار و دستورالعمل‌های هست که دولت باید به سازمان‌ها ابلاغ کند.»

«دولت باید به من خونه بده باید کار بده من از طریق کار کردن قصد اون خونه ی که دولت به من داده رو بدم این همیشه که ما تو مملکتی داریم زندگی می‌کنیم که سرشار از امکانات خدادادی هست اینطوری نباید بشه که تمام افراد برای یک قرون و دوزار بیوفتن دنبال دولت.»

«قبلا پدرمون چیزی میگفت میگفتیم چشم الان دولت هر چی بگه میگیریم چشم، هرچی دولت تصمیم بگیره ما انجام میدیم اون میدونه چه کاری مناسب هست خب اتاق فکر داره هتت تصمیم گیر داره الکی که نیست.»

«درست مثل اینکه یک پدر برای فرزندان‌ش امکانات ایجاد میکنه تا اونها رشد کنند، تحصیل کنند، ترقی کنند. یه بچه یتیم رو در نظر بگیر که هیچ درآمد و امکاناتی در اختیار نداشته باشه. این میتونه پیشرفت کنه؟ میتونه جلو بره؟ میتونه گلیمش رو از آب بکشه بیرون. خب میتونه. البته به جز توی فیلم‌ها. پس زمانی هم که داری یه کشور رو در نظر میگیری. زمانی که داری مملکتی رو نقشه برداری میکنی باید درست ارزیابی کنی که هر پدیده‌ای و سازمانی رو باید در ارتباط با دولت ببینی. دولتی که مثل پدر چترش رو روی سر فرزندان‌ش گشوده. فرزند میتونه بدون اجازه پدر وضعیت زندگی رو متحول کنه؟ بدون حمایت پدر میتونه؟»

عامل بنیادی توسعه

هر کشور یا جامعه را رسیدن به توسعه با بهبود شرایط زندگی تعریف توسعه را عبارت از استفاده درست و منطقی از منابع و فرصتها و توزیع و آن بدانیم برنامه ریزی، دانش و هنر استفاده منطقی و بهینه از منابع برای بدن به هدف توسعه است یا برنامه‌ریزی کوششهای آگاهانه و تنظیم شده برای‌ها و پیمودن بهترین راهها برای رسیدن به هدفهای مشخص است. واقعیت این است که هر کشور یا جامعه‌ای از یک سو با محدودیت منابع روبه روست و از سوی دیگر خواسته‌ها و نیازهای نامحدودی دارد. برقراری ارتباط بین منابع محدود و نیازهای نامحدود به نحوی که بتوان نیازهای بیشتری را با منابع محدود پاسخ گفت فرایند برنامه‌ریزی است.

در واقع برنامه‌ریزی فرایندی برای دستیابی سریع‌تر و آسان‌تر به هدف توسعه است که در آن هم مسیر و هم مراحل رسیدن به هدف و هم نحوه دستیابی به آن تعیین می‌شود. اینکه برنامه‌ریزی به عنوان چهار چوبی معین برای رسیدن به اهداف توسعه در سطح جهانی مورد پذیرش عام قرار گرفته است، بیانگر اهمیت آن است؛ اما آنچه روشن است برنامه‌ریزی خود، تحت تأثیر الگوها و شرایط حاکم بر جامعه قرار دارد. برنامه‌ریزی قبل از هر چیز نوعی آمادگی ذهنی برای عمل است و در عرصه فکر و ذهن نقش می‌بندد. به قول بنتون مک کی^۱ هر عمل سنجیده، قبل از اینکه در محیط فیزیکی انجام پذیرد، باید در حیطه فکر شکل بگیرد و حلاجی شود.

تا قبل از جنگ جهانی اول جوامع پیشرفته کنونی دارای یک هدف اقتصادی مجموعه شناخته شده، یعنی استفاده منطقی از وسایل یا منابع کمیاب برای رسیدن به تولید یا در آمد ملی بهینه بودند. مهم ترین هدف برنامه ریزیهای زمان جنگ جهانی اول و دوم نیز همین بود. بعد از جنگ جهانی دوم مهم ترین مشخصات برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی ملی به صورت زیر تعریف شدند: اولاً توسعه به معنای تغییر، تغییر از حال و گذشته به آینده بود و از این زاویه برنامه‌ریزی توسعه ملی فرایندی است که: (۱) دولت‌ها در قالب آن مسئولیت هدایت اقتصادی به سوی تغییرات مطلوب را می‌پذیرند. (۲) تغییر مذکور هدفمند و به سوی هدف یا مجموعه‌ای از اهداف مشخص است. توسعه علاوه بر به وجود آوردن تغییر و هدفدار بودن وجه را داراست و آن عقلانیت است. هدف همه گوششهای برنامه‌ریزی به استفاده کارآمد از منابع کمیاب در نظام اقتصادی است و در هر صورت صاحب نظران مختلف از دیدگاههای متفاوت برنامه‌ریزی را تعریف کرده اند.

برگن^۲ از دیدگاه اقتصادی برنامه‌ریزی را این گونه می‌کند: برنامه‌ریزی عبارت از مجموعه تصمیماتی است که نسبت به‌های اقتصادی نظیر تولید، قیمت‌ها، و در آمد اتخاذ می‌شود و نیز می‌توان گفت که نامهریزی یک نوع تمرین عمومی از زندگی اقتصادی است. هیل هورست^۳ از دید منطقه‌ای برنامه‌ریزی را چنین تعریف می‌کند: «فرایند تصمیم‌گیری که هدف آن ترکیب بهینه فعالیتها در ناحیه‌ای مشخص است که با

^۱ Benton Mackki

^۲ Yan Tinbergen

^۳ Hilter

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

توجه به هدفهای تعیین شده نظام و فشارهای ناشی از منابع موجود استفاده از سیاست به وسیله آن هماهنگ می‌شود» فریدمن برنامه‌ریزی را این گونه تعریف می‌کند: «برنامه‌ریزی اساساً یک روش اندیشیدن به مسائل اجتماعی و اقتصادی است، جهت‌گیری برنامه‌ریزی عمدتاً به سوی آینده است، عیناً به ارتباط میان هدفها و تصمیمهای جمعی مربوط می‌شود و برای جامع بودن خط مشی و برنامه تلاش می‌کند» به گفته چادویک برنامه‌ریزی یک سیستم کلی ذهنی است. با ایجاد یک سیستم ذهنی مستقل اما منطبق بر دنیای واقعی. ابتدا پدیده تحول را شناخته، سپس آن را پیش بینی کرده و بالاخره آن را ارزیابی می‌کنیم. هدف بهینه کردن سیستم دنیای واقعی از طریق بهینه نمودن سیستم ذهنی می‌باشد» بنابراین با توجه به تعاریف برنامه‌ریزی از دیدگاههای مختلف و با در نظر داشتن ویژگیهای مشترک تعاریف می‌توان برنامه‌ریزی را این گونه تعریف کرد برنامه‌ریزی فرایندی است، متشکل از مجموعه‌ای از تلاشها، فعالیتها و روشهای آگاهانه مرتبط به هم که برای رسیدن به هدف یا اهدافی مشخص به کار گرفته می‌شود.

«رفاه و ساختار برخوردار زمانی شکل می‌گیرد که دولت وارد میدان عمل بشه.»

«عملیات‌های زیر ساختی که شروع کردیم به پایان نمیرسه تا زمانی دولت برایش بودجه تصویب نکنه همه کارهامون وابسته به دولت و ساختار دولتی شده.»

«زیرساخت‌های اساسی یک مملکت باید از طریق دولت و مسئولین دولتی پیگیری شود و در جهت رفع نابرابری برنامه ریزی‌های اساسی صورت بگیرد.»

«پیشرفت و ترقی در دست دولت و ساختن زیر ساخت‌های کشور هست.»

«بین ما داریم از یک نظم سازمان یافته صحبت می‌کنیم. از شرایط نرمال صحبت می‌کنیم. از قواعد پذیرفته شده صحبت می‌کنیم. قواعدی که به ما چارچوبی میدن برای فکر کردن، برنامه‌ریزی کردن، پیش رفتن. پس زمانی که از توسعه صحبت می‌کنیم باید و باید دولت رو به عنوان بنیادی ترین عامل در ابتدا بپذیریم. وقتی این رو پذیرفتیم اون وقت هست که میتونیم خودمون و سایر دارایی‌ها رو در نسبت با اون بسنجیم. به نحوی که هر کدوم از این امکانات بتونن نسبت خودشون رو با دولت مشخص کنند. هر کدوم از اینها بتونن به ما بگن که به چه نحوی میتونن به دولت کمک کنند و در منظومه کنش‌های دولت جایی برای خودشون پیدا کنند.»

۴-۱-۲-۱-۲- توسعه به معنای اعتبار بخشی (پایدار محوری)

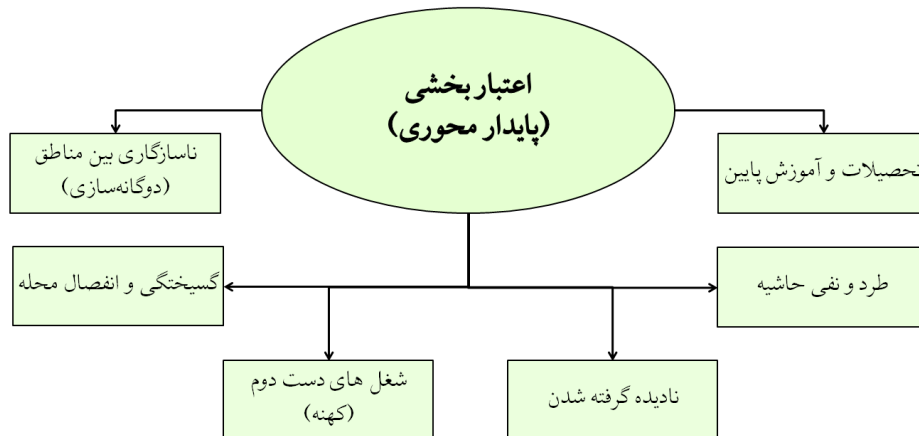
طرح دوباره "خوداتکایی" بی شک در دوره پس از نظریه‌های نوسازی و وابستگی، عجیب است، اما واقعیت دارد. پسامدرن‌ها می‌کوشند با طرح مقولاتی که مکتب نوسازی آن‌ها را رد کرد، صورت مسأله کنونی را در هم بریزند؛ ایده اصلی از این قرار است که باید نخست به نیازهای اساسی در قلمروهای خاص پاسخ داده شود. در ناب ترین شکل، استدلال می‌شود که این توسعه درکشورهایی صورت می‌گیرد، که با اشتراکی کردن ثروت تولیدی، و نزدیک شدن به نیروهای بیرونی تغییر، اتکاء بیشتری به منابع محلی دارند. این ایده را "انسداد گزینشی منطقه‌ای / قلمروی" نامیده‌اند (El-Dorghamy & Mosa, 2016).

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

به بیان ساده تر، تلاش کشورهای جهان سوم، باید به کاستن از میزان درگیری آنها در فرآیندهای نابرابر تبادل معطوف شود. تنها راه حل "افزایش خودکفایی و اعتماد به نفس" است (Falco et al., 2019). به هر حال تصور بر این است که اقتصاد امکان گسترش بعدی را می‌یابد و فعالیت‌هایی غیر کشاورزی را ارائه خواهد کرد.

اما عنوان می‌شود که در شرایطی که شهرها بر پایه کشاورزی استوار باشند، مکان استقرار شهری دیگر تعیین کننده نخواهد بود. از این رو فریدمن و ویور اظهار می‌دارند که "شهرهای بزرگ امتیاز قاطع کنونی خود را از دست خواهند داد." روشن است که این رویکرد، اگر نگوئیم کاملاً بر اصول سوسیالیسم مبتنی است، اما الهام گرفته از آن است.

دولتهای جهان سوم، علی‌رغم شناختی که نسبت به مسائل و مشکلات شهری دارند، فقط راه حل را در ممانعت و جلوگیری از مهاجرت مردم به شهرها می‌دانند، در حالی که باید برای مسأله‌ای به این پیچیدگی، راه‌حل‌های مختلفی را اختیار کرد. ... علی‌رغم تفاوت‌هایی که از لحاظ شهرنشینی در کشورهای توسعه نیافته وجود دارد، چند ویژگی مشترک نیز از لحاظ شهرنشینی در این کشورها وجود دارند که عبارتند از: ۱. وجود ناهماهنگی و عدم تعادل میان نرخ رشد جمعیت شهرنشین با رشد تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی ۲. توجه به وضعیت نامطلوب روستاها به خصوص از لحاظ اقتصادی به عنوان عاملی مهم در شد جمعیت شهری (مهاجرت) ۳. ناهمگونی و توزیع نامناسب نظام شهری (ماکروسفالی) ۴. وجود بخش حاشیه نشینی در کنار شهرها.



نمودار ۴-۱۲- مولفه محوری اعتبار بخشی (پایدار محوری) و مفاهیم ذیل آن

تحصیلات و آموزش پایین

جوانان منطقه افرادی که در این مناطق زندگی می‌کنند اغلب شان از یک وضعیت تحصیلات پایینی برخوردارند درباره این افراد پتانسیل توانایی مفاهیم نوین اجتماعی رو ندارم

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

«خب حاشیه شهر اغلب شون در تحصیلات ضعف دارند بله پیدا میشه موردهای که بودند تحصیلات بالایی داشته باشند ولی به صورت کلی اصلا راجب این موضوع نمیشه روی حاشیه شهر حساب باز کرد.»

«برای بازرسی از شرکتی که تحت نظارت سازمان هاست به محله آزاد کوچه جرثقیل گلبرگ رفتیم اصلا یکی نبود زبان ما رو بفهمه انگار خارجی صحبت میکردیم آخر پسر مدیر اون شرکت آمد به ما توضیح داد که فلان کار رو می‌کنیم و اینطوری اونطوری میخوام بگم به لحاظ تحصیلات و مدارک تحصیلی صفر هستند خب اغلبشون یا تا کلاس پنجم ابتدایی درس خوندن یا ترک تحصیل کردند.»

«بچه‌ها جوری تربیت میشن که برای حمالی مناسب هستند ببخشید این یک واقعیه!.»

«اگر آموزش دیده باشند که ماجرا تموم هست اصلا دیگه نیازی نداره تو اون محلات زندگی کنن.»

«محیط خیلی تاثیرگذاره اگر تو محیط شما همه دور وری هاتون مشغول کشیدن موارد ببینید شما هم اونجا هستید تمایل ندارید چیزهای دیگه یادبگیرید بجاش میرید نحوه مصرف موارد رو یادمیگیرید (میخندد).»

«حالا وقتی این نظم رو پذیرفتی، این قاعده رو شناختی متوجه میشی که وقتی ما می‌گیم مردم این مناطق حاشیه‌ای از پتانسیل و توان کافی برای برون آیی از این وضعیت برخوردار نیستند یعنی چه. وقتی پدر ضعیف شد، فرزندان ضعیف میشن. وقتی فرزند تحصیلات خوب نداشته باشه. وقتی فرزند آموزش درست ندیده باشه چطور میخاد مسیر رو پیدا کنه؟ چطور میخاد قوت برون رفتن از مشکلات رو پیدا کنه. بله پس آموزش ضعیف، تحصیلات ضعیف در کنار بسیاری از مواردی مثل این یک عنصر حیاتیه که این بخش از جامعه متاسفانه محرومند و نیازمند یک دست یاری گر هستند. اتفاقا من معتقدم ظلم هست به اینها که بخواهیم با توجه به داشته هاشون توقع داشته باشیم که خودشون از جا بلند شن. حتما یک نگاه مهربانانه پدرانه نیاز دارند تا از این چاله بیرون بیان و به آغوش جامعه برگردن.»

طرد و نفی حاشیه

تمرکز اصلی باید بر روی مراکز شهری باشد هر چقدر مراکز شهری گسترش پیدا کنند و تقویت شوند پیرامون آن نیز تقویت می‌شود اما نگاه نباید برعکس باشد یعنی توری بشود که حاشیه مهم بشود.

«حاشیه شهر باید جمع بشه میدونی زیاد از حد داره گسترش پیدا میکنه این وضعیت میتونه خیلی خطرناک باشه حتی برای مرکز نشین‌های شهر»

«حاشیه شهر یک ساخت و ساز خودرو و بی نظم و منطق هست باید با ساختاری که نظم مناسب نداره برخورد بشه.»

«حاشیه باید جمع بشه فقط همین رو میدونم هر چی بدبختی و گرفتاری این شهر داره میکشه از همین حاشیه شهره همین محله‌های که دارید می‌گید.»

«پس نتیجه این شد که ما باید حاشیه‌ها رو وارد شهر کنیم اما به چه شکل؟ به شکلی که بتونیم در ابتدا شهر رو رونق بدیم. اون رو بزرگ کنیم. اون رو جذاب کنیم. اون وقته که فرصت‌های توسعه شهری این

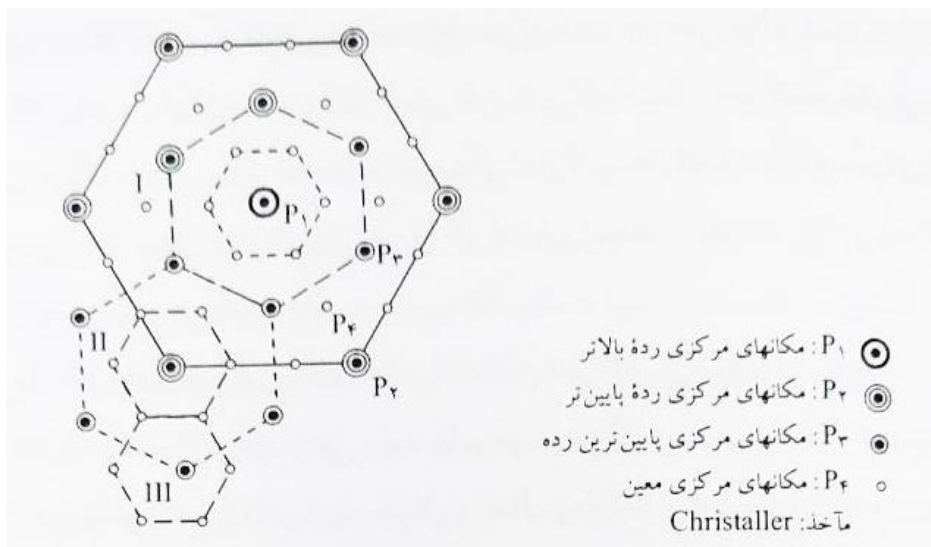
فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

امکان رو برای حاشیه‌های شهر پدید می‌آید تا بتوند کمی متفاوت از محیط زندگی‌شان ببینند و عمل کنند و حرکت کنند. پرداختن مستقیم به حاشیه‌های شهر درست مثل این می‌مونه که یک چاه رو با ریختن انبوهی از خاک پر کنی در حالی که با همون خاک میتونی ساختمان‌های رفیعی رو به ارمغان بیاری. پس راه برون رفت حاشیه هم اینهست که باید به توسعه شهر ابتدا توجه بشه. ناخودآگاه از قِبل این مسیر حاشیه‌ها هم رشد پیدا می‌کنند.»

«پس نتیجه این شد که ما باید حاشیه‌ها رو وارد شهر کنیم اما به چه شکل؟ به شکلی که بتونیم در ابتدا شهر رو رونق بدیم. اون رو بزرگ کنیم. اون رو جذاب کنیم. اون وقته که فرصت‌های توسعه شهری این امکان رو برای حاشیه‌های شهر پدید می‌آید تا بتوند کمی متفاوت از محیط زندگی‌شان ببینند و عمل کنند و حرکت کنند. پرداختن مستقیم به حاشیه‌های شهر درست مثل این می‌مونه که یک چاه رو با ریختن انبوهی از خاک پر کنی در حالی که با همون خاک میتونی ساختمان‌های رفیعی رو به ارمغان بیاری. پس راه برون رفت حاشیه هم اینهست که باید به توسعه شهر ابتدا توجه بشه. ناخودآگاه از قِبل این مسیر حاشیه‌ها هم رشد پیدا می‌کنند.»

نادیده گرفته شدن

اساس مدل کریستالر سکونتگاه‌ها را می‌توان در سطح ملی به مکانهای ده بالاتر، رده پایین تر، پایین ترین رده و مکانهای مرکزی معین طبقه‌بندی بیت یک مکان بر اساس جایگاهی که در طبقه‌بندی به دست می‌آورد، منعکس می‌شود (شکل شماره ۲)



نمودار ۴-۱۳- سلسله مراتب مکانهای مرکزی کریستالر

مدل اصلی کریستالر متکی بر اصل بازاریابی است. نتیجه کاربرد این اصل پدید آمدن روابط متقابل سلسله مراتبی بین مکانهای مرکزی است. توزیع مکانهای مرکزی در فضای ناحیه‌ای به گونه‌ای است که هر مکان در مرتبه خاص خود کالاها و خدمات مراکز فرودست خود را عرضه می‌کند. در این سلسله

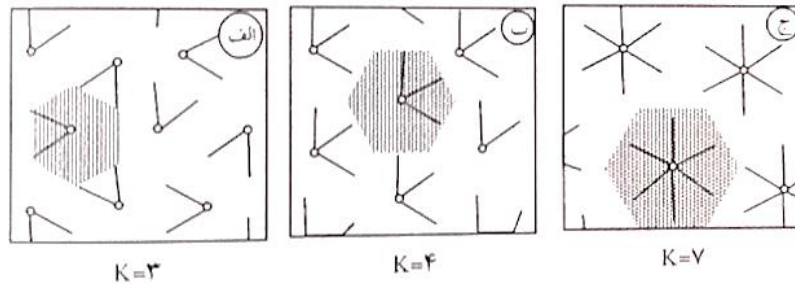
فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

مراتب بازاری میدان برد کالا با سطح سلسله مراتب مکان مرکز و امکانات و قدرت خرید خریداران و شکل و ماهیت خدمات و تولید در رابطه است. کریستالر معتقد بود که سلسله مراتب مرکزی می‌تواند بر اساس هر یک از اصول زیر ایجاد شود:

الف) اصل بازاریابی یا عرضه: در این حالت برای هر مرکز فرعی حداکثر حق انتخاب مراکز اصلی وجود دارد. در این نوع سلسله مراتب هر مکان مرکزی یک سوم هر شش مرکز فرعی تابعه خود به اضافه خود مرکز اصلی را زیر نفوذ دارد که معادل ۳ مرکز می‌شود. کریستالر این مقدار را ارزش « می‌نامد که معادل شی سکونتگاههای سطح معینی است که توسط یک مکان مرکزی متعلق به سال خدمت داده می‌شود.

ب) اصل ترابری: در سلسله مراتبی که بر اساس این اصل شکل می‌گی فاصله بین مراکز اصلی و فرعی به حداقل می‌رسد. در این حالت مراکز تا حد بیشتری در مسیر ترافیک بین مراکز اصلی قرار می‌گیرند. از آنجا که مراکز فرعی در مسیر بین مراکز اصلی واقع شده‌اند، وابستگی دوگانه دارند؛ بنابراین مطابق اصل ترابری ارزش K چهار است، یعنی هر مرکز اصلی نصف ۶ مرکز فرعی به اضافه خود را زیر پوشش می‌گیرد.

ج) اصل اداری: اگر سکونتگاهها مطابق این اصل استقرار یافته باشند هر مرکز، کنترل کامل ۶ مرکز فرعی خود را بر عهده می‌گیرد و وابستگی تقسیم شده مراکز فرعی وجود ندارد؛ در نتیجه در این حالت ارزش K مساوی ۷ خواهد بود، یعنی ۶ مرکز زیر نفوذ به اضافه خود مرکز اصلی است (شکل ۵-۴).



شکل ۴-۱- سلسله مراتب مرکزی بر اساس اصول بازاریابی، ترابری و اداری

کریستالر معتقد است که الگوی استقرار بر اساس اصل بازاریابی بیشترین کارایی را برای مصرف کنندگان روستایی و توزیع فرآورده‌های روستایی دارد و در مناطق سرسبز که زمین حاصلخیز و قابل کشاورزی است، یافت می‌شود. در حالی که الگوی ترابری کاراترین الگوی استقرار برای عرضه کنندگان شهری و مناسب ترین حالت برای توزیع کالای شهری و به ویژه کالاهای سنگین و گران قیمت است و الگوی اداری کاراترین الگو برای بوروکراتهای شهری است و در مناطقی و استقرار و یا نحوه توزیع جریانهای اقتصادی را مراکز بوروکراتیک تعیین اند، یافت می‌شود. این سه نوع نظم غیر قابل جمع نیستند و مناطق

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

بزرگ ترکیبی از چند شکل فضایی را با هم داشته باشند و از میان همه مدل‌های تعیین استقرار فضایی، نظریه مکان مرکزی احتمالاً از همه مشهورتر است. اهمیت این نظریه درباره استقرار محل‌های سکونت، بسیار است، اما از آنجا که تنها با بخش خدمات سروکار دارد، تبیینی که ارائه می‌دهد وی است و کل ساختار فضایی مناطق را تبیین نمی‌کند. نظریه مکان مرکزی الگوی کاملی از سلسله مراتب سکونتگاهی در سطح نواحی را عرضه می‌دارد. مطالعات تجربی متعددی در زمینه به دست آوردن شواهد تجربی برای نظریه مکان مرکزی انجام گرفته است و این نظریه به وسیله سایر دانشمندان انتقاد و اصلاح شده است. مهم‌ترین انتقاد وارد بر الگوی مکان مرکزی کریستالر این است که از ناحیه، برداشتی ذهنی و آرمانی بدون توجه به تفاوت‌های طبیعی نواحی و رفتارهای انسانی کرده است.

علاوه بر کریستالر، معروف‌ترین مدل‌ها در رابطه با ساختار سازمانی سکونتگاه‌های روستایی و سلسله مراتب مکان مرکزی، مدل لوش^۱ و گالپین^۲ است. تجزیه و تحلیل لوش مبتنی بر شبکه روستاهای کشاورزی است که در یک دشت زراعی به شکل مثلث پراکنده شده‌اند. گالپین و پیروانش مکان‌های مرکزی را از دیدگاه روستایی تجزیه و تحلیل کردند و از این راه سلسله مراتب عملکردی را به صورت تجربی به دست آوردند. به طور کلی تمامی نظریه‌های مکان مرکزی بر چهار اصل استوارند:

۱- یکسانی چشم انداز فرهنگی و فیزیکی؛

۲- نواحی واحد نامحدود؛

۳- قابلیت دسترسی یکسان مکان‌های مرکزی در تمام جهات؛

۴- رفتار منطقی مصرف کننده

فریدمن در سازمان یابی فضایی سکونتگاه‌ها معتقد به توالی مراحل سازمان است. وی این سازمان یابی را بر محور رشد شهری - صنعتی تحلیل می‌کند. توالی مراحل سازمان فضایی فریدمن شامل چهار مرحله است که عبارت‌اند از:

- مرحله ماقبل صنعتی؛ در این مرحله سکونتگاه‌ها و مراکز محلی مستقل از همدیگر و فاقد سلسله مراتب‌اند.

- مرحله آغاز صنعتی شدن؛ در این مرحله مرکزی ساده و قوی با طیف گسترده در پیرامون آن شکل می‌گیرد.

- مرحله صنعتی شدن کامل؛ در این مرحله مرکز ملی منفرد و مراکز پیرامونی قوی در سطح منطقه به وجود می‌آید.

- مرحله مصرف انبوه؛ در این مرحله نظامی به هم وابسته و کارآمد از سکونتگاه‌ها با محوریت مراکز شهری به وجود می‌آید.

¹ Losch

² Galpin

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

با توجه به محوریت شهری سازمان فضایی در این نظریه، گروهی معتقدند فرایند صنعتی شدن در کشوری در حال توسعه زمانی شکل می‌گیرد که سازمان فضایی آن دوباره سازماندهی شود و صنعتی شدن موفق بر پایه دگرگون سازی ریشه‌ای و تجاری کردن کشاورزی، با کمک سلسله مراتب مکانهای مرکزی چند منظوره امکان پذیر است. توسعه کشاورزی هنوز به عنوان عنصر کلیدی این سیاست باقی می‌ماند. کشاورزی حداقل باید تمام یا قسمتی از مواد خام مورد نیاز بخش صنعت را تأمین و غذای جمعیت رو به افزایش شهری را تولید کند. انسجام سیستمی سکونتگاههای شهری بر اساس جایگاه و کار کرد که بر عهده دارند نقش خود را بازی می‌کنند. مدل‌های مختلف سازمان فضایی و سلسله مراتب سکونتگاه هر چند به دلیل تفاوت‌های جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و سطح توسعه مناطق قابل تعمیم نیستند و هر منطقه نظام فضایی خاص خود را می‌طلبد، ولی در این موضوع اتفاق نظر وجود دارد که سازمان فضایی مناسب، باعث افزایش کارایی تولید و فعالیتها، استفاده مطلوب از منابع، روان شدن جریان ارتباط متقابل بین نقاط و توزیع متعادل جمعیت و سکونتگاهها در سطح فضا می‌شود. چنین سازمانی شکل سلسله مراتبی خواهد داشت و دستیابی به آن، به معنای توسعه متعادل منطقه‌ای و سرزمینی خواهد بود. چنان که بسیاری از طرحهای جامع توسعه سرزمین، ناحیه‌ای و محلی هدف خود را رسیدن به الگویی مناسب از توزیع جمعیت، فعالیتها، سکونتگاهها و برقراری پیوند متعادل و پایدار بین آنها با توجه به قابلیت‌های سرزمین و بستر جغرافیایی تعریف می‌کند. در چنین نظامی، سکونتگاههای شهری، بخشهای مختلف کشاورزی، صنعت و خدماتی بر اساس نقشی که بر عهده دارند، جایگاه خود را مشخص می‌کنند. راهبرد مراکز رشد^۱ تا پایان دهه ۶۰ تلاشهای توسعه در اغلب کشورهای جهان سوم، مبتنی بر رهیافتی کاملاً بخشی بود. از این رو به طرح‌ریزی بعد فضایی توسعه، توجه اندکی می‌شد، اما به مرور زمان روشن شد که نتایج این رهیافتها کاملاً نامطلوب بوده است. اگر چه روشهای قبلی اصلاح شده و با شرایط محلی هماهنگی بیشتری یافتند، اما طبق نظریه‌های توسعه و سازمانهای ذی ربط توسعه برای افزایش تولید غذا، رفع کمبود انرژی و فراهم آوردن موجبات ایجاد اشتغال و رفاه اجتماعی به برنامه‌ریزی فضایی نیاز است.

برهم خوردگی متعددی در حواشی شهر به لحاظ ساختاری ما را با یک وضعیت بحرانی مواجه کرده است. صرفاً با فناوری‌های ارتباطی ارتقا پیدا نمی‌کند باید فکر اساسی تری انجام داد در واقع افراد در حاشیه شهر دچار یکسری معضلات متعدد متنوعی هستند «پارسال پسر من رو بردم ورزشگاهی که هست تقریباً نزدیک حاشیه شهره اونجا اوایل خیلی وضعیت ورزشگاه و اینا خوب بود بعد از یک مدت انقدر بچه‌ها این ورزشگاه رو استفاده کرده بودند دیوارش سوراخ شده بود آخه آدم می‌خواد ورزش کنه باید محیطش مناسب باشه همیشه اینطوری که زیاد از حد استفاده بشه خب باید رسیدگی بشه همین عامل هاست که حاشیه رو نادیده گرفته میشن باید یک ساختاری وجود داشته باشه.»

^۱ growth center strategy

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

«اصل برای ما تمرکز بر روی محیط شهری هست پیرامون پر از مشکل هست تا دلتون بخواد به نظر من همه ادارات باید تمرکز خودشون رو بر روی مرکز شهری و مناطق پر رفت و آمد بگذارند تا مشکلات شهر ما حل بشه.»

«اگه قرار بود به صرف وجود فناوری اطلاعات همه مشکلات حل بشه که غمی نبود. انقدر معضل و بدبختی ریخته سر این بدبختا که هر طرفشو بگیری به طرف دیگه در میره. کار باید ریشه‌ای حل بشه. وقتی تو به جایی این روزها عقب موندی دیگه عقب موندی. کار از کار گذشته. به این راحتی‌ها هم دیگه قابل جبران نیست. نظم و ساختار این مناطق اصلی‌ترین چیزیه که میتونه جهش و رهایی از معضلات رو براشون به ارمغان بیاره و این چیزیه که نیازمند برنامه‌ریزی و تلاشی اساسی هست. ای کاش همه مشکلات با همین سبکی که شما می‌گفتید حل میشد.»

شغل‌های دست دوم (کهنه)

ساکنان این منطقه شغل‌های دسته پایین دارند در واقع مفید بودن شغل‌ها را نمیتوان دید اغلب در وضعیت اقتصادی بدی به سر می‌برند نمی‌شود انتظار پیشرفته شدن داشت.

«خیلی از افرادی که در حاشیه زندگی میکنند معذرت می‌خوام شب‌ها از خونه مردم بالا میرن برای اینکه در روز پول مواد خودشون رو دربیارن.»

«شغل‌های با آبرو و زندگی با آبروی اغلب آنان ندارند برای این موضوع باید فکری بشود کسی که نتواند به شکل مناسب هزینه‌های خود را تامین کند مجبور می‌شود با ابزار و وسایل دیگر که اغلب نامشروع هستند زندگی خود را سپری کند.»

«تا دلتون بخواد اون‌جور جاها سمساری هست کلی لوازم دزدی هست.»

«تا دلتون بخواد ادم‌های هستند که شغل‌های بالابروی ندارند معذرت می‌خوام از قاچاقچی بگیر تا مال خر تو این جور جاها زندگی میکنند برای چی برای این که دست رسی شون به فضای شهری به کوتاه‌ترین زمان صورت بگیره.»

«شما به نگاه به کسب و کار و شغل این افراد بکن. اصلا جایی برای پیشرفت و رهایی میبینید؟ تو این وضعیت اقتصادی و باین همه گرونی بین راه معیشت اینا چطوره. خب همینه که ما می‌گیم نظم زندگی به هم ریخته هست و تو این بر هم ریختگی امیدیه برای جهش وجود نداره. الان مردمی که وضعیت به سمان داشتن و به دیسپیرینی و فلانی و .. همه گیر کردن. بعد تو شرایطی هر روز جامعه داره جلو و جلوتر میره و انواع فناوراها و دم و دستگاه‌های جدید میاد آینده این افراد و فرزندانشون رو چطور می‌تونید مثبت ارزیابی کنید؟ آیا اصلا آینده‌ای وجود داره؟ اصلا افقی رو میشه ترسیم کرد. اصلا مسیری رو میتونید به سمت توسعه پیدا کنید؟ اینها واقعیت‌های موجود هست. واقعیت‌هایی که قبلت انکار ندارند. واقعیت‌هایی که باید دید.»

گسیختگی و انفصال محله

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

به هم خوردگی و آشفتگی محله را می‌توانید مشاهده کنید در مواقع یکدست و روان نیستند مردم به شکلی متفاوت با طرز تلقی‌های متفاوتی حضور دارند.

«توی یک دهه اخیر تعداد افرادی که وارد حاشیه نشینی شدن به شکل چشم‌گیری افزایش پیدا کرد. از افراد مسن بازنشسته به خاطر سر و سامان دادن بچه‌هاشون مجبور شدن تا محل زندگی خودشون رو تنزل بدن تا تازه زوج‌هایی که به خاطر شرایط سخت مجبور شدن تا بنای زندگی‌شون رو در چنین محلاتی بنا کنند. خب چاره‌ای نیست. نداری هست و گرونی. معنی اینه که افراد این محلات در بسیاری از مواقع پرورش یافته محیط نیستند و یک آشفتگی و از هم گسیختگی‌ای بین مردم و محلات وجود داره که امکان ایجاد ارتباط رو بینشون بسیار سخت و دشوار کرده به نحوی که شما نمی‌تونید نظمی رو مشاهده کنید تا مبتنی بر اون یک برنامه واحدی رو در پیش بگیرید و نسخه‌ای ارائه کنید.»

«یک محله با یک محله دیگه خیلی فرق میکنه.»

«چهارچوب دقیقی برای محله‌های که می‌فرمایید مشخص نیست یک فضای باز و رها رو شاهد هستیم که این فضاگاهی حتی آسیب‌های رو هم وارد میکنه که اصلاً مناسب وضعیت اجتماعی و فرهنگی منطقه نیست.»

«گیلان حاشیه‌هاش تقریباً یک فضای روستایی وجود داره همین فضای روستایی در پیرامون شهر باعث شده ما دقت نظر شهری در طراحی‌های خیابان و بلوار کشی و .. نداشته باشیم آسیبی که از این ناحیه وارد میشه گاه غیر قابل جبران هستش.»

«هر منطقه از این مناطقی که اسم بردید به یک شکل و شمایی مردمش هستند بعضی از جاها متفاوت است با جاهای دیگر در مواقع نحوه زندگی‌ها مختلف است درست است ماهیت همه حاشیه‌نشینان در فقیر بودن و نداری است اما ساختارها در مواجهه با این عملکرد متفاوت است.»

ناسازگاری بین مناطق (دوگانه‌سازی)

تعارض در توسعه در جوامع امروزی، مصالحه و تشریک مساعی یکی از راه‌حلهای تعارض به شمار می‌رود. امروزه جوامع در شرایطی به سر می‌برند که در آنها تعارض را نمی‌توان نادیده گرفت. تعارض از سه جزء اصلی تشکیل می‌شود: هویت گروهی، میزان تکرار مشاهدات بین گروه‌ها و ناکامی. علت تعارض نیز قرار گرفتن گروهی در موضع بهتر و بالاتری نسبت به سایر گروه‌هاست. تعارض با رقابت متفاوت است؛ رقابت یعنی چشم و هم‌چشمی بین دو گروه در دستیابی به هدفی ممتاز یا ارزشمند تعارض بر دو نوع است: افقی و عمودی. "تعارض افقی بین دو گروه همسطح رخ می‌دهد و تعارض عمودی در مسائلی چون کنترل، قدرت، هدف و دستمزد و مزایا در دو گروه ناهمسطح مطرح می‌شود. ویژگیهای متعارض عبارت اند از:

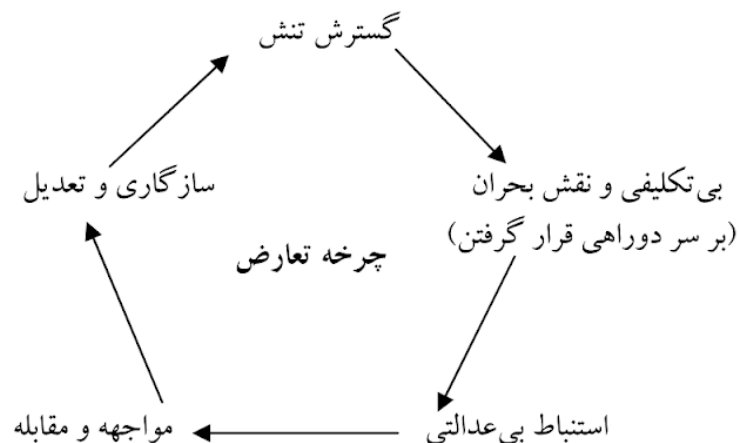
۱- مأموریت یا ارزشهای مشترک (گروه را معرفی خود دانستن)،

۲- مقایسه با گروه دیگر،

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

- ۳- اختلاف با گروه دیگر با ایجاد همبستگی و پیوستگی داخل گروه
- ۴- دشمن شمردن گروههای دیگر،
- ۵- عقده خودبزرگ بینی،
- ۶- ارتباط ضعیف بین گروهها،
- ۷- شکست خوردن گروه با از بین رفتن انسجام و همبستگی یا افزایش فشارهای روانی،
- ۸- تعارض بین اعضای گروه در شیوه اندیشه، برداشتها یا پنداشتها.

برای تسهیل تعارض شیوه‌هایی مطرح شده که یکی از آنها الگوی چرخه تعارض است؛ الگوی چرخه تعارض دارای پنج مرحله است: توسعه و گسترش تنش، نقش بحران و بی تکلیفی، استنباط بی عدالتی، مواجهه و مقابله و سرانجام سازگاری و تعدیل. در گام اول، یعنی گسترش و توسعه «تنش»، عدم توافق یا اختلاف نظر و تهدیدها آغاز کننده و توسعه دهنده تنش تلقی می‌شود. یعنی وقتی بحرانی به وجود می‌آید گروههای مختلف بر نظرات خود پافشاری می‌کنند و بدین ترتیب تعارض آغاز می‌شود. پس از این مرحله، مردم یا گروهی از آنان طرح پرسشهای متعددی در خصوص آنچه اتفاق افتاده، مانند، چه کسی راست می‌گوید؟ و چه کاری باید انجام داد؟ مرحله «بحران و بی تکلیفی» حاکم می‌شود. سپس هر بخشی از مردم به پشتیبانی از گروهی می‌پردازند و وضعیت عدالت در جامعه را بررسی و سرانجام قضاوت می‌کنند. به این مرحله «استنباط بی عدالتی» گفته می‌شود. در مرحله بعدی که «مواجهه و مقابله» نام دارد، گروهها با بزرگان، خبرگان و صاحب نظران نشستهایی با مردم برگزار می‌کنند تا تمایل، انگیزه و جهت گیری و داوری (اعلام مواضع) آنان را در موافقت یا ضدیت به تعارض بدانند. در صورت موافقت و جانبداری سریع رهبران از مردم مخالف یا موافق امکان دارد علت به صورت مانع همیشگی و دائمی بماند یا ممکن است در برخورد با مسئله از رو در روی اجتناب شود و سازگاری و تعدیل صورت پذیرد، یعنی آخرین مرحله (سازگاری و تعدیل).



نمودار ۴-۱۴- چرخه تعارض

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

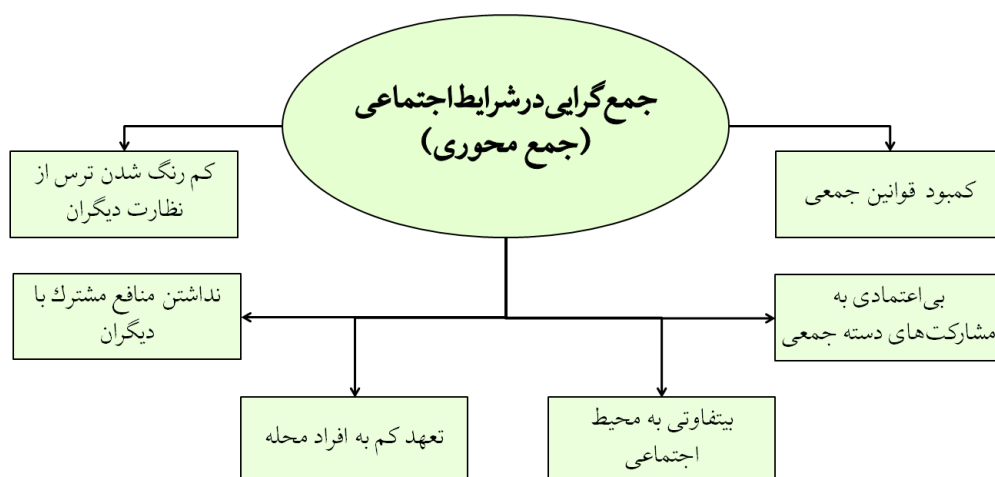
در واقع، اگر بخشی از جامعه ضعیف باشد و بخشی قوی، بخش قوی بر بخش ضعیف مسلط می‌شود و در نتیجه تعارض همچنان باقی می‌ماند. در این صورت مسئله همانند آتش زیر خاکستر خواهد بود. در مقابل، اگر افراد، گروهها و غیره قدرت برابری با هم داشته باشند و هیچ گروهی توانایی تغییر را بر اساس نظرات خود نداشته باشد، جنگ سرد به وقوع می‌پیوندد؛ یعنی هر کسی می‌کوشد دیگری را | تضعیف کند یا اینکه هر دو گروه امکان دارد مصالحه و سازش را انتخاب کنند. البته دو گروه می‌توانند با تشریک مساعی در فعالیت مشترکی به حل تعارض (که هر دو گروه به آن نیاز دارند) مبادرت کنند.

«محلله‌های که داریم توی شهر که الان زیر نظر خود من هم هستند باهم به شدت مشکل دارند حتی شوراهای محله رو دعوت کردیم تو یک جلسه ی برای تصمیم‌گیری انقدر حرف‌ها ناجوری بهم زدند مجبور شدیم جلسه رو کنسل کنیم خب خودشون نمیتونن با خودشون در مورد مسائل و معضلات محله خودشون گفت و گو کنند بعد انتظار دارید ما که یک سازمان دولتی هستیم چه کاری انجام بدیم.»
«به لحاظ روانی محلات بهم نزدیک نیستند شاید به لحاظ امکاناتی در یک وضعیت و اوضاع قرار داشته باشند اما تفاوت‌ها خیلی زیاد هست.»

«انتظار بهبود شرایط ممکن رو من یکی ندارم برای اینکه داریم میبینیم در چه وضع و اوضاعی گرفتار شدیم.»

۴-۱-۲-۱-۳- توسعه به معنای جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی (جمع محوری)

فردگرایی یا فردباوری دیدگاه اخلاقی، فلسفه سیاسی، ایدئولوژی یا مرام اجتماعی است که بر ارزش اخلاقی فرد تأکید می‌کند. «فردیت» به یک تعبیر بدین معناست که هر آدمی زاد دارای خلوت و حریم خصوصی فیزیکی و روانی، و عقیده فردی و دیگر حقوق اساسی است که در هر شرایطی می‌بایست محترم شمرده شوند. فردگرایان اعمال اهداف و خواسته‌های شخص را ترویج می‌کنند و بنابراین برای استقلال و اتکای به نفس ارزش قائل می‌شوند و از این دفاع می‌کنند که منافع فرد باید نسبت به حکومت یا یک گروه اجتماعی در اولویت باشد، و در عین حال با دخالت خارجی در امور شخصی توسط جامعه یا نهادهایی چون دولت مخالفت می‌کنند. «چشم ندارند پیشرفت محل رو ببینن.» فردگرایی فرد را در مرکز توجه خود می‌نهد و بدین ترتیب «با این بنیان اساسی شروع می‌کند که فرد بشر در تقلائی خود برای آزادی دارای اهمیت اساسی است. «خب این که فقط خودت رو ببینی در نهایت تمام دودش به چشم خودت میره تمام این پس روی‌ها از هم تک روی‌ها نشات میگیره.» فردگرایی را می‌توان جهان‌بینی‌ای تصور کرد که فرد در مرکز آن قرار دارد. اهداف فردی، ویژگی‌های منحصر به فرد، فرمان راندن بر خویشتن، کنترل شخصی در عین احترام به فردیت دیگران و توجه به مسائل اجتماعی از خصوصیات این نوع جهان‌بینی است. جمع‌گرایی را نیز می‌توان وجود یک سری تعهدهای گروهی و متقابل میان اعضای گروه بدانیم که افراد موظف به اجرای آن‌ها هستند.



نمودار ۴-۱۵- مولفه محوری جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی (جمع محوری) و مفاهیم ذیل آن

اغلب پنداشته می‌شود آنچه در یک فرهنگ صادق است برای تک تک افراد درون آن فرهنگ نیز درست می‌باشد. به عبارت دیگر افراد درون یک فرهنگ فردگرا، همگی فردگرا بوده (فرد محوری) و آن‌هایی که در فرهنگ جمع‌گرا زندگی می‌کنند همگی جمع‌گرا هستند (جمع محوری). باید گفت که این دیدگاه همیشه صحیح نیست. تریان‌دیس و همکارانش (۲۰۰۱) چندین فرهنگ را مطالعه کردند و به این نتیجه رسیدند که حدود ۶۰٪ افرادی که در یک فرهنگ فردگرا زندگی می‌کنند فرد محور هستند. در فرهنگ‌های جمع‌گرا نیز حدود ۶۰٪ از افراد جمع محور بودند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین خصوصیات یک فرهنگ و افراد درون فرهنگ مزبور رابطه کاملاً مستقیم وجود ندارد. هر انسان ادراکی از وجود خویشتن دارد که آن را می‌توان هویت شخصی یا خود نام نهاد. مجموعه این تصورات در یک کلیت کم و بیش منسجم وحدت می‌یابند و خودپنداشت فرد را می‌سازند. خودپنداشت مجموعه تصورات انسان دربارهٔ ویژگی‌های درونی و برونی خویش است. همانگونه که انسان واجد خودپنداشت فردی می‌شود، بتدریج واجد تصوراتی از جامعه و فرهنگی که در آن زیست می‌کند نیز می‌شود که می‌توان آن را خودپنداشت جمعی نامید. خودپنداشت فردی ناظر به هویت شخصی و خودپنداشت جمعی ناظر به هویت جمعی یا ملی است. در جوامع سنتی تنها بدیلی که برای جمع‌گرایی شناخته و تصور می‌شود خودپرستی^۱، یا به زبان آشناتر «تک‌روی» است. تک‌روی البته مفهومی متفاوت از فردیت است؛ «فردیت» قبول این امر است که فرد دارای کرامت، حیطة شخصی و حقوق اساسی است. درحالی که «تک‌روی» به رسمیت شناختن این حقوق تنها برای خود (یا در نهایت نزدیکان خود) است و سلب آن از دیگرانی که معمولاً به چشم «رقیب» دیده می‌شوند.

جامعه و «اجتماع» به عنوان مفاهیمی پایه در جغرافیای اجتماعی و جامعه‌شناسی تلقی می‌شوند. مفهوم اجتماع به شکل‌های گوناگون به صورت مترادف جامعه، سازمان اجتماعی و نظام اجتماعی به کار برده

^۱ egotism

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

شده است. از نظر ارسطو اجتماع نهادی میان نهاد خانواده و حکومت-شهر است که به همراه دو نهاد دیگر وظیفه تربیت انسانها را در راستای رساندن رویه‌ها به غایت انسانی یعنی کامروایی (از نظر ارسطو به معنی عمل بر اساس قوای عقلانی و ارتقای آن دارد. در این چارچوب فکری این نهادها بر افراد متقدم هستند و انسان را اجتماعی و شهروند بار می‌آورند. از نظر تالکوت پارسونز، اجتماع، جمعی از کنشگران است که در حوزه مکانی محدود با یکدیگر شریک هستند و این حوزه در حکم پایگاهی است که آنان بخش اعظم فعالیت‌های روزانه خود را در محدوده آن به انجام می‌رسانند. از منظر اجتماعی، اجتماع مجموعه‌ای از روابط متقابل افراد و گروه‌های مختلفی از مردم است که در مکانی خاص پی‌ریزی می‌شود و این افراد به واسطه وابستگی و علائق مشترک با همدیگر اتحاد و پیوند دارند. به عبارت دیگر، اجتماع، تنیده‌ای از روابط شخصی، گروه‌ها، شبکه‌ها، سنن و الگوهای رفتاری موجود بین رویه‌هاست و واحد همسایگی فیزیکی، موقعیت اجتماعی-اقتصادی یا تفاهم مشترک و علائق را به اشتراک می‌گذارد، یکی دیگر از تعاریف اجتماع، به معنای گروهی از مردم با منافع مشترک است. دپارتمان محیط، حمل و نقل و مناطق در سال ۱۹۹۸ اجتماع را به عنوان گروهی از افراد با پیوند مشترک بالاتر از واحد خانواده و پایین‌تر از نخستین سطح اداره شهر تعریف می‌کند؛ در این تعریف، اجتماع به عنوان گروهی از مردم در نظر گرفته می‌شود تا از بازآفرینی و خدمات محلی منتفع شوند. بنیاد اقتصاد نوین (سال ۲۰۰۰) اجتماع را به عنوان شبکه‌ای از روابط با سطح قابل توجهی از توجه و تعهد مشترک تعریف می‌کند. محققان کارگروه شهری دریافته‌اند که اجتماع معانی گوناگونی برای افراد مختلف دارد: افراد مسنی که بیشتر در حومه‌ها زندگی می‌کنند، در تعریف از اجتماعات قوی مایل هستند تا بیشتر بر سازمان‌های رسمی محلی و همسایه‌های آشنا تأکید کنند؛ اما برای جوان‌ترها که در محیط‌های شهری زندگی می‌کنند، اجتماع به جای شناختن تک تک همسایه‌ها، بیشتر پیرامون علائق مشترک و هویت تعریف می‌شود.

ماکس وبر با استفاده از مفهوم رابطه اجتماعی، عبارت گروه‌های اجتماعی را طرح می‌کند. از نظر او، فرایند ادغام و یکپارچه شدن کنشگران (عاملان) به ایجاد جامعه و اجتماع می‌انجامد. نتیجه این فرایند هنگامی به تشکیل اجتماع می‌انجامد که بنیاد تشکیل گروه احساس تعلق به آن مبتنی بر روابط عاطفی و سنتی باشد. همچنین این فرایند هنگامی به تشکیل جامعه منجر می‌شود که انگیزش کنش‌های اجتماعی ناشی از پیوندهای افراد هدفمند باشد و به قراردادهای نانوشته در تنظیم اهداف بیانجامد. در واقع از نظر او، پیوندهای عاطفی و ارگانیک در تشکیل اجتماع و پیوندهای مبتنی بر روابط قراردادی سبب تشکیل جامعه می‌شود. آنچه در تعریف اجتماع روشن است یکی شدن همبستگی اجتماعی با مرزهای مکانی است.

کمیون قوانین جمعی

نخستین گام در جهت فاصله گرفتن از استبداد حاکمان، نظر حاکمیت به وسیله قانون بود که مفهوم پایین‌تر بودن حاکم از قانون و الزام او برای حاکمیت از راه‌های قانونی را شامل می‌شد. حکومت‌های مردم

سالار به ظاهر با ایجاد حاکمیت قانون، در این راه فراتر رفتند. اما این ترفند ارباب قدرت برای استثمار جدید مردم به شمار می‌رود چرا که قانون گذاران حقیقی در جوامع به ظاهر مردم سالار همان ارباب قدرت هستند که با هدایت افراد دلخواه در مناسب قانون‌گذاری قوانین را در جهت سود خود تهیه می‌کنند و مردم گمان می‌کنند ایشان هستند که قانون را وضع کرده‌اند در جامعه‌ای که سرمایه و دولت یک پدیده تبدیل شده است جایی برای مردم سالاری معنا ندارد در این کشورها ارباب قدرت با به‌کارگیری نظام مند رسانه‌ها افکار مردم را به سمت آنچه می‌خواهند سوق می‌دهند. نکته حایز اهمیت در اینجا منشأ قانون است. قانون حسب گرایش‌ها مختلف منشأ گوناگون دارد. برای مثال چنان‌که بیان شد اثباتیون بر آنند که قانون اراده حاکم است و چیزی والاتر از آن نیست. هر چه حاکم بخواهد قانون است و لازم‌الاجرا. «رعایت قوانین و دستور العمل‌های شهروندی میتونه کمک کننده به بهبود وضعیت شهری و حتی تصمیماتی باشه که افراد میگیرند.» اما طرفداران مکتب حقوق طبیعی بر آنند که یکسری حقوق لاینفک برای انسان به واسطه انسان بودنش وجود دارد که بر تمامی حکام حاکم است و وظیفه اصلی حاکم کشف این مقررات و اجرای آن است. در دوران معاصر اثر این نظر را در ایجاد حقوق بشر جهانی می‌توان یافت یعنی حداقل قواعدی که انسان امروزی به واسطه بشر بودنش دارد مانند آن که شهروندان باید از بازداشت خودسرانه و تفتیش بی‌دلیل منازل یا مصادره اموالشان در امان باشند. «اصول اساسی که برای برنامه‌ریزی شهر و طراحی شهر وجود دارد نادیده گرفته میشه این میشه آسیب‌ها که با پراکندگی بیش از حد در پیرامون شهرها مون مواجه ایم.» حاکمیت قانون دارای یک معنای عام است و یک معنای خاص. در معنای عام، یعنی وجود نظم در کشور؛ به عبارت دیگر، وقتی افراد جامعه به گونه‌ای مشابه و با رعایت هنجارهای مشترک رفتار نمایند، به معنای آن است که قانون حاکم است. در معنای مضیق‌تر به معنای اجرای قوانین موضوعه و قوانینی که مجلس و مقامات صالح کشور وضع کرده‌اند، به نحوه درست و در راستای اجرای هدف آن قانون. در عمل، حاکمیت قانون بدان معنا است که هیچ فردی، چه رئیس جمهور و چه یک فرد عادی از قانون بالاتر نیست. حکومت‌های مردم سالار، قدرت را از طریق قانون به کار می‌بندند و خود ملزم به اطاعت از آن هستند. «یکسری دستور العمل‌های ثابتی برای زندگی در شهر نداریم نه حاشیه شهر نه جاهای دیگه اصن قاعده ی وجود نداره تا آدم‌ها بتونن درست باهم زندگی کنن من چند روز پیش که نونوایی محجله رفته بودم دیدم اصن مردم نمیدونن چطوری توصف وایسن و یکسری قاعده‌های رو رعایت کنن چه برسه به زندگی شهری.»

بی‌اعتمادی به مشارکت‌های دسته جمعی

کار جمعی از مولفه‌های پیشرفت در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. زمانی که افراد یک جامعه فرهنگ کار دسته جمعی را فرا گیرند، تمایل بیشتری نیز برای تلاش در جهت سازندگی آن جامعه شکل می‌گیرد. انسان موجودی اجتماعی است لذا برای داشتن زندگی با نشاط و اطمینان از حال و آینده به ناچار می‌بایست در بسیاری از امور با دیگران تشریک مساعی کند، انسان تنها در جامعه راه به جایی نخواهد برد و

شاید به همین دلیل است که از ابتدای خلقت کار گروهی مبنای زندگی انسان بوده و هست و باید باشد. با کمی تأمل در مورد فرهنگ کار جمعی در کشور درمی‌یابیم که مبنای برخی مشاغل همچون کشاورزی و دامداری بر کار جمعی استوار است اگرچه برخی معتقدند که ایرانیان بیشتر به کارهای فردی گرایش دارند و این عبارت را به کار می‌برند که ایرانیان خودم‌محور (فردمحور) هستند و من هم نمی‌خواهم این نوع نگاه را رد کنم اما این برداشت به طور مطلق قابل تعمیم نیست. «اینکه بتونی مردم این مناطق رو یک جا گرد هم جمع کنی کار بسیار سختی است.»

ترجیح منافع فردی بر منافع جمعی، تمرکز بر اختلافات در حوزه‌های مختلف، شهرنشینی، تغییر ساختار روابط اجتماعی مردم، تغییر سبک زندگی، جایگزینی تکنولوژی و فناوریهای نوین که باعث تقویت رفتار فردی می‌شود، ضعف سرمایه اجتماعی و مولفه‌های آن از قبیل اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و کاهش مسئولیت‌پذیری اجتماعی را از عوامل موثر بر کاهش کار گروهی عنوان کرد. «به لحاظ فرهنگی باید در ایجاد حس مشارکت جمعی باید تلاش کنیم در واقع باید موضوع رو از طریق جامعه شناسان در این حوزه که بحث سرمایه اجتماعی کار میکنن پیگیری کنیم تا به شکل دقیقی شاهد مشارکت و حمایت اجتماعی مردم در این مناطق باشیم.» میزان مشارکت اجتماعی و به عبارتی فرهنگ کار گروهی یکی از ملاک‌هایی است که کشورهای توسعه یافته را از کشورهای در حال توسعه مجزا می‌کند و در نتیجه بهره‌وری و کیفیت کار افزایش می‌یابد و از طرفی زمان کمتری برای انجام کارها صرف می‌شود.

«همه مردم در کنار هم برای هدفی که دارند اگر باشند واقعا وضعیت این محلات این شکلی نمی‌شود درست است که دولت هم در ایجاد این وضعیت نقش دارد اما باید در نظر گرفت که ساختار روانی و اجتماعی مردمی که در این مناطق وجود دارند نحوه برخوردی که باهم‌دیگر دارند میتونه تاثیرگذار بر روند اصلی موضوع کار ما داشته باشه خب ما هدفمون توسعه مناطق هستش اما این توسعه باید به شکلی مثبت در جهت اهداف اصلی شهر قدم برداره و در جهت رضایت کسایی که هستند باشه همین که بتونی یکسری آدم‌ها رو کنار هم جمع کنی باید تشویق کنی.» کار گروهی حتی در کاهش منابع هم موثر است و باعث می‌شود فشار کاری کمتری بر افراد تحمیل شود. اما با این وجود در کشورهای توسعه نیافته افراد علاقه‌ای به فعالیت گروهی ندارند و همین امر سبب می‌شود که علاوه بر صرف انرژی بیشتر، کارها با کیفیت پایین‌تری در این جوامع انجام پذیرد. اگرچه مشارکت در حیات اجتماعی انسان سابقه‌ای طولانی دارد اما در دنیای جدید و از دهه ۱۹۷۰ به بعد در ادبیات توسعه، قالب رویکردهای مشارکتی مورد توجه قرار گرفت، «اینکه برنامه‌ی ترتیب بدهیم که بگوییم همه اعضای این مناطق باهم شرکت میکنن اینطور نیست بارها برنامه‌های مختلف توانمند سازی شرکت‌ها بنیادهای مختلف داشتن که ما اجرا کردیم مشارکت مردم در حداقلی‌ترین شکل ممکن آن است.» از منظر جامعه‌شناختی مشارکت نوعی فرآیند تعاملی چند سویه است و باید بین مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) و به عنوان حالت یا وضع (امر

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

شرکت کردن) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای نخست، داشتن حضور فعالانه در گروه است و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهم در هستی آن خبر می‌دهد.

تعهد کم به افراد محله

تعهد یعنی پایبندی به یک سازمان، هدف یا باور خاص و تمایل داشتن به مشارکت در امور مرتبط به آن. افرادی که متعهد به یک سازمان یا تلاش هستند عمیقا باور دارند که کارشان مهم است و برای انجام آن کار حاضر می‌شوند، پیگیری می‌کنند و آن را رها نمی‌کنند. هر چه شمار افراد متعهد به سازمان شما بیشتر باشد، میزان حرکت و سرعتی که برای انجام کار نیاز دارید بیشتر خواهد بود. «به شکل کلی به افرادی رو به رو هستیم که ساختارهای بین فردی و ارتباطاتی که بین خودشان وجود دارد رو حتی جدی نمیگیرند.» گاهی اوقات مردم برای این که خودشان را درگیر کاری در سازمان کنند باید مطمئن شوند که از حضور و مشارکت آن‌ها به اندازه کافی استقبال می‌شود. در غیر این صورت، دیری نمی‌پاید که جمع را ترک می‌کنند. در نقش رهبر سازمان، می‌توانید شخصا الگویی در این زمینه باشید و از هر کسی که وارد سازمان می‌شود یا تقاضای پیوستن به سازمان یا پروژه شما را دارد استقبال کنید. از آن‌ها سوال کنید، با آن‌ها آشنا شوید و طوری رفتار کنید که بدانند از دید شما ارزشمند هستند. این کار نه تنها باعث می‌شود مردم احساس خوبی درباره کار شما داشته باشند و ترغیب به مشارکت شوند، بلکه منجر به شکل‌گیری رابطه‌ای می‌شود که به شما در ایفای نقش رهبریتان کمک می‌کند و باعث تحکیم تعهد آنها در آینده نیز می‌شود. «یک فاضلاب می‌خوایم درست کنیم در محله‌ی هزار نفر از اعضای اون محل میان میپرسن ماجرا چیه می‌خواید گنج پیدا کنید همین برخوردها باعث میشه آدم رغبت نکنه که یک کاری برای محل انجام بده به شکل کلی نه تنها با ما بلکه با خودشان هم تعهد کمی دارند.» مردم باید احساس موفقیت کنند و در عین حال توانایی‌هایشان را هم گسترش دهند. هر دو مهم‌اند. وقتی برای اولین بار با کسی آشنا می‌شوید، سعی کنید به او کاری را بسپارید که فکر می‌کنید می‌تواند به خوبی از عهده آن برآید. این کار به مردم کمک می‌کند حس خوبی درباره خودشان پیدا کنند و رغبت بیشتری به ادامه همکاری نشان دهند. «چند وقت پیش یک وام برای یکی از اعضای شورای اسلامی محله داخل بانک ما مشخص شده بود چون درخواست داده بود شماره تلفنی که اعلام کرده بود رو جواب نمیداد یکی از افراد همون محله یک روزی مشتری ما بود یک پرونده‌ی داشت انجام میداد اسم اون فرد عضو شورای محله شون رو برد و گفت با ایشون رفیق است من به اون آقا درخواست کردم که اگر امکان داره به اون فرد اطلاع بده چون تا آخر ماه اون منبع مالی دیگه برداشته میشه و وام ایشون کن لم یکن میخوره بعد از سه ماه اون اقای شورای محله مراجعه کرده بود بعد وام که باطل شده بود و ماجرای اینکه خبر دادیم رو گفتم بعد مشخص شد با اینکه همدیگر رو دیده بودند اون آقا هیچ اطلاعی به ایشون نداده» مردم برای این که با هم مرتبط بمانند و به گروه یا سازمان احساس تعهد و تعلق کنند باید مطمئن شوند به آن‌ها احترام گذاشته می‌شود و قدرشان دانسته می‌شود. این نکته‌ای ساده و مهم است ولی به یاد داشتن آن گاهی ساده نیست. می‌توانید

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

با چند اقدام ساده، فرهنگ گروهی یا سازمانی ایجاد کنید که در آن مردم با یکدیگر رفتار خوبی داشته باشند.

کم رنگ شدن ترس از نظارت دیگران

قبل از اینکه بخواهیم به تعریف کنترل در مدیریت و سازمان و انواع کنترل پردازیم، لازم است تاکید کنیم که چه چیزهایی و چه کارهایی، کنترل محسوب نمی‌شوند. کلمه‌ی کنترل بعد از ورود به زبان فارسی، بیشتر دارای بار معنایی منفی و تداعی‌گر مفاهیمی مانند محدود کردن، مهار کردن و تلاش برای قرار دادن قید و بند بر رفتار دیگران بوده است. اما معنی کنترل در مدیریت سازمان کاملاً متفاوت است و به هیچ وجه دارای بار منفی نیست. «وضعیت در محلات مثل گذشته نیست امروز از همسایه خودش خبر ندارد.» و همچنین، «توجه دیگران به همدیگر در محلات کم رنگ شده.» و «زندگی‌ها آنقدر سخت شده که آدم فرصت نمی‌کند دیگه بخواد در زندگی کس دیگری دخالت کنه اونم در محلاتی که داریم ازش صحبت می‌کنیم تقریباً مردم از حال همدیگه باخبر نیستند یک بیگانگی بین همدگه شکل گرفته اصلاً اتفاق خوبی هم نیست این ماجرا.» نکته بسیار مهم در طرح دعوا علیه همسایه مزاحم آن است که فرد مزاحم در اعمال خود از حد متعارف تجاوز کرده باشد؛ اهمیت عُرْف به اندازه‌ای است که گاه سبب تغییر تفسیر قوانین مدنی در مناسبات افراد می‌شود. لذا بهترین و اولین راهی که در این راه توصیه می‌شود صحبت کردن و حل مشکل به صورت مسالمت آمیز است، اما اگر این موضوع آنقدر ادامه پیدا کند که نتوان با صحبت آن را برطرف کرد می‌توان از طریق شکایت و راه حل‌های قانونی راه حلی مناسب برای آن پیدا کرد.

بیتفاوتی به محیط اجتماعی

بیتفاوتی اجتماعی به حالتی اطلاق می‌شود که در آن شاهدان و ناظران در کمک به افرادی که در موقعیتی اضطراری قرار دارند و شدیداً نیازمند کمکند مشارکتی ندارند و با بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی از کنار آنها می‌گذرند. «روابط اجتماعی که می‌تونه شکل دهنده به وضعیت اجتماعی محل باشه همین اهمیت بخشیدن به پیرامون خودمون هستش.» و همچنین، «اگر به وضعیت مکانی خودشون توجه کنند آدم‌هایی که توی مغازه زندگی می‌کنم میتونن بهترین تصمیم‌ها و تصمیم‌های اشتباه از آب در میاد توجه محیط پیرامون خودشون دارند.» بنابراین در یک جامعه سنتی، بی‌تفاوتی اجتماعی و عدم انجام نقش‌ها رنگ باخته و تبعه روستا یا شهر جرات بی‌اعتنایی به مسائل اقتصادی و اجتماعی یکدیگر را نخواهند داشت. با توسعه شهرنشینی اما شهروندان پشت سر یکدیگر سنگر می‌گیرند؛ یکدیگر را نمی‌شناسند و این امر سبب «گم گشتگی اجتماعی» می‌شود. با گسترش این احساس، شهروندان از وظائف نقش سرپیچی می‌کنند، مسئولیت‌های اجتماعی را نمی‌پذیرند و با تجربه احساس تنهایی به نقطه بی‌تفاوتی اجتماعی می‌رسند. این امر همچنین با تشدید احساس عدم امنیت به هنگام انجام اعمال خیرخواهانه و نبود پیوندهای اجتماعی با مناسبات مدنی بیش از پیش تقویت می‌شود و شهروندان احساس می‌کنند، در صورت انجام اقدامات خیرخواهانه با استقبال عمومی روبه‌رو نمی‌شوند و گاه از این ناحیه (اجتماع) آسیب می‌بینند. «اگر ببینیم

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

کجا داریم زندگی می‌کنیم میتونیم بهترین تصمیم آن را بگیریم تو همون مناطق حاشیه شهر اگر کسی چشماتو خوب باز کنه یکسری فرصت‌های وجود داره که از این فرصت‌ها میشه به نحو احسن استفاده کرد این فرصت‌ها گاهی به شکل مالی و گاهی به شکل سرمایه‌های اجتماعی وجود دارد استفاده از اینها رمز موفقیت کسایی هست که دارند توی حاشیه شهر زندگی می‌کنند.»

نداشتن منافع مشترک با دیگران

برای ترغیب دیگران به مشارکت کردن و پایداری در این مسیر، چندین راه وجود دارد. انگیزه از درون فرد آغاز می‌شود، پس کاملاً معقول است که بر منحصربه‌فرد بودن هر شخص تاکید کنیم. باید به افراد کمک کرد تا بدانند آنچه که باید ارائه دهند، مهم و قابل‌قدردانی است، و این که از مشارکت کردن می‌توانند به طرز قابل توجهی بهره ببرند. «اینکه خودمون را فارغ از درد دیگری بدونیم خیلی بده اینکه نتونیم یک حس مشترک بین مردم پیدا کنیم.» لازم است با چگونگی زندگی گروه‌هایی که در پی جلب مشارکتشان برای همکاری در ابتکار عمل خود هستید، آشنا شوید. دقت کنید که چگونه محیط فیزیکی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آنها بر مشارکت آنها و نحوه پاسخ شما تاثیر می‌گذارد. اگر تلاش کنید که خود را جای دیگران بگذارید، ممکن است آنها را بهتر درک کنید و برای کار با یکدیگر در قالب یک تیم، کار راحت‌تری در پیش داشته باشید. «ساختار اجتماعی به شکلی است که باید به مجموعه‌های که سازنده امور کلی هستند نگاه کنیم که فردا روز ما را در جهت عدم استفاده از این فرصت‌ها منتهم نکن.» بر اساس یکی از نظرسنجی‌های انجام شده از سوی موسسه گالوپ در سال ۱۹۹۰، دلیل اصلی این که بیشتر افراد علاقه‌مند به کار داوطلبانه از انجام آن دور مانده‌اند، این است که هیچگاه از طرف کسی دعوت به این کار نشده‌اند! شما با دعوت افراد به صورت فردی، به آنها نشان می‌دهید که آنها تنها اعضای گمنامی میان انبوه مردم نیستند. زمانی که افراد در سطح شخصی، به ویژه بین دوستان یا همسایگان، در ارتباط دوسویه هستند، به نظر می‌رسد مشارکت گرم‌تر و نزدیک‌تر و با دغدغه کم‌تر انجام می‌شود.

اجماع یکی از عوامل مهم در مدیریت فراگیر، دستیابی به اجماع در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است؛ بدین صورت این رفتار و کنش مدیریت، پایداری در مدیریت توسعه حاشیه شهر را استمرار می‌بخشد و رضایت مندی و حرکت پویا و سرانجام تحقق توسعه را تضمین می‌کند. اجماع^۱، فرایندی از تصمیم‌گیری مشارکتی و فراگیر است تا ارتباطات و نیازهای جامعه و گروه‌های هدف در روستاها شناخته و با ترکیب اینها، راه حل بهینه انتخاب و به مورد اجرا گذاشته شود. با به کارگیری اجماع در فرایند تصمیم‌گیری توسعه شهری، رویکرد همکاری برای ساخت پایداری و رضایت مندی متقابل (مدیریت و مردم)، خلاقیت، اعتدال، آرامش و غیره تقویت می‌شود. بعد اختیاری بودن اجماع در فرایند تصمیم‌سازی از این روست که یک روش ارتباطات برابر بوده، و همه شهروندان روستایی توانایی آن را دارند که در

^۱ consensus

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

تصمیم‌سازی مؤثر افتند و از آن تأثیر پذیرند. با این دو بعد، اجماع بدین معناست که دارای ساخت غیر سلسله‌مراتبی و عامل قدرت در زندگی روزانه و تعامل‌ها و فعالیت‌ها بوده، و ارتباطات مطمئن، برابر و قوی را به ارمغان می‌آورد.

انواع تصمیم‌گیریهای مبتنی بر همکاری

تشویق همکاریها تقویت مسئولیت مشترک حداقل کردن تحکم تقویت تعهدات برای اجرای تصمیمها زمان بر بودن ضرورت مهارتهای خوب گوش کردن ضرورت همکاریها و ارتباطات متقابل یک فرد می‌تواند تصمیمها را هماهنگ کند. در فرایند دستیابی به اجماع، پیش‌شرطهایی لازم است، بدین ترتیب:

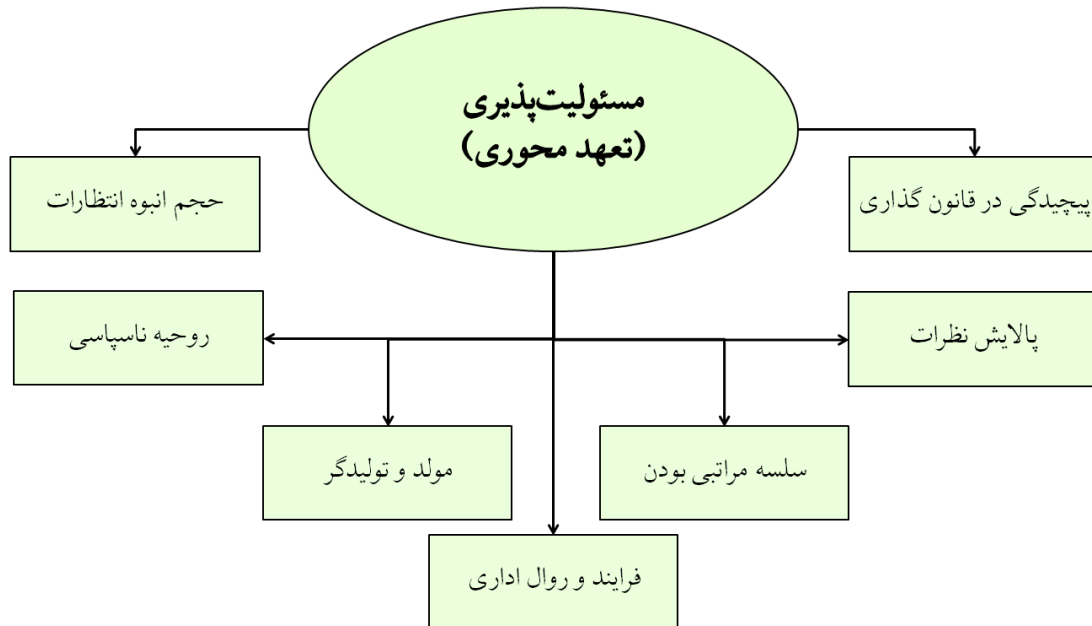
- داشتن ارزشهای مشترک یا وحدت اساسی،
- داشتن مهارتها در فرایند گروهی و حل تعارضها یا تعهد لازم برای تسهیل کار،
- تعهد و پاسخگویی به مردم و گروهها،
- تعهد لازم و احترام به فرایند اجماع،
- اختصاص زمان مفید برای هر فرد به منظور مشارکت در فرایندها.

ویژگیهای اصلی اجماع

- تصمیم‌گیریها مبتنی بر موافقت و تعامل دو طرفه است (مدیریت و مردم).
- داده‌های همه مشارکت‌کنندگان به پیشنهادهای جدید منجر می‌شود یا اینکه ترکیبی از پیشنهادها چندگانه را فراهم می‌کند.
- اعضا توانایی اظهار نظر و سخن مشخص گفتن را به دست می‌آورند.
- کلیه نظرات شنیده و به آنها توجه می‌شود.

۴-۱-۲-۱-۴- توسعه به معنای مسئولیت‌پذیری (تعهد محوری)

مسئولیت‌پذیری یک نوع الزام درونی و اخلاقی است که شخص را به انجام درست و شایسته امور محوله ترغیب می‌کند. در واقع، در سلسله‌مراتب نقش‌های اجتماعی قبول مسئولیت اساس و بن مایه‌ی نظام اجتماعی را تشکیل می‌دهد. ما نمی‌توانیم از حقوق و مزایای یک نقش اجتماعی بهره‌بریم و در موقع پاسخگویی از زیر بار مسئولیت فرار کنیم. مسئولیت‌پذیری جمعی از کژکارکردی نظام اجتماعی نشأت می‌گیرد. «شرایط کلی جامعه ما این سبکی هست که بار میاره آدم‌ها رو بدون مسئولیت.» در واقع، مسئولیت‌پذیری انعکاس جامعه‌پذیری ناقص اعضای جامعه است و جریان اجتماعی شدن به طور کامل تحقق نیافته و افراد از حقوق و وظایف نقش‌های خود درک کاملی نداشته و برای انجام آن‌ها آمادگی لازم را پیدا نکرده‌اند. به عبارتی مسئولیت‌پذیری در جامعه انعکاس عملکرد نادرست نهادهای مدرسه، خانواده و رسانه‌های جمعی است که به عنوان گروه‌های مرجع مسئولیت‌پذیری را بایستی به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم در اعضای جدید جامعه آموزش و درونی کنند.



نمودار ۴-۱۶- مولفه محوری مسئولیت‌پذیری (تعهد محوری) و مفاهیم ذیل آن

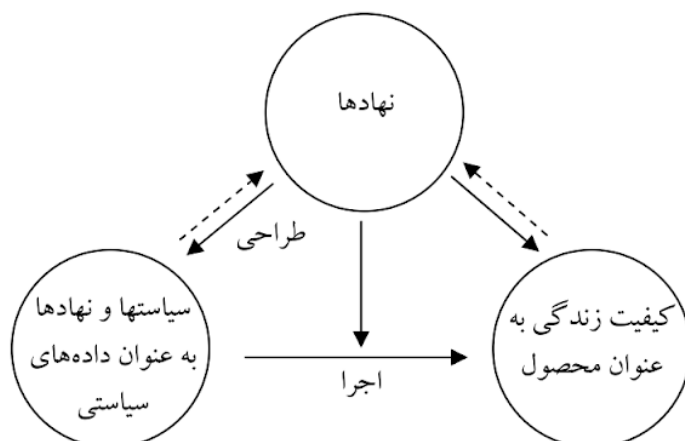
در واقع، اگر شخصی خود را از وضعیت دشوار مسئولیت و انجام کار بیرون بکشد و یا مشکلات ایجاد شده در روند کاری را به گردن شخص دیگری ببیند، زرنگی و چابکی آن شخص را به نمایش می‌گذارد و این مسئولیت‌پذیری گاهی بیشتر از قبول مسئولیت برای شخص ارزش و اعتبار اجتماعی به همراه می‌آورد و این طرز تلقی در قالب ژن فرهنگی به اعضای جدید جامعه انتقال داده می‌شود.

فرایند و روال اداری

نقش نهادها در مدیریت کیفیت زندگی روستایی با عنایت به مباحث پیشین می‌توان گفت که نهادها به عنوان سازمانهای رسمی و غیررسمی نقش انکارناپذیری در رفتارهای مدیریت محیطی از جمله کیفیت زندگی دارند. نهادها در ایجاد و شکل‌گیری تعلقات، منافع، علاقه‌مندیها، هدف‌گزینی بازیگران و قرار دادن بازیگران در دستیابی به هدفها از جمله کیفیت زندگی نقش بسزایی دارند. از این نظر، مطالعه نهادها برای شناخت اینکه چرا نتایج، محصولات و یافته‌ها و فرآورده‌های مطمئن شبیه به هم هستند و چگونه می‌توان به نتایج، محصولات و یافته‌های مناسب دست یافت، مفید خواهد بود. افزون بر این، چون مطالعه نهادها به مسیر تعلقات و وابستگی‌ها با مسیرهای مختلف، شیوه‌های اجرایی مختلف توجه می‌کند، مهم است؛ زیرا نهادها در سازماندهی و ساماندهی فرصتهای دسترسی مردم و نقشهای اجتماعی و اقتصادی آنان نقش بازتولیدی دارند و بدین معنی که مردم باید در توسعه نقش اساسی داشته باشند. نهادها همانند سایر پدیده‌ها در جامعه ثابت نیستند و می‌توانند در طول زمان و با توجه به مسیر حاکم بر محیط، تغییر و تحول یابند. این تغییرات به دلایلی چون شدت یافتن تعارضات، تغییر در یک نهاد و تأثیر گذاری آن روی نهادهای دیگر و غیره است. نهادهای روستایی در شکل‌گیری تولید و حمایت از کیفیت زندگی و

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

فرایندهای سیاست‌گذاری این نوع هدفها مؤثرند و یکی از ابزارهای مؤثر مدیریت فراگیر توسعه هستند. بنابراین، همان‌طور که آمد نهادها در شکل دهی به کیفیت زندگی و تغییر سیاستها نقش مهمی ایفا می‌کنند.



نمودار ۴-۱۷- ارتباط نهادها با سیاست‌های کیفیت زندگی

همان‌طور که در بالا نشان داده شد، ارتباطات به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم است. اول اینکه محصول تأثیر گذاری نهادها در ستانده، کیفیت زندگی است که از طریق اقدام و عمل در طراحی و برنامه‌ریزی سیاست‌گذاریها و اجرای سیاستها صورت می‌پذیرد. اولین ارتباط نشان می‌دهد که اصلاح نهادها چگونه می‌تواند در چهار چوب کیفیت زندگی قرار گیرد یا سیاستها چگونه طراحی شوند تا به استمرار کیفیت زندگی در روستاها بینجامد. با عنایت به آنچه آمد می‌توان گفت کتاب در حد توان خود تلاش کرد موضوعات مدیریتی توسعه روستایی را با توسعه پایدار روستایی، پیوند دهد و این پیوستگی را حفظ کند. این زنجیره از مفهوم تا نظریه و برنامه‌ریزی مدیریت مشارکتی، ارتباطی و محیطی را پوشش داد تا در پرتو این حلقه‌ها، وظایف مردم و نهادهای مدنی در فرایند مدیریت توسعه روستایی بیش از پیش روشن شود.

«تمام تلاش شهرداری‌ها به وضعیت شهری هست که ایجاد می‌شود نمی‌شود خارج از چهارچوب روال اداری انتظار حمایت‌های ویژه داشته باشیم»
«سازکارهای اداری میتواند راهگشا باشد و نگاهی که به سیستم اجتماعی و روال اداری وجود دارد نباید نادیده انگاشته شود»

«قوانینی که داریم اگر درست اجرا شوند و در مقام عمل بتوانیم درست عمل کنیم باید موفق بشویم اما همین که بخواهی قوانین را تنظیم کنی خودش یک کار کارشناسی طولانی مدتی را میطلبد.»
«شما تا فراد بگو اقا جان توسعه. خب توسعه یعنی اینکه یک تصمیمی بگیریم تا جایی آباد شود دیگر؟ درست است؟ همین. این تصمیم آیا باید از دل یک سیستم برنامه‌ریزی عبور کند یا خیر؟ آیا باید چند کارشناس آنها را بررسی کنند یا خیر؟ خب همه اینها یک قاعده و اصولی دارد که از قبل تنظیم شده و

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

اکنون نیز توسط مجریان پی گرفته می‌شود. در نتیجه همین امر توسعه را باید به تدریج و با شیب ملایم و فرمانی آهسته و در چارچوبی مدون پی گرفت تا در نهایت بدانیم که چکار داریم انجام می‌دهیم و مقصد و هدف نهایی ما کدام نقطه است.»

پیچیدگی در قانون گذاری

واژه شهرداری معادل واژه انگلیسی Municipality است که ریشه آن کلمه لاتین Municipum به مفهوم کلیه ساکنان یک محل است که به دلیل داشتن منافع مشترک دور هم جمع شده اند. این واژه به هر دو حوزه اداری و عملی شهرداری اشاره دارد. مجموعه اداری شهرداری نیز سازمانی، محلی و غیردولتی است که با هدف ارائه خدمات لازم و ضروری به شهروندان در چهارچوب وظایف و مأموریت‌های محول شده قانونی به فعالیت می‌پردازد و اداره امور شهر را از طریق مدیریت و راهبردی توسعه همه جانبه شهر در محدوده‌ای جغرافیایی بر عهده دارد که از سوی مراجع قانون گذاری مرتبط تعریف شده و دربرگیرنده «شهر و اطراف آن تا شعاع مشخص است». قدرت شهرداری ناشی از قانون اساسی، قوانین عادی، تصویب نامه‌ها، آیین نامه و ضوابط ابلاغی از سوی مراجع مرتبط است. شهرداری تا جای ممکن از منابع، امکانات و درآمدهای محلی برای تهیه و تدارک و ارائه خدمات عمومی، انجام طرح‌های عمرانی و تأمین سایر هزینه‌های خویش بهره جسته و کمتر به منابع و اعتبارات ملی وابستگی دارد. به طور معمول و مرسوم شهرداری‌ها در جهان با اندک تفاوت هایی از دو جزء تشکیل شده اند:

الف) شوراهای یا انجمن‌های شهر که به مثابه قوه مقننه یا قانون گذار هستند و ناظر بر عملکرد شهرداری و غالباً منتخبان مردمند.

ب) دستگاه اجرایی شهرداری که وظیفه اجرای مصوبه‌های شوراهای یا انجمن‌های شهر و نیز دیگر وظایفی را بر عهده دارد که به موجب قانون بر عهده شهرداری است.

«حدوداً زمان میبرد تا یک قانون به وسیله شورای اسلامی تصویب برسد به ترتیب نمی‌شود یک سیستم جدید به یکباره کارها را انجام دهد»

«تمام تلاش شهرداری و مجموعه زیر دستامون معطوف است به خدمات به مردم و این خدمات انواع مختلفی می‌تونه داشته باشه بعضی اوقات ما با حجم انبوهی از درخواستها مواجه هستیم این حجم انبوه رو نمیتونیم در یک زمان مشخص یا یک مورد معینی در یک تاریخ مشخص آن را برآورده کنیم مجبور هستیم تا اندازه‌ای که ممکنه جداسازی و کارشناسی‌های متعددی صورت بگیرد که مستلزم زمان است»

«قوانین که باید تصویب بشوند مراحل دارد یکی از آن مراحل در مقام نظارت است باید ترتیب‌های اتخاذ بشود که نماینده مردم بتواند بر آن موضوع اشراف داشته باشد و بر مبنای آن حتی بتواند رصد کند اینکه قوانین تصویب کنیم اما در مقام اجرا نتوانیم مناسب عمل کنیم یک ضعف بزرگ و آسیب بزرگ تری به مملکت زده ایم.»

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

«قوانین باید ضمانت اجرا را در اختیار مجری‌های طرح بگذارند در واقع سیستمی که تصویب قانون را صرفاً به بخش نامه‌های ابلاغی منتهی میدانند محکوم به شکست است.»

«حالا گیریم که تصمیمی گرفته شد. فکر می‌کنید به همین راحتی است اجرا شدنش؟ سیستم بروکراتیک صد ساله و کهنه‌ای که وجود دارد مگر به شما اجازه می‌دهد به راحتی تصمیمی را به سرانجام برسانید؟ کلا و حاشا. این تصمیمات باید انقدر از تو در توهای پیچیده‌ای بگذرند که نگو و نپرس. تصمیمی که امسال می‌تواند راهگشا باشد دو سال دیگر انجام می‌شود. حال آنکه در این دو سال چند تصمیم دیگر گرفته شده که تمام برنامه‌های قبلی را نقض می‌کند. اما خب کو یکپارچگی؟ همین پیچیدگی‌ها است که سد راه می‌شود و مردم فکر می‌کنند من مدیر فلان اداره کم کاری می‌کنم که فلان کار را انجام نمی‌دهم یا فلان تصمیم را نمی‌گیرم.»

پالایش نظرات

«باید نظر اکثریت را اعمال کرد و بعد از گذشت یک فرصتی در مورد نظرات به شکل کارشناسی شده ی تصمیم گرفت.»

«سیاست‌ها و برنامه‌ها باید با دقت فکر بشوند نباید هر تصمیمی هر سیاستی بدون ضمانت اجرا عمل بشود این که با وضعیت حاشیه نابه سامان مواجه هستیم همین برخورد را می‌رساند که تا امروز به این شکل داشتیم عمل می‌کردیم.»

«هر کسی یک نظری در مورد حاشیه شهر دارد نظرها و پیشنهادات باید به شکل کارشناسی شده باشد باید تحقیقات صورت بگیرد نمی‌شود یک دفعه ی بخواهیم فلان موضوع که در حد تئوری است را اجرا کنیم بعد اجرا می‌کنیم وسط کار کم می‌آوریم.»

«وقتی می‌گوییم افراد حاشیه شهر را نمی‌توان در یک قالب دسته‌بندی کرد به همین دلیل است. آنها هر کدام یک نظر و تخصص و حرفی دارند. حالا بیا بین آنها اجماع کن. ببین می‌شود؟ مسئله اینجا است که شما وقتی دارید از مردم سخن می‌گویید باید از یک طرح و نظر جامع صحبت کنید. و این چیزی است که از دل جماعت بیرون نخواهد آمد. اگر راهی داشته باشد تنها و تنها از دل دولت است. خب دولت مگر غیر از مردم است؟ همین مردم دولت را پدید آوردند تا به امور آنها رسیدگی کند. پس نباید نگاه شما یک نظر منفی باشد که هرچه از این آخور سرچشمه می‌گیرد بد است. نخیر. اتفاقاً اینها آمده اند تا مشکلی راحل کنند. حالا در این میان مسائلی پیش می‌آید و مشکلاتی رخ می‌دهد دیگر طبیعی است. تازه مگر مردم سوای از دولتی‌ها هستند. همین مردم در این دستگاه‌ها مشغولند دیگر.»

سلسه مراتبی بودن

راهبرد توسعه همه جانبه به عنوان روشی برای دستیابی به هدف، به میگی در مراحل برنامه‌ریزی و اجرا نیاز دارد. دستیابی به هدف توسعه راهبرد به چهار عامل بستگی دارد که روش توسعه به شمار می‌آیند، هر چند می‌توانند اهداف توسعه نیز محسوب شوند. این چهار عامل عبارت اند از:

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

- ۱- مشارکت گروه‌های مورد نظر؛
- ۲- نهادهای گروه‌های مورد نظر؛
- ۳- نظارت و ارزشیابی طرح‌ها؛
- ۴- فقر، بهره‌وری و فناوری؛

مشارکت گروه‌های مورد نظر: مشارکت به عنوان فرایندی برای قدرت دادن به توده‌های مردم می‌تواند کوششی آگاهانه در جهت توزیع مجدد کنترل بر منابع و قدرت به سود کسانی که تاکنون از آن محروم بوده‌اند، به کار گرفته شود. مشارکت در طرح‌های توسعه همه جانبه به مشارکت در تمامی مراحل (۱) تصمیم‌گیری و برنامه ریزی، (۲) اجرا، (۳) تقسیم منافع و (۴) بازنگری و ارزشیابی را در بر می‌گیرد.

«ما که پادشاه نیستیم دستور بدهیم از خزانه فلان چیز را بسازند. اینجا اداره هست. نظام بروکراتیک است. برای خودش نظم و قاعده‌ای دارد. رئیس و مرئوسی است. سلسله مراتبی دارد. باید ابتدا چیزی تصویر بشود. برنامه‌ای صورت بپذیرد. بعد دستوری بیاید تا ما هم کاری انجام بدهیم. مسئله اینجا است که همه تصور می‌کنند ما اینجا نشسته ایم و ارث پدر آنها را بالا می‌کشیم. والله ما هم آدمیم و در همین شهر در کنار شما زندگی می‌کنیم. اگر بنا باشد تا اعتراضی صورت بگیرد ما خودمان در صف اول هستیم. اما چه کنیم دستمان بسته است. نمی‌توانیم. از همین یک لقمه نان هم می‌افتیم.»

نهادهای گروه‌های مورد نظر: اگر بتوان تهیدستان را به درستی سازماندهی کرد، آنان می‌توانند نیازهای خود را از طریق مشارکت مؤثر برطرف نمایند. بدین ترتیب سازمان به عنوان ابزاری برای مشارکت، که تهیدستان از طریق آن خود را سازماندهی می‌کنند، مطرح است. در راهبرد توسعه همه جانبه سازمانهای محلی به عنوان سومین بخش سازمان در کنار سازمانهای عمومی و خصوصی ظهور می‌یابند. سازمانها می‌توانند سه کارکرد عمده در مناطق داشته باشند:

۱- ارائه اطلاعات صحیح‌تر به دستگاههای دولتی درباره نیازهای محلی، اولویت‌ها و امکانات و همچنین ارائه بازخورد قابل اعتمادتر درباره تأثیر گام‌هایی که دولت برداشته است که می‌توانند خدمات عمومی را تسهیل کنند؛

۲- بسترسازی زمینه کار گروهی و ترویج همکاری متقابل؛

دادن توانایی اظهار نظر به مردم محلی و قدرت دادن به آن تقاضاهای قابل قبول از دولت و کسانی که بر منابع کنترل دارند. در واقع سازمانهای محلی نقش رابط دو جانبه بین توده مردم محل عمومی و خصوصی را بر عهده می‌گیرند و باعث افزایش قدرت^۱ و «قدرت مطالبه^۲ مردم می‌شوند.

نظارت و ارزشیابی طرح‌ها: یکی از عوامل تعیین کننده اجرای مناسب موفقیت طرح‌های توسعه همه جانبه، عبارت است از پذیرش ساختار نظارت و ارزشیابی. این ساختار برای اجرا کنندگان و مدیران

¹ bargaining power

² claim making power

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

ابزار مهمی است تا نه فقط پیشرفت اجزاء گوناگون طرح، بلکه اثر آنها را نیز بر بخشهای گوناگون جمعیت، به ویژه تهیدستان بسنجند.

فقر، بهره‌وری و فناوری: در توصیفی که بارها درباره دور باطل فقر شده، به نظر می‌رسد که بهره‌وری کم، زیانبارترین تأثیر را دارد. این بیان ساده که «تهیدستان، تهیدستند، زیرا تهیدستند» نیز به همین موضوع یعنی در آمد اندک به علت بهره‌وری کم اشاره دارد. بهره‌وری فرایندی اجتماعی و اقتصادی است که به تهیدستان کمک می‌کند تا از منابع محدودی که در اختیار دارند، از نیروی کار و یا وسایل تولید خود و به ویژه از زمینی که در اختیار دارند، به بهره‌مندی بیشتری دست یابند. فناوری به عنوان سرمایه مولد می‌تواند به افزایش بهره‌وری کمک کند و عامل تعیین‌کننده‌ای در کاهش فقر به شمار می‌رود، البته در صورتی که متناسب با شرایط جامعه به ویژه توده فقیر آن باشد. در غیر این صورت ممکن است خود به بدتر شدن شرایط و شکاف بیشتر اجتماعی و اقتصادی در سطح جامعه منجر شود.

فریدمن و ویور^۱ بهبود زندگی ناحیه‌ای و ایجاد انگیزه‌های اجتماعی اساسی واحدهای ناحیه‌ای که از نظر فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تعریف پذیر است با پیشنهاد می‌کنند. همکاری و خودیاری داوطلبانه، کلید موفقیت این روش تعریف ما به عنوان آنتی‌تز در مقابل شده است. عناصر اصلی این راهبرد عبارتند از:

- افزایش تولید از طریق متنوع ساختن اقتصاد و گسترش بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی
- ارتقای کیفیت زندگی که محیط زیست را نیز شامل شود.
- خوداتکایی و آموزش اجتماعی به معنای اجرای ارزیابیهای گروهی و انتقاد از خود.
- راههای غیر رسمی ارتقای دانش و تبادل اطلاعات.

فکر خوداتکایی جدید نبوده است، بلکه این تفکر قبل از فریدمن و ویور در هند با عباراتی ساده‌تر بیان شده بود. مهاتما گاندی واحد سازماندهی جهت خوداتکایی را می‌دانست و به عنوان واحدی مستقل به حساب می‌آورد. او هرگز با نفس صنعتی شدن مخالفت نداشت و کاملاً ضد شهر نبود. وی می‌خواست شهر روابط سازمانی ارگانیک و دو طرفه داشته باشند و نه سلطه یک جانبه.

شکافهای توسعه اقتصادی و اجتماعی، هم می‌تواند بین افراد و جوامع و هم بین مناطق بروز کند. اغلب این عدم تعادلها با هم به وجود می‌آیند. نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی باعث عدم تعادلها فزاینده در زمینه‌های مختلف بین جوامع و مناطق مختلف می‌شود که در نهایت به بروز دوگانگی در سطوح اجتماعی، اقتصادی و منطقه‌ای منجر می‌شود. توجه به بعد فضایی توسعه تلاش برای ایجاد شرایطی است که نواحی فقیرتر و محروم‌تر از منافع توسعه بیشتر بهره‌مند شوند و فاصله بین نواحی توسعه یافته و توسعه نیافته کاهش یابد. این امر نیازمند ایجاد تشکیلات فضایی مناسب است که عبارت است از ترتیبی که بنابر آن یک سری فعالیتهای مشخص در محدوده مکانی، سازمان می‌یابند. در واقع سکونتگاههای با اندازه‌های

^۱ Weaver

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

مختلف، های آنها و روابط متقابلی که از طریق شبکه‌های ارتباطی بین آنها برقرار شدند بر روی هم تشکیلات مکانی نامیده می‌شود. ترتیب قرار گرفتن سکونتگاه‌هایی که ارتباطی در فضاهای خاصی در ارتباط با یکدیگر ساخت مکانی نامیده شود.

تشکیلات و ساخت فضایی مطلوب باعث کاهش عدم تعادل اقتصادی، اجتماعی و فضایی بین سطوح مختلف جامعه و نواحی می‌شود. سطح بهره‌وری منابع و فعالیتها را افزایش می‌دهد و به ویژه برای مناطق محروم راهکارهای خاصی می‌اندیشد. برنامه‌ریزی فضایی به دنبال یک نظم فضایی ارگانیک است که در آن هر جامعه و سرزمین براساس جایگاه و مرتبه‌ای که دارد در فرایند توسعه، فعالیتها و کارکردها نقش داشته باشد و در حد جایگاه خود از منابع و دستاوردهای توسعه بهره‌مند شود. و در تمامی نظریه‌های توسعه فضایی که بر اساس الگوی رشد اقتصادی طرح شده اند، مناطق روستایی مناطق حاشیه‌ای و کم اهمیت از نظر ایجاد فرایند رشد به شمار می‌آیند. در این الگوها بر اساس رهیافت برنامه‌ریزی بالا به پایین تمرکز شدید در برنامه‌ریزی و اجرای طرحهای توسعه یک اصل به شمار می‌رود. فضا نیز تنها از این زاویه یعنی دستیابی به ساختار متمرکز فضایی که حداکثر بازده را داشته باشد مورد توجه است و آثار توزیعی ساختار سلسله مراتبی سکونتگاهها در مراحل بعدی قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد که روش دستیابی به توسعه، براساس اینکه مبتنی بر روش بالا به پایین، یا پایین به بالا باشد در شکل‌گیری ساختار سلسله مراتبی متفاوت نقش بسیاری داشته باشد، به ویژه این روشها بر سطوح پایین سکونتگاهها یعنی حاشیه شهرها نقش تعیین کننده‌ای دارند.

«سازمان زمانی می‌تونه مناسب و دقیق عمل کنه که بتونه اون سلسله مراتب خودش رو حفظ کنه در عین حال رئیس باید دغدغه مند باشه.»

«توسعه زمانی معنا و مفهوم پیدا میکنه که افراد در جهت کلی سازمانی که دارند برایش کار میکنن حرکت کنن یک نظم و قاعده‌ی سلسله مراتبی قائل باشنند برای ادراه و سازمان.»

«مسئولی که پای کار وایمیسته میتونیم بهش اعتماد و تکیه کنیم میتونیم بگیریم آقا تو به ما بگو چیکار کنیم.»

«یکی باید رهبری کنه مسئولیت رو برگردن بگیره واقعا دو سه سال پیش مدیری داشتیم تو مجموعه تمام کار و زندگی خودش رو گذاشته بود برای اداره یعنی حتی من یادم هست ساع یازده به من زنگ زد برای کار یکی از مراجعین در صورتی که واقعا میتونست بیخیال باشه اما برایش مهم بود اینجاست که میشه پیرفت و توسعه اتفاق بیوفته.»

«خدا رحمت کند حاج قاسم را یک نکته‌ی دقیقی را مسگفتند ایشان، میفرمود ما در سپاه نمیگویید برو میگوییم بیا فرق میکنه اینکه کسی شمارو صدا بزنه که بیایید یا اینکه شما را بفرستد جلو خودش پشت تصمیم بگیرد همواره سازمانها باید این موضوع رو توجه کنند که باید ساختار خودشون رو بر

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

مبنای سیستم فرماندگی سپاه بگذارند چرا که می‌تونه کشور رو متحول کنه اساسا کار در حاشیه شهر باید این گونه باید که افراد درد آن کسی که در حاشیه شهر زندگی می‌کند را بچشنند.»

«ما که پادشاه نیستیم دستور بدهیم از خزانه فلان چیز را بسازند. اینجا اداره هست. نظام بروکراتیک است. برای خودش نظم و قاعده‌ای دارد. رئیس و مرئوسی است. سلسله مراتبی دارد. باید ابتدا چیزی تصویب بشود. برنامه‌ای صورت بپذیرد. بعد دستوری بیاید تا ما هم کاری انجام بدهیم. مسئله اینجا است که همه تصور می‌کنند ما اینجا نشسته ایم و ارث پدر آنها را بالا می‌کشیم. والله ما هم آدمیم و در همین شهر در کنار شما زندگی می‌کنیم. اگر بنا باشد تا اعتراضی صورت بگیرد ما خودمان در صف اول هستیم. اما چه کنیم دستمان بسته است. نمی‌توانیم. از همین یک لقمه نان هم می‌افتیم.»

مولد و تولیدگر

یکی از مهمترین رویکردهای طرح ناحیه محوری، تبدیل شهرداری به یک نهاد اجتماعی است که این امر از راه ایجاد تعامل بیشتر بین شهروندان و شهرداری با محور قراردادن محله‌ها و فعال کردن نقش نواحی در اداره شهر محقق می‌شود. بی‌گمان طراحان اصلی این ایده، ناحیه محوری را با هدف سرعت، دقت و سهولت در انجام کار و تمرکززدایی و تقسیم صحیح کار برای رفاه حال شهروندان پی‌ریزی کرده‌اند. اگر شهر را به عنوان یکی از اصلی‌ترین محورهای تفکر بشر برای سکونت مجموعه‌ای از افراد در نظر بگیریم می‌توانیم این تعریف را از شهر داشته باشیم که مجموعه‌ای از اجتماعاتی است که خانواده شهرنشین را در سطحی وسیع و گسترده به سوی ارتباطات پیچیده هدایت می‌کند و با فراهم آوردن امکانات موردنیاز و آموزش شهروندی، جهت‌گیری آن در راستای دستیابی به رفاه، آرامش و آسایش خانواده‌ها و ایجاد زمینه‌های مساعد در راستای همزیستی بهتر است؛ چراکه شهر فقط یک سکونتگاه نیست، بلکه مکانی است که در قالب روابط سالم روح و روان اجتماع در آن متبلور شده و هویت می‌گیرد. در دنیای امروز شهرنشینی بر مبنای تعامل نیروهای فعال و اجتماعی ساکن در آن برای پاسخ‌گویی بهتر به نیازهای مشترک تعریف می‌شود نه یک نگاه محیطی صرف جغرافیایی که تنها جمعیتی در آن زندگی می‌کنند. بنابراین، با هدایت منابع و تقسیم صحیح کار، آموزش و برنامه‌ریزی برای ساکنان شهر، می‌توان به بهترین شکل ممکن رضایتمندی را برای خانواده‌ها فراهم کرد. در همین راستا، مدیریت شهری برای تحقق چهار شاخص مهم: تسریع، تسهیل کار، تکریم و اعتمادسازی اجرای طرح ناحیه محوری را در دستور کار خود قرار داده که تا به حال با موفقیت‌های متعددی همراه بوده است.

«دستاورد شهرداری در بهبود وضعیت محله‌ها قابل تقدیر و بهرترتیب بر مبنای وظیفه خودشان هر اقدام موثر ثمری که قائل به بهبود شرایط زندگی هست را فراهم می‌کند.»

«توسعه و ساخته شدن یک محل نیاز به همت محلی و بومی داره واقعا اگر سازمانی و اداره‌ی حتی اگر بتونه کاری انجام بده در جهت ساخته شدن این دوام پذیر و طولانی مدت نیست واقعا مردم محل باید خودشون بخوان.»

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

«مردم یک محل باید به شکل کامل پذیرای ماجرای تولیدگری و توسعه مندی باشند با بخش نامه و دستور العمل همیشه انتظار توسعه پیدا کردن محل رو داشت.»

«مردم کمی هم خودشان باید همت داشته باشند. این که همه چیز را منتظر باشند تا برای آنها بیاورند نمی شود که. در هیچ جای دنیا کسی چیزی را به رایگان در خدمت شما قرار نمی دهد. کودک تا گریه نکند مادر به او شیر می دهد؟ پس تا زحمتی نباشد حاصلی هم نیست. مردم روحیه تولید گری ندارند. مولد بودن را بلد نیستند. آنها تنها می خواهند دستور بدهند تا برای آنها انجام بدهند. خب دولت ابتدا باید استعدادی در تو ببیند تا حمایت کند. تا سرمایه گذاری کند. همینجور که نمی شود فقط دست روی دست گذاشت و انتظار داشت.»

روحیه ناسپاسی

ویژگی های الصاق به موقعیت می شود و عامل عقب ماندگی نام برده می شود تا ساختار فرهنگی که در محله حاضر است واکاوی شود بر مبنای آن روابط افراد باهم شکل میگیرد و این شکل گیری در قالب یک نگرش منفی در ذهن باقی میماند که عدم تمایل به ایجاد زیر ساخت را در آن محله در پی دارد. «تمام تلاش‌ها برای اینکه موقعیت خوبی در منطقه‌های پیرامونی شهر پدید بیاریم وجود دارد اما کسی نیست برای این حجم از کارهای که انجام شده تشویق بکنه اداره را واقعا نمایشی که از محله در تلوزیون و اخبار داده میشه تصویر خوبی نیست و اساسا نهادی هم که متولی انجام کارها است در آن منطقه برای همین موضوع تمایلی ندارد که کارها دقیق و بلند مدت انجام دهد.» عقب انداختن برنامه‌های ساختاری و عدم تمایل به انجام کارها به شدت در این مولفه پر رنگ است. «انقدر مورد نگرین قرار میگیریم روز و شب اصلا حال نمی مونه تا بتونیم یکسری کارها رو انجام بدیم چه برسه به این که یک برنامه ساختاری رو ایجاد کنیم.» عدم توجه به بخشی از خدمات انجام شده همواره باعث می شود توسعه از دیدگاه مسئولین امری خطیر جلو کند. «مردم از ما انتظار دارند هر کسی اگر در جای خودش بتونه مناسب ترین پاسخ رو بیان کنه میتونیم انتظار داشته باشیم که موضوع‌ها به راحتی حل میشه.» همچنین، «تلاش‌های آدم‌ها باید دیده بشه نگاه آدم‌ها به مسائل باید پیش برنده باشه نه اینکه به دنبال نقطه ضعف بگردند.»

«مردم سپاس گذار نیستند. همه اش هم به خاطر به وجود آمدن این موبایل‌ها و اینترنت است. دائم در حال مقایسه ما با اروپا و امریکا هستند. خب عزیز من من که از جیبم این کشور را نیاوردم. من هم مثل تو از داخل همین کوچه پس کوچه‌ها بزرگ شدم و قد کشیدم. امکانات و تاریخ اروپا در حوزه علم و فناوری و برنامه‌ریزی را ببین بعد مقایسه کن. آن زمان که در امریکا هوا پیمای اختراع می کردند پدران ما با خر و الاغ رفت و آمد داشتند. خب الان تقاض اینها را ما باید بدهیم؟ اگر شرایط را به درستی مردم درک می کردند دیگر این همه ناسپاسی نمی کردند.»

حجم انبوه انتظارات

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

انجمن برنامه‌ریزی آمریکا (سال ۱۹۹۸)، واحد همسایگی را مجموعه‌ای متنوع با پویایی اجتماعی و اقتصادی، با شخصیتی یکتا تعریف می‌کند که مورد توجه ساکنان اجتماع و واحد همسایگی در سطح گسترده است. طبق تعریف آندراس دوانی و الیزابت پلاتر، یک محیط شهری شده برنامه‌ریزی شده با اختلاطی از فعالیت‌های متعادل است. در شهرهای ایران، سلسله مراتب از کوچکترین تا بزرگترین واحد اجتماعی بدین شرح توضیح داده شده است: خانواده مهم‌ترین و اولین واحد است؛ ترکیبی از چند خانواده واحد بزرگتری موسوم به خانوار را تشکیل می‌داد که در یک واحد مسکونی یا در مجتمعی شامل تعدادی خانه زندگی می‌کردند. پس از آن، تجمع و پیوند اجتماعی چند همسایه اهمیت داشت و تبادلات اجتماعی ایشان در روابط همسایگی از خویشاوندانی که در شهری دیگر زندگی می‌کردند، با اهمیت‌تر بود. تجمع تعدادی خانوار، واحدی اجتماعی شهری موسوم به کوی و تجمع چند کوی واحدی اجتماعی-شهری موسوم به محله را پدید می‌آورد. وجه مشترک اهالی محله به غیر از هم‌جواری فضایی و استفاده از تسهیلات و مراکز مشترک، عواملی مانند مذهب، مسلک، منزلت اقتصادی-اجتماعی اهالی نیز بوده است. البته توزیع فضایی گروه‌های اجتماعی به شکلی نبود که مرزهای سخت و نفوذ ناپذیری بین طبقات مختلف پدید آورد و نوعی همزیستی بین طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی در محله وجود داشت. پیروی از مسلکی معین و هواداری‌های فرقه‌ای نیز نه تنها بین اهالی یک محل بلکه بین ساکنان دویا چند محله پیوند ایجاد می‌کرد. همبستگی و پیوند اجتماعی قوی محله‌ای و مسلکی و مذهب به تضاد طبقاتی بین ثروتمندان و طبقه متوسط کم درآمد، کمتر فرصت تجلی می‌داد؛ زیرا ثروتمندان بر پایه سنن مذهبی و تاریخی، بخشی از اموال خود را صرف امور خیریه و خدمات اجتماعی می‌کردند که نتیجه آن کاهش اختلاف طبقاتی و ایجاد پیوند اجتماعی بین طبقات متفاوت اقتصادی بود. شکل‌گیری محله بر ساختار فضایی کالبدی شهر تأثیرگذار بود.

محله - به سان شهری کوچک- برآیند مجموعه‌ای از نیروهای سیاسی اداری، دینی مذهبی، اقتصادی و فرهنگی اجتماعی بود که به واسطه آن خود را اداره می‌کرد و چه بسا بسته به احوال ساکنانش و همچنین شرایط حاکم بر جامعه شهری می‌توانست فضای کالبدی شهر را تغییر دهد. اشتراک این نیروها در عموم محله‌های شهر، کارکردهای یکسانی را به دنبال داشت که مقوم بقای محله محسوب می‌شد. البته در موارد مختلف شدت و ضعف این نیروها در سطح محله و شهر یکسان نبود؛ زیرا کارایی رویه‌ها با عواملی که موجب شکل‌گیری محله می‌شد، ارتباط داشت؛ به عبارت دیگر، کارکردهای گوناگون محله، انعکاس‌عامل یا عوامل متعددی بود که موجب شکل‌گیری واحد کیفیت زندگی از جمله مهم‌ترین مفاهیمی که ارتقای آن از اهداف توسعه محله‌ای است، کیفیت زندگی است؛ مشکلات و محدودیت‌هایی همچون ریاضت مالی، کاهش بودجه بخش عمومی و افزایش نیاز به مسکن سبب شده است تا ارتباط بین توسعه شهری، کیفیت زندگی و فرصت‌ها اهمیت یابد.

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

«هر برنامه‌ی رو می‌گذاریم برای اینکه یک ساختاری رو انجام بدیم بازم یکسری از آدم‌ها با قیافه ناراضی میان میگن چرا داری این کارو میکنی چرا اونکارو نمیکنی خب این چیزها رو آدم میبینه ناامید میشه انقدر که انتظار وجود دارده»

«نمیشه یک روزه همه مشکلات برطرف بشه این‌ها همه شون مستلزم داشتند زمان و انرژی لازم برای وقت گذاشتن روی موضوع هست.»

«مسئله اینها نیست عزیزدلم، ما هر چقدر هم کار کنیم کسی ما را نمی‌بیند. مردم فقط انتظار دارند. خودشان در موقعیت‌هایی که هستند چه مقدار درست عمل می‌کنند؟ چقدر کار می‌کنند؟ مسئله اینجا هست که بند ناف ما را با غر زدن بسته اند. به همین خاطر است که هر کاری هم انجام بدهیم باز هم در نهایت همه گله دارند. در داخل شهر اینجا می‌دهیم می‌گویند حاشیه چه شد؟ حاشیه را آباد کنیم می‌گویند مالیات را پولدارها می‌دهند و خدمتش برای حاشیه است. در خفا انجام بدهیم می‌گویند کو کار؟ در عیان انجام بدهیم می‌گویند ریا کار! چه کنیم؟ ما هم درمانده شده ایم از این همه تناقض.»

۴-۱-۲-۲- فهم تک ساحتی از توسعه (حاشیه‌سازی مناطق شهری)

بر اساس برآورد مسئولان وزارت مسکن و شهرسازی در بیش از ۱۰۰ شهر ایران حدود ۵۰ هزار هکتار بافت حاشیه‌ی شهری وجود دارد. تنها دولت قادر به تامین حدود ۱۱ درصد از اعتبار نوسازی این بافت‌های حاشیه‌ی است و بقیه بایستی از طریق مشارکت شهروندان تامین شود. همچنین یکی از اهداف عمده‌ی دولت از نوسازی بافت‌های حاشیه‌ی شهری تامین مسکن است، دولت برای نوسازی ۱۴ هزار هکتار بافت حاشیه‌ی، دو میلیون واحد ساختمانی در نظر گرفته است که برای این امر نیازمند ۱۳ هزار میلیارد تومان اعتبار است. بیان مختصر ارقام فوق‌الذکر نمایانگر اهمیت توجه به مساله‌ی بافت‌های شهری به لحاظ وسعت و گستردگی از یک طرف و ضرورت مشارکت شهروندان در فرآیند احیای آنها به دلیل توان مالی محدود دولت از طرف دیگر می‌باشد.

مسئولین فرایند توسعه رو در قالب دولت ملتها در گوگل دولت‌های مدرن زمانی شکل گرفتند دولت ملت مسئولیت‌هایی را به عهده گرفت و به واسطه گستردگی مسئولیت‌هایی که یک جامعه هم‌دل دارد مردم خودشان به تنهایی نمی‌توانند وارد میدان می‌شوند و این نمایندگی را برعهده دولت‌های منتخب خودشان این جهت که زمانی که از ثابت از توسعه همیشه برنامه‌ریزی‌های منظور از جانب حاکم به عنوان پیش فرض اساسی مورد ملاحظه قرار در نتیجه دولت به عنوان یک پدر برای مردم عمل می‌کند و عامل بنیادین توسعه در میان جامعه به کمبودها توجه می‌کند از امکاناتی که بهت قدرت میده استفاده می‌کند و سعی می‌کند با ایجاد پیوند و ارتباط مستقیم بین عناصر مختلف فرآیند حرکت جامعه را که در نهایت ما آن را توسعه تلقی می‌کنیم ببریم برای مثال زمانی که ما از فرایند توسعه صحبت می‌کنیم مسئله تحصیلات و آموزش به عنوان بنیادی‌ترین عواملی که جامعه رو برای مسیر آماده می‌کنید هرگز به صنایع

دست خود مردم بر نمی‌آید دولت امکانات لازم را برای این زمینه فراهم کند و در قالب وسیله‌هایی که از بالا آماده میشه مردم تحدی می‌شوند و آماده می‌شوند تا مسئولیت‌ها را برعهده بگیرد و یا اع قوانین و گذاری‌ها سیاست‌گذارهایی که این مسیر می‌تواند کار و بهبود داشته این‌ها نقش‌های کلانی است که باید ناظری از بالا به جریان فرایند نگاه بکنه و اونها رو برن برنامه و در نهایت مردم را هدایت گری از این جهت که وقتی درباره مسئله توسعه مردم صحبت می‌کنید از این پارادوکس صحبت کنید مردم خودشان به تنهایی نمی‌توانند در رابطه با مسائل و موضوعاتی که ابعاد و جلوه‌های بسیاری از تصمیم‌گیری بکنند حاشیه‌نشین چه کاری از دستان بر می‌آید افرادی که دارای سطح سواد هستند و اقتصادی ناجا هستند افرادی که دادگاه‌های ناهنجاری‌های اجتماعی افرادی که بسیار بسیار آسیب دیده بسیار بسیار با زیاد از شهروندان استاندارد جامعه هستند چه کاری می‌شوند

ترجمه شدن صنعت ناتوانی‌هایی که خودشان دارند به واسطه‌هایی که خودشان بنابراین انتظار یک معجزه و حرکت برای رهایی از این شرایط نداشته باشه وجود ندارد در بهترین حالت ما میتونیم کمک بکنیم دولت‌ها در آقا میتونم کمک کنه تا کمی از عالمین‌ها کاسته بشه ولی در نهایت باعث آنچه که یک جامعه رو پیش میبره برخوردار هست که میتونه با توجه به‌در نتیجه آن چیزی که داره اینه که دولت‌ها در نظمی که برقرار می‌کنند می‌توانند بهترین نقش آفرینی را از نظرات آحاد مختلف مردم را پالایش بکنند و آنها را در یک سلسله مراتب منظم به سمت مقاصدای که در نظر دارند با روحی مولد سپاسی هستند و انتظارات بسیار زیادی دارد باید بکنند شرایط جامعه حروف و متناسب با دست می‌که جامعه حرکت شرایتون یک شب متعلق به کدام یک از افراد جامعه در این شرایط به اشتباه شد باید جامعه متناسب با نظم خودش پیش بره و افراد مهم تلاش کنند تا حدی که مقدور هست وضعیت رو بهبود ببخشیم زمانی که نقش اصلی بر عهده دولت است و دولت‌ها این کارها را انجام خواهند داد مطابق با نگاه و نگاهی که توی مسیر دارد اون نگاه بی تفاوتی که افراد در محیط شان هوم ندارد تجربیات شخصی که توی محیط‌ها داریم بررسی می‌کنیم گزارش‌هایی که میاد میگی افراد تفاوت احساس بی تفاوتی دارند نسبت همسایه‌های خود علیه مشترک ندارند و اینکه نسبت به قوانین محلشون نسبت به اعتماد اجتماعی هست و در نتیجه این محلاتی ناسازگاری‌های بین مناطقی دعوای خرد کوچکی که به ظاهر خورده اما واقعاً امکان بخشیدن اراده‌ها را از آنها میگیره شعر از مردم انتظار تلاش دولت‌ها تنی بر ساختار ایجاد کردن رفاه نسبی برای افرادی که در مناطق مختلف شهری زندگی می‌کنند یک امر حیاتی و یک وظیفه همگانی است در عین حال توسعه‌ای که مردم حاشیه شهر از آن ثبت می‌آوردند یک امر برساخت گرایانه مواجهه با امور و مباحث و مسائلی که ساختار دقیق و عینی برای وجود ندارد در عین حال وضعیت کنونی که در آن ساکن هستیم وضعیت بهنجار تارمند و در عین حال متمرکز است برای ایجاد این تمرکز تلاش‌های زیادی صورت گرفته که گاه با بی توجهی به حاشیه‌ها و پیرامون این مرکز مواجه هستیم.

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

مسئولین شهری برای پیشبرد برنامه‌های بهبود و توسعه‌ی مناطق حاشیه‌ی شهرها همیشه در انتظار منابع مالی و بودجه‌های دولتی هستند. چرا که دیدگاه‌های نادرستی نسبت به ساکنین حاشیه‌ی شهرها دارند و این امر موجب عدم توجه به توانمندی و پتانسیل‌هایی که در این مناطق وجود دارد شده است. از جمله‌ی این دیدگاه‌ها میتوان به؛ بی‌اعتمادی نسبت به مشارکت‌های دسته جمعی، ناسازگاری‌های بین محله‌ای، کمبود قوانین اجتماعی و... اشاره کرد. در صورتی که با برنامه‌ریزی و درایت بیشتر میتوان به شکل صحیحی این موارد را کنترل و در جهت هدایت شده‌ای سازماندهی کرد همچنین با توجه بیشتر بر روی؛ مشاغل مولد و تولید گر، دانش افراد تحصیل کرده حاضر در منطقه و تمرکز روی مهارت‌های مردم هر محله میتوان از توانایی و ظرفیت‌های خود مردم در جهت توسعه‌ی حاشیه‌ی شهر استفاده کرد. و با این نگاه اصلاحی و تدابیر جدید میتوان با سرعت بیشتری برنامه‌های توسعه‌ی این مناطق را پیش برد.

از آغاز هزاره جدید، مبحث توسعه نه بر رشد اقتصادی که بر رفاه افراد و جوامع متمرکز است (Foa & Nemirovskaya, 2019) و صرفاً بهبود در تولید ناخالص ملی^۱ را در نظر ندارد. امروزه رویکردهای توسعه بر مسائل زیر متمرکز هستند:

- فراگیری- در بر گرفتن تمام گروه‌های مردمی جامعه، نه فقط ثروتمندان
 - تساوی حصول اطمینان از این که اجتماعات فقیر، حاشیه نشین و محروم از مزایای تصمیماتی که همسایه‌ها و مناطق شان به کار می‌گیرند بهره مند شوند و در آنها مشارکت داشته باشند، این امر از طریق استراتژی‌های بین المللی تحقق می‌یابد.
 - ثبات - الگوی استفاده از منابع که هدف آنها تأمین نیازهای انسانی و در عین حال حفظ محیط زیست است، به طوری که این نیازها بتوانند نیازمندیهای نسل‌های بعدی را تأمین کنند.
 - کیفیت - تمرکز بر ارائه متعالی نه صرفاً ارائه مداخله‌های توسعه.
- دستیابی به این چشم انداز توسعه، به ویژه در کشورهای در حال توسعه منطقه آسیا و اقیانوسیه که درگیر چالش واقعیت‌های نامطلوب جغرافیایی اعم از جداسازی، مسافت و جمعیت شناسی متنوع هستند، کوششی عظیم است. این گونه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات بیشترین فرصت‌ها را به دولت‌ها می‌دهند تا روش‌هایی را مجدداً بازبینی کنند که نهادها و فرآیندهای دولتی متعارف با استفاده از آنها برای کنترل بهتر، تغییر شکل می‌دهند. فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به نوبه خود در بافت‌ها و شرایط واقعی سیاسی و اجتماعی قرار دارند؛ در عین حال، قابلیت تغییر این فناوری‌ها به محرکی برای تغییر تبدیل شده است و کشورهایی که فناوری‌ها را درک و از آنها برای تأمین اهداف رشد و توسعه استفاده می‌کنند از مزایای این تغییر بهره مند می‌شوند.

فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات ابزارهای قدرتمندی در دستان دولت هستند (Falco et al., 2019) و برای افراد فقیر تأثیر توانمندسازی دارند. وقتی دولت‌ها از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات

¹ Gross National Product (GNP)

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

برای ارتباط با افراد فقیر استفاده می‌کنند، نتایج چشمگیری حاصل می‌شود. تلفن همراه در دست‌ان زنان فقیر روستایی، بهترین نماد این نتایج است که در پی استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای کمک به فرآیندهای بروز می‌یابد.

استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای رسیدگی به مسائل توسعه، رشته نوظهور فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمت توسعه است. تجربه و یادگیری از تجارب دو دهه اخیر به درک بهتری از آن چه کار می‌کند، آن چه کار نمی‌کند و چرا در فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمت توسعه کار می‌کند، منجر شده است.

به دنبال درک فناوری‌ها و زمینه‌های توسعه، برای ارائه نمونه‌ای از انواع تجربیات در زمینه کاربرد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در بخش‌های مختلف توسعه تلاش است، این تلاش شامل کشاورزی، آموزش، تغییرات اقلیمی و محیط زیست، جنسیت، حاکمیت، سلامت، حفظ تنوع فرهنگی و ترویج صلح می‌شود (Drakaki et al., 2018). و استفاده مؤثر از فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمت توسعه به حل معضلات زیادی بستگی دارد که باید هنگام برنامه‌ریزی و مدیریت پروژه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمت توسعه لحاظ شوند. این معضلات و چالش‌ها تا حد امکان توضیح داده می‌شوند؛ مطالعات موردی بر تجربه میدانی در رسیدگی به این چالش‌ها تأکید دارند (Wang, Yuan, Han, & Wang, 2022).

محیط‌های پشتیبانی: فیزیکی: جنبه‌های مهم ولی مرتبطی از زیرساخت‌های فیزیکی زیر مجموعه استفاده عملی از تحولات فعلی در رایانش و مخابرات قرار دارد. این موارد گاهی معضلات اتصال «گام آخر»^۱ نامیده می‌شود. گام آخر قدم نهایی ایجاد ارتباط با مصرف‌کننده است و به معنای کابل ارتباطی بین کامپیوتر و نزدیک‌ترین پریز تلفن یا ارتباط یک روستا با نزدیک‌ترین برج مخابراتی با استفاده از یک کابل با طول بیشتر از یک کیلومتر است؛ یا به معنای یک برج بیسیم است که سیگنال‌های آن به روستا انتقال می‌یابد. گام آخر اغلب برای ارائه دهنده خدمات مخابراتی، اولین ارتباطی است که کاربر با تلفن ثابت یا همراه با دنیا برقرار می‌کند و اگر به درستی کار نکند این امر محقق نمی‌شود.

بدون ارتباط اولیه، دسترسی به اینترنت وجود نخواهد داشت. برای استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات نیروی برق پایدار با منابع انرژی جایگزین لازم است. محدودیت‌های فیزیکی و وضعیت مکانی، مانع برقراری ارتباط، به ویژه در تپه‌ها می‌شوند و مشکلات قدرت سیگنال در ارتباطات بی‌سیم را موجب می‌شوند. بعضی ماهواره‌ها به باران‌های استوایی شدیداً حساس هستند و کامپیوترها نیز در آب و هوای داغ و غبار آلود باید به صورت هدفمند طراحی شوند وگرنه نمی‌توانند کار کنند. به کارگیری کابل‌های فیبر نوری به عنوان جایگزینی برای تجهیزات قدیمی، پرهزینه است (Johansen & Bauer, 2015). مشکلات مشابهی نیز درباره نقاط دسترسی مانند ساختمانها، تبادلات تلفنی و کافی‌نت‌ها و نیز وسایل

¹ Last Mile

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

دسترسی مانند مودم‌ها و مسیریاب‌ها وجود دارد. تمام این شرایط فیزیکی سد راه استفاده عملی از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای توسعه است (Zhao & Shen, 2019).

بنابراین، باید اطمینان حاصل شود که به موازات ایجاد برجهای مخابراتی، برای کابل‌های فیبر نوری و زیرساخت‌های مشابه فناوری بی سیم جریان الکتریکی ثابت فراهم شده است، پایانه‌های زمینی و تبادلات تلفنی و نقاط دسترسی ایجاد شده است و کامپیوترها، مودمها و مسیریاب‌ها نیز فراهم هستند. ایجاد زیرساخت، نگهداری، به روزرسانی فناوری و نیز ایجاد ظرفیت تخصصی ساخت، معضلات اصلی کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شوند (Xu & Ehlers, 2022; Yang, 2022).

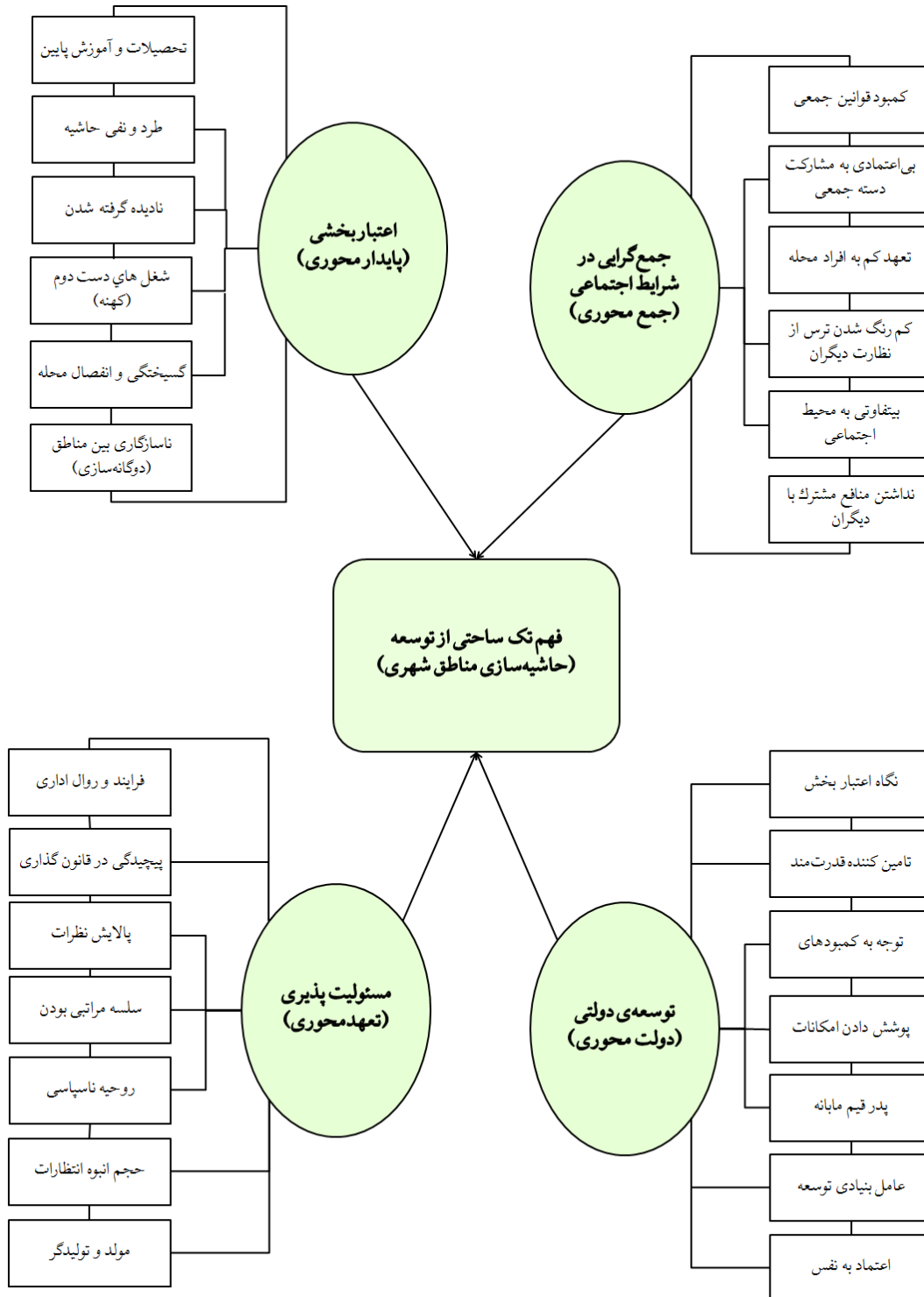
لازم به یادآوری است که عوامل غیر فیزیکی، عوامل سیاسی اجتماعی، قانونی و مالی نیز وجود دارند که زمینه استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات را تعیین می‌کنند. در مقیاس وسیع تر، این عوامل تا حد زیادی سرعت و گستره رشد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات را نشان می‌دهند؛ روشی که با استفاده از آن، این فناوری‌ها برای تأمین اهداف توسعه استفاده می‌شوند و شهروندان از مزایای اقتصادی و اجتماعی فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات بهره مند می‌شوند.

محیط‌های پشتیبانی: اجتماعی و مقرراتی: دولت‌ها سیاستها، قوانین و مقرراتی دارند که به واسطه آنها بخش‌های مختلف جامعه را اداره می‌کنند. سیاست بر اصل راهنما، رویه یا رشته اقداماتی دلالت دارد که هدف آنها نفوذ و تعیین تصمیمات و اقداماتی است که بیشتر به نفع جامعه است. از آنجا که پیش بینی و برنامه‌ریزی برای فناوری‌های جدید بسیار دشوار است، دولت‌ها اغلب مجبورند مدتی طولانی پس از پیاده سازی این فناوری‌ها در جامعه سیاست‌ها و رویه‌هایی را توسعه دهند. با این وجود دولت‌ها سیاست‌ها و رویه‌هایی را توسعه می‌دهند که این فناوری‌ها به وسیله آنها معرفی، پیاده سازی یا تنظیم می‌شوند. به عنوان مثال به مقایسه بخش حمل و نقل هوایی توجه کنید. اگر سیاست‌ها، رویه‌ها و مقرراتی برای نظارت و مدیریت بر خطوط هوایی وجود نداشته باشد در آسمان آشوب می‌شود.

این امر درباره فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات نیز صادق است. دولت‌ها در سطح جهان بر درک و مدیریت فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به عنوان منبع اجتماعی اقتصادی اصلی تمرکز فزاینده‌ای دارند. تصمیم‌گیری درباره شیوه کنترل فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای اهداف توسعه، بخشی از سیاست گسترده فناوری اطلاعات و ارتباطات به شمار می‌رود. به طور خاص، قوانین و مقررات اداره این قسمت نیز بخشی از محیطی است که فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در آن رشد و فعالیت می‌کنند و نیازهای اجتماعی را مرتفع می‌سازند. بنابراین، فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در مجموعه‌ای از سیاستها، مقررات و رویه‌های حاکم بر این بخش فعالیت می‌کنند؛ درست مانند سیاستهای هوانوردی و مقررات و رویه‌های حاکم بر آن. رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات در بازار کاملاً آزاد متفاوت از اقتصاد برنامه‌ریزی شده است و نه تنها از نظر قوانین و مقررات، بلکه از نظر تخصیص منابع مالی، تخصیص طیف (زیرا مخابرات به طیف بی سیم وابسته است)، هزینه خدمات به کاربر و غیره نیز تفاوت دارد (Joshi, 2021). به ویژه،

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

بدون شفاف سازی به موقع سیاست توسعه به کمک فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، اولویت‌بندی و ارتقای استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای تأمین اهداف توسعه، بسیار دشوار خواهد بود. دولت‌ها بدون سیاست و چارچوب نظارتی نمی‌توانند پیشرفت خود را در مقایسه با سایر کشورها اندازه‌گیری کنند و محک بزنند.



نمودار ۴-۱۸- مدل شماتیک مصاحبه‌های مسئولین شهری و مدیران در مناطق حاشیه‌ی شهر

۴-۱-۲-۳- جمع‌بندی

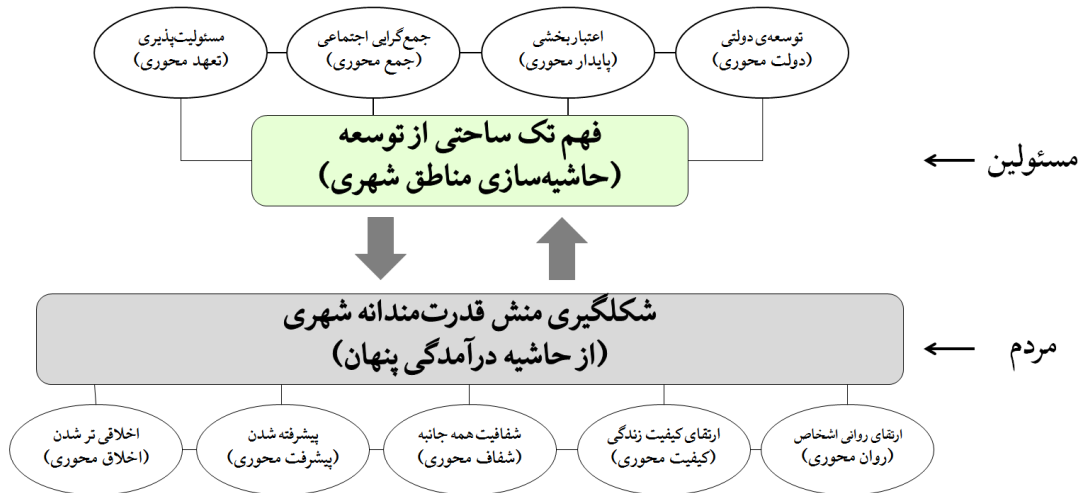
تاکنون در ۸۷ شهر بزرگ کشور بیش از ۳۲ هزار هکتار بافت حاشیه‌ی براساس شاخص‌ها و سنجه‌های مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران توسط سازمان عمران و بهسازی شهری وزارت مسکن و شهرسازی کشور شناسایی شده است. برآوردها نشان می‌دهد، بیش از ۵۰ هزار هکتار بافت حاشیه‌ی شهری در کل کشور وجود دارد. فارغ از این که چگونه باید غبار فرسودگی را از چهره شهرها زدود، بررسی این نکته ضروری می‌نماید که دلایل و عوامل فرسودگی بافت‌های شهری را در گذشته شناسایی کنیم و با آموزه‌های به دست آمده، از توسعه فرسودگیها جلوگیری کنیم (Zaręba et al., 2021). شناسایی عوامل مذکور، قطعا این توجه را در ما ایجاد خواهد کرد که اجازه ندهیم همچنان به توسعه فرسودگیها دامن زده شود. مهم‌ترین ویژگی‌های بافت‌های حاشیه‌ی شهری به شرح زیر قابل ذکر است:

الف) ویژگیهای کالبدی، سیما و منظر شهری: اغلب واحدهای ساختمانی در بافت‌های حاشیه‌ی شهری فاقد سیستم سازه‌ای و فاقد هرگونه محاسبات فنی برای مقاومت در برابر سوانح طبیعی از جمله زلزله می‌باشند و واحدهای حاشیه‌ی مزبور، به لحاظ زیبایی بصری، دچار ناهنجاری‌های متعدد بوده و روح جستجوگر زیبایی شهروندان را متناسب با سلیقه‌های امروزی سیراب نمی‌کند و باعث رویگردانی آنها می‌شود. **ب) میزان برخورداری از شبکه‌های دسترسی، زیرساختها و تأسیسات شهری:** بافت‌های حاشیه‌ی شهری از کمبود و ناکافی بودن سطح شبکه‌ها و معابر دسترسی به خدمات شهری رنج می‌برد و اغلب معابر آن دارای عرض کمتر از ۶ متر می‌باشند که به هیچ وجه متناسب با زندگی شهری امروز نیست. **ج) میزان بهره‌مندی از خدمات شهری:** بافت‌های حاشیه‌ی شهری از فقدان برخی خدمات فرهنگی، آموزشی و شهری به لحاظ کمی و کیفی رنج می‌برد و در برخی خدمات نیز دچار نقص است. **د) ویژگی مالی، اقتصادی و سرمایه‌گذاری:** عمده محدوده بافت‌های حاشیه‌ی شهری به ویژه در لایه‌های مرکزی شهرها از چرخه و حیات اقتصادی شهر خارج شده‌اند و به عبارت ساده‌تر، از بین رفتن توجیه اقتصادی و مالی موجب فرار سرمایه‌ها از این مناطق و عدم سرمایه‌گذاری در آنها گردیده است. **ه) ویژگی اجتماعی و فرهنگی:** توسعه فرسودگی و از بین رفتن مرغوبیت محدوده بافت‌های شهری و به عبارت دیگر، تنزل رتبه اجتماعی محدوده‌های مزبور در نگاه شهروندان، باعث افزایش میزان مهاجرت افراد اصیل و بومی با توان اقتصادی مطلوب و جایگزین شدن آنان با افراد با توان اقتصادی پایین‌تر، اقشار مبتلا به آسیب اجتماعی نظیر معتادان و مهاجران بیگانه شده است.

در کنار ویژگی‌های پیش گفته، چنانچه مسائل زیست محیطی و آلودگی هوای این محدوده‌ها (عمدتا مراکز شهرها) نیز در نظر گرفته شود، مجموعه عوامل زمینه ساز خارج شدن (فرار مالکان ریشه دار و توانمند بافت‌های حاشیه‌ی شهری، به صورت یکجا فراهم می‌گردد) (Zhan, 2021). اگر مالکان توانمند مذکور به عنوان مهمترین سرمایه‌مقابله با فرسودگی در نظر گرفته شوند، مهاجرت آنها از محدوده‌های

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

بافتهای حاشیه‌ای، مهم‌ترین عامل توسعه فرسودگی خواهد بود که متأسفانه شواهد نشان می‌دهد که این گونه بوده است (Dalu et al., 2018).



نمودار ۴-۱۹- مدل شماتیک برهم‌کنشی مردم و مسئولین در پژوهش حاضر

به نظر نگارنده، مهم‌ترین دلایل گسترش این موضوع در سال‌های گذشته و سال‌های اخیر، فارغ از مسائل و ریشه‌های آمایش سرزمینی موارد زیر بوده است:

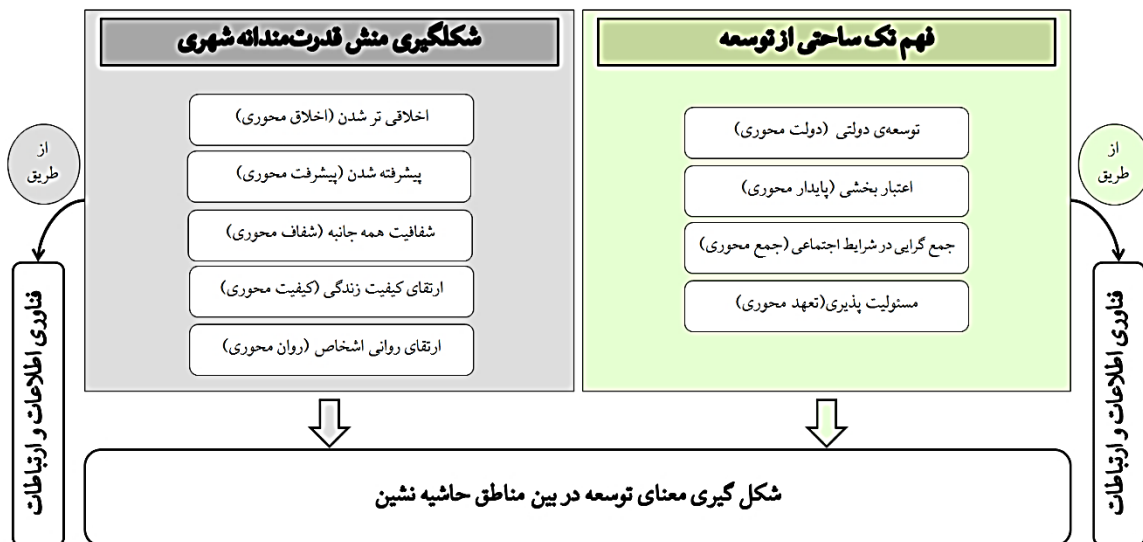
- ۱- عدم توجه برنامه ریزان شهری و شهر سازان به ظرفیتهای بلااستفاده در محدوده‌های قبلی شهرها و اولویت نیافتن توسعه درون شهری و اسکان سرریز جمعیت در محدوده‌های مزبور
- ۲- اتخاذ سیاست‌های توسعه شهری متصل و منفصل و در نتیجه ایجاد رقبای قوی و با زرق و برق تحت عنوان مفهوم «شمال شهر» برای محدوده قدیمی شهرها
- ۳- عدم سرمایه گذاری شهرداری‌ها و دستگاههای ارائه دهنده خدمات شهری در جهت اصلاح و بهبود شبکه‌های دسترسی و اصلاح زیرساخت‌ها و تأسیسات شهری بافت قدیمی و حاشیه‌ای شهرها به رغم وظایف قانونی و وضع عوارض نوسازی و در نتیجه عدم تطبیق ساختار و کالبد بافت قبلی با شرایط زندگی امروزی و به ویژه عدم حل مسئله عبور و مرور وسایل نقلیه و امداد رسان در داخل محدوده‌های قدیمی، مرکزی و بعضاً میانی شهرها
- ۴- نبود تعامل و وفاق و تعریف مشترک در جهت اتخاذ سیاست منطقی برای حفظ و کارآمدی واحدهای با ارزشی تاریخی، فرهنگی و معماری و در یک کلمه «میراثی» به عنوان کانون‌های احیای بافت‌های قدیمی، حاشیه‌ای و ناکارآمد شهری و عدم اولویت‌بندی صحیح ارزشها، باعث عدم تحرک شده و بسیار از پروژه‌های بهسازی و نوسازی به دلیل اختلاف نظر، متوقف شده و با انگیزه‌ای برای ایجاد پروژه‌های جدید باقی نگذاشته است.

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

۵- نبود عزم ملی مؤثر در جهت بهسازی و نوسازی بافت‌های قدیمی و حاشیه‌ی و ناکارآمد شهری و اولویت نیافتن موضوع در برنامه ریزی‌های کلان کشور و بودجه بندی‌های سالانه.

وجه مشترک همه عوامل مذکور را می‌توان در فرار جریان سرمایه گذاری، به دلیل از بین رفتن توجیه اقتصادی فعالیت‌های سرمایه گذاری در محدوده بافت‌های شهری و خارج شدن آنها از چرخه و حیات اقتصادی شهر جستجو نمود. از این رو می‌توان ریشه اصلی فرسودگی را در مسائل آمایش سرزمینی و فلسفه وجودی هر شهر جستجو کرد (Zhang, 2018).

وقتی کار کرد، ظرفیت و استراتژی توسعه هر شهر مشخص باشد، به راحتی می‌توان زمینه‌های توسعه را در آن پیدا نمود. هر بخش از شهر که از قابلیت اقتصادی و سرمایه گذاری لازم برخوردار باشد، کم‌کم شاهد رونق خواهد بود و افراد و نهادهای توانمند به آن بخش روی خواهند آورد. حضور افراد و نهادهای توانمند، به خودی خود باعث عمران و تقویت کالبد منطقه خواهد شد (Trimbach & Biedenweg, 2021; Valente, Pasimemi, & Petrosillo, 2020).



نمودار ۴-۲۰- تاثیرگذاری فناوری اطلاعات و ارتباطات مبتنی بر فهم توسعه در مناطق حاشیه

نشین

مهمترین ویژگی‌های اجتماعی حاشیه نشینان به قرار زیر طبقه‌بندی می‌شود:

- ۱- مناطق حاشیه نشین دربرگیرنده مکان جغرافیایی مشخص هستند.
- ۲- منافع مشترک ساکنین را به هم پیوند می‌دهد
- ۳- الگوهای مشترکی بر روابط اجتماعی و اقتصادی ساکنین آنها حاکم است
- ۴- تجانس گروهی و همبستگی نسبتاً بالایی خاصی در مواجهه با مسائل مشترک و افراد خارج از اجتماع خود بروز می‌دهند.
- ۵- نهادهایی خاص خود پدید آورده اند.

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

۶- یکدیگر را به خوبی کنترل می‌کنند.

علاوه بر مشخصات فوق، دارای خصوصیات مشترک زیر نیز می‌باشد: (Foa & Nemirovskaya, 2019)

- ۱- عمدتاً جمعیت حاشیه نشین را جوانان تشکیل می‌دهند
- ۲- در ساختن محیط مسکونی خود و در برابر عملیات تخریب با روحیه بسیار قوی همکاری دارند.
- ۳- به افراد غیر ساکن در منطقه اعتماد نداشته و در مسائل خود، آنها را شرکت نمی‌دهند
- ۴- به لحاظ عدم وجود فضای کافی، اغلب اوقات خود را در خارج از چهارچوب مسکونی می‌گذرانند.

۵- ناهنجاری‌های اجتماعی به لحاظ از بین رفتن ارزش‌های انسانی در حاشیه شهرها سریع پرورش یافته و اعمالی چون دزدی، اعتیاد، قاچاق و فحشا در آنجا بیش از متن اصلی شهر دیده می‌شود. صرافی علل پیدایش حاشیه نشین‌ها را چهار در دسته تقسیم می‌کند:

- ۱- بلایای طبیعی (سیل، خشکسالی و...)
 - ۲- حوادث اجتماعی - سیاسی (درگیری‌های منطقه‌ای و راه افتادن مصیبت زدگان)،
 - ۳- ساختار اقتصادی (افزایش فقر شهری و ناکارآمدی بازار رسمی زمین و مسکن)،
 - ۴- نارسایی نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری (همچون عدم تأمین فضای اسکان کم درآمدها)
- در کل می‌توان دلایل حاشیه نشینی در ایران را در دو عامل عوامل ساختاری و کلان و عوامل غیر ساختاری مورد بررسی قرار داد.

الف) عوامل ساختاری و کلان

- رشد فزاینده جمعیت کشور در دهه‌های گذشته؛
- فقدان سیاست‌ها و راهبردهای هماهنگ توسعه اقتصادی، اجتماعی و آمایشی در سطح کلان و منطقه‌ای؛

- تشدید نابرابری در توزیع منابع قدرت، ثروت و درآمد؛
- فقدان ساز و کارهای اجتماعی - اقتصادی در جهت توانمند سازی و مشارکت؛
- نارسایی نظام مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای؛

ب) عوامل غیر ساختاری

- عدم توسعه مناسب نظام آموزش فنی حرفه‌ای در مناطق شهری کوچک و روستاها؛
- فقدان برنامه‌های توسعه اجتماعی - فرهنگی و آماده سازی و توانمند سازی افراد حاشیه نشین؛
- عدم توجه به سرمایه گذاران مسکن ارزان قیمت در حاشیه کلانشهرها؛
- فقدان سیاست اجتماعی برای جوامع و مناطق محروم؛
- نبود رویکرد، برنامه و سیاست جامع نگر در مدیریت و نظام برنامه‌ریزی شهری [۵]

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

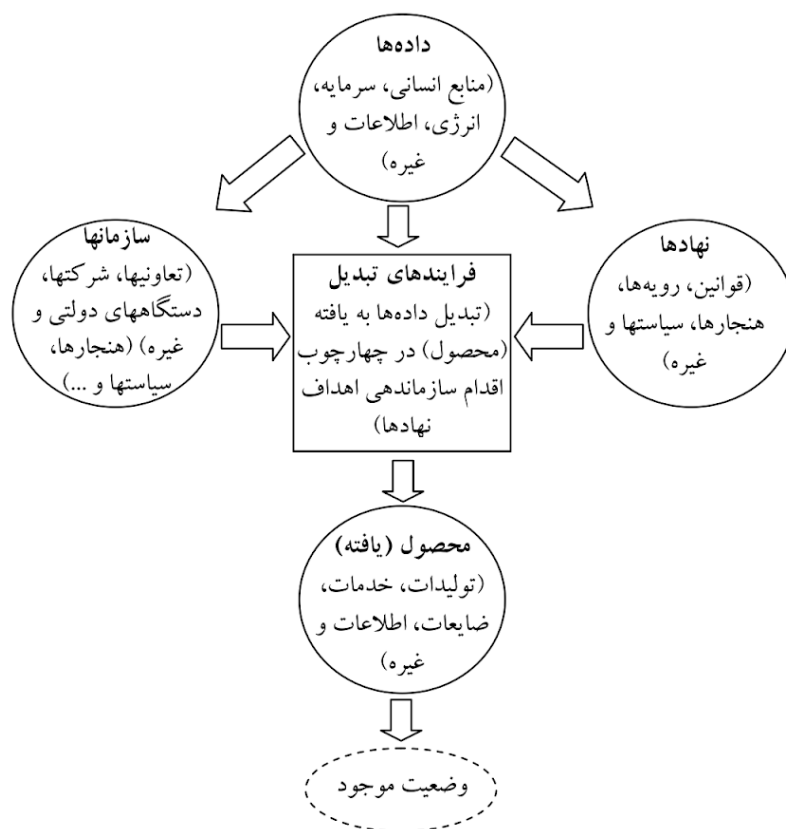
فقر چهره‌های زیادی دارد، از آن جمله می‌توان فقدان درآمد پایه، عدم دسترسی به زمین، اعتبار و خدمات، تجربه گرسنگی مداوم، نبود دسترسی به آموزش اولیه و مراقبت‌های بهداشتی به ویژه برای مادران و کودکان، مرگ و میر بالا و امید به زندگی پایین، در معرض ایدز^۱، مالاریا و سل بودن؛ فقدان معاش پایدار، نبود پویایی، نبود اشتغال جوانان و افزایش آسیب‌پذیری در برابر عواقب بلایای طبیعی و مناقشات اشاره کرد. اغلب، کمبود آگاهی و اطلاعات درباره حقوق و تسهیلات می‌تواند شرایط فقر را بدتر کند (Foa & Nemirovskaya, 2019).

در چنین شرایطی، رسیدگی به نیازهای اولیه مثل غذا، پوشاک و سرپناه و درآمد لازم برای تأمین آنها حیاتی است. با درک چندبعدی فقر، فرآیند کاهش آن شامل تسهیل توانمندسازی ارتقای فرصت و افزایش امنیت است و به چند روش انجام می‌شود. استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به منظور بررسی بخش‌های اصلی توسعه، از یک سو برای ایجاد دسترسی به دانش و اطلاعات، فرصت‌های درآمدزا و تسهیلات و خدمات عمومی کشاورزی، توسعه روستایی، آموزش و غیره است. از سوی دیگر، فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات می‌توانند توسط دولت‌ها، مقامات دولتی، سازمان‌های غیردولتی و نوآوری‌های بخش خصوصی برای ایجاد سیستم‌های تصمیم‌یار در مقیاس بزرگ که به ارائه خدمات سریع، مؤثر و کارآمد کمک می‌کنند، استفاده شوند.

۴-۱-۲-۴- جمع‌بندی دو مطالعه کیفی

مدیریت محیطی مشارکتی آدامز از دو گروه یاد می‌کند که در گیر محیط و توسعه اند: گروه بی پروا و گروه بی سروصدا (کور). گروه دوم دربرگیرنده مردم یا حکومت‌هایی است که نگرش و برنامه مدون اجرایی برای توسعه ندارند یا توانایی کافی برای ارائه و بیان دیدگاه‌هایشان و تغییرات اثربخش ندارند. گروه نخست شامل شوراهای تخصصی، متخصصان علوم، اقتصاددانان و بانکداران است که به ثروت اندوزی تمایل دارند و عموماً به اقتدار، حاکمیت، مذهب و امنیت اجتماعی توجه چندانی ندارند. در گروه نخست، غالب مردم قربانی ستم و آشوب و بدون قدرت نفوذ هستند که توانایی آنچه را گروه کور انجام می‌دهند، ندارند. آنان رایزنی لازم را در مواقعی انجام نمی‌دهند که به تغییر نیاز است. مدیران محیطی در چنین فضایی باید برای انتقال اطلاعات به گروه‌های بی‌تحرك بکوشند، از ایشان حمایت کنند و آنان را توانمند سازند و در صورت نیاز گروه خنثی و کور را کنترل کنند.

^۱ Human Immunodeficiency Virus (HIV)



نمودار ۴-۲۱- فرایند تبدیل داده‌ها به دستورالعمل‌های سیاستی در حاشیه شهر

در توسعه جدید، تأکید بر افزایش بهره‌وری و منافع گروه‌های ذی‌نفع ویژه و افراد در حاشیه مانده و هدفیایی چون پایداری، عدالت، مشارکت و امنیت دنبال می‌شود و کاربران منابع سنتی از جمله روستاییان به لحاظ ساخت اقتصادی و اجتماعی از گروه‌های عمده آن به شمار می‌روند. در توسعه جدید، دانش بومی، مشارکت مردم محلی در تصمیم‌گیری و مدیریت از اصول بنیادین محسوب می‌شود. چنان‌که ملاحظه می‌شود، در مدیریت محیطی نیز همانند دیگر مدیریت‌ها، چشم اندازه‌های مختلفی وجود دارد که مدیران باید با درک همه آنها تلاش خود را به این نکته معطوف دارند تا با پیشگیری از گسترش تعارض میان مشارکت شهروندان، خسارت محیط را به حداقل برسانند. در این حرکت دولتها نیز باید به صورت کلان، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، پشتیبانی، کنترل و اجرا و مدیریت داشته باشند. به هر صورت، گستره مشارکت‌کنندگان در مدیریت محیطی عبارت اند از:

کاربران موجود. کاربران زمین یا منابع اعم از زنان و مردان و یا کاربران چندگانه. گروه‌های تغییر طلب. فقرا، مهاجران، کارگران صنعتی و معدنی. افرادی که به طور مستقیم درگیر نیستند، ولی آرزوی توسعه، حفاظت و تغییر عملی در مدیریت محیط را دارند. تسهیل‌گران هیئت مدیره صندوقها، مشاوران، برنامه‌ریزان، کارگران، مبادله‌کنندگان داده‌های محیطی و غیره. و کنترل‌کنندگان در برگیرنده دولتها، بنگاه‌های ملی و بین‌المللی، رهبران سنتی و مذهبی، برنامه‌ریزان، حقوق دانان، گروه‌های حمایت‌کننده از مصرف‌کنندگان، سازمانهای غیردولتی، سازمانهای تجاری، رسانه‌ها، متخصصان دانشگاهی و مدیران محیطی.

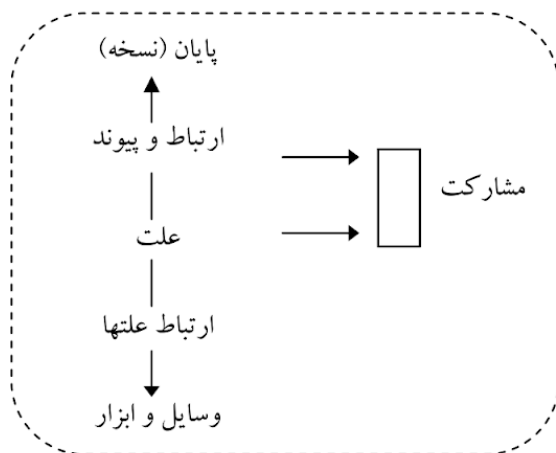
با عنایت به آنچه بیان شد، می‌توان گفت مشارکت و توانمندسازی و ظرفیت‌سازی از ارکان اصلی توسعه پایدار و مدیریت محیطی به شمار می‌رود و بدون توجه به مردم و مشارکت آنان، به ویژه در سطح محلی یا اجتماع محلی، نه تنها بحرانهای محیطی فروکش نخواهد کرد، بلکه پایداری مدیریت محیطی در سطح ملی نیز دچار آسیب جدی خواهد شد. با این دیدگاه در راهبردهای توسعه جدید، نیاز به برنامه‌ریزی و طراحی سازگار با شرایط محلی و هماهنگی به منظور اطمینان به اینکه روستاییان و روستاها در صورت مشارکتشان در برنامه‌های مدیریت محیطی تعارضی با مناطق شهری نخواهند داشت، بیش از پیش تأکید می‌شود و کار با مردم و مشارکت آنان با مدیران محیطی نه تنها تهدیدها را کاهش می‌دهد، بلکه فرصتها را نیز تقویت می‌کند و با این نگرش به مشارکت عمومی در مدیریت فراگیر توسعه حاشیه شهر توجه می‌شود.

مشارکت عمومی یکی از اصول کلیدی حکمرانی خوب و مدیریت فراگیر توسعه حاشیه شهر، تسهیل فرایند مشارکت عمومی در تصمیم‌گیریهاست. مشارکت عمومی در افزایش امید و انتظار انجام دادن اقدامات یا ارائه خدمات از طریق بنگاههای عمومی که منعکس‌کننده مناسب نیازهای مردم است و برخوردار از عادلانه از سهم توسعه، نقش اساسی دارد. برخوردار از عادلانه از منابع و منافع نیز یکی از موضوعات توسعه پایدار است. با چنین رویکردی، مشارکت عمومی به عنوان اصول کلیدی توسعه پایدار به شمار می‌رود و در مفهوم مشارکت، مشارکت در توسعه، منافع توسعه و تصمیم‌گیری برای توسعه نهفته است که با تسهیل فعالیتها قدرت از سوی مردم تولید و ایجاد می‌شود. مشارکت عمومی به عنوان فرایندی است که شامل نقش مردم در تصمیم‌گیریهای توسعه و تأمین خدمات و کالاهای عمومی است. مشارکت مردم حاشیه نشین ممکن است به شیوه و روشهای مختلفی صورت پذیرد، از جمله طراحی و سازگاری با ویژگیهای وظیفه و کاری که انجام می‌گیرد. اغلب مردم بر این باورند که با مشارکت، توان برنامه‌ریزی را با کمترین کمکها دارند، اما برنامه ریزان کلاسیک و حرفه‌ای نقش مشارکت را از تسهیل‌گر تا فراهم‌کننده داده‌های فنی تقلیل می‌دهند. رویکردهای مشارکتی در تمام سطوح برنامه‌ریزی تجربه‌شده است و گسترش یا ماهیت مشارکت از طریق بازیگران مختلف (منتفع شوندگان، شهروندان، مسئولان امور عمومی منتخب مردم، خدمتگزاران مدنی و حرفه‌ای و سایر ذی‌نفعها) صورت می‌پذیرد که در واقع مشارکت شهروندان در اداره و مدیریت جامعه را شامل می‌شود که موضوعی تاریخی و مهم در جامعه دموکراتیک است.

بدین ترتیب، واژه مشارکت واژه‌های وسیع و باز بوده و با تعبیر و تفسیرهای متنوع و با سطح یا شدت و تراکم متفاوت مشارکت و درگیر شدن گروههای مختلف بازیگر همراه است. با عنایت به رابطه تنگاتنگی توسعه پایدار و مشارکت عمومی، باید به سه شرط اصلی در توسعه پایدار توجه شود. نخست، پایداری اقتصادی و مالی برای اطمینان از استمرار ظرفیتهای موجود برای پشتیبانی از بهبود استانداردهای زندگی؛ دوم، پایداری محیطی و بوم‌شناختی به منظور اطمینان از بهبود کیفیت جامع زندگی عمومی و نه فقط

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

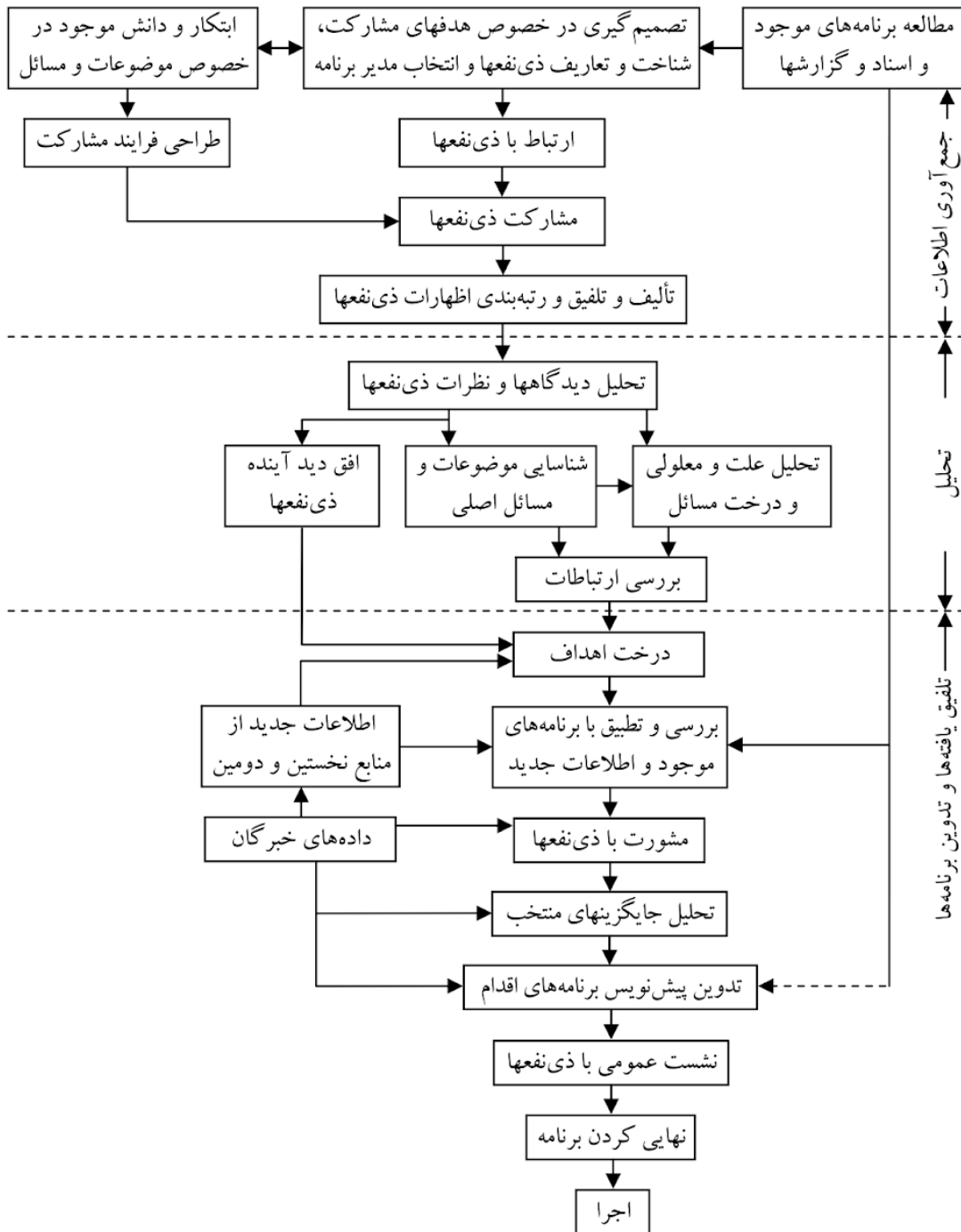
افزایش خدمات و کالاهای قابل مبادله؛ سوم، پایداری اجتماعی که منافع توسعه را به طور عادلانه در همه بخشهای جامعه توزیع کند.



نمودار ۴-۲۲- فرایند مشارکت

استفاده از تجربیات و منابع محلی زمانی محقق می‌شود که پرهیز از جانبداری در تدوین برنامه‌ها، افزایش شناخت مردم از مسائل مشترک و تأثیر گذاری آنها در گروههای مختلف جامعه و سازمانها و پشتیبانی از حرکت‌های شهروندان برای تصمیم‌گیری‌های عمومی جدی باشد همچنین خدمات ارائه شده و طرحهایی که به بهترین وجه منعکس کننده نیازها و مشکلات مردم آن جامعه باشد که بتوانیم با اطلاع از اطلاع از نیازهای مردم، وجهه نظرها، آرزوها و توانایی ایفای نقش آنان تعیین اولویت‌ها را برای جامعه در نظر بگیریم.

همچنین که در نمودار شماره ذکر شد (توجه به نمودار شماره) سطح اول فراهم کردن اطلاعات از طریق مسئولان در خصوص برنامه‌ریزی برای مردم پایین ترین سطح مشارکت عمومی است. سطح دوم، مشورت با مردم است که سطح بالاتری نسبت به پایین ترین سطح مشارکت عمومی به حساب می‌آید. مدیریت روستا از طریق مشورت با افراد به شناخت مسائل، گزینه‌ها و گوش دادن به بازخورد از سوی مردم توجه می‌کند. سطح سوم، مردم با همکاری یکدیگر بهترین شیوه تصمیم‌گیری را اتخاذ می‌کنند. در این سطح، مشارکت میان پیشگامان، کارآفرینان و مردم آغاز می‌شود. اقدام مشترک، مشارکت سطح بالایی را فراهم می‌کند. در این سطح تصمیم‌های مشترک گرفته شده به وسیله مردم، مشارکت قوی تری را برای استمرار برنامه‌ها فراهم می‌کند. در بالاترین سطح مشارکت عمومی، مدیریت روستایی به شهروندان کمک می‌کند تا از ابتکارات خودشان پشتیبانی کنند. شایان ذکر است که در پایین ترین سطح مشارکت، کارآفرین و پیشگام، کنترل بهتری بر فرایند دارد، ولی مردم تعهد کمتری نسبت به تصمیم‌گیری دارند. این در حالی است که بالاترین سطح مشارکت عمومی، احساس تعلق و مالکیت را در افراد گسترش می‌دهد و تعهدات و وابستگی مردم را به تصمیم بیش از پیش بالا می‌برد.

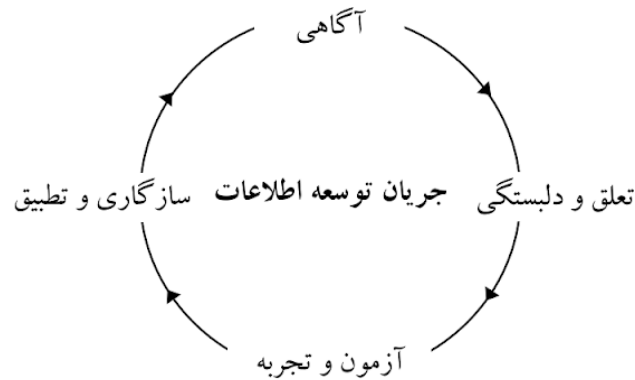


نمودار ۴-۲۳- فرایند برنامه فراگیر جهت توسعه حاشیه شهر

جریان توسعه اطلاعات در شهر سرعت و شتابی که توسعه انسانی و توسعه پایدار مبتنی بر دانایی بر خود گرفته، نیازمند ایجاد و تقویت جامعه‌ای نیرومند و قوی مدنی است. چنین جامعه‌ای بدون جریان همه جانبه، آزاد و شفاف اطلاعات امکان رشد و حرکت نخواهد داشت. افزون بر این، ظرفیت‌سازی جوامع در چهارچوب توسعه پایدار نه تنها نیازمند اطلاعات است، بلکه ساماندهی و یکپارچگی آن و به کارگیری دانش در فعالیت‌ها و کسب و کار متفاوت از الزاماتی است که نباید به سادگی از آن گذشت. در

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

واقع، ظرفیت‌سازی جوامع از جمله جامعه روستایی برای توانمندسازی خود و مکان زیست خویش از طریق ارائه راه‌حلهای مبتنی بر اندیشه، علم و فکر، نیازمند اطلاعات و سامانه‌های اطلاعاتی است. بدین ترتیب پخش و نشر اطلاعات به ویژه اطلاعات جدید (عقاید، ابتکارات، نوآوری و غیره) رویکرد فرایندی به اطلاعات را مطرح می‌سازد که چهار مرحله دارد: آگاهی؛ تعلق و دلبستگی، آزمون و تجربه و سرانجام سازگاری و تطبیق.



نمودار ۴-۲۴- جریان توسعه و پخش اطلاعات

مرحله اول: آگاهی در این مرحله، افراد در جامعه روستایی اطلاعات لازم را در مورد عقاید، افکار و ابتکارات جدید به دست می‌آورند و آن را در زندگی خود، جامعه، فعالیتها و کسب و کارشان به کار می‌گیرند. اطلاعات جدید بستر و فضایی در محیط زندگی و افکار و اندیشه جامعه به وجود می‌آورد که مردم را وامی‌دارد در خصوص آن تأمل و اندیشه کنند. برای مثال، چنین نوآوری‌ای امکان دارد شامل بذر جدید، حفاظت از خاک، شیوه مشارکت، برنامه ریزی، به کارگیری وسایل کشاورزی، بهداشتی، آموزشی و غیره باشد. در این مرحله این باور وجود دارد که مردم از طریق اطلاع رسانی به موقع و شفاف، توانایی درک و شناخت عقاید و تجربیات جدید را کسب می‌کنند و زبان، چهار چوب و مراحل سازگاری عقاید جدید را می‌آموزند و در زندگی خود به کار می‌گیرند. شایان ذکر است که دسترسی آسان و به موقع به منابع مختلف اطلاعات همانند روزنامه، رادیو، تلویزیون، کتاب، مجله، اینترنت و کارگاههای آموزشی ممکن است در بالا بردن آگاهی، شناخت، علاقه مندی و دلبستگی و پذیرش نوآوری و تجربه و آزمون آنها مؤثر باشد.

مرحله دوم: تعلق و دلبستگی بر اساس مطالعات انجام شده در اغلب الگوهای اطلاعاتی، اطلاعات در وهله اول از سوی گروهی از افراد پیشرو و پیشگام با سرعت مناسب جریان می‌یابد و اینها به عنوان عاملان انتشار و انتقال ابتکارات به سایر گروههای اجتماعی به شمار می‌روند. این افراد و گروهها را رهبران پیشگام، منتخب یا دروازه بانان می‌گویند. آنان خود نقش الگو را برای سازگاری عقاید جدید در خود، دیگران و جامعه بازی می‌کنند و دیگران از چنین الگوهای عینی‌ای یاد می‌گیرند. گاهی مردم جامعه روستایی به لحاظ ساختارهای روان شناختی، اقتصادی و اجتماعی یا ریسک ناپذیری، نبود اطلاعات کافی

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

در خصوص عقاید جدید یا نداشتن تجربیات کافی یا مغایر بودن آنها با ارزشهای جامعه، از پذیرش، سازگاری و عمل به عقاید و افکار جدید خودداری می‌کنند. در برخی مواقع نیز با توجه به فضاسازی و بسترسازی مناسب، اطلاع رسانی به موقع و جذاب بودن افکار و عقاید جدید، امکان دارد روستاییان با دید باز و علاقه مند به آن نگاه کنند و احساس نیاز واقعی به آن داشته باشند و این احساس، آنها را در فرایند اطلاع رسانی به اطلاعات، دلبسته و علاقه مندتر می‌سازد. در واقع، اگر افکار، ابتکارات و تجربیات جدید به صورت نیاز واقعی در آید و این نیاز از طرف مردم روستایی احساس و درک شود، دلبستگی و علاقه مندی بیشتری ایجاد می‌شود و آنان می‌کوشند تا افکار و ابتکارات جدید و اطلاعات بیشتری به دست آورند. در این مرحله واقع بینی و شیوه گفت‌وگو نقش بسزایی دارد، به ویژه گفت‌وگو و ارتباطات فامیلی، همسایگی، نهادهای ترویجی و شبکه‌های اجتماعی به عنوان مسیر و کانالهای ارتباطی و اطلاعاتی در پذیرش افکار جدید. همبستگی و اتحاد و یکپارچگی ملی در اجتماع محلی در سرعت بخشی به علاقه مندی و دلبستگی به نوآوری می‌تواند مؤثر باشد و سرانجام اینکه چنین ارتباطات محلی و ملی به شکل دمی و تأثیر گذاری در انتخاب حوزه‌های توسعه در روستاها منجر می‌شود و اطلاعات در مسیر تصمیم سازی قرار می‌گیرد.

مرحله سوم: آزمون و تجربه در این مرحله، عقایدی که در مسیر علاقه مندی و دلبستگی قرار گرفته اند در مقیاس کوچکی آزمون می‌شوند. برای موفق شدن در این مرحله باید به زیرساختها و ساختارها توجه شود، از جمله: ایستگاههای تحقیقاتی، مزارع نمونه، بازدید از مزارع نمونه و غیر نمونه و مقایسه آنها با یکدیگر. در واقع، زیرساختها و خدمات نمایشی مشاهده‌ای در این مرحله موفقیت عقاید، افکار و ابتکارات جدیدی را فراهم می‌کند. بدین ترتیب خدمات مشاهده‌ای و موردی از مهم ترین ارکان مرحله آزمون و تجربه به شمار می‌رود.

مرحله چهارم: سازگاری و تطبیق پس از پشت سر گذاشتن سه مرحله قبلی، مرحله چهارم که نوعی تصمیم‌گیری و اقدام است، آغاز می‌شود. در این مرحله عواملی چون سطوح در آمدی، خطر پذیری و اولویتهای جامعه روستایی می‌تواند در تصمیم‌گیری مؤثر افتد. در واقع، در این مرحله اعتماد به نفس بسیار کارساز است؛ چرا که نبود این ویژگی، سازگاری عقاید و تجربیات جدید را با مشکل روبه رو می‌سازد. البته موفقیت آمیز بودن همه الگوها را با اجرای موردی و آزمایشی نیز می‌توان تا حدودی تضمین کرد؛ چرا که انجام دادن مردها و آزمایش و بازدید و نشان دادن آنها به مردم، به ویژه از طریق خود افراد عمل کننده به افکار جدید، در ایجاد و افزایش انگیزه برای دیگران می‌تواند نقش بسزایی داشته باشد. افزون بر این، عقاید و افکار جدید زمانی می‌توانند با ساختارهای فردی، جمعی و مکانی سازگاری و تطبیق داشته باشند که دارای ویژگیهای زیر باشند:

الف) **داشتن مزیت نسبی.** این واژه که دارای منطبق اقتصادی است، صرفه نسبی در مورد هر یک از دو کالا و خدمات را نسبت به سود کالا و خدمات دیگر در منطقه و کشور مد نظر قرار می‌دهد؛ یعنی اگر در

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

روستاها در مقایسه با سایر سکونتگاهها و حتی در داخل خود سکونتگاههای روستایی مردمی بتوانند کالا و خدماتی را با قیمت تمام شده کمتری نسبت به مردمی دیگر تولید کنند، آن جامعه در آن کالا و خدمات از مزیت نسبی برخوردار است. گسترش تجربه و افکار جدید نیز در صورت داشتن مزیت نسبی می‌تواند مورد پذیرش مردم باشد. شایان ذکر است که اگر عقاید جدید با خطر و ریسک همراه باشد، اجرای آن را با مشکل روبه رو می‌سازد؛ هزینه‌های اجتماعی - اقتصادی آن را بالا می‌برد و سازگاری آن را در اجتماع محلی تا حدودی غیر ممکن می‌کند. ریسک مورد نظر امکان دارد مالی یا غیرمالی از جمله نبود اطلاعات مناسب باشد. بدین ترتیب باید گفت که در مزیت نسبی، عقاید و تجربیات جدید نیازمند ارتباطات گسترده و عمیق در درون اجتماع محلی برای ایجاد یک محیط و فضای مناسب است تا اجازه شتاب و سرعت رشد و پذیرش به آنها داده شود.

ب) کامل و مناسب بودن. منظور از این واژه برای گسترش تجربیات جدید ایجاد هماهنگی بین افکار و ابتکارات جدید با ارزشها، نظام فرهنگی و نظام قدرت در اجتماع محلی است؛ بدین صورت که اگر افکار جدید و ابتکارات، موجب تغییرات گسترده‌ای شوند، در صورت پذیرش اجتماع محلی و هماهنگی آن با فرهنگی موجود، تغییر نظام ارزشهای مردم ممکن خواهد بود. به عبارتی با تعامل فرهنگها و ارزشها (ابتکارات جدید با ابتکارات محلی) آنها یکدیگر را کامل می‌کنند و زمینه برای افکار و ابتکارات جدید فراهم می‌شود و در غیر این صورت مقاومت در مقابل تغییر شکل قرار می‌گیرد.

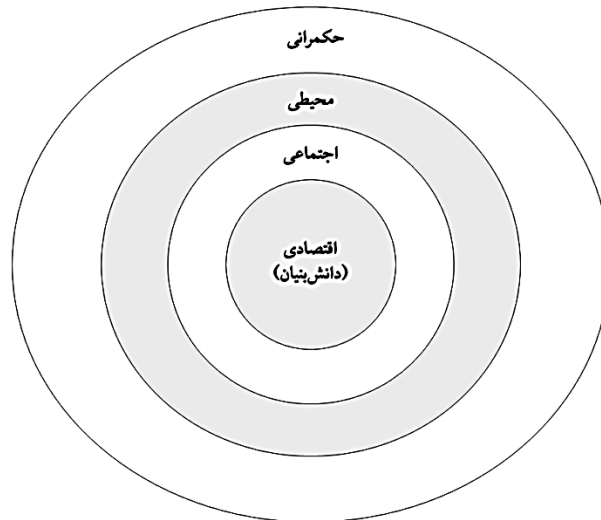
ج) داشتن پیچیدگی. این عامل نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با پیچیدگی و مشکل بودن تجربیات جدید در اجتماع محلی روبه رو شد. در واقع، این عامل در تلاش است که از پیچیدگی و مشکل بودن پذیرش و به کارگیری افکار و اندیشه‌های جدید در جوامع روستایی بکاهد و بنابراین افکار و ابتکارات باید با زبان ساده، به گونه‌ای که با فرهنگ و ارزشهای آنان همسو باشد، بیان شود تا امکان پذیرش و به کارگیری شان را فراهم کند و مردم باور کنند که به کارگیری افکار جدید نه تنها در تکامل فرهنگ و ارزشهای آنها مؤثر خواهد بود، بلکه مسائل موجود در زندگی روزمره و کسب و کار را نیز با مناسب ترین وضعیت حل می‌کند و موجب پیشرفت جامعه می‌شود. بدین ترتیب احساس آسان بودن و همسو بودن با فرهنگ روستایی، پذیرش افکار و ابتکارات جدید را سرعت می‌بخشد.

د) مشاهده. این عامل در مرحله نخست امکان آزمون عقاید و ابتکارات جدید را در مقیاس کوچکی فراهم می‌کند، بدین صورت که با عملیاتی کردن عقاید و ابتکارات جدید و به کارگیری آن به صورت آزمایشی به وسیله برخی گروهها و ارزیابی نتایج حاصل از آن، می‌توان امکان پذیری سازگاری عقاید جدید را در اجتماع محلی سنجید و برای تعمیم آن به کل جامعه تصمیمهای لازم را گرفت.

سازگاری عقاید جدید از طریق مشارکت همه جانبه مردم امکان پذیر است؛ چرا که خود مردم شیوه‌های سازگاری را بهتر از هر کس دیگری می‌دانند. بدین ترتیب، مشاهده و عملیاتی شدن سازگاری عقاید جدید با مشارکت گسترده مردم یکی از اصولی است که در فرایند کار به آن توجه می‌شود. در چنین فرایندی

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

تصمیم‌گیریها برای استمرار پذیرش و به کارگیری افکار جدید آسان می‌شود و مردم با احساس آزادی در انتخاب و تصمیم‌گیری و به کارگیری افکار جدید به گسترش دانایی و نیازهای اطلاعاتی و سایر نیازهای خود می‌پردازند و با تقویت و افزایش در مدیریت توسعه پایدار از جمله مدیریت توسعه پایدار سکونتگاهها، در تصمیم‌گیریهای توسعه با توجه به هدف و نوع رسالت و چشم انداز، روشهای زیر اعمال می‌شود.



نمودار ۴-۲۵- تصمیم‌گیریهای توسعه

تعیین و تنظیم چهارچوب برای همکاریهای ملی و محلی و همکاریهای میان‌بنگاهها، سازمانها و نهادهای مدنی، تقویت شفافیت (شفاف‌سازی و پاسخگویی، و هماهنگی چهارچوبهای محلی با چهارچوبهای ملی برای مدیریت اطلاعات و دسترس‌یها، تقویت ارزشهای صحیح، معتبر و اخلاقی که پشتیبان ارزشهای دموکراتیک و احترام‌گذار به آنها باشند.

توسعه پایدار محلی همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، تصمیم‌گیریهای توسعه پایدار باید در برگیرنده همه سطوح فعالیتی و مکانی باشد. از جمله کیفیت زندگی در اجتماعات محلی؛ یعنی توسعه پایدار و تصمیم‌گیریهای آن، تا سطح محلی گسترش یابد و در برگیرنده کیفیت اقتصادی، اجتماعی و سرمایه محیطی باشد تا اعضای جوامع محلی اجتماعات روستایی به تولید و بازساخت زندگی مناسب هدایت شود. تفکر یا مبنای اندیشه‌ای در انواع مختلف سرمایه اجتماع محلی پایه اساسی است. در تعریف توسعه پایدار، حرکت و مسیرها باید طوری انتخاب شود که نه تنها برای نسل امروز، بلکه برای نسل آینده، فرصتهای برابری ایجاد شود و این امر باید با تقویت ذخایر و داراییهای اقتصادی، اجتماعی و طبیعی و سرمایه انسانی همراه باشد. پایداری نیازمند آن است که تصمیم‌گیریها و فعالیتهای منجر به سرمایه‌گذاری در ظرفیتهای اجتماع محلی شود تا ضمن تقویت حداقل در شرایط ویژه، سرمایه‌های طبیعی، اجتماعی، انسانی یا اقتصادی را کاهش ندهد.

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

سرمایه محیطی: منابع طبیعی اعم از تجدیدناپذیر و تجدیدپذیر که فراهم کننده خدمات محیطی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی هستند.

سرمایه اجتماعی: میزان مهارت‌ها، آموزش، بهداشت و سلامتی مردم ظرفیت آنان تلقی شده، و با توجه به آن، مردم می‌توانند در تصمیم‌گیریها مشارکت داشته و در زندگی خود مؤثر باشند.

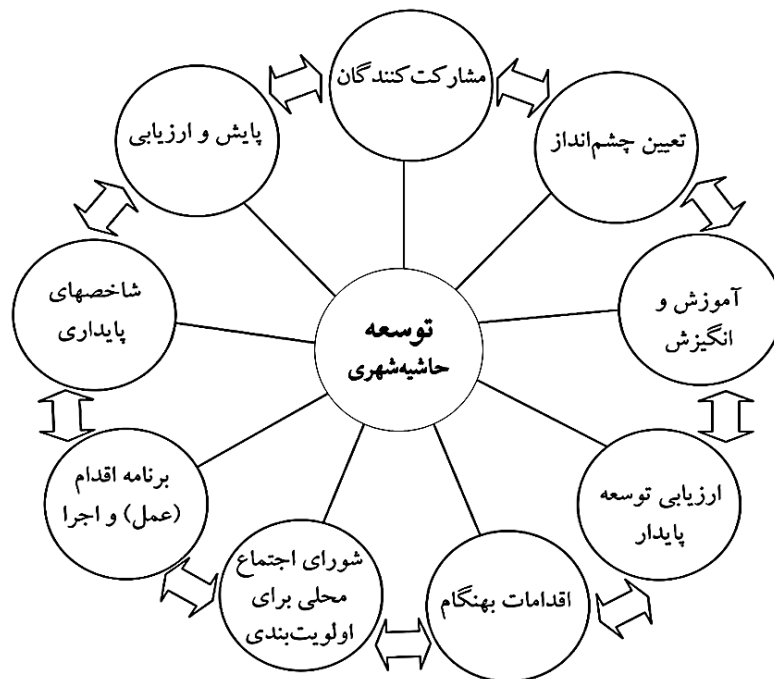
نقش حکومت‌های محلی شوراها کانون برنامه‌ریزی توسعه پایدار محلی هستند. وجود برنامه‌ریزی و مقررات تعهد آور برای مسئولان محلی، آنها را آماده می‌کند تا چهارچوبی فراهم کنند که توسعه پایدار محلی، توسعه پایدار شهر و روستا و منطقه و سرانجام توسعه پایدار ملی تحقق یابد. از آنجا که اغلب مسائل توسعه پایدار و راه‌حلهای آن ریشه در فعالیتهای محلی دارد، مشارکت و همکاری مسئولان محلی عاملی تعیین کننده از واقعی کردن و امکان پذیر نمودن پایداری آتی است. مسئولان محلی در قبال الزامات محیطی، توسعه اقتصادی و اجتماعی و خدمات، مسئولیتهایی دارند. آنها نزدیک ترین سطح حکمرانی به مردم محسوب می‌شوند و نقش حیاتی در آموزش و تحرک مردم دارند و برای پیشرفت عمومی توسعه پایدار پاسخگو و حساس هستند. برنامه‌ریزی توسعه پایدار محلی نیازمند آن است که شوراها به ایجاد و نهادینه کردن انجمنها و سازمانهای غیردولتی و ذی نفعها مبادرت کنند تا مشارکت مردم در تصمیم‌گیریهای توسعه پایدار تحقق یابد. در چهارچوب حرکت اصلاحات حکومت محلی، اول، این انجمنها و سازمانها به عنوان کمیته‌های توسعه محلی تلقی شوند؛ دوم، باید شوراهای محلی که زمینه ساز فرایندهای برنامه‌ریزی مناسب توسعه پایدار محلی هستند با شرایط محلی سازگار باشند و سوم، دستیابی به اجماع چهار چوب توسعه پایدار و برنامه‌ریزی و اقدام فراهم شود.

نقش اجتماع محلی بر اساس مطالعات انجام شده در کشورهایی که مردم، به ویژه شهروندان روستایی در برنامه‌های ملی، منطقه‌ای و مدیریت روستایی حمایت شده اند، اجتماعات محلی پایداری نهادینه شده است. یک اجتماع محلی پایدار، اجتماعی است که مشارکت اعضای آن در برنامه‌ریزی برای ترسیم و تدوین چشم انداز جامعه خود، به فراهم سازی انتخابهایی برای شناسایی ارتباطات میان عوامل اقتصادی، اجتماعی، کشش ظرفیتی و بار ظرفیتی محیطی و اندازه‌گیری آنها منجر می‌شود. هدف نهایی، بهبود کیفیت زندگی نسلی است که بتواند زندگی را در آینده استمرار بخشد. هدف برنامه‌ریزی توسعه پایدار محلی توسعه ظرفیت مردم برای مشارکت کامل و مستقیم در مدیریت و توسعه اجتماع محلی و تعمیم آن در سطح ملی است.

برنامه‌ریزی توسعه پایدار محلی برنامه‌ریزی توسعه پایدار محلی، چهارچوب پیشنهادی مناسب و در دسترس برای مسئولان محلی است که آنان را قادر می‌سازد تا به توسعه پایدار محلی و توسعه روستایی دست یابند. برنامه‌ریزی توسعه پایدار محلی بر مبنای برنامه‌ریزی رسمی و قراردادی، استوار است. برنامه‌ریزی توسعه پایدار محلی را می‌توان بدین صورت تعریف کرد

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

رویکرد فرابخشی و بین بخشی و چند نظامی به برنامه‌ریزی که دولت، صاحبان کسب و کار و جوامع مدنی را قادر می‌سازد تا نیازهای اساسی مردم را برطرف و فرصتهای اشتغال ایجاد کند و در عین حال حیاتی مطمئن، ایمن و محیطی سالم برای مردم ایجاد شود. برنامه‌ریزی توسعه پایدار محلی تعالی بخش و پشتیبانی کننده ارزشهای اجرایی، اصول، هدف فرایندی و استانداردهایی است که مردم فراهم می‌کنند تا با روشها، مهارتها و انگیزه‌های لازم، برنامه اجتماع محلی و مسیر توسعه منطقه‌ای و شهری و روستایی را در طول برنامه ملی فراهم کند. در این مسیر بر برآورد نیازهای موجود بدون تخریب تواناییهای نسل آینده تأکید می‌شود.

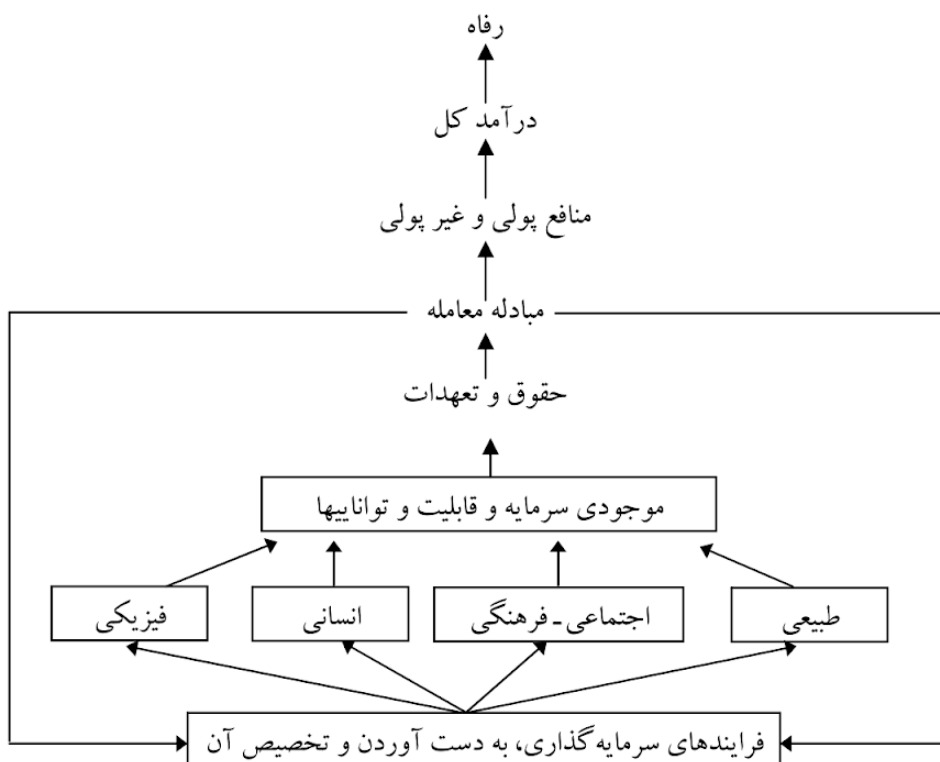


نمودار ۴-۲۶- فرایند برنامه‌ریزی توسعه حاشیه شهری

توسعه اجتماعات محلی جوامع محلی که بر پایه تاریخ، علاقه مندیها و آرزوهای مشترک بنا شده اند، برای بهبود کیفیت زندگی (زندگی راحت) تلاش می‌کنند تا اعضایشان انتخاب مناسبی برای زندگی بهتر داشته باشند. توجه به زندگی بهتر، ضرورت حفظ منابع، ارتقای توسعه، تقویت ظرفیتهای جوامع و ایجاد انتخاباتهای کامل را به همراه دارد. فرایند تواناسازی گروههای مختلف برای مشارکت، برنامه‌ریزی برای آینده، سرمایه گذاری روی فرصتها و تلاش برای خوشبختی و رفاه، توسعه جوامع محلی نامیده می‌شود. | توسعه به عنوان فرایند تقویت کننده رفاه و خوشبختی افراد، خانوارها و جوامع و محیط زندگی شان قلمداد می‌شود. اقدامات توسعه جوامع محلی با گروههای متنوع در کل جوامع برای شناخت موضوعات پیچیده و مساعدت به هدف گذاری برای توسعه خودشان است. برای دستیابی به بهترین نتایج ضرورت دارد به مناسب ترین و فراگیر ترین شیوه‌ها برای حل تنگناها در اجتماع محلی، به ویژه راه حل‌های مزیت

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

دار توجه شود تا منافع جمعی مناسب حاصل شود. از آنجا که توسعه از طریق خود مردم تکامل می‌یابد، توسعه اجتماعات محلی با رویکرد از پایین به بالا بیش از رویکرد بالا به پایین مؤثر است. راه‌های جمعی از طریق اعتماد به نفس جوامع محلی بیشتر هستند و از راه‌های تحمیلی خارجی قابل تحمل‌تر و مؤثرترند. مشارکت اثربخش دستیابی به رفاه (خوشبختی) با سرمایه‌گذاری لازم رفاه، تابعی از فرایندهای استعدادها و توانایی مردم است یا به دست آوردن دامنه‌ای از انتخابهای آگاهانه و کنش و رفتاری که با موانع محیطی، اقتصادی و اجتماعی برای زندگی کردن انتخاب می‌شود. منظور از فرایندهای استعدادها فردی یا توسعه، مفهوم فراگیری چون منابع، تواناییها و فرصتها برای دستیابی به هدفهاست. فرصتها نه تنها شامل حق انتخاب، بلکه به گفته سن، دربرگیرنده آزادیهای ابزاری حقوق سیاسی) نیز هست. کمال سطح ویژه رفاه، برآیند و نتیجه فرایندهای سرمایه‌گذاری در طول زمان به وسیله فرد و خانوار است. سرمایه‌گذاری به مفهوم انتخاب کردن است که با استعدادهای یک فرد و فرصتهای در دسترس و سپس اقدام کردن همراه است. البته در فرایند سرمایه‌گذاری عواملی وجود دارد که می‌تواند در کسب ظرفیتها، شناخت فرصتها و ایجاد انتخابهای سرمایه‌گذاری مؤثر باشد. خصوصیات فردی، نفوذ خانوار، محیط اجتماعی و سیاستهای نهادی هم می‌تواند در ظرفیتهای افراد یا ناتوانیهای آنها مؤثر باشد. این ظرفیتها باید گسترش یابد، به کار گرفته و حمایت و حفظ شود. حتی در ساده‌ترین تصمیمها لازم است با جایگزینها، قضاوتها و انتقادات، تحلیل هزینه و فایده و مبادله‌ها سنجش شود. با اینکه در برخی دیدگاهها نتیجه سرمایه‌گذاری در تولید، تشویق و پایداری سنجش و اندازه‌گیری روشن است، چنین مواردی زیاد نیست و همه امور را نمی‌توان کمیت پذیر کرد.



نمودار ۴-۲۷- فرایند سرمایه‌گذاری و اجماع محلی

افرادی که از منابع و ظرفیتهای اجتماع محلی برخوردارند یا آنها را به دست می‌آورند، می‌توانند ظرفیتهای را بشناسند و توانایی بحث و مذاکره در مورد اجتماع محلی با ظرفیت آنها را دارند و می‌توانند در مورد ظرفیتهای فردی هم بحث کنند. بدین ترتیب، جوامع محلی می‌توانند ترکیبی از ظرفیتهای را برای پیگیری توسعه و رفاه عمومی داشته باشند. بر اساس نظریه سرمایه‌گذاری، اجتماعات محلی همانند افراد مشتاق به سرمایه‌گذاری با تأکید بر سطح رفاه موجود یا رفاه مطلوب و با در نظر گرفتن موانع، ظرفیتهای مختلفی را تولید کرده و به کار می‌گیرند و به این ترتیب در آمد لازم را کسب می‌کنند.

منابع یا دارایی‌ها شامل سرمایه‌های فیزیکی، انسانی، طبیعی، اجتماعی و فرهنگی هستند. در توسعه پایدار انواع مختلف سرمایه با یکدیگر در ارتباط و به هم وابسته‌اند. جریان در آمد (منافع) از طریق انتخاب سرمایه‌گذاریها برای پایداری با سرمایه اجتماعی: عنصر اساسی توسعه پایدار اجتماع محلی شایسته است عناصر سرمایه اجتماعی به طور مشروح بررسی شود؛ چرا که سرمایه اجتماعی جنبه مهمی از توسعه عملی اجتماع محلی و توسعه پایدار به شمار می‌رود. سرمایه اجتماعی، نتیجه و محصول پیوند مؤثر زیربنای اجتماعی افقی و عمودی مردم و گروهها بوده، و تسهیل کننده نیازهای مردم در برخورد با ابتکارات متنوع توسعه است. در سطح اجتماع محلی، سرمایه اجتماعی، تولید و محصول عملیات مؤثر نهادها، شبکه‌ها و تعاملهایی است که تسهیل کننده همکاریها برای منابع چندگانه است. برخی ابعاد سرمایه اجتماعی به ویژه اهمیت تشویق نوآوری در پیشرفت توسعه اقتصادی و حفظ بهبود اجتماعات یا کاهش بحرانهای اجتماعی نقش مهمی دارد. اندیشه زیربنایی اجتماعی در کارآفرینی، تسهیل کننده و کمک دهنده شناخت الگوهای مطمئن تعامل و رویکرد جمعی به مسائل است و توانایی محلی را برای پاسخگویی به چالشها در چهارچوبی که دارای تغییرات سریع است، افزایش می‌دهد. تحقیقات نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی در روستاهای ایالات متحده امریکا، ارتباط بالایی با ظرفیتهای محلی در لحاظ کردن جایگزینها از طریق شبکه‌های داخلی و خارجی و حرکت و پویایی منابع محلی دارند. چنین ظرفیتهایی در ارتباط با توانایی اجتماعات محلی منشأ پرورش و تشویق خلاقیتها و نوآوریهای شهروندان است. جوامع محلی برای توانا شدن و ایفای نقش، با علاقه مندیها و تعلقات مختلف رقابت‌زا و سطوح مختلف قدرت که برگرفته از میزان رشد و توسعه است، روبه‌رو هستند. برای همه جوامع به شبکه‌های درون‌گروهی و پیوندهای میان‌گروهی و ارتباطات با وجود همه محدودیتهای آن نیاز است تا تولید و رفاه عمومی فراهم شود. ارتباط میان گروههای قدرتمند با فرصتهای اقتصادی بالا تا گروههای محروم با قدرت کم، طیفی از همبستگی اجتماعی را به همراه دارد. چنین محدودیتهای و فرصتهایی در سرمایه‌گذاری، با چسبندگی، نوآوری و کارآفرینی همراه است و موجب تغییرات و آثار مثبتی برای اجتماعات موفق می‌شود. با وجود این، برخی اشکال سرمایه اجتماعی می‌تواند آثار منفی بر جای گذارد؛ به این صورت که برخی جوامع

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

محلی و سازمانهای دارای سرمایه اجتماعی محدود در انزوای اجتماعی قرار می‌گیرند و به صورت جامعه پراکنده بوده، و با تغییرات مخالفت می‌کنند. در چنین موقعیتهایی لازم است برای حل مسئله مداخله شود. عناصر سرمایه اجتماعی در اجتماع قوی:

- شبکه‌های شخصی با دارا بودن محدودیتها یا ارتباطات و یا معامله متقابل
- ساختار حکمرانی، فرهنگی مناسب، مشروعیت و ترتیبات قابل محاسبه پاسخگویی برای تمرین قدرت در دولت و ارتباط ذی نفعها، کانالهای گفتن، تشخیص تعلقات و علاقه مندیهای مشترک، نقشهای میان گروهی، مشارکت و عوامل تسهیل گری و توسعه، سازماندهی کنندگان با مهارت، محترم و مؤدب، شبکه‌های خوب کار آفرین، نقش مهم در ارائه مشاوره، ناصح و امین و کمک کننده به گروهها و سازمانها
- اطلاعات مناسب، تحقیق برای شناخت و تحلیل دارییهای اجتماع محلی، منطقه ای، نیازها و فرصتها، آثار خروجی و روندها، دانش فنی
- ارتباطات و فرصتها برای مشارکت، دسترسی به اطلاعات به منظور تسهیل آگاهیهای عمومی، تبادل اخبار، تحرک و آزادی
- برنامه‌ریزی محلی، فرایندهای انتخاب چشم انداز، برنامه‌ریزی راهبردی و تصمیم‌گیری فراگیر
- نهادها و سازمانهای توانا، حکمروایی خوب، افراد توانمند، شیوه‌ها و نظامهای عملیاتی کارا و دارای شفافیت، مشتری مداری و اعضای باز

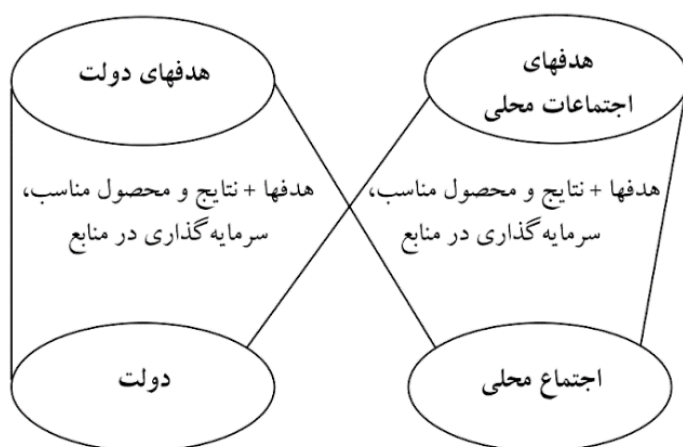


نمودار ۴-۲۸- فرایند سرمایه‌گذاری دولت در جوامع محلی

اغلب موارد، مازاد ثروت تولید شده در جوامع محلی و ملی قابل سنجش و تبدیل به معادل ریالی یا پولی نیست و نمی‌توان آنها را به طور مستقیم اندازه‌گیری کرد. جایی که محصول جوامع محلی قابل پیش بینی و ارزشها قابل اندازه‌گیری باشند از جمله رشد کسب و کار، رشد تجاری، اشتغال مولد و غیره، می‌توان از روشهایی شبیه تحلیل ارزشهای ویژه استفاده کرد، یا چنان که محصول ضریب اطمینان پایین یا منافع و سود برگشتی کمی داشته باشد، برای مقداری کردن آنها می‌توان از روشهایی همانند تحلیل هزینه - فایده بخش عمومی استفاده کرد یا در جایی که نتایج و ارزشها نامطمئن هستند و تحلیل آنها بی‌نهایت

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

مشکل است، تصمیم‌گیریهای سرمایه‌گذاری را می‌توان مستند به حدس زنی علمی کرد. البته این بدان معنی نیست که در این قلمروها سرمایه‌گذاری انجام نگیرد، بلکه باید ماهیت توسعه پایدار که با دامنه‌ای از شاخصهای مالی، مقداری (کمی و کیفی) همراه است در نظر گرفته شود تا منافع ملی تقویت شود. به هر صورت، نه تنها حداکثر کردن منافع ملی ضرورت دارد، بلکه حداکثر کردن منافع اجتماع محلی، گروهها، سازمانهای اختیاری و قدرت محلی نیز لازم است. برای مثال، با حداکثر کردن رفتارها یا رفتار بیشینه اجتماع محلی یا سازمانهایی که رقیب یکدیگرند، امکان دارد منافع ملی یا منطقه‌ای نادیده گرفته شود. از این رو، در پیگیری فرصتهای سرمایه‌گذاری با نوآوری، میزان سازگاری منافع ملی با منافع محلی و منطقه‌ای سنجیده می‌شود. البته در شرایط خاص، می‌توان تنها به سازگاری منافع ملی با منافع محلی اکتفا کرد.



نمودار ۴-۲۹- سهم دولت و اجتماع محلی از نتایج و دستاورد

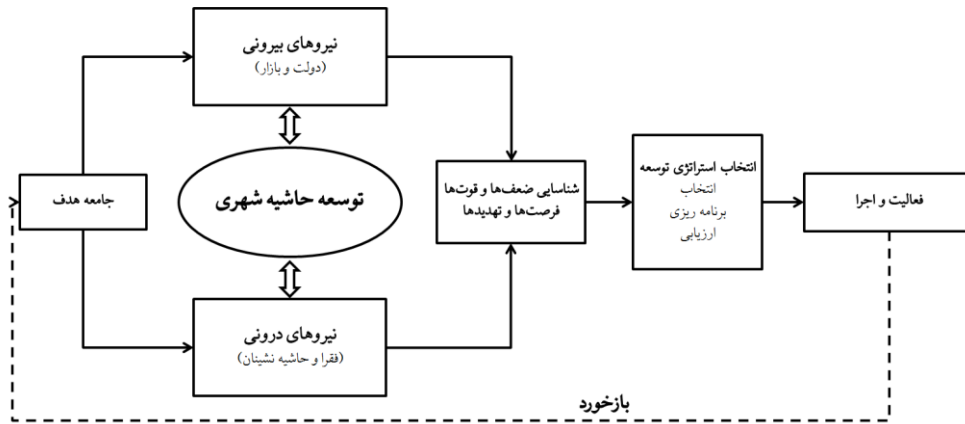
ابزارهای دولتی و منابع برای سرمایه‌گذاری در جوامع محلی در هر جامعه‌ای تعدادی از عوامل و دست اندرکاران دولتی هستند که به تقویت جوامع محلی، آن هم به صورت به روز تأکید دارند. چنین نگرشی موجب می‌شود که جوامع بتوانند به آرایش و چینی از ابزارها و منابع به صورت بهینه دست یابند. حال سؤال این است که دولتها چگونه می‌توانند سرمایه‌گذاری راهبردی هماهنگ شده‌ای را در پاسخ به نیازها، آرمانها و معنویتهای متنوع جوامع محلی به صورت همزمان در قلمرو جغرافیایی یک کشور انجام دهند؟ این پرسش را می‌توان با برخی ابزارها و منابع اصلی که دولتها در اختیار دارند و از آن استفاده می‌کنند، به ترتیب زیر پاسخ داد:

سرمایه‌گذاری در ساخت اجتماع محلی: فرایند تشریک مساعی فرایند ساخت اجتماع محلی چیزی نیست که تنها دولتها بتوانند برای اجتماعات محلی و گروهها انجام دهند. توسعه محلی کارا و راه حلها برای حل مسائل محلی، بهترین فرایندهای جوامع محلی محور و تشریک مساعی در تعیین اولویتهای سرمایه‌گذاری است. در این ارتباط صاحبان کسب و کار و صنایع، شیوه‌هایی را برای دستیابی به اقدام همجوشی و هم افزایی‌های دسته جمعی و راه‌حلهای نو با ایجاد کارآفرینان بزرگ‌تر از طریق خوشه بندی،

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

مشارکت، تحقیقات و ایجاد ارتباطات جدید اتخاذ و توسعه مبتنی بر افزایش فرصت‌ها را برای کارآفرینان مدنی با ایجاد زنجیره منابع برای ساخت ابتکارات محلی واقعی فراهم می‌کنند. برای دستیابی به نتایج و محصول مناسب چند منظوره و رفاه خانوارها، سازمانها و اجتماعات محلی نیازمند آزادیها و ظرفیتهایی برای انتخاب و اجرای سایر نقشها هستند. در جایی چنین تلاشهایی لازم است که منافع مازاد برای تواناسازی اجتماعات محلی بر دستیابی به خوداتکایی بیشتر متمرکز باشد. در جایی فرایندهای خودگردانی، مشارکت خانوارها، سازمانها، اجتماعات محلی و سرمایه گذاری مشترک و توأم در طول زمان ایجاد می‌شود که در نهایت به حفظ منابع مختلف و ظرفیتهای منجر شود. این ظرفیتهای بلوکهایی قوی از اجتماعات محلی پویا و نواحی را می‌سازند و به رغم پیچیدگی در اندازه‌گیری و تصمیم‌گیریها، مبادله فرایند سرمایه گذاری به منظور حفظ و تعادل ذخایر و داراییهای مختلف برای رفاه حال و نسل آینده صورت می‌گیرد و برایندها توسعه پایدار است. در واقع، ظرفیت سازی جوامع محلی و سازمانهاست که به شتاب بخشی و تقویت داراییها (موجودیها و ظرفیتهای کمک می‌کند. رویکرد راهبردی سرمایه گذاری دولتی در ارتباط با توسعه پایدار اجتماعات محلی نیازمند تشریح مساعی بیشتر اجتماعات محلی، دولتهای محلی و صاحبان کسب و کار است. این نیازمندی در مرحله نخست به تعهد یکپارچه دولت با رویکردهای لازم و در مرحله بعدی به پاسخگویی مدیریت سیاسی و ابزارهای برنامه‌ریزی اجتماع محلی در هنگام بازنگری رسالتهای قانونی حکومت محلی وابسته است. به هر صورت، برخی اجتماعات محلی و سازمانهای آزاد از همکاری و مشارکت دولت ناخرسند هستند؛ چرا که از نظر آنها همکاری با دولت تأثیر چندانی در رفاه و توسعه جوامع محلی ندارد. آنها بر این نکته تأکید می‌کنند که دولتها پاسخگویی لازم و به موقعی برای مشارکت در امور مالی ندارند. این در حالی است که برخی اجتماعات و سازمانهای **گفتمان دوجانبه و توافقی** در مورد محصول و نتایج محصول و دستاوردهای دولتها و اجتماعات محلی لزوماً یکسان و همانند نیستند، اما جوامع محلی می‌توانند از راه مشارکت با دولتها، نقش مهمی در دستاوردهای توسعه اقتصادی و اجتماعی داشته باشند. اصولاً جوامع دارای منابع مختلف برای سرمایه گذاری در صدد توسعه جوامع خود هستند و به لحاظ داشتن زمان فراغت و آزاد، سرمایه، مهارتها و دانش محلی آرزو دارند از طریق این منابع به هدفهای اجتماع محلی دست یابند. این هدفها اغلب می‌تواند همسو و هم جهت با آنچه دولتها می‌خواهند جوامع به آن برسند، باشد. منابع اجتماع محلی از جمله صاحبان کسب و کار و بخشهایی که گرایش دولتی در آنها بالاست، می‌توانند در توسعه پایدار مفید باشند. بدین ترتیب باید گفت توأم بودن منابع دولتی با منابع دولتهای محلی و بخشهای خصوصی، دسترسی بهتر به هدفهای مشترک را تسهیل می‌کند.

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق



نمودار ۴-۳۰- فرایند بازخورد برنامه‌های توسعه حاشیه شهری

۴-۲- نتایج بخش کمی

در بخش دوم این فصل یافته‌های کمی تحقیق ارائه شده است. یافته‌های کمی در دو بخش گزارش می‌شود. در بخش اول، آمار توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی به صورت جدول فراوانی ارائه شده و در بخش دوم، تحلیل عاملی متغیرهای استخراج شده از یافته‌های کیفی مورد بررسی قرار گرفته است.

۴-۲-۱- بخش توصیفی

این بخش شامل بررسی توصیفی متغیرهای زمینه‌ای تحقیق می‌باشد که به صورت جدول فراوانی بررسی شده است

۴-۲-۱-۱- جنسیت

جدول ۴-۹- جدول فراوانی وضعیت جنسیتی پاسخگویان

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
مرد	۱۷۰	۴۴/۲
زن	۲۱۵	۵۵/۸
کل	۳۸۵	۱۰۰

نتایج جدول ۴-۲-۱ نشان می‌دهد که ۴۴/۲ درصد از پاسخگویان را مردان و ۵۵/۸ درصد از آنها را زنان تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر، سهم زنان بیشتر از مردان است.

۴-۲-۱-۲- سن

جدول ۴-۱۰- فراوانی وضعیت سنی پاسخگویان

وضعیت سنی	فراوانی	درصد فراوانی
زیر ۲۰ سال	۳۵	۹/۱
۲۰ تا ۳۰ سال	۱۹۶	۵۰/۹
۳۱ تا ۴۰ سال	۶۰	۱۵/۶
۴۱ تا ۵۰ سال	۴۰	۱۰/۴
بالای ۵۰ سال	۵۴	۱۴
کل	۳۸۵	۱۰۰
میانگین	۳۲/۴۳	نما ۲۳
انحراف معیار	۱۲/۹	جوان‌ترین ۱۸
میانه	۲۸	پیرترین ۶۷

مطابق با جدول فوق، ۹/۱ درصد از پاسخگویان این پژوهش زیر ۲۰ سال هستند. در حالی که ۵۰/۹ درصد در گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، ۱۵/۶ درصد در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال، ۱۰/۴ درصد در گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال قرار داشته و ۱۴ درصد نیز بالای ۵۰ سال هستند. همچنین، ۲۹/۷ درصد از آنها را افراد میانسال و ۱۷/۵ درصد نیز افراد سالمند هستند. بنابراین، بیشترین فراوانی به گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال تعلق دارد.

همچنین، میانگین سن پاسخگویان برابر با ۳۲/۴۲ سال و انحراف معیار نیز ۱۲/۹ سال است. نما برابر با ۲۳ سال است و جوان‌ترین پاسخگو دارای ۱۸ سال و پیرترین آن برابر با ۶۷ سال است.

۴-۲-۱-۳- وضعیت تأهل

جدول ۴-۱۱- فراوانی وضعیت تأهل پاسخگویان

وضعیت تأهل	فراوانی	درصد فراوانی
مجرد	۲۲۳	۵۷/۹
متأهل	۱۶۱	۴۱/۸
طلاق گرفته	۱	۰/۳
کل	۳۸۵	۱۰۰

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

بر اساس اطلاعات حاصل از جدول فوق، ۵۷/۹ درصد از پاسخگویان این پژوهش مجرد هستند. در حالی که ۴۱/۸ درصد از پاسخگویان متأهل بوده و ازدواج کرده‌اند و ۰/۳ درصد نیز از همسر خود جدا شده‌اند. بنابراین، افراد مجرد حجم بیشتری از نمونه‌ها را تشکیل می‌دهند.

۴-۲-۱-۴- قومیت

جدول ۴-۱۲- فراوانی وضعیت قومی پاسخگویان

وضعیت قومی	فراوانی	درصد فراوانی
بومی (گیلان)	۲۹۰	۷۵/۳
مازنی	۳۲	۸/۳
آذری	۴۱	۱۰/۶
ترکمن	۱۰	۲/۶
کورد	۴	۱
سایر	۸	۱/۲
کل	۳۸۵	۱۰۰

بر اساس جدول فوق، ۷۵/۳ درصد از پاسخگویان را افراد با قومیت بومی (گیلانی) تشکیل می‌دهند. در حالی که ۱۰/۶ درصد از آنها را قومیت آذری، ۸/۳ درصد را قومیت مازنی، ۲/۶ درصد را قومیت ترکمن، ۱ درصد را قومیت کورد و ۲/۶ درصد را نیز سایر قومیت‌ها تشکیل می‌دهند.

۴-۲-۱-۵- مذهب

جدول ۴-۱۳- فراوانی وضعیت مذهبی پاسخگویان

وضعیت مذهبی	فراوانی	درصد فراوانی
مسلمان شیعه	۳۶۶	۹۵/۱
مسلمان سنی	۱۳	۳/۴
سایر	۶	۱/۳
کل	۳۸۵	۱۰۰

بر اساس جدول فوق، ۹۵/۱ درصد از پاسخگویان را مسلمان شیعه تشکیل می‌دهند. در حالی که ۳/۴ درصد از آنها را مسلمان سنی و ۱/۳ درصد را سایر مذاهب تشکیل می‌دهند. جمعیت مسلمان شیعی از حجم اکثریت در بین نمونه‌ها برخوردار است.

۴-۲-۱-۶- منطقه زندگی

جدول ۴-۱۴- فراوانی دیدگاه پاسخگویان نسبت به منطقه زندگی

درصد فراوانی	فراوانی	سطح منطقه زندگی
۹/۴	۳۶	منطقه مرفه و برخوردار
۴۰/۸	۱۵۷	منطقه معمولی
۲۱/۳	۸۲	منطقه درجه دو
۲۷/۳	۱۰۵	منطقه کم برخوردار
۱/۳	۵	سایر
۱۰۰	۳۸۵	کل

مطابق با جدول فوق، ۹/۴ درصد از پاسخگویان منطقه زندگی خود را مرفه و برخوردار می‌دانند. در حالی که ۴۰/۸ درصد از آنها این منطقه را معمولی، ۲۱/۳ درصد این منطقه را درجه دو، ۲۷/۳ این منطقه را کم برخوردار دانسته و ۱/۳ درصد نیز سایر را انتخاب کرده‌اند. بنابراین، بیشتر پاسخگویان منطقه زندگی خود را معمولی در نظر گرفته‌اند.

۴-۲-۱-۷- تحصیلات

جدول ۴-۱۵- جدول فراوانی وضعیت تحصیلات پاسخگویان

درصد فراوانی	فراوانی	تحصیلات
۳/۴	۱۳	بی سواد
۱۰/۴	۴۰	ابتدایی و راهنمایی
۱۹/۲	۷۴	متوسطه و دیپلم
۱۶/۶	۶۴	فوق دیپلم
۴۸/۱	۱۸۵	لیسانس
۲/۳	۹	فوق لیسانس و بالاتر
۱۰۰	۳۸۵	کل

بر اساس جدول فوق، ۳/۴ درصد از پاسخگویان بی سواد هستند. در حالی که ۱۰/۴ درصد از آنها در سطح ابتدایی و راهنمایی، ۱۹/۲ درصد در سطح متوسطه و دیپلم، ۱۶/۶ درصد در سطح فوق دیپلم، ۴۸/۱ درصد در سطح لیسانس و ۲/۳ درصد نیز در سطح فوق لیسانس و بالاتر هستند. بنابراین، به طور تقریبی نیمی از پاسخگویان در سطح تحصیلی لیسانس هستند.

۴-۲-۱-۸- وضعیت شغلی

جدول ۴-۱۶- فراوانی وضعیت شغلی پاسخگویان

وضعیت شغلی	فراوانی	درصد فراوانی
شاغل	۱۵۴	۴۰
بیکار	۲۵	۶/۵
خانه دار	۳۳	۸/۶
در حال تحصیل	۱۲۷	۳۳
بازنشسته	۴۲	۱۰/۹
سایر	۴	۱
کل	۳۸۵	۱۰۰

بر اساس جدول فوق، ۴۰ درصد از پاسخگویان شاغل هستند. در حالی که ۶/۵ درصد بیکار، ۸/۶ درصد خانه‌دار، ۳۳ درصد در حال تحصیل هستند و ۱ درصد نیز سایر را انتخاب کرده اند. بنابراین، بیشتر پاسخگویان در گروه شاغل قرار دارند.

۴-۲-۱-۹- درآمد

جدول ۴-۱۷- فراوانی میزان درآمد پاسخگویان

درآمد	فراوانی	درصد فراوانی
زیر ۴ میلیون	۱۸۱	۴۷
۴ تا ۸ میلیون	۱۴۰	۳۶/۴
۸ تا ۱۲ میلیون	۴۲	۱۰/۹
بالای ۱۲ میلیون	۲۲	۵/۷
کل	۳۸۵	۱۰۰
میانگین	۵/۷۴۲	۴
انحراف معیار	۳/۳۸۰	۲
میانه	۵	۲۰

بر اساس جدول فوق، ۴۷ درصد از پاسخگویان زیر ۴ میلیون درآمد دارند. در حالی که ۳۶/۴ درصد بین ۴ تا ۸ میلیون، ۱۰/۹ درصد بین ۸ تا ۱۲ میلیون و ۵/۷ درصد نیز بالای ۱۲ میلیون درآمد دارند. بنابراین، تقریباً نیمی از پاسخگویان درآمد زیر ۴ میلیون تومان دارند.

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

میانگین درآمد پاسخگویان ۵/۷۴۲ میلیون و انحراف معیار برابر با ۳/۳۸۰ میلیون است. نما برابر با ۴ میلیون و کمترین درآمد برابر با ۲ میلیون و بیشترین درآمد برابر با ۲۰ میلیون تومان است.

۴-۲-۱-۱۰- هزینه

جدول ۴-۱۸- فراوانی میزان هزینه پاسخگویان

درصد فراوانی	فراوانی	هزینه
۵۷/۴	۲۲۱	زیر ۴ میلیون
۳۴/۸	۱۳۴	۴ تا ۸ میلیون
۵/۵	۲۱	۸ تا ۱۲ میلیون
۲/۳	۹	بالای ۱۲ میلیون
۱۰۰	۳۸۵	کل
۲	نما	۴/۵۴۱
۰	کمترین	۲/۹۲۶
۲۵	بیشترین	۴

بر اساس جدول فوق، ۵۷/۴ درصد از پاسخگویان زیر ۴ میلیون هزینه می‌کنند. در حالی که ۳۴/۸ درصد بین ۴ تا ۸ میلیون، ۵/۵ درصد بین ۸ تا ۱۲ میلیون و ۲/۳ درصد نیز بالای ۱۲ میلیون هزینه می‌کنند. بنابراین، بیش از نیمی از پاسخگویان زیر ۴ میلیون تومان هزینه می‌کنند.

میانگین هزینه پاسخگویان ۴/۵۴۱ میلیون و انحراف معیار برابر با ۲/۹۲۶ میلیون است. نما برابر با ۲ میلیون و کمترین هزینه برابر با ۰ میلیون و بیشترین هزینه برابر با ۲۵ میلیون تومان است.

۴-۲-۱-۱۱- منزل مسکونی

جدول ۴-۱۹- فراوانی وضعیت منزل مسکونی پاسخگویان

درصد فراوانی	فراوانی	منزل مسکونی
۵۱/۹	۲۰۰	مالک
۲۷/۳	۱۰۵	اجاره‌ای
۱	۴	سازمانی
۱۹/۷	۷۶	پدری
۱۰۰	۳۸۵	کل

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

بر اساس جدول فوق، ۵۱/۹ درصد از پاسخگویان مالک منزل مسکونی خود هستند. در حالی که ۲۷/۳ درصد دارای خانه اجاره‌ی بوده، ۱ درصد خانه‌سازمانی داشته و ۱۹/۷ درصد نیز در منزل پدری هستند. بنابراین، بیشتر پاسخگویان مالک منزل مسکونی خود هستند.

۴-۲-۱-۱۲- ارزش منزل مسکونی

جدول ۴-۲۰- فراوانی ارزش منزل مسکونی پاسخگویان

درصد فراوانی	فراوانی	ارزش منزل مسکونی
۱/۳	۵	زیر ۵۰۰ میلیون
۱۶/۴	۶۳	۵۰۰ تا ۸۰۰ میلیون
۳۱/۲	۱۲۰	۱ میلیارد
۳۲/۷	۱۲۶	۱ تا ۲ میلیارد
۱۵/۳	۵۹	۲ تا ۵ میلیارد
۲/۶	۱۰	بیش از ۵ میلیارد
۰/۵	۲	بی پاسخ
۱۰۰	۳۸۵	کل

بر اساس جدول فوق، ارزش منزل مسکونی ۱/۳ درصد از پاسخگویان زیر ۵۰۰ میلیون است. حالی که ارزش منزل مسکونی ۱۶/۴ درصد از آنها ۵۰۰ تا ۸۰۰ میلیون، ۳۱/۲ درصد ۱ میلیارد، و ۳۲/۷ درصد ۱ تا ۲ میلیارد، ۱۵/۳ درصد ۲ تا ۵ میلیارد و ۲/۶ درصد بیشتر از ۵ میلیارد است. بیشترین فراوانی به گروه ۱ تا ۲ میلیارد تعلق دارد.

۴-۲-۱-۱۳- علت سکونت در محل

جدول ۴-۲۱- فراوانی علت سکونت در محل از منظر پاسخگویان

درصد فراوانی	فراوانی	علت سکونت در محل
۲۴/۷	۹۵	قیمت ارزان مسکن
۱۶/۱	۶۲	شرایط مناسب محل
۲۴/۷	۹۵	دلبستگی به محله خود
۱۱/۴	۴۴	نزدیکی به محل کار
۲۰	۷۷	اسکان خانواده از گذشته دور
۳/۱	۱۲	سایر
۱۰۰	۳۸۵	کل

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

مطابق با جدول فوق، ۲۴/۷ درصد از پاسخگویان علت سکونت در محل را قیمت ارزان مسکن، ۱۶/۱ درصد شرایط مناسب محل، ۲۴/۷ درصد دل‌بستگی به محل، ۱۱/۴ درصد نزدیکی به محل کار، ۲۰ درصد اسکان خانواده از گذشته دور می‌دانند و ۳/۱ درصد نیز گزینه سایر را انتخاب کرده‌اند. بنابراین، قیمت ارزان مسکن و دل‌بستگی به محل بیشترین فراوانی را دارا هستند.

۴-۲-۱-۱۴- تمایل به مشارکت در بهبود محله

جدول ۴-۲۲- فراوانی تمایل به مشارکت در بهبود محله

درصد فراوانی	فراوانی	تمایل به مشارکت در بهبود محله
۳۲/۵	۱۲۵	عدم مشارکت
۲۱	۸۱	مشارکت مالی و سرمایه گذاری
۴۶/۵	۱۷۹	مشارکت همه جانبه
۱۰۰	۳۸۵	کل

مطابق با جدول فوق، ۳۲/۵ درصد از پاسخگویان تمایلی به مشارکت در بهبود وضعیت محله ندارند. ۲۱ درصد تمایل به مشارکت مالی و سرمایه گذاری داشته و ۴۶/۵ درصد مشارکت همه جانبه را انتخاب کرده‌اند. بنابراین، تقریباً نیمی از پاسخگویان به مشارکت همه جانبه برای بهبود وضعیت محله تمایل دارند.

۴-۲-۱-۱۵- پایگاه اجتماعی-اقتصادی عینی

جدول ۴-۲۳- فراوانی طبقه عینی پاسخگویان

درصد فراوانی	فراوانی	پایگاه اجتماعی-اقتصادی عینی
۱۱/۷	۴۵	طبقه پایین
۷۹/۷	۳۰۷	طبقه متوسط
۸/۶	۳۳	طبقه بالا
۱۰۰	۳۸۵	کل

مطابق با نتایج جدول، پایگاه اجتماعی اقتصادی عینی ۱۱/۷ درصد از پاسخگویان در سطح پایین قرار دارد. ۷۹/۷ درصد از پاسخگویان پایگاه اجتماعی اقتصادی عینی متوسطی دارند و پایگاه اجتماعی اقتصادی عینی ۸/۶ درصد از

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

پاسخگویان نیز در سطح بالا قرار دارد. بنابراین، اکثریت پاسخگویان با وجود در منطقه حاشیه نشین در پایگاه اجتماعی و اقتصادی متوسط قرار دارند.

۴-۲-۱-۱۶- پایگاه اجتماعی-اقتصادی ذهنی

جدول ۴-۲۴- فراوانی طبقه ذهنی پاسخگویان

پایگاه اجتماعی-اقتصادی ذهنی	فراوانی	درصد فراوانی
طبقه پایین	۲	۰/۵
طبقه متوسط	۲۲۱	۵۷/۴
طبقه بالا	۱۶۲	۴۲/۱
کل	۳۸۵	۱۰۰

مطابق با نتایج جدول، پایگاه اجتماعی اقتصادی ذهنی ۰/۵ درصد از پاسخگویان در سطح پایین قرار دارد. ۵۷/۴ درصد از پاسخگویان پایگاه اجتماعی اقتصادی ذهنی متوسطی دارند و پایگاه اجتماعی اقتصادی ذهنی ۴۲/۱ درصد از پاسخگویان نیز در سطح بالا قرار دارد. بنابراین، اکثریت پاسخگویان با وجود این که در منطقه حاشیه نشین قرار دارند، خود را در پایگاه اجتماعی و اقتصادی متوسط و بالا می‌دانند.

۴-۲-۲- بررسی توصیفی مولفه‌های پژوهش

در این بخش، مولفه‌های ۹گانه حاصل از پژوهش کیفی و نیز ارزیابی وضعیت محله از دیدگاه پاسخگویان و میزان آشنایی آنها با فناوری اطلاعات و ارتباطات در جداول توصیفی در قابل سه دسته بالا، متوسط و پایین ارائه شده است. به عبارت دیگر، پاسخگویان وضعیت موجود محله، میزان توسعه یافتگی آن و نیز آشنایی خود با فناوری اطلاعات را بیان کرده اند.

۴-۲-۲-۱- ارزیابی وضعیت محله

جدول ۴-۲۵- فراوانی ارزیابی وضعیت محله از دیدگاه پاسخگویان

وضعیت محله	فراوانی	درصد فراوانی
پایین	۲	۰/۵
متوسط	۳۴۵	۸۹/۶
بالا	۳۸	۹/۹

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

کل	۳۸۵	۱۰۰
----	-----	-----

مطابق با نتایج جدول، وضعیت محله از دیدگاه ۰/۵ درصد از پاسخگویان در سطح پایین قرار دارد. در حالی که ۸۹/۶ درصد محله را در سطح متوسط ارزیابی می‌کنند و ۹/۹ درصد نیز سطح محله را بالا می‌دانند. بنابراین، نزدیک به ۹۰ درصد پاسخگویان محله خود را در سطح متوسط می‌دانند با این که منطقه جزو حاشیه شهر محسوب می‌شود.

ارزیابی وضعیت محله به تفصیل

بررسی وضعیت محله در بین پاسخگویان از طریق طیف ۱۲ گویه‌ای استفاده شده است که توزیع پاسخگویان به تفکیک هر گویه ارائه شده است

جدول ۴-۲۶- توزیع فراوانی و درصدی پاسخ به وضعیت محله از دیدگاه پاسخگویان

گویه	اطلاعی ندارم		خیلی ضعیف		ضعیف		متوسط		خوب		گویه‌ها
	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱	
راه‌های دسترسی داخل محله	۳	۱	۱۴	۳/۶	۱۶۳	۴۲/۳	۱۳۳	۳۴/۵	۷۰	۱۸/۲	۲/۶۵
سطح بهداشت	۶	۱	۱۲	۳۳/۵	۸۱	۲۱	۱۲۱	۳۱/۴	۴۸	۱۲/۵	۲/۲۰
سطح درآمد خانوارها	۱۲	۳	۰	۰	۴۷	۱۲/۲	۱۷۶	۴۵/۷	۱۵۰	۳۹	۲/۷۳
جمع‌آوری آب‌های سطحی و فاضلاب	۱۴	۶	۱۵	۳۹	۹۳	۲۴/۲	۶۹	۱۷/۹	۵۹	۱۵/۳	۲/۰۳
جمع‌آوری زباله‌های شهری	۴	۱	۱۳	۳۵/۳	۱۰۹	۲۸/۳	۶۹	۱۷/۹	۶۷	۱۷/۴	۲/۱۵
کیفیت هوا	۴	۱	۱۰	۲/۶	۷۵	۱۹/۵	۸۷	۲۲/۶	۲۰۹	۵۴/۳	۳/۲۶
کیفیت آب آشامیدنی	۲	۵	۲۵	۶۵/۲	۳۹	۱۰/۱	۴۰	۱۰/۴	۵۳	۱۳/۸	۱/۷۲

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

میانگین	خوب		متوسط		ضعیف		خیلی ضعیف		اطلاعی ندارم		گویه‌ها
	ن	٪	ن	٪	ن	٪	ن	٪	ن	٪	
۲/۲۸	۹/۹	۳۸	۲۰/۵	۷۹	۵۸/۲	۲۲۴	۱۰/۴	۴۰	۱	۴	فضای سبز و پارک‌ها
۲/۲۱	۱۱/۴	۴۴	۲۰	۷۷	۴۹/۴	۱۹۰	۱۷/۴	۶۷	۸	۷	امکان‌ات رفاهی
۱/۸۷	۱۰/۹	۴۲	۱۷/۴	۶۷	۲۲/۳	۸۶	۴۷	۱۸	۳	۹	امکان‌ات تفریحی
۲/۱۰	۱۳/۵	۵۲	۲۰/۸	۸۰	۳۵/۳	۱۳۶	۲۲/۹	۸۸	۵	۲۹	خانه‌های متروکه و خرابه
۲/۰۶	۱۱/۷	۴۵	۲۳/۱	۸۹	۳۱/۲	۱۲۰	۲۷/۳	۱۰	۸	۲۶	استحکام ساختمان‌ها

بررسی گویه‌های مربوط به وضعیت محله در بین پاسخگویان نشان می‌دهد که تقریباً در همه گویه‌ها میانگین پاسخ‌ها در سطح ۲ (ضعیف) است. به عبارت دیگر، پاسخگویان وضعیت محله خود را در سطح می‌دانند.

۴-۲-۲-۲-آشنایی فناوری اطلاعات و ارتباطات

جدول ۴-۲۷- فراوانی آشنایی پاسخگویان با فناوری اطلاعات و ارتباطات

درصد فراوانی	فراوانی	آشنایی فناوری اطلاعات و ارتباطات
۰	۰	پایین
۶/۸	۲۶	متوسط
۹۳/۲	۳۵۹	بالا
۱۰۰	۳۸۵	کل

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

مطابق با نتایج جدول، ۶/۸ درصد از پاسخگویان در سطح متوسط با فناوری اطلاعات و ارتباطات آشنایی دارد. درحالی که ۹۳/۲ درصد در سطح بالا با فناوری اطلاعات و ارتباطات آشنایی دارند. پس، آشنایی با فناوری اطلاعات و ارتباطات فارغ از ناحیه جغرافیایی در سطح بالایی قرار دارد

۴-۲-۳- اخلاقی تر شدن

جدول ۴-۲۸- فراوانی توسعه به معنای اخلاقی تر شدن از دیدگاه پاسخگویان

درصد فراوانی	فراوانی	اخلاقی تر شدن
۸۰/۵	۳۱۰	پایین
۱۹/۵	۷۵	متوسط
۰	۰	بالا
۱۰۰	۳۸۵	کل

مطابق با نتایج جدول، ۸۰/۵ درصد از پاسخگویان اخلاقی شدن را در جامعه در سطح پایین می‌دانند و ۱۹/۵ درصد نیز اخلاقی شدن را در سطح متوسط ارزیابی می‌کنند. بنابراین، میزان اخلاقی شدن به عنوان یکی از مصداق‌های توسعه از نظر پاسخگویان در سطح پایین قرار دارد. به عبارت دیگر، این مولفه در سطح جامعه و در وضعیت موجود در سطح پایین و نامطلوبی قرار دارد.

۴-۲-۴- پیشرفته تر شدن

جدول ۴-۲۹- فراوانی توسعه به معنای پیشرفته تر شدن از دیدگاه پاسخگویان

درصد فراوانی	فراوانی	پیشرفته تر شدن
۷/۸	۳۰	پایین
۸۱/۶	۳۱۴	متوسط
۱۰/۶	۴۱	بالا
۱۰۰	۳۸۵	کل

مطابق با نتایج جدول، ۷/۸ درصد از پاسخگویان پیشرفته تر شدن را در جامعه در سطح پایین می‌دانند. در حالی که ۸۱/۶ درصد پیشرفته تر شدن را در سطح متوسط و ۱۰/۶ درصد نیز آن را در سطح بالا ارزیابی می‌کنند. بنابراین، میزان پیشرفته تر شدن به عنوان یکی از مصداق‌های توسعه از نظر پاسخگویان در سطح متوسط قرار دارد. به عبارت دیگر، این مولفه در سطح جامعه و در وضعیت موجود در سطح متوسط و بینابین قرار دارد.

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

۴-۲-۲-۵- ارتقای روانی اشخاص:

جدول ۴-۳۰- فراوانی توسعه به معنای ارتقای روانی اشخاص از دیدگاه پاسخگویان

درصد فراوانی	فراوانی	ارتقای روانی اشخاص
۹/۶	۳۷	پایین
۸۵/۲	۳۲۸	متوسط
۵/۲	۲۰	بالا
۱۰۰	۳۸۵	کل

مطابق با نتایج جدول، ۹/۶ درصد از پاسخگویان ارتقای روانی اشخاص را در جامعه در سطح پایین می‌دانند. در حالی که ۸۵/۲ درصد ارتقای روانی اشخاص را در سطح متوسط و ۵/۲ درصد نیز آن را در سطح بالا ارزیابی می‌کنند. بنابراین، میزان ارتقای روانی اشخاص به عنوان یکی از مصداق‌های توسعه از نظر پاسخگویان در سطح متوسط قرار دارد. به عبارت دیگر، این مولفه در سطح جامعه و در وضعیت موجود در سطح متوسط و بینابین قرار دارد.

۴-۲-۲-۶- شفافیت همه جانبه

جدول ۴-۳۱- فراوانی توسعه به معنای شفافیت همه جانبه از دیدگاه پاسخگویان

درصد فراوانی	فراوانی	شفافیت همه جانبه
۳۰/۹	۱۱۹	پایین
۶۷/۸	۲۶۱	متوسط
۱/۳	۵	بالا
۱۰۰	۳۸۵	کل

مطابق با نتایج جدول، ۳۰/۹ درصد از پاسخگویان شفافیت همه جانبه را در جامعه در سطح پایین می‌دانند. در حالی که ۶۷/۸ درصد شفافیت همه جانبه را در سطح متوسط و ۱/۳ درصد نیز آن را در سطح بالا ارزیابی می‌کنند. بنابراین، میزان شفافیت همه جانبه به عنوان یکی از مصداق‌های توسعه از نظر پاسخگویان در سطح متوسط قرار دارد. به عبارت دیگر، این مولفه در سطح جامعه و در وضعیت موجود در سطح متوسط و بینابین قرار دارد.

۴-۲-۲-۷- ارتقای کیفیت زندگی

جدول ۴-۳۲- فراوانی توسعه به معنای ارتقای کیفیت زندگی از دیدگاه پاسخگویان

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

درصد فراوانی	فراوانی	ارتقای کیفیت زندگی
۱۵/۶	۶۰	پایین
۷۹/۲	۳۰۵	متوسط
۵/۲	۲۰	بالا
۱۰۰	۳۸۵	کل

مطابق با نتایج جدول، ۱۵/۶ درصد از پاسخگویان ارتقای کیفیت زندگی را در جامعه در سطح پایین می‌دانند. در حالی که ۷۹/۲ درصد ارتقای کیفیت زندگی را در سطح متوسط و ۵/۲ درصد نیز آن را در سطح بالا ارزیابی می‌کنند. بنابراین، میزان ارتقای کیفیت زندگی به عنوان یکی از مصداق‌های توسعه از نظر پاسخگویان در سطح متوسط قرار دارد. به عبارت دیگر، این مولفه در سطح جامعه و در وضعیت موجود در سطح متوسط و بینابین قرار دارد.

۴-۲-۲-۸- اعتباربخشی (پایدارمحوری)

جدول ۴-۳۳- فراوانی توسعه به معنای اعتباربخشی (پایدارمحوری) از دیدگاه پاسخگویان

درصد فراوانی	فراوانی	اعتباربخشی (پایدارمحوری)
۱۱/۷	۴۵	پایین
۷۹	۳۰۴	متوسط
۹/۴	۳۶	بالا
۱۰۰	۳۸۵	کل

مطابق با نتایج جدول، ۱۱/۷ درصد از پاسخگویان اعتباربخشی (پایدارمحوری) را در جامعه در سطح پایین می‌دانند. در حالی که ۷۹ درصد اعتباربخشی (پایدارمحوری) را در سطح متوسط و ۹/۴ درصد نیز آن را در سطح بالا ارزیابی می‌کنند. بنابراین، میزان اعتباربخشی (پایدارمحوری) به عنوان یکی از مصداق‌های توسعه از نظر پاسخگویان در سطح متوسط قرار دارد. به عبارت دیگر، این مولفه در سطح جامعه و در وضعیت موجود در سطح متوسط و بینابین قرار دارد.

۴-۲-۲-۹- جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی (جمع‌محوری):

جدول ۴-۳۴- فراوانی توسعه به معنای جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی (جمع‌محوری) از دیدگاه پاسخگویان

درصد فراوانی	فراوانی	جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی (جمع‌محوری)
--------------	---------	--

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

۴/۲	۱۶	پایین
۸۶/۲	۳۳۲	متوسط
۹/۶	۳۷	بالا
۱۰۰	۳۸۵	کل

مطابق با نتایج جدول، ۴/۲ درصد از پاسخگویان جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی (جمع‌محوری) را در جامعه در سطح پایین می‌دانند. در حالی که ۸۶/۲ درصد جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی (جمع‌محوری) را در سطح متوسط و ۹/۶ درصد نیز آن را در سطح بالا ارزیابی می‌کنند. بنابراین، میزان جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی (جمع‌محوری) به عنوان یکی از مصداق‌های توسعه از نظر پاسخگویان در سطح متوسط قرار دارد. به عبارت دیگر، این مولفه در سطح جامعه و در وضعیت موجود در سطح متوسط و بینابین قرار دارد.

۴-۲-۲-۱۰- مسئولیت‌پذیری (تعهدمحوری)

جدول ۴-۳۵- فراوانی توسعه به معنای مسئولیت‌پذیری (تعهدمحوری) از دیدگاه پاسخگویان

درصد فراوانی	فراوانی	مسئولیت‌پذیری (تعهدمحوری)
۲۲/۱	۸۵	پایین
۷۰/۴	۲۷۱	متوسط
۷/۵	۲۹	بالا
۱۰۰	۳۸۵	کل

مطابق با نتایج جدول، ۲۲/۱ درصد از پاسخگویان مسئولیت‌پذیری (تعهدمحوری) را در جامعه در سطح پایین می‌دانند. در حالی که ۷۰/۴ درصد مسئولیت‌پذیری (تعهدمحوری) را در سطح متوسط و ۷/۵ درصد نیز آن را در سطح بالا ارزیابی می‌کنند. بنابراین، میزان مسئولیت‌پذیری (تعهدمحوری) به عنوان یکی از مصداق‌های توسعه از نظر پاسخگویان در سطح متوسط قرار دارد. به عبارت دیگر، این مولفه در سطح جامعه و در وضعیت موجود در سطح متوسط و بینابین قرار دارد.

۴-۲-۲-۱۱- دولتی شدن

جدول ۴-۳۶- فراوانی توسعه به معنای دولتی شدن از دیدگاه پاسخگویان

درصد فراوانی	فراوانی	دولتی شدن
--------------	---------	-----------

۰/۳	۱	پایین
۳۷/۹	۱۴۶	متوسط
۶۱/۸	۲۳۸	بالا
۱۰۰	۳۸۵	کل

مطابق با نتایج جدول، ۰/۳ درصد از پاسخگویان دولتی شدن را در جامعه در سطح پایین می‌دانند. در حالی که ۳۷/۹ درصد دولتی شدن را در سطح متوسط و ۶۱/۸ درصد نیز آن را در سطح بالا ارزیابی می‌کنند. بنابراین، میزان دولتی شدن به عنوان یکی از مصداق‌های توسعه از نظر پاسخگویان در سطح بالا قرار دارد. به عبارت دیگر، این مولفه در سطح جامعه و در وضعیت موجود در سطح بالا و مطلوبی قرار دارد.

در این قسمت، پاسخگویان ارزیابی خود را از وضعیت موجود محله خود بیان کرده اند. یعنی میزان اخلاقی‌تر شدن و سایر مولفه‌ها به عنوان یکی از مصداق‌های توسعه در محله و در دنیای واقعی آنها چقدر است. نتایج نشان می‌دهد که در هشت مولفه اول به طور تقریبی در سطح پایین و متوسط قرار دارد و در بعد آخر میزان بالا است که نشان دهنده دولتی بودن توسعه است. ولی هم چنان به نتیجه مطلوب نرسیده است. چرا؟ چون سایر مولفه در سطح پایین و یا متوسط قرار دارند. دولت به تنهایی نمی‌تواند توسعه را ایجاد کند. چون توسعه از بالا به پایین است و جامعه هم باید مشارکت داشته باشد.

۴-۳- بخش تحلیلی

در این بخش، مولفه‌های استخراج شده از داده‌های کیفی به که به صورت گویه‌هایی در طبف لیکرت طراحی شده بود، در تحلیل عاملی به آزمون گذاشته شده است تا کیفیت و مطلوبیت آنها مورد بررسی قرار گیرد.

مولفه‌های استخراج شده از داده‌های کیفی در ۱۰ مولفه تدوین شده است که عبارت‌اند از: اخلاقی‌تر شدن (۷ گویه)، پیشرفته شدن (۷ گویه)، ارتقای روانی اشخاص (۷ گویه)، شفافیت همه جانبه (۷ گویه)، ارتقای کیفیت زندگی (۷ گویه)، اعتبار بخشی (۷ گویه)، جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی (۷ گویه)، مسئولیت‌پذیری در حاشیه (۷ گویه)، دولتی شدن (۷ گویه) و فناوری اطلاعات و ارتباطات (۱۴ گویه).

در ادامه آزمون تحلیل عاملی برای هر یک از مولفه‌ها بررسی شده است. همچنین، شایان ذکر است برخی از گویه‌های مولفه‌ها در مرحله تحلیل عاملی به دلیل ضعیف بودن حذف شده است که در همان قسمت توضیح لازم داده خواهد شد. در بررسی هر یک از مولفه‌ها، ابتدا آزمون‌های کا-ام^۱ و بارتلت^۲ که مناسب بودن داده‌ها را نشان می‌دهد بررسی شده و سبب ماتریس گویه‌های هر مولفه با استفاده از روش واریمکس بررسی شده است.

^۱. Kaiser-Meyer-Olki

^۲. Bartlett's Test

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

۴-۳-۱- مؤلفه اخلاقی تر شدن

طبق جدول زیر، آزمون‌های کا-ام-او و بارتلت نشان‌دهنده مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی هستند. چرا که سطح معنی‌داری آزمون بارتلت از ۰/۰۵ کمتر و مقدار کا-ام-او نیز به اندازه‌ی ۰/۷۱۵ و قابل قبول است. براساس یافته‌های تحقیق، عدد اشتراک بین گویه‌های به کار گرفته شده در این پژوهش بالاتر از ۰/۷ می‌باشد که برای انجام تحلیل عاملی مناسب هستند.

همچنین، با محاسبه ماتریس درونی عوامل، مشخص شد که یک عامل، دارای مقادیر ویژه بالاتر از ۱ هستند که توانسته‌اند ۴۴/۱ درصد از واریانس کل مؤلفه اخلاقی تر شدن را تبیین کنند.

جدول ۴-۳۷- آزمون‌های تناسب داده‌ها و شاخص‌های آماری اولیه برای تحلیل عاملی مؤلفه اخلاقی تر شدن

۰/۷۱۵	کا-ام-او	
۲۸۸/۳۲۶	کای اسکوئر	آزمون بارتلت
۱۰	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	
واریانس	مقادیر ویژه ابتدایی	مؤلفه
۴۴/۰۹۲	۲/۲۰۵	۱

جدول زیر، ماتریس مؤلفه اخلاقی تر شدن است و بارهای عاملی^۱ گویه‌ها را نشان می‌دهد. از آن جایی که همه گویه‌ها در یک بعد قرار گرفته و در واقع مؤلفه طراحی شده دارای یک بعد است، نیاز به روش چرخش واریمکس نبوده است. این امر، وجوه مشترکی را بین این گویه‌ها نشان می‌دهد. این وجوه مشترک بر اساس بیش‌ترین میزان همبستگی بین گویه‌های درون بعد با یکدیگر به دست آمده است. در این‌جا میزان همبستگی درون‌گروهی هر کدام از ابعاد حاصل از تحلیل مؤلفه‌های اصلی بیش از ۰/۴ در نظر گرفته شده و میزان همبستگی کمتر از این مقدار حذف شده است. به همین دلیل ۵ گویه باقی مانده است.

جدول ۴-۳۸- ماتریس گویه‌های مؤلفه اخلاقی تر شدن

بارعاملی	گویه‌ها
۰/۷۸۲	مسئولان شهری باید شهرمندان باشند.
۰/۷۰۰	آسایش و آرامش شهروندان حق طبیعی شهروندان است.

۱. بارهای عاملی، ضریب همبستگی متغیرها و عوامل هستند.

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

۰/۶۶۸	مدیران شهری باید اصول مدیریتی را فراگیرند.
۰/۶۴۳	یکی از اولویت‌های اصلی هر شهری، احترام به شهروندان آن شهر است.
۰/۴۹۴	هرچقدر احترام به شهروندان یک شهر بیشتر شود، آن شهر توسعه یافته‌تر است.

همان طوری که ملاحظه می‌شود، گویه‌های این مولفه از بار عاملی قوی‌تر مرتب شده‌اند. این گویه‌ها بر اخلاق و لزوم رعایت قواعد و اصول مدیریتی و حفظ حق و حقوق متقابل بین مردم و مسئولان تأکید داشته و به همین دلیل در یک بعد قرار گرفته‌اند.

۴-۳-۲- مؤلفه پیشرفته شدن

طبق جدول زیر، آزمون‌های کا-ام-او و بارتلت نشان‌دهنده مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی هستند. چرا که سطح معنی‌داری آزمون بارتلت از ۰/۰۵ کمتر و مقدار کا-ام-او نیز به اندازه‌ی ۰/۷۶۵ و قابل قبول است. براساس یافته‌های تحقیق، عدد اشتراک بین گویه‌های به کار گرفته شده در این پژوهش بالاتر از ۰/۷ می‌باشد که برای انجام تحلیل عاملی مناسب هستند. همچنین، با محاسبه ماتریس درونی عوامل، مشخص شد که یک عامل، دارای مقادیر ویژه بالاتر از ۱ هستند که توانسته‌اند ۴۲/۱ درصد از واریانس کل مؤلفه پیشرفته شدن را تبیین کنند.

جدول ۴-۳۹- آزمون‌های تناسب داده‌ها و شاخص‌های آماری اولیه برای تحلیل عاملی مؤلفه پیشرفته شدن

۰/۷۶۵	کا-ام-او	
۴۱۱/۹۴۹	کای اسکوئر	آزمون بارتلت
۱۵	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	
واریانس	مقادیر ویژه ابتدایی	مؤلفه
۴۲/۰۹۲	۲/۵۲۶	۱

جدول زیر، ماتریس مؤلفه پیشرفته شدن است و بارهای عاملی گویه‌ها را نشان می‌دهد. از آن جایی که همه گویه‌ها در یک بعد قرار گرفته و درواقع مولفه طراحی شده دارای یک بعد است، نیاز به روش چرخش واریمکس نبوده است. این امر، وجوه مشترکی را بین این گویه‌ها نشان می‌دهد. این وجوه مشترک بر اساس بیش‌ترین میزان همبستگی بین گویه‌های درون بعد با یکدیگر به دست آمده است. در این جا میزان همبستگی درون‌گروهی هر کدام

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

از ابعاد حاصل از تحلیل مؤلفه‌های اصلی بیش از ۰/۴ در نظر گرفته شده و میزان همبستگی کمتر از این مقدار حذف شده است. به همین دلیل ۶ گویه باقی مانده است.

جدول ۴-۴۰- ماتریس مؤلفه مؤلفه پیشرفته شدن

بارعاملی	گویه‌ها
۰/۸۱۷	به شکل قابل توجهی شاهد بهبود امکانات در محله خود هستیم.
۰/۷۰۷	ایاب و ذهاب (رفت و آمد) به محله راحت‌تر از گذشته صورت می‌پذیرد.
۰/۶۲۶	به شکل مداوم در حال بروز شدن و پیشرفته‌تر شدن هستیم.
۰/۵۹۸	امکانات رفاهی (سنگفرش، گلکاری فضای سبز و ...) بهتری در محیط‌های شهری داریم.
۰/۵۶۱	در هنگام ایاب و ذهاب (رفت و آمد) به محله احساس خوبی به من دست می‌دهد.
۰/۵۴۱	خط‌کشی‌های منظم خیابان و بلوار تمیزی را در محله خود داریم.

همان طوری که ملاحظه می‌شود، گویه‌های این مؤلفه از بارعاملی قوی‌تر مرتب شده‌اند. این گویه‌ها بر معیارها و مصداق‌های ظاهری و کالبدی پیشرفت تأکید داشته و به همین دلیل در یک بعد قرار گرفته‌اند.

۴-۳-۳- مؤلفه ارتقای روانی اشخاص

طبق جدول زیر، آزمون‌های کا-ام-او و بارتلت نشان‌دهنده مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی هستند. چرا که سطح معنی‌داری آزمون بارتلت از ۰/۰۵ کمتر و مقدار کا-ام-او نیز به اندازه‌ی ۰/۷۸۵ و قابل قبول است. براساس یافته‌های تحقیق، عدد اشتراک بین گویه‌های به کار گرفته شده در این پژوهش بالاتر از ۰/۷ می‌باشد که برای انجام تحلیل عاملی مناسب هستند.

همچنین، با محاسبه ماتریس درونی عوامل، مشخص شد که یک عامل، دارای مقادیر ویژه بالاتر از ۱ هستند که توانسته‌اند ۴۵/۴۱ درصد از واریانس کل مؤلفه ارتقای روانی اشخاص را تبیین کنند.

جدول ۴-۴۱- آزمون‌های تناسب داده‌ها و شاخص‌های آماری اولیه برای تحلیل عاملی مؤلفه ارتقای

روانی اشخاص

۰/۷۸۵	کا-ام-او	
۵۲۶/۴۸۷	کای اسکوار	
۱۵	درجه آزادی	

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

آزمون بارتلت	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰
مؤلفه	مقادیر ویژه ابتدایی	واریانس
۱	۲/۷۲۵	۴۵/۴۰۹

جدول زیر، ماتریس مؤلفه ارتقای روانی اشخاص است و بارهای عاملی گویه‌ها را نشان می‌دهد. از آن جایی که همه گویه‌ها در یک بعد قرار گرفته و در واقع مولفه طراحی شده دارای یک بعد است، نیاز به روش چرخش واریمکس نبوده است. این امر، وجوه مشترکی را بین این گویه‌ها نشان می‌دهد. این وجوه مشترک بر اساس بیش‌ترین میزان همبستگی بین گویه‌های درون بعد با یکدیگر به دست آمده است. در این جا میزان همبستگی درون‌گروهی هر کدام از ابعاد حاصل از تحلیل مؤلفه‌های اصلی بیش از ۰/۴ در نظر گرفته شده و میزان همبستگی کمتر از این مقدار حذف شده است. به همین دلیل ۶ گویه باقی مانده است.

جدول ۴-۲-۴- ماتریس مولفه مؤلفه ارتقای روانی اشخاص

بارعاملی	گویه‌ها
۰/۷۹۹	زندگی کردن در این محله برایم رضایت بخش است.
۰/۷۷۰	فکر میکنم زندگی کردن در این محله برایم کار آمدتر است. (مثمر ثمر واقع شدن در محله)
۰/۷۴۶	به طور کلی «زندگی کردن در این محله حس خوبی دارد».
۰/۶۷۶	زمانی که در خیابان قدم می‌زنم، احساس راحتی و آرامش دارم.
۰/۵۳۳	حس قدرت و تغییر پیرامون خود را دارم.
۰/۴۲۲	اختلاف‌ها و درگیری‌های همسایه‌های محل بیشتر بر روی مباحث مالی است.

همان طوری که ملاحظه می‌شود، گویه‌های این مولفه از بار عاملی قوی‌تر مرتب شده‌اند. این گویه‌ها بر رضایت معنوی و روانی ناشی از زندگی در محله تأکید دارند.

۴-۳-۴- مؤلفه شفافیت همه جانبه

طبق جدول زیر، آزمون‌های کا-ام-او و بارتلت نشان‌دهنده مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی هستند. چرا که سطح معنی‌داری آزمون بارتلت از ۰/۰۵ کمتر و مقدار کا-ام-او نیز به اندازه‌ی ۰/۷۸۷ و قابل قبول است. براساس یافته‌های تحقیق، عدد اشتراک بین گویه‌های به کار گرفته شده در این پژوهش بالاتر از ۰/۷ می‌باشد که برای انجام

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

تحلیل عاملی مناسب هستند. همچنین، با محاسبه ماتریس درونی عوامل، مشخص شد که یک عامل، دارای مقادیر ویژه بالاتر از ۱ هستند که توانسته‌اند ۳۸/۳ درصد از واریانس کل مؤلفه شفافیت همه جانبه را تبیین کنند.

جدول ۴-۴۳- آزمون‌های تناسب داده‌ها و شاخص‌های آماری اولیه برای تحلیل عاملی مؤلفه شفافیت

همه جانبه

۰/۷۸۷	کا-ام-او	
۴۳۵/۹۸۹	کای اسکوئر	آزمون بارتلت
۲۱	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	
واریانس	مقادیر ویژه ابتدایی	مؤلفه
۳۸/۲۸۲	۲/۶۶۶	۱

جدول زیر، ماتریس مؤلفه شفافیت همه جانبه است و بارهای عاملی گویه‌ها را نشان می‌دهد. از آن جایی که همه گویه‌ها در یک بعد قرار گرفته و در واقع مولفه طراحی شده دارای یک بعد است، نیاز به روش چرخش واریمکس نبوده است. این امر، وجوه مشترکی را بین این گویه‌ها نشان می‌دهد. این وجوه مشترک بر اساس بیش‌ترین میزان همبستگی بین گویه‌های درون بعد با یکدیگر به دست آمده است. در این‌جا میزان همبستگی درون‌گروهی هر کدام از ابعاد حاصل از تحلیل مؤلفه‌های اصلی بیش از ۰/۴ در نظر گرفته شده و میزان همبستگی کمتر از این مقدار حذف شده است. با این حال، به دلیل مطلوب بودن گویه‌ها هر ۷ گویه باقی مانده است.

جدول ۴-۴۴- ماتریس مولفه مؤلفه شفافیت همه جانبه

بارعاملی	گویه‌ها
۰/۷۱۷	نسبت به حوادث پیرامون خود به سرعت عکس العمل نشان می‌دهم.
۰/۶۵۹	امروز با سرعت از اخبار مطلع می‌شوم.
۰/۶۵۱	در مورد تصمیمات و اقدامات مدیران محله با خبر هستیم.
۰/۶۳۷	فضای مجازی باعث شده است که از فضای‌های شخصی افراد، با اطلاع و آگاه شویم.
۰/۶۲۸	به صورت کلی امروزه راحت‌تر، از امور شخصی یکدیگر باخبر می‌شویم
۰/۵۲۲	ارتباطات بین دیگران به شکل گسترده‌ای افزایش پیدا کرده است.
۰/۴۶۹	راحت‌تر و سهل‌تر با همه در ارتباط هستیم.

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

همان طوری که ملاحظه می‌شود، گویه‌های این مؤلفه از بار عاملی قوی‌تر مرتب شده‌اند. این گویه‌ها بر اهمیت آگاهی و آگاهی بخشی و سهولت دسترسی به اطلاعات تأکید دارند.

۴-۳-۵- مؤلفه ارتقای کیفیت زندگی

طبق جدول زیر، آزمون‌های کا-ام-او و بارتلت نشان‌دهنده مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی هستند. چرا که سطح معنی‌داری آزمون بارتلت از ۰/۰۵ کمتر و مقدار کا-ام-او نیز به اندازه‌ی ۰/۸۳۰ و قابل قبول است. براساس یافته‌های تحقیق، عدد اشتراک بین گویه‌های به کار گرفته شده در این پژوهش بالاتر از ۰/۷ می‌باشد که برای انجام تحلیل عاملی مناسب هستند. همچنین، با محاسبه ماتریس درونی عوامل، مشخص شد که یک عامل، دارای مقادیر ویژه بالاتر از ۱ هستند که توانسته‌اند ۷۲/۷۳ درصد از واریانس کل مؤلفه ارتقای کیفیت زندگی را تبیین کنند.

جدول ۴-۵- آزمون‌های تناسب داده‌ها و شاخص‌های آماری اولیه برای تحلیل عاملی مؤلفه ارتقای

کیفیت زندگی

۰/۸۳۰	کا-ام-او	
۵۶۸/۳۸۲	کای اسکوتر	آزمون بارتلت
۲۱	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	
واریانس	مقادیر ویژه ابتدایی	مؤلفه
۴۲/۷۴۳	۲/۹۹۲	۱

جدول زیر، ماتریس مؤلفه ارتقای کیفیت زندگی است و بارهای عاملی گویه‌ها را نشان می‌دهد. از آن جایی که همه گویه‌ها در یک بعد قرار گرفته و در واقع مؤلفه طراحی شده دارای یک بعد است، نیاز به روش چرخش واریمکس نبوده است. این امر، وجوه مشترکی را بین این گویه‌ها نشان می‌دهد. این وجوه مشترک بر اساس بیش‌ترین میزان همبستگی بین گویه‌های درون بعد با یکدیگر به دست آمده است. در این جا میزان همبستگی درون‌گروهی هر کدام از ابعاد حاصل از تحلیل مؤلفه‌های اصلی بیش از ۰/۴ در نظر گرفته شده و میزان همبستگی کمتر از این مقدار حذف شده است. با این حال، به دلیل مطلوب بودن گویه‌ها هر ۷ گویه باقی مانده است.

جدول ۴-۶- ماتریس مؤلفه ارتقای کیفیت زندگی

بارعاملی	گویه‌ها
۰/۷۱۵	هر چیزی که می‌خواهم در کوتاه‌ترین زمان ممکن در اینجا فراهم است.
۰/۷۰۵	راحت‌تر و آسوده‌تر انتخاب می‌کنم.

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

۰/۶۹۱	وقتی در این منطقه هستم، حس بهتری در انتخاب هایم وجود دارد.
۰/۶۴۰	فارغ از بحث مالی این روزها بهتر میتوانیم خریدهای روزمره را انجام دهیم.
۰/۶۰۹	در محله خریدها و مایحتاج منزل به راحتی صورت میگیرد.
۰/۶۰۵	به شکل متنوعی لوازم و ابزارهای کارم در این محله و منطقه فراهم است.
۰/۶۰۰	در سالیان اخیر فروشگاه‌های بزرگ تری برای این محله افتتاح شده است

همان طوری که ملاحظه می‌شود، گویه‌های این مؤلفه از بار عاملی قوی‌تر مرتب شده اند. این گویه‌ها بر سهولت رفع نیازها و مایحتاج‌های فردی و اجتماعی در محل زندگی افراد تأکید دارند.

۴-۳-۶- مؤلفه اعتباربخشی (پایدارمحوری)

طبق جدول زیر، آزمون‌های کا-ام-او و بارتلت نشان‌دهنده مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی هستند. چرا که سطح معنی‌داری آزمون بارتلت از ۰/۰۵ کمتر و مقدار کا-ام-او نیز به اندازه‌ی ۰/۸۲۵ قابل قبول است. براساس یافته‌های تحقیق، عدد اشتراک بین گویه‌های به کار گرفته شده در این پژوهش بالاتر از ۰/۷ می‌باشد که برای انجام تحلیل عاملی مناسب هستند. همچنین، با محاسبه ماتریس درونی عوامل، مشخص شد که یک عامل، دارای مقادیر ویژه بالاتر از ۱ هستند که توانسته‌اند ۴۰/۳۴ درصد از واریانس کل مؤلفه اعتباربخشی (پایدارمحوری) را تبیین کنند.

جدول ۴-۷- آزمون‌های تناسب داده‌ها و شاخص‌های آماری اولیه برای تحلیل عاملی مؤلفه اعتباربخشی (پایدارمحوری)

۰/۸۲۵	کا-ام-او	
۴۹۲/۹۲۱	کای اسکوئر	آزمون بارتلت
۲۱	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	
واریانس	مقادیر ویژه ابتدایی	مؤلفه
۴۰/۳۴۱	۲/۸۲۴	۱

جدول زیر، ماتریس مؤلفه اعتباربخشی (پایدارمحوری) است و بارهای عاملی گویه‌ها را نشان می‌دهد. از آن جایی که همه گویه‌ها در یک بعد قرار گرفته و درواقع مؤلفه طراحی شده دارای یک بعد است، نیاز به روش چرخش واریمکس نبوده است. این امر، وجوه مشترکی را بین این گویه‌ها نشان می‌دهد. این وجوه مشترک بر اساس بیش‌ترین میزان همبستگی بین گویه‌های درون بعد با یکدیگر به‌دست آمده است. در این‌جا میزان همبستگی

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

درون‌گروهی هر کدام از ابعاد حاصل از تحلیل مؤلفه‌های اصلی بیش از ۰/۴ در نظر گرفته شده و میزان همبستگی کمتر از این مقدار حذف شده است. با این حال، به دلیل مطلوب بودن گویه‌ها هر ۷ گویه باقی مانده است.

جدول ۴- ۴۸- ماتریس مؤلفه اعتباربخشی (پایدارمحوری)

بارعاملی	گویه‌ها
۰/۷۸۶	به لحاظ کیفی و بروز بودن در امکانات دو منطقه مسکونی تفاوتی باهم ندارند.
۰/۶۹۶	حاشیه‌های شهری باید تقویت و بروز رسانی شوند.
۰/۶۷۱	مردم این منطقه از آموزش درست و صحیح برخوردارند.
۰/۶۶۵	در این منطقه قواعد و دستورالعمل‌های شهری به درستی و کامل اجرا می‌شود.
۰/۵۷۱	اغلب مردم در این مناطق شغل‌های با آبرو و اعتبار دارند.
۰/۵۳۷	اغلب جوانان این منطقه از تحصیلات بالایی برخوردارند.
۰/۴۶۵	برهم ریختگی ظاهری خیلی در این محله و منطقه دیده نمی‌شود.

همان طوری که ملاحظه می‌شود، گویه‌های این مؤلفه از بار عاملی قوی‌تر مرتب شده‌اند. این گویه‌ها بر اهمیت اعتبار و ارزش قائل شدن در حاشیه شهر تاکید دارند.

۴-۳-۷- مؤلفه جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی (جمع محوری)

طبق جدول زیر، آزمون‌های کا-ام-او و بارتلت نشان‌دهنده مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی هستند. چرا که سطح معنی‌داری آزمون بارتلت از ۰/۰۵ کمتر و مقدار کا-ام-او نیز به اندازه‌ی ۰/۷۳۵ و قابل قبول است. براساس یافته‌های تحقیق، عدد اشتراک بین گویه‌های به کار گرفته شده در این پژوهش بالاتر از ۰/۷ می‌باشد که برای انجام تحلیل عاملی مناسب هستند.

همچنین، با محاسبه ماتریس درونی عوامل، مشخص شد که یک عامل، دارای مقادیر ویژه بالاتر از ۱ هستند که توانسته‌اند ۳۵/۰۵ درصد از واریانس کل مؤلفه جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی (جمع محوری) را تبیین کنند.

جدول ۴- ۴۹- آزمون‌های تناسب داده‌ها و شاخص‌های آماری اولیه برای تحلیل عاملی مؤلفه جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی (جمع محوری)

۰/۷۳۵	کا-ام-او	
۳۵۵/۴۸۰	کای اسکوئر	
۲۱	درجه آزادی	

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	آزمون بارتلت
واریانس	مقادیر ویژه ابتدایی	مؤلفه
۳۵/۰۰۵	۲/۴۵۰	۱

جدول زیر، ماتریس مؤلفه جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی (جمع محوری) است و بارهای عاملی گویه‌ها را نشان می‌دهد. از آن جایی که همه گویه‌ها در یک بعد قرار گرفته و در واقع مولفه طراحی شده دارای یک بعد است، نیاز به روش چرخش واریمکس نبوده است. این امر، وجوه مشترکی را بین این گویه‌ها نشان می‌دهد. این وجوه مشترک بر اساس بیش‌ترین میزان همبستگی بین گویه‌های درون بعد با یکدیگر به‌دست آمده است. در این‌جا میزان همبستگی درون‌گروهی هر کدام از ابعاد حاصل از تحلیل مؤلفه‌های اصلی بیش از ۰/۴ در نظر گرفته شده و میزان همبستگی کمتر از این مقدار حذف شده است. با این حال، به دلیل مطلوب بودن گویه‌ها هر ۷ گویه باقی مانده است.

جدول ۴-۵۰- ماتریس مؤلفه مؤلفه جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی (جمع محوری)

بارعاملی	گویه‌ها
۰/۷۳۵	من به اشخاصی که در این منطقه هستند اعتماد دارم.
۰/۶۸۹	نظارت درست و امنیت با ثباتی در این محله و منطقه داریم.
۰/۶۱۹	قوانین و دستورالعمل‌هایی برای بهتر زیستن در شهر داریم.
۰/۶۰۸	افراد تمایل به مشارکت و همراهی در این محله و منطقه دارند.
۰/۵۰۳	برای یک زندگی بهتر، باید به نظرات و پیشنهادات دیگران گوش دهیم.
۰/۴۹۸	در ساخت جامعه مطلوب در محله مان، باید به همدیگر اعتماد کنیم.
۰/۴۲۷	تعهد و نظارت اجتماعی در این محله و منطقه داریم.

همان طوری که ملاحظه می‌شود، گویه‌های این مؤلفه از بار عاملی قوی‌تر مرتب شده‌اند. این گویه‌ها بر میزان اعتماد و یا بی‌اعتمادی افراد محله به یکدیگر و میزان امنیت و نظارت اجتماعی در محله تأکید دارند.

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

۴-۳-۸- مؤلفه مسئولیت پذیری (تعهدمحوری)

طبق جدول زیر، آزمون‌های کا-ام-او و بارتلت نشان‌دهنده مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی هستند. چرا که سطح معنی‌داری آزمون بارتلت از ۰/۰۵ کمتر و مقدار کا-ام-او نیز به اندازه‌ی ۰/۷۳۵ و قابل قبول است. براساس یافته‌های تحقیق، عدد اشتراک بین گویه‌های به کار گرفته شده در این پژوهش بالاتر از ۰/۷ می‌باشد که برای انجام تحلیل عاملی مناسب هستند.

همچنین، با محاسبه ماتریس درونی عوامل، مشخص شد که یک عامل، دارای مقادیر ویژه بالاتر از ۱ هستند که توانسته‌اند ۵۲/۲۳ درصد از واریانس کل مؤلفه مسئولیت پذیری (تعهدمحوری) را تبیین کنند.

جدول ۴-۵۱- آزمون‌های تناسب داده‌ها و شاخص‌های آماری اولیه برای تحلیل عاملی مؤلفه مسئولیت پذیری (تعهدمحوری)

۰/۸۵۵	کا-ام-او	
۹۹۶/۲۳۹	کای اسکوئر	آزمون بارتلت
۲۱	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	
واریانس	مقادیر ویژه ابتدایی	مؤلفه
۵۲/۲۲۶	۳/۶۵۶	۱

جدول زیر، ماتریس مؤلفه مسئولیت پذیری (تعهدمحوری) است و بارهای عاملی گویه‌ها را نشان می‌دهد. از آن جایی که همه گویه‌ها در یک بعد قرار گرفته و در واقع مولفه طراحی شده دارای یک بعد است، نیاز به روش چرخش واریمکس نبوده است. این امر، وجوه مشترکی را بین این گویه‌ها نشان می‌دهد. این وجوه مشترک بر اساس بیش‌ترین میزان همبستگی بین گویه‌های درون بعد با یکدیگر به دست آمده است. در این‌جا میزان همبستگی درون‌گروهی هر کدام از ابعاد حاصل از تحلیل مؤلفه‌های اصلی بیش از ۰/۴ در نظر گرفته شده و میزان همبستگی کمتر از این مقدار حذف شده است. با این حال، به دلیل مطلوب بودن گویه‌ها هر ۷ گویه باقی مانده است.

جدول ۴-۵۲- ماتریس مولفه مؤلفه مسئولیت پذیری (تعهدمحوری)

بارعاملی	گویه‌ها
۰/۸۳۹	زمان کمی طول می‌شکد تا یک قاعده و قوانینی تصویب شود.
۰/۸۰۰	نظرات مردم را باید در اداره شهر اعمال کرد.
۰/۷۷۸	مردم توانایی این را ندارند روندها را تغییر دهند.

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

۰/۷۱۸	به لحاظ اداری و تقسیم بندی‌ها باید پذیرفت این مناطق فرقی با دیگر مناطق می‌کنند.
۰/۷۰۰	انتظار مردم از مسئولین معقول است.
۰/۶۶۰	مردم تحت هر شرایطی راضی هستند.
۰/۵۱۵	نظرات مردم سودمند و فایده بخش برای اداره جامعه است.

همان طوری که ملاحظه می‌شود، گویه‌های این مولفه از بار عاملی قوی‌تر مرتب شده اند. این گویه‌ها بر مسئولیت پذیری در محله و لزوم قبول مسئولیت و تقسیم وظایف بین افراد و سازمان‌های مختلف تأکید دارند.

۴-۳-۹- مؤلفه دولتی شدن

طبق جدول زیر، آزمون‌های کا-ام-او و بارتلت نشان‌دهنده مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی هستند. چرا که سطح معنی‌داری آزمون بارتلت از ۰/۰۵ کمتر و مقدار کا-ام-او نیز به اندازه‌ی ۰/۷۱۳ و قابل قبول است. براساس یافته‌های تحقیق، عدد اشتراک بین گویه‌های به کار گرفته شده در این پژوهش بالاتر از ۰/۷ می‌باشد که برای انجام تحلیل عاملی مناسب هستند. همچنین، با محاسبه ماتریس درونی عوامل، مشخص شد که یک عامل، دارای مقادیر ویژه بالاتر از ۱ هستند که توانسته‌اند ۴۸/۸۲ درصد از واریانس کل مؤلفه شرط پیشرفت، دولتی شدن را تبیین کنند.

جدول ۴-۵۳- آزمون‌های تناسب داده‌ها و شاخص‌های آماری اولیه برای تحلیل عاملی مؤلفه دولتی شدن

۰/۷۱۳	کا-ام-او	
۱۹۰/۵۹۴	کای اسکوتر	آزمون بارتلت
۶	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	
واریانس	مقادیر ویژه ابتدایی	مؤلفه
۴۸/۸۲۰	۱/۹۵۳	۱

جدول زیر، ماتریس مؤلفه دولتی شدن است و بارهای عاملی گویه‌ها را نشان می‌دهد. از آن جایی که همه گویه‌ها در یک بعد قرار گرفته و در واقع مؤلفه طراحی شده دارای یک بعد است، نیاز به روش چرخش واریمکس نبوده است. این امر، وجوه مشترکی را بین این گویه‌ها نشان می‌دهد. این وجوه مشترک بر اساس بیش‌ترین میزان همبستگی بین گویه‌های درون بعد با یکدیگر به دست آمده است. در این‌جا میزان همبستگی درون‌گروهی هر کدام از ابعاد حاصل از تحلیل مؤلفه‌های اصلی بیش از ۰/۴ در نظر گرفته شده و میزان همبستگی کمتر از این مقدار حذف شده است. به همین دلیل ۴ گویه باقی مانده است.

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

جدول ۴-۵۴- ماتریس مولفه مؤلفه دولتی شدن

بارعاملی	گویه‌ها
۰/۷۶۳	بودجه و منابع مالی افراد در این محله و منطقه محدود است.
۰/۷۲۶	ضرورت تشکیل رفاه در این محله و منطقه، دولت مردان ما (مسئولین دولتی) هستند.
۰/۶۸۰	اولویت‌ها باید متمرکز به مسائل بنیادین (ایجاد زیرساخت‌ها) در این محله و منطقه باشد.
۰/۶۱۷	رفع کمبودهای یک ملت، اصلی‌ترین و اساسی‌ترین وظیفه دولت است.

همان طوری که ملاحظه می‌شود، گویه‌های این مولفه از بار عاملی قوی‌تر مرتب شده‌اند. این گویه‌ها بر لزوم دولتی شدن برای دستیابی به پیشرفت و توسعه تأکید دارند.

۴-۳-۱۰- فناوری اطلاعات و ارتباطات

طبق جدول زیر، آزمون‌های کا-ام-او و بارتلت نشان‌دهنده مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی هستند. چرا که سطح معنی‌داری آزمون بارتلت از ۰/۰۵ کمتر و مقدار کا-ام-او نیز به اندازه‌ی ۰/۹۰۷ و قابل قبول است. براساس یافته‌های تحقیق، عدد اشتراک بین گویه‌های به کار گرفته شده در این پژوهش بالاتر از ۰/۷ می‌باشد که برای انجام تحلیل عاملی مناسب هستند.

جدول ۴-۵۵- آزمون‌های تناسب داده‌ها برای تحلیل عاملی مؤلفه فناوری اطلاعات و ارتباطات

۰/۹۰۷	کا-ام-او	
۱۸۷۵/۴۵۹	کای اسکوتر	آزمون بارتلت
۵۵	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	

بر اساس جدول شماره ۳، با محاسبه ماتریس درونی عوامل، مشخص شد که دو عامل، دارای مقادیر ویژه بالاتر از ۱ هستند که توانسته‌اند ۵۸/۷۶ درصد از واریانس کل متغیر فناوری اطلاعات و ارتباطات را تبیین کنند.

جدول ۴-۵۶- شاخص‌های آماری اولیه مؤلفه فناوری اطلاعات و ارتباطات

مؤلفه	مقادیر ویژه ابتدایی	واریانس	واریانس تجمعی
-------	---------------------	---------	---------------

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها)؛ جمع‌آوری داده و اطلاعات از سطح مناطق

۴۹/۳۹۵	۴۹/۳۹۵	۵/۴۳۳	۱
۵۸/۷۶۰	۹/۳۶۶	۱/۰۳۰	۲

جدول شماره ۴، ماتریس مؤلفه فناوری اطلاعات و ارتباطات است و بارهای عاملی متغیرها را بعد از چرخش (با روش واریماکس) نشان می‌دهد. با مقایسه‌ی متغیرهای مربوط به هر عامل می‌توان وجوه مشترکی را بین این متغیرها به‌دست آورد. این وجوه مشترک بر اساس بیش‌ترین میزان همبستگی بین گویه‌های درون هر بعد با یکدیگر و کم‌ترین میزان همبستگی میان ابعاد مختلف به‌دست آمده است. در این جا میزان همبستگی درون‌گروهی هر کدام از ابعاد حاصل از تحلیل مؤلفه‌های اصلی بیش از ۰/۴ در نظر گرفته شده و میزان همبستگی کمتر از این مقدار حذف شده است. به همین دلیل ۲ گویه حذف شده است.

جدول ۴-۵۷- ماتریس مولفه مؤلفه فناوری اطلاعات و ارتباطات

۲	۱	گویه‌ها
	۰/۷۵۴	با سخت افزار رایانه (RAM و CPU) خود آشنایی دارم.
	۰/۷۲۹	با برنامه‌های مایکروسافت آفیس (پاورپوینت، اکسل، ورد و ...) آشنایی دارم.
	۰/۷۲۷	آشنایی مقدماتی با برنامه نویسی در رایانه دارم.
	۰/۶۹۷	طریقه نصب و راه اندازی وای-فای (Wi-Fi) در منزل را دارم.
	۰/۶۷۲	سابقه استفاده از تکنولوژی‌های جدید (هوشمند) به کار رفته در لوازم مصرفی خود را دارم
	۰/۶۶۱	از طریق رایانه انتقال اطلاعات (اشتراک داده) را انجام می‌دهم.
۰/۸۵۲		به شکل مداوم از گوشی تلفن (همراه) هوشمند استفاده می‌کنم
۰/۷۱۹		از رایانه و اینترنت برای باخبر شدن از اخبار استفاده می‌کنم.
۰/۷۱۸		از رایانه و اینترنت برای ارتباط با دوستان (شبکه‌های اجتماعی) استفاده می‌کنم.
۰/۶۲۸		به راحتی از رایانه و اینترنت استفاده می‌کنم
۰/۵۴۲		از رایانه و اینترنت برای خرید مایحتاج منزل استفاده می‌کنم.

همان طوری که ملاحظه می‌شود، گویه‌های این مولفه در دو بعد از بار عاملی قوی‌تر مرتب شده اند. در بعد اول میزان آشنایی با فناوری اطلاعات در موارد اساسی و پایه بارگذاری شده اند و به همین دلیل، این بعد به نام فناوری اطلاعات و ارتباطات ساختاری نام‌گذاری شده است. در حالی که در بعد دوم، میزان استفاده و کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در زندگی روزمره افراد بارگذاری شده است که به همین دلیل، این بعد به نام فناوری اطلاعات و ارتباطات عملکردی نام‌گذاری شده است.

فصل پنجم:

خلاصه و نتیجه گیری؛ تحلیل و جمع بندی

۵-۱- مقدمه

تعریف توسعه و مفاهیم آن به طور کلی توسعه به معنای تلاش برای بهبود زندگی، همزاد تاریخ جامعه بشری است، اما توسعه به مفهوم امروزی آن که بیشتر یک مفهوم مقایسه‌ای است، از جمله مفاهیمی است که بیش از هر موضوع دیگری در نیم قرن اخیر مورد بحث محافل مختلف قرار گرفته است. پدیده توسعه و توسعه نیافتگی از پایان جنگ جهانی دوم به این طرف در محدوده اقتصاد سیاسی به یکی از مباحث بحث برانگیز تبدیل شد و زمینه مطالعات مربوط به توسعه را فراهم آورد. استقلال بسیاری از کشورهای مستعمره سبب شد تا آنها رفته رفته به موقعیت خود از جهت اقتصادی و اجتماعی در پهنه گیتی پی ببرند. در کنار آن محدودیتهای به وجود آمده در راه مهاجرت مردم نواحی فقیر به نواحی پیشرفته، زمینه را به گونه‌ای آماده ساخت که ساکنان هر نقطه از جهان بتوانند به مقایسه اقتصادی و اجتماعی خویش با وضعیت اقتصادی و اجتماعی دیگر افراد ساکن در این کره خاکی بپردازند. مقایسه‌ای که بر دامنه بحثهای مربوط به توسعه و توسعه نیافتگی افزود. گسترش آمار و وسایل ارتباط جمعی که انعکاس وضعیت اقتصادی و اجتماعی جوامع را تسهیل کرد نیز باعث توجه بیشتر اذهان به ویژه متخصصان علوم انسانی به توسعه نابرابر جوامع گردید. از توسعه با توجه به اهمیت و گستردگی آن تعاریف و برداشتهای متفاوتی شده است.

توسعه در مفهوم کلی خود به معنای ارتقای سطح مادی و معنوی جامعه انسانی و ایجاد شرایط مناسب یک زندگی سالم برای تمامی افراد جامعه است. با توجه به این مفهوم توسعه در برگیرنده جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی فرهنگی است که تغییرات کمی و کیفی را شامل می‌شود و در عین حال آن داخلی و خارجی از مفاهیم نسبی به شمار می‌رود. مفهوم مطلوب توسعه، بهبود کیفیت زندگی همه است؛ بنابراین کوشش برای دستار توسعه باید به شکلی باشد که منافع اکثریت مردم را در بر گیرد، در صورتی که بخش محدودی از جامعه از فرایند توسعه که خود یک فرایند تغییر مطلوب است بهره مند شوند نمی‌توان آن را توسعه نامید.

سه تفسیر عمده از توسعه را می‌توان به این شرح مورد توجه قرار داد:

تفسیر اول، در این برداشت اغلب توسعه را با رشد اقتصادی مترادف می‌گیرند و آن را به معنای افزایش بهره‌وری نیروی انسانی، پیشرفت فناوری و صنعتی شدن با نتیجه آن که افزایش جمعیت در مناطق شهری

است تفسیر می‌کنند. در چهارچوب این تعریف خاص از مسئله توسعه که بر افزایش سرمایه تأکید دارد، کشورهای در حال توسعه کم و بیش به طور منفرد و در انزوا در نظر گرفته می‌شوند و مسائل و مشکلات آنها ناشی از شرایط درونی شناخته شده که معلول ساختارهای محلی نامناسب برای افزایش سرانه محصول ناخالص داخلی است. به یک معنا تاریخ اساساً استعماری مناسبات آنها با کشورهای صنعتی غرب فراموش و نتایج امروزی آن پیشینه تاریخی نادیده گرفته می‌شود

نمود اجتماعی - فضایی تفکر توسعه مبتنی بر رشد اقتصادی، توسعه نابرابر نواحی پیرامونی در مقابل نواحی مرکزی شهری است که به بهره‌برداری نامناسب از منابع امکانات و فضا منجر شده است و خود به عنوان مانعی عمده در راه توسعه در آمده است. تأکید بر بخش صنعت و جامعه مرکز نشین شهری به عنوان جامعه پیشرو و تلقی بخش پیرامون به عنوان بخش سنتی و ناکارآمد جامعه - آرتور لوئیس، جان فی^۱، گوستاو رانیس^۲ - نه تنها نتوانسته است مدل جامعی از توسعه ارائه دهد، بلکه نابرابری شدید و عدم تعادل فضایی بین نواحی شهری را باعث گردیده است. به عنوان یکی از موانع توسعه، صاحب نظران را به تجدید نظر در مدل‌های توسعه اقتصادی وادار کرده است. از دیدگاه اجتماعی و فضایی مسئله‌ای که امروز با آن روبه‌رو هستیم، وجود ساختار اجتماعی - فضایی نامناسب و نامتعادل است.

تفسیر دوم از توسعه با تمرکز بر شاخصهایی از معیارهای زندگی مانند فقر، توزیع در آمد، تغذیه، مرگ و میر نوزادان، امید به زندگی بهتر، باسوادی، آموزش و پرورش، دسترسی به اشتغال، مسکن، آبرسانی و خدمات دیگر سعی در جبران این نارسایی‌ها دارد. این گونه نگرش به مسئله توسعه واقعیت انسانی بیشتری به آن بخشیده در عین حال همچنان تأکید بر شاخصهای اقتصادی و اجتماعی است و اشخاص و گروههای منفرد که کالاها، خدمات و مواد برای آنها تأمین می‌شود به حالت انفعالی از صحنه دور مانده اند.

آشکار شدن این واقعیت که بخشهای بزرگی از جمعیت کشورهای در حال توسعه، عملاً از منافع حاصل از رشد محروم شده اند و پی بردن به اینکه گزینش‌های فناورانه که در جریان رشد به عمل می‌آیند، پدید آورنده چنان ساختار تولیدی هستند که عملاً در تضاد با افزایش آتی در آمد تهیدستان قرار می‌گیرد، طرح دیدگاههای جدیدی از توسعه را به دنبال داشتند. این تفسیر از توسعه در حقیقت بر توزیع متناسب آثار توسعه و به ویژه اولویت تأمین نیازهای اولیه اقشار ضعیف و محروم و مناطق حاشیه‌ای تأکید می‌نماید. گرایش به ایجاد برابری با تأکید بر رویارویی مستقیم با تهیدستی و اقدام برای تأمین حداقل آستانه مصرف (نیازهای اساسی)، درک این نکته که تولید بیشتر باید با توزیع بهتر همراه باشد و ارجحیت دادن به روشهای برنامه‌ریزی خود اتکا و از پایین به بالا از جمله برخی از ویژگیهای مشترک رهیافتهای جدید توسعه است

¹ John Fei

² Gustaw Ranis

تفسیر سوم درباره توسعه، بر توانمندی‌های بالقوه و استعداد‌های انسانی در زمینه روابط با سایر گروه‌های اجتماعی متمرکز است. در دهه ۱۹۷۰ کوششهایی در جهت رسیدگی به معضل توسعه نیافتگی و نابرابری درونی و بیرونی کشورهای در حال توسعه صورت گرفت. این کوششها متأثر از کسانی بود که مایل بودند توسعه را با «آزادی» به منزله راهی برای تشدید کنترل محرومان جامعه بر منابع مرتبط و نیز متأثر از افرادی بود که اعتقاد داشتند، توسعه مؤثر لزوماً دگرگونی‌های اساسی را در بر دارد. بر مبنای این تفسیر، فلسفه مورد پذیرش توسعه، فلسفه‌ای است که بر کیفیت و شاید ابعاد غیر قابل سنجش توسعه پای می‌فشارد. در این برداشت انسان نه به عنوان یک محکوم دنیای دیگران، بلکه موجودی حاکم بر دنیای خویش نگریسته می‌شود. آنچه مورد تأکید است، نوعی فرایند اختیار دهی است که از طریق سازماندهی، قدرت لازم را جهت ایجاد فضایی برای خود و جمع‌آوری سرمایه‌های مادی به منظور حمایت از توسعه خود اتکا به مردم بدهد؛ این برداشت از توسعه را «توسعه انسانی» می‌نامند. آن طور که در زمینه فعلی درک می‌شود، توسعه انسانی به مفهوم تغییرات متوالی و پویا در آن دسته از شرایطی است که موجبات یک زندگی آزاد و رضایت بخش را به مفهوم واقعی خود برای کلیه افراد یک منطقه یا یک کشور فراهم می‌آورد. برای تعریف و تبیین توسعه انسانی پنج معیار زیر را در نظر می‌گیرند:

۱- کیفیت فیزیکی زندگی: شامل: الف) افزایش کیفیت فیزیکی؛ ب) کیفیت محیط زیست فیزیکی؛ ج) الگوی مصرف و تأمین نیازهای اساسی انسانی؛ احساس امنیت فیزیکی در مقابل عوامل مزاحم که منشأ ملی و اجتماعی دارند.

۲- دسترسی به وسایل امرار معاش: افزایش تعداد افرادی که به منابع بهره‌وری چون: زمین، آب و نهاده‌ها دسترسی دارند و همچنین افزایش سطح در آمد و اشتغال

۳- آزادی انتخاب: افزایش درصد مردمی که توانایی تصمیم‌گیری درباره شغل آینده خود، فرزندان‌شان و غیره را داشته باشند و به طور همزمان کاهش تضاد میان منافع افراد، جایگاه و نقشی که زنان و کودکان در جامعه و اقتصاد دارند، از اهمیت خاصی برخوردار است.

۴- توسعه خود اتکایی: افزایش درصد مردمی که اطلاعات روزافزونی در محیط اجتماعی - فرهنگی و فیزیکی خود دارند؛ افزایش مهارت‌ها و آگاهی نسبت به حقوق و موقعیتهای خود، و داشتن حق اختلاف عقیده، آگاهی روزافزون نسبت به تعهدها و مسئولیتهای اجتماعی.

۵- پیشرفت اجتماعی و سیاسی: افزایش درصد مردمی که می‌توانند در تصمیم‌گیری‌هایی که در آینده جامعه‌شان تأثیر دارد سهم باشند و کاهش نابرابری‌های موجود در این گونه تصمیم‌گیریها. این قسمت دو جزء دارد: ۱) میزان تفویض قدرت تصمیم‌گیری از مرکز به سطوح محلی به ویژه در خصوص منابع. ۲) میزان مشارکت گروه‌های مختلف محلی در امر تصمیم‌گیری و به عبارت دیگر میزان تمرکز زدایی در سطح محلی.

توسعه از دیدگاه انسانی یعنی پیشرفت همگام و متوازن در کلیه موارد ذکر شده. و البته این سه نوع نگرش به توسعه، قابلیت قرارگیری در کنار هم را دارند، در واقع الگوی توسعه باید عناصر هر سه را در خود داشته باشد. رشد ظرفیتها و استعدادهای انسانی باید با کاهش فزاینده محرومیت‌های مادی و نابرابری اجتماعی همراه باشد که اینها نیز به نوبه خود، حاصل تغییر ساختاری و نوسازی اقتصادی خواهند بود. خلاصه اینکه در تعریف توسعه با در نظر گرفتن برداشتهای مختلف از آن باید گفت که:

- توسعه مفهومی جامع، چند بعدی، پیچیده و غیر قابل تقسیم است.
- مفهوم توسعه هم ابعاد کمی و هم کیفی دارد و تأکید بر جنبه‌های کمی بدون در نظر داشتن جنبه‌های کیفی و برعکس به مفهوم توسعه نیست.
- توسعه دارای ابعاد مادی و معنوی است. نه تنها رفع فقر و محرومیت و ارتقای سطح مادی زندگی، بلکه ارتقای فرهنگی و شعور اجتماعی یا کیفیت زندگی را در بر می‌گیرد.
- توسعه یک مفهوم ارزشی است و در تعریف آن باید به شرایط جامعه مورد نظر توجه داشت؛ به عبارت دیگر توسعه را باید تعریف بومی کرد.
- با توجه به تعاریف و دیدگاههای مختلف در مورد مفهوم توسعه و توسعه شهری می‌توان بر این نکته تأکید کرد که توسعه باید دارای خصوصیات زیر باشد:

- ۱- توسعه باید تغییری در جهت بهبود شرایط برای اکثریت مردم باشد.
- ۲- مردمی که از توسعه سود می‌برند باید بیش از مردمی باشند که از آن متضرر می‌شوند.
- ۳- توسعه باید دست کم مردم را نسبت به تأمین حداقل نیازهای زندگی یا نیازهای ضروری زندگی مطمئن سازد.

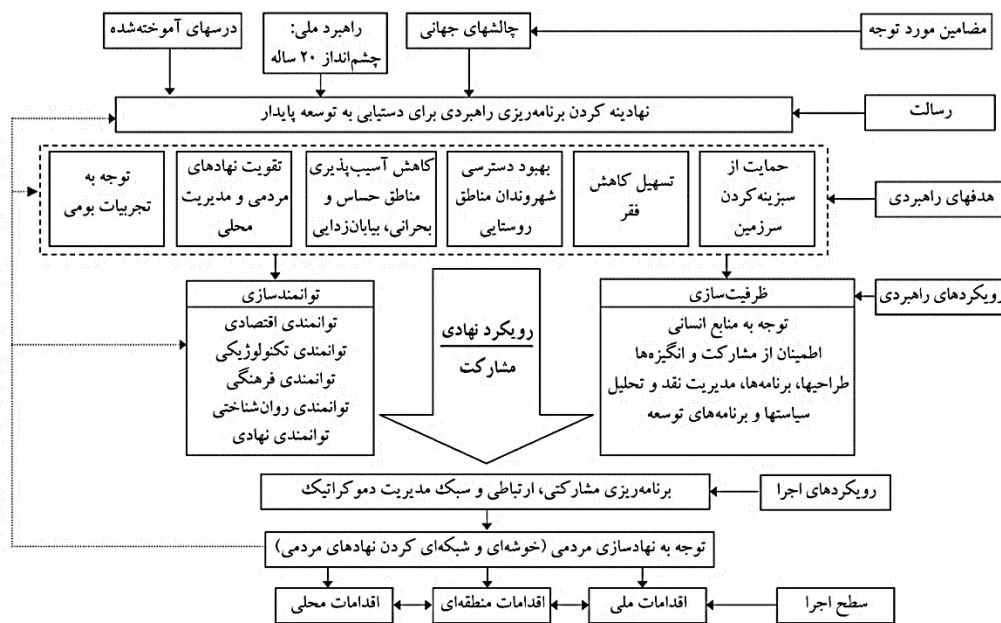
- ۴- توسعه باید باعث تشویق خودتکایی شود.
- ۵- توسعه باید با نیازهای مردم هماهنگی و مطابقت داشته باشد.
- ۶- توسعه باید بهبود طولانی و مستمر را به ارمغان آورد.
- ۷- توسعه نباید باعث تخریب محیط زیست طبیعی شود.

بنابراین هر الگوی نظری یا عملی که بتواند مجموعه خصوصیات مورد اشاره را در کنار هم تأمین کند یا حداقل دستیابی به تعداد بیشتری از این خصوصیات را مورد نظر داشته باشد، می‌تواند الگوی مناسب تری در رسیدن به اهداف توسعه باشد.

از طریق توسعه مناطق حاشیه‌ی (پیرامونی) همراه با شهرهای کوچکی که در این مناطق وجود دارد و ایجاد رابطه متعادل بین شهرها و روستاها می‌توان این امکان را فراهم کرد که مردم بر اساس خواست و ترجیح خود زندگی در مراکز شهرها و یا مناطق پیرامونی را برگزینند و در واقع هدف توسعه ایجاد الگویی جایگزین در مقابل زندگی تنگدست شهری است که مردمی که در آن زندگی می‌کنند آن را برای زندگی برگزیده باشند و نه از روی ناچاری خود را ناگزیر از اقامت در آن ببینند.

نکته دیگری که در خصوص مفهوم توسعه روستایی گفتنی است، این است که نباید توسعه به مفهوم فرایندی در جهت تبدیل جوامع روستایی به زندگی شهری که در بعضی موارد به مفهوم مدرنیزاسیون گرفته می‌شود، تلقی شود. بلکه جامعه روستایی گزینه‌ای در مقابل جامعه شهری - صنعتی مطرح می‌شود و تأکید بر این موضوع است که جز استراتژی شهری - صنعتی راه دیگری هم برای زندگی بشر وجود دارد و مناطق روستایی دارای امکاناتی برای این منظور هستند. در این میان دولت به عنوان عامل ترکیب کننده و متعادل کننده نقش کلیدی و مؤثری دارد. نقشی که میزان دخالت آن اندازه‌ای بهینه دارد، نه کمتر و نه بیشتر.

یکی از نظریه‌های مهم در دیدگاه توسعه مبتنی بر رشد اقتصادی، نظریه رخنه به پایین^۱ است. طبق این دیدگاه منافع حاصل از توسعه در طبقات جامعه از طریق افزایش اشتغال، پاره‌ای اقدامات مالیاتی در جهت توزیع درآمدها و سلامت و ثبات کلی اقتصاد به سوی طبقات پایین‌تر جامعه نیز جریان می‌یابد؛ اما در واقع چنین جریانی در کشورهای در حال توسعه روی نداده و آنچه روی داده کاملاً بر خلاف این نظریه بوده است. آن گونه که آدلمن^۲ اشاره دارد، منافع حاصل از توسعه تعداد جمعیت آنها و ناپایداری ارتباط مستقیمی وجود دارد؛ برای مثال شهرهای بزرگ‌تر با مسائل زیست محیطی بزرگ‌تر همچون، آلودگی هوا و آب و مناطق روستایی با جمعیت بیشتر و متراکم‌تر با تخریب سریع‌تر و تهی شدن منابع طبیعی روبه رو هستند.



نمودار ۵-۱- الگوی راهبردی توسعه با رویکرد نهادگرایی

¹ trickle down

² Adelman

جایگاه مردم و جامعه در توسعه پایدار اتکای اساسی رهیافت توسعه پایدار، جامعه مدنی^۱ است و آن در واقع نهادهای مستقل و خودجوش و مختاری است که فضای بین دولت متمرکز و افراد پراکنده را پر می‌کند و اختیارات را با پاسخگویی مسئولان و مشارکت مردم همراه می‌سازد. جامعه مدنی بر بستر زیست منطقه^۲ یا حوزه محیط طبیعی، تأکید بر این نظریه برای نیل به توسعه، اصالت دادن به روابط بوم‌شناسانه و روح همیاری اجتماعی و یکپارچگی نیازهای مادی و معنوی است. اگر بپذیریم که مردم و اجتماع انسانها بدنه اصلی و بطن توسعه‌ای همه‌جانبه، فراگیر و پایدار را تشکیل می‌دهند، توجه به این نکته نیز ضروری است که مردم در این چنین الگویی باید به مفهوم بسیط آن در نظر گرفته شوند؛ یعنی در چنین الگویی باید اکثریت ممکن مردم با وجود گوناگونی و تنوع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... درگیر شوند و نه تنها مفهوم کمی مردم و اجتماع باید مورد نظر باشد، بلکه تمامی داشته‌ها و دستاوردهای این مردم نیز باید مورد توجه قرار گیرند؛ چرا که مردم در ارتباط متقابل خود با محیط زیست طبیعی و انسانی در طول زمان به مجموعه‌ای از تجارب و سازگاریها دست یافته‌اند که به صورت سازمانهای مختلف تولیدی، اجتماعی و فرهنگی و در قالب نظامهای اجتماعی، اقتصادی، عرف محلی و دانش بومی تبلور یافته است. در بسیاری از موارد کلید پایداری توسعه و دستیابی به توسعه‌ای منطبق با شرایط زیست محیطی و انسانی، در توجه به همین فرهنگ بومی و دستاوردهای آن نهفته است. بنابراین با توجه به جایگاه و نقشی که مردم در توسعه پایدار انسانی می‌یابند و در رابطه با انسانی بودن و پایدار بودن توسعه باید از چند زاویه به مردم توجه شود که از بعد کمی جمعیت انسانها و جوامع و از بعد کیفی توزیع آثار توسعه و فرصتها، فقر، کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی و اقتصادی است. مدیریت فرایند به کارگیری موثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی سازماندهی بسیج منابع و امکانات هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد. مدیریت علم به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع انسانی و مادی بر مبنای یک نظام ارزشی پذیرفته شده است که از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل عملیات برای دستیابی به اهداف تعیین شده صورت می‌گیرد.

مدیریت خوب منعکس‌کننده استفاده و توزیع مناسب منابع عمومی در محیط رقابت‌آمیز و در حال تغییر کردن مداوم است. شیوه‌ای است که در آن عملکردهای سازمانی باید بر بهبود مکانیزم‌های سازمانی نظیر رهبری، تنظیم اصول اجرایی و عملیاتی روشن، کیفیت سیستم‌های کنترل و پاسخگویی تأکید کنند. لازم به ذکر است، شهرها همیشه مدیریت شده‌اند، با وجود این، مورد توجه قرار گرفتن مدیریت شهری در مطالعات توسعه در طی چند دهه اخیر به آن جایگاه ویژه‌ای داده است. این رویکرد در جهان در حال توسعه به طرز گسترده‌ای به کار رفته است، به ویژه با استقرار برنامه مدیریت شهری^۳ در سال ۱۹۸۶ و با

^۱ civil society

^۲ bio-region

^۳ UMP

همکاری بانک جهانی، برنامه توسعه سازمان ملل^۱ و مرکز سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل^۲ حمایت رسمی و بین‌المللی به خود جلب کرده است. اگر شهر به عنوان یک سازمان در نظر گرفته شود، در رأس آن عنصری برای برنامه‌ریزی آینده و اداری امور شهر قرار می‌گیرد که این عنصر مدیریت شهری است. به عبارت دیگر «مدیریت شهری را می‌توان سازمانی فراگیر و در بر گیرنده اجزای رسمی و غیر رسمی موثر و کارآمدی دانست که در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهر تاثیر دارند و با ماهیت چند عملکردی در حوزه سیاست‌گذاری برنامه‌ریزی و اجرا بر آن هستند تا به اداره، هدایت، کنترل و توسعه همه جانبه و پایدار شهر بپردازند و افزایش کیفیت زندگی شهروندان و رفاه شهروندی را محقق گردانند». مدیریت شهری عبارت از سازماندهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیازهای ساکنان شهر است. یکی از عوامل بسیار مهمی که تاثیر فزاینده و تعیین‌کننده‌ای بر عوامل سازنده شهری دارد، مدیریت شهری است و هر فعالیت اجتماعی بدون وجود مدیریت سازمان یافته‌ای که فعالیت را هماهنگ سازد، از هم می‌پاشد. وظایف مدیر شهر راهبری، هماهنگ کردن وظایف و نظارت می‌باشد در هدایت نظام مدیریت شهری باید انعطاف پذیری و ضرورت تعالی مطرح باشد. امور مالی، مهمترین مساله نظام مدیریت شهری است. مدیریت درست و عقلانی باید اطلاعات دقیق را قبل از اخذ هر گونه تصمیمی تهیه کند و به مشارکت توجه شایانی داشته باشد. در واقع در تعاریف کل نگر، مدیریت شهری از مفهوم صرف اداره امور فراتر می‌رود و با ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیوند می‌یابد و نقش فعال تری در توسعه شهری پیدا می‌کند. در این نگرش مدیریت شهری مسئولیتی استراتژیک تلقی می‌شود که ضرورت با نتایج و پیامدهای عملیاتی نیز همراه است و به همین دلیل تعامل فعال آن با حوزه‌های قدرت، سیاست، اجتماع و اقتصاد شهری اجتناب ناپذیر است.

حکمروایی منطقه‌ای و کلان شهری را می‌توان با لزوم همکاری بخش‌های خصوصی و عمومی در مقیاس منطقه‌ای و در چارچوب اشکال متنوع شراکت اجتماعات محلی، حکومت و بخش‌های اقتصادی توصیف کرد (Daramola, 2018). مدیریت شهری نوین عبارت است از اداره امور شهر در سطوح محله، ناحیه، منطقه و محدوده شهر به صورتی که نه تنها منجر به توسعه همه جانبه و فراگیر شهر شود بلکه زیربنای توسعه پایدار منطقه‌ای را نیز فراهم آورد. (با در نظر داشتن و تابعیت از اهداف و سیاست‌های کلان اقتصادی و اجتماعی کشور). وظایف مدیریت شهری وظایف مدیریت شهری بسیار متنوع است و تقریباً شامل تمام عواملی که برای زندگی شهری و رفاه شهروندان در این زندگی لازم است می‌شود. وظایف کنونی مدیریت شهری صرف نظر از تنوع نظام‌های اجتماعی و سیاسی عبارت است از:

- برنامه‌ریزی شهری (تهیه نقشه‌های شهری، نوسازی و بهسازی و برنامه‌ریزی تاب‌آوری)
- وظایف عمرانی (ساخت خیابانها و جاده‌ها و غیره)
- وظایف خدماتی (تأمین آب و برق)

¹ UNDP

² UNCHS

- تأمین بهداشت شهری (جمع‌آوری و دفع زباله و غیره)
- خدمات اجتماعی (ایجاد اجتماع تاب آور، ساخت بیمارستان و پرورشگاه و غیره)
- وظایف ایمنی (مدیریت بحران، مبارزه با آتش سوزی و حوادث غیر مترقبه)
- وظایف فرهنگی ایجاد کتابخانه و نمایشگاه، سینما و غیره)
- ارتقای محیط زیست شهری (پارک و فضای سبز)
- وظایف نظارتی (نظارت بر امور ساختمانی و شهرداری).

امروزه با سرعت گرفتن شهر نشینی و پدید آمدن کلان شهرها در سطح جهان و مشکلات اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و بحران‌های شهری که برای شهرها به وجود آمده است، می‌توان چهار وظیفه برای مدیریت شهری بیان کرد:

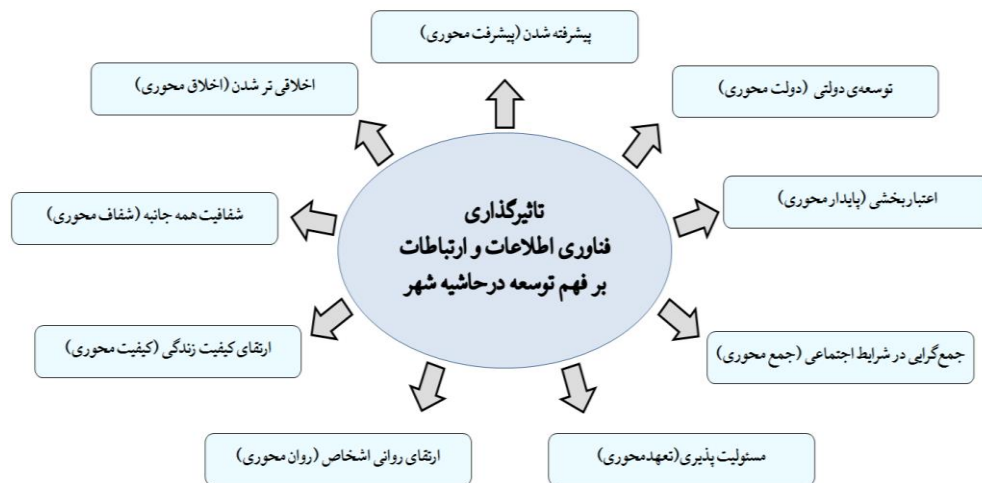
- ۱- مدیریت و بهبود سرمایه گذاری‌های زیربنایی.
 - ۲- ارائه و توزیع خدمات اجتماعی.
 - ۳- ارتقاء رشد اقتصادی و بهبود شرایط زندگی مردم.
 - ۴- برنامه‌ریزی استراتژیک.
- برای انجام درست این وظایف به تغییرات و بازنگری اساسی، تشکیلات غیر متمرکز، توسعه منابع جدید، آموزش و تعلیم نیروی انسانی نیاز است. از جمله عواملی که بازنگری در وظایف مدیریت شهری را ضروری کرده است:

- عدم حضور و مشارکت مردم (به عنوان یک عامل بسیار مهم و پررنگ در مدیریت شهری)
 - وجود شکاف در برنامه‌ریزی و فعالیت میان سازمان‌های محلی و دولت مرکزی
 - وجود شکاف در برنامه‌ریزی و فعالیت میان بخش‌های مختلف یک شهرداری
 - کارایی ضعیف و وابسته بودن شهرداری
 - نبود بودجه کافی و وابستگی شهرداری به دولت مرکزی برای تأمین این بودجه
 - شکاف میان سازمان‌های ارائه دهنده و توسعه دهنده خدمات.
- برای اینکه مجموعه این وظایف به درستی و در هماهنگی باهم انجام شود و شهر به سمت پایداری حرکت کند به یک مدیریت یکپارچه نیاز است. پس برای اینکه مدیریت یک شهر موفق باشد خط مشی‌ها باید بر پایه توسعه پایدار اجتماعی باشد و بهبود کیفیت زندگی آحاد شهروندان مورد توجه قرار گیرد.

۵-۲- جمع‌بندی

فناوری‌های جدید و ابزارهای ارتباطی اکنون در دسترس قرار گرفته‌اند و کارکرد شهرها و مدیریت شهری را دستخوش تغییر کرده‌اند. فناوری اطلاعات و ارتباطات، تأثیر بسزایی بر شیوه ارتباط شهروندان با مقام‌های مسئول داشته و همچنین سبب تغییر شیوه سازماندهی و آموزش ساکنان و مقام‌ها شده است. یافته‌های پژوهش نشان دادند که چگونه ابزارهای

ارتباطی گوناگون می‌توانند در مدیریت شهری مورد استفاده قرار گیرند. بی‌شک بهره‌گیری از کامپیوتر و سیستم‌های اطلاعاتی می‌تواند منجر به بهبود فرایند توسعه شهری شود و همچنین امکان مشارکت بیشتر شهروندان در اداره امور شهر فراهم می‌شود. فناوری‌های جدید موجب پیشرفت سریع اقتصاد محلی نیز می‌شوند. تلاش دانشگاه‌هایی که به مدیریت توسعه شهری پرداخته‌اند، از جمله دانشگاه اراسموس، آن بوده است که در قالب یک برنامه آموزش حرفه‌ای فشرده مدیریت شهری، نظریه و عمل را با هم ترکیب کرده و از آخرین نوآوری‌های فناوری اطلاعات به منظور حل و فصل مشکلاتی مانند برنامه ریزی، ثبت املاک و یا پایش امور عمومی بهره‌جویند. در این مراکز آموزشی تدریس مبانی سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و یکپارچه سازی و استفاده از سیستم‌های اطلاعات شهری، سابقه‌ای چندین ساله دارد. به تازگی، تجارب فراوانی با استفاده از فناوری اطلاعات و سیستم‌های اطلاعات شهری در پرداختن به مسائلی چون مراقبت‌های بهداشتی تا کنترل حمل و نقل کسب شده است. در این میان باید به ایجاد پایگاه داده مشترک، به روز داشتن آن و استفاده از آن در کاربردهای متنوع توجه ویژه شود. چالش اصلی طراحی یک سیستم اطلاعات شهری یکپارچه است که به تصمیم سازان شهری اجازه دهد پیامدهای تصمیم‌های خود را از قبل پیش بینی کرده، بتوانند نتیجه سیاست‌های اتخاذ شده و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده را پایش کنند. چنین سیستم اطلاعات شهری یکپارچه‌ای تنها مبین یک ابزار آموزشی قدرتمند نیست بلکه می‌تواند دارای ارزش کاربردی فراوان برای مدیران شهری باشد.



نمودار ۵-۲- مدل مفهومی فناوری بر توسعه در حاشیه شهر

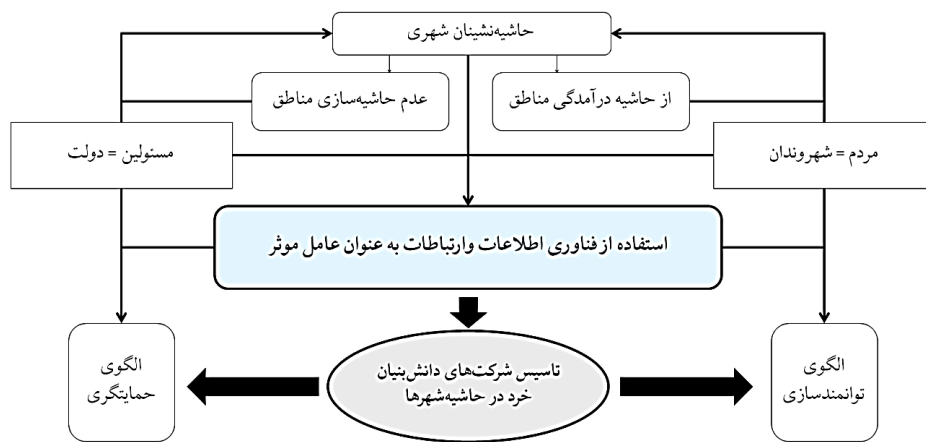
اکنون فناوری‌های جدید و ابزارهای ارتباطی در دسترس مدیران شهری در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه قرار گرفته‌اند. این مسئله سبب تغییر کارکرد اقتصاد شهری، شهرها و مدیریت شهری می‌شود. همچنین بر نحوه ارتباط میان شهروندان و مسئولان و روش آموزش و سازماندهی ساکنین و مقامات رسمی اثر خواهد گذارد. در این فصل توضیح داده خواهد شد چه فناوری‌های جدیدی را در ترکیب با سیستم اطلاعات شهری می‌توان به عنوان ابزاری برای مدیریت شهری به کار گرفت و چگونه ابزارهای ارتباطی برای مقاصد مدیریت شهری مورد استفاده قرار می‌گیرند. به طور قطعی بهره‌گیری از رایانه‌ها و سیستم‌های اطلاعاتی می‌تواند به بهبود

و ارتقای مدیریت شهری کمک کند. دسترسی به داده‌های دیجیتال سبب شفافیت بیشتر می‌شود و امکان تصمیم‌گیری مشارکتی در امور شهر را به کمک ساکنین و دیگر کنشگران فراهم می‌سازد. کامپیوترها می‌توانند به صورت گسترده‌ای آموزش شهروندان و تأمین اطلاعات موردنیاز مدیران شهری را تسهیل کنند.

در کشورهای درحال توسعه برای مدتی مدید دست اندرکاران امر توسعه تمایل چندانی به استفاده از سیستم‌های رایانه‌ای نشان نمی‌دادند و استفاده از این سیستمها تنها محدود به مواردی مشخص بود. از منظر آنان فناوری بسیار سرمایه بر بود و امکان آسیب‌پذیری بالایی داشت. برنامه‌ریزی و مدیریت شهری به شکل سنتی آن چندان از رایانه استفاده نمی‌کرد و فقط در تولید نقشه‌ها، ممیزی‌های زیرساختی متکی بر رایانه و یا نوشتن و تایپ متون و رسم نمودار از رایانه استفاده می‌شد. اکنون امکان کاربرد فناوری اطلاعات در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری توجه فراوانی را به خود جلب کرده و سبب شده تا این مسئله مورد بازبینی قرار گیرد و خود دلیلی موجه برای تغییر نگرش در این عرصه باشد. فناوری ارتباطات و اطلاعات می‌تواند از یک ایمیل تا ویدئو کنفرانس، اینترانت و اینترنت، آموزش از راه دور و یا پایگاه داده‌های الکترونیک را شامل شود. البته باید میان سیستم‌های مدیریت یکپارچه مبتنی بر رایانه و بهره‌گیری از رایانه برای بهبود کارکردهای حکومت‌های محلی در حوزه‌های خاص و منفرد تمایز قائل بود. در مورد دوم (یعنی استفاده از رایانه برای حل مشکلات خاص) می‌توان از ارتقای وضعیت مالیه شهرداریها، ثبت و جمع‌آوری مالیات و دیگر پایگاه داده‌هایی که می‌توانند در حل برخی از مشکلات مدیریت شهری مفید واقع شوند نام برد. برای درک اهمیت و جایگاه کاربردهای جدید فناوری اطلاعات و ارتباطات در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری می‌توان سه بحث عمده را در نظر گرفت. نخست آنکه رایانه‌ها را می‌توان در یکپارچه سازی مجموعه داده‌ها به کار گرفت که در صورت عدم استفاده از رایانه‌ها، این یکپارچه سازی در عمل بسیار مشکل خواهد بود. دوم آنکه می‌توان با استفاده از شبکه‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای به آسانی از بروز فساد جلوگیری کرد. در نهایت فناوری اطلاعات و ارتباطات امکان برخی جهشها را در مدیریت شهری فراهم می‌آورد.

تحلیل پاسخ‌های افراد پنج مؤلفه پیشرفته شدن، اخلاقی‌تر شدن، شفافیت همه جانبه، ارتقای کیفیت زندگی و ارتقای روانی اشخاص استخراج شد. در مؤلفه پیشرفته شدن یا پیشرفت مداری با پنج کد گذاری‌های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم توسعه مردمی، جدایی‌گزینی، دسترسی به محله، از بین رفتن محدودیت‌ها و گستردگی امکانات استوار هستند و همچنین در مؤلفه اخلاقی‌تر شدن یا اخلاق مداری با پنج کد گذاری‌های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم توسعه یعنی احترام، شکل‌گیری روابط اجتماعی، یادگیری مداوم، اهمیت نقش شهروندی و احترام به مردم استوار هستند و همچنین در مؤلفه شفافیت همه جانبه یا کیفیت مداری با چهار کد گذاری‌های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم متأثر شدن نسبت به اخبار، سرعت در خبر رسانی، آگاه و مطلع شدن و افزایش تعاملات اجتماعی استوار هستند و همچنین در مؤلفه ارتقای کیفیت زندگی یا روان مداری با پنج کد گذاری‌های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم راحتی خرید، تنوع در

انتخاب‌ها، داشتن سبک نوین، احساس راحتی و سهولت در دسترسی استوار هستند و در نهایت با مولفه ارتقای روانی اشخاص یا شفاف‌مداری با هفت کد گذاری‌های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم منزلت یعنی پول داشتن، از بین رفتن تضادها، سازگاری با محیط اجتماعی، حس اثربخشی، امید بخش بودن، رضایتمندی شخصی و اعتماد به نفس استوار هستند که در ادامه همین فصل توضیحات هر کدام و در زمینه مفصل‌بندی آنان با مقوله‌های میانه و مرکزی روشن خواهد شد. لازم به ذکر است که مقولات از پاسخ‌های مشارکت‌کنندگانی که در حاشیه شهر (حاشیه‌نشینان) مبتنی بر معنا و تقلی که از مفهوم توسعه داشتند استخراج شده است و مبتنی بر اظهارات آنان (کشف ساختمان فکری در زمینه توسعه) یک کنش مندی را برای خود متصور بودند که بر پایه ساختار الگوریتمی کد گذاری محوری (مقولات اصلی) برپایه مفاهیم مستخرج شده یعنی پیشرفت مداری، اخلاق مداری، کیفیت مداری، روان مداری و شفاف مداری بر روی یک سازه مرکزی این پنج مولفه را بهم پیوسته و در یک منظومه فکری (سامان منطقی مفاهیم مرتبط) قرار میدادند که با توجه به رویکرد رساله حاضر یعنی تاکید بر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ict) به جهت توسعه یابی مناطق و فهم افراد در این مناطق (مشارکت‌کنندگان حاشیه‌نشین) بر مبنای تاکید آن در مصاحبه شناسایی و نام گذاری شد؛ این سازه مرکزی که با توجه به عملیات کدگذاری اولیه و ثانویه (خرده مقولات و مقولات اصلی) میتوان در قسمت کد گذاری انتخابی (مقوله مرکزی) به آن اشاره کرد با عنوان شکلگیری منش قدرت‌مندانه شهری یک بسط تئوریک به جهت ارتباط منطقی با خرده مقولات و مقولات اصلی در فرایند کار میتوان مشاهده نمود.



نمودار ۵-۳- الگوی نهایی دستاورد پژوهش

پاسخ‌های افراد چهار مؤلفه توسعه دولتی، فتور در اعتبار بخشی، تک روی در شرایط اجتماعی، مسئولیت پذیری در حاشیه شهر استخراج شد. در مولفه توسعه دولتی یا دولت محوری با شش کد گذاری‌های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم نگاه اعتبار بخش، تامین کننده قدرت‌مند، توجه به کمبودهای، پوشش دادن امکانات، قيم مابانه، عامل بنیادی توسعه استوار هستند و همچنین در اعتبار بخشی یا پایدار محوری با شش کد گذاری‌های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم تحصیلات و آموزش پایین، طرد و نفی حاشیه، نادیده گرفته شدن، شغل‌های دست دوم (کهنه)، گسیختگی و انفصال محله و ناسازگاری بین مناطق (دوگانه‌سازی)

استوار هستند و همچنین در مولفه جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی یا جمع محوری با شش کد گذاری‌های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم کمبود قوانین جمعی، بی‌اعتمادی به مشارکت‌های دسته جمعی، تعهد کم به افراد محله، کم رنگ شدن ترس از نظارت دیگران، بیتفاوتی به محیط اجتماعی و نداشتن منافع مشترک با دیگران استوار هستند و در نهایت با مولفه مسئولیت‌پذیری یا تعهد محوری با هفت کد گذاری‌های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم فرایند و روال اداری، پیچیدگی در قانون گذاری، پالایش نظرات، سلسه مراتبی بودن، مولد و تولیدگر، روحیه ناسپاسی، حجم انبوه انتظارات استوار هستند که در ادامه همین فصل توضیحات هر کدام و در زمینه مفصل‌بندی آنان با مقوله‌های میانه و مرکزی روشن خواهد شد. لازم به ذکر است که مقولات از پاسخ‌های مشارکت‌کنندگانی که مسئولیتی در حاشیه شهر برعهده داشتند مبتنی بر معنا و تقلی که آنان از مفهوم توسعه و چرایی توسعه نیافتگی که در ذهن خود داشتند استخراج شده است و مبتنی بر اظهارات آنان (کشف ساختمان فکری در زمینه توسعه) یک کنش مندی را برای خود متصور بودند که بر پایه ساختار الگوریتمی کد گذاری محوری (مقولات اصلی) برپایه مفاهیم مستخرج شده یعنی دولت محوری، ناپایدار محوری، فرد محوری و نامتعهد محوری بر روی یک سازه مرکزی این پنج مولفه را بهم پیوسته و در یک منظومه فکری (سامان منطقی مفاهیم مرتبط) قرار میدادند که با توجه به رویکرد رساله حاضر یعنی تاکید بر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ict) به جهت توسعه یابی مناطق و فهم افراد در این مناطق (مشارکت‌کنندگان حاشیه نشین) بر مبنای تاکید آن در مصاحبه شناسایی و نام گذاری شد؛ این سازه مرکزی که با توجه به عملیات کدگذاری اولیه و ثانویه (خرده مقولات و مقولات اصلی) میتوان در قسمت کد گذاری انتخابی (مقوله مرکزی) به آن اشاره کرد با عنوان فهم تک ساحتی از توسعه یک بسط تئوریک به جهت ارتباط منطقی با خرده مقولات و مقولات اصلی در فرایند کار میتوان مشاهده نمود.

۳-۵- پیشنهادات کاربردی

- ضرورت توجه به فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در حاشیه و پیرامون شهرها امکان‌های الکترونیکی و تجهیز محلات به اینترنت پر سرعت و تلاش برای اقدامات کاهنده فقر غیراقتصادی توسط سازمان‌ها و نهادهای ذیربط با توجه به الگوهای غیر اقتصادی فقر در پژوهش حاضر و ابعادی مانند فقر بهداشتی و سلامتی.

- تاسیس شرکت‌های دانش بنیان خرد در حاشیه شهرها جهت روان سازی و بهسازی حاشیه شهری -اعطای اعتبارات خرد محلی، جهت تجهیز ساختن موسسات دانش بنیان به جای سیستم نظام مند و هدف گذاری شده‌ی اعطای اعتبارات فعلی با توجه به تجربه‌ی موفق سایر کشورها در این زمینه. در این راستا، استفاده از ظرفیت‌های محلی و ایجاد نظام درون زاد تأمین مالی و تقویت منابع مالی در شکل محلی و به صورت پایدار توصیه می‌گردد.

- ایجاد اعتبار بخشی و معتبر سازی حاشیه شهر با ایجاد امکانات اولیه برای زندگی توجه به جنسیت در سیاست‌های رفاهی با توجه به مسائل خاص زنان فقیر مانند شرایط شغلی و درآمدی نامناسب، کمبود مهارت‌ها، عدم بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی مناسب، قرار گرفتن در معرض خشونت خانگی، اعتیاد شوهر، به زندان رفتن شوهر، نگهداری از کودکان و بیماران به تنهایی و غیره.
- تصمیم‌سازی و مدیریت بخش پیرامون شهر به شکل تخصصی با ایجاد مرکز رصد در شهرداری و ساخت کارگروه افزایش کیفیت زندگی با حضور متخصصان حاشیه شهر و کارگروه‌های تخصصی
- ایجاد پژوهشکده توسعه حاشیه شهری و توسعه ساختار شهر جهت ارائه طرح‌ها و برنامه‌های توسعه‌ی مختص در حاشیه و اسکان غیر رسمی.
- ایجاد ساختار توانبخشی (تاسیس مراکز مدیریت حاشیه شهری) و حمایت محوری (اعتا و ام‌های بلند مدت و تسهیلات خرید مسکن و تجهیزات) به وسیله عضویت در موسسات دانش بنیان.
- حمایت‌های روانی و روحی برای مردم حاشیه شهر به شکل جدی توسط سازمان‌های بهزیستی و کمیته امداد جدی گرفته شود.

۵-۴- پیشنهادات موضوعی

- انجام پژوهش‌های به روش مدل‌سازی عامل بنیان^۱ یا همان شبیه‌سازی عامل بنیان^۲ در حاشیه شهر به نوعی از مدل‌سازی محاسباتی^۳ استفاده شود که امکان مدل‌سازی یک سیستم را از پایین به بالا^۴ میسر بسازد.
- انجام پژوهش‌هایی که درک معنای فقر را در حاشیه شهر نشان دهد در واقع افراد در وضعیت تنگدستی رفتارها و اعمال‌های را انجام می‌دهند که ساختار اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.
- انجام پژوهش‌هایی جهت شناسایی استراتژی‌های طبقه متوسط، متوسط رو به پایین و متوسط رو به بالا جهت جلوگیری از فرو افتادگی در حاشیه شهر با توجه به بحران‌های اقتصادی حاضر.
- انجام پژوهش‌هایی جهت شناسایی استراتژی‌های به کار گرفته شده در حاشیه شهر جهت بهبود موقعیت طبقاتی خود و خروج از موقعیت حاشیه نشینی.
- انجام پژوهش‌هایی جهت شناسایی تفاوت‌های مناطق حاشیه نشین و به حاشیه رانده شده‌گان شهری.

۵-۵- محدودیت‌های تحقیق

مواجه شدن با دوران کرونا منجر به سخت بودن مراجعه حضوری به مناطق حاشیه‌ای شهر رشت با توجه به مسائل بهداشتی گردید، امری که موجب شد فرایند جمع‌آوری مصاحبه طولانی شود در عین حال سعی شد دقت و بررسی

¹ Agent-based model

² Agent-Based Simulation

³ Computational modeling

⁴Bottom-up

و مراجعه چند باره صورت پذیرد، در هنگام مصاحبه عمیق بعد از چند بار مراجعه در افراد اعتماد سازی شکل می‌گرفت و پرسش شونده را شخصی بیرونی نمی‌پنداشتند. به علاوه، شدت یافتن گاه و بیگاه ویروس کرونا، موجب کند شدن روند بخش کمی که به صورت پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه بود، شد. همچنین پخش پرسشنامه در حاشیه شهر به دشواری صورت می‌پذیرفت اکثریت در قبال پر کردن پرسشنامه درخواست مبلغی می‌کردند که سعی شد هدیه‌ی مناسب تهیه شود تا بعد از تکمیل پرسشنامه اهدا گردد؛ به علاوه، مدیران و مسئولین شهری برای مصاحبه کردن محدودیت‌های زیادی داشتن بدین جهت چندبار با هماهنگی اساتید محترم دانشگاه گیلان و رایزنی چند باره با برخی از مدیران کل‌ها دیدار صورت پذیرفت آن هم تاکید داشتند به هیچ وجه موضوع رسانه‌ی (عدم پخش مصاحبه در روزنامه و تلویزیون) نشود. نمایندگان محترم مردم استان گیلان در مجلس شورای اسلامی به سختی وقت مصاحبه را معین می‌کردند به شکلی که بارها تعیین زمان مصاحبه را به تأخیر انداختن و روند جمع‌آوری داده را با دشواری همراه ساختند در عین حال از عدم افشای نام و اطلاعات آن بدون هماهنگی آنان درخواست کردند که اطمینان داده شد بدون هماهنگی آنان کلماتشان در رسانه‌های عمومی افشا نمی‌شود.

فهرست منابع

- پوررجبی. میلاد؛ مجدی. علی اکبر (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی در مناطق حاشیه نشین شهر مشهد. فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان. دوره ۱۳. شماره ۵۲. شماره صفحات: ۳۵-۶۰.
- پوررمضان؛ عیسی (۱۳۹۹). تحلیل میزان مشارکت جامعه محلی در توسعه سکونتگاه‌های پیراشهری مورد: خشکی‌بجار در شهرستان رشت. فصلنامه توسعه فضاهای پیراشهری. دوره ۲. شماره ۲. شماره صفحات: ۹۵-۱۱۰.
- علینقی پور. مریم؛ پوررمضان. عیسی؛ مولائی. هشجین نصراله (۱۴۰۰). تبیین زیست پذیری سکونتگاه‌های روستایی پیرامون کلانشهر رشت. فصلنامه توسعه فضاهای پیراشهری. دوره ۳. شماره ۶. شماره صفحات: ۱۰۷-۱۲۸.
- نصیری هندخاله. اسماعیل؛ امیرانتخابی. شهرام؛ تاج. سروش (۱۴۰۰). پایش زیست پذیری سکونتگاه‌های ناکارآمد پیراشهری کلانشهر رشت مورد محله عینک. فصلنامه توسعه فضاهای پیراشهری. دوره ۳. شماره ۶. شماره صفحات: ۱۲۹-۱۴۶.
- Benites, A. J., & Simões, A. F. (2021). Assessing the urban sustainable development strategy: An application of a smart city services sustainability taxonomy. *Ecological Indicators*, 127, 107734. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2021.107734>
- Bevan, A., & Wilson, A. (2013). Models of settlement hierarchy based on partial evidence. *Journal of Archaeological Science*, 40(5), 2415-2427. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jas.2012.12.025>
- Bhatti, A. H. U., Kazmi, S. A. A., Tariq, A., & Ali, G. (2021). Development and analysis of electric vehicle driving cycle for hilly urban areas. *Transportation Research Part D: Transport and Environment*, 99, 103025. doi:<https://doi.org/10.1016/j.trd.2021.103025>
- Bhuyan, M. R., Lane, A. P., Moogoor, A., Močnik, Š., & Yuen, B. (2020). Meaning of age-friendly neighbourhood: An exploratory study with older adults and key informants in Singapore. *Cities*, 107, 102940. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102940>
- Büchel, K., & Ehrlich, M. v. (2020). Cities and the structure of social interactions: Evidence from mobile phone data. *Journal of Urban Economics*, 119, 103276. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jue.2020.103276>
- Buzási, A., Pálvölgyi, T., & Csete, M. S. (2021). Assessment of climate change performance of urban development projects – Case of Budapest, Hungary. *Cities*, 114, 103215. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103215>
- Dalu, M. T. B., Shackleton, C. M., & Dalu, T. (2018). Influence of land cover, proximity to streams and household topographical location on flooding impact in informal settlements in the Eastern Cape, South Africa.

- International Journal of Disaster Risk Reduction*, 28, 481-490. doi:https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2017.12.009
- Daniels, R. H. (2021). Spatio-temporal modelling of informal settlement growth using a hybrid GIS and CA-Markov model.
 - Dotsey, S., & Lumley-Sapanski, A. (2021). Temporality, refugees, and housing: The effects of temporary assistance on refugee housing outcomes in Italy. *Cities*, 111, 103100. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.103100
 - Klaus, J. (2020). Sharing property value losses: The spatial concentration of development rights as a way to limit urban sprawl. *Land Use Policy*, 94, 104540. doi:https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104540
 - Zhao, X., Zhao, X., Yu, Q., Ye, Y., & Yu, M. (2020). Development of a representative urban driving cycle construction methodology for electric vehicles: A case study in Xi'an. *Transportation Research Part D: Transport and Environment*, 81, 102279. doi:https://doi.org/10.1016/j.trd.2020.102279
 - Abass, A. S., & Kucukmehmetoglu, M. (2021). Transforming slums in Ghana: The urban regeneration approach. *Cities*, 116, 103284. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103284
 - Abdi, M. H., & Lamíquiz Daudén, F. J. (2021). Understanding transportation prerequisites to be integrated with urban development in developing countries: Iran as a Case. *Transportation Research Procedia*, 58, 370-376. doi:https://doi.org/10.1016/j.trpro.2021.11.050
 - Abdulai, M., Roosalu, T., & Wagoner, B. (2021). Cultural barriers and enablers of integrating educational migrants from the Global South: The case of graduate students in Europe. *International Journal of Educational Development*, 86, 102479. doi:https://doi.org/10.1016/j.ijedudev.2021.102479
 - AbouKorin, S. A. A., Han, H., & Mahran, M. G. N. (2021). Role of urban planning characteristics in forming pandemic resilient cities – Case study of Covid-19 impacts on European cities within England, Germany and Italy. *Cities*, 118, 103324. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103324
 - Acharjee, A., & Sarkar, P. P. (2021). Influence of attitude on bicycle users and non-users: A case study of Agartala City, India. *Transportation Research Part D: Transport and Environment*, 97, 102905. doi:https://doi.org/10.1016/j.trd.2021.102905
 - Adinarayana, B., & Mir, M. S. (2020). Development of Bicycle Safety Index Models for Safety of Bicycle Flow at 3-Legged Junctions on Urban Roads under Mixed Traffic Conditions. *Transportation Research Procedia*, 48, 1227-1243. doi:https://doi.org/10.1016/j.trpro.2020.08.145
 - Adkins, D., & Moulaison Sandy, H. (2020). Information behavior and ICT use of Latina immigrants to the U.S. Midwest. *Information Processing & Management*, 57(3), 102072. doi:https://doi.org/10.1016/j.ipm.2019.102072

- Adolfsson, P., Lindblad, J., & Peacock, S. (2021). Translations of sustainability in urban planning documents — A longitudinal study of comprehensive plans in three European cities. *Cities*, *119*, 103360. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103360>
- Afshoun, M., Moftakhari, H., & Talebzadeh, P. P. (2012). A Study on the Motivations of the Arabs Invasion of the Southern Province of Iran. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, *46*, 108-110. doi:<https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.05.076>
- Agheyisi, J. E. (2016). Evaluating the conformity of informal land subdivision with the planning law in Benin metropolis. *Land Use Policy*, *59*, 602-612. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2016.09.025>
- Agriesti, S., Brevi, F., Gandini, P., Marchionni, G., Parmar, R., Ponti, M., & Studer, L. (2020). Impact of Driverless Vehicles on Urban Environment and Future Mobility. *Transportation Research Procedia*, *49*, 44-59. doi:<https://doi.org/10.1016/j.trpro.2020.09.005>
- Agyemang, F. S. K., Silva, E., & Poku-Boansi, M. (2019). Understanding the urban spatial structure of Sub-Saharan African cities using the case of urban development patterns of a Ghanaian city-region. *Habitat International*, *85*, 21-33. doi:<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2019.02.001>
- Ahani, S., & Dadashpoor, H. (2021). A review of domains, approaches, methods and indicators in peri-urbanization literature. *Habitat International*, *114*, 102387. doi:<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2021.102387>
- Ahmed, Z. (2018). Explaining the unpredictability: A social capital perspective on ICT intervention. *International Journal of Information Management*, *38*(1), 175-186. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ijinfomgt.2017.09.002>
- Al-Emran, M., Mezhuyev, V., Kamaludin, A., & Shaalan, K. (2018). The impact of knowledge management processes on information systems: A systematic review. *International Journal of Information Management*, *43*, 173-187. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ijinfomgt.2018.08.001>
- Alamsyah, N., & Zhu, Y.-Q. (2022). We shall endure: Exploring the impact of government information quality and partisanship on citizens' well-being during the COVID-19 pandemic. *Government Information Quarterly*, *39*(1), 101646. doi:<https://doi.org/10.1016/j.giq.2021.101646>
- Alene, E. T. (2022). Determinant factors for the expansion of informal settlement in Gondar city, Northwest Ethiopia. *Journal of Urban Management*. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jum.2022.04.005>
- Alexander, J., Ehlers Smith, D. A., Ehlers Smith, Y. C., & Downs, C. T. (2021). Urban land development for biodiversity: suggested development and management guidelines for eco-estates using case studies from coastal KwaZulu-Natal, South Africa. *Urban Forestry & Urban Greening*, *65*, 127347. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ufug.2021.127347>
- Alfaro d'Alençon, P., Smith, H., Álvarez de Andrés, E., Cabrera, C., Fokdal, J., Lombard, M., . . . Spire, A. (2018). Interrogating informality:

- Conceptualisations, practices and policies in the light of the New Urban Agenda. *Habitat International*, 75, 59-66. doi:https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2018.04.007
- Ali-Toudert, F., Ji, L., Fährmann, L., & Czempik, S. (2020). Comprehensive Assessment Method for Sustainable Urban Development (CAMSUD) - A New Multi-Criteria System for Planning, Evaluation and Decision-Making. *Progress in Planning*, 140, 100430. doi:https://doi.org/10.1016/j.progress.2019.03.001
 - Alimo, P. K., Agyeman, S., Zankawah, S. M., Yu, C., Cheng, L., & Ma, W. (2022). Factors causing low demand for a suburban passenger train in Sekondi-Takoradi. *Journal of Transport Geography*, 98, 103268. doi:https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2021.103268
 - Allen, J., Farber, S., Greaves, S., Clifton, G., Wu, H., Sarkar, S., & Levinson, D. M. (2021). Immigrant settlement patterns, transit accessibility, and transit use. *Journal of Transport Geography*, 96, 103187. doi:https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2021.103187
 - Ambole, A., Musango, J. K., Buyana, K., Ogot, M., Anditi, C., Mwau, B., . . . Brent, A. C. (2019). Mediating household energy transitions through co-design in urban Kenya, Uganda and South Africa. *Energy Research & Social Science*, 55, 208-217. doi:https://doi.org/10.1016/j.erss.2019.05.009
 - Amponsah, O., Blija, D. K., Ayambire, R. A., Takyi, S. A., Mensah, H., & Braimah, I. (2022). Global urban sprawl containment strategies and their implications for rapidly urbanising cities in Ghana. *Land Use Policy*, 114, 105979. doi:https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2022.105979
 - An, B. Y., Butz, A. M., & Mitchell, J. L. (2022). A contingent diffusion model of local climate change policy adoption: Evidence from Southern California cities. *Cities*, 120, 103418. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103418
 - Anderson, V., & Gough, W. A. (2020). Evaluating the potential of nature-based solutions to reduce ozone, nitrogen dioxide, and carbon dioxide through a multi-type green infrastructure study in Ontario, Canada. *City and Environment Interactions*, 6, 100043. doi:https://doi.org/10.1016/j.cacint.2020.100043
 - Andreev, D. V., & Makarova, M. (2022). Development of Digital Technologies in the Transport Infrastructure of Yakutia. *Transportation Research Procedia*, 61, 426-430. doi:https://doi.org/10.1016/j.trpro.2022.01.069
 - Arbatli, C. E., & Gomtsyan, D. (2021). Sectarian aid, sanctions and subnational development. *European Economic Review*, 139, 103891. doi:https://doi.org/10.1016/j.euroecorev.2021.103891
 - Arnberger, A., Budruk, M., Schneider, I. E., & Wilhelm Stanis, S. A. (2022). Predicting place attachment among walkers in the urban context: The role of dogs, motivations, satisfaction, past experience and setting

- development. *Urban Forestry & Urban Greening*, 70, 127531. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ufug.2022.127531>
- Asibey, M. O., Poku-Boansi, M., & Adutwum, I. O. (2021). Residential segregation of ethnic minorities and sustainable city development. Case of Kumasi, Ghana. *Cities*, 116, 103297. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103297>
 - Audouin, C. (2022). The role of multi-level governance in branding medium-sized cities: the case of Nantes, France. *Cities*, 123, 103577. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103577>
 - Badia, H., & Jenelius, E. (2021). Design and operation of feeder systems in the era of automated and electric buses. *Transportation Research Part A: Policy and Practice*, 152, 146-172. doi:<https://doi.org/10.1016/j.tra.2021.07.015>
 - Bae, C., & Lee, D. K. (2020). Effects of low-impact development practices for flood events at the catchment scale in a highly developed urban area. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 44, 101412. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2019.101412>
 - Baghbanian, A., Safdari, R., Erfannia, L., & Zokaee, M. (2021). The medical tourism industry in Iran: A review of websites designed for cross-border patients. *Health Scope*, 10(1).
 - Bahmani, S., Hemmati, R., Moltaft, H., & Izadijairan, A. (2020). Understanding the Process of Emerging Experience of Slum Base on Grounded Theory (Case Study: Malashieh and Tal Bormi of Khuzestan). *Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development)*, 14(2), 127-158.
 - Basu, N., Haque, M. M., King, M., Kamruzzaman, M., & Oviedo-Trespalacios, O. (2021). The unequal gender effects of the suburban built environment on perceptions of security. *Journal of Transport & Health*, 23, 101243. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jth.2021.101243>
 - Benites, A. J., & Simões, A. F. (2021). Assessing the urban sustainable development strategy: An application of a smart city services sustainability taxonomy. *Ecological Indicators*, 127, 107734. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2021.107734>
 - Berezki, E. O., & Kárpáti, A. (2021). Technology-enhanced creativity: A multiple case study of digital technology-integration expert teachers' beliefs and practices. *Thinking Skills and Creativity*, 39, 100791. doi:<https://doi.org/10.1016/j.tsc.2021.100791>
 - Beshir, M., Mohamed, M., Welch, S., & Rush, D. (2021). Modelling the effects of boundary walls on the fire dynamics of informal settlement dwellings. *Fire Technology*, 57(4), 1753-1781.
 - Bevan, A., & Wilson, A. (2013). Models of settlement hierarchy based on partial evidence. *Journal of Archaeological Science*, 40(5), 2415-2427. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jas.2012.12.025>

- Bhatti, A. H. U., Kazmi, S. A. A., Tariq, A., & Ali, G. (2021). Development and analysis of electric vehicle driving cycle for hilly urban areas. *Transportation Research Part D: Transport and Environment*, *99*, 103025. doi:<https://doi.org/10.1016/j.trd.2021.103025>
- Bhuyan, M. R., Lane, A. P., Moogoor, A., Močnik, Š., & Yuen, B. (2020). Meaning of age-friendly neighbourhood: An exploratory study with older adults and key informants in Singapore. *Cities*, *107*, 102940. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102940>
- Bittencourt, T. A., & Giannotti, M. (2021). The unequal impacts of time, cost and transfer accessibility on cities, classes and races. *Cities*, *116*, 103257. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103257>
- Blaya, C. (2019). Cyberhate: A review and content analysis of intervention strategies. *Aggression and Violent Behavior*, *45*, 163-172. doi:<https://doi.org/10.1016/j.avb.2018.05.006>
- Boulange, C., Pettit, C., Gunn, L. D., Giles-Corti, B., & Badland, H. (2018). Improving planning analysis and decision making: The development and application of a Walkability Planning Support System. *Journal of Transport Geography*, *69*, 129-137. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2018.04.017>
- Brown, D., & McGranahan, G. (2016). The urban informal economy, local inclusion and achieving a global green transformation. *Habitat International*, *53*, 97-105. doi:<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2015.11.002>
- Büchel, K., & Ehrlich, M. v. (2020). Cities and the structure of social interactions: Evidence from mobile phone data. *Journal of Urban Economics*, *119*, 103276. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jue.2020.103276>
- Buzási, A., Pálvölgyi, T., & Csete, M. S. (2021). Assessment of climate change performance of urban development projects – Case of Budapest, Hungary. *Cities*, *114*, 103215. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103215>
- Carnemolla, P., Robinson, S., & Lay, K. (2021). Towards inclusive cities and social sustainability: A scoping review of initiatives to support the inclusion of people with intellectual disability in civic and social activities. *City, Culture and Society*, *25*, 100398. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ccs.2021.100398>
- Carpentieri, G., Papa, R., & Guida, C. (2022). Promoting integrated urban development. An application in Naples metropolitan area. *Transportation Research Procedia*, *60*, 488-495. doi:<https://doi.org/10.1016/j.trpro.2021.12.063>
- Carraro, V., Visconti, C., & Inzunza, S. (2021). Neoliberal urbanism and disaster vulnerability on the Chilean central coast. *Geoforum*, *121*, 83-92. doi:<https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2021.02.023>
- Carrese, S., Nigro, M., & Pallante, L. (2020). A procedure for optimizing hazardous materials transportation including road infrastructures?

- characteristics and door-to-door attempted deliveries. *Transportation Research Procedia*, 45, 317-324. doi:https://doi.org/10.1016/j.trpro.2020.03.022
- Carter, L., Yoon, V., & Liu, D. (2022). Analyzing e-government design science artifacts: A systematic literature review. *International Journal of Information Management*, 62, 102430. doi:https://doi.org/10.1016/j.ijinfomgt.2021.102430
 - Chahardowli, M., & Sajadzadeh, H. (2022). A strategic development model for regeneration of urban historical cores: A case study of the historical fabric of Hamedan City. *Land Use Policy*, 114, 105993. doi:https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2022.105993
 - Chakraborty, D., Bunch, D. S., Brownstone, D., Xu, B., & Tal, G. (2022). Plug-in electric vehicle diffusion in California: Role of exposure to new technology at home and work. *Transportation Research Part A: Policy and Practice*, 156, 133-151. doi:https://doi.org/10.1016/j.tra.2021.12.005
 - Cheliz, P. M., Bernardes Ladeira, F. S., Rodrigues, J. A., Fonseca Giannini, P. C., Do Nascimento Pupim, F., Desiree Mineli, T., & Rodrigues, R. A. (2021). Landscape evolution and unusual geomorphological-pedological-chronological relations in an alluvial plain associated with early Amerindian settlement in southeastern Brazil. *Quaternary International*, 601, 1-14. doi:https://doi.org/10.1016/j.quaint.2021.06.016
 - Chelleri, L., & Baravikova, A. (2021). Understandings of urban resilience meanings and principles across Europe. *Cities*, 108, 102985. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102985
 - Chelongar, K., & Ajami, S. (2021). Using active information and communication technology for elderly homecare services: A scoping review. *Home health care services quarterly*, 40(1), 93-104.
 - Chen, D., Cai, Y., Wang, X., Li, C., Yin, X., & Liu, Q. (2021). An inexact modeling approach for supporting water resources allocation under natural and social complexities in a border city of China and Myanmar. *Resources, Conservation and Recycling*, 168, 105245. doi:https://doi.org/10.1016/j.resconrec.2020.105245
 - Chen, Y. (2022). An extended patch-based cellular automaton to simulate horizontal and vertical urban growth under the shared socioeconomic pathways. *Computers, Environment and Urban Systems*, 91, 101727. doi:https://doi.org/10.1016/j.compenvurbsys.2021.101727
 - Cheng, D., Xue, Q., Hubacek, K., Fan, J., Shan, Y., Zhou, Y., . . . Zhang, X. (2022). Inclusive wealth index measuring sustainable development potentials for Chinese cities. *Global Environmental Change*, 72, 102417. doi:https://doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2021.102417
 - Cheng, J., Zhao, J., Zhu, D., Jiang, X., Zhang, H., & Zhang, Y. (2022). Land marketization and urban innovation capability: Evidence from China. *Habitat International*, 122, 102540. doi:https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2022.102540

- Chigudu, A. (2021). The Changing Institutional and Legislative Planning Framework of Zambia and Zimbabwe: Nuances for Urban Development. *Land Use Policy*, 100, 104941. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104941>
- Cicione, A., Wade, C., Spearpoint, M., Gibson, L., Walls, R., & Rush, D. (2021). A preliminary investigation to develop a semi-probabilistic model of informal settlement fire spread using B-RISK. *Fire Safety Journal*, 120, 103115.
- Cicione, A., Walls, R., Stevens, S., Sander, Z., Flores, N., Narayanan, V., & Rush, D. (2022). An experimental and numerical study on the effects of leakages and ventilation conditions on informal settlement fire dynamics. *Fire Technology*, 58(1), 217-250.
- Cicione, A., & Walls, R. S. (2021). Towards a simplified fire dynamic simulator model to analyse fire spread between multiple informal settlement dwellings based on full-scale experiments. *Fire and materials*, 45(6), 720-736.
- Cobbinah, P. B., Korah, P. I., Bardoe, J. B., Darkwah, R. M., & Nunbogu, A. M. (2022). Contested urban spaces in unplanned urbanization: Wetlands under siege. *Cities*, 121, 103489. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103489>
- Codosero Rodas, J. M., Castanho, R. A., Cabezas Fernández, J., & Naranjo Gómez, J. M. (2020). Sustainable valuation of land for development. Adding value with urban planning progress. A Spanish case study. *Land Use Policy*, 92, 104456. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2019.104456>
- Conway, D., Robinson, B., Mudimu, P., Chitekwe, T., Koranteng, K., & Swilling, M. (2019). Exploring hybrid models for universal access to basic solar energy services in informal settlements: Case studies from South Africa and Zimbabwe. *Energy Research & Social Science*, 56, 101202. doi:<https://doi.org/10.1016/j.erss.2019.05.012>
- Crane, C., & Malloy, M. (2021). The development of temporal-spatial meaning in personal recounts of beginning L2 writers of German. *System*, 99, 102498. doi:<https://doi.org/10.1016/j.system.2021.102498>
- Cui, X., Shen, Z., Li, Z., & Wu, J. (2021). Spatiotemporal evolutions and driving factors of green development performance of cities in the Yangtze River Economic Belt. *Ecological Informatics*, 66, 101476. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ecoinf.2021.101476>
- Dadashpoor, H., & Ahani, S. (2021). Explaining objective forces, driving forces, and causal mechanisms affecting the formation and expansion of the peri-urban areas: A critical realism approach. *Land Use Policy*, 102, 105232. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.105232>
- Dalu, M. T. B., Shackleton, C. M., & Dalu, T. (2018). Influence of land cover, proximity to streams and household topographical location on flooding impact in informal settlements in the Eastern Cape, South Africa.

- International Journal of Disaster Risk Reduction*, 28, 481-490.
doi:<https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2017.12.009>
- Daniels, R. H. (2021). Spatio-temporal modelling of informal settlement growth using a hybrid GIS and CA-Markov model.
 - Daramola, A. Y. (2018). Transport operations and sustainable development in the informal economy: The case of commercial motorcycles in Ibadan. *Cities*, 81, 101-107.
doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.03.019>
 - Debrunner, G., & Hartmann, T. (2020). Strategic use of land policy instruments for affordable housing – Coping with social challenges under scarce land conditions in Swiss cities. *Land Use Policy*, 99, 104993.
doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104993>
 - Dekel, T., Meir, A., & Alfasi, N. (2019). Formalizing infrastructures, civic networks and production of space: Bedouin informal settlements in Be'er-Sheva metropolis. *Land Use Policy*, 81, 91-99.
doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2018.09.041>
 - Denis, M., Cysek-Pawlak, M. M., Krzysztofik, S., & Majewska, A. (2021). Sustainable and vibrant cities. Opportunities and threats to the development of Polish cities. *Cities*, 109, 103014.
doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.103014>
 - Dijkstra, I., & Horstman, K. (2021). 'Known to be unhealthy': Exploring how social epidemiological research constructs the category of low socioeconomic status. *Social Science & Medicine*, 285, 114263.
doi:<https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2021.114263>
 - Dipeolu, A. A., Ibem, E. O., & Fadamiro, J. A. (2021). Determinants of residents' preferences for Urban Green infrastructure in Nigeria: Evidence from Lagos Metropolis. *Urban Forestry & Urban Greening*, 57, 126931.
doi:<https://doi.org/10.1016/j.ufug.2020.126931>
 - Djoumessi, Y. F., & Eyike Mbongo, L. d. B. (2022). An analysis of information Communication Technologies for natural disaster management in Africa. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 68, 102722.
doi:<https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2021.102722>
 - Dobruszkes, F., Grippa, T., Hanaoka, S., Loko, Y., Redondi, R., Vowles, T., & Wang, J. (2021). Multiple-airport systems: The (re)development of older airports in view of noise pollution issues. *Transport Policy*, 114, 298-311. doi:<https://doi.org/10.1016/j.tranpol.2021.10.013>
 - Dotsey, S., & Lumley-Sapanski, A. (2021). Temporality, refugees, and housing: The effects of temporary assistance on refugee housing outcomes in Italy. *Cities*, 111, 103100.
doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.103100>
 - Dovey, K., Shafique, T., van Oostrum, M., & Chatterjee, I. (2021). Informal settlement is not a euphemism for 'slum': what's at stake beyond the language? *International Development Planning Review*, 43(2).

- Dowlatabadi, H., Mehri, E., & Tajabadi, A. (2014). Politeness Strategies in Conversation Exchange: The Case of Council for Dispute Settlement in Iran. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 98, 411-419. doi:<https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.03.434>
- Downs, S. M., Fox, E. L., Zivkovic, A., Mavros, T., Sabbahi, M., Merchant, E. V., . . . Kimenju, S. (2022). Drivers of food choice among women living in informal settlements in Nairobi, Kenya. *Appetite*, 168, 105748. doi:<https://doi.org/10.1016/j.appet.2021.105748>
- Drakaki, M., Gören, H. G., & Tzionas, P. (2018). An intelligent multi-agent based decision support system for refugee settlement siting. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 31, 576-588. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ijdr.2018.06.013>
- Drennan, R. D., & Dai, X. (2010). Chiefdoms and states in the Yuncheng Basin and the Chifeng region: A comparative analysis of settlement systems in North China. *Journal of Anthropological Archaeology*, 29(4), 455-468. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jaa.2010.09.001>
- Dyer, C., & Echessa, E. (2019). Sustaining learner participation and progression through networked schooling: A systemic approach for Mobile Out of School Children. *International Journal of Educational Development*, 64, 8-16. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ijedudev.2018.11.002>
- Ebrahimi, S., & Gangi Khezerlak, A. (2015). Comparative study of information and communication technology development strategies in primary education of America, Australia and Iran. *International Journal of Basic Sciences & Applied Research*, 4(1), 1-5.
- Ecker, Y., & Strüver, A. (2022). Towards alternative platform futures in post-pandemic cities? A case study on platformization and changing socio-spatial relations in on-demand food delivery. *Digital Geography and Society*, 3, 100032. doi:<https://doi.org/10.1016/j.diggeo.2022.100032>
- Eimermann, M., & Kordel, S. (2018). International lifestyle migrant entrepreneurs in two New Immigration Destinations: Understanding their evolving mix of embeddedness. *Journal of Rural Studies*, 64, 241-252. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2018.04.007>
- El-Dorghamy, A., & Mosa, A. I. (2016). Exploring Children's Travel to School in Upgraded Informal Settlements: A Qualitative Case Study of Ezbet El-Haggana. *Transportation Research Procedia*, 14, 1277-1286. doi:<https://doi.org/10.1016/j.trpro.2016.05.200>
- Esposito, G., Clement, J., Mora, L., & Crutzen, N. (2021). One size does not fit all: Framing smart city policy narratives within regional socio-economic contexts in Brussels and Wallonia. *Cities*, 118, 103329. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103329>
- Essounga, A. R. N., & Njiei, A. F. (2021). Urban development interventions and living conditions in the informal settlement of Yaounde. *Technium Soc. Sci. J.*, 21, 709.

- Falco, E., Zambrano-Verratti, J., & Kleinhans, R. (2019). Web-based participatory mapping in informal settlements: The slums of Caracas, Venezuela. *Habitat International*, 94, 102038. doi:https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2019.102038
- Faraji Sabokbar, H., & Hosseini, A. (2021). Spatial heterogeneity modeling of city prosperity using GWt-test: The case study of Tehran. *Habitat International*, 109, 102325. doi:https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2021.102325
- Foa, R. S., & Nemirovskaya, A. (2019). Frontier settlement and the spatial variation of civic institutions. *Political Geography*, 73, 112-122. doi:https://doi.org/10.1016/j.polgeo.2019.05.013
- Foord, D., & McLaughlin, J. D. (2019). Embedded research in energy innovation: An examination of cases and theories of knowledge creation for power generation and lighting technologies. *Energy Research & Social Science*, 56, 101211. doi:https://doi.org/10.1016/j.erss.2019.05.021
- Fotros, M. H., Sobhani, S., Haji, G., & Torkamani, E. (2022). The Impact of Information and Communication Technology (ICT) on Informal Employment in Iran: DSGE Approach. *Journal of Applied Economics Studies in Iran*.
- Fuhrmann, M. (2019). Spatial, social and economical dynamic of contemporary Warsaw – City profile. *Cities*, 94, 286-295. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.05.012
- Galway, L. P., Deck, E., Carastathis, J., & Sanderson, R. (2021). Exploring social-ecological influences on commuter cycling in a midsize northern city: A qualitative study in Thunder Bay, Canada. *Journal of Transport Geography*, 92, 102995. doi:https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2021.102995
- Ghanian, M., Ghoochani, O. M., Noroozi, H., & Cotton, M. (2022). Valuing wetland conservation: A contingent valuation analysis among Iranian beneficiaries. *Journal for Nature Conservation*, 66, 126140. doi:https://doi.org/10.1016/j.jnc.2022.126140
- GHOBADI, A., & Pourrajabi, M. (2019). The Impact of civil management on the Development of Tourism Industry in Someesara Town.
- Ghosh, P., Mukhopadhyay, A., Chanda, A., Mondal, P., Akhand, A., Mukherjee, S., . . . Hazra, S. (2017). Application of Cellular automata and Markov-chain model in geospatial environmental modeling- A review. *Remote Sensing Applications: Society and Environment*, 5, 64-77. doi:https://doi.org/10.1016/j.rsase.2017.01.005
- Gibbs, A., Gumede, D., Luthuli, M., Xulu, Z., Washington, L., Sikweyiya, Y., . . . Shahmanesh, M. (2022). Opportunities for technologically driven dialogical health communication for participatory interventions: Perspectives from male peer navigators in rural South Africa. *Social Science & Medicine*, 292, 114539. doi:https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2021.114539

- Gilad, S., Alon-Barkat, S., Faibish, N., & Goldberg, S. (2022). Leveraging city officials' professional and social identities to facilitate affordable housing. *Political Geography*, 94, 102570. doi:<https://doi.org/10.1016/j.polgeo.2021.102570>
- Golob, P., & Lisec, A. (2022). Success factors in cadastral boundary settlements based on land surveyor's opinions. *Land Use Policy*, 114, 105990. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2022.105990>
- Gravagnuolo, A., Fusco Girard, L., Kourtit, K., & Nijkamp, P. (2021). Adaptive re-use of urban cultural resources: Contours of circular city planning. *City, Culture and Society*, 26, 100416. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ccs.2021.100416>
- Gruenhagen, J. H., Cox, S., & Parker, R. (2022). An actor-oriented perspective on innovation systems: Functional analysis of drivers and barriers to innovation and technology adoption in the mining sector. *Technology in Society*, 68, 101920. doi:<https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2022.101920>
- Guerra, J. F., & Debbage, N. (2021). Changes in urban land use throughout the Edwards Aquifer: A comparative analysis of Austin, San Antonio, and the Interstate-35 corridor. *Applied Geography*, 133, 102480. doi:<https://doi.org/10.1016/j.apgeog.2021.102480>
- Habibi, T., Nielsen, J. K., Ponedelnik, A. A., & Ruban, D. A. (2017). Palaeogeographical peculiarities of the Pabdeh Formation (Paleogene) in Iran: New evidence of global diversity-determined geological heritage. *Journal of African Earth Sciences*, 135, 24-33. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jafrearsci.2017.08.006>
- Hachmann, S., Jokar Arsanjani, J., & Vaz, E. (2018). Spatial data for slum upgrading: Volunteered Geographic Information and the role of citizen science. *Habitat International*, 72, 18-26. doi:<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2017.04.011>
- Hadlington, L., Binder, J., & Stanulewicz, N. (2021). Exploring role of moral disengagement and counterproductive work behaviours in information security awareness. *Computers in Human Behavior*, 114, 106557. doi:<https://doi.org/10.1016/j.chb.2020.106557>
- Han, D., Lee, Y., Yu, J., & Dejno, C. (2021). How does driving status affect trip patterns among older adults in suburban and rural communities? *Journal of Transport & Health*, 21, 101052. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jth.2021.101052>
- Hansson, H., & Sok, J. (2021). Perceived obstacles for business development: Construct development and the impact of farmers' personal values and personality profile in the Swedish agricultural context. *Journal of Rural Studies*, 81, 17-26. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2020.12.004>
- Hao, P. (2021). Do landholdings affect social mobility in China? A study of rural migrants in Jiangsu. *Cities*, 111, 102977. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102977>

- Haque, A. N., Lemanski, C., & de Groot, J. (2021). Why do low-income urban dwellers reject energy technologies? Exploring the socio-cultural acceptance of solar adoption in Mumbai and Cape Town. *Energy Research & Social Science*, 74, 101954. doi:<https://doi.org/10.1016/j.erss.2021.101954>
- Hasegawa, T. (2018). Toward the mobility-oriented heterogeneous transport system based on new ICT environments – Understanding from a viewpoint of the systems innovation theory. *IATSS Research*, 42(2), 40-48. doi:<https://doi.org/10.1016/j.iatssr.2018.07.001>
- Hatamzadeh, Y., Habibian, M., & Khodaii, A. (2020). Walking mode choice across genders for purposes of work and shopping: A case study of an Iranian city. *International Journal of Sustainable Transportation*, 14(5), 389-402. doi:<https://doi.org/10.1080/15568318.2019.1570404>
- Hatuka, T., & Zur, H. (2020). From smart cities to smart social urbanism: A framework for shaping the socio-technological ecosystems in cities. *Telematics and Informatics*, 55, 101430. doi:<https://doi.org/10.1016/j.tele.2020.101430>
- Hawken, S., Avazpour, B., Harris, M. S., Marzban, A., & Munro, P. G. (2021). Urban megaprojects and water justice in Southeast Asia: Between global economies and community transitions. *Cities*, 113, 103068. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.103068>
- He, X., Meng, X., Wu, Y., Chan, C. S., & Pang, T. (2020). Semantic Matching Efficiency of Supply and Demand Texts on Online Technology Trading Platforms: Taking the Electronic Information of Three Platforms as an Example. *Information Processing & Management*, 57(5), 102258. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ipm.2020.102258>
- Heise, L., Pallitto, C., García-Moreno, C., & Clark, C. J. (2019). Measuring psychological abuse by intimate partners: Constructing a cross-cultural indicator for the Sustainable Development Goals. *SSM - Population Health*, 9, 100377. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ssmph.2019.100377>
- Heiskanen, A., Hurmekoski, E., Toppinen, A., & Näyhä, A. (2022). Exploring the unknowns – State of the art in qualitative forest-based sector foresight research. *Forest Policy and Economics*, 135, 102643. doi:<https://doi.org/10.1016/j.forpol.2021.102643>
- Hocine, M. (2021). Proposing SMaR²T-ATi, an assessment tool for urban sustainable development and experimentation on Eucalyptus municipal territory, Algiers province. *Land Use Policy*, 101, 105177. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.105177>
- Hosseini, M. R., Banihashemi, S., Rameezdeen, R., Golizadeh, H., Arashpour, M., & Ma, L. (2017). Sustainability by Information and Communication Technology: A paradigm shift for construction projects in Iran. *Journal of Cleaner Production*, 168, 1-13.

- Huang, J., Levinson, D., Wang, J., & Jin, H. (2019). Job-worker spatial dynamics in Beijing: Insights from Smart Card Data. *Cities*, 86, 83-93. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.11.021>
- Huang, J., Obracht-Prondzynska, H., Kamrowska-Zaluska, D., Sun, Y., & Li, L. (2021). The image of the City on social media: A comparative study using “Big Data” and “Small Data” methods in the Tri-City Region in Poland. *Landscape and Urban Planning*, 206, 103977. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2020.103977>
- Huang, J., Tang, Z., Liu, D., & He, J. (2020). Ecological response to urban development in a changing socio-economic and climate context: Policy implications for balancing regional development and habitat conservation. *Land Use Policy*, 97, 104772. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104772>
- Ibraeva, A., Correia, G. H. d. A., Silva, C., & Antunes, A. P. (2020). Transit-oriented development: A review of research achievements and challenges. *Transportation Research Part A: Policy and Practice*, 132, 110-130. doi:<https://doi.org/10.1016/j.tra.2019.10.018>
- Ingeborgrud, L., Heidenreich, S., Ryghaug, M., Skjølvold, T. M., Foulds, C., Robison, R., . . . Mourik, R. (2020). Expanding the scope and implications of energy research: A guide to key themes and concepts from the Social Sciences and Humanities. *Energy Research & Social Science*, 63, 101398. doi:<https://doi.org/10.1016/j.erss.2019.101398>
- Inostroza, L. (2017). Informal urban development in Latin American urban peripheries. Spatial assessment in Bogotá, Lima and Santiago de Chile. *Landscape and Urban Planning*, 165, 267-279. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2016.03.021>
- Ioannou, N., Katsianis, D., & Varoutas, D. (2020). Comparative techno-economic evaluation of LTE fixed wireless access, FTTdp G.fast and FTTC VDSL network deployment for providing 30 Mbps broadband services in rural areas. *Telecommunications Policy*, 44(3), 101875. doi:<https://doi.org/10.1016/j.telpol.2019.101875>
- Ismagilova, E., Hughes, L., Dwivedi, Y. K., & Raman, K. R. (2019). Smart cities: Advances in research—An information systems perspective. *International Journal of Information Management*, 47, 88-100. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ijinfomgt.2019.01.004>
- Jasiński, A. (2021). Colors of Stone Town in Zanzibar: From white to black and back again. *Cities*, 117, 103309. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103309>
- Jauhiainen, J. S., Eyvazlu, D., Junnila, J., & Virnes, A. Internet and Social Media Uses, Digital Divides and Digitally Mediated Transnational Practices Among Afghans in Iran. *Digital Divides and Digitally Mediated Transnational Practices Among Afghans in Iran*.
- Javadpoor, M., Sharifi, A., & Roosta, M. (2021). An adaptation of the Baseline Resilience Indicators for Communities (BRIC) for assessing

- resilience of Iranian provinces. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 66, 102609. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ijdr.2021.102609>
- Ji, H., Wang, J., Meng, B., Cao, Z., Yang, T., Zhi, G., . . . Zhang, J. (2022). Research on adaption to air pollution in Chinese cities: Evidence from social media-based health sensing. *Environmental Research*, 210, 112762. doi:<https://doi.org/10.1016/j.envres.2022.112762>
 - Ji, P., DuBois, D. L., & Flay, B. R. (2021). Social-emotional and character development scale: Validation with urban middle school students. *Children and Youth Services Review*, 127, 106124. doi:<https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2021.106124>
 - Jin, X., Bolt, G., & Hooimeijer, P. (2021). Africans in Guangzhou: Is the ethnic enclave model applicable in the Chinese context? *Cities*, 117, 103320. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103320>
 - Johansen, P. G., & Bauer, A. M. (2015). Beyond culture history at Maski: Land use, settlement and social differences in Neolithic through Medieval South India. *Archaeological Research in Asia*, 1-2, 6-16. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ara.2014.12.001>
 - Joshi, N. (2021). Adopting a governance lens to address urban risks in the Uttarakhand Himalayas: The case of Almora, India. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 54, 102044. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ijdr.2021.102044>
 - Kabir, K. H., Hassan, F., Mukta, M. Z. N., Roy, D., Darr, D., Leggette, H., & Ullah, S. M. A. (2022). Application of the technology acceptance model to assess the use and preferences of ICTs among field-level extension officers in Bangladesh. *Digital Geography and Society*, 3, 100027. doi:<https://doi.org/10.1016/j.diggeo.2022.100027>
 - Kalantari, Z., Santos Ferreira, C. S., Page, J., Goldenberg, R., Olsson, J., & Destouni, G. (2019). Meeting sustainable development challenges in growing cities: Coupled social-ecological systems modeling of land use and water changes. *Journal of Environmental Management*, 245, 471-480. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jenvman.2019.05.086>
 - Karalis Noel, T., & Finocchio, B. (2022). Using theories of human, social, structural, and positive psychological capital to explore the attrition of former public school practitioners. *International Journal of Educational Research Open*, 3, 100112. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ijedro.2021.100112>
 - Kareem, B. (2021). Do global pandemics disrupt or seed transformations in cities? A systematic review of evidence. *Social Sciences & Humanities Open*, 4(1), 100138. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ssaho.2021.100138>
 - Karimimoshaver, M., & Winkemann, P. (2018). A framework for assessing tall buildings' impact on the city skyline: Aesthetic, visibility, and meaning dimensions. *Environmental Impact Assessment Review*, 73, 164-176. doi:<https://doi.org/10.1016/j.eiar.2018.08.007>

- Kester, J., Sovacool, B. K., Noel, L., & Zarazua de Rubens, G. (2020). Rethinking the spatiality of Nordic electric vehicles and their popularity in urban environments: Moving beyond the city? *Journal of Transport Geography*, 82, 102557. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2019.102557>
- Khoo, S. L. (2020). Towards an inclusive creative city: How ready is the Historic City of George Town, Penang? *City, Culture and Society*, 23, 100367. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ccs.2020.100367>
- Kiddle, L. Unsettled: Informal settlement living in the Pacific. *DEVELOPMENT BULLETIN*, 115.
- Kidokoro, Y., & Zhang, A. (2022). Airport cities and social welfare. *Transportation Research Part B: Methodological*, 158, 187-209. doi:<https://doi.org/10.1016/j.trb.2021.12.010>
- Kim, H. M. (2020). International Real Estate Investment and Urban Development: An Analysis of Korean Activities in Hanoi, Vietnam. *Land Use Policy*, 94, 104486. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104486>
- Kimpton, A., Pojani, D., Ryan, C., Ouyang, L., Sipe, N., & Corcoran, J. (2021). Contemporary parking policy, practice, and outcomes in three large Australian cities. *Progress in Planning*, 153, 100506. doi:<https://doi.org/10.1016/j.progress.2020.100506>
- Knobel, P., Dadvand, P., Alonso, L., Costa, L., Español, M., & Maneja, R. (2021). Development of the urban green space quality assessment tool (RECITAL). *Urban Forestry & Urban Greening*, 57, 126895. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ufug.2020.126895>
- Korah, P. I., Osborne, N., & Matthews, T. (2021). Enclave urbanism in Ghana's Greater Accra Region: Examining the socio-spatial consequences. *Land Use Policy*, 111, 105767. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2021.105767>
- Kotzebue, J. R. (2022). Integrated urban transport infrastructure development: The role of digital social geo-communication in Hamburg's TEN-T improvement. *Journal of Transport Geography*, 99, 103280. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2022.103280>
- Kovacic, Z., Musango, J. K., Ambole, L. A., Buyana, K., Smit, S., Anditi, C., . . . Sseviiri, H. (2019). Interrogating differences: A comparative analysis of Africa's informal settlements. *World Development*, 122, 614-627. doi:<https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2019.06.026>
- Kovacic, Z., Smit, S., Musango, J. K., Brent, A. C., & Giampietro, M. (2016). Probing uncertainty levels of electrification in informal urban settlements: A case from South Africa. *Habitat International*, 56, 212-221. doi:<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2016.06.002>
- Kowalik, K. (2021). Social media as a distribution of emotions, not participation. Polish exploratory study in the EU smart city communication context. *Cities*, 108, 102995. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102995>

- Kowalski, R. M., Limber, S. P., & McCord, A. (2019). A developmental approach to cyberbullying: Prevalence and protective factors. *Aggression and Violent Behavior, 45*, 20-32. doi:<https://doi.org/10.1016/j.avb.2018.02.009>
- Kozina, J., Bole, D., & Tiran, J. (2021). Forgotten values of industrial city still alive: What can the creative city learn from its industrial counterpart? *City, Culture and Society, 25*, 100395. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ccs.2021.100395>
- Krajewska, M., Szopińska, K., & Siemińska, E. (2021). Value of land properties in the context of planning conditions risk on the example of the suburban zone of a Polish city. *Land Use Policy, 109*, 105697. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2021.105697>
- Kristensen, I., & Dubois, A. (2021). Social constructing of a rural bioeconomy cluster: The case of the Processum biorefinery complex in northern Sweden. *Journal of Rural Studies, 86*, 87-96. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2021.05.027>
- Kubalíková, L., Drápela, E., Kirchner, K., Bajer, A., Balková, M., & Kuda, F. (2021). Urban geotourism development and geoconservation: Is it possible to find a balance? *Environmental Science & Policy, 121*, 1-10. doi:<https://doi.org/10.1016/j.envsci.2021.03.016>
- Kuffer, M., Persello, C., Pfeffer, K., Sliuzas, R., & Rao, V. (2019). *Do we underestimate the global slum population?* Paper presented at the 2019 Joint Urban Remote Sensing Event (JURSE).
- Kuipers, G., Sezneva, O., & Halauniova, A. (2022). Culture beyond words: Using visual Q-methodology to study aesthetic meaning-making. *Poetics, 101655*. doi:<https://doi.org/10.1016/j.poetic.2022.101655>
- Kuriakose, P. N., & Philip, S. (2021). City profile: Kochi, city region - Planning measures to make Kochi smart and creative. *Cities, 118*, 103307. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103307>
- Kwon, K. (2021). Polycentricity and the role of government-led development: Employment decentralization and concentration in the Seoul metropolitan area, 2000–2015. *Cities, 111*, 103107. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103107>
- Laddha, Y., Tiwari, A., Kasperowicz, R., Bilan, Y., & Streimikiene, D. (2022). Impact of Information Communication Technology on labor productivity: A panel and cross-sectional analysis. *Technology in Society, 68*, 101878. doi:<https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2022.101878>
- Lan, F., Gong, X., Da, H., & Wen, H. (2020). How do population inflow and social infrastructure affect urban vitality? Evidence from 35 large- and medium-sized cities in China. *Cities, 100*, 102454. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.102454>
- Lang, W., Hui, E. C. M., Chen, T., & Li, X. (2020). Understanding livable dense urban form for social activities in transit-oriented development

- through human-scale measurements. *Habitat International*, 104, 102238. doi:<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2020.102238>
- Latham, A., & Nattrass, M. (2019). Autonomous vehicles, car-dominated environments, and cycling: Using an ethnography of infrastructure to reflect on the prospects of a new transportation technology. *Journal of Transport Geography*, 81, 102539. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2019.102539>
 - Lee, C., Kogler, D. F., & Lee, D. (2019). Capturing information on technology convergence, international collaboration, and knowledge flow from patent documents: A case of information and communication technology. *Information Processing & Management*, 56(4), 1576-1591. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ipm.2018.09.007>
 - Lee, Y., Circella, G., Mokhtarian, P. L., & Guhathakurta, S. (2019). Heterogeneous residential preferences among millennials and members of generation X in California: A latent-class approach. *Transportation Research Part D: Transport and Environment*, 76, 289-304. doi:<https://doi.org/10.1016/j.trd.2019.08.001>
 - Lee, Y., & Guhathakurta, S. (2018). An analysis of the effects of suburban densification on vehicle use for shopping: Do existing residents respond to land-use changes in the same way as recent movers? *Journal of Transport Geography*, 68, 193-204. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2018.03.011>
 - Li, L., Ma, S., Zheng, Y., & Xiao, X. (2022). Integrated regional development: Comparison of urban agglomeration policies in China. *Land Use Policy*, 114, 105939. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2021.105939>
 - Li, L., & Xiao, Y. (2022). Capital accumulation and urban land development in China: (Re)making Expo Park in Shanghai. *Land Use Policy*, 112, 104472. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104472>
 - Lin, B., & Jia, H. (2022). Does the development of China's high-speed rail improve the total-factor carbon productivity of cities? *Transportation Research Part D: Transport and Environment*, 105, 103230. doi:<https://doi.org/10.1016/j.trd.2022.103230>
 - Lin, Y. (2022). Social media for collaborative planning: A typology of support functions and challenges. *Cities*, 125, 103641. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103641>
 - Lisa, P., Christian, L., Karen, B., & Blake, W. (2021). Armed conflict and cross-border asymmetries in urban development: A contextualized spatial analysis of Goma, Democratic Republic of the Congo and Gisenyi, Rwanda. *Land Use Policy*, 109, 105711. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2021.105711>
 - Liu, C. Y., Hu, F. Z., & Jeong, J. (2020). Towards inclusive urban development? New knowledge/creative economy and wage inequality in

- major Chinese cities. *Cities*, 105, 102385. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.06.016
- Liu, J., Mansoor, Y., Johar, J., Kim, S., Sidiqi, A., & Kapoor, V. (2020). Strengths-based inquiry of resiliency factors among refugees in Metro Vancouver: A comparison of newly-arrived and settled refugees. *Social Science & Medicine*, 263, 113243. doi:https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2020.113243
 - Liu, J., Zhao, Y., Lin, T., Xing, L., Lin, M., Sun, C., . . . Zhang, G. (2021). Analysis of sustainability of Chinese cities based on network big data of city rankings. *Ecological Indicators*, 133, 108374. doi:https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2021.108374
 - Liu, S.-T. (2020). Comparing the perspectives of municipal tourism departments and cultural departments on urban cultural-tourism development. *Journal of Destination Marketing & Management*, 16, 100432. doi:https://doi.org/10.1016/j.jdmm.2020.100432
 - Liu, W., Henneberry, S. R., Ni, J., Radmehr, R., & Wei, C. (2019). Socio-cultural roots of rural settlement dispersion in Sichuan Basin: The perspective of Chinese lineage. *Land Use Policy*, 88, 104162. doi:https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2019.104162
 - Logie, C. H., Berry, I., Okumu, M., Loutet, M., McNamee, C., Hakiza, R., . . . Mbuagbaw, L. (2022). The prevalence and correlates of depression before and after the COVID-19 pandemic declaration among urban refugee adolescents and youth in informal settlements in Kampala, Uganda: A longitudinal cohort study. *Annals of Epidemiology*, 66, 37-43. doi:https://doi.org/10.1016/j.annepidem.2021.11.005
 - López, M. M. (2020). Linking Community Literacies to critical literacies through community language and literacy mapping. *Teaching and Teacher Education*, 87, 102932. doi:https://doi.org/10.1016/j.tate.2019.102932
 - Mahdavi, S. (2022). Experience of New Towns in Iran: planning for the people or with the people? *International Journal of Environmental Studies*, 1-14.
 - Mai, X., & Wang, J. (2022). Situational differences, migratory duration, and social integration of internal migrants in urban China. *Cities*, 125, 103596. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103596
 - Majewska, A., Denis, M., Jarecka-Bidzińska, E., Jaroszewicz, J., & Krupowicz, W. (2022). Pandemic resilient cities: Possibilities of repairing Polish towns and cities during COVID-19 pandemic. *Land Use Policy*, 113, 105904. doi:https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2021.105904
 - Majewska, A., Denis, M., Krzysztofik, S., & Monika Maria, C.-P. (2022). The development of small towns and towns of well-being: Current trends, 30 years after the change in the political system, based on the Warsaw suburban area. *Land Use Policy*, 115, 105998. doi:https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2022.105998

- Makarenko, E., Lukina, E., & Pletneva, N. (2022). Mathematical Modeling of Monopolization Processes in the Market of Compulsory Carrier Liability Insurance. *Transportation Research Procedia*, 61, 98-103. doi:<https://doi.org/10.1016/j.trpro.2022.01.017>
- Manivasakan, H., Kalra, R., O'Hern, S., Fang, Y., Xi, Y., & Zheng, N. (2021). Infrastructure requirement for autonomous vehicle integration for future urban and suburban roads – Current practice and a case study of Melbourne, Australia. *Transportation Research Part A: Policy and Practice*, 152, 36-53. doi:<https://doi.org/10.1016/j.tra.2021.07.012>
- Matamanda, A. R., & Chinozvina, Q. L. (2020). Driving Forces of Citizen Participation in Urban Development Practice in Harare, Zimbabwe. *Land Use Policy*, 99, 105090. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.105090>
- Mens, J., van Bueren, E., Vrijhoef, R., & Heurkens, E. (2021). A typology of social entrepreneurs in bottom-up urban development. *Cities*, 110, 103066. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.103066>
- Menshawy, A. E., Shafik, S., & khedr, F. (2016). Affordable Housing as a Method for Informal Settlements Sustainable Upgrading. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 223, 126-133. doi:<https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2016.05.330>
- Mitlin, D., & Satterthwaite, D. (2012). Civil Sector Institutions and Informal Settlements. In S. J. Smith (Ed.), *International Encyclopedia of Housing and Home* (pp. 144-149). San Diego: Elsevier.
- Modaresnezhad, M., Iyer, L., Palvia, P., & Taras, V. (2020). Information Technology (IT) enabled crowdsourcing: A conceptual framework. *Information Processing & Management*, 57(2), 102135. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ipm.2019.102135>
- Moghaddasi Kelishomi, A., & Nisticò, R. (2022). Employment effects of economic sanctions in Iran. *World Development*, 151, 105760. doi:<https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2021.105760>
- Mohammadi, Z., Ahmadvand, M., Sharifzadeh, M., & Shahbazi, I. (2021). The lived-experience of land-use among Northern Iranian farmers in land risk areas: A phenomenology study. *Land Use Policy*, 108, 105534. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2021.105534>
- Molinillo, S., Anaya-Sánchez, R., Morrison, A. M., & Coca-Stefaniak, J. A. (2019). Smart city communication via social media: Analysing residents' and visitors' engagement. *Cities*, 94, 247-255. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.06.003>
- Mora, L., Kummitha, R. K. R., & Esposito, G. (2021). Not everything is as it seems: Digital technology affordance, pandemic control, and the mediating role of sociomaterial arrangements. *Government Information Quarterly*, 38(4), 101599. doi:<https://doi.org/10.1016/j.giq.2021.101599>
- Moran, M. R., Rodríguez, D. A., Cortinez-O'Ryan, A., & Jaime Miranda, J. (2022). Is self-reported park proximity associated with perceived

- social disorder? Findings from eleven cities in Latin America. *Landscape and Urban Planning*, 219, 104320. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2021.104320>
- Mossabir, R., Milligan, C., & Froggatt, K. (2021). Therapeutic landscape experiences of everyday geographies within the wider community: A scoping review. *Social Science & Medicine*, 279, 113980. doi:<https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2021.113980>
 - Mousavi, S. M., Takian, A., & Tara, M. (2021). Sixteen years of eHealth experiences in Iran: a qualitative content analysis of national policies. *Health Research Policy and Systems*, 19(1), 1-15.
 - Mudau, N., & Mhangara, P. (2021). Investigation of Informal Settlement Indicators in a Densely Populated Area Using Very High Spatial Resolution Satellite Imagery. *Sustainability*, 13(9), 4735.
 - Muhula, S., Opanga, Y., Oramisi, V., Ngugi, C., Ngunu, C., Carter, J., . . . Memiah, P. (2021). Impact of the first wave of the COVID-19 pandemic on HIV/AIDS programming in Kenya: evidence from Kibera informal settlement and COVID-19 hotspot counties. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18(11), 6009.
 - Mulinge, E., Mbae, C., Ngugi, B., Irungu, T., Matey, E., & Kariuki, S. (2021). Entamoeba species infection in patients seeking treatment for diarrhea and abdominal discomfort in Mukuru informal settlement in Nairobi, Kenya. *Food and waterborne parasitology*, 23, e00122.
 - Mullenbach, L. E. (2022). Critical discourse analysis of urban park and public space development. *Cities*, 120, 103458. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103458>
 - Mullenbach, L. E., Baker, B. L., & Mowen, A. J. (2021). Does public support of urban park development stem from gentrification beliefs and attitudes? *Landscape and Urban Planning*, 211, 104097. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2021.104097>
 - Murakami, J., & Kato, H. (2020). The intra-metropolitan distribution of airport accessibility, employment density, and labor productivity: Spatial strategy for economic development in Tokyo. *Applied Geography*, 125, 102309. doi:<https://doi.org/10.1016/j.apgeog.2020.102309>
 - Nadafianshahamabadi, R., Tayarani, M., & Rowangould, G. (2021). A closer look at urban development under the emergence of autonomous vehicles: Traffic, land use and air quality impacts. *Journal of Transport Geography*, 94, 103113. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2021.103113>
 - Nakamura, H. (2019). Relationship among land price, entrepreneurship, the environment, economics, and social factors in the value assessment of Japanese cities. *Journal of Cleaner Production*, 217, 144-152. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2019.01.201>
 - Nakano, S., & Washizu, A. (2021). Will smart cities enhance the social capital of residents? The importance of smart neighborhood management. *Cities*, 115, 103244. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103244>

- Namdeo, A., Goodman, P., Mitchell, G., Hargreaves, A., & Echenique, M. (2019). Land-use, transport and vehicle technology futures: An air pollution assessment of policy combinations for the Cambridge Sub-Region of the UK. *Cities*, 89, 296-307. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.03.004>
- Narayanan, A., Jenamani, M., & Mahanty, B. (2021). Determinants of sustainability and prosperity in Indian cities. *Habitat International*, 118, 102456. doi:<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2021.102456>
- Navarro-Yáñez, C. J., & Rodríguez-García, M. J. (2020). Urban policies as multi-level policy mixes. The comparative urban portfolio analysis to study the strategies of integral urban development initiatives. *Cities*, 102, 102716. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102716>
- Navío-Marco, J., Ruiz-Gómez, L. M., & Sevilla-Sevilla, C. (2018). Progress in information technology and tourism management: 30 years on and 20 years after the internet - Revisiting Buhalis & Law's landmark study about eTourism. *Tourism Management*, 69, 460-470. doi:<https://doi.org/10.1016/j.tourman.2018.06.002>
- Nhamo, L., Rwizi, L., Mpandeli, S., Botai, J., Magidi, J., Tazvinga, H., ... Mabhaudhi, T. (2021). Urban nexus and transformative pathways towards a resilient Gauteng City-Region, South Africa. *Cities*, 116, 103266. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103266>
- Nikuze, A., Sliuzas, R., Flacke, J., & van Maarseveen, M. (2019). Livelihood impacts of displacement and resettlement on informal households - A case study from Kigali, Rwanda. *Habitat International*, 86, 38-47. doi:<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2019.02.006>
- Nkonki-Mandleni, B., Omotayo, A. O., Ighodaro, D. I., & Agbola, S. B. (2021). Analysis of the living conditions at eZakheleni informal settlement of Durban: Implications for community revitalization in South Africa. *Sustainability*, 13(4), 2371.
- Nyns, S., & Schmitz, S. (2022). Using mobile data to evaluate unobserved tourist overnight stays. *Tourism Management*, 89, 104453. doi:<https://doi.org/10.1016/j.tourman.2021.104453>
- Nyseth, T., & Ventura López, T. D. (2021). Innovations in urban integration policies: Immigrant councils as democratic institutions. *Cities*, 119, 103389. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103389>
- O'Connor, C. D., & Fredericks, K. (2018). Citizen perceptions of fracking: The risks and opportunities of natural gas development in Canada. *Energy Research & Social Science*, 42, 61-69. doi:<https://doi.org/10.1016/j.erss.2018.03.005>
- Odhiambo, N. M. (2022). Information technology, income inequality and economic growth in sub-Saharan African countries. *Telecommunications Policy*, 46(6), 102309. doi:<https://doi.org/10.1016/j.telpol.2022.102309>
- Oktari, R. S., Munadi, K., Idroes, R., & Sofyan, H. (2020). Knowledge management practices in disaster management: Systematic review.

- International Journal of Disaster Risk Reduction*, 51, 101881. doi:https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2020.101881
- Olczak, B., Wilkosz-mamcarczyk, M., Prus, B., Hodor, K., & Dixon-gough, R. (2022). Application of the building cohesion method in spatial planning to shape patterns of the development in a suburban historical landscape of a 'village within Kraków'. *Land Use Policy*, 114, 105997. doi:https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2022.105997
 - Omamo, A., Rodrigues, A. J., & Muliaro, W. (2019). Kenya's vision 2030: Modelling technology usage and the economy. *Technology in Society*, 59, 101135. doi:https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2019.04.011
 - Omland, M., Ludvigsen, S. R., & Rødnes, K. A. (2022). The role of querying: Investigating subject-oriented meaning-making. *Learning, Culture and Social Interaction*, 33, 100599. doi:https://doi.org/10.1016/j.lcsi.2021.100599
 - Omulo, S., Lofgren, E. T., Lockwood, S., Thumbi, S. M., Bigogo, G., Ouma, A., . . . Kariuki, S. (2021). Carriage of antimicrobial-resistant bacteria in a high-density informal settlement in Kenya is associated with environmental risk-factors. *Antimicrobial Resistance & Infection Control*, 10(1), 1-12.
 - Osterhoudt, S., Galvin, S. S., Graef, D. J., Saxena, A. K., & Dove, M. R. (2020). Chains of Meaning: Crops, commodities, and the 'in-between' spaces of trade. *World Development*, 135, 105070. doi:https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2020.105070
 - Otamendi-Irizar, I., Grijalba, O., Arias, A., Pennese, C., & Hernández, R. (2022). How can local energy communities promote sustainable development in European cities? *Energy Research & Social Science*, 84, 102363. doi:https://doi.org/10.1016/j.erss.2021.102363
 - Padma, S., Velmurugan, S., Kalsi, N., Ravinder, K., Erramapalli, M., & Kannan, S. (2020). Traffic Impact Assessment for Sustainable Development in Urban Areas. *Transportation Research Procedia*, 48, 3173-3187. doi:https://doi.org/10.1016/j.trpro.2020.08.165
 - Pan, W. (2021). What type of mixed-use and open? A critical environmental analysis of three neighborhood types in China and insights for sustainable urban planning. *Landscape and Urban Planning*, 216, 104221. doi:https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2021.104221
 - Panayiotou, N. A., & Stavrou, V. P. (2021). Government to business e-services – A systematic literature review. *Government Information Quarterly*, 38(2), 101576. doi:https://doi.org/10.1016/j.giq.2021.101576
 - Papagiannidis, S., & Marikyan, D. (2022). Environmental sustainability: A technology acceptance perspective. *International Journal of Information Management*, 63, 102445. doi:https://doi.org/10.1016/j.ijinfomgt.2021.102445
 - Papanastasiou, G., Drigas, A., Skianis, C., Lytras, M., & Papanastasiou, E. (2018). Patient-centric ICTs based healthcare for students with learning,

- physical and/or sensory disabilities. *Telematics and Informatics*, 35(4), 654-664. doi:<https://doi.org/10.1016/j.tele.2017.09.002>
- Park, H., Fan, P., John, R., Ouyang, Z., & Chen, J. (2019). Spatiotemporal changes of informal settlements: Ger districts in Ulaanbaatar, Mongolia. *Landscape and Urban Planning*, 191, 103630. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2019.103630>
 - Park, Y. J., & Shin, D. D. (2020). Contextualizing privacy on health-related use of information technology. *Computers in Human Behavior*, 105, 106204. doi:<https://doi.org/10.1016/j.chb.2019.106204>
 - Pasquinelli, C., Trunfio, M., Bellini, N., & Rossi, S. (2022). Reimagining urban destinations: Adaptive and transformative city brand attributes and values in the pandemic crisis. *Cities*, 124, 103621. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103621>
 - Patier, D., & Routhier, J.-L. (2020). Urban Logistics in the light of sustainable development: still a long way to go. *Transportation Research Procedia*, 46, 93-100. doi:<https://doi.org/10.1016/j.trpro.2020.03.168>
 - Peirson, A. E., & Ziervogel, G. (2021). Sanitation Upgrading as Climate Action: Lessons for Local Government from a Community Informal Settlement Project in Cape Town. *Sustainability*, 13(15), 8598.
 - Pera, M. (2020). Potential benefits and challenges of the relationship between social movements and the commons in the city of Barcelona. *Ecological Economics*, 174, 106670. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ecolecon.2020.106670>
 - Peris, A., Meijers, E., & van Ham, M. (2021). Information diffusion between Dutch cities: Revisiting Zipf and Pred using a computational social science approach. *Computers, Environment and Urban Systems*, 85, 101565. doi:<https://doi.org/10.1016/j.compenvurbsys.2020.101565>
 - Pineda-Pinto, M., Herreros-Cantis, P., McPhearson, T., Frantzeskaki, N., Wang, J., & Zhou, W. (2021). Examining ecological justice within the social-ecological-technological system of New York City, USA. *Landscape and Urban Planning*, 215, 104228. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2021.104228>
 - Porru, S., Misso, F. E., Pani, F. E., & Repetto, C. (2020). Smart mobility and public transport: Opportunities and challenges in rural and urban areas. *Journal of Traffic and Transportation Engineering (English Edition)*, 7(1), 88-97. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jtte.2019.10.002>
 - Porth, J. M., Wagner, A. L., Treleaven, E., Fleischer, N. L., Mutua, M. K., Braun, T. M., & Boulton, M. L. (2022). Childhood vaccination timeliness following maternal migration to an informal urban settlement in Kenya. *Vaccine*, 40(4), 627-639. doi:<https://doi.org/10.1016/j.vaccine.2021.12.017>
 - Pourrajabi, M., & Bijani, H. R. (2020). Study of the role of cultural capital on extent of use of communications and technology information (Case Study: Residents of Rasht). *Rasaneh*, 30(4), 49-70.

- pourrajabi, M., & Bijani, H. R. (2021). Providing» blue economy development «solutions in Gilan province. *maritime Management Studies*, 1(2), 41-62.
- Pourrajabi, M., & Ghobadi, A. (2020). Semantic Reconstruction of Beauty and Makeup for Young Females: The Phenomenological Study. *Sociological Studies of Youth*, 11(36), 9-22.
- pourrajabi, M., Mirzaie, H., & Yadollahi Zadeh, M. J. (2019). Native Cultural Industry Planning Strategies; Approaches, Principles, and Patterns. *Socio-Cultural Strategy*, 8(3), 97-125. Retrieved from http://rahbordfarhangi.csr.ir/article_117761_d8100909f605db1bbe66a1fa20283a69.pdf
- Pourzakarya, M., & Bahramjerdi, S. F. N. (2021). Community-led regeneration practice in Ghalam Gudeh District, Bandar Anzali, Iran: A participatory action research (PAR) Project. *Land Use Policy*, 105, 105416. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2021.105416>
- Qian, J. (2022). Towards a perspective of everyday urbanism in researching migrants in urban China. *Cities*, 120, 103461. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103461>
- Qian, J., Liu, Z., Du, Y., Liang, F., Yi, J., Ma, T., & Pei, T. (2021). Quantify city-level dynamic functions across China using social media and POIs data. *Computers, Environment and Urban Systems*, 85, 101552. doi:<https://doi.org/10.1016/j.compenvurbsys.2020.101552>
- Raza, T., Liwag, C. R. E. U., Andres, A. V. L., Castro, J. T., Cuña, A. C., Vinarao, V. G., . . . Ahmed, N. (2020). Extreme weather disasters challenges for sustainable development: Innovating a science and policy framework for disaster-resilient and sustainable Quezon City, Philippines. *Progress in Disaster Science*, 5, 100066. doi:<https://doi.org/10.1016/j.pdisas.2020.100066>
- Reba, M., & Seto, K. C. (2020). A systematic review and assessment of algorithms to detect, characterize, and monitor urban land change. *Remote Sensing of Environment*, 242, 111739. doi:<https://doi.org/10.1016/j.rse.2020.111739>
- Reina-Usuga, L., Parra-López, C., & de Haro-Giménez, T. (2022). Urban food policies and their influence on the development of Territorial Short Food Supply Chains: The case of cities in Colombia and Spain. *Land Use Policy*, 112, 105825. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2021.105825>
- Reisig, D., Mullan, K., Hansen, A., Powell, S., Theobald, D., & Ulrich, R. (2021). Natural amenities and low-density residential development: Magnitude and spatial scale of influences. *Land Use Policy*, 102, 105285. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2021.105285>
- Reynolds, E. C., Onyango, D., Mwando, R., Oele, E., Misore, T., Agaya, J., . . . Akelo, V. (2021). Mothers' Perspectives of Complementary

Feeding Practices in an Urban Informal Settlement in Kisumu County, Western Kenya. *Current Developments in Nutrition*, 5(5), nzab065.

– Rodríguez-Rodríguez, I., & Heras-González, P. (2020). How are universities using Information and Communication Technologies to face sexual harassment and how can they improve? *Technology in Society*, 62, 101274. doi:<https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2020.101274>

– Rustiadi, E., Pravitasari, A. E., Setiawan, Y., Mulya, S. P., Pribadi, D. O., & Tsutsumida, N. (2021). Impact of continuous Jakarta megacity urban expansion on the formation of the Jakarta-Bandung conurbation over the rice farm regions. *Cities*, 111, 103000. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.103000>

– Saharan, T., Pfeffer, K., Baud, I., & Scott, D. (2019). Comparing governance and bargaining of livelihoods in informal settlements in Chennai and eThekweni. *Cities*, 102287. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.02.017>

– Sakurai, M., & Murayama, Y. (2019). Information technologies and disaster management – Benefits and issues. *Progress in Disaster Science*, 2, 100012. doi:<https://doi.org/10.1016/j.pdisas.2019.100012>

– Sanyal, R. (2017). A no-camp policy: Interrogating informal settlements in Lebanon. *Geoforum*, 84, 117-125. doi:<https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2017.06.011>

– Sareen, S., Remme, D., Wågsæther, K., & Haarstad, H. (2021). A matter of time: Explicating temporality in science and technology studies and Bergen's car-free zone development. *Energy Research & Social Science*, 78, 102128. doi:<https://doi.org/10.1016/j.erss.2021.102128>

– Saroj, A., & Pal, S. (2020). Use of social media in crisis management: A survey. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 48, 101584. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2020.101584>

– Saunders, S. G., Barrington, D. J., Sridharan, S., Meo, S., Hadwen, W., Shields, K. F., . . . Bartram, J. K. (2016). Addressing WaSH challenges in Pacific Island Countries: A participatory marketing systems mapping approach to empower informal settlement community action. *Habitat International*, 55, 159-166. doi:<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2016.03.010>

– Savari, M., Eskandari Damaneh, H., & Eskandari Damaneh, H. (2022). Drought vulnerability assessment: Solution for risk alleviation and drought management among Iranian farmers. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 67, 102654. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2021.102654>

– Savari, M., & Moradi, M. (2022). The effectiveness of drought adaptation strategies in explaining the livability of Iranian rural households. *Habitat International*, 124, 102560. doi:<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2022.102560>

- Scarwell, H.-J., & Leducq, D. (2021). Danang, a secondary city subject to aspirational urbanism. *Cities*, 118, 103271. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103271>
- Schwambach, G. C. S., López, Ó. H., Sott, M. K., Carvalho Tedesco, L. P., & Molz, R. F. (2022). Acceptance and perception of wearable technologies: A survey on Brazilian and European companies. *Technology in Society*, 68, 101840. doi:<https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2021.101840>
- Sekhani, R., Mohan, D., Mistry, J., Singh, A., & Mittal, V. (2022). Examining the informality in urban informal settlements – Evidence from Kapashera. *Cities*, 123, 103591. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103591>
- Selod, H., & Shilpi, F. (2021). Rural-urban migration in developing countries: Lessons from the literature. *Regional Science and Urban Economics*, 91, 103713. doi:<https://doi.org/10.1016/j.regsciurbeco.2021.103713>
- Sepasgozar, S. M. E. (2022). Immersive on-the-job training module development and modeling users' behavior using parametric multi-group analysis: A modified educational technology acceptance model. *Technology in Society*, 68, 101921. doi:<https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2022.101921>
- Shafiei Sabet, N., & Azharianfar, S. (2017). Urban-rural reciprocal interaction potential to develop weekly markets and regional development in Iran. *Habitat International*, 61, 31-44. doi:<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2017.01.003>
- Shafique, T. (2021). Re-thinking housing through assemblages: Lessons from a Deleuzian visit to an informal settlement in Dhaka. *Housing Studies*, 1-20.
- Shahab, S., Bagheri, B., & Potts, R. (2021). Barriers to employing e-participation in the Iranian planning system. *Cities*, 116, 103281. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103281>
- Sheets, K. A., Duff, A. I., Thornton, E. K., & Charles Adams, E. (2021). Sourcing bighorn sheep from the Homol'ovi Settlement Cluster, Northeastern Arizona, through strontium isotope ($^{87}\text{Sr}/^{86}\text{Sr}$) analysis. *Journal of Archaeological Science: Reports*, 37, 102986. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jasrep.2021.102986>
- Shen, J. (2022). Universities as financing vehicles of (sub)urbanisation: the development of university towns in Shanghai. *Land Use Policy*, 112, 104679. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104679>
- Shi, Y., Zhai, G., Xu, L., Zhou, S., Lu, Y., Liu, H., & Huang, W. (2021). Assessment methods of urban system resilience: From the perspective of complex adaptive system theory. *Cities*, 112, 103141. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103141>
- Silva de Noronha, N., Silva, A. L., & Barki, E. (2022). The sociospatial organization of favela. *Cities*, 126, 103649. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103649>

- Smit, S., Musango, J. K., & Brent, A. C. (2019). Understanding electricity legitimacy dynamics in an urban informal settlement in South Africa: A Community Based System Dynamics approach. *Energy for Sustainable Development*, 49, 39-52. doi:<https://doi.org/10.1016/j.esd.2019.01.004>
- Soltani, A., Pojani, D., Askari, S., & Masoumi, H. E. (2018). Socio-demographic and built environment determinants of car use among older adults in Iran. *Journal of Transport Geography*, 68, 109-117. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2018.03.001>
- Soyinka, O., & Siu, K. W. M. (2018). Urban informality, housing insecurity, and social exclusion; concept and case study assessment for sustainable urban development. *City, Culture and Society*, 15, 23-36. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ccs.2018.03.005>
- Spencer, C., & Bevan, A. (2018). Settlement location models, archaeological survey data and social change in Bronze Age Crete. *Journal of Anthropological Archaeology*, 52, 71-86. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jaa.2018.09.001>
- Stanford, H. R., Garrard, G. E., Kirk, H., & Hurley, J. (2022). A social-ecological framework for identifying and governing informal greenspaces in cities. *Landscape and Urban Planning*, 221, 104378. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2022.104378>
- Stiphany, K., Ward, P. M., & Perez, L. P. (2021). Informal settlement upgrading and the rise of renting in São Paulo, Brazil. *Under Review*.
- Stiphany, K., Ward, P. M., & Perez, L. P. (2022). Informal Settlement Upgrading and the Rise of Rental Housing in São Paulo, Brazil. *Journal of Planning Education and Research*, 0739456X211065495.
- Stryhul, M., Khomeriki, O., Mykhailych, O., Yahodzinskyi, S., Romanenko, Y., & Perelyhin, T. (2021). Functioning of Public Transport in the Social Space of the City. *Transportation Research Procedia*, 54, 610-616. doi:<https://doi.org/10.1016/j.trpro.2021.02.113>
- Su, S., Zhang, H., Wang, M., Weng, M., & Kang, M. (2021). Transit-oriented development (TOD) typologies around metro station areas in urban China: A comparative analysis of five typical megacities for planning implications. *Journal of Transport Geography*, 90, 102939. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2020.102939>
- Sufri, S., Dwirahmadi, F., Phung, D., & Rutherford, S. (2020). A systematic review of Community Engagement (CE) in Disaster Early Warning Systems (EWSs). *Progress in Disaster Science*, 5, 100058. doi:<https://doi.org/10.1016/j.pdisas.2019.100058>
- Sun, X., Yan, S., Liu, T., & Wu, J. (2020). High-speed rail development and urban environmental efficiency in China: A city-level examination. *Transportation Research Part D: Transport and Environment*, 86, 102456. doi:<https://doi.org/10.1016/j.trd.2020.102456>

- Sutherland, C., Reynaert, E., Sindall, R. C., Riechmann, M. E., Magwaza, F., Lienert, J., . . . Morgenroth, E. (2021). Innovation for improved hand hygiene: Field testing the Autarky handwashing station in collaboration with informal settlement residents in Durban, South Africa. *Science of the Total Environment*, 796, 149024.
- Szymkowiak, A., Melović, B., Dabić, M., Jeganathan, K., & Kundi, G. S. (2021). Information technology and Gen Z: The role of teachers, the internet, and technology in the education of young people. *Technology in Society*, 65, 101565. doi:<https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2021.101565>
- Talamini, G., & Pires Ferreira, D. (2019). An informal transportation as a feeder of the rapid transit system. Spatial analysis of the e-bike taxi service in Shenzhen, China. *Transportation Research Interdisciplinary Perspectives*, 1, 100002. doi:<https://doi.org/10.1016/j.trip.2019.100002>
- Talón-Ballester, P., González-Serrano, L., Soguero-Ruiz, C., Muñoz-Romero, S., & Rojo-Álvarez, J. L. (2018). Using big data from Customer Relationship Management information systems to determine the client profile in the hotel sector. *Tourism Management*, 68, 187-197. doi:<https://doi.org/10.1016/j.tourman.2018.03.017>
- Tang, J., Xu, Y., & Qiu, H. (2022). Integration of migrants in poverty alleviation resettlement to urban China. *Cities*, 120, 103501. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103501>
- Tauran, T. (2021). *Beyond the informal settlement: the land tenure situation of urban kampungs in Surabaya, Indonesia*. Paper presented at the IOP Conference Series: Earth and Environmental Science.
- te Lintelo, D. J. H., Gupte, J., McGregor, J. A., Lakshman, R., & Jahan, F. (2018). Wellbeing and urban governance: Who fails, survives or thrives in informal settlements in Bangladeshi cities? *Cities*, 72, 391-402. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.10.002>
- Terayama, K., & Odani, M. (2017). Expected role of public transportation services in securing residents' accessibility to the city center in suburban housing development areas. *Transportation Research Procedia*, 25, 4258-4269. doi:<https://doi.org/10.1016/j.trpro.2017.05.237>
- Toms, G., Verity, F., & Orrell, A. (2019). Social care technologies for older people: Evidence for instigating a broader and more inclusive dialogue. *Technology in Society*, 58, 101111. doi:<https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2019.01.004>
- Tong, D., Yuan, Y., & Wang, X. (2021). The coupled relationships between land development and land ownership at China's urban fringe: A structural equation modeling approach. *Land Use Policy*, 100, 104925. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104925>
- Tong, D., Yuan, Y., Wang, X., & Wu, L. (2020). Spatially varying relationships between land ownership and land development at the urban fringe: A case study of Shenzhen, China. *Cities*, 105, 102238. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.01.011>

- Torkayesh, A. E., & Torkayesh, S. E. (2021). Evaluation of information and communication technology development in G7 countries: An integrated MCDM approach. *Technology in Society*, 66, 101670.
- Trimbach, D. J., & Biedenweg, K. (2021). Shared shorelines, shared meanings?: Examining place meaning in Puget Sound. *Applied Geography*, 135, 102559. doi:<https://doi.org/10.1016/j.apgeog.2021.102559>
- Trindade, T. C. G., MacLean, H. L., & Posen, I. D. (2021). Slum infrastructure: Quantitative measures and scenarios for universal access to basic services in 2030. *Cities*, 110, 103050. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.103050>
- Troisi, O., Fenza, G., Grimaldi, M., & Loia, F. (2022). Covid-19 sentiments in smart cities: The role of technology anxiety before and during the pandemic. *Computers in Human Behavior*, 126, 106986. doi:<https://doi.org/10.1016/j.chb.2021.106986>
- Turken, N., & Geda, A. (2020). Supply chain implications of industrial symbiosis: A review and avenues for future research. *Resources, Conservation and Recycling*, 161, 104974. doi:<https://doi.org/10.1016/j.resconrec.2020.104974>
- Upham, P., Sovacool, B., & Monyei, C. (2022). Digital bricolage: Infrastructuring lower carbon digital space via Nordic datacentre development. *Political Geography*, 96, 102617. doi:<https://doi.org/10.1016/j.polgeo.2022.102617>
- Vaithilingam, S., Nair, M., Macharia, M., & Venkatesh, V. (2022). Mobile communication and use behavior of the urban poor in a developing country: A field study in Malaysia. *International Journal of Information Management*, 63, 102440. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ijinfomgt.2021.102440>
- Vakulenko, K., Kuhtin, K., Afanasieva, I., & Galkin, A. (2019). Designing Optimal Public Bus Route Networks in a Suburban Area. *Transportation Research Procedia*, 39, 554-564. doi:<https://doi.org/10.1016/j.trpro.2019.06.057>
- Valente, D., Pasimeni, M. R., & Petrosillo, I. (2020). The role of green infrastructures in Italian cities by linking natural and social capital. *Ecological Indicators*, 108, 105694. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2019.105694>
- Valente de Macedo, L. S., Barda Picavet, M. E., Puppim de Oliveira, J. A., & Shih, W.-Y. (2021). Urban green and blue infrastructure: A critical analysis of research on developing countries. *Journal of Cleaner Production*, 313, 127898. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2021.127898>
- Valenzuela-Levi, N., Fuentes, L., Ramirez, M. I., Rodriguez, S., & Señoret, A. (2022). Urban sustainability and perceived satisfaction in neoliberal cities. *Cities*, 126, 103647. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103647>

- Vásquez, W. F., & Alicea-Planas, J. (2018). Unbundling household preferences for improved sanitation: A choice experiment from an urban settlement in Nicaragua. *Journal of Environmental Management*, 218, 477-485. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jenvman.2018.04.085>
- Venanzoni, G., Carlucci, M., & Salvati, L. (2017). Latent sprawl patterns and the spatial distribution of businesses in a southern European city. *Cities*, 62, 50-61. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2016.12.008>
- Venerandi, A., Iovene, M., & Fusco, G. (2021). Exploring the similarities between informal and medieval settlements: A methodology and an application. *Cities*, 115, 103211. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103211>
- Venkadavarahan, M., & Marisamynathan, S. (2021). Development of urban freight trip generation models concerning establishment classification process for a developing country. *International Journal of Transportation Science and Technology*. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ijst.2021.08.001>
- Ventura, P., Zazzi, M., Rossetti, S., & Carra, M. (2020). Urban Development and Airports in Northern and Central Italy: Main Trends and a Focus on Parma Giuseppe Verdi Case Study. *Transportation Research Procedia*, 45, 914-921. doi:<https://doi.org/10.1016/j.trpro.2020.02.076>
- Vermeiren, K., Crols, T., Uljee, I., De Nocker, L., Beckx, C., Pisman, A., . . . Poelmans, L. (2022). Modelling urban sprawl and assessing its costs in the planning process: A case study in Flanders, Belgium. *Land Use Policy*, 113, 105902. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2021.105902>
- Versey, H. S. (2021). Perceptions of community among suburban and urban-dwelling adults aging in place. *Journal of Aging Studies*, 59, 100969. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jaging.2021.100969>
- Wang, M., & Debbage, N. (2021). Urban morphology and traffic congestion: Longitudinal evidence from US cities. *Computers, Environment and Urban Systems*, 89, 101676. doi:<https://doi.org/10.1016/j.compenvurbsys.2021.101676>
- Wang, X., Tong, D., Gao, J., & Chen, Y. (2019). The reshaping of land development density through rail transit: The stories of central areas vs. suburbs in Shenzhen, China. *Cities*, 89, 35-45. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.01.013>
- Wang, X., Wong, Y. D., Li, K. X., & Yuen, K. F. (2021). Shipping industry's sustainability communications to public in social media: A longitudinal analysis. *Transport Policy*, 110, 123-134. doi:<https://doi.org/10.1016/j.tranpol.2021.05.031>
- Wang, X., & Xu, J. (2021). Deterrence and leadership factors: Which are important for information security policy compliance in the hotel industry. *Tourism Management*, 84, 104282. doi:<https://doi.org/10.1016/j.tourman.2021.104282>

- Wang, Y., Beshir, M., Cicione, A., Hadden, R., Krajcovic, M., & Rush, D. (2021). A full-scale experimental study on single dwelling burning behavior of informal settlement. *Fire Safety Journal*, 120, 103076.
- Wang, Y., Beshir, M., Hadden, R., Cicione, A., Krajcovic, M., Gibson, L., & Rush, D. (2022). Laboratory experiment of fire spread between two informal settlement dwellings. *International Journal of Thermal Sciences*, 171, 107195. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ijthermalsci.2021.107195>
- Wang, Y., Yamaguchi, K., & Wong, Y. D. (2020). The multivalent nexus of redevelopment and heritage conservation: A mixed-methods study of the site-level public consultation of urban development in Macao. *Land Use Policy*, 99, 105006. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.105006>
- Wang, Y., Yao, Y., Chen, S., Ni, Z., & Xia, B. (2022). Spatiotemporal evolution of urban development and surface urban heat island in Guangdong-Hong Kong-Macau greater bay area of China from 2013 to 2019. *Resources, Conservation and Recycling*, 179, 106063. doi:<https://doi.org/10.1016/j.resconrec.2021.106063>
- Washbourne, C.-L. (2022). Environmental policy narratives and urban green infrastructure: Reflections from five major cities in South Africa and the UK. *Environmental Science & Policy*, 129, 96-106. doi:<https://doi.org/10.1016/j.envsci.2021.12.016>
- Webb, L., Clough, J., O'Reilly, D., Wilmott, D., & Witham, G. (2017). The utility and impact of information communication technology (ICT) for pre-registration nurse education: A narrative synthesis systematic review. *Nurse Education Today*, 48, 160-171. doi:<https://doi.org/10.1016/j.nedt.2016.10.007>
- Wen, L., Chatalova, L., Butsic, V., Hu, F. Z., & Zhang, A. (2020). Capitalization of land development rights in rural China: A choice experiment on individuals' preferences in peri-urban Shanghai. *Land Use Policy*, 97, 104803. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104803>
- Williams, S., Xu, W., Tan, S. B., Foster, M. J., & Chen, C. (2019). Ghost cities of China: Identifying urban vacancy through social media data. *Cities*, 94, 275-285. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.05.006>
- Winter, S. C., Aguilar, N. J., Obara, L. M., & Johnson, L. (2021). "Next, it will be you": Women's Fear of Victimization and Precautionary Safety Behaviors in Informal Settlement Communities in Nairobi, Kenya. *Violence against women*, 10778012211045718.
- Woods, O. (2022). A harbour in the country, a city in the sea: Infrastructural conduits, territorial inversions and the slippages of sovereignty in Sino-Sri Lankan development narratives. *Political Geography*, 92, 102521. doi:<https://doi.org/10.1016/j.polgeo.2021.102521>
- Woulfin, S. L., & Jones, B. (2021). Special development: The nature, content, and structure of special education teachers' professional learning

- opportunities. *Teaching and Teacher Education*, 100, 103277. doi:https://doi.org/10.1016/j.tate.2021.103277
- Wu, J., Ta, N., Song, Y., Lin, J., & Chai, Y. (2018). Urban form breeds neighborhood vibrancy: A case study using a GPS-based activity survey in suburban Beijing. *Cities*, 74, 100-108. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.11.008
 - Wu, R., Huang, X., Li, Z., Liu, Y., & Liu, Y. (2019). Deciphering the meaning and mechanism of migrants' and locals' neighborhood attachment in Chinese cities: Evidence from Guangzhou. *Cities*, 85, 187-195. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.09.006
 - Xia, Y., Yabuki, N., & Fukuda, T. (2021). Development of a system for assessing the quality of urban street-level greenery using street view images and deep learning. *Urban Forestry & Urban Greening*, 59, 126995. doi:https://doi.org/10.1016/j.ufug.2021.126995
 - Xu, C., Shi, X., Jia, M., Han, Y., Zhang, R., Ahmad, S., & Jia, H. (2022). China Sponge City database development and urban runoff source control facility configuration comparison between China and the US. *Journal of Environmental Management*, 304, 114241. doi:https://doi.org/10.1016/j.jenvman.2021.114241
 - Xu, S., & Ehlers, M. (2022). Automatic detection of urban vacant land: An open-source approach for sustainable cities. *Computers, Environment and Urban Systems*, 91, 101729. doi:https://doi.org/10.1016/j.compenvurbsys.2021.101729
 - Yang, W. (2022). Top-down spatial developments and bottom-up consumption of space: Merits at the micro-scale in China's shrinking cities. *Habitat International*, 119, 102487. doi:https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2021.102487
 - Yeboah, V., Asibey, M. O., & Abdulai, A.-S. J. (2021). Slum upgrading approaches from a social diversity perspective in the global south: Lessons from the Brazil, Kenya and Thailand cases. *Cities*, 113, 103164. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103164
 - Yigitcanlar, T., Degirmenci, K., Butler, L., & Desouza, K. C. (2022). What are the key factors affecting smart city transformation readiness? Evidence from Australian cities. *Cities*, 120, 103434. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103434
 - You, L., Li, Y., Wang, R., & Pan, H. (2020). A benefit evaluation model for build-up land use in megacity suburban districts. *Land Use Policy*, 99, 104861. doi:https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104861
 - Zabel, R., & Kwon, Y. (2021). Evolution of urban development and regeneration funding programs in German cities. *Cities*, 111, 103008. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.103008
 - zandi, R., Zanganeh, M., & Akbari, E. (2019). Zoning and spatial analysis of poverty in urban areas (Case Study: Sabzevar City-Iran). *Journal*

- of *Urban Management*, 8(3), 342-354.
doi:https://doi.org/10.1016/j.jum.2019.09.002
- Zareba, A., Widawski, K., Kołodziejczyk, K., Krzemińska, A., Marek, A., & Rozenkiewicz, A. (2021). City profile: Poznań – One of the “normals” in the centre of Europe. *Cities*, 111, 103095. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.103095
 - Zazyki, M. A., da Silva, W. V., de Moura, G. L., Kaczam, F., & da Veiga, C. P. (2022). Property rights in informal settlements. *Cities*, 122, 103540. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103540
 - Zhan, Y. (2021). Beyond neoliberal urbanism: Assembling fluid gentrification through informal housing upgrading programs in Shenzhen, China. *Cities*, 112, 103111. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103111
 - Zhang, X. (2022). The Application of Spatial Information Technology in the Rural Elderly Care Model under the Strategy of “Building a Country with a Strong Transportation Network” in China. *Transportation Research Procedia*, 61, 481-486. doi:https://doi.org/10.1016/j.trpro.2022.01.078
 - Zhao, L., & Shen, L. (2019). The impacts of rail transit on future urban land use development: A case study in Wuhan, China. *Transport Policy*, 81, 396-405. doi:https://doi.org/10.1016/j.tranpol.2018.05.004
 - Zhao, P., & Zhang, M. (2018). Informal suburbanization in Beijing: An investigation of informal gated communities on the urban fringe. *Habitat International*, 77, 130-142. doi:https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2018.01.006
 - Zhao, Y., Ponzini, D., & Zhang, R. (2020). The policy networks of heritage-led development in Chinese historic cities: The case of Xi'an's Big Wild Goose Pagoda area. *Habitat International*, 96, 102106. doi:https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2019.102106
 - Zhu, J., & Guo, Y. (2022). Social justice in spatial change: transition from autonomous rural development to integrated urbanization in China. *Cities*, 122, 103539. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103539
 - Zhu, W., & Chen, J. (2022). The spatial analysis of digital economy and urban development: A case study in Hangzhou, China. *Cities*, 123, 103563. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103563
 - Zhu, X., Gao, M., Zhang, R., & Zhang, B. (2021). Quantifying emotional differences in urban green spaces extracted from photos on social networking sites: A study of 34 parks in three cities in northern China. *Urban Forestry & Urban Greening*, 62, 127133. doi:https://doi.org/10.1016/j.ufug.2021.127133
 - Zhu, Y., Wang, W. W., Lin, L., Shen, J., & Ren, Q. (2021). Return migration and in situ urbanization of migrant sending areas: Insights from a survey of seven provinces in China. *Cities*, 115, 103242. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103242

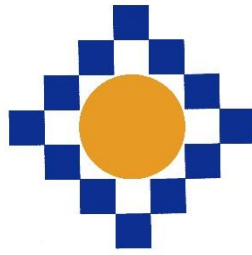
Abstract

The special forms of distribution of information and communication technology and the emergence of peripheral places will limit the balance and social order in the urban environment. Based on the understanding of the activities of the people who are present in the marginal areas, this thesis has tried to present basic concepts for the development of these areas based on the phenomenological method, in order to understand the development of the urban periphery from the perspective of the residents of the macro development policies. urban and suburban development should be planned and designed.

For this purpose, by using the exploratory sequential method in the first stage, understanding the meaning of development and in the second stage confirming the components extracted from the initial stage of the research was done. Therefore, in the first stage, with the phenomenological method in order to understand the lived experience of two groups of people whose understanding of the development of marginal areas was influential on the development process of the region under study, based on the structure of qualitative research and theoretical saturation, the first group of 42 people from Marginal residents of the city and the second spectrum of 26 city officials who are involved in the development of the outskirts of Rasht, a semi-structured in-depth interview was conducted in a targeted manner. In the second stage, using the survey method in the study area and a questionnaire made by the researcher, which was prepared and extracted from the qualitative research using face validity, and using the Cochran formula, the sample size was $385 \cong 381$ people who live in the marginal areas. Residents of the city of Rasht were broadcasted and data analysis was done.

The preliminary results of the qualitative research were confirmed and the necessary revision was done to modify the results through the survey. In summary, the findings of the research show that the marginal residents understand the meaning of development in the outskirts of the city as development-oriented, ethics-oriented, transparent-oriented, quality-oriented and psycho-oriented, and the city officials understand the meaning of development among the marginalized areas as the government. They know axial, stable axial, collective axial and commitment axial. By using the quantitative method, the extracted data were confirmed in the first stage.

Keyword: The meaning of development, information and communication technology, phenomenology, marginalization, urban marginal development.



National Research Institute for Science Policy
(N.R.I.S.P.)

Research Project

Constructing the meaning of development in marginalized areas based on ICT information and communication technologies

By:

Milad Pourrajabi

Winter 2021